

نماز و دانشگاه (مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز)

مؤلف: دبیر خانه دائمی اجلاس سراسری نماز

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۸۰

چاپ: ۲۰۰۰

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزكوة

همزمان با استقرار و تشکیل دولت کریمه ی هشتمین دوره ی ریاست جمهوری اسلامی ایران، یازدهمین اجلاس سراسری اقامه نماز با میزبانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برگزار می شود.

صدور پیام مقام معظم رهبری به این اجلاس مبارک و سخنرانی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای سید محمد خاتمی در یازدهمین اجلاس، از اولین پیام ها و سخنرانی ها بعد از استقرار دولت جدید است.

وجه تمایز تمکن اهل ایمان بر روی زمین با متمکنان غیر مومن به خدا و سنتهای او در همین است که اهل ایمان چون به اقتدار و امکان دست می یابند آن را در اعتلاء کلمة الله، اصلاح زندگی مردم به لحاظ معیشت، اخلاق، فرهنگ و سیاست به کار می گیرند و پرچم نماز را به اهتزاز در می آورند تا نشان بندگی خداوند متعال، نشانه راه رهپویان حقیقت باشد و امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تحت کنترل معیار های ارزشی شریعت قرار گیرد. اما در مقابل تمکن یافتگان غیر مومن به خداوند متعال و رسولان الهی و کتابهای آسمانی و روز آخرت، به جای اندیشیدن در مبدا و منتهای

[صفحه ۹]

عالم هستی و حق و تکلیفی که در این جهان برای انسان معین و مقدر شده است، خود را در مدار جاذبه نیازهای طبیعی و شهوات درونی گم می کنند و بی آنکه در ورای همین جاذبه ها به دنیای قدسی و جهان متعالی نگاه کنند، ربوده ی تالوهای کاذب حیات مادی می گردند و اینان یاد خدا را ضایع می کنند و درصدد خاموشی چراغ هدایت درونی انسانها بر می آیند.

دولت کریمه ی اسلامی، آحاد مردم مومن در جامعه اسلامی خود را موظف می دانند که معالم الهی را پاس بدارند و شعایر الهی را تعظیم کنند. در این بین نقش اندیشمندان، علما، اساتید، روشنفکران و فرهیختگان جامعه بس مهم و موثر است؛ زیرا علما و دانشمندان اسوه های علمی و عملی جامعه هستند.

آنها با تحقیق و پژوهش، تعلیم و آموزش و روشنگری و تبلیغ می توانند بایسته ها و شایسته های اقامه و تعظیم شعایر الهی را تبیین کنند و خود در مسیر تحقق اهداف و آرمان های جامعه دینی پیشتاز و پیشگام باشند. به همین مناسبت یازدهمین اجلاس سراسری نماز، عنوان «نماز و دانشگاه» را بر خود برگزید تا ضمن فرا خواندن قشر اندیشمند و فرهیخته کشور، به تاملی دیگر در باب نماز، از اندیشه و نظر آنان در راه گسترش فرهنگ نماز این فریضه سترگ الهی بهره مند شود.

فرهنگ نماز، فرهنگ بی بدیل بندگی و آزادگی، تواضع و غرور، استعانت جویی و استقامت، پیوستگی و و ارستگی، اقبال به اهل ایمان و ادبار به اهل کفر، نیازجویی از خدا و بی نیازی از خلق و بالاخره در یک کلمه فرهنگ نماز، فرهنگ خدایی شدن انسان خاکی است.

یقیناً پیشتازی در اقامه نماز این فریضه الهی، نیازمند شناختن راه، روش، هدف و موانع است. برای همین منظور در فراخوان علمی این اجلاس با رایزنی اصحاب فکر و نظر موضوعات:

- نماز و دانشگاهیان

- نماز، آموزش و پژوهش

- نماز و نهادهای دانشگاهی

- نماز و فعالیت های فوق برنامه ای

- موضوعات ویژه

با زیر عنوان های مربوطه پیشنهاد شد تا در معرض توجه و اندیشه ورزی دانشجویان،

[صفحه ۱۰]

دانش پژوهان و اساتید قرار گیرد و از رهاورد پژوهش و ژرف اندیشی علمی آنان، همگان بهره گیرند.

آثار رسیده به کمیته علمی اجلاس که متجاوز از ۱۶۰ عنوان مقاله، گزارش، تحقیق و پژوهش میدانی بود، توسط هیات علمی اجلاس مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و تعدادی از آنها برای ارائه در اجلاس و درج در مجموعه مقالات برگزیده شدند که در دسترس شماست.

در اجلاس یازدهم علاوه بر فراخوان علمی، فراخوان آثار فرهنگی و هنری نیز صادر شده است که پذیرفته شدگان این بخش به شکل نمایشگاهی آثار فرهنگی و هنری خود را در حاشیه اجلاس در معرض بازدید شرکت کنندگان و علاقمندان قرار می دهند.

در برگزاری اجلاس یازدهم، کمیته های مختلفی، شامل کمیته علمی، کمیته فرهنگی و تبلیغی، کمیته ارزشیابی، کمیته ارتباطات، کمیته نمایشگاه، کمیته اسکان، کمیته استقبال، کمیته تدارکات و پشتیبانی، کمیته حمل و نقل، کمیته حراست و امنیت در تهران و اصفهان با مسئولیت و مشارکت، استانداری اصفهان، دانشگاه های تابعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ستاد اقامه نماز اصفهان، ادارات و نهادها و سازمان های دولتی استان اصفهان انجام وظیفه نموده اند. همچنانکه در ستاد برگزاری اجلاس نمایندگان محترم وزارت علوم تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش و پزشکی، وزارت آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد اسلامی، جهاد دانشگاهی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و استانداری اصفهان مشارکت و فعالیت داشته اند.

در خاتمه لازم می داند ضمن تشکر از مساعی و تلاش همه دستگاه ها و نهادها و سازمانها و دانشگاه های کشور، از تلاش های ویژه جناب آقای موسوی استاندار محترم، جناب آقای مهندس سیف الهی معاون عمرانی استاندار و رئیس ستاد هماهنگی استانی اجلاس یازدهم، جناب آقای دکتر رضایی ریاست محترم دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و رئیس کمیته اجرایی اجلاس، و همکاران ستاد اقامه نماز استان اصفهان که در برگزاری اجلاس اهتمام داشته اند قدرانی نماید.

دبیر خانه دائمی اجلاس سراسری نماز

مطالعه نگرش دانشجویان خواهر رشته پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان در

مورد اثرات نماز در رفع مشکلات روانی آنان در سال ۱۳۸۰

جناب آقای فریمان ابراهیم زاده

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

[صفحه ۱۳]

مقدمه

بر مبنای آنچه که از لابلای آیات قرآنی و بیانات معصومین (علیهم السلام) استنباط می شود عمده ترین فلسفه آفرینش انسان، مسیر تکاملی او، بندگی خدا و رهایی از بندگی غیر او می باشد و شایستگی مقام خلیفه الهی تنها با استعداد کمال پذیری او قابل توجیه است.

حضرت سجاد (علیه السلام) به دفعات، «عافیت» را با خصوصیات و جوانب گوناگون آن از خدای تعالی طلب نموده اند، با استناد به ادعیه حضرت (علیه السلام) و با برداشتی آزاد از آنها که مسلماً این برداشت کامل نیست و جای بحث و بررسی فراوان دارد، تعریف ذیل از سلامت ارائه می شود:

سلامتی نعمتی است الهی که موجب آسایش کامل جسمی، روحی و اجتماعی است و باید بر سرتاسر وجود انسان گسترده باشد. انسان در دنیا و آخرت به آن نیاز دارد و به علاوه باید رشد یابد و پویا باشد. [۱].

در دین مبین اسلام، سلامتی به منزله فراهم آوردن عمری طولانی جهت رسیدن به هدف اصلی یعنی کمال تلقی گردیده است. با توجه اینکه خلقت انسان بیهوده نیست و زندگی انسان هدفمند است لذا توجه به سلامتی ارزشمند و حفظ آن واجب است.

با تن و روح و روان سالم، امکان انجام بهتر و آسانتر عبادت فراهم می گردد. در نظام ارزشهای اسلامی، ارزش ارزشها در عبادت است، و در میان اعمال عبادی، نماز برجستگی و درخشندگی

[صفحه ۱۴]

خاصی دارد و جلوه روشن عبادت و پرستش به حساب می آید.

نماز عالترین وسیله راز و نیاز خداست، بهترین وسیله ارتباط مستقیم بنده مخلص با مولا و پروردگار است. نماز خاصه مکتب اسلام و روشن گر راه مسلمانی و نشان دهنده مسؤولیت ها، تکلیف ها و نتیجه ها است.

عبادت موجب تقرب و تقرب موجب محبوبیت نزد خداست و انسان در اثر این نزدیکی قابلیت عنایت خاص می یابد و در اثر آن عنایت ها گوش، چشم و زبان او حقانی می گردد، با قدرت الهی می شنود، می بیند و می گوید.

از نقطه نظر دیگر فریضه نماز بعنوان یک فریضه ی الهی از منبع لایزال او، ضمن اینکه در اصل، وسیله قرب الهی و تکامل انسان محسوب می گردد، هم چنین در تأمین و ارتقای سلامت انسان نقش بسزایی دارد و بدین وسیله آدمی مسیر تکاملی خویش را بخوبی می تواند طی کند.

[۱] علی اکبر اسدی پویا. «ارائه تعریفی از سلامت با استناد به ادعیه حضرت سجاد (علیه السلام)» مقاله اولین همایش بین المللی طب سنتی و

مقررات پزشکی، ۱۶ و ۱۹ آبان ماه ۱۳۷۹.

هدف کلی پژوهش

تعیین نحوه نگرش دانشجویان رشته پرستاری نسبت به فریضه نماز

اهداف ویژه پژوهش

- ۱- تعیین نحوه نگرش دانشجویان رشته پرستاری در سنین مختلف نسبت به فریضه نماز.
- ۲- تعیین نحوه نگرش دانشجویان رشته پرستاری در ترم های تحصیلی مختلف نسبت به فریضه نماز.
- ۳- تعیین نحوه نگرش دانشجویان رشته پرستاری با توجه به وضعیت دموگرافیک آنان نسبت به فریضه نماز.

فرضیه پژوهش

دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان در حد متوسطی، نگرش مثبت به فریضه نماز دارند.

تعریف واژه ها

نگرش

تعریف نظری: عبارت است از سازمان بندی نسبتا دایمی باورها در مورد یک شیء یا موقعیتی که فرد را آماده واکنش در یک جهت خاص می نماید و یک حالت آمادگی برای فرق گذاری بین محرکها (گرایش حسی) و آمادگی برای واکنش سریع نسبت به ظهور یک محرک معین می باشد. [۱].

تعریف علمی: منظور از نگرش در این پژوهش ساخت ذهنی و طرز فکر دانشجویان در مورد فریضه نماز است. [۸] راما چاندران، ل. «آموزش بهداشت». ترجمه فروغ شفیعی و اذن الله آذرگشپ. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۴.

دانشجو

تعریف نظری: کسانی که پس از اتمام تحصیلات دوره متوسطه جهت ادامه تحصیلات عالیه در رشته های مختلف در مراکز آموزش عالی مشغول درس می باشند.

تعریف عملی: منظور از دانشجو در این پژوهش دانشجویان رشته پرستاری جنس مونث در مقطع کارشناسی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان در فاصله زمانی سالهای ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۰ تحصیل خود را آغاز و در حال حاضر دانشجو می باشند.

نماز

تعریف نظری: نماز در لغت به معنای پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی و اطاعت است. و یکی از فرائض واجب برای مسلمانان است. [۱].

تعریف عملی: منظور از نماز در این تحقیق نمازهای یومیه واجب است که هفده رکعت می باشد. [۱] نشریه با معارف اسلامی آشنا شویم. قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی شماره ۴۶. سال ۱۳۷۹. ص ۲۳ تا ۴۳.

دانستنیهای موجود در مورد عنوان پژوهش

چهارچوب پنداشتی این پژوهش که براساس آن مطالعه و بررسی صورت پذیرفته است و بعنوان زیربنای فکری مطرح است نگرش، نماز و مشکلات روحی و روانی را شامل می گردد.

نگرش، احساس یا حالتی است که عمدتاً شامل قضاوت‌های مثبت و منفی در مورد مردم، اشیاء و

[صفحه ۱۶]

عقاید می‌گردد. [۱].

اگر یک فرد، نگرش بخصوص دارد این به آن معنی است که او احتمالاً به شیوه‌های خاصی واکنش نشان می‌دهد. بطور کلی در جامعه، نظریات و عقاید (و بعضی از موارد تعصبات) درباره بیماریهای مختلف وجود دارد. این اعتقادات و گرایشها برای پیشگیری در هر سطحی در برنامه بهداشتی جهت کنترل بیماریها کمک یا سد کننده هستند. [۲].

تغییر در گرایش یک فرآیند یادگیری است. جهت برقراری ارتباط مؤثر به فرد، موضوع را به امور ذهنی مانند موافق - مخالف - خوب - بد - مطلوب و نامطلوب تبدیل و درجه بندی می‌کند و بعد از تشکیل قضاوت خویش گرایش خود را شکل می‌دهد.

گرایش نشان دهنده تمایل جنسی و روانی فرد در مورد هر چیزی که در پیرامونش قرار دارد می‌باشد. گرایشها پایه‌های استنباط برای مشاهده ثبات رفتار در بین افراد می‌باشد. [۳].

گرایشها به تنهایی نشان می‌دهد که مردم به انجام چه کاری علاقه دارند و از کدام خودداری می‌کنند و نیز طریقه انجام آنها را به همان اندازه گفته‌های مردم باز می‌نمایاند.

در تشکیل گرایشها، عوامل درونی و بیرونی متعددی مشارکت دارند. عوامل درونی اشاره به انگیزه‌ها، ادراکات، تصورات، ارزشهای افراد و غیره دارند و منظور از عوامل بیرونی، گرایشهای دیگران، ارزشها، آداب و رسوم و باورهای جمعی هستند. [۴].

[۱] تابلور، «اصول پرستاری»، بخش یک. ترجمه گروه مترجمین دانشکده پرستاری مامائی شهید بهشتی. تهران انتشارات بشری ۱۳۷۵. ص ۵۶.

[۲] راما چاندران، ل. «آموزش بهداشت». ترجمه فروغ شفیعی و اذن الله آذرگشپ. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۴.

[۳] پریوش حلم سرشت و اسماعیل دل پیشه. «آموزش بهداشت و اولویت‌های بهداشتی جهت آموزش». تهران. انتشارات چهره: سال ۱۳۷۴ ص

[۴] یریوش حلم سرشت و اسماعیل دل پیشه. «آموزش بهداشت و اولویت های بهداشتی جهت آموزش». تهران. انتشارات چهره: سال ۱۳۷۴ ص ۳۱ تا ۳۵.

نماز

تاریخچه نماز

قبل از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز در تمامی آئین ها بوده است. حضرت ابراهیم (علیه السلام)، حضرت موسی (علیه السلام) و حضرت عیسی (علیه السلام) هر یک به نوعی توجه و توصیه به نماز داشته اند. بطوریکه می توان گفت نماز در تمام ادیان بوده است؛ به عنوان مثال قرآن از زبان حضرت عیسی (علیه السلام) نقل می کند که خداوند مرا به نماز سفارش کرده است. «و اوصانی بالصلوة» [۱] و یا به

[صفحه ۱۷]

حضرت موسی (علیه السلام) خطاب شده است. «و اقم الصلوة لذكری» [۲] یا حضرت ابراهیم (علیه السلام) از خداوند برای خود و ذریه اش توفیق اقامه نماز را می خواهد: «رب اجعلنی مقيم الصلوة و من ذریتی» [۳].

[۱] مریم / ۳۱.

[۲] طه / ۲۴.

[۳] ابراهیم / ۴۰.

اهمیت نماز

حجة الاسلام و المسلمین قرائتی در بیان اهمیت نماز مطالبی را مطرح فرموده اند که به اجمال عبارتند از (۶): ۱- نماز در تمام ادیان بوده است. ۲- نماز پرتنوع ترین عبادت ها است. ۳- هیچ عبادتی به اندازه نماز تبلیغات ندارد. ۴- نماز در رأس همه عبادات است. ۵- نماز و هجرت (حضرت ابراهیم (علیه السلام) می گوید: «خداوند ذریه خودم را در منطقه خشک بی آب و گیاه قرار دادم برای اقامه نماز». ۶- ترک مهم ترین جلسات تاریخ بخاطر نماز. ۷- نماز اول وقت وسط جنگ صفین توسط حضرت علی (علیه السلام). ۸- نماز در جلو چشم دیگران نه در خفا توسط امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا. ۹- بانی مسجد و معمار و مهندس و بنا باید اهل نماز باشند. «انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر و اقام الصلوة» [۱] ۱۰- تحریم شراب و قمار بخاطر جدا شدن از نماز است. «و یصدکم عن ذکر الله و عن الصلوة» [۲] ۱۱- توفیق اقامه نماز از دعاها ی حضرت ابراهیم (علیه السلام) است «رب اجعلنی مقيم الصلوة و من ذریتی» ۱۲- نماز هیچ قید و شرطی ندارد، در صورتیکه هر یک از دستورات

اسلامی دیگر ممکن است به دلیلی تعطیل شود. ۱۳- نماز اولین واجب بعد از ایمان به توحید و معاد است «الذین یؤمنون بالغیب و یمیمون الصلوة» ۱۴- نماز همراه با مردم داری (قرآن در سوره بقره آیه ۸۳ می فرماید: نمازگزار باید با مردم خوب حرف بزند). ۱۵- خداوند ستایشگر کسی است که نماز را بر همه کارها مقدم می دارد. «رجال لا تلهیهم تجاره و لا بیع» ۱۶- انتقاد شدید خداوند به خاطر ترک یا بی توجهی به نماز است. (در سوره های قیامت ۳۱، علق ۴۰، مائده ۵۸، نساء ۱۴۲، ماعون ۴ و ۵ و سوره جمعه به مساله اشاره شده است). ۱۷- سوز و تلاش برای نماز توسط انبیاء و اولیاء. ۱۸- ترک نماز و گرفتاری در دوزخ (در سوره مدثر آمده است اولین عامل

[صفحه ۱۸]

دوزخی شدن، پایبند نبودن به نماز است). ۱۹- تارک نماز، امیدی ندارد. ۲۰- نماز، کلید قبول تمام عبادتها است (مطابق روایات). ۲۱- نماز اولین کلام و آخرین وصیت اولیا است. ۲۲- نماز وسیله آزمایش خود است (هر که می خواهد بداند مقام و ارزش او نزد خداوند چیست، ببیند که خداوند نزد او چه مقامی دارد) [۳] ۲۳- مطابق حدیث [۴] نماز اولین سؤال در قیامت است.

[۱] توبه / ۱۸.

[۲] مائده / ۹۱.

[۳] بحار، ج ۷۵، بیروت، ص ۹۹.

[۴] بحار، ج ۷، بیروت، ص ۲۶۷.

روح عبادت و نماز

شناخت معبود و آفریدگار، محبت او را در دل ایجاد می کند و این محبت، انسان را به پرستش در عبادت و اظهار کوچکی و تواضع در برابر عظمت او و اوا می دارد. نماز، جلوه ای از بندگی انسان در پیشگاه خدا و مظهر عبودیت و عبادت است. آنکه بنده آفریدگار است و این بندگی را احساس می کند و می داند و باور دارد، در برابر او، مطیع فرمان است و در پیشگاهش سر بر خاک می نهد و قامت خم می کند و به سجده می افتد و با وی راز و نیاز می طلبد و آن خالق بی همتا را که سر رشته دار اوست، به عظمت و پاکی می ستاید. [۱].

یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود آدمی، حس نیایش و پرستش است. مطالعه آثار زندگی بشر نشان می دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته است، نیایش و پرستش هم وجود داشته است.[۲] .

فلسفه آفرینش انسان، بندگی و عبادت و عبودیت است. این صریح کلام الهی در قرآن کریم است که می فرماید: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»[۳] .

«جن و انس را جز برای پرستش و بندگی خود، نیافریدیم».

این حکمت و هدف والا، سرلوحه همه رسولان الهی نیز بوده است. در سوره زمر آیه ۷ آمده است: (در هر امتی پیامبری برانگیختیم که (به مردم بگویند): الله را پرستید و بنده خدا باشید و از طاغوت بپرهیزید. ناگفته نماند که این بندگی کردن، سودی به خدا نمی رساند، بلکه مایه عزت و سعادت خود انسان است و گرنه خداوند بی نیاز مطلق است.[۴] .

[صفحه ۱۹]

بطور کلی آنچه که ریشه و سبب عبودیت و بندگی انسان است عبارت است از:

۱- عظمت خداوند ۲- احساس نیاز و وابستگی ۳- سپاس نعمت ۴- فطرت

روح عبادت در فطرت انسان نهفته است و اگر خوب رهبری نشود به عبادت بت و طاغوت می گراید. عبادت حضور در برابر خدایی است که صاحب جهان است و نشستن بر سر مائده های معنوی پروردگار است که برای بندگان فراهم کرده است. امام صادق (علیه السلام) فرموده است: کسی که دو رکعت نماز بخواند و بداند با که سخن می گوید، گناهانش بخشیده می شود. در این صورت است که نماز، معراج روح می شود و عامل بازدارنده از فساد و موجب قرب به خدا.[۵] .

نماز، وسیله تشکر و سپاس از نعمت های الهی است، عمود و پایه دین، کلید بهشت، وسیله سنجش و شناخت مردم و از بین برنده گناهان پاک کننده دل و جان است.

فارابی فیلسوف معروف اسلامی می گوید: آسمان که گردش می کند، آن گردش، نماز و عبادت و پرستش آسمان است و زمین که تکان می خورد همین جور، باران که ریزش می کند، آن ریزش، پرستش اوست، آب که جریان پیدا می کند، آن جریان، پرستش و عبادت اوست.[۶] .

[۱] محسن قرائتی. «راز نماز برای جوانان» تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سال ۱۳۶۸. ص ۱۱ تا ۴۵.

[۲] حسین واعظی نژاد. «طهارت روح» تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز. سال ۱۳۷۴. ص ۱۷ تا ۵۲.

[۳] ذاریات / آیه ۵۶.

[۴] محسن قرائتی. «راز نماز برای جوانان» تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سال ۱۳۶۸. ص ۱۱ تا ۴۵.

[۵] محسن قرائتی. «راز نماز برای جوانان» تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سال ۱۳۶۸. ص ۱۱ تا ۴۵.

[۶] حسین واعظی نژاد. «طهارت روح» تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز. سال ۱۳۷۴. ص ۱۷ تا ۵۲.

نماز و آرامش

تنها مشکلی را که دنیای علم و صنعت امروز حل نکرده مشکل آرامش روحی است. هر روز آمار بیماریهای روانی و جنون و مصرف قرص های اعصاب زیاد می شود. هیچ چیزی به انسان آرامش نمی دهد جز یاد خدا و ایمان و انس و عشق و توکل به او [۱].

حالت یأس انسان از رحمانیت خدا برطرف گردیده و با رحیمیت خداوند، امید بیشتر میشود و نیز انشس بیشتر گشته و قدمی پیشتر می گذارد، زیرا که با توجه به این رحمت، انسان قرب پیدا می کند [۲]، نماز تأثیراتی را که در نتیجه معاشرت و توجه به دنیا و تعلق به او، و در نتیجه خودپسندی در انسان به وجود آمده و نیز اثرات سوئی که دنیای مجاور بر روی فرد دارد شستشو می دهد. [۳].

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابوذر غفاری می فرماید: خدا روشنی چشم مرا در نماز قرار داده و آن را هم چون غذا برای گرسنه و آب برای تشنه، محبوب من ساخته است، همانا گرسنه چون غذا بخورد، سیر و تشنه چون آب بیاشامد، سیراب می شود، ولی من از نماز سیر نمی شوم. [۴] و یا در حدیث دیگری

[صفحه ۲۰]

می فرمایند: نماز به منزله سر نسبت به تن است.

انسان هنگامی که از طریق نماز، روح خود را به معراج می فرستد و با خدا و نام او پیوند می دهد، احساس عزت و قدرت می کند و از هیچ کس و هیچ قدرتی نمی ترسد. [۵].

در حدیثی حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: خداوند نماز را به جهت منزّه بودن از کبر و سرکشی واجب نموده است. [۶].

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز را به چشمه آب گرم تشبیه فرموده که بر در خانه مردی باشد و شبانه روز پنج نوبت در آن شستشو نماید، تن چنین آدمی هیچ وقت آلوده به چرک و کثافت گناه نمی شود. [۷]

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: [۸] بهترین مردم کسی است که به عبادت خدا عشق بورزد و برای آن آغوش باز کند و از جان آن را دوست بدارد و با بدن خود بدان بپردازد و به چیز دیگر اشتغال نیابد.

چنین کسی را اندیشه آن نخواهد بود که دنیایش با آسایش و راحتی بگذرد و یا با سختی و مشقت. [۹]

بهترین تعریف را از تعبیر قرآن مجید در سوره عنکبوت آیه ۴۵ باید فهمید که می فرماید:

بدرستی که نماز از هر کار قبیح و نادرستی باز می دارد؛ یعنی حقیقت نماز، شخص نمازگزار را اصلاح می کند. [۱۰]

یکی از اسرار عبادت آن است که هر یک را در قلب تأثیر و صورتی است که آن را نورانی کند و جنبه ملک را خاضع پیش حضرت ملکوت نماید و حالت انقیاد کامل از برای جنود نفس نسبت به روحانیت پیدا شود و اراده نفس مستقل گردد و هر یک از این امور از مهمات است که در عوالم غیبیه تأثیرها دارد و صورت غیبی بعضی از آنها بهشت صفات است که از بهشت اعمال بالاتر است. [۱۱]

الکسیس کارل، جراح دانشمند و فیزیولوژیست محقق فرانسوی، برنده جایزه نوبل در یکی از کتابهای خود، دعا را از نظر آثار فیزیولوژیکی و پسیکولوژی (جسمی و روانی) مطالعه کرده، آن را عمیق ترین و ظریف ترین نیازهای فطری انسان معرفی می کند. وی درباره اثر تسکینی و تحریکی دعا می گوید: نیایش را نباید با مرفین هم ردیف دانست زیرا نیایش در عین حال که آرامش می آورد

[صفحه ۲۱]

بطور کامل و صحیح در فعالیت های مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی و گاه قهرمانی و دلاوری را تحریک می کند... و خصال خویش را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فردی نشان می دهد. هم چنین بنظر می رسد که نیایش انسانها را آن چنان رشد می دهد که جامه ای که وراثت و محیط به قامتشان دوخته است برایشان کوتاه گردد. [۱۲]

وی می گوید: نماز به آدمی نیروی تحمل غم ها و مصائب را می بخشد، انسان را امیدوار می سازد و قدرت ایستادگی و مقاومت در برابر حوادث بزرگ را به او میدهد.

ویلیام جیمز یکی از مشهورترین روان شناسان انگلیسی می گوید: ما به واسطه نماز میتوانیم وارد انبار بزرگی از نشاط عقلانی شویم که در شرایط عادی یارای وصول بدان را نداریم.

دکتر توماس هایسکوپ می گوید: من به عنوان یک پزشک می گویم مهم ترین وسیله ایجاد آرامش در روان و اعصاب انسان (که من تاکنون شناخته ام) نماز است. [۱۳].

[۱] محسن قرائتی. «یکصد و چهارده نکته درباره نماز». تهران: انتشارات طرح اقامه نماز. سال ۱۳۷۲. ص ۱۷ تا ۳۵.

[۲] نهج الفصاحه، روایت ۳۰۷۵.

[۳] محی الدین حائری شیرازی. «نماز». قم: انتشارات اسلامی سال ۱۳۷۳. ص ۶ تا ۵۶.

[۴] بهیه شهبازیان. «آثار تربیتی نماز». مقاله. نشریه با معارف اسلامی آشنا شویم. قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی شماره ۴۶- سال ۱۳۷۹ ص ۴۶ تا ۵۱.

[۵] نشریه با معارف اسلامی آشنا شویم. قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی شماره ۴۶. سال ۱۳۷۹. ص ۲۳ تا ۴۳.

[۶] محمد مقیمی - نهج البلاغه - بخش کلمات قصار تهران. انتشارات سعدی: ۱۳۵۴. ص ۱۲۶۶.

[۷] محمد مقیمی - نهج البلاغه - بخش کلمات قصار تهران. انتشارات سعدی: ۱۳۵۴. ص ۱۲۶۶.

[۸] وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۶۱.

[۹] امام خمینی. «آداب نماز» تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام. سال ۱۳۷۳. ص ۱۲۲.

[۱۰] آیه الله سید عبدالحسین دستغیب. «صلوة الخاشعین». قم: انتشارات اسلامی. ص ۳.

[۱۱] امام خمینی - «سرالصلوة». تهران: انتشارات پیام آزادی. سال ۱۳۶۰. ص ۵۲.

[۱۲] نشریه با معارف اسلامی آشنا شویم. قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی شماره ۴۶. سال ۱۳۷۹ ص ۲۳ تا ۴۳.

[۱۳] بهیه شهبازیان. «آثار تربیتی نماز». مقاله. نشریه با معارف اسلامی آشنا شویم. قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی شماره ۴۶- سال ۱۳۷۹ ص ۴۶ تا ۵۱.

مشکلات روحی و روانی

بسیاری از محققین علوم به برخی از جنبه های رفتار بشر به عنوان شاخصهائی از سلامت روان ارزش می دهند. با توجه به بررسی رفتارهای انتخابی گوناگون که به منظور تعریفی برای سلامت روان انجام گردیده است. می توان این رفتارها را به شش روش مفهومی عمده تقسیم نمود. توأماً شش روش تصویری به حد کافی موثر بوده و ممکن است بتوان از آن بصورت راهنمایی جهت ارزشیابی وضعیت روانی افراد استفاده نمود که به اجمال عبارتند از:

نگرش ها نسبت به خود

این مفهوم در برگیرنده جنبه های مربوط به خودآگاهی، قبولی، اطمینان، میزان اعتماد به نفس، حس هویت شخصی در ارتباط با نقش خود، گروه ها، نقاط ضعف و توانایی ها، جنس، حرفه و نیز سایر افراد و غیره می باشد.

رشد، تکامل، تعالی نفس

.actualization .self ,Development ,Growth

نکته مهم در اینجا آن است که شخص با توانائی های بالفعل و بالقوه خود در دراز مدت چه میکند. اهداف آینده و حرکت او در جهت اهداف مورد توجه قرار می گیرد. سرمایه گذاری شخص در زندگی از جمله علایق بیرونی، مناسبات، اهمیت به حرفه و کار، ایده ها و غیره به بعد این مفهوم می افزاید.

ظرفیت تلفیق پذیری

.capacity Intergrative

مرکز ثقل این مفهوم ارتباط کلیه فرایندها و خصیصه های فرد است که سبب اتحاد و هماهنگی اعمال شخصی می گردد. جنبه های دیگر شامل فرد در تحمل اضطراب، سرخوردگی در زمان مقاومت در برابر فشارها می باشد. روانکاوان این مفهوم را به عنوان نیروهای روان (نهاد، من، من برتر) می دانند.

رفتارهای ارادی

.Behavior Autonomous

این مفهوم به قدرت فرد در تنظیم تصمیم گیری و اعمال او مربوط می شود؛ بنابراین اعمال تا حدی مستقل از تأثیرات فیزیکی و اجتماعی می باشد. از جنبه های دیگر این مفهوم توانائی در امتناع از تأیید موردی می باشد، بطوری که این تأیید از خواست های اجتماع بوده است که با سیستم ارزشی شخص در تضاد می باشد.

درک از واقعیت

.reality of Perception

محور این مفهوم چگونگی دیدگاه و واکنش فرد نسبت به دنیای اطرافش می باشد. توانائی درک از واقعیت زمانی است که فرد عاری از نیاز باشد، زیرا نیاز ممکن است ادراک فرد را دچار اختلال نماید.

غلبه بر محیط خود

environment ones of Mastery

این مفهوم در برگیرنده قدرت تطبیق و سازش، ارائه رفتار مناسب با موقعیت و استانداردهای قبول شده فرهنگی می باشد، که سبب رضایت از عشق، کار، بازی و روابط بین انسانی می گردد. قدرت حل مسائل همراه با ابزار مناسب احساس جنبه دیگری از این مفهوم را تشکیل می دهد.

[صفحه ۲۳]

ویژگیهای از بیماری روانی

ما به دلایل مختلف در بعضی از زمانها با بعضی شرایط دچار آشفتگی های هیجانی (احساس غمگینی) می شویم و زمانی حالت تنش و اضطراب، خشم و سردرگمی وجود ما را فرامی گیرد که این حالت ها چندان بطول نمی انجامد. چنین حالات و تغییراتی غیرطبیعی نیست و بعنوان اوقات تلخی، عصبانیت و غیره شناخته می شود. اما برخی ویژگی های بیماریهای روانی عبارتند از [۱].

- ۱- تغییرات غیر طبیعی در تفکر، عاطفه، حافظه، ادراکات و قضاوت فرد که از گفتار و رفتار او شناخته می شود.
- ۲- این تغییرات باعث ناراحتی و رنج خود فرد، اطرافیان یا هر دو می شود.
- ۳- این تغییرات و ناراحتی های حاصل از آن باعث اختلال در فعالیتهای روزمره شغلی و ارتباط با دیگران می گردد. (اختلال در فعالیتهای شغلی و اجتماعی خود)

[۱] جعفر بوالهری. بهداشت روان. تهران: انتشارات بشری سال ۱۳۷۶. ص ۱۳ تا ۱۵.

نشانه های بیماریهای روانی

جعفر بوالهری. بهداشت روان. تهران: انتشارات بشری سال ۱۳۷۶. ص ۱۳ تا ۱۵.

- ۱- اختلال در کارکردهای بدنی: اختلال در خواب، اشتها و مصرف غذا و میل و فعالیت جنسی
- ۲- اختلال در کارکرد روانی: رفتار، تکلم و تفکر، هیجانات (عواطف) ادراک، حافظه، هوش و قضاوت و سطح هوشیاری.

۳- اختلال در فعالیتها؛ فعالیت های فردی، فعالیت اجتماعی و فعالیت های تحصیلی

روش پژوهش

نوع پژوهش

این پژوهش یک تحقیق توصیفی - تحلیلی [۸] است. در این تحقیق وضعیت دموگرافیک و نگرش دانشجویان در مورد نماز توصیف و سپس با استفاده از آزمونهای آماری تجزیه و تحلیل می شود.

[۸] Analytic -Descriptive

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان گروه پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد

[صفحه ۲۴]

شیروان است.

نمونه پژوهش

تقریباً می توان گفت کل جامعه پژوهش بعنوان نمونه پژوهش انتخاب گردیده اند. فقط تعداد ۱۰ نفر که بدلائل مختلف هنگام پژوهش در دانشگاه حضور نداشته اند بعنوان نمونه محسوب نمیگردند که در مجموع ۱۰۳ نمونه می باشند. تعداد نمونه های تحت مطالعه که در ترمهای دوم، چهارم و ششم مشغول تحصیل می باشند به ترتیب ۴۷، ۲۳ و ۳۳ نفر می باشند.

محیط پژوهش

در این مطالعه، محیط پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان واقع در شهرستان شیروان از توابع استان خراسان است. بدلیل اینکه محقق عضو هیأت علمی این واحد دانشگاهی بوده، تدریس در کلیه کلاسهای رشته پرستاری را به عهده داشته، امکان پژوهش براحتی و سهولت بوده است.

ابزار گردآوری داده ها

در این پژوهش ابزار گردآوری داده ها شامل یک پرسشنامه سه بخشی که وضعیت دموگرافیک، اطلاعات مربوط به ادای فریضه نماز و جملات مربوط به نگرش در مورد فریضه نماز را مشخص می نمود.

روش کار

ابتدا در مورد هدف پژوهش با دانشجویان تحت مطالعه صحبت شد. هم چنین در مورد ضرورت پاسخگویی صحیح (صدق گفتار) و اهمیت آن توضیح داده شد. آنگاه پس از تکمیل پرسشنامه ها تماما مطابق معیار سنجش لیکرت [۸] نمره گذاری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

[۸] Likert

ملاحظات اخلاقی

- ۱- قبل از شرکت دادن دانشجویان در پژوهش توضیحاتی در مورد اهداف پژوهش به آنان داده شد.
- ۲- به دانشجویان توضیحات داده شد که اطلاعات جمع آوری شده، صرفا جنبه پژوهشی دارد.
- ۳- تأکید گردید که شرکت در پژوهش به طور کاملا آزاد است.

[صفحه ۲۵]

یافته های پژوهش

قسمت اول

در این قسمت به توصیف داده های گردآوری شده می پردازیم که بطور خلاصه در جدولهای ۴-۱ تا ۴-۱۲ آمده است.

جدول (۴-۱) توزیع فراوانی دانشجویان رشته پرستاری بر حسب سن

گروه سنی: ۲۰-۱۸، تعداد: ۴۲، درصد: ۷۷ / ۴۰

گروه سنی: ۲۳-۲۱، تعداد: ۴۹، درصد: ۵۷ / ۴۷

گروه سنی: ۲۴-۲۷، تعداد: ۸، درصد: ۷ / ۷۶

گروه سنی: ۲۸ به بالا، تعداد: ۲، درصد: ۱ / ۹۴

گروه سنی: نامشخص، تعداد: ۲، درصد: ۱ / ۹۴

گروه سنی: جمع، تعداد: ۱۰۲، درصد: ۱۰۰

- بیشترین دانشجویان در گروه سنی ۲۱-۲۳ قرار دارند که ۵۷ / ۴۷ درصد نمونه ها را تشکیل می دهند.

پدران اکثر دانشجویان شغل آزاد دارند که ۸۱ / ۳۹ درصد نمونه ها را تشکیل می دهد.

مادران اکثر آنان خانه دار هستند که ۸۱ درصد نمونه ها را شامل می گردد. هم چنین والدین آنان اکثرا دارای

تحصیلات دیپلم هستند که به ترتیب پدران و مادران، ۱۸ / ۲۷ درصد و ۳۳ درصد نمونه های تحت مطالعه را شامل

می گردد.

اکثریت دانشجویان بیکار (۲۷ / ۹۱ درصد) و مجرد (۶۷ / ۷۷ درصد) می باشند.

[صفحه ۲۶]

جدول شماره (۲-۴) توزیع فراوانی دانشجویان رشته پرستاری برحسب شغل پدران آنان

شغل پدر: کارمند، تعداد: ۱۸، درصد: ۱۷ / ۴۷

شغل پدر: کارگر، تعداد: ۴، درصد: ۳ / ۸۸

شغل پدر: کشاورز یا دامدار، تعداد: ۱۰، درصد: ۹ / ۷

شغل پدر: فرهنگی، تعداد: ۱۰، درصد: ۹ / ۷

شغل پدر: آزاد، تعداد: ۴۱، درصد: ۳۹ / ۸۱

شغل پدر: نظامی، تعداد: ۹، درصد: ۸ / ۷۴

شغل پدر: نامشخص، تعداد: ۱۱، درصد: ۱۰ / ۶۸

شغل پدر: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰

پدران بیشتر دانشجویان شغل آزاد دارند که ۸۱ / ۳۹ درصد نمونه ها را تشکیل می دهد.

جدول شماره (۳-۴) توزیع فراوانی دانشجویان رشته پرستاری برحسب شغل مادران

شغل مادر: خانه دار، تعداد: ۸۳، درصد: ۸۱

شغل مادر: کارمند، تعداد: ۶، درصد: ۵ / ۸۲
 شغل مادر: فرهنگی، تعداد: ۱۱، درصد: ۱۰ / ۶۸
 شغل مادر: سایر موارد، تعداد: ۳، درصد: ۲ / ۹
 شغل مادر: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰
 مادران بیشتر دانشجویان خانه دار هستند و ۸۱ درصد را شامل می‌گردد.

[صفحه ۲۷]

جدول شماره (۴-۴) توزیع فراوانی پرستاری برحسب میزان سواد پدران و مادرانشان

میزان سواد پدر: بیسواد، تعداد: ۵، درصد: ۴ / ۸۵، میزان سواد مادر: بیسواد، تعداد: ۹، درصد: ۸ / ۷۴
 میزان سواد پدر: ابتدایی، تعداد: ۲۳، درصد: ۲۲ / ۳۳، میزان سواد مادر: ابتدایی، تعداد: ۳۰، درصد: ۲۹ / ۱۳
 میزان سواد پدر: راهنمایی، تعداد: ۱۶، درصد: ۱۵ / ۵۳، میزان سواد مادر: راهنمایی، تعداد: ۱۷، درصد: ۱۶ / ۵۰
 میزان سواد پدر: دیپلم، تعداد: ۲۸، درصد: ۲۷ / ۱۸، میزان سواد مادر: دیپلم، تعداد: ۳۴، درصد: ۳۳ / ۰۰
 میزان سواد پدر: دانشگاهی، تعداد: ۲۰، درصد: ۱۹ / ۴۱، میزان سواد مادر: دانشگاهی، تعداد: ۶، درصد: ۵ / ۲۸
 میزان سواد پدر: نامشخص، تعداد: ۱۱، درصد: ۱۰ / ۶۸، میزان سواد مادر: نامشخص، تعداد: ۷، درصد: ۶ / ۸۰
 میزان سواد پدر: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰، میزان سواد مادر: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰
 والدین بیشتر دانشجویان دارای تحصیلات دیپلم می باشند.

جدول شماره (۵-۴) توزیع فراوانی برحسب وضعیت شغلی

وضعیت: شاغل، تعداد: ۶، درصد: ۵ / ۸۳
 وضعیت: بیکار، تعداد: ۹۴، درصد: ۹۱ / ۲۷
 وضعیت: نامشخص، تعداد: ۳، درصد: ۲ / ۹۱
 وضعیت: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰

اکثریت دانشجویان بیکار می باشند که ۹۱ / ۲۷ درصد نمونه ها را تشکیل می دهند.

جدول شماره (۴-۶) توزیع فراوانی دانشجویان برحسب وضعیت تأهل

وضعیت: مجرد، تعداد: ۸۰، درصد: ۶۷ / ۷۷

وضعیت: متأهل، تعداد: ۲۰، درصد: ۴۱ / ۱۹

وضعیت: مطلقه و نامشخص، تعداد: ۳، درصد: ۹۱ / ۲

وضعیت: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰

اکثریت دانشجویین مجرد می باشند که ۶۷ / ۷۷ درصد نمونه ها را تشکیل می دهند.

جدول شماره (۴-۷) توزیع فراوانی برحسب تعداد افراد خانوار آنان

تعداد خانوار: ۲ یا ۳ نفره، تعداد: ۶، درصد: ۸۲ / ۵

تعداد خانوار: ۴ یا ۵ نفره، تعداد: ۲۶، درصد: ۲۴ / ۲۵

تعداد خانوار: ۶ یا ۷ نفره، تعداد: ۴۳، درصد: ۷۴ / ۴۱

تعداد خانوار: ۸ یا ۹ نفره، تعداد: ۱۹، درصد: ۴۵ / ۱۸

تعداد خانوار: ۱۰ نفره به بالا، تعداد: ۸، درصد: ۷۷ / ۷

تعداد خانوار: نامشخص، تعداد: ۱، درصد: ۹۷ / ۰

تعداد خانوار: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰

اکثریت دانشجویان خانوار ۶-۷ نفره دارند که ۷۴ / ۴۱ درصد نمونه ها را تشکیل می دهند.

جدول شماره (۴-۸) توزیع فراوانی دانشجویان برحسب استان محل سکونت آنان

استان: خراسان، تعداد: ۹۱، درصد: ۳۵ / ۸۸

استان: استانهای شمالی، تعداد: ۷، درصد: ۸۰ / ۶

استان: سایر موارد، تعداد: ۵، درصد: ۸۵ / ۴

استان: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰

محل سکونت اکثر دانشجویان استان خراسان است که ۳۵ / ۸۸ درصد نمونه ها را تشکیل می دهد.

جدول شماره (۹-۴) توزیع فراوانی دانشجویان پرستاری برحسب ارزیابی وضعیت مالی آنان

وضعیت مالی: خیلی خوب، تعداد: ۳، درصد: ۹۱ / ۲

وضعیت مالی: خوب، تعداد: ۵۳، درصد: ۴۶ / ۵۱

وضعیت مالی: متوسط، تعداد: ۴۳، درصد: ۷۵ / ۴۱

وضعیت مالی: ضعیف، تعداد: ۳، درصد: ۹۱ / ۲

وضعیت مالی: نامشخص، تعداد: ۱، درصد: ۹۷ / ۰

وضعیت مالی: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰

اکثریت دانشجویان وضعیت مالی خود را خوب توصیف کرده اند که ۴۶ / ۵۱ درصد نمونه ها را تشکیل می دهد.

[صفحه ۳۰]

جدول شماره (۱۰-۴) توزیع فراوانی دانشجویان پرستاری براساس تقید به ادای نماز از دیدگاه آنان

وضعیت: مقید، تعداد: ۸۴، درصد: ۵۵ / ۸۱

وضعیت: تا حدودی، تعداد: ۱۹، درصد: ۴۵ / ۱۸

وضعیت: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰

اکثریت دانشجویان اظهار نموده اند که مقید به ادای نماز می باشند که ۵۵ / ۸۱ درصد نمونه ها را تشکیل می دهد.

جدول شماره (۱۱-۴) توزیع فراوانی دانشجویان برحسب مدت زمان ادای نماز

مدت زمان: گاهی اوقات، تعداد: ۱۳، درصد: ۶۲ / ۱۲

مدت زمان: کمتر از ۴ سال، تعداد: ۵، درصد: ۸۵ / ۴

مدت زمان: ۴ سال و بیشتر، تعداد: ۸۲، درصد: ۶۱ / ۷۹

مدت زمان: نامشخص، تعداد: ۳، درصد: ۹۱ / ۲

مدت زمان: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰

اکثریت دانشجویان بیش از چهار سال است که نماز می خوانند بطوری که تعداد ۶۱ / ۷۹ درصد نمونه ها را تشکیل

می دهد.

جدول شماره (۴-۱۲) توزیع فراوانی دانشجویان برحسب چگونگی تقید والدینشان نسبت به نماز از دیدگاه آنان

وضعیت: مقید، تعداد: ۸۸، درصد: ۴۰ / ۸۵

وضعیت: غیرمقید، تعداد: ۱، درصد: ۹۷ / ۰

وضعیت: تا حدودی، تعداد: ۱۳، درصد: ۶۲ / ۱۲

وضعیت: نامشخص، تعداد: ۱، درصد: ۹۷ / ۰

وضعیت: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰

اکثریت دانشجویان اظهار نموده اند که والدین آنان نسبت به ادای نماز مقید می باشند که ۴۰ / ۸۵ درصد نمونه ها را تشکیل می دهند.

خانواده آنان بیشتر ۶-۷ نفره می باشد که ۷۴ / ۴۱ درصد نمونه ها را تشکیل می دهد. محل سکونت اکثر دانشجویان استان خراسان است که ۳۵ / ۸۸ درصد نمونه ها را تشکیل می دهد. هم چنین اکثر آنان مقید به ادای نماز (۵۵ / ۸۱ درصد) و بیش از چهار سال است که نماز می خوانند (۶۱ / ۷۹ درصد) و والدین بیشتر آنان نسبت به ادای نماز مقید می باشند که ۴۰ / ۸۵ درصد نمونه ها را تشکیل می دهند.

قسمت دوم

در این قسمت میزان نگرش دانشجویان در مورد نماز مشخص شده است و چگونگی دستیابی به هدف کلی و آزمون فرضیه در جدول آماری به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره (۴-۱۳) به مقایسه میانگین نمرات نگرش دانشجویان گروه های سنی مختلف در رابطه با هدف شماره یک پرداخته و نشان می دهد که نگرش دانشجویان رشته پرستاری در سنین مختلف نسبت به فریضه نماز قوی است. در مقایسه آماری میانگین نمرات گروه های سنی مختلف با

یکدیگر و با کل دانشجویان حاکی از آنست که Z محاسبه شده از مقدار ملاک در سطح اطمینان مورد نظر کمتر بوده و تفاوت معنی دار آماری وجود ندارد. ($P > 0.05$)

جدول شماره (۴-۱۴) به مقایسه میانگین نمرات نگرش دانشجویان در ترم های مختلف تحصیلی در رابطه با هدف شماره دو پرداخته و نشان می دهد که نگرش دانشجویان رشته پرستاری در ترم های مختلف تحصیلی نسبت به فریضه نماز قوی است. مقایسه آماری میانگین نمرات در ترم های مختلف تحصیلی با یکدیگر و با کل میانگین نمرات حاکی از آنست که تفاوت معنی دار آماری وجود ندارد. ($P > 0.05$)

جداول شماره (۴-۱۵)، (۴-۱۶) و (۴-۱۷) به مقایسه میانگین نمرات نگرش دانشجویان بر حسب سطح تحصیلات عالی والدین، تأهل و تقید والدین آنان نسبت به نماز پرداخته و نشان می دهد که والدین دانشجویان پرستاری با تحصیلات عالی دانشگاهی یا فاقد آنان، نگرش قوی نسبت به فریضه نماز دارند. هم چنین دانشجویان پرستاری مجرد و متأهل نگرش قوی نسبت به فریضه نماز دارند و والدین آنان اگر مقید یا تا حدودی مقید به نماز هستند آنان نگرش قوی نسبت به فریضه نماز دارند. مقایسه میانگین نمرات دانشجویان دو گروه دارای والدین یا تحصیلات دانشگاهی و فاقد آن با یکدیگر و مقایسه میانگین نمرات دانشجویان مجرد و متأهل با یکدیگر حاکی از آنست که تفاوت معنی دار آماری بین هیچیک از آنان وجود ندارد. ($P > 0.05$)

همانگونه در انتهای جدول شماره (۴-۱۴) مشخص گردیده است در رابطه با هدف کلی پژوهش بود. و به «تعیین نحوه نگرش دانشجویان رشته پرستاری نسبت به فریضه نماز»، می پردازد و نشان دهنده اینست که اکثریت دانشجویان رشته پرستاری نگرش قوی نسبت به فریضه نماز دارند. ($S=11.42$, $X=103.68$)

[صفحه ۳۳]

جدول شماره (۴-۱۳) مقایسه میانگین نمرات نگرش دانشجویان گروه های سنی مختلف

گروه سنی: ۱۸-۲۰، تعداد: ۴۲، درصد: ۴۲ / ۴۲، میانگین نمرات: ۸۲ / ۱۰۴، انحراف معیار: ۵۴ / ۸

گروه سنی: ۲۱-۲۳، تعداد: ۴۹، درصد: ۴۹ / ۴۹، میانگین نمرات: ۳۸ / ۱۰۳، انحراف معیار: ۷۱ / ۱۰

گروه سنی: ۲۴-۲۷، تعداد: ۸، درصد: ۸ / ۰۸، میانگین نمرات: ۰۰ / ۹۷، انحراف معیار: ۷۱ / ۲۰

گروه سنی: نتیجه آزمون، تعداد: ($P > 0.05$)

جدول شماره (۴-۱۴) مقایسه میانگین نمرات نگرش دانشجویان پرستاری ترم های مختلف تحصیلی

ترم تحصیلی: دوم، تعداد: ۴۷، درصد: ۶۳ / ۴۵، میانگین نمرات: ۰۴ / ۱۰۵، انحراف معیار: ۸۳ / ۱۰

ترم تحصیلی: چهارم، تعداد: ۲۳، درصد: ۲۳ / ۲۲، میانگین نمرات: ۲۱ / ۱۰۵، انحراف معیار: ۶۲ / ۹

ترم تحصیلی: ششم، تعداد: ۳۳، درصد: ۰۳ / ۳۲، میانگین نمرات: ۶۶ / ۱۰۰، انحراف معیار: ۷۲ / ۱۲

ترم تحصیلی: جمع، تعداد: ۱۰۳، درصد: ۱۰۰، میانگین نمرات: ۶۸ / ۱۰۰، انحراف معیار: ۴۲ / ۱۱

جدول شماره (۴-۱۵) مقایسه میانگین نمرات نگرش دانشجویان بر حسب سطح تحصیلات عالی والدین آنان

وضعیت تحصیلی: دانشگاهی، تعداد: ۲۲، درصد: ۲۲، میانگین نمرات: ۱۳ / ۱۰۲، انحراف معیار: ۲ / ۹

وضعیت تحصیلی: غیردانشگاهی، تعداد: ۷۸، درصد: ۷۸، میانگین نمرات: ۴۷ / ۱۰۳، انحراف معیار: ۰۶ / ۱۲

وضعیت تحصیلی: نتیجه آزمون، تعداد: ۰ / ۰۵، $P > ۰ / ۰۵$

نتیجه آزمون: $P > ۰ / ۰۵$

[صفحه ۳۴]

آزمون Z تفاوت معنی داری را از نظر آماری بین دو گروه نشان نمی دهد.

جدول شماره (۴-۱۶) مقایسه میانگین نمرات نگرش دانشجویان پرستاری بر حسب وضعیت تاهل آنان

وضعیت تاهل: مجرد، تعداد: ۸۰، درصد: ۸۰، میانگین نمرات: ۱۰۵، انحراف معیار: ۵۱ / ۱۰

وضعیت تاهل: متأهل، تعداد: ۲۰، درصد: ۲۰، میانگین نمرات: ۹۵، انحراف معیار: ۰۵ / ۲۳

وضعیت تاهل: نتیجه آزمون، تعداد: ۰ / ۰۵، $P > ۰ / ۰۵$

آزمون آماری تفاوت معنی داری را بین دو گروه نشان نمی دهد.

جدول شماره (۴-۱۷) مقایسه میانگین نمرات نگرش دانشجویان پرستاری بر حسب وضعیت تقید والدین نسبت به نماز

وضعیت تقید: تا حدودی، تعداد: ۱۴، درصد: ۷۳ / ۱۳، میانگین نمرات: ۵ / ۱۰۲، انحراف معیار: ۵۳ / ۱۲

وضعیت تقید: مقید، تعداد: ۸۸، درصد: ۲۷ / ۸۶، میانگین نمرات: ۶۹ / ۱۰۲، انحراف معیار: ۹۴ / ۱۴

وضعیت تقید: نتیجه آزمون، تعداد: ۰ / ۰۵، $P > ۰ / ۰۵$

آزمون آماری تفاوت معنی داری را بین دو گروه نشان نمیدهد.

نتایج پژوهش

جهت بررسی تعیین نگرش دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان نسبت به فریضه نماز در سال ۱۳۸۰، تعداد ۱۰۳ نفر از دانشجویان این واحد دانشگاهی بوسیله پرسشنامه تحت پژوهش قرار گرفتند، بررسی نتایج حاصله از این اندازه گیری نشان داد که نگرش دانشجویان رشته پرستاری نسبت به فریضه نماز قوی است. در خاتمه می توان به این نتیجه رسید که برخلاف اظهار نظر برخی از افراد که بصورت غیر کارشناسانه و غیر مسئولانه مطالبی را بیان می دارند، می توان گفت افراد جوان بخصوص دانشجویان نسبت به ارزشهای دینی خود از قبیل نماز وفادار و جلوه خاصی در ذهن و چارچوب پنداشتی خویش دارند. و این بیانگر تأیید فرضیه این پژوهش است.

بررسی و تحلیل جایگاه نماز در میان دانشگاهیان

جناب آقای دکتر حمید رضا نفیسی

سرکار خانم مهین دیانت

[صفحه ۳۹]

«الحمد لله الذي جعل الصلاة تنزيها عن الكبر وجعلها قربان كل تقى و الصلاة و السلام على افضل المصلحين و على اهل بيته الطيبين الطاهرين»

در بررسی متون دین و محتوای وحی، آنچه که بیش از هر چیز در میان دستورات الهی می درخشد نماز است. امر به نماز در فحوای تعالیم تمامی ادیان الهی بوده است و علی رغم بسیاری اوامر، که تنها اختصاص به یک پیامبر یا یک قوم داشته اند نماز هرگز منسوخ نگردیده است. در یک جالقمان نبی را می بینیم که به فرزندش امر می کند که به اقامه نماز برخیزد که «یا بنی اقم الصلوة» و در جای دیگر حضرت ابراهیم را در حالی می یابیم که دست به دعا برداشته، عرضه می دارد «رب اجعلنی مقيم الصلوة» و یا حضرت عیسی را که فریاد بر آورده است که خدایم مرا به نماز وصیت کرده است. اما کاملتر و جامعتر و زیباتر از همه پیامبر گرامی اسلام را می بینیم که چگونه در هنگام نماز فانی جمال حق می شود و بیان می دارد «قرّة عینی فی الصلوة»

این که نماز نه تنها هیچگاه از متن دین حذف نگردیده بلکه پیوسته با آشنایی دادن مردم با برکات باطنی نماز سیر پیشرونده و تکاملی را طی کرده است این پرسش را ایجاد می کند که حقیقت نماز چیست و کارکردش در کجاست و آیا نیاز ذاتی است؟ پاسخ این پرسش در ضمن تعلیمات دین آمده است. که به صورت بسیار مجمل و گذرا با بیان چند مقدمه به آن اشاره می شود:

[صفحه ۴۰]

۱- در جهان بینی: انسان فطرتی خدا طلب، خداخواه و کمال جو دارد. روح انسان در سایه ی انس به خدا آرامش می یابد.

۲- امر به واجبات دینی و اهتمام به دستورات الهی، همه برای به فعلیت رساندن این فطرت الهی است. برای آنکه بصورت مداوم انسان را در میدان جذبه الهی قرار دهد و از آن سو نیز بی توجهی به امر و نهی دین و ورود در حوزه گناه به علت مغایرت با فطرت الهی انسان، بدترین نوع از خود بیگانگی است، بدترین نوع تهاجم انسان به شخصیت خود.

۳- مروارید نماز درمیان صدف دین دارای این جایگاه ویژه است که در شبانه روز ۵ مرتبه اتصال میان قطره و دریا صورت می پذیرد و به واسطه این پیوند انسان ضعیف و ظلوم و جهول را در مرتبه خلیفه الهی می نشاند و از او انسانی قوی و طاهر می سازد. البته مسلم است که این نتیجه را کسی می تواند ببرد که از ظاهر احکام نماز و پوسته آن نفوذ کرده و به هسته شیرین و معرفت باطن آن نائل گردد. بنابراین به نظر می رسد که خواندن نماز مراتب و مراحل داشته باشد که به آن اشاره می شود:

(البته مراد از نماز، نماز صحیح به لحاظ فقهی است.)

(۱) مرتبه نازل، مبادرت به نماز به صورت فردی و عدم تقید به انجام آن در اول وقت می باشد.

(۲) مرتبه واسطه، انجام این امر به صورت فردی و تقید به خواندن در اول وقت و آشنایی با پاره ای برکات و محتوی آن.

(۳) مرتبه عالی، بر پایی نماز به صورت جماعت و تقید به خواندن در اول وقت و سعی در آشنایی هر چه بیشتر با روح نماز.

بدیهی است که این تقسیم به حصر عقلی نبوده و شاید بتوان تقسیمات و مراتب دیگری را میان هر مرتبه منظور نمود. اما آنچه این نوشتار در صدد تحقیق پیرامون آن است بررسی علل عدم حضور قشر مسلمان نماز خوان جامعه اسلامی در صفوف نماز جماعت است. همچنین یافتن علت یا علل ترجیح خواندن نماز به شکل فردی با وجود جایگاه ویژه و برتری که نماز جماعت دارد.

بر اساس تحقیقی که در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به عمل آمد با ارائه فرمی که حاوی سوالات چهار گزینه ای بود از سه قشر دانشجو، کارمند و اعضاء هیئت علمی در خواست گردید که نظر خود را به طور دقیق و صادقانه در مورد این سؤالات ابراز دارند. از مجموع ۲۲۰ فرم پاسخ داده شده نتایج زیر

بدست آمد که ما در ضمن طرح سؤالات به آن اشاره می کنیم.

سؤالات ابتدایی پیرامون نقش نماز در انتخاب دوست و یا همسر بود که همه افراد پاسخگو مایل به اهمیت بسیار زیاد نماز در این مسائل بودند.

در سؤالاتی که در مورد ترجیح یا عدم ترجیح خواندن نماز در اول وقت پرسیده شده بود، ۹۷٪ کارمندان، ۱۰۰٪ اعضاء هیئت علمی، و ۹۵٪ دانشجویان نماز اول وقت را ترجیح داده بودند و موافقین به خواندن نماز به صورت جماعت ۹۰٪ از کارمندان و اعضاء هیئت علمی و ۸۰٪ از دانشجویان بودند.

در پرسش از علت نامطلوب بودن وضع اقامه نماز در جامعه ۵۰٪ از اعضاء هیئت علمی معتقد بودند که آشنا نبودن به آثار و برکات نماز عامل مهم این واقعیت تلخ است. همین پاسخ در میان کارمندان ۶۰٪ و در میان دانشجویان ۷۰٪ بوده است.

در پاسخ به سؤالی که پیرامون تاثیر نحوه ی برخورد امام جماعت در گرایش به نماز بود، ۶۰٪ از هر گروه قایل به نقش بسیار زیاد آن بودند. ۶۱٪ از دانشجویان، ۴۳٪ از اعضاء هیئت علمی و ۳۸٪ از کارمندان قایل به ایراد سخنرانی پس از نماز بودند و البته ۵۰٪ از هر سه گروه قایل به این بودند که حداکثر میزان سخنرانی ۱۰ دقیقه باشد. در پاسخ به این پرسش که آیا مسایل سیاسی و اجتماعی در عدم گرایش به نماز می تواند نقش داشته باشد یا خیر؟ ۵۶٪ از دانشجویان، ۵۹٪ از کارمندان و ۴۷٪ از اعضاء هیئت علمی پاسخ این سوال را مثبت داده اند.

اما در مورد تاثیر محیط فیزیکی نمازخانه در گرایش به نماز ۵۰٪ از کارمندان، ۳۲٪ از دانشجویان و ۳۰٪ از اعضاء هیئت علمی بر آن اتفاق نظر داشتند.

به جهت جلوگیری از اطاعه کلام از ذکر دیگر سؤالات و پاسخ ها خودداری نموده و نقد مختصری پیرامون این پاسخ ها ارائه می دهیم.

این که بالای ۹۰٪ هر سه قشر، نماز اول وقت را ترجیح داده اند، بسیارمیمون و مبارک و حکایتگر روحیه ایمان، دینی و آمیختگی مسائل شرعی با جان این افراد است.

اما این سوال مطرح است که با وجود این اشتیاق درونی به اقامه نماز در اول وقت، چرا در هنگام

ظهر چنان که انتظار می رود نماز خانه دانشگاه فاقد صفوف به هم فشرده است. اگر بالای ۹۰٪ از دانشجویان، کارمندان و اعضاء هیئت علمی که تشکیل دهنده مجموعه دانشگاهی هستند، چرا گاهی حداکثر ۲۰٪ از این تعداد در هنگام ظهر به نماز جماعت حاضر می شوند؛ بگذریم از این که حضور همه افراد شرکت کننده در نماز اول وقت نه از سر معرفت و عشق که به جهت آسودگی خیال از دغدغه نماز در مابقی ساعات روز و شب می باشد. سوال فوق ما را به بررسی مساله دیگری می کشاند که تحت عنوان سوال دیگری در فرم مطرح شده بود؛ یعنی نقش امام جماعت در گرایش به نماز که ۶۰٪ افراد قایل به نقش فوق العاده آن بودند.

اما نسبت به سخنرانی، اولاً آن را بعد از نماز و ثانیاً در ظرف ۱۰ دقیقه جذاب می دانستند. اما نکته حائز اهمیت این است که توجه کنیم چه چیزی باعث شده است که قشر دانشجو که توقع می رود اهل گفت و شنود علمی بوده و مشتاق دریافت معلومات می باشند؛ حداکثر زمان برای سخنرانی را ۱۰ دقیقه بدانند. اگر در این مورد به صورت شفاف ریشه یابی شود به این واقعیت تلخ دست می یابیم که متأسفانه گاهی سخنان سخنرانان به گونه ای نبوده است که مستمعین که در این جا عمدتاً تحصیل کرده و دانشجو هستند، خود را به آن گره بزنند و حتی آن جا که مطلب و موضوع سخنرانی حاوی محتوای غنی بوده، کمتر سخنرانی این هنرمندی را داشته است که آن محتوای غنی و متعالی را در قالب زبان دانشجو ترسیم نماید. البته آثار زیان بخش این عدم هنرمندی هرگز کم نیست.

اما سوال بعد که وضعیت نا مطلوب فعلی نماز در جامعه بیش از هر عامل دیگری، به علت عدم آشنایی مردم با آثار و برکات نماز عنوان شده است؛ مطلبی است صحیح و منطبق با واقعیت اما مسئله به همین جا ختم نمی شود. آنچه که ما باید در پی آن باشیم این است که چه کسانی، چه گروهها و چه نهادهائی و به چه نحو، متصدی ارتقاء سطح معرفت مردم در رابطه شناسایی جایگاه نماز می باشند؟

چگونه باید خانواده ها را آموزش داد؟ چگونه باید در متون دینی مطالبی پر محتوا و جذاب، با رعایت اصول روانشناسانه برای مقاطع مختلف سنی، گنجانده شود، تا شاکله و شخصیت یک نفر به نحو صحیح شکل گیرد؟ و چگونه فضای جامعه را باید از عطر روح انگیز نماز آکنده نمود؟

[صفحه ۴۳]

و اما سوال آخر پیرامون نقش مسائل سیاسی و اجتماعی در عدم گرایش به نماز بود. در این مورد هیچ تردیدی نیست؛ اما نکته قابل توجه این است که تاثیر مسائل سیاسی و اجتماعی گاهی بسیار خزننده و پنهان است و گاه

آشکار و روشن؛ گاهی رخدادهای سیاسی و مسائل اجتماعی چنان افکار و برنامه ها را به خود معطوف می نماید که مسائل دیگر از جمله مسئله مهم نماز در مهجوریت واقع می شود و البته بدیهی است که وجود انسان های متعهد و دین باور در راس امور سیاسی و اجتماعی، برکات بسیاری را برای جامعه به دنبال خواهد داشت. در پایان از خداوند متعال می خواهیم که توفیق اقامه نماز را به همه ما عنایت فرماید و تلاش همگان را مشكور قرار دهد.

و الحمد لله رب العالمين

نمودارها: ۱

موافق با نقش مسائل سیاسی اجتماعی در عدم گرایش به نماز

دانشجو: ۵۶ درصد

اعضاء هیئت علمی: ۴۷ درصد

کارمند: ۵۹ درصد

[صفحه ۴۴]

موافق خواندن نماز به جماعت

دانشجو: ۸۰ درصد

اعضاء هیئت علمی: ۹۰ درصد

کارمند: ۹۰ درصد

موافق با تأثیر محیط فیزیکی نمازخانه در گرایش به نماز

دانشجو: ۵۰ درصد

اعضاء هیئت علمی: ۳۰ درصد

کارمند: ۳۲ درصد

[صفحه ۴۵]

موافقین با حداکثر میزان سخنرانی ۱۰ دقیقه

دانشجو: ۵۰ درصد

اعضاء هیئت علمی: ۵۰ درصد

کارمند: ۵۰ درصد

موافقین با نقش بسیار زیاد نحوه برخورد امام جماعت در گرایش به نماز

دانشجو: ۶۰ درصد

اعضاء هیئت علمی: ۶۰ درصد

کارمند: ۶۰ درصد

[صفحه ۴۶]

موافق با ایراد سخنرانی پس از نماز

دانشجو: ۶۱ درصد

اعضاء هیئت علمی: ۴۳ درصد

کارمند: ۳۸ درصد

موافق خواندن نماز در اول وقت

دانشجو: ۹۵ درصد

اعضاء هیئت علمی: ۱۰۰ درصد

کارمند: ۹۷ درصد

[صفحه ۴۷]

نماز، نماد رابطه علم و دین

جناب آقای مرتضی ابراهیمی

کارشناس ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی عضو هیأت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

[صفحه ۴۹]

مقدمه

ابتدا به تعریف علم و دین از دیدگاه اندیشه های غرب و اسلام و وجوه و چگونگی روابط علم و دین بطور اختصار خواهیم پرداخت و با اشاره مختصر به مفهوم لغوی و اصطلاحی نماز و توضیح اینکه نمود، و نشانه علمی و عملی مکتب اسلام می باشد سؤالات و فرضیات ذیل را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

اولا به ضرورت و طرح موضوع در دنیای کنونی به لحاظ گستردگی علم و فنون تجربی بشر، جایگاه دین و نمود عینی آن بعنوان نماز در ایجاد تعادل بین مفاهیم حسی و تجربی و ویژگیهای روحی و اخلاقی خواهیم پرداخت چرا که امکان دریافت تمامی رهیافتهای فکری، سرشتی انسان به وسیله علم تجربی و دانش مصطلح امکان پذیر نیست لذا لاجرم بایستی نگاه متافیزیکی به ابعاد نیازمندیهای فردی و اجتماعی یعنی اعتقاد و سلوک دینی نیز داشت هر چند که علم و دانش روز اعتراف به نامحدودیت خود دارد با این حال بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی وجود لایتنهای انسان را به وسیله علم و دانش محدود خود محصور می کنند و چه بسا همین حصارهای ذهنی بشر او را بتدریج به سوی پوچی؛ دنیای نابودی و مبهم سوق می دهد (نهیلیسم). اما نگاه امیدوارانه به آینده انسان بوسیله عنصر نماز (دین) بسیاری از ناتوانیها، محدودیتها و تاریکیها را

[صفحه ۵۰]

برای او روشن و مهیا می کند، عشق، علاقه و انگیزه برای تلاش و کوشش نمودهایی از میدان مانور نماز در وجود آدمی است بعبارت دیگر نماز عصاره جهان بینی و ایدئولوژی مجموعه فعالیتهای فکری و جسمی بشر را بطور نامرئی منسجم و هماهنگ می کند و زمینه و دلبستگی و امیدواری را در حرکت بسوی آینده و چگونگی مبارزه با

بلايا، سختيها، رنجها براي بشر مي آموزد و اين نشان از نوعي احتياج و دلبستگي بشر به دينداري است و فلسفه اصلي و وجودي فقر و نداري بشر را نسبت به خدا ثابت مي کند. از آنجا که علم و دانايي جلوه اي از وجود لايتناهي خداوند علیم و خبير است اما براي اينکه اين ثروت نامرئي الهي انساني اسباب خير و رستگاري شود، خداوند نماز را بعنوان ستون دين بطور تعبدی و عقل انسان بعنوان امر ضروري و غير قابل تفکيک از عرصه زندگي لازم و واجب داشته است. عبارت ديگر نماز و دين ثابت کننده عجز و ناتواني خود انسان و محصول فکر و دانش او در قبال موجود مطلق عالم هستي است. نماز جلوه اي از هماهنگي، انسجام و نمود بين علم و دين بوده و خبر از تنظيم و ترسيم صورت مسأله بوسيله دانش، و تحليل و تبیین بنیان دانش و علم بوسيله دين است. شاعر مي گوید:

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود

به کجا مي روم آخر نمايي وطنم

دين و نماد اصلي آن جبران کننده مافات تلاش و کوشش انسان در مدت عمر خود است که در موارد متعدد علم به تنهائي قادر به تهيه و تدارک نقصها و کاستيهاي انسان نيست. بسياري از صاحبان اندیشه و علم در فضاي انساني خود را بي نياز از ديگران مي دانند در حالیکه دیدگاه نماز در انسان باعث مي شود که انسان در هر لحظه و براي هميشه خود را در قبال خالق هستي و مطلق موجود نيازمند و محتاج بداند. چنين افکار و اندیشه ها زماني در وجود انسان دانشمند و متفکر عملي خواهد شد که نماز معمار و طراح زواياي علمي او باشد.

به قول ابوعلی سینا:

تا بدانجا رسيد دانش من

که بدانم همي که نادانم

اگر وجود نماز در عرصه رفتار علمي و عملي بشر حذف شود حداقل نتايج صوري آن بصورت طغيان، ناسپاسي و غرور در ابعاد فردي و اجتماعي نمود پيدا خواهد کرد چرا که چنين رفتار ناشايست نتيجه نوعي عدم احساس نياز و مستقل و فعال مايشاء فکر کردن است. پيامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) مي فرمايد: «الفقر

اشد من القتل». فقری که ناشی از نبودن دانائی سالم و حقیقی بوده و منتهی به رفتارهای ناهنجار اجتماعی می شود و این فقر و نابرداری دین و علم زمانی تشدید می شود که انسان در خود احساس بی نیازی می کند «الحاجة ام الاختراع»

بطور کلی در بررسی ابعاد و چگونگی رابطه علم و دین با نماد نماز به موارد ذیل اشاره خواهیم کرد.

۱- آیا بین علم و دین رابطه وجود دارد؛ با فرض وجود رابطه آیا نماز می تواند بخشی از رابطه و تعامل دین و علم را توجیه و مستحکم کند؟

۲- انسان نیازمند دانش برای حفظ و بقاء زندگی است آیا تمام ابعاد و نیازمندی های انسان را علم جوابگو است یا به دین هم احتیاج دارد؟

۳- آیا دین اعم از علم است و اگر چنین است نقش و حیطة تأثیرگذاری نماز در عرصه فعالیت و زندگی انسان چگونه است؟

۴- نماز نماد دین، جایگاه و کاربرد علم را بیان می کند. بعبارت دیگر نماز آئینه تمام نمای از کمال علم (نیاز) و دین «ایاک نعبد و ایاک نستعین» است برخلاف نظر کسانی مانند (امیل دورکهایم) که باورهای دینی را اوهام و خیال می داند اما لاجرم آنرا جلوه های قوی و پایدار از امیال و آرزوهای بشری می داند.

امروزه پیچیدگی روز افزون علم و پیشرفت صنعتی علم در ابعاد مختلف شخصیت فردی انسان را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که دانش و بهره وری از علوم در زندگی امری ضروری و غیرقابل انکار است و از طرف دیگر چون امکان دریافت تمامی نیازمندیهای روحی و روانی بشر از حوزه اختیارات علم به معنای تجربی خارج است لذا برای هدایت و راهنمایی نقاط مبهم و تاریک زندگی انسان دانش و علم دیگری بنام دین در نمود افعالی عملی نظیر نماز برای ایجاد تعادل بین اطراف مادی و معنوی لازم و ضروری است.

از آنجا که علم به معنای اعم خود در حوزه ی حیات و تجربه دارای نموده های عینی و حسی مؤثر در رفتار بشری است لذا احساس علاقه مندی و لذت بخشی انسان از آن جهت به نظر می رسد که بیشتر باشد. برای ایجاد توازن و هدایت متعادل انسانی به سوی اهداف خود بایستی نمادهایی از دین و عناصر هویت ساز فکر و مورد نیاز انسان نیز عرضه گردد. برای این منظور مکتب و شریعت اسلام بعد

از بیان مفاهیم جهان بینی و مقدمات نظری و ضروری دین به تبیین و تطبیق علمی مفاهیم دینی یعنی ایدئولوژی پرداخته است. نماز اولین حکم عملی و واجب ایدئولوژی برای پیروان و معتقدان اسلام است. عدم آشنایی با جایگاه دین عموماً و مفاهیم عملی آن یعنی نماز خصوصاً در حوزه ی زندگی انسان موجب افول بنیانهای عقیدتی و بی اعتنائی افراد بشر به ضرورت مذهب در زندگی در نتیجه گسترش رفتارهای غیراخلاقی و غیر انسانی شده است امروزه قرآت مختلف از دین و تفسیرهای علمی در آن اگر مواردی موجب تنویر افکار شده در مواردی هم موجب شک و ابهام در دین داری مردم شده است.

آیا بین علم و دین رابطه وجود دارد؛ با فرض وجود رابطه آیا نماز می تواند بخشی از

رابطه و تعامل دین و علم را توجیه و مستحکم کند؟

- برای تبیین و توضیح بیشتر تعاملات علم و دین بهتر است این دو واژه را به طور مختصر معنی بکنیم - دین در لغت به معنای کیش، قانون و مقررات است و در اصطلاح عبارت است از مجموعه ی احکام مقرراتی که به صورت وحی از طرف خداوند برای بشر در طول تاریخ برای پیامبران ابلاغ شده و مردم با عشق و علاقه به آن مقصد پایبند بوده و تخلف از آنرا جرم و گناه بدانند. گاهی کلمه دین به معنای دلبستگی انسان به یک مبداء غیبی یعنی قوه نیرومندی که آفریننده و نگهدارنده همه موجودات هست می دانند. دین به این معنا در ذات و سرشت انسانی است. [۱].

در اینجا دین به معنای شریعت اسلام طبق آیه ی قرآنی «ان الدین عندالله الاسلام» است. اسلام در لغت به معنای سلم و سلامتی و نیز تسلیم محض همراه با تعقل و تفکر در قبال خالق هستی است به عبارت دیگر مجموعه عقاید موروثی و مقبول در روابط انسان با مبداء وجودی و التزام به سلوک رفتار به مقتضای آن عقاید را دین گویند. [۲].

حضرت امیر (علیه السلام): دین را به معنای شناخت و معرفت می داند و می فرماید: اول دین معرفه است بعبارتی دیگر وقتی ابتدا و آغاز قانون و قاعده ای آگاهی، معرفت و شناخت باشد قطعاً خبر از سرانجام نیک و مشاهده حضور و ظهور حقیقت پدیده می دهد علم در اینجا مجموعه ی آگاهی و

تواناییهای ذهنی بشر که در قالب تجربه و آزمون نهفته است می باشد و بعبارت دیگر آگاهی و علمی که صرفاً محصول ذهن انسان و جدا از عالم وحی است براین اساس در علم و دانش نوعی آگاهی است که ما در پی آن هستیم اما در دین آغاز و شروع خود «آگاهی» است در واقع این حکم به یک امر عبادی واجب می ماند که علم و دانش به عنوان ذی المقدمه برای آن محسوب می شود. «اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به» [۳] .

- عده ای دین را شناخت یک موجود فوق بشری که دارای قدرت مطلقه است (خدا) می دانند «پارسونز» دین را مجموعه ای از باورها، اعمال آشکار و نمادهایی که بشر در جامعه به وجود می آورد می داند- و عده ای مانند «سالمون راینخ» دین را مجموعه ای از اوامر و نواهی که مانع عملکرد آزاد استعدادها می شود می نامد- و یا دین را معادل اخلاق یا پاسخ انسان به ندای الهی می دانند. [۴] .

- امروزه گسترش علم خصوصاً در عرصه تجربی و فیزیکی باعث شده که عده ای کوتاه نظر از دفاع نسبی خود در عرصه دینی عقب نشینی کنند این پیشرفت و ترقی علوم محض خصوصاً در عرصه فکری جهان غرب در قرن بیستم کاملاً مشهود است بطوریکه حسرت و تعجب بی خبران از جایگاه علم و دین سبب گردیده که ادیان را تنها به عنوان خیال بافی خصوصی و بی ضرر تلقی کنند و اگر دین موضوعیتی در زندگی نداشته باشد و مقدر است که مدام از حوزه های معرفت بشری بیشتر تبعید شود تا اینکه عاقبت به منزلتی مشابه احکام نجومی (خرافه گوی ها) دست یابد. استقلال عالم فیزیک، نظام طبیعی و وسعت معرفت بشر به عظمت کهکشانشا باعث شده که تفکر غیر خدایی در جریان باشد یعنی اعتقاد به خداوند با پیش فرضهای زندگی دوران ماقبل علمی پیوند داشته باشد در این صورت مجموعه عقاید و معرفت متافیزیکی انسان دارای اعتبار و مقام نخواهد بود [۵] .

چنین نگرشی در واقع در پی آن است که رابطه علم و دین را انکار کند بعبارتی دیگر نوعی تعارض و جدایی را برای روابط علم و دین فرض کند البته باید متذکر شد چنین ایده ای زمانی نمود پیدا می کند که ما علم را صرفاً و معادل اصالت تجربه محض بدانیم در این صورت علم از انباشتن

[صفحه ۵۴]

مشاهدات پراکنده و رده بندی کردن آنها و در نهایت رسیدن به قوانین کلی حاصل می شود در این صورت استقراء (uctionInd) رسیدن به علم آسانترین راه و تنها راه سبک دانش محسوب می شود [۶] .

چنین نگرشی به علم فقه جنبه های خاصی از کوشش علمی دانشمندان را نشان می دهد یعنی در افکار و عقاید علمی دانشمندان در بخش خاصی از عناصر تجربی دخالت دارد در حالیکه دین بطور خاص و عام اهداف، فلسفه تفکر و اندیشه یعنی درست زندگی کردن را بیان می کند.

با توجه به اینکه دین از دو بخش نظری و عملی شکل گرفته است یعنی مباحث مربوط به اصول اساسی دین و ابعاد عملی دین (فروع) که نمود اصلی میزان پذیرش اصول دین را طرح می کند نماز به عنوان عصاره جمیع عبارات و ناظم اعمال بشری است نماز نه تنها خودش به عنوان رمز علم و عبودیت و بندگی انسان به خالق است بلکه راه و طریق سایر عبادات و حصول معرفت و دانش آن را نیز متجلی می کند بر اینکه اگر چنین نمی بود هرگز خالق هستی نماز را به عنوان اولین فرض و نشانه بندگی و اطاعت مقربان قرار نمی داد فلسفه وجوب و فرض بودن اعمالی خاص با شرایط ویژه ارزشی نمی داشت اگر آن اعمال و افعال اختیاری با فکر و تأمل در خور شأن انسانی همراه باشد روزنه های امید، صلابت، تقرب، تضرع، معرفت بشری را در جهان مادی مفتوح خواهد نمود.

حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید: الفکر مرأت صافیه: فکر آینه صاف است. پس نفس خود فرائض مانند نماز هدف نیست بلکه نتایج و عواقب آنها مورد هدف و قصد است و چون چنان اعمال صحیح انسان را به عجز و ناتوانی خود در قبال خالق هستی از یک طرف و دانای معرفت او از طرف دیگر که نهایت قداست و عرفان ملک و حکومت است منتج به نتیجه می کند.

- نموده های ذهنی و عینی اعمال انسان قائل شدن به صفات و دیدگاه حسن و قبح و، خوب و بد بودن روابط فردی و اجتماعی لازمه قوام و اثبات و ثبوت ویژگیهایی است که انسان دارای قابلیت حصولی و اکتسابی آن دانایی و معرفت است. و چنین ویژگی را تبعاً و یا شخصاً برای اموری نسبت می دهد که البته مبنای نسبتهای شخصی هم باز فطرتی و ذاتی است نماز در واقع چگونگی کمی و

[صفحه ۵۵]

کیفی چنین نسبتهای تبعی و شخصی را اعم از ذهنی بودن و یا عینی را برای بشر حداقل بطور عام طبقه بندی می کند. مثلاً زشتی فساد، فحشاء، بیتابی، حرص و طمع که بوسیله دانش بشر نیز مورد اثبات قرار گرفته است قرآن آن را در دین بوسیله نماز مورد تبیین قرار داده است. «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر».

- اگر هدف دانش بشری رسیدن به کمال مادی و معنوی است چنین امری در تعاملات عبادی او نهفته است. به عبارت دیگر نماز می تواند چنین تعاملات را اثبات ارزشی بدهد العارف من عرف قدره [۷] عارف حقیقی کسی است که هویت و ارزش خود را بشناسد «من عرف نفسه فقد عرف ربه» هر کس که خود را بشناسد به رشد و کمال والایی نایل می گردد. «فی خلقکم و ما یبث من دابة آیات لقوم یوقنون» «در آفرینش شما و آنچه که می گستراند از جنبنده نشانه هایی است برای قومی که یقین دارند» [۸].

این آیات نظم عالی ساختمان جسمانی و عظمت روانی انسان را با آن استعدادهای عالی که دارد بیان می کند و بیان و تذکر چنین آیات تنها برای ذکر واقعیت نیست بلکه برای تشویق و تحریک الزامی انسانها برای شناخت خویشتن است چون بدون علم و شناخت نفس امکان معرفت و دانایی دیگر نیز ممکن نخواهد بود. [۹].

[۱] ص ۹ اسلام و قرآن، حسین علی راشد، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۷.

[۲] (لغت نامه دهخدا).

[۳] (خطبه ی ۱).

[۴] سالکی، بهزاد، فلسفه دین، جان هیک، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۱۶-۱۵.

[۵] اقتباس از همان منبع صص ۸۹-۹۰.

[۶] علی زمانی، امیرعباس، دین و علوم تجربی، ناشر دبیرخانه مجمع گروههای معارف اسلامی، چاپ اول، ۷۷ ص ۲۸.

[۷] نهج البلاغه (خطبه ۱۰).

[۸] جائیه، آیه ۴.

[۹] جعفری، محمدتقی، فلسفه دین، مؤسسه فرهنگی اندیشه، چاپ اول ۱۳۷۵.

انسان نیازمند دانش برای حفظ و بقاء زندگی است. آیا تمام ابعاد وجودی انسان را علم

جوابگو است یا به دین هم احتیاج دارد؟

منشأ و منبع پیدایش دین در وجود آدمی همانا احتیاج و نیاز به یک مبداء غیبی است. دین در واقع تأمین و تبیین کننده نیازهای بشری است. خداوند در قرآن می فرماید: «انتم الفقراء»... پس چون انسان موجودی ناطق است نطق او نتیجه تفکر و تعقل می باشد. این تفکر و تعقل از طریق توجه و سیر و سلوک در عالم هستی و ایجاد دانایی و کشف علوم معنا پیدا می کند. عامل دیگر نیاز انسان به یک منبع غیر مادی عجز و ناتوانی بشر در قبال حوادث و رویدادهای مختلف اجتماعی است. هر چند که برخی از این حوادث فاقد پیش بینی و یا کنترل بوسیله دانش محض تجربی باشد. اما علم هم هر

چند که می تواند عوامل این پدیده ها را تجزیه و تحلیل کند اما این بررسی و تحلیل در حد صورت قضیه است و ریشه و فلسفه وجودی این رویدادها برای علم قابل درک نیست. از آنجا که دین کاملاً با ویژگیهای فطری و ذاتی بشر هماهنگ است از طرف دیگر چون فطرت انسانی دارای خصلت های اثرگذاری و اثرپذیری در عالم هست لذا این اثرگذاری و تأثیرپذیری معلول نیروی بنام علم و دانش در عرصه طبیعت است. در واقع دانش به نوعی گویای نموده های حسی و تجربی دین هست. مثلاً مرگ انسان در نتیجه تصادف و بیماری را علم در حد شناسایی عوامل محیطی، فیزیولوژی تجزیه و تحلیل می کند. در حالی که اتمام عمر انسانی را از بابت حتمیت و تحقق قضای الهی نمی تواند توضیح دهد.

مثلاً اینکه:

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود

به کجا می روم آخر نمایی و ظنم

نیاز بشر به دین از نظر فطری مستدل به آیه قرآنی «فأقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التي فطر الناس علیها» است [۸].

اگر دین با سرنوشت و فطرت انسانی همخوانی داشته باشد نمی تواند با اکتسابات واقعی او در تضاد باشد. خداوند برای تحصیل و عرضه فراورده های صحیح بشری ابزار و ملاکهایی را قرار داده است. مثلاً همانطور که برای حرکت یک وسیله نقلیه با سرعت مناسب در یک جاده نیازمند آئین نامه و مقررات خاص هست، حرکت صحیح انسان نیز نیازمند مقررات و حریم های دینی به نام نماز است.

در واقع اقامه و برپا داشتن نموده های علمی و عملی دین صرفاً از باب نیاز و عاطفه هست و هیچگونه نیازی از جانب فاعل برای مخلوق متصور نیست چرا که:

گر جمله کاینات کافر گردند

بر دامن کبریا پیش ننشیند گرد

«استعينوا بالصبر و الصلوٰء و انها لكبيره الا على الخاشعين» [۲] .

بنابراین نیاز انسان به نماز یک امر روانی و روحی است و الا امور حسی و مادی بالذات دارای ارزش و اهمیت نیستند. دین به نوعی مهار و کنترل کننده انسان از توحش و سبوعیت است. نماز نوعی تعادل، تعادل و نو دوستی در روابط فردی و اجتماعی به وجود می آورد. آنچه که دنیای امروز را رنج می دهد دوری از درمان واقعی و التیام بخش یعنی دین هست. یک دانشمند روسی می گوید:

[صفحه ۵۷]

مشکل ما حقانیت کاپیتالیزم یا کمونیسم نیست بلکه باید در مورد جانشینی یک فرهنگ بشری به جای فرهنگ مادی فکر کرد. [۳] .

«هنری لنک» یک روانشناس انگلیسی می گوید اینک اهمیت اعتقاد دین را در زندگی انسان درک می کنم و از میان تمامی آزمایشات این نتیجه را یافته ام که هر کس بدین اعتقاد دینی گرو بسپارد یا با عبادتکده ای در ارتباط باشد از شخصیت انسانی والاتری برخوردار است و در مقایسه با آن کسی که ایمان ندارد و یا با عبادتی در تماس نیست کرامت خاصی را دارد. پس نماز درمان کننده امراض باطنی و روانی است و حلال بسیاری از معماهای ذهنی و جسمی شده و علم هم انسانهای بسیاری را از درد و منجلاب بیماری جسمانی نظیر سل، سرطان، آبله سرخک... نجات داده است اما آیا آزرده گی و رنج فکری انسان صرفا ناشی از موارد محنت جسمانی اوست آنچه مسلم است اینکه روح و جان بشر آئینه تمام نمای تمامی اثرات مترتب بر ابعاد جسمانی است و عقل بشر به عنوان سمبل و نشان دهنده امراض، کاستی و یا نشاط و اراده بر جسم است اما آیا روح بشر صرفا وظیفه ی آئینه را در وجود بشر برعهده دارد یا اینکه روح و روان بشر خود دنیایی مولد وجودی نامحدود که خلاقیتها، تمرکز، عبودیت کاوش و معرفت می باشد است. آنچه که واضح است اینکه ابعاد جسمانی بشر وسیله ای برای سیر و حرکت مادی و معنوی روح است آیا برای سیر و حرکت روح فقط علم و دانش اکتسابی و تجربی کفایت می کند عبارتی دیگر انسان می تواند تمام زوایای حیاتی خود را با علم جبران کند اگر چنین است پس چرا این همه هنجارها و رفتارهای خارج از کنترل و اراده صنعتی و مادی انسان در جوامع انسانی خصوصا در کشورهای پیشرفته صنعتی و مادی رخ می دهد جوامعی که امروزه قله های رفیع نسبی دانش و تکنولوژی را فتح کرده اند آیا توانسته اند این رفعت علم و دانش را

در ابعاد روحی و اهداف واقعی انسان نیز بحرکت درآورند اساسا زمانی آب می تواند در مسیر رودخانه به طور صحیح و بطور دلخواه حرکت کند که مانعی در جهت حرکت آب نبوده و بوسیله عوامل خارجی آب صاف گل آلود نشود اگر بستر سازی درست بوجود آید آب نیز با سرعت و شکل صحیح در مسیر مورد نظر خواهد رفت دانش نیز در صورت بستر سازی صحیح در فکر و وجود انسان روان خواهد شد تنها عاملی که می تواند چنین بستر مناسب را مهیا کند دین است چرا که

[صفحه ۵۸]

بستر زمانی به وجود می آید که هدف و انگیزه مهمتر از خود بستر مورد نظر باشد و دین هم به عنوان برترین بستر برای روانی علم و دانش خود هدف محسوب نمی شود بلکه وسیله ای برای غایت مهمتر از خود دین است برای مهیا ساختن چنین بستری بایستی نمودها و حلقه روابط آشنا با علم و دانش را عملی نمود نماز مهمترین حلقه روابط علم و دین است. و دین بعنوان مجموعه کل منظم، از اجزا و ناظم منظم نظیر نماز تشکیل شده است چرا که عمده خواسته های بشری با مبنای مادی گرفته شده است هر چند که این بناها و معیارها امری زودگذر و مقطعی باشد مانند خنده، گریه، خوشی....

نماز ستون دین و غربال کننده کژیها و رذایل علم و دانش هست وقتی از عقل سلیم سخن به میان می آید منظور همان بسترسازی بوسیله دین متکامل که با کمک اجزاء و شاخه هایش معارف را جذب کرده و عقل را رشد می دهد است. علم تا زمانی می تواند تمام ابعاد مربوط به بشر را در حوزه هدف آفرینش، زندگی اجتماعی تأثیرپذیری جواب دهد که بر مبنای دین حرکت کند. در غیر این صورت دانش و علم صرف فیزیکی و تجربی توانایی پاسخگویی به نیازهای لایتنهایی انسانی نخواهد داشت مثلا علیرغم اینکه دانش فیزیکی و حسی توانایی تجربه و تحصیل دقیق مسائل را از طریق آزمایش و تجربه دارد اما هرگز قادر به پاسخگویی سوالات زیر بنایی و جهان شناسی انسان بعنوان عصاره جهان شناختی معرفت از کجا آمده ام و به کجا می روم و در چه نقطه و موضع از مجموعه ی هستی هستیم آیا هستی در یک مجموعه ی خود یک واحد زنده است یا مرده آیا خلقت انسان تصادفی و استثنایی است آیا جهان به ماده و غیر ماده تقسیم می شود آیا پس از این جهان، جهان دیگر هم وجود دارد آن جهان زشت است یا زیبا نخواهد بود.[۴].

پاسخگویی به این سوالات فقط در قالب مفاهیم فلسفی دین ممکن است چون انسان در پی زندگی، بقاء و برقراری روابط اجتماعی با دیگران است لذا از راهپیمایی به سوی اهداف خود ناخواسته با چنین سؤالاتی روبرو خواهد بود چون بعد نامحدود و روح کمال جو در وجود انسان است که کمال عملی این بعد لاجرم درگیر پاسخگویی به این سوالات است عبارت دیگر برای سازش میان زیربنای زندگی (عقل) و بعد روبنای (امور حسی، مادی) بایستی عاملی وجود داشته باشد و این عامل چیزی جز دین نمی تواند باشد چون اگر تمام نیازهای بشر از طریق علم ممکن بود پس بایستی

[صفحه ۵۹]

هیچگونه تضادی در حیطه ی رفتاری انسانها مشاهده نمی شد و نمونه عینی چنین رفتاری غیر انسانی را در جوامع پیشرفته می بینیم اگر فرض کنیم، که علم و دانش محض طبیعی می تواند برای انسان کافی باشد پس چرا انسان اینقدر در پی همین دانش طبیعی بوده است آیا این نشان دهنده یک نیروی نامرئی و محرک در وجود و در حیطه وجودی او نیست؟ و نیرویی که خود دیده نمی شود اما معلول و آثار آن یعنی تولید، اختراع، کشفیات قابل مشاهده است تنها چیزی که می تواند این کشفیات اختراعات را نظم و سامان بدهد علم و دانش است این علم و دانش زمانی می تواند ناظم و روشنگر باشد که از قاعده و اسلوب ویژه ای بنام دین اثر گرفته باشد هر چند که این تأثیرگذاری در علوم و فنون از نظر اندیشمندان منظر متفاوتی داشته باشد اما ریشه مشترک همه آنها این است که ناظم، خالق حقیقی در جهان تدبیر می کند.

[۱] سوره روم، آیه ۳۰.

[۲] بقره، ۴۵.

[۳] رضوان طلب، دکتر محمدرضا، کتاب پرستش آگاهانه، ستاد اقامه نماز، چاپ دوم ۱۳۷۵، ص ۲۴.

[۴] کتاب معارف اسلامی ۱ و ۲، انتشارات سمت صص ۱۶ و ۱۷.

آیا دین اعم از علم است و اگر چنین است نقش و حیطه تاثیرگذاری نماز در عرصه

فعالیت و زندگی انسان چگونه است.

در نمازم خم ابروی تو در یاد آمد

حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

دین و علم مانند عناصر خوف و رجاء عامل ترقی و تکامل بشر است علم عامل روشنگری امور حیات بشری در عرصه اجتماعی و فردی با اتکاء به عناصر تجربه و آزمون و نظریه سازی های ذهنی و عینی در حد محدود است در حالیکه دین عامل روشنگری امور حیات انسان در تمام ابعاد جزئی، کلی، فردی و اجتماعی در تمامی اعصار است. دین موجب ثبات و عشق و علاقه انسان به اندوخته های ذهنی است، دین سبب پایداری و امیال منطقی رفتار انسانی در صحنه های سخت و رنجور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی است، دین تمناهای عقلانی وجود بشری را پویا می کند و انسان را در پاسداری از اوصاف برجسته و مطلوب هستی خود بصیر و تشویق می کند. عبارت دیگر نماز عصاره دین اسلام سرسبز کننده غیرت انسانی در جهان است.

حمیت دین را نشانی دیگر است
که از آن آتش، جهانی اخضر است

نماز سبب تطهیر نفوذی اعمال و افعال انسانی است. «اقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر» نماز را بپا دارید که همانا نماز از فحشاء و زشتی باز می دارد [۸].

[صفحه ۶۰]

«الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم بالآخره هم یوقنون اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون» [۲].

قد افلح المومنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون [۳].

«یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون» [۴].

نماز اولین نشانه عملی اعتقاد عقلی و ایمان قلبی یک مسلمان است. نماز پاکترین تسبیح آفرینش است و نشانه پرستش و طاعت یک موحد است. [۵].

اگر ما ظاهراً تاثیر عملی دین یعنی نماز را در عرصه زندگی نمی بینیم ناشی از عدم شناخت نیاز واقعی انسان است برای اینکه هر وقت چیزی بطور رایگان و مجانی در دست انسانی قرار گیرد انسان در حفظ و نگهداری آن بی مبالاتی می کند چنانکه در روابط اجتماعی هم مشاهده می شود هر چه انسان در رسیدن به مراتب مادی و معنوی بیشتر دچار رنج و زحمت بشود به همان نسبت در مراقبت و حفظ دستاوردهای خود جانفشانی می کند. راه خداپرستی دشواری هایی دارد چه از طرف طاغوتها، چه که از طرف بی دینان که دینداران را مسخره می کنند و چه از طرف شیطان و نفس که تلاش در جهت بازداشتن انسان از عبادت را دارند راه حق دشواریهایی دارد که باید به جان خرید و از هول شدن و دشمنی دیدن نهراسید. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهل» [۶].

دین و نماز میزان و وسیله ای برای سنجش حق از باطل در عرصه زندگی است. سنجش واقعی زمانی خواهد بود که انسان در عرضه نیاز خود به درگاه حق هم امور ظاهری و هم باطنی را مدنظر قرار دهد و دچار افراط و تفریط دنیاپرستی محض و یا «مسلک کلبیون» نشوند.

شرع چون کیل و ترازو دان یقین
که بدو خصمان رهند از جنگ و کین

برخلاف عقاید فلسفی غرب نظیر «اگزستانسیالیسم»، «تحلیل زبانی» و جریان های فکری نظیر

[صفحه ۶۱]

«نوار تدکس» که معتقد هستند دین هیچ بهره ای از علم ندارد در اسلام رابطه نزدیک و تنگاتنگ بین علم و دین وجود دارد. در آن زمانی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) امر به طلب دانش در چین می کند نشان دهنده اهمیت و تأثیر دانش در عرصه زندگی دینی انسان است و این تأثیرگذاری علم در دین به معنای احاطه علم بشری بر دین نیست بلکه امکان فهم مجهولات هستی را تسهیل می کند.

عمومیت دین نسبت به علم این است که مراتب عالی دانش تضمین کننده ی حسن خلق در عرصه زندگی هست بطوری که بسیاری افراد و دانشمندان دارای اخلاق ناپسند هستند در حالی که دین و نماز این کج خلقی را از طریق

مفاهیم اخلاقی کنترل می کند. اگر احساس نیازمندی انسان با نام نماز در وجدان بشری ریشه نکند همه چیز برای انسان یکسان می شود دین مؤید و نیرو و پشتوانه قوی برای اخلاق است. اخلاق منهای دین و نماز پایه و ارزشی ندارد نماز ذکر عملی و اتقیاد در برابر خدا است. داستایوفسکی نویسنده روسی می گوید اگر خدا نباشد همه چیز برای انسان مباح است آنجا که دین از اخلاق جدا شده اخلاق خیلی عقب مانده است [۷] دین وسیله حفظ ایمنی بشر از بلایا و از بین برنده آتش خشم و غضب الهی است [۸] حتی حکمت تقسیم نماز در اوقات پنج دفعه در روز برای از بین بردن گناهیانی است که انسان در فاصله زمانی دچار گناه و معصیت می شود.

تا نبینی نور دین ایمن مباش
کاتش پنهان شود یک روز فاش

دین هرگز از بین نمی رود هر چند که پیامبران رفتند اما روز به روز بر رونق مکتب آنها افزوده می شود در حالی که اگر صاحب علم و اندیشمندی از دنیا برود چه بسا بسیاری نتوانند از اهداف و مبانی فکری او خبری بدهند.

تن به خفته نور تو در آسمان
بهر پیکار تو زه کرده کمان

رونقت را روز روز افزون کنم
نام تو بر زر و نقره حک کنم

تا قیامت باقی اش داریم ما
تو مترس از نسخ دین ای مصطفی

ای رسول ما تو جاودانیستی
صادقی هم خرقه موسیستی

دین موجب وحدت و یکپارچگی بشر می باشد در حالی که دانش و دین از چنین قدرتی

[صفحه ۶۲]

برخوردار نیستند مانند تضاد مفاهیم علمی نظیر فلسفه، ریاضی، فیزیک، شیمی و... چه بسا بسیاری صاحبان خرد و علم به لحاظ شهرت دنیوی خود دیگران را نیازمند علم و دانش خود می بینند در حالی که در حوزه دین انسان در اوج عزت و کمال خود را باز در مقام ذلت و کوچکی در مقابل خداوند عزیز و قادر مشاهده می کند. اساسا هدف و تأثیر دین با نماد در حوزه تعلیم و تربیت عبارت است از تذهیب نفس و تقدیس تمایلات و غرایز و بالا بردن روح و عقل بشر به عالی ترین سطح کمالات. نماز نیرومندترین عامل و انگیزه ای است که بشر را معتقد به قضاوت و داوری روز قیامت حساب و کیفر و پاداش تربیت می نماید. دین می خواهد انسان دارای وجدانی زنده، حساس و قلب و درونی بیدار باشد و خویشتن را رهین اعمال خود کند.[۹] «کل نفس بما کسبت رهینه»[۱۰] در حالی که علم و دانش علیرغم کشف قوانین شگرف و بهت آور طبیعت و آگاهی به نیروهای مادی به جای کم کردن بار زندگی در عرصه حیات بر نیازمندیهای مادی بشر افزوده است و برای همین بشر امروزه نتوانسته آن زندگی مرفه و مورد علاقه خود فراهم سازد و دانشمندان علوم و فنون طبیعی هم در سایه اکتشافات نتوانسته اند بر غرور و عجب خود غلبه کنند. حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید: «ما الدنيا غر تک و لکن بها اغتررت» دنیا شما را فریب نداد بلکه شما به دنیا مغرور شدید.[۱۱] و برای همین افراد و صاحبان علم بشری به مرور از مسایل دینی و انضباط درونی دور می شوند اما با تمرین ذکر نماز و پرورش آن بشر می تواند بر اثرات نامطلوب علم در عرصه زندگی تأثیر گذارد و آنها را رام و مطیع وجدان دینی خود بکند.

از نشانه های عدم حضور عارفانه نماز در عرصه زندگی افراد می توان به تأثیرات متعدد صنایع و هنر در احساسات رقیق و تمایلات ظریف انسانی در جوامع پیشرفته نام برد بطوریکه روح لطیف اسیر تأثیر حوائج مادی و حیوانی در فطرت و طبیعت و رشد تمایلات آنها است. دین می خواهد افکار، عقول و احساس مردم را رهبری کرده و متوجه عوالم روحی و معنوی کند. نماز می خواهد به انسان بیاموزد که زندگی صرفا خوردن و خوابیدن و امثال آنها نیست بلکه برای اهداف عالی تر وضع شده است. نماز می خواهد به انسان بیاموزد که علم و دانش او صرفا برای تأمین نیازهای مادی نیست بلکه داروی نیازمندیهای «لطیف» روحانی و عقلانی نیز هست و با ارشاد و راهنمایی دانش پیامبران امکان تأمین و حصول آنها هست[۱۲].

گفت خواجه ما را نبود ثبات
روز آید و شب رود اندر جهان

ای بسا مهتر بچه کز شور و شر
شد ز فعل زشت خود ننگ پدر

علم بودش چون نبودش عشق دین
او ندید از آدم الا نقش طین

علم علم بشری (علم العلم) معلول هست چون همان ادراک عقل منفعل است در حالی که علم دین به جهت اتصاف و تعلق به ذات باری تعالی فاعل است و اشرف از علم بشری است لذا لذت و جذبه فهم عرفانی نماز که موجب سیر و سلوک است نسبت به جذبه های علمی نامحدود بوده و هرگز خسته کننده نیست.

[۱] عنکبوت، ۴۵.

[۲] سوره لقمان، آیه ۳ و ۴.

[۳] مومنون ۱ و ۲.

[۴] سوره جمعه ۹.

[۵] غفاری، محسن، ارکان اسلام، انتشارات پیام آزادی، چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۱۲.

[۶] قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، ناشر ستاد اقامه نماز، چاپ چهارده - سال ۷۴، صفحه ۴۳.

[۷] شهید مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ بیست و نهم، ۱۳۷۶، صفحه ۱۱۸.

[۸] ابراهیمیان عاملی، سید یوسف، آفتاب عرفان، چاپ اول، عامل چاپ شهر، ۱۳۷۸، ص ۱۴۷.

[۹] حجتی، سید محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، بخش اول، چاپ ۱۷، ۱۳۷۵، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۷.

[۱۰] سوره مدثر، آیه ۳۸.

[۱۱] نهج البلاغه، خطبه ۲۲۳.

نماز نماد دین جایگاه و کاربرد علم را بیان می کند

نماز آئینه تمام از کمال علم (نیاز) و دین، «ایک نعبد وایک نستعین» (برخلاف نظر کسانی مانند «امیل دورکیم» که باورهای دینی را اوهام و خیال می داند اما لاجرم آن را جلوه های قوی و پایدار از امیال و آرزوهای بشری می داند).

دین عامل پایداری دنیای انسان است دنیایی که مبنای آن علم و دانش تجربی فرض شود. دین موجب آگاهی بشر به رموز و بواطن امور می شود در حالیکه علم و دانش تجربی از چنین ویژگی بطور کامل برخوردار نیست بعبارت دیگر قدرت و سنجش علم تجربی در حد آزمایشگاه و فرضیه است در حالیکه نماز سمبل عینی دین در قرآن موجب نزدیکی انسان به پروردگار می شود [۱] هدف دین شناخت جنبه حقیقت امور خلقت است در حالیکه علم وسیله ای برای ورود به این شناخت و معرفت است [۲] علم و دانش وسیله برای اخلاص و کمال در مقابل خدا است اخلاصی که شکل ظاهری آن نیاز و نماز است در واقع نماز نجوا و راز و نیاز با خالق برای جدا کردن خدا از صفات ویژگیهای مخلوقات است. در حالی که علم مجموعه ای است که باعث می شود که نوعی صفت را برای موصوف قائل شویم و چنین تقید موصوف به صفت نشان دهنده حقیقت وجودی انسان یعنی نیاز است. «ایک نعبد وایک نستعین». برای همین در نماز ذکر ایک نعبد وایک نستعین را ورد زبان با محیط روح می کنیم فقیر نمی تواند غنی و مغنی را توصیف کند چون هر توصیفی برای غنی بیاورد همگی به نوعی نیازها، احتیاج و وابستگی خود را نشان خواهد داد در حالی که احتیاج و معلولیت از ذات الوهیت مبرا است [۳]. نماز نشان دهنده این است که علم و دانش بایستی در مسیر آیین و ملت اسلام باشد [۴].

[صفحه ۶۴]

علم هر چند که سبب پیشرفت و توسعه فضای اندیشه بشر در جهان است اما به موازات توسعه و ترقی و نائل شدن به اکتشافات و اختراعات نوعی اضطراب و اختلالات روحی و روانی نیز به دنبال دارد و نشانه و نمود چنین نگرانیها وجود رقابتهای منفی، درگیری و جنگ برای توسعه اعمار و منافع گروه ها و کشورها می باشد برای جلوگیری، متعادل و منظم کردن چنین فرایندهای ناهمگون بشر، نیازمند دین بعنوان ترمز عقلانی است چرا که ایجاد ترمزها و

کنترل های علمی تجربی بخاطر عدم درک تمام وقایع اولاً قابل اعتماد نیستند و در ثانی چندان مورد توافق طرفین درگیر نیز نیست لذا انسان نیازمند دستی است که اولاً نیازهای جاویدان و کمال گرای او را تأمین بکند و در ثانی نوعی آرامش و اطمینان قلبی برای او به ارمغان بیاورد.

یکی دیگر از عوامل نیاز انسان به دین و نماز جبران مافات است اگر انسان در حیطه ی علم و دانش و یا وظایف دینی خود دچار خطای سهوی و یا عمدی شود هیچ راه جبران کننده و رضایتمند و کافی در بعد فرد و اجتماعی برای او ممکن نیست و اگر مجازاتهایی نظیر مرگ، حبس، تنبیه و غیره را می بینیم تنها قادر به تأمین یک بخش ناچیز از مجموعه ظلم، کوتاهی، و خیانت های خود برای جبران حقیقت امر ضایع شده است. خداوند عنصر توبه را با اقامه فرائض بیان می کند پس نماز بعنوان یک فرضیه به نوعی تأمین و تعدیل کننده روابط پوچی و هستی انسان است یعنی از یک طرف گناه و لغزش را می بیند «نهیلیسم» و از طرف دیگر به توبه و برپا داشتن احکام و تکالیف دینی (نماز) امیدوار می شود در حالیکه در حوزه دانش و علم محصول ذهن بشری امکان جبران چنین کاستی و خیانتها غیر قابل ممکن است چه بسا کسی در نتیجه استفاده از بمب اتم میلیونها انسان را از بین ببرد و امکان جبران این ضایع از طریق ایجاد محصولات دانش تجربی برای مرهم مصیبت زدگان نیست در حالیکه در حوزه ی دین اگر امکان جبران مافات بطور عینی و ملموس مقدور نباشد با پشیمانی و انقلاب درونی مشمول قاعده لطف خداوند شده سیئات را به حسنات تبدیل می کند. «ان الحسنات یذهبن السيئات» اساساً بی تدبیری و انانیت انسان ناشی از خود بزرگ بینی و غنی دانستن نفس از اقتدار خداوند است. بنابراین فلسفه به وجود آمدن دیوهای انسانی نظیر فرعونها، نمرودها همه ناشی از احساس غنی و بی نیازی در مقابل موجود مطلق است «یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم» [۵].

[صفحه ۶۵]

[۱] نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

[۲] نهج البلاغه، خطبه ۱.

[۳] همان.

[۴] همان، خطبه ۱۱۰.

[۵] سوره انفطار.

نقش نماز در سلامت روانی دانشجویان

جناب آقای محسن ادیب حاج باقری

دانشجوی D.Ph آموزش پرستاری عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

[صفحه ۶۷]

مقدمه

انسان در خلال زندگی روزمره لحظه به لحظه با استرسها و فشارهای گوناگون مواجه می شود و زندگی دانشجویی از جمله مواردی است که مشکلات و استرسهای آن از جهات مختلف فزونی می نماید. مشکلات مختلف از جمله مسائل اقتصادی، مشکل مسکن و خوابگاه، مشکلات مربوط به دوره جوانی، مجرد، دوری از خانواده و بستگان و از یک سوء مسائل مربوط به مشکلات تحصیلی، روابط استاد و دانشجو، اضطراب امتحان و... تنها برخی از مشکلات و عوامل تنش زای زندگی دانشجویی هستند. از این رو متأسفانه مشکلات روحی روانی در میان دانشجویان رو به فزونی بوده و گزارشهای مختلف نشانگر این امر است، به گونه ای که بهدادی در ۱۳۷۹ گزارش می نماید: در حالیکه؟ تنها ۶۲ / ۲۴ درصد از دانشجویان خلق بهنجار دارند، بیش از ۳۰ درصد از آنها دچار اضطراب بالاتر از حد متوسط هستند [۱] به نظر می رسد که بخاطر ماهیت رشته های پزشکی و پرستاری از جمله برخورد دائمی آنها با درد و رنج بیماران و سایر مشکلات مربوط به محیط های بالینی، عوامل تنش زا در این عده از دانشجویان بیش از سایر رشته ها باشد و این عده بیشتر در معرض خطر قرار دارند به گونه ای که مؤمن نسب و فرهادی در ۱۳۷۹ گزارش نموده اند: در حالیکه بیش از ۸۶ درصد دانشجویان جدید الورد یکی از دانشگاه های علوم پزشکی دارای سلامت روانی و ۱۲ درصد مشکوک به اختلال روحی روانی بوده اند در پایان سال اول وضعیت بدون اختلال ۱۱ درصد کاهش و وضعیت مشکوک ۲۰ درصد افزایش داشته است.

[صفحه ۶۸]

در حالیکه استرس به تدریج قوای روحی و جسمی انسان را کاسته و زمینه را برای بیماریهای خطرناک روانی و جسمی فراهم می سازد، برقراری ارتباط با منبع و سرچشمه هستی و استمداد از او به ترمیم قوای روحی انسان کمک نموده و باعث تسکین بسیاری از رنجوریهای روحی روانی و حتی جسمی می گردد. از این رو الکسیس کارل برقراری ارتباط با خدا را برای انسان همانند آب و اکسیژن ضروری دانسته و ویلیام جیمز اتصال به قدرت لایزال الهی را تنها منبع کسب انرژی و تجدید قوای روحی از دست رفته انسان میداند، و نماز از جمله راه های ذکر و یاد خدا و بهترین راه حضور در محضر او و ارتباط با منشأ هستی است. نماز که سرود یکتاپرستی و زمزمه دلنشین فضیلت و پاکی و تمرین وظیفه شناسی در درگاه خداوند است، صرف نظر از جنبه عبادی، دارای آثار بسیار مثبت روحی است و اقامه آن اگر همراه با حضور قلب و تفهیم باشد، تأثیر بسزایی در کاستن و زدودن اضطراب و استرس روانی، هماهنگ کردن قوای روحی، انبساط خاطر، ایجاد انضباط، تمرکز حواس و حضور ذهن و ایجاد آرامش باطن و اطمینان قلب دارد.

[۱] بهدادی، فاطمه، و دیگران، ارتباط سبک زندگی با افسردگی و اضطراب در دانشجویان، اسرار، تابستان ۷۹، ص ۲۷.

بحث

قرآن عبادت را راز خلقت انسان و در صدر برنامه های انبیا عنوان نموده و انسان کامل را عبد نامیده است. اگر عبادت را آمیزه ای از پرستش، نیایش، پناه جویی، رازگویی، نیازخواهی و عشق بدانیم، نماز بالاترین مصداق آن است. نماز از مهمترین فرائض دینی و از ضروریات دین مقدس اسلام و نقطه اوج عبادات است که از درخشندگی و برجستگی خاص و رفیع ترین جایگاه برخوردار است. پس از بعثت، نخستین عبادتی که تشریع شد نماز بود که عمود دین و مرز بین کفر و ایمان است و بدون آن سایر اعمال انسان پذیرفته نیست. از میان عبادات اسلامی نماز در زیادتی احکام نمونه است، به گونه ای که ۴۰۰۰ حکم برای آن آمده است. کلمه صلاه و مشتقات آن - به معنای نماز - حدود ۱۰۴ بار در قرآن مجید آمده و در ۱۵ مورد به آن امر شده است. این همه تأکید بر نماز نه از سر نیاز خالق، که به خاطر نیاز مخلوق است زیرا اقامه ی صحیح نماز صرف نظر از جنبه عبادی آن، به روح آدمی انبساط و شعفی پرشور می بخشد و او را با نردبان آیات الهی بالا برده و روانش را به معراجی شکوهمند نائل میکند «الصلاة معراج المؤمن»، و از این روست که انسان مؤمن در این عروج روحی همه چیز را قربانی قرب الی الله میکند «الصلاة قربان کل تقی». به واسطه همین اثر است که الکسیس کارل نیایش را کشش روح به سوی جهان غیر مادی دانسته و نیاز انسان به نیایش و ارتباط با خدا را همانند نیاز او به اکسیژن قلمداد می نماید و آن را یک عمل طبیعی

روانی - بدنی دانسته، برای رشد نهائی انسان ضروری اعلام می کند، با این وجود وی می نویسد: متأسفانه در تمدن امروزی

[صفحه ۶۹]

ما گذارده ایم که این نیاز، کوچک شمرده شده و گاه نادیده گرفته شود و از این روست که موازین اخلاقی راه زوال پیموده و نسلی منحط به وجود آید، که جز به هوسهای نفسانی و مادی فکر نمی کند، در این نسل دیگر اثر چندانی از مهر و وفا و صلاح اندیشی، استقامت و امانت، شهامت و شجاعت و جوانمردی برجای نمانده و دشمنی و نفاق و بداندیشی، خیانت و تملق، حيله و حرص و حسد، و عدم اعتماد به دیگران جای آن را گرفته و شکستها و ناکامیها از هر سو به انسان روی آورده است.

قرآن به خوبی وضعیت چنین نسلی را تصویر نموده، می فرماید: آنها خدا را فراموش کردند و در نتیجه خدا نیز آنها را به دست فراموشی سپرده است [۱]، دلهای آنها گرفتار شک است [۲] و مانند افراد کر و لالی هستند که در فضایی تاریک و ظلمانی به سر می برند [۳]، به واسطه گناه بر دلهایشان مهر نهاده شده و هیچ روزنه ای به سوی حقیقت ندارند، زیرا به دنبال هوسهای خود هستند [۴]، و بسیاری از آنها تحت فشار هوسهایشان به جرائم سنگین دست می یازند [۵]، پس خدا در دلهایشان رعب و وحشت افکنده [۶]، یأس و نومیدی و اضطراب آنها را در برگرفته و شادابی جسم و تن را از میان برده است و احساس رنج و گناه و خود کم بینی شدید آنها را می فرساید [۷] ولی علیرغم همه اینها، شیطان مشاطه گر نیز سوء رفتارشان را تحسین می کند و به وسوسه آنها می پردازد و سرانجام در پرتو غرور و خودباختگی، آنها را به نابودی می کشاند [۸]، در چنین محیطی که به معنویات واقعی نمی گذارند و پریشانی افکار، ناراحتی اعصاب، و تنش و اضطراب به جان بشر افتاده، بسیاری برای فرار از این تنشها به شرب خمر، استعمال افیون و... روی می آورند، غافل از این که با این کار نه تنها به آرامش نمی رسند بلکه به بدبختی بیشتر خود کمک کرده و مردم دیگری را نیز به فلاکت می کشانند، که: «من اعرض عن ذکرى فان له معيشة ضنكا» [۹]، هر که از یاد خدا روی گرداند زندگی بر او تنگ و دشوار گشته و روی آرامش و راحتی را نخواهد دید. از این روست که گاه و بیگاه اعترافاتی شنیده می شود که چاره کار در بازگشت به تعالیم مذهبی و ارزشهای معنوی است، که خداوند فرمود بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را [۱۰]. در این راه، تعالیم اسلامی می تواند مرهمی بر زخمهای کهنه

بشر باشد و در این میان نماز - به ویژه اگر با توجه و حضور قلب اقامه گردد - جایگاه خاصی دارد، زیرا برای کاستن

[صفحه ۷۰]

از این اضطرابها و تنشها هیچ پشتوانه ای بهتر از وجود مطلق خدا و منشأ هستی نیست، و نماز موجب نزدیکی به او، و بهترین راه حضور در محضر اوست؛ چنانچه ویلیام جیمز می گوید: اتصال به قدرت لایزال الهی تنها منبع کسب انرژی و تجدید قوای روحی از دست رفته انسان است و ویل دورانت میگوید چه خوش آهنگ است صدای اذان در گوش مسلمان و غیر مسلمان، که این جانهای خسته و محبوس در پیکره خاکی را از فراز هزاران مسجد دعوت میکند تا بسوی بخشنده زندگی و عقل توجه کنند و به جان با او پیوند گیرند. بی جهت نیست که در اسلام انسان وظیفه دارد که از صبح تا شام لااقل ۵ بار رسماً با نماز به ذکر و یاد خداوند بپردازد و در مرحله ای بالاتر اسلام به انسان سفارش کرده است که در همه احوال از یاد خدا غفلت ننماید [۱۱].

اهل لغت، صلاة را مشتق از تصلیه می دانند، که به معنی مستقیم کردن چوبهای خمیده - (از طریق نزدیک کردن آنها به آتش و حرارت) است. گوئی نمازگزار با توجه به مبدأ هستی و با حرارتی که در اثر صعود به سوی شمس حقیقت معنوی کسب می کند، کژیهای نفس را که در اثر توجه به غیر خدا ایجاد شده است، تعدیل می نماید [۱۲]. نماز سرود یکتاپرستی و زمزمه دلنشین فضیلت و پاکی و تمرین وظیفه شناسی و سپاس به درگاه احدیت است. نمازهای پنجگانه همانند نهرهای آبی هستند که انسان روزانه ۵ بار چرک و آلودگی جسم خود را در آن شسته و زنگار نیستی و هوی و هوس و سیاهی ترسها و اضطرابها را به وسیله آن از جان و دل می زداید.

نماز دارای ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، جسمی و روحی است که در این نوشتار عمدتاً به نقش آن در بهداشت روانی پرداخته می شود، و البته دانشجویان عزیز باید توجه نمایند که همانگونه که تنها حضور فیزیکی در کلاس درس چیزی نصیب آنها نخواهد کرد و بهره لازم از درس استاد تنها در پرتو حضور فعال و توجه کامل به استاد حاصل خواهد گردید، همه فواید و آثار نماز نیز خصوصاً هنگامی دست می دهد که نماز از حالت عادی و لق لقه زبان بودن خارج شده و با دقت و توجه باطنی و حضور قلب برگزار گردد و اقامه کننده آن بداند در مقابل چه کسی ایستاده و چه می گوید، چنانچه امام خمینی (ره) می فرماید: بر ارباب بصیرت و معرفت پوشیده نیست که

روح عبادت و کمال آن به حضور قلب و اقبال آن است و هیچ عبادتی بدون آن مقبول درگاه احدیت نشود و از درجه اعتبار ساقط است [۱۳].

یکی از آثار مهم نماز در بهداشت روان نقش انکار ناپذیر آن در زدودن و کاستن تنش و اضطراب

[صفحه ۷۱]

است زیرا نمازگزار باید فقط به خدا توجه نماید، از همه اشتغالات ذهنی و مشکلات مادی روی گرداند، چیزی جز آیات قرآنی بر زبان جاری ننماید و با تمام اعضاء و جوارح و با حضور قلب نماز را اقامه نماید. همین روگردانی از مسائل زندگی مادی موجب آرامش می شود و این حالت آرامش روحی ناشی از نماز، تاثیر بسزائی در کاهش تنش و اضطراب دارد. توماس هاسیلوپ می گوید: بهترین وسیله آرامش بخشی که من در طول تجربه ام در مسائل روانی شناخته ام نماز است [۱۴]، الکسیس کارل می نویسد: دعا و نماز قویترین نیروئی است که همچون قوه جاذبه وجود حقیقی دارد و من در حرفه پزشکی خود انسانهایی را دیده ام که پس از آنکه تمام معالجات دیگر برای آنها مؤثر نبوده است با نیروی دعا و نماز و نیایش از بیماری جسمی یا روحی رهایی یافته اند [۱۵] مشخص شده است که در هنگام نماز فعال شدن مغز باعث آزادی آندروفینها می شود و این مواد موجب کاهش درد و استرس و نیز احساس سبکی و نشاط می گردد [۱۶] هربرت بنسون می گوید: نیایش مغز را فعال میکند، فشار خون را می کاهد، نازائی را درمان میکند و تکرار آن، اندیشه های دیگر را از مغز بیرون و بسیاری از مردم را قادر به ایجاد تغییرات فیزیولوژیک در خود می کند [۱۷].

امروزه بر استفاده از روشهای آرام سازی برای کاهش تنش تأکید و حتی از آن برای درمان امراض جسمی مانند فشار خون، آسم و.... استفاده می شود. توصیه می شود این تمرینات حداقل ۲ بار در روز و در محیطی آرام و راحت صورت گیرد [۱۸].

اقامه نماز آن هم ۵ بار در روز، خود بهترین تمرین آرام سازی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به هنگام رسیدن وقت نماز می فرمود: «بلال، ما را با اعلام رسیدن وقت نماز آرام ساز» که «الا بذکر الله تطمئن القلوب» [۱۹] ، و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرگاه بر شما به علت فشار زندگی هموم غموم وارد شود وضو گرفته، به مسجد درآئید و ۲ رکعت نماز کنید تا ناراحتی شما، رفع شود، که خداوند می فرماید «استعینوا بالصبر و الصلاة... ان الله مع الصابرين».

حالت آرامش ناشی از روشهای آرام سازی معمولا تا مدتی بعد نیز ادامه می یابد [۲۰] و این امر در مورد نماز نیز صادق است، خصوصا مستحب است پس از انجام نماز، تعقیبات آن نیز بجا آورده شود، پس وقتی که بلافاصله پس از نماز با ذکر و دعا به تسبیح خداوند می پردازیم، این حالت آرامش پایدارتر شده و مدت بیشتری دوام می یابد، در نتیجه اضطرابها کم رنگ باخته، آرامش و اعتماد به نفس به انسان برمی گردد. در مقاله ای از قول متخصصین قلب و عروق آمریکا آمده است: دعا و نیایش باعث آرامش و بهبود بیماریها می گردد و اگر به این امر اعتراف کنیم باید در نسخه های خود

[صفحه ۷۲]

بنویسیم سه بار در روز دعا کنید [۲۱] بنابراین به دانشجویان توصیه می شود که برای حداکثر استفاده از آثار آرامش بخش نماز، نمازهای پنجگانه را در پنج نوبت (و نه در سه نوبت، آن گونه که رایج شده است) و در وقت مقرر شرعی خود اقامه نمایند، این امر باعث می شود که در طی روز به فواصل منظم در ارتباط با سرچشمه هستی و آرامش دهنده قلبها قرار گیرند، بعلاوه سعی کنند تا مقدمات و تعقیبات نماز را حتی الامکان بجای آورند، این امر ضمن تعمیق و تطویل آرامش روانی حین نماز باعث دوام بیشتر این آرامش پس از اتمام نماز می گردد.

یکی دیگر از روشهایی که روان شناسان از آن برای کاهش تنش و اضطراب بهره می جویند آرام سازی از طریق حساسیت زدائی است. در این روش فرد را با عامل تنش زا مواجه کرده و می کوشند در همین زمان واکنش مخالف اضطراب یعنی حالت آرامش را در او ایجاد کنند، به این ترتیب میان دو چیز متضاد رابطه برقرار می شود و عامل تنش زا خاصیت خود را از دست می دهد [۲۲] باید به دانشجویان توجه داد که همین مکانیزم در نماز نیز قابل حصول است زیرا انسان می تواند در دعای نماز (قنوت) مشکلات خود را با خدا در میان گذارد، همین مشکلات است که در زندگی روزمره او را نگران می سازد، پس وی از آنها به خدا پناه می برد. بر زبان جاری ساختن مشکلات در این هنگام که انسان غرق در آرامش روانی ناشی از نماز است و تکرار این حالت لااقل پنج بار در روز باعث می شود که این عوامل قدرت اضطراب آوری خود را از دست بدهند.

انسان معمولا پس از ارتکاب خطا و گناه دچار عذاب وجدان می شود، اگر چه ایجاد چنین احساسی نشانه وجدان اخلاقی بوده و اگر متناسب با عمل باشد در جلوگیری از تکرار آن مؤثر است ولی اگر طولانی و بیش از حد گردد موجب اختلال در شخصیت می شود. سبک کردن بار اندوه از طریق بازگو کردن مشکلات برای فردی که رازدار،

غمخوار، صبور و عاقل باشد راهی است برای اعاده آرمش که انسان اثربخشی آن را بارها آزموده است. هنگامی که انسان در نماز و مناجاتهای بعد از آن مشکلات و خطاهای خود را با خدا در میان می گذارد، از او درخواست کمک و عفو می نماید، پس از آن احساس سبکی و آرامش بیشتری خواهد کرد، و شاید به همین دلیل است که امام علی (علیه السلام) فرموده اند: «که نماز گناهان را چون برگ درختان می ریزد» [۲۳].

انسان در نماز به حضور کسی شرفیاب می شود که منبع همه قدرتها، خیرها و زیبایی ها است و با نزدیکی هر چه بیشتر به منشأ قدرت، مشکلات زندگی بتدریج رنگ باخته و احساس تسلط در آدمی ظاهر می شود و در پرتو آرامش و طراوت و شادابی، نیروهای جسمی و روحی او که قبلاً در بند اضطرابها و نگرانیها محصور بود، آزاد شده و او با عزمی راسخ و اراده ای قوی به نبرد با مشکلات زندگی

[صفحه ۷۳]

می پردازد [۲۴] از سوی دیگر ریتم، هماهنگی، انسجام و نظام معین که در جای جای نماز و در تلاوت سوره های قرآن (از جمله سوره هائی که در نماز قرائت می شود) به چشم می خورد [۲۵]، همراه با طمأنینه، که در اقامه نماز به آن سفارش شده است، باعث هماهنگی بیشتر قوای روحی درهم ریخته آدمی می شود.

انسان نیایشگر و با ایمان حتی درد و رنج را از یار می داند و در پرتو ایمان به خدا حوادث و مشکلات را امتحانی برای خود می شمارد؛ زیرا خداوند فرموده است که ما شما را به انواعی از خوف، گرسنگی، کمبودها و مشکلات مالی و جانی می آزمائیم و صابران را بشارتی نیکو می دهیم. [۲۶] دانشجویان نیز مرتباً با مسأله امتحان مواجه بوده و این امر یکی از منابع اضطراب در آنها است، آنها برای افزودن موفقیت خود در امتحان به راهکارهای متعدد متوسل می گردند، شرکت فعال در کلاسها، مرور دقیق بر دروس و درخواست از استاد برای برگزاری جلسات اضافی جهت رفع اشکالات، برخی از این راهکارها هستند. بسیاری از آنها نیز دفعات بیشتری با استاد مربوطه تماس گرفته و طلب راهنمایی می نمایند. پس شایسته است که برای حصول اطمینان قلبی از موفقیت هر چه بیشتر در این امتحانات و سایر امتحانات زندگی ضمن حضور منظم در جلسات ارتباط با خدا (نماز) حتی جلسات حضور در محضر او را با نمازهای مستحب بیافزاییم و با حضور قلب و خلوص نیت مشکلات خود را در ارتباط با این امتحانات با او در میان گزاریم و از او طلب نیرو و استعانت و راهنمایی نمائیم که براستی یاری کننده ای غیر از او نیست. بنابراین انسان مؤمن امور خود را به خدا وامی گذارد و در برابر امتحانات، صبر و خویشتن داری و تلاش

پیشه می کند؛ زیرا در غیر این صورت افراد کوشا، صبور و خویشتن دار بازشناخته نخواهند شد [۲۷]، چنین فردی در پرتو ایمان به خدا دچار آسیبهای روحی و بیماریهای روانی و عصبی، و ترس و اضطراب که در قلوب تهی از ایمان بوجود می آید نخواهد گردید؛ زیرا خداوند سبحان قلب او را سرشار از اطمینان و آرامش ساخته است «قال لا تخافا اننی معکما اسمع و اری» [۲۸] کتب روانشناسی نیز تأکید میکنند که اگر انسان در سختیها احساس معنا نماید نه تنها مشکلات بر او اثر سوئی ندارند بلکه در ارتقاء روحی او مؤثر خواهند بود [۲۹] انسان مؤمن در هر حال خود را در ارتباط با عظیم ترین نیروی قابل تصور احساس می کند و همین احساس، امواج ناامیدی و اضطراب را سرکوب می نماید، چنین انسانی، هنگامی که در نماز «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را با ذره ذره وجودش می گوید، آیا دیگر احساس ضعف و درماندگی خواهد کرد؟ و اگر

[صفحه ۷۴]

با دعاها و نمازهای مستحب، خصوصا نماز شب، ذکر خدا را تداوم بخشد، این انسان به کوهی پولادین بدل می شود که تنشها بر او تاثیر نخواهند داشت، چرا که نماز در دل شب گامی استوار و ثابت و پایدارترین سخنهاست [۳۰] در نماز شب، تمرکز حواس و آرامش ضمیر بیشتر است و عوامل تنش زای زندگی روزمره نیز قطع شده، یا در حداقل مقدار خود هستند و به علت تاریکی توجه انسان از ظواهر برگشته، به دلیل داشتن مقداری استراحت در اوایل شب و تقویت قوای روحی و جسمی، بهترین زمان برای ایجاد حضور قلب است که اگر واقعا میسر شود، منتج به آرامش روحی خاصی می گردد، که این آرامش را می توان در صحیفه چهره او خواند، آرامش عمیق و ژرف و ناشی از اطمینان درونی دید، و در اینجا است که خداوند می فرماید «یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه» [۳۱] [۳۲].

برخورداری از فکر متمرکز، یک موهبت ارزشمند در زندگی و از لوازم یادگیری و موفقیت تحصیلی دانشجویان است. «موسیه» معتقد است که تمرکز حواس، حیات فکری را شکوفا ساخته و قدرت عقل را استحکام می بخشد [۳۳] و بسیاری از موفقیتهای انسان نیز لازمه اش همین تمرکز حواس و توجه کامل است و به مدد آن است که آدمی قادر به برنامه ریزی مطلوب و هدایت اندیشه به سمت و سوی انتخابی خود و استفاده درست از زندگی می شود. «ژاگو»، روانشناس فرانسوی، تمرکز فکر را عبارت از توانائی معطوف ساختن و ثابت نگهداشتن فکر بر یک تصویر یا مجموعه اندیشه و افکار میداند [۳۴] دانشجویان باید توجه نمایند، همانگونه که شعاعهای خورشید با عبور

از عدسی همگرا دارای قدرت و تأثیر سوزاندگی بیشتر می گردند، افکار پراکنده انسان ها هم در نماز حول محور یاد خدا وحدت یافته و آنچنان قدرت می یابند که با شرایط عادی قابل قیاس نمی باشد. آدمی می تواند برای دستیابی به تمرکز فکر در نماز، چشم به محل سجده دوخته و از نگاه به اطراف خودداری نماید. توجه و خشوع که از شرایط نماز است همچنین وسیله ای است برای پرورش و تمرین حضور ذهن و تمرکز حواس. رعایت ترتیب و موالات در نماز، تمرینی مهم برای انضباط، حفظ تمرکز و در واقع فعالیت و ممارست ذهنی است. همچنین اگر انسان لحظاتی قبل از نماز بنشیند و فکر کند که در محضر چه کسی می خواهد حاضر شود و نیز مقدمات و مقارنات آن را درست بجا آورد بر حضور قلب و تمرکزش افزوده شده و تدریجاً این تمرکز به همه جوانب زندگی او رسوخ می نماید. یکی دیگر از مسایلی که انسان مادی امروزی از آن در رنج است، احساس تنهایی و بی یابوری است. این امر در زندگی دانشجویان نیز دیده می شود. چنین احساسی زمینه ناامیدی، یأس و

[صفحه ۷۵]

افسردگی را فراهم می نماید. بیاداری نماز و داشتن حضور قلب و توجه به معانی الفاظ آن چنانکه گفته شد، این احساس را از بین می برد و انسان، خدا را در کنار خود احساس می نماید. اضافه بر این نماز دارای روح جمعی است و در آغاز و پایان آن ضمائر جمع بکار رفته و توجه انسان را به لزوم کار جمعی برای حل مشکلات سوق می دهد. سوره حمد که برخلاف سوره توحید قابل جایگزینی با هیچ سوره دیگری نیست در برخی از آیاتش ضمیر جمع استفاده شده است؛ مانند این آیات که می خوانیم: «فقط تو را می پرستیم و از تو یاری می خواهیم، ما را به راه راست هدایت کن». و در پایان نماز نیز بر خود و همه صالحان درود می فرستیم، همچنین این همه تأکید که به اقامه نماز به صورت جماعت شده است، باید توجه همه و از جمله دانشجویان را به لزوم همکاری و کار جمعی برای حل مشکلات معطوف نماید.

«خداوندا! ما را به صراط مستقیم انسانیت هدایت فرما و از جهل و خودپسندی و ظلال و خودبینی مبرا کن و به محفل انس ارباب عروج روحانی و مقام قدس اصحاب قلوب عرفانی بارده و حجابهای انانیت ظلمانی و انیت نورانی را از چشم بصیرت ما برفکن تا به معراج حقیقی نماز اهل نیاز واصل گردیم و به حلاوت ذکر ارباب هدایت فائز آییم و تعلقات قلبیه ما را از غیر صرف و به خود مصروف دار و چشم ما را از اغیار بیوش و به جمال جمیل خود روشنی بخش» [۳۵].

[۱] (بقره / ۶۷).

[۲] (توبه / ۴۵).

[۳] (انعام / ۳۹).

[۴] (محمد / ۱۶).

[۵] (حدید / ۲۶).

[۶] (احزاب / ۲۶۰).

[۷] (اعراف / ۹۱).

[۸] (صاد / ۸۲ و ۸۳).

[۹] (طه / ۲۴).

[۱۰] (غافر / ۶۰).

[۱۱] (نساء / ۱۰۳).

[۱۲] ولاتی، منوچهر، نماز در آئینه ضمیر امام (ره)، طب و تزکیه، ش ۵، ص ۸۰.

[۱۳] امام خمینی، اسرار نماز (معراج السالکین و صلاة العارفين) قم انتشارات اسلامی بدون سال انتشار.

[۱۴] نجاتی، محمد عثمان. قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۷.

[۱۵] کارل، الکسیس، نیایش، ترجمه پرویز دبیری، تهران، انتشارات فردوسی ۱۳۵۸.

[۱۶] اصفهانی، محمد مهدی، نماز، نیایش، عشق، تهران، معاونت فرهنگی حقوقی وزارت بهداشت، ۱۳۷۴.

[۱۷] واحد، سینا. روزنامه کیهان ۲۳ / ۱ / ۷۵ ص ۲۸.

[۱۸] Phipps, Wilma; al. et nursing surjical Medical .st .Louis .mosby. ۱۹۹۴.

[۱۹] رعد ۲۸.

[۲۰] Brookings, G; ulia; et al. Atext of book mental and psychiatric health nursing New York churchill

Liying Liying .stone. ۱۹۹۲.

[۲۱] صانعی، اشرف و نیکبخت، علیرضا. جایگاه رفیع قرآن در پژوهشهای طب اسلامی. طب و تزکیه، ش ۲۳. ص ۷۰.

[۲۲] Brookings, G; ulia; et al. Atext of book mental and psychiatric health nursing New York churchill

Liying Liying .stone. ۱۹۹۲.

[۲۳] نهج البلاغه امام علی (ع).

[۲۴] شرفاوی، حسن محمد. گامی فراسوی روانشناسی اسلامی. ترجمه محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳.

[۲۵] طباطبائی، سید محمد حسین، اعجاز قرآن، بنیاد فکری علامه، ۱۳۶۲.

[۲۶] (بقره ۱۵۵).

[۲۷] (محمد ۳۱).

[۲۸] (طه ۴۶).

[۲۹] شرقاوی، حسن محمد. گامی فراسوی روانشناسی اسلامی. ترجمه محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳.

[۳۰] (مزمل ۶).

[۳۱] (فجر ۲۷ و ۲۸).

[۳۲] آقا نجفی، حاج شیخ علی، برداشتی از نماز. دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

[۳۳] موسیه. ه. پ. پرورش ذهن. ترجمه احمد آرام. تهران. شرکت سهامی انتشار.

[۳۴] زاگو، پل، مانتیسم شخصی، ترجمه مشفق همدانی. انتشارات صفی علیشاه.

[۳۵] امام خمینی، اسرار نماز (معراج السالکین و صلاة العارفين) قم انتشارات اسلامی بدون سال انتشار.

بررسی نظر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در مورد نماز جماعت و

مسجد دانشگاه

جناب آقای مرتضی اسماعیل زاده

دانشجوی علوم آزمایشگاهی

[صفحه ۷۹]

مقدمه

برپایی نماز یکی از اولین نشانه های حکومت صالحان است و اگر حکومت اسلامی در راه برپایی و اقامه نماز تلاش نکند، طبیعتاً یکی از خصایص مسلم حکومت صالحان را نخواهد داشت. خوشبختانه در سالهای اخیر سعی در برپایی نماز در دانشگاههای سراسر کشور رشد چشمگیری داشته است.

اسلام علاوه بر نماز به نقش کلیدی مسجد هم تأکید دارد. با نگاهی به سیره ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مشاهده می شود که در زمان آن بزرگوار، مسجد محل گرد آمدن مردم و بجا آوردن عبادت و مهمترین مکان عمومی (واقع در مدینه) بوده است و اگر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) اسوه ی حسنه ای برای تمامی مسلمانان می باشد، در این زمینه هم جامعه ی اسلامی باید به او تأسی نموده و همت خود را در جهت افزایش نقش مسجد و جذب افراد به سمت آن متمرکز کند.

در این میان حضور جوانان در مسجد از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا علاوه بر آنکه نیمی از جمعیت جامعه ی ما را جوانان تحصیل کرده تشکیل می دهند، همین نسل جوان است که باید فردا پرچم دار انقلاب باشد و جامعه ی ایران را به سوی کمال رهنمون سازد، طبیعی است که نظر جوانان به خصوص دانشجویان نسبت به مسجد، عامل مهمی برای حضور آنان در مسجد و وضعیت مذهبی آنان می باشد لذا این موضوع برای تمامی برنامه ریزان فرهنگی دانشگاه ها مهم است؛ چرا که بدون شناخت نظریات این گروه نسبت به مسجد نمی توان برنامه ای مفید و جامع برای جذب آنها به مساجد طراحی نمود.

مشخصات پژوهشی

طرح مسأله: بررسی نظر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در مورد نماز جماعت و مسجد دانشگاه

اهداف تحقیق

- ۱) بررسی نظر دانشجویان علوم پزشکی شهید بهشتی درباره نماز جماعت در مسجد دانشگاه و عوامل دخیل در آن
 - ۲) بررسی میزان رفتن به مسجد و درصد حضور دانشجویان با توجه به مکان مسجد دانشگاه
 - ۳) بررسی میزان حضور دانشجویان با همراهان خود در مسجد دانشگاه علوم پزشکی
 - ۴) بررسی میزان اوقات فراغت دانشجویان و درصد حضور آنان در مسجد دانشگاه
 - ۵) بررسی امکانات و برنامه های مسجد دانشگاه با تکیه بر نظرهای دانشجویان علوم پزشکی
 - ۶) بررسی علل شرکت دانشجویان در مراسم نماز جماعت مسجد دانشگاه
 - ۷) بررسی نارسائیهای مسجد دانشگاه از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی
- روش بررسی: این تحقیق به روش پیمایشی انجام گرفته است
- جامعه آماری: در این تحقیق پاسخگویان در محدوده ی سنی ۱۹-۴۲ سال قرار گرفته اند
- فرد آماری: هر یک از افراد تحت مطالعه در این جامعه می باشند.
- تعداد نمونه: در این تحقیق نمونه ها شامل ۲۴۰ نفر از دانشجویان علوم پزشکی می شود.
- روش نمونه گیری: همه ی نمونه ها در سطح دانشگاه و بطور Random و کاملاً تصادفی برگزیده شده اند.
- وسیله ی گردآوری اطلاعات: پرسشنامه
- تجزیه و تحلیل اطلاعات: به کمک جدولهای آماری و با مقایسه درصدهای بدست آمده صورت گرفته است. تاریخ اجرای تحقیق: ۷۹ / ۱۰ / ۱۰

میزان حضور در مسجد در ساعات حضور در دانشگاه

- ۱- میزان حضور در مسجد: اندکی کمتر از ۲۰ درصد پاسخگویان همیشه به مسجد می رفتند. نزدیک ۵۰ درصد از پاسخگویان خیلی کم و تنها موقعی که فرصت داشتند به مسجد

می رفتند و کمتر از ۱۰ درصد پاسخگویان هیچ گاه به مسجد نمی رفتند. کارمندان و پرسنل دانشگاه بیش از سایر گروهها در مسجد دانشگاه حضور پیدا می کردند و عمده ترین میزان عدم حضور در مسجد را دانشجویان با ظاهر غیر مذهبی تشکیل می دادند.

جدول شماره ۱

«توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب میزان حضور در مسجد به تفکیک جنسیت»

میزان حضور در مسجد: همیشه رفتن، مرد: ۱۷ / ۷، زن: ۱۲ / ۲، کل: ۵ / ۸

میزان حضور در مسجد: اکثر اوقات، مرد: ۲۶ / ۱، زن: ۱۶ / ۴، کل: ۲۲ / ۳

میزان حضور در مسجد: مواقع فرصت داشتن، مرد: ۴۴ / ۹، زن: ۴۸ / ۶، کل: ۴۶ / ۳

میزان حضور در مسجد: نرفتن و فرصت نداشتن، مرد: ۷ / ۹، زن: ۴ / ۴، کل: ۶ / ۳

میزان حضور در مسجد: هیچوقت نرفتن، مرد: ۳ / ۴، زن: ۱۸ / ۴، کل: ۱۹ / ۳

میزان حضور در مسجد: جمع، مرد: ۱۰۰، زن: ۱۰۰، کل: ۱۰۰

پاسخگویانی که والدین آنها بیشتر به مسجد می رفتند، بیشتر از سایرین به مسجد می آمدند و طبیعتاً آشنایی و الفت بیشتری هم با مسجد داشتند. نکات ذکر شده نشان دهنده ی مسائل فردی و ویژگیهای پاسخگویان است که عمدتاً علت افزایش یا کاهش حضور دانشجویان در مسجد دانشگاه است. فرضاً افزایش سطح تحصیلات، علت کاهش حضور در مسجد است، نه اینکه کمتر مسجد رفتن نشان دهنده ی بالاتر بودن سطح تحصیلات باشد.

حداکثر این است که افزایش یا کاهش حضور در مسجد دانشگاه بستگی به سطح تحصیلات داشته و این متغیرها هم عرض بوده و معلول علت واحدی می باشند. اما مسائل دیگری نیز وجود دارد که به نظر می رسد بیشتر معلول میزان حضور در مسجد باشد یا اینکه در تقابل یا کنش متقابل با میزان حضور در مسجد باشد. از جمله ی این مسائل نگرش پاسخگویان دانشجو در ارتباط با مسجد است. فرضاً هنگامی که نتیجه گرفته ایم که با نگرش منفی نسبت به برخورد امام جماعت با دانشجویان از میزان حضور آنان در مسجد کاسته می شود، چند نوع تحلیل می توان ارائه کرد.

الف) دانشجویان وقتی می بینند که امام جماعت در مسجد برخورد خوبی ندارد یا رفتارش

نامناسب است یا چنین احساسی دارند، کمتر به مسجد می روند یا حتی بدون حضور در نماز جماعت، نماز را فردی به جای می آورند، لذا علت عدم حضور دانشجویان در مسجد دانشگاه، نگرش منفی آنها نسبت به برخورد امام جماعت است.

ب) کسی که به مسجد نمی رود یا فردی نماز می خواند طبیعتاً برای این کار خود باید دلیلی معقول داشته باشد، لذا چنین فردی باید معتقد باشد که مسجد جای خوب و مناسبی نیست و الا اگر غیر از این بود در مسجد حضور پیدا می کرد. پس از دید چنین فردی ائمه جماعات مساجد برخورد بدی با جوانان دارند. در این مورد می توان گفت که حضور کم در مسجد علت پیدایش این نگرش منفی نسبت به برخورد امام جماعت با جوانان است.

ج) نگرش منفی نسبت به برخورد امام جماعت با دانشجویان و عدم حضور در مسجد هر دو معلول علت واحدی هستند و آن مذهبی نبودن دانشجویان یا مخالفت ایشان با مذهب یا مجریان برنامه های مذهبی می باشد. فردی که مذهبی نیست هم در مسجد حضور پیدا نمی کند و هم نسبت به مسجد نگرش منفی دارد و نیز او می تواند دیگران را نیز از رفتن به مسجد باز دارد. پس درباره ی رابطه ی نگرش دانشجو نسبت به مسجد با میزان حضور وی در مسجد چندان نمی توان با قاطعیت نتیجه گیری کرد. در هر حال نتایج حاصله چنین است:

افرادى که معتقدند امام جماعت نسبت به دانشجویان بی اعتناست، کمتر از کسانی که معتقدند امام جماعت برخورد خوب و مناسبی دارد، در مسجد حضور دارند و نیز دانشجویانی که معتقدند در مسجد نسبت به آنان بی اعتنائی می شود کمتر از کسانی که چنین اعتقادی ندارند در مسجد حضور می یابند.

افرادى که اعتقاد به مطلوب بودن مسجد دارند بیشتر از دیگران که این اعتقاد را ندارند، در مسجد حاضر می شوند. افرادى که در مسجد حضور زیادتری دارند، مسجدی ها را بیشتر افرادی مذهبی می دانند و افرادی که حضور کمتری در مسجد دارند مسجدی ها را افرادی ریاکار و متظاهر و مذهبی نما می دانند. افرادی که معتقدند آدمهای مهم و تحصیل کرده و روشنفکر هم به مسجد می روند میزان حضور بیشتری در مسجد دارند. افرادی که معتقدند عبادت علت اصلی حضور جوانان در مسجد است بیش از کسانی که عبادت را علت اصلی حضور نمی دانند به مسجد می روند.

کسانی که معتقدند علت مسجد رفتن، گرفتن امتیاز و گزینش است، کمتر از افرادی که این نظر را ندارند به مسجد می آیند. افرادی که معتقدند، مسجد دانشگاه امکانات و برنامه های متناسبی دارد بیش از دیگران در مسجد حضور می یابند. کسانی که نارساییهای مسجد را کوچک تلقی می کنند در مسجد بیشتر حضور می یابند. افراد معتقد به اینکه مسجد مهمترین مکان گرد آمدن و تجمع عمومی است بیش از سایرین در مسجد حضور دارند.

در کل می توان دید، افرادی که نگرش مثبت نسبت به امام جماعت، مطلوبیت مسجد و علت حضور جوانان در مسجد دارند، بیش از سایرین در مسجد حضور دارند، لذا اگر فرض کنیم که نگرش مثبت به مسجد در ارتباط با میزان حضور در مسجد است می توان چنین نمایی رسم کرد:

نگرش مثبت به مسجد و مسجدی ها مساوی با افزایش میزان حضور در مسجد درباره ی تأثیر والدین پاسخگویان نیز باید گفت که در مجموع میزان مسجد رفتن والدین دانشجویان اثر مثبت و افزایش سطح تحصیلات والدین آنها اثر منفی بر حضورشان در مسجد دانشگاه دارد. در مورد اثر سن و جنس نیز بعداً بحث خواهیم کرد.

۲- علت عدم حضور در مسجد: اگر دلایل عدم حضور دانشجویان در مسجد را به دو دسته ی کلی عدم امکان و عدم تمایل تقسیم کنیم. خواهیم دید که ۶۰ درصد پاسخگویان که به مسجد نمی روند بخاطر عدم امکان حضور در مسجد می باشد و ۴۰ درصد بقیه بخاطر عدم تمایل می باشد. ملاحظه می شود که مردان بیش از زنان در مسجد دانشگاه حضور می یابند.

نکته ی قابل ذکر این است که حضور زنان در محیط دانشگاهی و اجتماعی و فعالیت آنها به خصوص در فعالیت های مذهبی با مشکلات خاصی همراه است که مردان فارغ از این مشکلات هستند. برای کاهش این مشکلات برای زنان باید فکری اساسی نمود. در مورد مردان نیز باید ذکر کنیم که درگیری در مسائل شغلی و خانوادگی، امکان مسجد رفتن را از پاسخگویان سنین بالاتر می گیرد.

علت مسجد نرفتن در متأهلین بیشتر عدم امکان و در مجردین عدم تمایل می باشد. در میان گروههای مختلف دانشجویان، متأهلین و شاغلین بیشترین میزان عدم امکان و دیگر دانشجویان بیشترین میزان عدم تمایل به مسجد رفتن را داشتند.

علتهای بالا از نوع مشخصات پاسخگویان هستند، ولی متغیرهای دیگری هم وجود دارند که در

تقابل با علت‌های مسجد نرفتن است که می‌توان به موارد زیر در این زمینه اشاره نمود:

(۱) کسانی که مسجد را مطلوب می‌دانند، بیشتر به خاطر عدم امکان و کسانی که مسجد را نامطلوب تلقی می‌کنند، بیشتر به خاطر عدم تمایل به مسجد نمی‌روند.

(۲) افرادی که برخورد امام جماعت را با دانشجویان مناسب می‌دانند، بیشتر بخاطر عدم امکان به مسجد نمی‌روند و دسته‌ی دیگر که برخورد وی را بد و نامناسب می‌دانند به خاطر عدم تمایل در مسجد حضور نمی‌یابند.

(۴) افرادی که مسجدی‌ها را مثبت می‌دانند بخاطر عدم امکان به مسجد نمی‌روند و دسته‌ی مخالف مسجدی‌ها که آنها را منفی تلقی می‌کنند، بخاطر عدم تمایل به مسجد نمی‌روند.

(۵) افرادی که مسجد را مهم‌ترین مکان عمومی دانشگاه می‌دانند، بخاطر عدم امکان در مسجد حضور پیدا نمی‌کنند و کسانی که مکان‌های دیگر را ترجیح می‌دهند، بخاطر عدم تمایل به مسجد نمی‌روند.

پس مشاهده می‌کنیم که موارد ذکر شده در بالا از عناصر نگرش به مسجد هستند، لذا می‌توان گفت دانشجویانی که نگرش مثبت به مسجد دارند بیشتر بخاطر عدم امکان و آنان که نگرش منفی به آن دارند، بیشتر بخاطر عدم تمایل به مسجد نمی‌روند؛ به عبارت دیگر دانشجویانی که نگرش مثبت به مسجد دارند، ولی به مسجد نمی‌روند، نمی‌توانند به مسجد بروند، اما دانشجویانی که نگرش منفی دارند و به مسجد نمی‌روند، در واقع نمی‌خواهند به مسجد راه پیدا کنند.

۳- نمازهای خوانده شده در مسجد: نزدیک به نیمی از پاسخگویان نماز ظهر و عصر را در مسجد می‌خوانند، یا به عبارت دیگر نزدیک به نیمی از پاسخگویان برای حداقل یک بار نماز ظهر و عصر را در مسجد دانشگاه بجای آورده‌اند.

۴- مکان‌های مسجد رفتن: نزدیک به ۷۰ درصد دانشجویانی که به مسجد می‌روند فقط در مسجد دانشگاه خود حضور دارند، حدود ۱۰ درصد در محل کار و حدود ۵ درصد در مسجد محل سکونت خود و تنها ۱۲ درصد از پاسخگویان که به مسجد می‌رفتند، در هر جا که مسجد در دسترس باشد، به مسجد می‌روند. با افزایش سن دانشجویان از میزان حضور در مسجد دانشگاه کاسته می‌شود و بر میزان حضور در محل کار افزوده می‌گردد؛ این امر احتمالاً به خاطر آن است که با افزایش سن بر میزان اشتغال به کار

افزوده می گردد و لذا دانشجویان کمتر می توانند در مسجد حضور پیدا کنند.

دانشجویانی که معتقدند یکی از مشکلات اساسی مسجد، بی اعتنائی به آنهاست یا اینکه جو مسجد بیش از اندازه سیاسی است، کمتر در مسجد حضور می یابند؛ یعنی نگرش منفی نسبت به مسجد و فضای بحران زده و سیاسی آن موجب کاهش حضور ایشان در مسجد می شود. (جدول شماره ۲)

«توزیع درصد فراوانی چگونگی مسجد رفتن پاسخگویان برحسب مکانهای مسجد رفتن به تفکیک جنسیت»

مکانهای مسجد رفتن: دانشگاه، مرد: ۶۵ / ۲، زن: ۷۲ / ۱، کل: ۷۵

مکانهای مسجد رفتن: محل کار، مرد: ۷ / ۶، زن: ۳ / ۹، کل: ۹ / ۲

مکانهای مسجد رفتن: محل سکونت، مرد: ۶ / ۱، زن: ۲ / ۵، کل: ۴ / ۵

مکانهای مسجد رفتن: هر جا که مسجد در دسترس باشد، مرد: ۲۱ / ۱، زن: ۲۱ / ۵، کل: ۱۱ / ۳

مکانهای مسجد رفتن: جمع، مرد: ۱۰۰، زن: ۱۰۰، کل: ۱۰۰

۵- همراهان: بیش از نیمی از دانشجویان با دوستان خود، بیش از یک چهارم به تنهایی و افراد کمی هم به همراه سایرین به مسجد می روند. (جدول شماره ۳)

«توزیع درصد فراوانی پاسخگویانی که به مسجد می روند برحسب همراهان به تفکیک جنسیت»

همراهان: همسر و فرزندان، مرد: ۱ / ۶، زن: ۸ / ۵، کل: ۳ / ۹

همراهان: خواهر و برادر، مرد: ۳ / ۵، زن: ۱۰ / ۵، کل: ۱۰ / ۵

همراهان: دوستان، مرد: ۶۵ / ۲، زن: ۵۰ / ۹، کل: ۴۸ / ۹

همراهان: تنها، مرد: ۲۶ / ۱، زن: ۲۶ / ۷، کل: ۳۴

همراهان: سایر موارد، مرد: ۳ / ۶، زن: ۳ / ۹، کل: ۲ / ۷

همراهان: جمع، مرد: ۱۰۰، زن: ۱۰۰، کل: ۱۰۰

۶- زمانهای مسجد رفتن: بیش از یک چهارم پاسخگویان در ماههای رمضان، محرم و صفر به مسجد می روند و حدود ۲۵ درصد هم در تمام ایام سال تحصیلی در مسجد حضور می یابند. پس دو زمان عمده شامل ایام مراسم مذهبی و تمام ایام سال تحصیلی برای مسجد رفتن وجود دارد.

وضعیت فعلی مساجد (مساجد دانشگاه)

در این مورد ابتدا به بررسی کارکردها، امکانات موجود در برنامه های مساجد می پردازیم. سپس به بررسی رابطه ی میان رسانه ها و مراکز فرهنگی با میزان حضور دانشجویان در مسجد پرداخته می شود.

کارکردها، امکانات و برنامه های مسجد

مطابق داده ها بالاترین امکانات و برنامه ها را برنامه های مذهبی و کمترین آنها را برنامه های سیاسی تشکیل می دهند. در زیر مطابق مدل پارسونز به بررسی کارکردهای مسجد پرداخته ایم.

کارکردهای فرهنگی: از دید بیش از ۹۲ درصد از دانشجویان، مسجد فقط امکانات مذهبی دارد. بیش از نیمی از دانشجویان معتقدند که مسجد امکانات و برنامه های آموزشی نیز دارد و از نظر بقیه، مسجد امکانات و برنامه های زیارتی و سیاحتی خوبی دارد.

کارکردهای سیاسی و مذهبی: دانشجویان تا حدود زیادی معتقدند که در مسجد دانشگاه، برنامه های سیاسی باید وجود داشته باشد، لذا به برنامه های سیاسی توجه بیشتری دارند. علت این

امر شاید این باشد که دانشجویان بیش از سایر مردم تعلق خاطر سیاسی دارند. لازم به ذکر است که در ابعاد شناختی مسجد، چندان تفاوتی میان پاسخگویان از نظر سن و جنس وجود ندارد و تنها در بعد ارزیابی است که تفاوتها بروز می کند.

«توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب نوع امکانات برنامه های مسجد به تفکیک جنس»

وجود امکانات و برنامه ها: برنامه های مذهبی، مرد: ۸ / ۸۵، زن: ۲ / ۱۴، کل: ۱۰۰

وجود امکانات و برنامه ها: برنامه های آموزشی، مرد: ۴ / ۶۰، زن: ۶ / ۳۹، کل: ۱۰۰

وجود امکانات و برنامه ها: امکانات فرهنگی، مرد: ۱ / ۳۷، زن: ۹ / ۶۲، کل: ۱۰۰

وجود امکانات و برنامه ها: امکانات سیاحتی - زیارتی، مرد: ۱ / ۴۶، زن: ۹ / ۵۳، کل: ۱۰۰

وجود امکانات و برنامه ها: امکانات سیاسی، مرد: ۳۷، زن: ۶۳، کل: ۱۰۰

رابطه ی مسجد با سایر مراکز و رسانه های فرهنگی

بیش از نیمی از دانشجویان معتقدند که مراکز نامبرده، باعث افزایش حضور دانشجویان در مسجد می شود و یک سوم دیگر این امر را بی تأثیر می دانند و حدود یک پنجم هم می گویند، این مراکز و رسانه ها منجر به کاهش حضور دانشجو در مسجد می شود.

نگرش پیرامون کارکردهای مطلوب مسجد

کارکرد فرهنگی

حدود ۸۵ درصد از پاسخگویان برنامه های مذهبی را برای مسجد لازم می دانند، ولی با افزایش سطح تحصیلات از این میزان کاسته می شود. ۷۵ درصد پاسخگویان امکانات فرهنگی را برای مسجد لازم می دانند. (زنان کمتر از مردان این اعتقاد را دارند) از نظر بیش از ۲۵ درصد از آنها میزان فعلی امکانات فرهنگی و... در مساجد کافی نیست و باید افزوده شود و نگرش آنها نسبت به امکانات

[صفحه ۸۸]

فرهنگی در مسجد مثبت است.

کارکرد اجتماعی

۵۸ درصد از پاسخگویان وجود برنامه های سیاحتی و زیارتی را لازم می دانند. متأهلین بیش از مجردین به این امر معتقدند و با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان از این امر کاسته می شود. پاسخگویان نگرش مثبتی در این زمینه دارند، اما این میزان را کافی نمی دانند.

کارکرد سیاسی

حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان معتقدند که مسجد دانشگاه باید فعالیت سیاسی داشته باشد و زنان بیش از مردان به این امر معتقدند. در این میان ۱۵ درصد معتقد به سیاسی بودن بیش از حد مسجد هستند. ۲۰ درصد هم می گویند در مسجد انحصار سیاسی وجود دارد که یکی از نارساییهای مسجد است.

سهم اوقات فراغت در رفتن به مسجد

در مورد مسأله اوقات فراغت ۸ / ۳۳ درصد دانشجویان فقط در اوقات فراغت به مسجد دانشگاه می روند. که در این مورد مردان بیش از زنان بودند. ۴ / ۳۱ درصد دانشجویان هم در اوقات فراغت و هم در وقتیهای دیگر در مسجد حضور می یابند. و ۸ / ۳۴ درصد باقیمانده حضورشان ربطی به اوقات فراغت آنها ندارد. (جدول شماره ۵)

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب سهم اوقات فراغت در رفتن به مسجد به تفکیک جنس

رفتن به مسجد در اوقات فراغت: بلی، مرد: ۷ / ۳۴، زن: ۲ / ۲۹، کل: ۸ / ۳۳

رفتن به مسجد در اوقات فراغت: تقریباً، مرد: ۹ / ۲۸، زن: ۱ / ۴۱، کل: ۴ / ۳۱

رفتن به مسجد در اوقات فراغت: خیر، مرد: ۴ / ۳۶، زن: ۷ / ۲۹، کل: ۸ / ۳۴

رفتن به مسجد در اوقات فراغت: جمع، مرد: ۱۰۰، زن: ۱۰۰، کل: ۱۰۰

[صفحه ۸۹]

نگرش دانشجویان در مورد ساختمان مسجد

الف) ساختمان مطلوب: ۵۵ درصد دانشجویان معتقدند که ساختمان مسجد مطلوب باید معمولی و ساده باشد و ۴۷ درصد می گویند بزرگ و باشکوه باشد (زنان بیشتر مساجد ساده و معمولی و مردان مساجد بزرگ و باشکوه را می خواهند) با افزایش سن، میزان مطلوبیت مسجد معمولی و ساده افزون می گردد.

ب) مکان مسجد: ۳۰ درصد از دانشجویان بر این باورند که محل کنونی مسجد دانشگاه نامناسب است و این یکی از نارساییهای مهم مسجد بشمار می رود.

ج) معماری مسجد: ۲۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که معماری کنونی مسجد بد است و زنان کمتر بدین امر اعتقاد دارند، با افزایش سطح سواد از این امر کاسته می شود، زیرا سطح سواد بالا باعث پیدا کردن دید عمیق نسبت به معماری می گردد و آنان بیشتر با رموز معماری آشنا می شوند و معماری کنونی را بد نمی دانند.

د) نظافت مسجد: ۲۵ درصد از پاسخگویان معتقدند مسجد دانشگاه کثیف است و این یکی از نارساییهای (بهداشتی) مهم می باشد.

ه) کوچکی و بزرگی مسجد: ۳۸ درصد از پاسخ دهندگان می گویند که اندازه ی کنونی مسجد دانشگاه مناسب نیست و باید بزرگتر باشد. این هم یکی از نارساییهای مهم بشمار می رود.

علل شرکت دانشجویان در مسجد دانشگاه

۵۰ درصد از دانشجویان علت شرکت در مسجد را عبادت و ۲۰ درصد علت را حضور در جمع می دانند که این امر در زنان قویتر از مردان است. حدود ۲۰ درصد از دانشجویان هم علت شرکت در مسجد را گزینش و تأیید شدن می دانند. (جدول شماره ۶)

[صفحه ۹۰]

«توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب علت شرکت در مسجد به تفکیک جنسیت»

علت شرکت دانشجویان در مسجد: عبادت، مرد: ۸۲، زن: ۳ / ۸۵، کل: ۱ / ۷

علت شرکت دانشجویان: دیدار دوستان، مرد: ۲ / ۱۵، زن: ۲۵، کل: ۶ / ۱۸

علت شرکت دانشجویان: حضور در جمع دیگران، مرد: ۵ / ۱۳، زن: ۵ / ۱۷، کل: ۱۹

علت شرکت دانشجویان: گزینش و تأیید شدن، مرد: ۵ / ۱۵، زن: ۱ / ۲۰، کل: ۱۷

نگرش دانشجویان به سایر مسائل

الف) طول نماز جماعت: عده ی کمی، حدود ۱۵ درصد از دانشجویان معتقدند که نماز جماعت طول داده می شود. (زنان کمتر از مردان این اعتقاد را دارند). با افزایش سطح تحصیلات اعتقاد به طول داده شدن نماز جماعت افزون می گردد.

ب) سطح سواد امام جماعت: ۱۲ درصد از پاسخ دهندگان می گویند که امام جماعت از سطح سواد پایینی برخوردار است اما در کل نگرش مثبت است.

ج) معنویت مسجد: ۱۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که از معنویت مسجد تا حدود زیادی کاسته شده است که این جای تأسف دارد.

نگرش دانشجویان در مورد نارسائیهای مسجد

از دید دانشجویان مهمترین نارسایی عدم انجام فعالیتهای فرهنگی (۵ / ۴۲ درصد) می باشد. و بعد بی اعتنائی به دانشجو، کوچک بودن مسجد و واقع شدن در مکان نامناسب و جذاب نبودن برنامه های مذهبی - فرهنگی در رده های بعدی قرار می گیرند.

در مجموع پاسخگویان دید مثبتی نسبت به مسجد دارند و این امر در زنان بیش از مردان است. افزایش سطح سواد و تحصیلات دانشجویان باعث کاهش نگرش مثبت به مسجد می گردد. افزایش سطح سواد والدین هم تا حدودی باعث نگرش مثبت به مسجد می شود. (جدول شماره ۷)

[صفحه ۹۱]

«توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب اعتقاد به نارسائیهای مسجد دانشگاه»

نارسائیهای مسجد: مکان نامناسب، مرد: ۵ / ۳۳، زن: ۲۴، کل: ۳ / ۲۵

نارسائیهای مسجد: معماری بد، مرد: ۷ / ۲۳، زن: ۶ / ۱۷، کل: ۲ / ۲۰

نارسائیهای مسجد: کثیف بودن مسجد، مرد: ۳ / ۲۵، زن: ۲ / ۲۲، کل: ۳ / ۱۸

نارسائیهای مسجد: کوچک بودن، مرد: ۹ / ۴۲، زن: ۵ / ۳۰، کل: ۳۸

نارسائیهای مسجد: مزاحمت صدای بلندگو، مرد: ۵ / ۲۰، زن: ۳ / ۱۴، کل: ۲ / ۱۶

نارسائیهای مسجد: طول نماز جماعت، مرد: ۷ / ۱۵، زن: ۲ / ۹، کل: ۵ / ۱۳

نارسائیهای مسجد: بی اعتنائی به دانشجو، مرد: ۱ / ۴۸، زن: ۱ / ۳۵، کل: ۱ / ۳۹

نارسائیهای مسجد: سطح پائین سواد امام جماعت، مرد: ۱ / ۱۵، زن: ۸ / ۷، کل: ۳ / ۱۴

نارسائیهای مسجد: کاهش معنویات، مرد: ۱۰، زن: ۷ / ۹، کل: ۲ / ۹

نارسائیهای مسجد: سیاسی بودن بیش از حد، مرد: ۱۹، زن: ۸ / ۹، کل: ۱۲ / ۱

نارسائیهای مسجد: انحصار سیاسی، مرد: ۲۷، زن: ۱۲ / ۷، کل: ۲۲ / ۱

نارسائیهای مسجد: عدم انجام کارهای فرهنگی، مرد: ۴۹ / ۱، زن: ۳۰ / ۳، کل: ۴۲ / ۵

[صفحه ۹۲]

«توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب علل عدم حضور در مسجد به تفکیک جنس»

علل عدم حضور در مسجد: وقت نداشتن و گرفتاری درسی و شغلی، مرد: ۴۶ / ۵، زن: ۲۷ / ۵، کل: ۴۵

علل عدم حضور در مسجد: موازی نبودن با مسجدیها، مرد: ۱ / ۹، زن: ۱ / ۹، کل: ۱ / ۵

علل عدم حضور در مسجد: مذهبی بودن مسجد و عدم تنوع برنامه ها، مرد: ۱ / ۳، زن: ۱ / ۹، کل: ۱ / ۶

علل عدم حضور در مسجد: عدم جاذبه مسجد و جو نامطلوب، مرد: ۵ / ۸، زن: ۶، کل: ۸ / ۷

علل عدم حضور در مسجد: عدم توجه به مسائل جامعه و مسائل روز کشور، مرد: ۰، زن: ۰ / ۶، کل: ۰ / ۳

علل عدم حضور در مسجد: پائین بودن سطح سخرانیها در مسجد، مرد: ۰، زن: ۱ / ۳، کل: ۱ / ۹

علل عدم حضور در مسجد: مسجد فقط برای مذهبی هاست، مرد: ۱ / ۳، زن: ۱ / ۶، کل: ۰ / ۹

علل عدم حضور در مسجد: اقلیت دینی، مرد: ۳ / ۱، زن: ۱ / ۲، کل: ۰ / ۶

علل عدم حضور در مسجد: عدم تمایل به حضور در مسجد، مرد: ۱۱ / ۹، زن: ۱۲ / ۱، کل: ۱۲ / ۱

علل عدم حضور در مسجد: کثیف بودن مسجد، مرد: ۱ / ۷، زن: ۱ / ۸، کل: ۱ / ۳

علل عدم حضور در مسجد: وقت نماز را صرف مطالعه کردن، مرد: ۴ / ۶، زن: ۰، کل: ۱ / ۲

علل عدم حضور در مسجد: نماز نخواندن، مرد: ۱ / ۳، زن: ۱ / ۵، کل: ۱ / ۲

علل عدم حضور در مسجد: مخالفت با برنامه های مسجدی ها، مرد: ۱، زن: -، کل: -

علل عدم حضور در مسجد: نامناسب بودن وقت برای فرد، مرد: ۸ / ۱، زن: ۱۱ / ۶، کل: ۹ / ۳

علل عدم حضور در مسجد: عدم آشنایی با مسجد، مرد: ۱ / ۶، زن: ۱۹ / ۲، کل: ۵ / ۳

علل عدم حضور در مسجد: کوچک بودن جا برای نماز خواندن، مرد: ۰، زن: ۲ / ۹، کل: ۰ / ۹

علل عدم حضور در مسجد: عدم پذیرش جوانان غیرمذهبی در مسجد، مرد: ۱ / ۱، زن: ۱ / ۹، کل: ۲ / ۵

علل عدم حضور در مسجد: اجازه ندادن استاد (مدرس)، مرد: ۰، زن: ۱ / ۲، کل: ۰ / ۳

علل عدم حضور در مسجد: بی علاقه‌گی نسبت به امام جماعت، مرد: ۱ / ۹، زن: ۰، کل: ۰ / ۹

علل عدم حضور در مسجد: بدبودن بچه های مسجد و عدم انس با آنها، مرد، ۶ / ۰، زن: ۷ / ۲، کل: ۳ / ۰

علل عدم حضور در مسجد: جمع، مرد: ۱۰۰، زن: ۱۰۰، کل: ۱۰۰

[صفحه ۹۳]

نماز، کاملترین پاسخ به عالی ترین نیاز انسان (راز و رمزی از مبانی روان شناختی نماز)

جناب آقای دکتر غلامعلی افروز

استاد دانشگاه تهران

[صفحه ۹۵]

بسم الله الرحمن الرحيم

آنگاه که اولین سلولهای نطفه تکوین وجود انسان در بطن مادر منعقد می گردد، آهنگ سیر و تحول، زمزمه رجعت و سرود مبدأ و مقصد «از خداییم و بازگشتمان بسوی اوست» [۱] ، بر گوش جان طنین افکن شده و نداگر ادامه راه و سیر الی الله می گردد.

در این طریق فطرت کنجکاوانه، انسان همواره در پی یافتن راز و رمز هستی و شناخت طریق معنا و مقصد و مقصود می گردد.

هر آن که خود را می شناسد [۲] ، راه را می بیند و بر حرکت و هجرت خود مؤمن می گردد و سرمنزل حیات و غایت سفر را می یابد. [۳] همه اندیشه و کلام و رفتارش تصدیق معنا و هدفمندی خلقت [۴] و تسبیح ذات حق می گردد.

در این رهگذر، اندیشه ملاقات با خدا و سخن گفتن با خالق هستی در وجود رهروان طریق هر لحظه تبلور تازه ای می یابد.

رهروان طریق و رهسپاران سر منزل مقصود همه ی پدیده های هستی را چراغ و راهنمای راه می بینند و با هر گام استواری که در این راه برمی دارند توان بیشتری یافته و در پیمودن مسیر راسخ تر

[صفحه ۹۶]

و مستحکم تر می شوند و ادامه راه را روشن تر و فراخ تر می یابند. [۵].

فطرت جستارگرانه انسان، همه انسانهای آگاه و اندیشمند را لحظه ای از تأمل و تفکر و تدبیر در پدیده های هستی و شگفتی های آفرینش باز نمی دارد. هر قدر انسانهای کنجکاو و هوشمند، از قدرت خلاقیت و کمال عقلانی و علم و بصیرت بیشتری برخوردار می گردند، در برابر پدیده های هستی و شگفتی های خلقت و عظمت خالق متواضع تر گردیده و در حالی که شاکله وجودشان به لباس زیبای خشوع آراسته و مزین است در راز و نیاز با خالق هستی بخش و سخن گفتن با پروردگار مهربان لحظه ای آرام ندارند [۶] چرا که اهل معرفت، اندیشمندان عاقل، دانش پژوهان متفکر و خردورز، صاحبان اندیشه های خلاق و مولد کمال شکوفایی وجود خویش را در وارستگی از همه وابستگی های جهان مادی و اعتلای وجود در گستره ی هستی و سخن گفتن با خالق منان می یابند.

همین است که سیر و تحول مطلوب شخصیت آدمی و رسیدن به نهایت خودشکوفایی در بستری از اندیشه و تواضع و تسلیم و تسبیح میسور و مقدور می گردد. و نماز تسبیح اکبر و کامل ترین پاسخ به عالی ترین نیاز انسان است. نیاز به شکفتن همه قابلیت های وجود، نیاز به ایستادن در رفیع ترین سکوی گیتی و سرودن رساترین سرود هستی، نیاز به همسو شدن با گردونه کمال، نیاز به هم اندیشی با راز و رمز آفرینش و نیاز به تقرب و توحید [۷] و این فطری ترین نیاز انسان است. و این نیاز هموارگر راه فلاح و کمال است و منبع این نیاز موهبت عرشی است. و نماز فطری ترین پاسخ به این نیاز است.

آن گاه که سرچشمه بستر تبلور یک نیاز از طبیعت شاکله وجود است و کامل ترین پاسخ آن نیز در فطرت و شخصیت کمال طلب انسان جلوه گر است دیگر چه نیازی به بحث و سخن است. برای کشف آن یک تأمل و تفکر و سیر به درون در خلوت و خلوص خویشتن، فارغ از هرگونه پیرایه ها و رنگ پذیری ها و آزاد از زنجیرهای وابستگی و جهان مادی را می طلبد.

همه آرامش و شکوفایی و کمال وجود انسان در سایه تلاقی و رضامندی چنان نیاز و چنین

[صفحه ۹۷]

پاسخی مقدور و میسور می گردد.

همین است که تجربه و احساس چنین آرامش گرانقدر عرشی جز با صیقل وجود و اتصاف به صفات خداوندی و اتکا به رحمت لایزال الهی و هم آوایی با تسبیح گویان هستی [۸] نمی تواند حاصل گردد.

در یک نگاه روان شناختی و نگرش یکپارچه و جامع به تبلور فطرت خداجویی و تجلی عالی ترین نیاز انسان و تکوین کامل ترین پاسخ بدین نیاز و استقرار در ساحل آرامش و احساس رضامندی درون و کسب رضایت خداوندی [۹] فرآیند و سیر پدید آیی و تحول حالات روان شناختی زیر قابل تجربه و تبیین است. همان گونه که پیشتر اشاره گردید خداجویی انسان امری است کاملاً فطری و طبیعی، همه ی انسانها دوست دارند پی به راز و رمز هستی ببرند، خالق این خلقت را بشناسند و ناظم این نظم را بیابند. فلسفه آفرینش را دریابند و مقصد و مقصود را بدانند.

همه ی انسانها دوست دارند حیاتی جاودانه داشته باشند و خالق آثار برتر و ماندگار باشند. بستر اندیشه خداجویی و خلاقیت و آفرینندگی ذهنی همانا پدیده «کنجکاوی» است. به سخن دیگر «کنجکاوی» که موهبت الهی است. خمیرمایه خداجویی و بستر خلاقیت و نوآوری است. «کنجکاوی» پدیده ای شناختی و احساسی است. رفتارهای کنجکاوانه بچه ها متضمن نیازهای شناختی (دانستن ها) و نیازهای عاطفی و روانی است (تعلق ها). آغاز کنش های کنجکاوانه در بچه ها عموماً در حدود سه سالگی قابل مشاهده می باشد؛ یعنی زمانی که اکثر بچه ها قادر می شوند در صحبت کردن جملات مرکب بکار برده و نسبتاً روان صحبت نمایند. در این هنگام است که کودکان همواره از بزرگترهای محبوب خود مرتب سؤال می کنند، و با سؤالات کنجکاوانه خود دوست دارند که وجود خود و دنیای اطراف خود را بشناسند و سر از راز و رمز هستی درآورند و پشت پرده ها را بشناسند. بدیهی است پاسخ های مناسب و درخور کودکان در این سنین می تواند قدرت ذهنی و قابلیت

[صفحه ۹۸]

آفرینندگی و کشف و درک حقیقت را در آنها تقویت نماید [۱۰] و اگر حس کنجکاوی کودکان در سنین پیش دبستانی و دبستانی توسط اولیای متعهد و مربیان فهیم به شایستگی ارضا گردد، مهمترین تدبیر در تأمین و تضمین سلامت و بهداشت روان و تقویت توانمندی ذهنی و قدرت خلاقیت و نوآوری اتخاذ گردیده و اساسی ترین گام در نیل به هدف های والای تعلیم و تربیت مطلوب برداشته شده است. بدون تردید اگر «حس کنجکاوی» و تمایل فطری کودکان و نوجوانان به یادگیری در مقاطع راهنمایی و دبیرستان نیز همواره مورد توجه واقع گردیده و با طرح سؤالات و مسائل قابل توجه و تشریح پدیده های جالب و جذاب در محیط اطراف تقویت گردد، هموارترین بستر دانش افزایی و آفرینندگی های ذهنی فراهم می گردد.

«کنجکاو» خود آغاز یک نیاز برتر برای دانستن و کشف حقیقت و آفرینندگی است و بالطبع این نیاز برتر با برترین و کامل ترین پاسخ که آن هم فقط از سرچشمه و شاکله رشد یافته وجود مخلص و مصفا تبلور می یابد می تواند با شایستگی ارضا گردد.

فرآیند چرخه زیبای پدیدآیی نیاز برتر، نیاز به دانستن و تأمل و تفکر در پدیده های هستی و تبلور پاسخ کامل این نیاز را می توان با طرح چند مثال و بیان ساده و در محدوده بضاعت اندک راقم این سطور تشریح نمود.

هنگامی که انسان کنجکاوانه پدیده های گوناگون هستی را مورد مطالعه قرار می دهد و به فلسفه آفرینش و نظم و آهنگ هستی و شگفتی های خلقت می اندیشد، لاجرم با تحیر و حیرت زدگی فراوان مواجه می شود، عجب! عجب خلقتی! عجب نظمی! عجب پدیده ای! در حقیقت هر توجه با معرفت و اندیشمندانه و متفکرانه انسان به ذرات و پدیده های هستی، تحیر و حیرت زدگی انسان را

[صفحه ۹۹]

در پی خواهد داشت. همین است که خداوند منان در قرآن کریم پیوسته انسان ها را دعوت می نماید که متفکرانه و اندیشمندانه به پدیده های هستی نگریسته و پیرامون آن اندیشه و تفکر نمایند. [۱۱].

در حقیقت یکی از شیوه های مؤثر تربیتی نیز همین روش است که نمونه بارز آن در سوره لقمان قابل توجه است که حضرت لقمان (علیه السلام) توجه متفکرانه فرزند خود را به پدیده های هستی و خلقت و عظمت و قدرت لایزال خالق جلب می نماید. «یا بنی انھا ان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة او فی السموات او فی الارض یأت بها الله ان الله لطیف خبیر» [۱۲].

خالق منان در سوره قیامت در ارتباط با معاد می فرماید:

«لا اقسام بیوم القیامة و لا اقسام بالنفس اللوامة ایحسب الانسان ان لن نجتمع عظامه. بلی قادرین علی ان نسوی بنانه بل یرید الانسان لیفجر امامة». (آیات ۱-۵)

«قسم به روز قیامت، قسم به نفس ملامت گر، آیا انسان می پندارد که پس از مرگش نمی توانیم استخوان های پوسیده اش را جمع کنیم، آری نه تنها همه ذرات استخوان هایش را جمع می کنیم، بلکه سرانگشتان هر کس را نیز همانند شکل اولش باز می آفرینیم.»

توجه به ماهیت نقش انگشتان دست و خطوط متفاوت آن که در هر فردی به صورت ویژه و خاص آراسته شده است، سابقه چندان طولانی ندارد.

در اواخر قرن نوزدهم یکی از دانشمندان علوم زیستی انگلستان در پی مطالعه و دقت فراوان، به این حقیقت دست یافت که سر انگشتان دست هر کس با انسانهای دیگر متفاوت است، و در گستره ی گیتی دو نفر یافت نمی شوند که اثر انگشتان دستشان شبیه به هم باشد؛ حتی این تفاوت در بین دو قلوهای یکسان نیز کاملاً مشهود است؛ چرا که خداوند منان و خالق هستی، هر انسان را به طور

[صفحه ۱۰۰]

خاص و ویژه و استثنایی می آفریند. به سخن دیگر سلول های پیکره انسانهای جهان متفاوت است. [۱۳]. از همان زمان مسأله انگشت نگاری و تشخیص هویت براساس آثار انگشتان مطرح گردیده و به عنوان یک کشف مهم و کاربردی در مجامع و مراکز علمی و تحقیقاتی علوم زیستی و روان شناختی [۱۴] جهان و محافل پلیسی و امنیتی مورد استفاده قرار گرفته است.

در ادامه مطالعات و پژوهش های مربوط به تفاوت بودن تمامی سلول ها و ژنهای انسانها با همدیگر، معلوم گردید که یک تار موی انسان نیز خلقتی ممتاز و استثنایی و بی همتاست، و با همه تار موهای دیگر انسانها در گستره جهان متفاوت است؛ به همین رو در حال حاضر بزرگترین پروژه تحقیقاتی جهان مربوط به مطالعات ژنتیکی و به تصویر درآوردن جغرافیای ژنوم انسان است. [۱۵].

آری، خالق منان و تصویرگر هستی، هر پدیده ای را منحصر به فرد می آفریند و همه ذرات وجود، سلول ها، کروموزمها و ژنهای هر نطفه ای را که در رحم مادر تشکیل می شود به گونه ای خاص و منحصر بفرد می آفریند و قرآن کریم، این کتاب حیات بخش انسان که همواره بر فراز عصرها و نسل ها جاودانه است در چهارده قرن پیش به زیبایی بدین نکته اشاره نموده و توجه، تأمل و تفکر همه اندیشمندان و متفکران را بدان جلب نموده است.

وقتی که انسان کنجکاو و جستارگر با توجه و علاقمندی خاص و در نهایت کنجکاوی به شگفتی، عظمت این پدیده خارق العاده و شگفت آور می نگرد دچار تحیر می گردد، و در برابر چنین عظمتی آن چنان متحیر می گردد [۱۶] که بی درنگ در تأمل و تفکر بسیار فرو می رود و هر چه بیشتر به این پدیده های شگفت انگیز هستی می اندیشد خود را کوچکتر و کوچکتر می یابد و لاجرم حالتی از احساس تواضع وجودش را فرامی گیرد، و این حالت

متواضعانه که ثمره ی زیبای کنجکاوی اندیشه و تفکر و تحیر در برابر پدیده های هستی است، به مثابه یکی از اصلی ترین عوامل رشد و تعالی شخصیت، انسان را به مقام شامخ خضوع و تسلیم در برابر عظمت فراگیر هستی رهنمون می گردد، و

[صفحه ۱۰۱]

با احساس تسلیم در مقابل شگفتی ها و عظمت خلقت، زبان به تأیید و تحسین و تشکر و تسبیح می گشاید. «عجب!» «به به!» عجب خلقتی! عجب پدیده ای! چه عظمتی! چقدر جالب! چه پدیده بی نظیری! و در این وادی برخی به زبان سوم شخص می گویند: ببین طبیعت چه آفریده؟ چقدر زیباست! دستش درد نکند! عجب پدیده ای، و برخی دیگر، صاحب خانه را به نیکی شناخته و عالم را محضر خدا دانسته و زبان شکر، تسبیح، حمد و ثنای خود را مستقیماً به درگاه لایزال خالق هستی، پروردگار منان تقدیم می دارند؛ «الحمد لله رب العالمین»، خداوندا سپاس، خداوندا سپاس، پروردگارا تو را به همه نعمت هایت شکر می گویم و در این حالت، نماز تسبیح اکبر است. آن گاه که وجود انسان کنجکاو و متفکر مملو از اندیشه و تأمل و تحیر در برابر شگفتی های هستی می گردد، حالتی از تواضع و خضوع و تسلیم وجودش را فرا می گیرد، با خلوص و صفا زبان تأیید و تحسین و تشکر و تسبیح می گشاید و دوست می دارد که سبکبال وجودش به پرواز درآید و به ملاقات خالق هستی بشتابد و با او سخن بگوید، دیگر هیچ چیزی نمی تواند وجودش را جز ایستادن به نماز، قیام، رکوع و سجود آرام نماید و همین است که پاسخ عالی ترین نیاز انسان، نیاز به شکفتن، نیاز به تقرب و یکتایی و توحید، نیاز به معنا و سیر در عالم ملکوت، با اقامه نماز و سخن گفتن با خالق به کامل ترین وجه ممکن تأیید می گردد.

و همین است که هر کس بیشتر در برابر پدیده های هستی و در خویشستن خویش غور و تفحص می کند، نیاز بیشتری به شکفتن وجود و نیایش و نماز می یابد. و این قبیل از افراد رشد یافته، کمال شخصیت و مقام ربانی خود را در اندیشه و تفکر و خلوص و عبادت و سجده های خلوت خویش می یابند.

آری نیاز به عبادت، نیاز به سخن گفتن با خدا، خالق هستی و پدید آورنده همه شگفتی های خلقت، امری است کاملاً فطری و طبیعی و هر کس در هر نقطه از گستره گیتی که باشد و با هر اندیشه و فرهنگی که مأنوس گردیده باشد، در برابر عظمت پدیده های هستی، لاجرم، مستقیم و غیرمستقیم، خواسته یا ناخواسته، سر تسلیم فرود آورده

و از سویدای دل حقانیت عظمت خلقت را باور داشته و به هر زبانی که می داند و می تواند خالق هستی را می ستاید و تک تک سلول های وجودش

[صفحه ۱۰۲]

تسبیح حق می گوید؛ و نماز، کمال تواضع و تسلیم، زبان شکر و تسبیح است.

و السلام

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای

۲- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی:

۳- افروز، غلامعلی (۱۳۸۰)، روش های پرورش احساس مذهبی، انتشارات دفتر مرکزی انجمن اولیاء و مربیان.

[صفحه ۱۰۳]

[۱] «انا لله و انا اليه راجعون». (سوره بقره، آیه ۱۵۶).

[۲] «من عرف نفسه فقد عرف ربه». هر کس خود را شناخت، خدایش را شناخته است. (نهج البلاغه، امام علی علیه السلام).

[۳] «و من یرج من بینه مهاجرا الی الله و رسوله، ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله و کان الله غفورا رحیما». (سوره نساء، آیه ۱۰۰).

[۴] «افحسبتم انما خلقناکم عبثا». (سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵).

[۵] «الذین جاهدوا فینا لنهذینهم سبلنا». (سوره عنکبوت، آیه ۶۹).

[۶] «انما یرحی الله من عباده العلماء» (سوره فاطر، آیه ۲۸).

[۷] «فکان قاب قوسین او ادنی». (سوره نجم، آیه ۹).

[۸] «یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض» (سوره جمعه، آیه ۱).

[۹] «راضیه مرضیه» (سوره فجر، آیه ۲۸).

[۱۰] مهم آن است که به سؤال کودکان به خوبی و با دقت توجه نموده و تلاش نماییم که پاسخی صحیح و متناسب با شرایط رشد و تحول و قدرت درک کودک ارائه نماییم. اگر پاسخ سؤالی را به درستی نمی دانیم شایسته است که به صراحت و در عین صداقت به کودک بگوییم که سؤالی که پرسیده است، بسیار مهم است و برای پاسخ آن باید فکر کنیم و با بعضی دیگر مشورت نماییم و یا این که بهتر است به اتفاق نزد شخص یا اشخاص دیگری برویم تا پاسخ لازم را دریابیم. وقتی که دست کودک را می گیریم و به اتفاق برای یک دریافت پاسخ نزد فرد موجه یا کتابخانه ای می

رویم، کودک راه کشف حقیقت را بهتر می شناسد و وجودش را مملو از احساس خود ارزشمندی و اعتماد به نفس می گردد. یادمان باشد که هرگز سؤال کودک را کوچک نشمرده و پاسخ نادرست نگوییم.

[۱۱] به عنوان مثال خداوند منان در سوره روم می فرماید:

«اولم یتفکروا فی انفسهم ما خلق الله السموات و الارض ما بینهما الا بالحق و اجل مسمى و ان کثیرا من الناس بقاء ربهم لکافرون». (آیه ۸).
«اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه من قبلهم کانوا اشد منهم قوه و اثاروا الارض و عمروها اکثر مما عمروها و جاءتهم رسلهم بالبینات فما کان الله لیظلمهم ولكن کانوا انفسهم یظلمون» (آیه ۹).

«اولم یروا ان الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر ان فی ذلک لآیات لقوم یؤمنون» (آیه ۳۷).

[۱۲] سوره لقمان، آیه ۱۶.

[۱۳] و قد خلقکم اطوارا. (سوره نوح، آیه ۱۴).

[۱۴] بحث تفاوت های فردی به عنوان اصلی ترین ریشه علم روان شناسی بر همین یافته علمی استوار است.

[۱۵] این پروژه با مشارکت امریکا و اروپا در حال انجام است و بخشی از آخرین یافته های آن در شبکه اینترنت قابل مشاهده و مطالعه است.

[۱۶] به گفته انیشتین، تحیر زیباترین حالتی است که بشر در برابر شگفتی های خلقت آن را تجربه می کند.

نقش نماز (سجده)، در بازسازی معنوی دانشجویان

حجة الاسلام و المسلمین اصغر بابایی

[صفحه ۱۰۴]

مقدمه

در سرزمین وجود انسان عموماً و دانشگاهیان خصوصاً، دست اندازها و ناهمواریهای زیادی وجود دارد که همواره باید برای هموار کردن آن همت نمود.

آنچه از روح عبادت بدست می آید و فلسفه اصلی عبادت را تشکیل می دهد مبارزه با همین دست اندازها است. دست اندازهای مانند حسد، کبر، دروغ، حرص و طمع، بی مسؤولیتی، بی تعهدی، شهوت پرستی، مقام پرستی، زر پرستی، و... چیزی نیست که بتوان به سادگی با آن دست و پنجه نرم کرد و یا از کنار آن به راحتی گذر نمود و از آن گذشت کرد.

اگر به طور دقیق و عمیق، آن هم با مدد جستن از ذات اقدس اله، با آن به مبارزه پرداخته نشود، تمام هستی و انسانیت انسان بیچاره واژگون خواهد گشت و چیزی باقی نمی ماند که انسان بدان دل خوش کند.

خداوند برای مبارزه با اینگونه بیماریهای خطرناک و خطرساز، راههای مبارزه منطقی را باز گذاشت، تا انسان بتواند با دشمنان بیرون و درون، بطور دائم به مبارزه بپردازد.

عبادت یعنی هموار کردن این ناهمواریها و دست اندازها. عبادت دارای شیوه های مختلف و دقیق است و شاخه های زیادی را به خود اختصاص داده است. یکی از «شاخه های طوبای» عبادت، سجده است که در این نوشتار ما از آن به عنوان «فرودگاه الهی» نام بردیم.

تمام ارزشها و آرمانها، باید از راه سجده گاه گذر کند و مهر و آرم الهی بر آن حک گردد تا ارزش

[صفحه ۱۰۶]

واقعی آن نمایان شود.

سجده به تنهایی ره آوردهای زیادی را به همراه دارد که هر کدام از آنها روشنی بخش بشری است. بشر در حقیقت در سجده و سجده گاه به تمرین و آمادگی مشغول گشته است و آرامش الهی را در آن جستجو می کند.

سجده گاه تنها فرودگاهی است که سر از فراز و فوزعظیم بدر می آورد و اوج بندگی در آن به نمایش گذارده می شود. سجده در واقع اوج بندگی بنده ی بی نهایت کوچک است در مقابل بی نهایت بزرگ.

سجده و سجده گاه، توصیف شدنی نیست. تمرین پذیر است و باید کاربردی گردد. در این فرودگاه الهی همه چیز به صورت کاربردی، در معرض آزمایش و امتحان قرار می گیرد. آرامش آرمانی، تقرب جستن به درگاه الهی، تشکر از ذات اقدس اله استکبارزدایی، دست یافتن به بهشت برین، آمادگی کامل برای مسافرت مهم و بلند آوازه گشتن، از جمله دست آوردهای سجده است که در این مختصر بدان اشاره شد.

در این نوشتار درباره ی دو اصل، بحث نمودیم که هر اصل شامل چند فرع می باشد. اصل اول را تحت عنوان «آرایش آرامش در سجده گاه» بحث نمودیم و اصل دوم را تحت عنوان «ره آورد سجده در آیات و روایات معصومین (علیهم السلام)»

فروعات، اصل اول بحث عبارتند از: ۱- سجده یعنی چه؟ ۲- آرایش سیرت در سجده ۳- آرایش شرعی سجده ۴- سجده خلاقیت خداوند ۵- تعداد سجده های شکر برای هر سجده

فروعات اصل دوم عبارتند از: ۱- آرامش آرمانی ۲- تواضع و تقرب ۳- تشکر و تذکر ۴- استکبار زدایی و...

[صفحه ۱۰۷]

آرایش آرامش در سجده گاه

معنای سجده

سر بر زمین نهادن، پیشانی بر زمین نهادن، فروتنی نمودن، خاضع شدن، مطیع شدن، شکر کردن. [۱] تذلل، چانه را بر زمین نهادن، به رو بر زمین افتادن. [۲].

تمامی این معانی، به وحدت مطلوب و معانی واحد باز می گردد و آن قرار گرفتن بنده بی نهایت کوچک در مقابل صاحب و رب بی نهایت بزرگ است. سجده گاه نمایش و تمرین کوچکی نمودن است و تنها جایی که کوچکی

نمودن جایز و حتی زیبا است، سجده گاه می باشد و برای همیشه باید در مقابل یکتای بی همتا، کوچکی نمود و از ناحیه آن کوچک نمایی به عظمت های زیبا دست یازید.

بر خاک افتادن در صورتی جایز و زیبا است که برای یکتای بی همتا باشد. در واقع سجده گاه منطقه ممنوعه ای است که هیچ بیگانه ای نباید در آن حریم قدم نهد و عرض اندام نماید. سجده گاه همان فرودگاه الهی است که موحدان واقعی برای دست یافتن به یکسویی و یکتایی، در آنجا بر خاک، خانه نشین گشته اند و در انتظار نشسته اند تا به افلاک و ملکوت پرواز کنند.

[۱] لغت نامه دهخدا، ج ۲۵.

[۲] تفسیر المیزان، ج، ص.

آرایش شرعی سجده

- ۱- در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب دو سجده واجب است.
- ۲- دو سجده با هم رکن نماز محسوب می گردد. از این روی هر گاه هر دو را عمدا یا از روی فراموشی ترک کند یا به جای دو سجده چهار سجده به جا آورد نماز باطل است.

۳- صورت سجده:

در سجده باید هفت موضع بر زمین قرار گیرد:

- پیشانی

- کف دستها

[صفحه ۱۰۸]

- سر دو زانو

- سر دو انگشت بزرگ پا.

۴- ذکر سجده:

ذکر سجده واجب است و احتیاط آن است که حداقل سه مرتبه «سبحان الله» یا یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمده» بگوید و هر چه بیشتر بگوید بهتر است.
در این حالت آرام بودن بدن لازم است.

- ۵- بعد از سجده اول باید بنشینند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.
- ۶- بنابر احتیاط واجب جای پیشانی نمازگزار باید از زانوهایش بیش از چهار انگشت بسته، بالاتر و پایین تر نباشد. (حدود هشت سانتی متر)
- ۷- چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است عبارت از:
- تربت سیدالشهداء (مهر)
 - کلوخ
 - سنگ (انواع سنگ‌ها) مانند سنگ مرمر، سنگ های سفید و سیاه، سنگ آهک، سنگ گچ و...
 - چوب
 - برگ درختان
 - علف و کاه
 - کاغذ و غیره.
- ۸- سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام است.
- ۹- سجده های واجب قرآن مجید:
- در چهار سوره از قرآن مجید آیه ی سجده است؛ عبارتند از:
- سوره «الم سجده» سوره ۳۲، آیه ۱۵.
 - سوره «حم سجده یا فصلت»، سوره ۴۱، آیه ۳۸.
 - سوره «النجم»، سوره ۵۳، آیه ۶۲.
 - سوره «علق» سوره ۹۶، آیه ۱۹.

[صفحه ۱۰۹]

- (هر گاه انسان آیه سجده را بخواند یا گوش کند باید فوراً به سجده رود).
- در سجده واجب قرآن، باید پیشانی را بر چیزی بگذارد که سجده نماز بر آن جایز است (بنابر احتیاط واجب). و ذکر گفتن واجب نمی باشد.
- ۱۰- سجده سهو:

مواردی که سجده سهو واجب است:

برای چند چیز بنابر احتیاط واجب باید سجده سهو به جا آورد:

- کلام بی جا در نماز

- سلام بی جا

- سجده فراموش شده

- تشهد فراموش شده

- اگر به جای ایستادن سهوا بنشیند، یا به جای نشستن برخیزد.

- در شک میان (۴ و ۵) بعد از سجده دوم واجب است نماز را تمام کند، بعدا دو سجده ی سهو به جا آورد.

۱۱- دستور سجده سهو:

بعد از نماز (در حال نشسته)، بلافاصله نیت سجده سهو کند و بعد به سجده رود و گوید:

«بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» یا «بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد».

سپس سر از سجده بر می دارد و می نشیند، دوباره به سجده می رود و همان ذکر را می گوید و بعد از آنکه سر از

سجده برداشت تشهد می خواند و سلام می دهد.

۱۲- سجده ی سهو باید رو به قبله و با حالت وضو و طهارت باشد و پیشانی را نیز به چیزی گذارد که سجده نماز

بر آن جایز است.

۱۳- قضای سجده فراموش شده:

هر گاه کسی یا یک چند سجده نماز را فراموش کرد باید قضای آن را بعد از نماز بجا آورد. در قضای سجده ی

فراموش شده تمام شرایط نماز مانند طهارت و قبله و شرطهای دیگر لازم است و باید

[صفحه ۱۱۰]

بلافاصله بعد از نماز انجام دهد. [۱] .

[۱] برای توضیح بیشتر به رساله علمیه مراجعه کنید. در ضمن این بخش از بحث برگرفته از توضیح المسائل آیت الله مکارم شیرازی است.

آرایش سیرت در سجده

فلسفه و فریاد سجده، استکبارزدایی است. با یک حرکت بسیار آرام، باید به انقلاب های معنوی و انفجارهای درونی دست یافت که دست آورد بزرگ آن، یکتایی در توحید است.

علی (ع)، این عارف عظیم الشان می فرماید:

«عباد الله ان من احب عباد الله اليه عبدا اعانه الله على نفسه...»

«بندگان خدا! همانا محبوبترین بنده نزد خدا، بنده ای است که خدا او را در پیکار نفس یار است، بنده ای که از درون، اندوهش شعار است، و از برون ترسان و بی قرار است. چراغ هدایت در دلش روشن است و برگ روز مرگش - که آمدنی است - معین. مرگ دورنما را به خود نزدیک ساخته، و - ترک لذت را - که سخت است، آسان شمرده؛ و دل از هوس پرداخته [۱]». «.

اگر یک ذره را برگیری از جای

خلل یابد همه عالم سراپای [۲].

تنها فرودی که سر از فراز و فوز عظیم بدر می آورد، سجده ی ساجدان الهی است. اگر سجده را، اوج بندگی بنده بی نهایت کوچک، در مقابل بی نهایت بزرگ معنا کنیم، به واقعیت و حقیقت نزدیکتریم تا معانی دیگر. در واقع، سجده گاه، آزمایشگاهی است که تمام تئوری های زندگی و دینی، در آن، عینی و کاربردی می شود.

در این فرودگاه الهی، همه چیز معنا و مفهوم ویژه ای پیدا می کند و «تطمئن القلوب» [۳]، به اوج خود خواهد رسید، و ساجد الهی، حلاوت و شیرینی آن را به ذائقه جان می چشد.

ساجد الهی در حال سجده، «من حقیقی» خویش را «هسته مرکزی عبادت» می بیند و سپس کل جهان هستی را عین کثرت، غرق در یکتایی می یابد.

هر کس در این فرودگاه فرو نشیند، به آرامشی، که شادی بزرگ زندگی است [۴]، دست می یابد و به دنبال آن آرامش و آسایش ابدی را، با خدای خویش معامله خواهد کرد.

حضور ساجد در مسجد، آن هم در حال سجده، این معنا را کاربردی می سازد و برای همیشه حضور او در محضر حق تعالی را ترسیم می کند.

سجده آمدن کردن خشت لُزب [۵].

موجب قربی که واسجد واقترب [۶].

سجده سمبل عبادت است و فرد در مرحله اوج و نهایت تذلل که قرار می گیرد، همه منیت ها و منت ها را شستشو می دهد و رنگ الهی را بر جان خویش می پاشد. در این مرحله، زندگی معنای دیگری پیدا می کند و انسان گام به گام در مسیر صراط بزرگ، سیر پیدا می کند. اگر فردی به این هسته مرکزی عبادت تن ندهد، هرگز به صراط مستقیم نخواهد رسید. عبادت منهای سجده، همان درخت بی ریشه و دریای بی آب است و زندگی منهای آن، شبیه زیستن حیوانی.

سجده گاه، خانه کوچکی است به بلندای عرش و فرش. کوچک است اما بسیار زیبا و زینت آفرین. خانه ای است که تمام خوبان در آن به زیستن خیره کننده ای دست یازیدند. خانه کوچکی است که تمام بزرگان برگزیده الهی، یک دل و یک صدا، برای رسیدن به یکتایی همنا شده اند و به قرائت واحدی پرداختند. بحث قرائت ها و صراطها، در این خانه جایگاهی ندارد، هر چه هست واحد است و واحد. قرائت است و صراط مستقیم.

«افمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی امن یمشی سویا علی صراط مستقیم.»

«آیا کسی که به رو افتاده حرکت می کند به هدایت نزدیکتر است یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام برمی دارد؟!» [۷].

چپ و راست، همه باید در آن، مسیر واحدی را سیر کنند و به مقصد و مقصود واحدی برسند که

آن یکتایی و یکتا است.

سجده گاه، همان فرودگاه بین المللی و اطلاع رسانی الهی است، که تمام بشریت می توانند با آن در ارتباط باشند و رفت و آمد کنند. احدی برای ورود بدان منع نشد و هیچ کس هم منع نمی کند. اساس و فلسفه خلقت و جهان هستی به این ارتباط، ارتباط دارد. ارتباطی پاینده و پایان ناپذیر.

«سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصا الذی بارکنا حوله لئریه من آیاتنا انه هو السميع البصیر». [۸] .

«پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را با برکت ساخته ایم - برد تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم، چرا که او شنوا و بیناست».

این مسافرت «اسری» نام دارد و سفر ویژه است.

سیر شبانه است و مسافرت به معراج. اولین سفیر الهی، در این مسافرت، به بازدید و تماشای عرش و عرشیان می رود. تماشای زیبایی های بزرگ و خیره کننده... البته همه سخن از مسافرت می کنند و سفر هم می نمایند؛ یکی سفر به آمریکا می رود، دیگری سفر به اروپا، سومی سفر به سوریه و چهارمی سفر به سودان... اما این کجا و آن کجا!!! یکی سفر جسم هاست و دیگری سفر جان ها، به تعبیر دیگر «سیر و سلوک علمی و عملی»، یکی با پول آغاز می شود و آن دیگری با پارسایی، یکی به گذرنامه وزارت امور خارجه نیازمند است و دیگری به گذرنامه ذات اقدس اله.

به هر صورت، به فرموده آیت الله بهجت:

نماز به منزله کعبه و تکبیره الاحرام، پشت سرانداختن همه چیز غیر خدا و داخل شدن در حرم الهی است و قیام، به منزله ی صحبت دو دوست، و رکوع خم شدن عبد در مقابل آفاست، و سجده نهایت خضوع و خاک شدن در مقابل اوست، و وقتی که عبد آخر نماز از پیشگاه مقدس الهی باز می گردد اولین چیزی را که سوغات می آورد سلام از ناحیه اوست.

[صفحه ۱۱۳]

سجده دو قسمت دارد:

۱- صورت سجده.

۲- سیرت سجده.

صورت سجده برای آرایش تن است و سیرت سجده برای آرایش سیرت و آرامش جان.

مسجد اگر کربلای من شوی

کعبه حاجت روای من شوی. [۹].

در دل «سیرت سجده» سیر و سلوک علمی و عملی خوابیده است. سیرت سجده برخلاف صورت و برون آن، که آرایش آرامش است، درونی ناآرام دارد که همان سیر الی الله است و ثمره بزرگ آن، رسیدن به «تطمئن القلوب»، می باشد.

سجده گاه هفت اقلیم است مسندگاه تو

قبله هفت آسمان است، آسمان آفتاب [۱۰].

آرامش

این نهفته پیدا را،

من دیده ام، در آیه های روشن بی آهنگ

در شاخه های سبز حقیقت

در شاخه شکفته باورها

در جوشش، در جنبش...

من دیده ام این فرشته بی آهنگ

با جامه های سبز بهاری رنگ،

بر روی غنچه های یقین، آرمیده

با ژاله ی امید به نجوی نشسته بود. [۱۱].

سیر و سلوک علمی و عملی در سیرت سجده همان است که مولوی می گوید:

او خدو انداخت بر رویی که ماه
سجدا آرد پیش او در سجده گاه. [۱۲].

ثمره بزرگ سجده و سیر و سلوک در آن، همان «واسجد واقترب» می باشد.
«سجده نما و به خدا تقرب جوی» [۱۳].
این است آرامش بزرگ، برای انسان های بزرگ.
از این رو است که امام حسین (ع) «نماز خون» بپا می دارد و دین جدش را کاربردی می کند.
در میان بارش تیر بلا عاشقانه بر سر سجاده شد. [۱۴].
این است آرایش سیرت سجده و آرامش بزرگ.
«آرامش

این فرشته ی زیبا را
من دیده ام، با جامه های سبز بهاری رنگ،
در بازی طلایی ماهی ها
در اشک ابر
زمزمه باران
در گردش
در ریزش». [۱۵].

علی (علیه السلام) در مورد سیرت سجده می فرمایند:
سجده نفسانی (که روح سجده است)، رها بودن دل از امور فناپذیر و روی آوردن با تمام وجود به امور جاودان و
کندن کبر و تعصب بیجا و قطع همه علایق دنیوی و آراسته شدن به اخلاق نبوی است. [۱۶].

[۱] نهج البلاغه، خ ۸۷.

[۲] شبستری.

[۳] سوره رعد، ۱۳ / ۲۸.

[۴] پاول ویلسون، کتاب کوچک آرامش، با جلان، فرخی، تهران: انتشارات، فرا روان، ۱۳۷۸، ص ۴۲.

[۵] لزج - لغزنه یا چسبان.

[۶] مثنوی معنوی.

[۷] سوره ملک: ۶۷ / ۲۲.

[۸] سوره اسری: ۱۷ / ۱.

[۹] مثنوی معنوی، دفتر سوم.

[۱۰] عرفی.

[۱۱] حائری، علی، آرامش، قم: انتشارات، هجرت، صفر ۱۳۹۸، ص ۱۴.

[۱۲] مثنوی معنوی.

[۱۳] سوره علق: ۹۶ / ۱۹.

[۱۴] مجله پیوند، شماره ۲۱۱، ص ۳۳.

[۱۵] حائری، علی، همان.

[۱۶] غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۶۵، چاپ دانشگاه.

سجده خلاقیت خداوند

یا حبیب الباکین. ای محبوب گریه کنندگان.

یا نفاح یا مرتاح. ای وزاننده ی نسیم رحمت. ای نشاط بخش.[۱]

سوگند به «نماز»، اگر تمام دانشگاه های جهان، به نام «دانشگاه آرامش»، درس آرامش بیاموزند و سوگند به «سجده»، اگر تمام اساتید دنیا، با مدرک فوق دکترای رشته روان شناسی، آن هم در تمام عمر، به انسان ها آموزش آرامش بدهند، نمی توانند به اندازه آرامشی که در یک سجده واقعی، بدست می آید، ایجاد آرامش بکنند!

«رفت در مسجد سوی محراب شد سجده گاه از اشک شه پر آب شد».[۲]

«از بی سجده ی رخ تو چنان عابدان در نماز می غلطم».[۳]

سجده گاه، آرامگاه و دانشگاه بزرگ آرامش است که تمام ناآرامی ها و بی قراری های روحی، در این «درمانگاه بزرگ» هو الشافی، درمان می گردد. سجده گاه، خانه ی کوچکی است که در آن نسیم رحمت شروع به وزیدن می کند و به دنبال آن آرامش، که شادی بزرگ زندگی است بدست می آید. اگر روان شناسان می گویند:

«به اندیشه های آرام بخش روی آورید؛ صحنه ای آرام بخش را تصور کنید، نوایی آرام بخش را به خاطر آورید و ببینید چگونه دگرگون می شوید.» [۴] این صحنه هایی آرام، کجا جای تصور دارد؟ بهترین و زیباترین صحنه آرامش بخش کجاست؟

خداوند با یک خلاقیت بزرگ، این آرامش بزرگ زندگی را، به صورت کاربردی وارد زندگی ساخت و سجده تمرین روزانه و تأمین کننده این آرامش است، زیرا تا انسان از تمام علایق دنیایی دست بردارد، آن آرامش بزرگ به دست نمی آید.

سجده گاه خانه ی آرامش ها است. خانه تمرین آرامش، آرامش فردی و اجتماعی و سپس رسیدن به «تطمئن القلوب» بزرگ الهی، که شفای بزرگ و رسیدن به هستی بزرگ است. امام صادق (ع) می فرماید:

[صفحه ۱۱۶]

«نزدیکترین حالت بنده به خداوند بزرگ وقتی است که در سجده است.»

خداوند فرمود: «سجده کن و تقرب جوی.» [۵].

در جای دیگر فرمودند:

«به خدا قسم کسی که حق سجود را به جای آورد و سجده حقیقی کند به هیچ عنوان زیان متوجه او نشود، اگر چه

در تمام مدت عمر چنین سجودی را یک بار به جای آورد.» [۶].

زندگی را باید باران گونه، به بمب بارانی از آرامش تبدیل کرد.

آرام این آرامش، چه می باشد؟

آرام این آرامش بزرگ، آرام قرآنی است که بر روی آن

دو جمله بزرگ، نگاشته شده است.

جمله ی: «قم الليل الا قليلا. نصفه او انقص منه قليلا.» [۷].

برای دستیابی به چنین آرامشی، باید علیه همه طاغوتیان و طغیان ها، قیام کرد و آرامش و خواب راحت را از

چشمانشان ربود و با شبیخون های بزرگ و مستمر با آنها به مبارزه پرداخت. به فرموده قرآن مجید:

«الذين يبيتون لربهم سجدا و قياما».

و کسانی که شب را با سجده و نماز برای پروردگارشان به روز آرند. [۸].

[۱] مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر.

[۲] مثنوی معنوی.

[۳] خاقانی.

[۴] پاول ویلسون، همان.

[۵] روض المتقین، ج ۲، ص ۳۸.

[۶] بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱۳۶.

[۷] سوره مزمل: ۷۳ / ۲ و ۳.

[۸] سوره فرقان، ۲۵ / ۶۴.

تعداد سجده های شکر برای هر سجده

امام صادق (ع) می فرمایند:

«فی کل نفس من انفاس شکر لازم لک بل الف و اکثر».

برای هر نفس از نفس های (شما) شکری بر تو لازم است، بلکه هزار (شکر) یا بیشتر.

از دست و زبان که برآید

کز عهده شکرش بدر آید. [۱].

[صفحه ۱۱۷]

«اعملوا آل داوود شکرا و قليل من عبادی الشکور» [۲].

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذر بدرگاه خدای آورد

ورنه سزاوار خداوندیش

کس نتواند که بجای آورد. [۳].

زیباترین نوع تشکر از خداوند در قالب سجده تحقق پیدا می کند و بصورت کاربردی در می آید. وقتی تشکری زیبا، در زیباترین صورت خود، در قالب یک سجده صورت می گیرد تازه به دنبال آن بی نهایت شکر لازم، بر دوش انسان می آید.

سپس «منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربتست و بشکر اندرش مزید نعمت هر نفسی که فرو می رود ممد حیاتست و چون بر می آید مفرح ذات.» [۴] پس در هر نفسی هزاران نعمت موجودست و بر هر نعمتی هزاران شکر واجب.

امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

«الحمد لله الذی لا یبلغ مدحته القائلون، و لا یحصی نعماءه العادون...» [۵].

سپاس خدایی را که سخنوران در ستودن او بمانند و شمارگران شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان حق او را گزاردن نتوانند...

یکی از نعمت های معنوی خداوند را نمی توان شماره کرد تا چه رسد به شماره کردن تمام نعمت های مادی و معنوی خداوند منان.

در حدیث آمده:

«اگر تعداد افراد (در نماز جماعت) از ده نفر گذشت، در این صورت اگر آسمان ها صفحه و کاغذ، درختان قلم، دریاها مرکب و نویسنده جن و انس و ملائکه نویسنده باشند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.» [۶].
همچنین در مورد خود قرآن شریف، خداوند می فرماید:

[صفحه ۱۱۸]

«لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا.» [۷].

یعنی: (بگو) اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می گیرد. پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد؛ هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم.»

قرآن مجید در همین راستا می فرماید:

«و ان تعدوا نعمه الله لاتحصوها»؛ یعنی «و اگر بخواهید نعمت های خداوندی را بشمارید از شماره آنها ناتوان خواهید گشت.» [۸] .

مسأله فراتر از ریاضی و حساب و کتاب است. شاید توسط وجدان، بهتر بتوان به این نکات بلند معنوی پی برد تا به حساب و کتاب ظاهری.

پس با توجه به «روح آیات و روایات» برای هر سجده چند «سجده ی شکر» باید بجا آورد؟

برای هر سجده «الف و اکثر» سجده شکر واجب است.

برای هر سجده واقعی، هزاران سجده شکر لازم و به دنبال آن

برای هر سجده شکر، هزاران «سجده شکر» دیگر....

وقتی بی نهایت کوچک در مقابل بی نهایت بزرگ قرار بگیرد، روال

کار همین است با همان گونه که از «روح روایات» بدست می آید.

از برای هر نفسی هزاران شکر لازم و برای

هر سجده، هزاران سجده شکر واجب و

برای هر سجده شکر، هزاران سجده شکر دیگر.

و به دنبال آن بی نهایت سجده شکر، برای

بی نهایت نعمت مادی و معنوی.

[صفحه ۱۱۹]

[۱] گلستان سعدی.

[۲] سوره سبا: ۳۴ / ۳.

[۳] گلستان سعدی.

[۴] همان.

[۵] نهج البلاغه، خ اول.

[۶] بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۱۴.

[۷] سوره کهف، ۱۸ / ۱۰۹.

[۸] سوره نحل: ۱۶ / ۱۲.

ره آورد سجده در آیات و روایات معصومین

آرامش آرمانی

سجده، یک نوع مسافرت معنوی است که دست آورد فراوانی را به همراه خواهد آورد. یکی از دست آوردهای بزرگ این ره آورد «آرامش آرمانی» است که در سایه این آرامش بزرگ، انسان به «اسری» الهی دست خواهد یافت.

آرامش زیبا و با معنا، همان آرامش شب.

والیل اذا سجدی.

سوگند به شب در آن هنگام که آرام گیرد. [۱].

سوگند به آرامش بزرگ و آرامش آرمانی. زمانی که گستره ی آن، تمام هستی را فرا گرفته است و همانند خورشید پرتوافشانی می کند. سجده همسان شب، آرام بخش و آرامش آفرین است و در واقع سجده گاه، گهواره ای است که در آن بندگان الهی به آرامش جان دست می یابند.

«لا بذكر الله تطمئن القلوب» [۲].

اگر این آرامش بزرگ، در زندگی فردی و اجتماعی بدست آید؛ جامعه انسانی به جامعه دینی، سپس به جامعه آرمانی آرام دست خواهد یافت.

علی (ع) می فرماید:

«الهی و ربی من لی غیرک».

«خدایا پروردگار من! به غیر از تو که را دارم؟!» [۳].

خیلی ها خیال می کنند آرامش دارند، در صورتی که ناآرامی و آلودگی های پنهان، در درونشان موج می زند. منتها «بی خبری محض» بر آن پرده پوشانده است.

اگر تمام انسان های جهان به تشویق و تمجید فردی اقدام نمایند،

[صفحه ۱۲۰]

اگر تمام انسان ها، جلوی فردی زانوی شاگردی به زمین بزنند،

اگر همه بشریت پشت سر فردی اقتدا نمایند،
اگر کل جهان را به فردی، هدیه بدهند،
اگر قدرت جهانی را به فردی بسپارند،
اگر در تمام عمر، زندگی شخصی، در «سمور» سپری گردد،
اگر اسمش بر تابلوهای طلایی نگاشته گردد،
اگر نامش در کتاب های آسمانی ثبت گردد،
اگر تاریخ جهانی، به نام فردی ثبت و ضبط گردد،
اگر جایزه جهانی به وی اختصاص یابد،
اگر او را برای تفریح در شهر به شهر جهان بگردانند،
اگر بتواند با دو بال مصنوعی بر تمام کرات، کره ماه و کیهان جهانی گشت زند،
اگر تمام حرکات و سکنات زندگی وی حتی نفس کشیدن های وی جهت یادبود به فیلم کشیده شود و عکسبرداری گردد،
و اگر... ذره ای از آن آرامش آرمانی بدست نخواهد آمد و غیر از خدا کسی نمی تواند تکیه گاه و پناهگاه انسان باشد.

غیر از خدا چه کسی می تواند ستار العیوب باشد؟!

کدام پدر؟ کدام جد؟

کدام مادر؟ کدام فرزند؟

کدام برادر و خواهر؟

کدام معلم و دوست؟

کدام همسایه و همشهری؟

کدام بیگانه؟!!

چند بار و چه مدت؟

کدام خلاف آدم را پرده پوشی می کنند؟

غیر از خدا احدی نمی تواند رازدار انسان باشد و در تمام امور زندگی، فرد مطمئنی برای انسان محسوب گردد. پس بیاییم مشکل خودمان را با خدایمان حل کنیم و با بازگشت به خدا، به آرامش آرمانی دست یابیم و برای بیمه کردن جان خویش به اقدام بزرگ دست زنیم و قیام بزرگی را کردن از درون آغاز نمائیم. باید زندگی را دوباره آغاز کرد.

وارد مرحله جدیدی از زندگی شد.

به زندگی لبخند زد و به دنبال آن، به زندگی

معنا بخشید و چگونه زیستن و چگونه ماندن

و چگونه مردن آموخت و سپس:

«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا... به سوی جایگاه ابدی سفر» [۴] کرد.

این است آرامش آرمانی و اسری بزرگ.

[۱] سوره الضحی: ۹۳ / ۲.

[۲] سوره رعد: ۱۳ / ۲۸.

[۳] دعای کمیل.

[۴] وصیت نامه الهی سیاسی امام خمینی ره.

تواضع و تقرب

اوج تواضع را باید در سجده جستجو کرد.

علی (علیه السلام) می فرماید:

«هنگامی که انسان نماز می خواند، ساییدن گونه ها به خاک نشانه ی تواضع و گذاردن اعضای شریف بر زمین،

دلیل کوچک و حقارت است» [۱].

بنده خدا، بهترین عضو از اعضای بدن خود را بر خاک می نهد و با این کار بهترین ارتباط را با خدای خود برقرار

می کند. با بهترین وجه با معبود خود سخن می گوید و با یکتای بی همتا درد دل می کند، ناله می نماید، گریه می

کند و خود را به خاک می کشد و سر بر خاک می نهد تا فکر خودش را

الهی کند و جان خود را نورانی نماید.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

مالی لا اری علیکم حلاوة العبادۃ؟ و ما حلاوة العبادۃ؟ قال التواضع!

«چه می شود که شیرینی عبادت را در شما نمی بینم؟» [۲].

عرض کردند:

شیرینی عبادت چیست؟ فرمود: تواضع است.

سجده گاه، آموزشگاهی است که بنده خدا، تواضع، تقرب جستن، تخلص، تزکیه، تنهایی، تفکر و تکلیف را در آن

تجربه می کند و بصورت علمی و کاربردی تمرین می نماید.

علی (علیه السلام) می فرمایند:

«بالتواضع تكون الرفعة» [۳] «تواضع انسان را بالا می برد.»

همانطوری که تکبر انسان را بر زمین می زند و زمین گیرش می کند؛ تواضع انسان را زنگارزدایی می کند و بالا می

برد.

«به یاد و دیار، چنان بگریم زار

که از جهان ره و رسم سفر براندازم» [۴].

آیت الله جوادی آملی می فرمایند:

با طهارت ترائیه (تیمم)، انسان به طهارت باطن دسترسی پیدا می کند. با تیمم، طهارت طبی حاصل نمی شود. این

همان طهارت باطن است. کسی که صورت به خاک می مالد و یا خاک به صورت می مالد، در واقع غرور خود را

می شکند و پاکی و طهارت باطنی پیدا می کند.

با یک لیوان آب که انسان به طهارت طبی نمی رسد، پس در کنار آن طهارت باطنی مطرح است. به هر تقدیر، یکی

از دست آوردهای بزرگ سجده، تواضع و تقرب است که در سجده گاه بصورت کاربردی در می آید.

[۱] نهج البلاغه، خ ۱۹۲.

[۲] میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۱۸۲۵.

[۳] غررالحکم، ج ۷، ص ۴۰۵، (چاپ دانشگاه تهران).

[۴] حافظ.

تشکر و تذکر

جایی که «شعاع شمس»، برای خداوند سجده می کند؛ چرا انسان بر خداوند سجده نکند؟ چرا انسان تشکر زیبا بجا نیاورد؟

در اعمال مسجد بزرگ کوفه می خوانیم:

«انت الذی سجد لک شعاع الشمس» [۱]؛ تو آن خدایی هستی که شعاع شمس (خورشید)، برای تو سجده می کنند.

علی (علیه السلام) می فرماید:

آسمان سجده گاه فرشتگان است.

«در دوران دیگری از آفرینش جهان، خداوند، آسمان های فرازین را از درون شکافت و سرشار از فرشتگان ساخت. فرشتگانی گونه گونه که:

- بی هیچ رکوعی تنها سر بر سجده دارند.

- دو دیگر گروهی که بی هیچ قیامی در رکوعی مدامند.

- سه دیگر گروه، صف به صف، قیام کنندگانی بی تزلزل و لرزشند.

- چهارمین گروه تسبیح گویان خستگی ناپذیرند که نه چشمشان پرده خواب فرو افتد و نه اندیشه شان به خطا می رود و نه خستگی به دژ تنهایشان راه می یابد و نه آگاهیشان به غفلت فراموشی مبدل می شود.

در تمام طبقات آسمان حتی چندان پوست تخمی نمی توان یافت که بر آن، فرشته ای در سجود یا کوشنده ای در کار و تلاش نباشد.»

اگر آسمان سجده گاه فرشتگان است؛ چرا دنیا فرودگاه و سجده گاه عاشقان حق نباشد؟!

مگر شکر نعمت واجب نیست؟ پس از خداوند چگونه می توان تشکر کرد؟

خداوند می فرماید: «سبح لله ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم» [۲].

«آنچه در آسمان ها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند و او عزیز و حکیم است.»

انسان که اشرف مخلوقات است چه؟

[صفحه ۱۲۴]

دنیا، سرزمین تقدیر و تشکر است. و در قالب یک قاعده عقلایی، شکر منعم واجب است و بهترین نوع تشکر، برای بهترین هاست و زیباترین نوع تشکر، در قالب یک سجده ساده انجام می گیرد که هم اختصاص دارد برای خداوند منان و هم کاربردی و عملی است، نه صرفاً زبانی. زندگی انسانی، همان آواز آسمانی است و آوازه‌ها هم، آوای الهی می گویند. [۳] همه چیز موسیقی معنوی می خوانند و تسبیح می گویند.

در سجده های طولانی، باید از خداوند تشکر کرد، سپس تار وجود خویش را نواخت. [۴]. عده ای با زبان، آواز الهی می خوانند و گروه دیگر از راه جان به خدا نظر می کنند. آسمان هم آواز الهی می خواند؛ منتها آواز آسمان ها، آبی است و در درگیری ها با ابرها، برای ما آواز قهرمانانه سر می دهند.

... یکاد البرق یخطف ابصارهم. [۵].

این همان آواز الهی آسمان ها است؛ همان تشکر زیبایی است که در فرهنگ اسلام و عرفان وجود دارد. تشکر از بزرگ، نیاز کوچک است و انسان زنده است به این تشکر.

آسمان شو ابر شو باران ببار

ناودان بارش کند نبود بکار. [۶].

شب پرده ها هم سجده شکر بجا می آورند و از بزرگ خود تشکر می کنند.

به فرموده حسن زاده آملی: «الهی، شب پره را در شب پرواز باشه، و من را نباشد.» [۷].

سحر چو گشت پدیدار روز گردد شب

شفق چو گشت نمودار روز گردد شام [۸].

در فرهنگ عرفان همیشه سخن از سحر است و سجده شکر. آسمانیان و زمینیان، همه باید با آواز بلند، خداوند را بخوانند.

والنجم والشجر يسجدان.[۹] گیاه و درخت سجده می کنند.

تشکر زیبا بجا می آورند. سجده کن صد بار می گو ای خدا نیست این غم غیر در خورد و سزا.[۱۰].

سجده، شیرین ترین سرودی است که هر موجودی، توسط آن خودش را به توحید ناب و حق

[صفحه ۱۲۵]

محض نزدیک می سازد.

سوختن عاشقانه را در سجده گاه باید تمرین کرد و پرواز عارفانه را در سجده باید تجربه نمود. «پر من بگشای تا

پران شوم در حدیقه ی ذکر و سیستان شوم»[۱۱].

[۱] مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.

[۲] سوره حدید: ۵۷ / ۱.

[۳] مفاتیح الجنان، نماز امام هفتم.

[۴] اشاره به داستان حکیم جهانگیرخان قشقایی.

[۵] سوره بقره: ۲ / ۲۰.

[۶] مثنوی معنوی، دفتر پنجم.

[۷] حسن، حسن زاده، الهی نامه، ص ۱۹.

[۸] قآنی.

[۹] سوره الرحمن: ۵۵ / ۵ و ۶.

[۱۰] مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ۳۹۹۰.

[۱۱] همان.

استکبار زدایی

علی (علیه السلام) می فرمایند: فالله فالله فی عاجل البغی،...»

«پس خدا را! خدا را! پیرهیزید از سرکشی در این جهان و بترسید از کیفر ناخوشایند ستم در آن جهان، و پایان

زشت خودبینی که دامی است نهاده ی شیطان. دامی بزرگ و فریفتنی سترگ. بر دل مردان راه یابد، چون زهر کشنده

که در اندام ها شتابد. هیچگاه از کار باز نماند، و به خطا کس را از مکر خود نرہاند. نه دانشمندی را به خاطر دانش و نه مستمندی را در فرسودگی پوشش؛ و خدا بندگان با ایمان خود را از این آسیب بر کنار می دارد، با نمازها و زکات‌ها و روزه گرفتن های دشوار، در روزهایی که واجب است تا اندام هاشان بیارمد با این کار، و دیده هاشان خاشع شود و جان هاشان خوار و سبک ساختن دل های آنان، و بردن خودبینی از ایشان، به فروتنی که در عبادت هاست: از چهره های شاداب را به تواضع بر خاک سودن، و با چسبانیدن اندام های پاکیزه بر زمین خویش را نمودن، و رسیدن شکم ها به پشت به فروتنی و خواری به خاطر روزه داری و آنچه در زکات است از دادن بهره های زمین و جز آن، به مستمندان و بیچارگان. بدانچه در این کارهاست بنگرید: از سرکوبی جوانه های نازش و بازداشتن نهال های خودپسندی از رویش.» [۱]. اولین جنگ در تاریخ، جنگ کبر و خودپسندی بود با سجده در مقابل آدم.

«شیطان که رانده گشت بجز یک خطا نکرد

او خود را برای سجده آدم رضا نکرد

شیطان هزار مرتبه بهتر ز بی نماز

او سجده را بر آدم و آن بر خدا نکرد. [۲].

[صفحه ۱۲۶]

این سخن پایان ندارد هین بتاز

سوی آن دو یار پاک پاک باز [۳].

[۱] نهج البلاغه، خ ۱۹۲.

[۲] باباطاهر.

آمادگی و آوازه آرمانی

قاعده بزرگ و آرم الهی

امام خمینی (رحمة الله علیه) در وصیت نامه الهی سیاسی فرمودند:

«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم.» [۱].

این سخن، قاعده بزرگ زندگی عارفان واقعی است و برای رسیدن به قله بلند انسانیت، این سخن آشنایی امام خمینی (ره)، معیار و محک زیبایی است که انسان های موحد عموماً و شیعیان خصوصاً، خود را در معرض امتحان الهی ببینند و اعمال خود را مورد سنجش قرار دهند.

بهترین راه آزمایش و امتحان این است که: هر کس، پیش وجدان خویش، ببیند به این آرامش و اطمینان قلبی رسیده است یا خیر؟ اگر نرسیده چه باید بکند؟

گویی از کوچه میخانه گذر کرده مسیح، که به درگاه خداوند بلند آوا شد. [۲].

سجده گاه، نردبان صعود است به سوی انسانیت. برای دست یازیدن به این آمادگی و آوازه بلند، باید از قرارگاه و بندرگاه «سجده گاه» گذر کرد.

تا زمانی که در سجده گاه، به تمرین آرامش الهی دست نزنند، آمادگی و به دنبال آن آوازه آرمانی بدست نخواهد آمد. راه تمام آرمان ها و ارزش ها، از سجده گاه می گذرد.

اگر فردی بخواهد به این قاعده بزرگ و «آرم الهی» دسترسی پیدا کند و با آرامش خاطر بگوید:

«با دلی آرام و قلبی مطمئن... سفر می کنم»، باید همه آرمان ها و ارزش ها را در سجده گاه کاربردی

[صفحه ۱۲۷]

سازد و از بندرگاه آن عبور دهد.

«فاما من ثقلت موازینہ فهو فی عیشة راضیة» [۳].

«اما کسی که (در آن روز) ترازوهای اعمالش سنگین است، در یک زندگی خشنود کننده خواهد بود.»

آخرت روز حساب و ظهور اعمال است. کشته های دنیا، در آن روز آشکار و برداشت گشته و سپس در ترازوی اعمال وزن خواهد گشت.

به هر تقدیر دست یازیدن به چنین آمادگی و آرامش، هنری است قدسی که راه آن را در سجده گاه باید جستجو کرد، کما اینکه امام خمینی (ره) چنین کرد.

[۱] قسمتی از وصیت نامه الهی سیاسی امام خمینی (ره).

[۲] دیوان امام خمینی (ره).

[۳] سوره قارعه: ۱۰۱ / ۶ و ۷.

راه رسیدن به بهشت

مردی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید، حضرت از او پرسید چه می خواهی؟ در جواب گفت: بهشت! حضرت تأملی کردند و سپس فرمودند:

«یا عبدالله اعنا بطول السجود» [۱] .

یعنی: «ای بنده خدا یاری ده ما را (در رساندن به این خواسته) از طریق سجده های طولانی.» [۲] .

علی (علیه السلام) می فرمایند: اقرب ما یكون العبد من الله اذا سجد؛ [۳] .

نزدیکترین چیزی که بنده را به خدا نزدیک می کند سجده است.

در روایات داریم که سجده طولانی، دشمن شکن است.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

ان العبد اذا احال السجود حیث لا یراه احد، قال الشیطان واویلاه اطاعوا و عصیت و سجدوا و ابیت؛ [۴] .

«به درستی انسان هنگامی که سجده را طولانی کرد فریاد شیطان بلند می شود که وای بر من! آنها

[صفحه ۱۲۸]

اطاعت خدا کردند و من عصیان کردم، آنان سجده کردند و من نافرمانی کردم.

به هر تقدیر بهشت کانون انگیزه های الهی است و راه آن از سجده گاه می گذرد.

علی (علیه السلام) می فرمایند: «شغل من الجنة و النار امامه» [۵] .

آن که بهشت و دوزخ را پیش روی خود بیند، آسوده نشیند.

برای رسیدن به بهشت جاوید، باید به تلاش همه جانبه دست زد و لحظه ای آرام و آسوده ننشست.

در جای دیگر می فرمایند:

«بدانید که امروز ریاضت است و فردا مسابقت، و خط پایان، دروازه ی بهشت برین است، و آن که بدان نرسد در دوزخ جایگزین».[۶]

همچنین فرمودند:

«الا و ان اليوم المضمار و غذا السباق. و السبقۃ الجنۃ و الغایۃ النار».[۷]

«امروز مضمار (ریاضت) است و فردا مسابقت، سبقه بهشت است، و دوزخ غایت.»

بنابراین بهشت چیزی نیست که بتوان از آن صرف نظر کرد و چشم پوشی نمود. برای رسیدن به این همه عظمت ها، باید در سجده گاه به تمرین مداوم دست زد و با آمادگی کامل به استقبال بهشت شتافت. اگر در آیات و روایات دقیق شویم، ره آورد سجده فراوان است، ولی به علت اختصار از تفصیل آن صرف نظر می نمائیم.

امید است روح سجده های واقعی در ما دمیده شود و بتوانیم با سجده های طولانی و معنادار، به زندگی خود طراوات و شادابی ببخشیم.

[۱] فروع کافی، ۱ / ۷۳.

[۲] رضوان طلب، محمدرضا، پرستش آگاهانه، دوم، ۱۳۷۵، ص ۱۳۶.

[۳] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳.

[۴] بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱۶۳.

[۵] نهج البلاغه، خ ۱۷.

[۶] نهج البلاغه، خ ۲۸.

[۷] همان.

نتیجه

زندگی بشریت عموماً و زندگی دانشگاهیان خصوصاً، باید به آسایشگاه بزرگی از آرامش تبدیل شود تا بشر بتواند در آن آسایشگاه به «میدان تمرینی» دسترسی پیدا کند و به دنبال آن دینداری را از

حالت تئوری و نظری، کاربردی سازد.

سجده گاه در واقع فرودگاه الهی است که موحد حقیقی در آنجا چشم به راه پرواز ملکوتی مانده است. مقدمه این پرواز، آن است که سجده گاه را میدان بزرگی قرار دهیم برای تمرین «چگونه کوچکی نمودن» و در «مقابل چه کسی کوچکی کردن».

سجده گاه، آسایشگاه و آرامگاه جان است که برای رسیدن به آسمان و افلاک باید بتوان دست اندازهای پنهان و باطنی را هموار ساخت و با خاک یکسان گشتن و خاکمالی کردن جان را، تمرین کرد و کاربردی نمود. سر بر خاک گذاشتن به معنای خاکمال کردن افکار است از وسوسه ها و شبهات شیطانی و به دنبال آن متصل ساختن جان به آب کر و شتسشوی آن از آلودگی ها است.

خاکی زیستن، خاکی ماندن، خاکی مردن و خاکمال کردن همه برای آن است که جان انسان از آلودگی ها پاک گردد و سجده گاه، میدان تمرین است برای چنین کاری.

نقش تشکلهای دانشجویی در برگزاری گسترده ی نماز

سرکار خانم طیبه بیضایی

دانشجوی زبان انگلیسی

[صفحه ۱۳۳]

مقدمه

متن مقاله به سه محور کلی تقسیم شده است:

۱- آسیب شناسی محیط داخلی و خارجی دانشگاه.

۲- اهمیت فوق برنامه ها در بازسازی معنوی.

۳- چگونگی مشارکت دانشجویان و تحقق اهداف.

در بخش اول بررسی دو حوزه عمده در دانشگاه یعنی محیط داخلی و خارجی که شامل نیروهای انسانی، اجرایی و امکانات است، با عنایت به وضعیت موجود، موردنظر قرار می گیرد.

محور دوم مقاله با تأکید بر این مهم که دانشجویان می توانند از احساس هویت فرهنگی و دینی مستقل (تصمیم گیرنده، فعال و پویا) برخوردار باشند؛ نقش و اهمیت تشکل های دانشجویی و فوق برنامه ها را در باروری و پویای دینی خاطرنشان می سازد.

دانشجویان که جزو طبقه آرمانگرای جامعه هستند، بنابر ظرفیتهای علمی و مقتضای سنی خود ایده آلهای را می جویند. بنابراین توقع به جای آنان را می توان با ارائه فرهنگ مناسب دینی پاسخ داد، و نه با تحلیل های مرسوم و بدون پژوهش و عدم تطابق با نیازهای زمان. این امور خود مستلزم پرداختن به اصولی است که بخشی از آنها در تشکل های دانشجویی محقق می شود، و برخی با درایت

[صفحه ۱۳۴]

مسئولان و تحول در تشکل های دانشجویی قابل حصول خواهد بود. لذا بخش سوم مقاله با ارائه ی پیشنهاداتی دائر بر بهبود فعالیت تشکل های دانشجویی به این موضوع می پردازد.

آسیب شناسی

برای یافتن پاسخ هایی مبنی بر علل عدم مشارکت دانشجویان در امور مذهبی، یکی از فرضیه های پیش روی ما می تواند این باشد که جوانان صرفا در فضای دانشگاه کمتر رغبت به مشارکت در اعمال عبادی دارند. بنابراین باید ابتدا به آسیب شناسی محیط داخلی دانشگاه پرداخت. پرسشی ابتدایی که برای ما مطرح می شود این است که آیا دانشجویان عموما در رفتار و نحوه ی حضور خود در فعالیتهای آموزشی بی رغبت و سهل انگار هستند، یا فقط در امور مذهبی و اقامه ی نماز چنین پدیده ای وجود دارد؟

شیوه ی مرسوم از سوی مسئولان این است که بی عزمی دانشجو و پائین دانستن سطح اعتقادات دینی او باعث عدم مشارکت در مناسک دینی تلقی می شود. اما این نظریه احتیاج به پژوهشی منصفانه و یا در صورت امکان بحثی آزاد بین دانشجویان و مسئولان دارد.

ولیکن از مجموع داده ها می توان گفت هر دو طیف عمده ی محیط داخلی دانشگاه در این امر قصور دارند.

محیط داخلی

مسئله زمینه های فکری و تربیتی نظیر: نوع دیدگاه دانشجو نسبت به ادامه ی تحصیل (و اینکه آیا ورود به دانشگاه را پایان دغدغه ها و تنها به عنوان یک فرصت شغلی تلقی می کنند؟) احساس آشفتگی و نابهنجاری روانی، عدم انتخاب هدف مشخص، و مواردی پنهان و آشکار از اینگونه، در شکل دهی به رفتار و گرایش مذهبی مؤثر هستند، و در یک تحقیق گسترده تر هر یک از این موارد به عنوان عاملی پیرامونی باید به فهرست آسیب شناسی ذیل افزوده شوند. اما در اینجا تنها فهرستی از موارد متعدد که هر کدام باید به عنوان یک فوریت در اصلاح آسیبها مورد توجه قرار گیرند تذکر داده می شوند:

– علاقه نشان ندادن افراد به مبحث نماز به نحوه ی آموزش احکام مذهبی نیز معطوف است.

– از نظر دانشجویان شاید یکی از علل مهم، مربوط به افراد آموزشیار باشد، که سختگیری زیاد این

افراد باعث گریز جوانان است. چنانکه به نظر دانشجویان، اغلب آموزشیاران افرادی خشک، از نظر کنش اجتماعی دگم، و از نظر تفاوت سنی با دانشجویان نیز تفاوت فاحش دارند. که این موارد بر نحوه ی دریافت مطالب تاثیر زیادی می گذارد.

- حجم مطالب مربوط به احکام که در جلسات هفتگی گفته می شود. (آیا حجم احکام که با مشغله تحصیلی دانشجویان تعارض دارد، می تواند باعث عدم تمایل ایشان برای درک مطالب باشد؟)
- عدم ظرافت در انتخاب موضوع، و ناپختگی نحوه ی بیان در مقابل طیف دانش آموخته.
- به اعتقاد برخی، ملاک نمره در این کلاسها بسیار اهمیت دارد؛ یعنی دانشجو با نگرفتن نمره ی حد نصاب، زمان زیادی را از دست خواهد داد؛ و احتمالاً این ناکامی بر مواردی مانند نمره انضباط و... تأثیر دارد.
- تسلط نداشتن تعدادی از آموزشیاران بر مبحث احکام و ندانستن مطالب کافی از مراجع تقلید.
- استفاده از افراد عادی به جای حوزویان، و یا اهل نظر و معرفت دینی از بین طبقه دانشگاهی.
- در اختیار نداشتن جزوه های تأیید شده و همگانی برای دانشجویان.
- قرار دادن امتیاز برای انجام وظایف. (که مغایر با اهداف ارزشی است، و حتی برخلاف خواست مسئولان موجب کاهش مقبولیت امور عبادی و فطری می شود).
- همزمانی برگزاری کلاسها و اقامه ی نماز.
- نبود امام جماعت دائم، بعلاوه مشکلات ایاب و ذهاب برای ائمه جماعت. (به گونه ای که رفت و آمد در محیط مختص دانشجویان دختر، گاه برای روحانیون دشواری هایی دارد).
- نبود مکان مناسب و شایسته جهت اقامه ی نماز، خصوصاً برای دانشجویان دختر؛ که این نقیصه تأثیر بسزایی در پراکندگی جماعت و خنثی شدن تبلیغات دارد.
- پاکیزه نبودن محیط و هوای مساعد جوی (گرم و سرما) در نمازخانه؛ در حالی که مقبولیت مکانی نزد جوانان بسیار مهم است.
- نبودن وضوخانه ی مجهز و پاکیزه، به ویژه برای دانشجویان دختر.
- نبودن وسائل رفت و آمد برای حضور دانشجویان در نماز جمعه.
- وجود مشکلات بدیهی در پخش اذان؛ به دلیل همزمانی با کلاسها و یا نبود وسایل صوتی

مناسب.

- کوتاهی برخی از مسئولان تشکلهایی دانشجویی (نظیر اقام الصلوة) از قبیل: مرتب نبودن جانمازها، خواب بودن سرپرست به هنگام اقامه ی نماز صبح، و...
- آشنا نبودن با موازین رفتار اجتماعی و اسلامی، و نبود آموزش برای مسئولان تشکلهای دانشگاهی.
- اهمیت ندادن برخی از مسئولان دانشگاهی به خواستههای تشکلهای دانشجویی.
- کوتاهی در برگزاری نمایشگاه پیرامون نماز از جانب تشکل اقام الصلوه و مسئولان ستاد اقامه ی نماز. (در مقایسه با نمایشگاه های متعدد در خصوص شهدا)
- در دسترس نبودن بروشورهای مربوط به نماز همراه با مطالب تازه و جذاب. (در مقایسه با دیگر فعالیتهای متنوع تشکلهای دانشجویی).
- نبودن کتابهای جدید و جذاب و متنوع در کتابخانه های دانشگاهی. (پیرامون نماز و دیگر مسائل عقیدتی)
- البته دانشجویان خوشبختانه در مواردی همچون نحوه ی حضور و برخورد روحانی در جمع دانشجویان، و اظهار تمایل برای پاسخگویی به مشکلات ایشان، اظهار رضایت کرده اند و بدیهی است که این گونه مزیت ها نمی تواند در ذیل فهرست آسیب شناسی قرار گیرد.
- همچنین به عنوان تحلیل یک جریان اندیشه ساز در محیط داخلی دانشگاه، نگارنده، نشریات دانشجویی و گاهنامه های ذیل را که در فاصله ی سالهای ۷۳ تا ۷۹ منتشر شده اند بررسی نموده است.
- پیغام آشنا، تربیت معلم بنت الهدی رشت.
- تأویل خواب پریشان، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی.
- مخاطب، (ماهنامه ی علمی، فرهنگی، سیاسی) بسیج دانشجویی.
- برگ سبز، تربیت معلم شهید هاشمی نژاد مشهد. (سالهای: ۷۸ و ۷۹)
- در این نشریه ها صفحه و یا مطلب ویژه ای پیرامون تبلیغ امر نماز مشاهده نشد.
- همچنین از بین نشریات دانشجویی، نشریه ی دو مرکز معتبر علوم دینی نیز مورد توجه نگارنده قرار گرفته، و تعدادی از شماره های هر یک به شرح ذیل بررسی شده است.

۱- اندیشه ی حوزه، دو ماهنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی. (سالهای: ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۸۰)

در شماره ی انتخابی از این دانشگاه، یعنی شماره ی سوم، سال ۷۹، هیچ مطلبی راجع به نماز و فرهنگ پیرامونی آن به چشم نمی خورد؛ مگر آنکه برخی تیتراها همچون: خط علی (علیه السلام) معیار دیانت و سیاست، را بتوان به فرهنگ نماز مرتبط دانست. فهرست مطالب شماره ی مزبور چنین است.

سر مقاله / حکومت علوی در نگاه امام خمینی / بایستگی های حکومت از دیدگاه امام علی (علیه السلام) / درآمدی بر فهم دولت و دین در اندیشه ی علوی / میزان انطباق بیعت و دموکراسی در نگاه امام.

۲- ماهنامه ی پیام صادق (علیه السلام)، دانشگاه امام صادق (علیه السلام). (سالهای ۷۵ تا ۸۰، و به تعداد ۱۰ شماره)

فهرست مطالب شماره انتخابی، خرداد و تیر ۷۹، به این ترتیب است:

سخن اول / اخبار معاونت دانشجویی / اخبار معاونت پژوهشی / آداب معاشرت از نظر اسلام / خدمت به اسلام و مسلمین / نغمه های سرخ / احیای تفکر دینی از دیدگاه شهید مطهری / بررسی جایگاه مدیریت و... در این شماره تنها متن مربوط به نماز عنوان «محراب نماز عارفان» برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین قرائتی می باشد.

بیشتر موضوعات این دو نشریه نیز به ترتیب حول محورهای سیاسی و اجتماعی و کلیات مذهبی است. دلیل عدم پرداختن به فرهنگ نماز می تواند این باشد که برخی از این نشریه ها مانند دانشگاه علوم رضوی به طور موضوعی پیرامون یک بحث مفصل مقاله و گزارش تهیه می کنند، چنانکه در آخرین شماره ی منتشر شده در سال ۸۰، موضوع امام علی (علیه السلام) به مناسبت سال رفتار علوی انتخاب شده است.

محیط خارجی

چالشهای پیش روی دانشجویان و مسئولان در حوزه های مختلف اجتماعی خارج از محیط دانشگاه، اندک نیستند؛ اما می توان مهم ترین آنها را به شرح ذیل در نظر گرفت، و تمهیداتی برای کاهش و یا رفع این موانع اندیشید.

- رو به رو شدن افراد با محیط بیرون، خانواده و دوستان که به موازین مذهبی اهمیت نمی دهند.

بنابراین اگر علاقه ای در خود دانشجو باشد بر اثر برخورد با کنش های متفاوت حوزه های مختلف، به رفتاری منفعلانه و متضاد تبدیل می شود.

- اجرا نکردن دقیق احکام و مسائل عملی در محیط خارجی، و بسنده نمودن مسئولان دیگر نهادهای دینی به مطالب تکراری و مرسوم؛ که البته مورد انتقاد جوانان است. در مواردی نیز پیاده کردن آموزش احکام اصلی و فرعی نماز، که جوانان در دانشگاه یاد گرفته اند، در محیط بیرون با موانعی اجرایی روبرو می شود. (این مورد بیشتر در برخورد با اشخاص میانه و کهن سال مشاهده شده است. و به هر حال این بازخورد موجب کاهش توانایی جوانان و درونی نشدن ارزشهای فراگرفته شده می گردد).

- تغییر دیدگاههای عمومی نسبت به نهادهای دینی، و افراد وابسته به آنها. (بسیج، روحانیون، و...)

- نبود فعالیتهای مستمر و همیشگی در مراکز دانشگاهی کوچکتر.

- نبود ارتباط و حمایت ستاد اقامه ی نماز از تشکلهای دانشجویی (به ویژه اقام الصلوه) و عدم ارائه ی آموزش و اطلاع رسانی در امر نماز.

- آشنا نبودن دانشجویان با ستاد اقامه ی نماز و اهداف و فعالیتهای آن.

- در جای خود به عنوان یک عارضه ی شایع در هر دو محیط داخلی و خارجی، نحوه تلقی مسئولان اجرایی از مقوله دین و نحوه ی آمریت آنان نیز از عوامل مهم در واپس گرایی دانشجویان است. نوع برخوردها و دعوت به انجام فرایض دینی، که بدون ظرافت اندیشی و ناشی از عدم مطالعه در گستره ی مذهب است، و این یک به نوبه ی خود حاکی از عدم علاقه به وارستگی و آزادمنشی تعبیر می شود، برای جوانان نمی تواند مبین جهان شمولی آموزه های اسلام در این عصر و فضای خاص ارتباطات باشد. آن هم در حالی که صاحب نظران و دانش آموختگان علوم حوزوی و دانشگاهی متفق القولند که «هیچ نوع فعالیت اجتماعی یا مجموعه نهادهای اجتماعی نیست که مانند فعالیت و نهاد مذهبی این همه تنوع و تفاوت داشته باشد» [۸].

اهمیت فوق برنامه ها

توانایی همکاری در بین افراد مختلف فرق می کند، و بارزترین صورت آن قوی یا ضعیف بودن اشخاص در چالش های اجتماعی و کنش های رفتاری است. از سویی مسئولان باید بپذیرند که به عنوان یک نهاد مطلع از نیازهای دانشجویان، منشاء پاره ای از رفتارهای آنان را نمی شناسند. بنابراین نقش تشکلهای دانشجویی علاوه بر افزایش ضریب توانایی های شخصی و گروهی از طریق تعامل موجود در فوق برنامه ها، پدیدار کردن شاخصهای ذهنی و جهت دادن به آن بخش از ظرفیتهای کشف نشده دانشجویان است که در آموزش متعارف مجال بروز آنها وجود ندارد. بدین ترتیب هنگامی که از تشکلهای دانشجویی صحبت می کنیم گذشته از آنکه به طور بدیهی سخن ما ناظر به فعالیتهای جمعی است، به طور ضمنی سخن ما ناظر بر تعاریف جامعه شناختی و روانشناختی نیز خواهد بود.

برای مثال هر تشکل دانشجویی به نحو بارز یک اجتماع هدفمند است که می توان تعاریف جامعه شناختی را بر شاکله ی آن قابل پیاده شدن و تعمیم دانست. برای مثال بدون پیش فرضهای مرسوم خوب و بد بودن اشخاص، در درون این نهاد «مفهوم کنشگر اجتماعی از مفهوم ارتباط اجتماعی استنتاج می شود. در واقع کنشگر اجتماعی یکی از قطبهای فردی یا جمعی ارتباط اجتماعی است که از آن می توان به همکاری در عین تعارض یاد کرد. بنابراین کنشگری اجتماعی جوانان لزوماً دو بعد دارد، که یکی با توانایی کنشگر در همکاری تعریف می شود، و دیگری با تواناییش در تأثیری که در چارچوب رابطه ای تعارض آمیز اعمال می کند.» [۱]

در این محدوده می توان مفاهیم رفتاری و عملی دانشجویان را طبق نظام ارزشهای جامعه شناختی تقسیم بندی کرد، و بر آن اساس به تعامل با ایشان پرداخت. این مفاهیم به طور مشخص در دو حوزه ی تحلیلی- استقرایی و انتزاعی قابل ارزیابی هستند.

«مفاهیم عملی مجزا، تحلیلی و استقرایی است. اما مفاهیم انتزاعی از راه ترکیبی و قیاسی (تمثیل، تضاد، و غیره) و بر منطق روابطی که میان اجزای یک نظام وجود دارد، بنا می شوند. در روابط و کنش های اجتماعی، اغلب موارد این مفهوم انتزاعی چارچوب فکری کلی تری دارد که الگو نامیده می شود» [۲]. با توجه به تعریف فوق، به نظر می رسد تشکلهای دانشجویی می توانند در

مفاهیم عملی دین که تجربی و استقرایی محسوب می شوند، با مفاهیم ارزشی و وجدان جمعی و الگوسازی که مفاهیم غیر تجربی، قیاسی و تمثیلی هستند؛ نقش مؤثری ایفا نمایند و به الگوسازی عمومی، و نه تأکید بر نخبه گرایی در امور دینی که به گریز پیرامونی منجر شده است، اهتمام ورزند. در این صورت و به لحاظ ماهیت جمع پذیر ارزشهای دینی و تأکید تعالیم مذهبی بر همگرایی «وقتی کنشگران از ارزشهای یکسانی الهام می گیرند، و در طرح همکاریشان هماهنگی دارند، فرایند همکاری و حصول موفقیت تسهیل می گردد» [۳].

با توجه به بخش نخست مقاله، به نظر می رسد چنانکه تشکلهای دانشجویی، مفاهیم و مقاصد ژرف دینی را تحلیل علمی کرده و ابعاد آن را شناسایی کنند، در جمع آوری نیروها و جهت دادن به آنها موفق تر عمل خواهند نمود. البته این کار به گونه ای جدی مستلزم در نظر گرفتن تیپها و شخصیت های مختلف در جوانان، و پیدا کردن خاستگاه انگیزش های فردی و جمعی آنان نیز خواهد بود. برای نمونه این ابعاد را می توان چنین لحاظ کرد:

«بعد تجربی؛ این بعد ناظر بر تجربیات زندگی معنوی اشخاص است، که منجر به ایجاد احساس خاصی از ارتباط با یک ذات الهی و یا مستقیماً با خداوند برای شخص معتقد می شود.

- بعد جهان نگر؛ (برنامه و هدف) ناظر بر اعتقادات به واقعیت الوهیت و پیوسته های آن است.

همچون: خیر، شر، بهشت، دوزخ.

- بعد مناسکی؛ بر اعمالی که در چارچوب زندگی دینی انجام داده می شود، ناظر است؛ مانند نماز، نیایش، زیارت، سوگواری و...

- بعد استنتاجی؛ ناظر بر اجرای اصول و فرامین دینی در زندگی روزمره است؛ مانند: احسان، ایثار، درستکاری، پاکدامنی و عفت، رعایت حقوق دیگران، نظم پذیری و...

نکته بسیار مهم، این دریافت است که در مورد اشخاص اگر تخصیص شاخصهایی به بعد مناسکی (نماز، روزه، نیایش) نسبتاً آسان است، اما گزینش شاخصها برای ابعاد دیگر [نظیر بعد تجربی و بعد استنتاجی که حسی عرفانی یا درونی بوده، و ارتباط تنگاتنگ و مؤثری با بعد مناسکی ایفا می کنند] خیلی روشن و شفاف نیست. و اندازه ی درجه ی دینی بودن از شاخصی به شاخص دیگر تغییر می کند [۴].

قابل توجه است که برخلاف برخوردهای مرسوم و سطحی انگاشتن ترویج فرهنگ دینی در دانشگاه هر یک از ابعاد این تقسیم بندی ابتدایی ملاحظاتی دارند؛ مثلاً بعد تجربی دین می تواند شامل گروه های متعددی از جوانان گردد که اگر چه به واقع تمام رفتار و سکنات خود را با معیارهای دینی مطابقت نمی دهند. اما به طور فطری آمادگی پذیرش حقایق ملکوتی را دارا هستند. همچنین بعد مناسکی یاد شده، ناظر به پیش شرطهایی است، و نباید بدون فراهم بودن زمینه های آن، توقع ارتقاء بینش معنوی در گروه های مختلف دانشجویی را داشت.

براساس مثالهایی که ذکر شد، تعاریف دیگر حوزه های نظری- پژوهشی و به طور ویژه حوزه ی دین پژوهی قابل تطبیق با چهارچوب فعالیتهای تشکل های دانشجویی هستند، اما به نظر نمی رسد اهتمامی جدی، منسجم و سازمان یافته در جهت بهره گیری علمی از این حوزه ها انجام گرفته باشد، فلذا فعالیتهای کماکان برطبق روال مرسوم حاصل جوشش های ذاتی یا سلیقه ای است.

با وجود این، صرف ایفای نقش هر نوع تشکل دانشجویی در توازن بخشیدن به نیروهای مختلف دانشجویان و کاهش تعارض ها و همچنین فزونی توانایی های جوانان برای مهار بحرانهای مختلف حائز اهمیت است؛ به عنوان تحلیلی اجمالی بر پدیده ی فوق می توان قابلیتهای موجود در این تشکلهای را چنین در نظر گرفت:

- توانایی بخشیدن به دانشجویان در امر خود سازماندهی.
- توانایی در ایجاد روابط انسانی. (کاهش تنشها، ایجاد ارتباط معقول با گروههای مختلف اجتماعی، و تفهیم نقطه نظرات خود به گونه ی منطقی)
- ظهور فضای تحرک و نشاط و پویایی، که پیش شرط تحقق آرمانهای معقول فرهنگ دینی هستند.
- چند بُعدی شدن دیدگاههای ارزشی و خروج از بن بستیهای تنگ نظرانه ی فکری، و پیدا کردن توانایی برای حل چالشهای فرهنگی و فکری.

از بین تشکل های مرسوم در دانشگاه ها، به لحاظ ارتباط منطقی با این گفتار تشکل بسیج متشکل از افرادی است که فعالیتهای متنوع منطبق با فرهنگ دینی انجام می دهند. این فعالیتهای در قالبهای هماهنگ فرهنگی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و اعتقادی است. این نهاد با تربیت افرادی شایسته به اطلاع رسانی عقیدتی نیز می پردازد، و افراد با شرکت در برنامه های مختلف همگرایی و

آمادگی مناسبی پیدا می کنند؛ از جمله در رابطه با فعالیتهای و اهداف فرهنگی بسیج در دانشگاه ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد: در جریان قرار دادن اعضاء از خبرهای روز جامعه و جهان، فراهم نمودن برنامه های جنبی برای اوقات فراغت اعضاء، ایجاد کلاسهای تفسیر قرآن و احکام، بازدید از مناطق جنگی، و نشر مجله. یکی از فعالیتهای مهم و فرهنگ ساز که نهاد بسیج انجام می دهد بازدید از خانواده های شهدا، و برگزاری همایشهای مربوط به آن است. این نحوه از الگوسازی ضمن آنکه باعث یادآوری ایثارگری رزمندگان و فهم دلایل آن می شود، با تبلیغ غیرمستقیم و ظریف، ارزشهای عقیدتی و فرهنگی را به عنوان یک هنجار در ذهن جوانان باقی می گذارد.

به عنوان یک نقطه ی مشخص در کاهش انگیزش های مذهبی باید گفت، روش و توانایی این تشکل های محدود جهت برآوردن نیازهای متنوع و روبه تزايد دانشجویان کافی نیست، و باید تمهیداتی برای افزایش تشکل ها، با در نظر گرفتن تنوع اجرایی جهت افزایش انگیزش ها در عین هماهنگی از نظر هدف، و همچنین برقرار کردن خصوصیت های یک تشکل به لحاظ برخورداری از معیارهای مقبول و مدیریت اجرایی اندیشید. لذا در بخش سوم مقاله مثالی از ایجاد و گسترش تشکل های دانشجویی در حوزه ی فرهنگ دینی، یعنی تشکل اقام الصلوه در یکی از مراکز تربیت معلم، همراه با ویژگی های لازم در هر تشکل جهت حصول خواسته ها آورده می شود. اما پیش از پرداختن به این محور یک خصیصه ی بارز که باید در هر یک از تشکل های کنونی و یا آتی برای جذب جوانان مورد لحاظ قرار گیرد، یادآوری می شود، و آن اعتماد کردن و سپردن تنظیم امور به خود دانشجویان است.

[۱] روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۱۱۸.

[۲] روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۱۱۸.

[۳] روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۱۲۱.

[۴] روش تحقیق در علوم اجتماعی، صص ۱۱۶، ۱۱۷.

چگونگی مشارکت دانشجویان و تحقق اهداف

در هر تشکل دانشجویی (به مثابه یک نهاد اجتماعی پویا) برای حصول موفقیت، برنامه ریزان و دانشجویان با سه محور عمده روبرو هستند، که عبارت است از: مفاهیم، فرضیه ها، و مدل ها. (برای این بخش از منبع شماره ۲ استفاده شده است) در این بین به نظر می رسد یکی از مهم ترین روش ها، الگوسازی و بها دادن به اندیشه ها و گشودن باب نظریه پردازی است. بدین ترتیب تشکل های دانشجویی باید توأمان به ساماندهی گروهی و تقویت اندیشه های فردی در بین دانشجویان بپردازند.

مطالعه ی پدیده ی دینی با شاخص های خاص و دقیق روبروست، که این امتیاز امکان می دهد تا به

دستاوردهای آشکاری از طریق مفاهیم که می توانند پیش ساخته و یا عملی باشند، رسید. در این خصوص منظور این است که با در نظر گرفتن سلايق و نیازها، خواسته ها و توان جوانان، باید به مفهوم سازی دینی پرداخت. در حالی که در موارد متعدد این امر بدیهی فراموش می گردد. مثلاً بدیهی است که تکرار پرسشهای دینی و یا صورت گرایی مناسک مذهبی که بیشتر برای سالمندان مناسب است، لزوماً مناسب جوانان و اقتضای روحیه ی آنان نیست. بنابراین در برخی موارد می توان به جای تأکید بر مرجع قرار دادن فرائض دینی، به طور ضمنی برخی از جنبه های مسائل اعتقادی را در قالب فوق برنامه ها به صورت مفهومی عرضه کرد. نقش تشکل های دانشجویی فراهم نمودن امکاناتی است که بتواند با جذابیت های مورد علاقه دانشجویان مفاهیم را از طرق گوناگون القا نماید. بهره گیری به جا از دانش هایی چون: علوم انفورماتیک، و یا زبان های خارجی، همچنین استفاده از قابلیت های عملی چون فرجه ی آزادی عمل خلاق که (برخلاف حوزه های اجتماعی خارجی) در تشکل های دانشجویی قابل حصول است و معیارهای کنشگری فردی با نظام هدفمند دینی را به تعادل می رساند، از جمله این ابزارها است.

مسئله ی دیگر الگوسازی توسط نهادهای غیررسمی است. اهمیت الگوسازی برای طیف دانشجویان در این نکته ظریف نهفته است که شخص به نحو ناخودآگاه، و به شیوه گزینشی تصمیم می گیرد که با هنجارهای معقول همراهی کند. اهمیت این محور برای مسئولان نیز در این است که به حضور فیزیکی دانشجویان در مراسم عبادی بسنده نکنند، و صرفنظر از تظاهر عینی به تصورات و ادراکات غیرمستقیم طیف جوان که نسبت به تمام پدیده های اطراف خود دید انتقادی دارد، بها دهند. ما این جریان را با عنوان فرضیه سازی یاد می کنیم، چرا که بخش عمده ای از آن به دست افراد و با اندیشه و عمل آنها شکل می گیرد. فرضیه های الگوسازی توسط تشکل های دانشجویی می تواند به صورت نظری و قیاسی درباره ی اعمال و رفتار دینی، و یا استقرایی و تجربی در مورد عقاید و ایستارهای دینی مطرح شود. الگوسازی توسط نهادهای دانشجویی می تواند رفتار هدفمند و نه فرصت طلبانه را در بین دانشجویان اشاعه دهد. این جریان یا «رفتار معقول معطوف به ارزش ها، رفتاری است که مجموع هنجارها و قواعد نظام را مدنظر دارد. بدین گونه کنشگر تصور می کند مراعات آنها بهترین خط مشی است، که برای موفق شدن باید دنبال کند. اما حضور در برنامه ها به

حکم تکلیف و یا به حکم اصول، چاره ساز نیست [۱].»

و اما مدل هایی که برنامه ریزان می توانند از آنها در جهت دهی به اجتماعات دانشجویی برای نیل به اهداف دینی بهره ببرند می توانند: نظری (تئوریک)، و یا استعداد همشکلی با محیط، و حتی گاه بدون موضوع باشند. باب نظری قضیه بسیار گسترده است، ولی چنانکه در بخش دوم مقاله گفته شد از متن دین و یا روش های علوم اجتماعی نوین بهره مشخص چندانی در برنامه ها برده نشده است، و غالب فعالیت ها صرفاً برطبق روال تجربه و سلیقه ساماندهی شده اند. از این رو موفقیت ها نیز نسبی است و گاهی باید راه پیموده شده را دگر باره طی کرد. همچنین همانگونه که در بخش آسیب شناسی متذکر گردید مسئولان و دانشجویان با انبوهی از مفاهیم قالبی مواجه هستند. این عارضه، هنجارپذیری دینی را نزد جوانان مشکل ساز و اجرای مطلوب برنامه ها را برای مسئولان دشوار می کند. در این حال خلاقیتها و ابتکارات فردی و گروهی چاره ساز می شوند، که از آن با نام همشکلی با محیط یاد کرده ایم. برای نمونه تشکل «اقام الصلوه»، در مرکز تربیت معلم شهید هاشمی نژاد با اهتمام افرادی که فعالیتهای آنان اکثراً در محدوده ی اقامه ی نماز و موارد مربوط با آن شکل گرفته، ایجاد شده است. در اینجا فهرست وار اهداف اصلی و جانبی این تشکل ذکر می گردد.

- اهداف و ضوابط اصلی:

- اول، تلاش در جذب دانشجویان به سمت مراسم معنوی - عبادی
- دوم، تشویق به اقامه ی نماز و رعایت زمان دقیق انجام آن و در نهایت اهتمام به اقامه ی نماز جماعت.
- سوم، فعالیتهای عبادی جانبی مانند نیایش هفتگی کمیل و ندبه، و مراسم سوگواری و یا اعیاد.
- اهداف جانبی و مزایای منبعث از ایجاد تشکل اقام الصلوه:
- ارتباط بین دانشجویان و امام جماعت.
- شرکت در نماز جمعه.
- ایجاد نظم در اقامه ی نماز. (فردی و جماعت. که البته بیشتر سعی در اقامه ی نماز جماعت است).
- ایجاد رابطه معنوی بیشتر بین دانشجویان، و آشناسازی آنان با یکدیگر.
- اطلاع رسانی به دانشجویان در مسائل روز، به خصوص اخبار عقیدتی، - مذهبی مرتبط با نماز.

- ایجاد فعالیت ها و مسابقات مربوط به نماز. (سالی یک نوبت)
 - ایجاد رابطه ی معنوی بین حوزویان و دانشگاهیان. (از طریق حضور صمیمانه ی امام جماعت)
 - دیدار از دفاتر مراجع معظم تقلید. (جهت حل مسائل تقلیدی و احکام نماز)
 - آموزش نمازهای مستحب و واجب به دانشجویان. (به ویژه نمازهای مسافر و آیات)
 - نهادینه شدن ارزشهای معنوی در بین عموم دانشجویان. (محیط روزمره آموزشی و خوابگاهی)
 - ایجاد زمینه مدیریت و برنامه ریزی در بین قشر دانشجو درباره ی مسائل اجتماعی و عقیدتی خود.
 - ایجاد رابطه بین دانشجویان و مسؤولان ستاد اقامه ی نماز دانشگاه و شهرستان.
 - تقویت روحیه ی معنوی درون گروهی (دانشگاه) و تشکل های مردمی.
- مدل بدون موضوع، به ابداعات فرعی و مسائل اندیشه نشده در باب خداشناسی، دین پژوهی و هستی شناسی معطوف است؛ و از آنجا که در طول زمان این وجه از رفتار و منش دینی شکل می گیرد و اشاعه و تبلیغ می شود، به آن عنوان مدل بدون موضوع داده ایم. به عبارت روشن تر هنوز بسیاری از زوایای نماز، قرآن، احکام، جهان خلقت، و روان آدمی مورد بررسی کامل قرار نگرفته اند، که تحقیق در این حوزه های مختلف و به طور کلی مرتبط کردن حوزه ی علوم با دین در دانشگاه ها می تواند بینشی پرمایه، و نه قالبی و صرفا تقلیدی به دانشگاهیان ببخشد. خوشبختانه این وجه از پژوهش و فعالیت، به گستردگی تمامی رشته های دانشگاهی و انواع دیدگاه ها است.
- [۱] روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۲۵۷.

نتیجه سخن

واقعیت های موجود نشانگر این است که علی رغم تمامی تلاش ها، به دلیل تداخل حوزه های پیرامونی و عدم همگرایی بین محیط های علمی و نهادهای اجتماعی، تعارض های موجود، دانشجویان در جهت گیری های فرهنگی و عقیدتی خود اصطلاحا دو قطبی شده و بعضا واکنش های روانی منفعل و یا دفعی از خود بروز می دهند. به عبارتی در شرایط کنونی عدم جهت گیری شاخص رفتار مذهبی، در بخش عمده ای از دانشجویان قابل مشاهده است.

ویژگی مهم تشکل های دانشجویی در این نکته است که برخلاف مرزها و مدیریت های تعریف شده اما غالباً مخدوش، با همگرایی و پذیرش فرهنگ همکاری و نقد (به گونه ای نسبی) و از طریق آموزش مشارکت، به کنش های دانشجویان پاسخگو هستند، و به نحو مستقیم و غیرمستقیم

[صفحه ۱۴۶]

کنش های فرهنگی و عقیدتی ایشان را جهت می بخشند. بنابراین تقویت و باور توانمندیهای این تشکل ها گام مهمی برای حل معضلات موجود خواهد بود، به خصوص که این اجتماعات می توانند وظیفه ی اجرایی را برعهده گرفته و فراغت خاطر مضاعفی برای برنامه ریزان امور فرهنگی - که باید نگاهی به چالش های آینده داشته باشند - فراهم نمایند.

پاره ای از بدیهی ترین راهکارها، سوای مطالبی که در متن مقاله (به ویژه بخش سوم) به آنها اشاره شد، می تواند چنین لحاظ شود:

- پرداختن به اصول و رفع خرده گیری های شایع، ترویج شادابی و طراوت و حس فراغت خاطر و آرامش، و در عین حال جهت گیری به سمت نخبه گرایی و الگوسازی در محیط های دانشجویی؛ چرا که این دو جریان مطلوب جوانان هستند، و دانشجویان در صورت مشاهده ی الگوهای ممتاز و قابل پذیرش - نظیر دیگر فعالیتهای - جذب فرهنگ دینی خواهند شد.

- جهت خنثی کردن تأثیرات محیط ناهمگون خارجی می توان به فعالیت های مرسوم شکل برون گروهی داد، تا ارتباط دانشگاه با حوزه های مختلف اجتماعی احیا شود. بدین ترتیب با آموزش و پژوهش جدی در حوزه های فرهنگ عمومی و دینی، دانشگاه می تواند نقشی تأثیرگذار بر جریانهای خارج از محیط داخلی خود ایفا کند.

- در محیط داخلی دانشگاه، چگونگی برنامه ریزی، امور اجرایی و نحوه ی مشارکت باید حتی الامکان به دانشجویان واگذار شود، و مسئولان به نظارت و مراقبت بسنده نمایند.

منابع

۱- جامعه شناسی دین، ملک همیلتون، ترجمه محسن ثلاثی، اول، ۱۳۷۷، تبیان.

۲- روش تحقیق در علوم اجتماعی، ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود، ترجمه ی: عبدالحسین نیک گهر، سوم، ۱۳۷۷، توتیا.

[صفحه ۱۴۷]

موانع گرایش دانشجویان به نماز

جناب آقای برات حمیدیان

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

[صفحه ۱۴۹]

مقدمه

دنیای امروز، دنیای پیچیده و پرشتاب در تغییر و تحولات است. عصر انفجار اطلاعات، جنگ رسانه ها و تصادم فرهنگ ها از جمله تعابیر مربوط به ویژگی های آن است. انسان موجودی است که علاوه بر اینکه خود تغییرات را به وجود می آورد از لحاظ فکری، منش و شخصیت و فرهنگ نیز تحت تأثیر آن قرار می گیرد. با توجه به ابعاد فطری و مایه وجودی انسان که هم زمینه حق جویی و فضایل انسان و حتی الهی گونه شدن در او بالقوه وجود دارد و هم زمینه گرایش به بدی و رذایل اخلاقی و حیوان صفتی در وجود او نهفته است.

عواملی که رفتار و شخصیت انسان را شکل می دهند، در دو جهت قابل تحلیل می باشند؛ عوامل تأثیرگذار مثبت که مطلوبیت و انطباق بر اهداف آفرینش داشته، مورد تأیید عقل و شرع می باشند، و عوامل تأثیرگذار منفی که در مقابله و تضاد با عینیت یافتن و بالفعل شدن صفات و استعدادهای انسانی اوست. شناخت عوامل مؤثر بر تحقق رفتارهای اعتقادی و عبادی بسیار ضروری است، ولی با شناخت عوامل مؤثر جهت مثبت، نمی توان به توفیق مطلوب آن اطمینان کامل داشت. چون به هر حال انسان در این جهان با عوامل جاذبه ای و دافعه ای روبرو می شود و هر گروه سعی دارند تا رفتار آدمی را در سیطره خود بگیرند.

فریضه مهم نماز با جایگاه رفیعی که در عبادت و تکامل انسان دارد به همان اندازه با موانعی مواجه است که شناخت آن برای همه اقشار اعم از برنامه ریزان مسائل فرهنگی و دینی و هم برای

[صفحه ۱۵۰]

مخاطبین آنها لازم و ضروری است. اهمیت بررسی علمی و دقیق موانع گرایش به نماز از آن رو است که با وجود تلاش های بسیار زیاد در خصوص ترویج و اقامه نماز، میزان پایداری به این فریضه الهی در حد انتظار نیست (علی سادئی ۱۳۷۵)

از طرف دیگر نقش نماز در کنترل و کاهش و پیشگیری از آسیب های فکری و فرهنگی نوجوانان و جوانان و ایجاد سلامت فردی و اجتماعی ایجاب می کند تا با شناخت موانع علاوه بر هموار کردن زمینه تأثیرگذاری عوامل جاذبه ای، کارآیی و اثربخشی فعالیت ها را بالا ببریم و بهره وری داشته باشیم. در این مقاله به کاوش عوامل و موانع گرایش به نماز در میان قشر مهم و سرمایه های عظیم کشور یعنی دانشجویان پرداخته شده است. نظر به نقش کیفیت مواجهه جوانان با مسائل اعتقادی و عبادی در دوره های قبل و کارکرد محیط های تربیتی در گذشته، نقش منفی خانواده و محیط های آموزشی و رسانه ها قبل و ضمن دوره دانشجویی مورد بررسی قرار گرفته است.

نماز عامل قداست بخشی به فرآورده های دانشگاهی

اهمیت دانشگاه به لحاظ نقش های مهمی که در تولید علم و توسعه کشور از طریق تربیت نیروهای متخصص و متفکر برای گرداندن چرخ های حیاتی جامعه ایفا می کند و نیز کارکردهای مهمی که در حرکت های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد، از دیدگاه صاحب نظران و رهبران جامعه، فوق العاده است. نبود یا ضعف در تربیت دینی و اخلاقی که تعهد را با تخصص عجین می نماید و شکوفایی ترقی و عزت و استقلال و آزادگی را به وجود آورده و موجب صیانت از هویت ملی و مذهبی کشور می گردد، کارکردهای دانشگاه را در جهت منفی و تسلط اجانب و غارت سرمایه های مملکت سوق می دهد.

عبادات به ویژه فریضه مهم نماز در ایجاد و تقویت تعهد نقش بسزایی دارد. غفلت از آن و عدم گرایش و پایداری به آن به خصوص در جوامع اسلامی خطرات ناگواری را در پی دارد. حضرت امام (ره) بارها به نقش و تأثیر دانشگاه در سرنوشت کشور اشاره فرموده اند: «اگر دانشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی رفت، و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم و غارت زده تحمیل نمی شد و هرگز پای

مستشاران خارجی به ایران باز نمی شد.^[۸] بنابراین و با امعان نظر قرار دادن نقش و کارکردهای نماز در ابعاد شخصیت انسان به این واقعیت می رسیم که نماز عامل مهم قداست بخشی به فرآورده های دانشگاهی است، چون تعلیم را با تزکیه توأم می سازد و آن وقت برون دادهای نظام دانشگاهی، افراد متخصص با تعهد خواهند بود.

[۸] وصیتنامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره).

دانشجو و پیشینه های مؤثر در تربیت دینی

زندگی جریان مداوم و پیوسته است و هر دوره نیز ویژگی های مخصوص به خود را دارد اما بعضی از مقاطع عمر انسان جنبه پایداری و تمهید مقدمات برای کیفیت بروز ویژگی های دوره بعد را دارا می باشد که بدون گذر موفقیت آمیز از آنها استفاده مناسب و هدفمند از زندگی حاصل نخواهد شد. دوره کودکی یکی از دوره های زندگی است که جنبه مقدماتی و آماده سازی دارد. توجه و به کارگیری همه عوامل مؤثر در تربیت جسمی - عقلانی و روانی زیرساخت مطمئن ایجاد می کند به نحوی که کودک به آسانی و با کمترین مشکل وارد دنیای نوجوانی شود. اگر چه عدم بهره برداری صحیح از هر یک از نقاط جریان زندگی به چگونگی عملکرد مجموعه جریان حرکت در مسیر رشد و تعالی ضربه خواهد زد، لیکن تأثیر همه آن به یک اندازه و میزان نیست، بلکه گذرگاه ها یا نقاط عطفی وجود دارند که اهمیت ویژه دارند. دوره نوجوانی در میان تمام دوره های مربوط به زندگی انسان، شاخص تر، مهم تر و قابل توجه تر است. آنچه بعدها به دست می آید و یا از کف می رود نتیجه توجه و یا بی توجهی به این دوره حساس از زندگی است.^[۹].

بسیاری از جوانان در گذر از پیشینه های یاد شده نارسایی در تربیت دینی را تجربه کرده اند، یعنی اینکه با داشتن محتوای غنی و قوی، آموزه های دینی ما در قالب های ضعیف و ناکارآمد ارائه شده و در نتیجه آگاهی های مذهبی و باورهای دینی سطحی بوده و شناخت مدار و دقیق نیست و یکپارچگی و روابط منطقی ابعاد شناختی و بعد احساس و نگرش را در سازماندهی نظام ارزشی خود به دست نیاورده اند. دانشجو نیز در واقع جوانی است که دوره های حساس و سرنوشت ساز خود را تا قبل از ورود به دانشگاه تحت تأثیر کارکردهای تربیتی خانواده، نهاد آموزشی و رسانه ها و سایر عوامل اجتماعی سپری کرده و نتیجه این تأثیرپذیری در بازسازی و سامان دهی نظام ارزش هایش تبلور می یابد.

امروزه تحولات خانواده صرف نظر از توسعه در ابعاد کارکرد و کیفیت ایفای نقش، آسیب هایی را نیز برای نهاد خانواده دامن زده است: تفاوت در نظام ارزشی والدین و فرزندان، کاهش پابندی اعضای خانواده به ارزش های خانوادگی، کاهش کارکردهای تربیتی، تغییر در مناسبات و دوستی های متعارف به خصوص در بین جوانان و نوجوانان و افزایش ناسازگاری های خانوادگی از جمله مسائل نهاد خانواده است که در زمره عوامل مهم آسیب پذیری فرزندان به خصوص نسل جوان به شمار می روند. (عصاره ۱۳۷۹). تجزیه و تحلیل وضعیت گرایش جوانان به ارزش های مذهبی و کیفیت رفتارهایشان، آنان را از حیث باورمندی و نوسان های روحی و گرایشات در سه دسته معتقدان، جوانان اعتقاد گریز، و جوانان متزلزل قرار داده است (فناپی ۱۳۷۷).

«جوانان معتقد از پیشینه ای با پوشش شناخت مدار مذهبی برخوردارند که همراه با نگرش آگاهانه، اکنون، توانایی تجسم چشم انداز آینده، عوامل شکل گیری انگیزه های فردی و اجتماعی را به صورتی خود انگیزه دارند. درست بینی، درست اندیشی، به کارگیری ابزار درست در راستای هدف گیری، یاری جویی از شناخت اندیشان اجتماعی و خانوادگی از ویژگی های آشکار این گروه است» [۲].

جوانان اعتقاد گریز در برگیرنده ی جوانانی است که به دلیل نابسامانی های موجود در محیط خانوادگی، آموزشی و اجتماعی از یک سو و نبود پرورش و آموزش درست، برخوردار نبودن از دیدگاه های اندیشه ای و شناختی، برخوردار از امکانات مالی و رفاهی مهار نشده، اثرپذیری از تجددگرایی و رفاه زدگی، تهیدستی فرهنگی و شناختی در مقوله های گوناگون، خودشیفتگی ناشی از پوچ گرایی فرهنگ خانواده و گروه همسالان، خودباختگی اعتقادی و اندیشه، پذیرش ضد ارزش های طبقه ای و ناپهنجاری های دیگر، بر گریبان جامعه و خانواده در آویخته اند، اینان همواره در تعلیق فکری، روحی و شخصیتی و رفتاری، بی آنکه ارزش زمان را دریافته باشند، صرفاً رفاه پسندی خویش را معیار سرزنش طبقات اجتماعی جامعه می دانند. [۳].

جوانان متزلزل در طبقه های اجتماعی بالا، متوسط، پایین وجود دارند، صاحب نظران باورمندی مذهبی آنان را نشأت گرفته از شرایط محیط خانه می دانند، اگر چه با برخی از ارزش ها و اخلاقیات و معتقدات آشنایی دارند، اما آگاهی آنان معرفت نظام یافته نیست، بلکه نقل قول ها، قصه ها و گفته های

خانگی است که با خرافات عجین شده و در رویارویی با عوامل پیرامونی و جریانات فکری و تحلیل های شخصیت هایی داشته باشند و آن را کاری بیهوده و بی نتیجه و ناسازگار با پیامدهای علمی او بدانند، بی گمان آثار نامطلوبی در روحیه جوان بر جای می گذارد که سنجه ای برای ایستادگی دوباره در برابر ارزش ها خواهد بود.

ب: ناسازگاری های گفتار و کردار: وجود حالت دوگانگی اندیشیدن به دلیل پیدایش دگرگونی های ذهنی در جوان، همزمان، رویارویی با تناقض ها و تضادهای گفتاری والدین موجب گسستن رشته های وابستگی اعتقادی می شود. بسیاری از بزرگسالان این گونه خانواده ها، خود نیز دچار فرافکنی رفتاری از راه توجیه و بکارگیری آن به عنوان ابزار گریز از آگاهی های سطحی و علم زدگی می شوند. در این حالت ابزار توجیه، به عاملی سیستماتیک برای توسل به اصالت عقل، اصالت انسان، بی نیازی ذات باری تعالی، بی خبری از آن جهان، خودگریزی، شیوه برخورد با تعارف ها و ناسازی ها و سرانجام، خودفتوایی تبدیل می شود.» [۴]

[۱] ماهنامه تربیت، آذر ماه ۷۸، صفحه ۲۵.

[۲] نماز و زندگی (مقالات برگزیده اجلاس هشتم)، صفحه ۱۷۱.

[۳] همان، صفحه ۱۷۲.

[۴] همان، صفحه ۱۷۵.

نقش بازدارندگی مبلغان امور دینی

مبلغان امور دینی که در اینجا روحانیت، نهادهای ارشادی و معلمان تربیت دینی مورد نظر است، به دلایل زیر در ارتباط با گرایش جوانان به ارزش های مذهبی و نماز، نقش منفی ایفا می کنند.

۱- استفاده از روش های سنتی و عدم کاربرد روش و فلسفه تبلیغاتی متناسب با توقعات و انتظارات و توانمندی های جوان.

۲- ارزش های پیش بینی نشده در جوان را نادیده می گیرند یا اینکه نمی شناسند.

۳- به اهمیت و کارکرد و تأثیرات دنیوی عبادات به ویژه نماز کمتر توجه کرده و بیشتر جنبه های آخرتی آن را مطرح می کنند.

۴- تضاد گفتاری و کرداری آنان باعث بدبینی و دلزدگی جوانان نسبت به امور دینی می شود.

۵- علم زدگی و روشنفکرگرایی آنان؛ «به طوری که ممکن است کسانی به عنوان اسلام شناس، دین شناس، روحانی مذهبی، خود را کارشناس دین و اسلام بدانند، اما با آنکه روح مذهب و دین پدیده ای فطری است، آنان

افرادی فطرت گرا نباشند، بلکه نوعی طبیعت گرا که برای برتری جویی و ایجاد تردید و مخدوش کردن احکام و اصول اسلام، سنگری بهتر از دین نیافته باشند. دریغا که

[صفحه ۱۵۴]

جوانان بسیاری بدون پژوهش و آگاهی، از آبشخور آنان سیر می شوند، و بدون مطالعه پذیرای قلم و بیان آنان هستند. دکتر سنگری در مقاله ای تحت عنوان عوامل مؤثر در گرایش جوانان به نماز که در هشتمین اجلاس سراسری نماز (۱۳۷۷) ارائه داد، عایق ها و بازدارنده های نماز را در هفت مورد زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است:

- ۱- زمینه های نامناسب تکوین و تشکل ساختار اولیه وجود.
 - ۲- فضا و موقعیت (محیط) تربیت فرد در خانواده.
 - ۳- فضا و موقعیت نامناسب اجتماعی (دوستان، رسانه ها، محیط های آموزشی و کلیت جامعه)
 - ۴- تعارض میان بود و نبود دعوت کنندگان به نماز
 - ۵- شیوه های نامناسب دعوت به نماز
 - ۶- نارسایی امکانات یا بازدارندگی امکانات و فضاهای برپایی نماز
 - ۷- فقدان استمرار و برنامه ریزی دراز مدت در باب نماز.
- «در آموزش و گرایش نوجوانان و جوانان به نماز سه عنصر اصلی خانه، محیط آموزشی و رسانه نقش اساسی و محوری دارند. عناصر و عوامل تأثیرگذار در محیط خانه و آموزشگاه و جامعه در القای یک ارزش معنوی و رسانیدن پیام و بیان روح نماز، اگر عملاً یکدیگر را نفی کنند و یا در برنامه ها و اظهارنظر مطالب، هر کدام راه و هدف دیگری را ببینند، در ذهن جوان تناقض به وجود می آورند و پیام منجر به ایجاد انگیزه، شوق، اراده و عمل نمی شود» [۱] موانع و عوامل گرایش جوانان به نماز در مرحله اول به کیفیت زیرساخت های فکری و تربیتی مربوط می شود که از طریق کارکرد نهاد خانواده، مدرسه، رسانه ها و اجتماع در دوره های کودکی و نوجوانی و جوانی (دوره دبیرستان) در احساس اندیشه و عمل افراد شکل گرفته است. پژوهش ها نشان می دهد نداشتن انگیزه قوی از مهمترین موانع اساسی در دانش آموزان دوره متوسطه در بازدارندگی از نماز می باشد و فقدان و کم بودن انگیزه ناشی از این است که مسأله نماز برای این عده توأم با یک نوع احساس خوشایند نبوده و نماز به صورت یک

رفتار خشک و بی روح در نظر آنان جلوه نموده است. هم چنین عادت نداشتن به انجام رفتار نماز از دوران کودکی و ندانستن فلسفه و اسرار نماز از دیگر موانع مهم در کاهش رفتار نماز در بین نوجوانان و جوانان می باشد. (علی سادئی ۱۳۷۵)

[صفحه ۱۵۵]

[۱] همان، صفحه ۱۵۱ (عوامل گرایش نوجوانان و جوانان به نماز- مقاله)، حجت الاسلام و المسلمین رضا فرهادیان).

دانشجو و موانع گرایش به نماز

هم چنان که در بالا گفته شد، شکل گیری و تبلور نوع باورمندی در جوانان تا حد زیادی به کیفیت کارکرد نهاد خانواده، مدرسه و اجتماع و رسانه ها (به خصوص در زمینه تربیت دینی) در دوره های کودکی، نوجوانی و سنین دبیرستان دارد. از دیدگاه سیستمی اگر به موضوع نگریسته شود (که لازم است این چنین باشد) در دوره های یاد شده نسبت به تعلیم آموزه های دینی، شیوه های نامناسب باعث شده تا در پرورش احساس مذهبی و درونی شدن ارزش ها موفقیت چندانی نداشته باشیم. بسیاری از دانش آموزان دبیرستان درس های قرآن و بینش را با نمره خوبی گذرانده اند، اما رفتار و عمل مذهبی آنها ضعیف است. این واقعیت نشان از نبود موفقیت مطلوب در تغییر نگرش، بینش و درونی شدن ارزش ها دارد. ریشه این نابسامانی را باید در عدم بکارگیری روش های نو و جذاب و تکیه بر روش های سنتی و ناکارآمد و مبتنی بر حفظیات و رفع تکلیف آموزشگاهی و وجه قرار دادن درصد قبولی به جای توجه بیشتر به تربیت دینی و اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان، اجباری بودن نماز در مدارس به جای عرضه مناسب و دلپذیر کردن این فریضه الهی، و ضعف و ناهماهنگی و عدم مشارکت عوامل درون مدرسه ای در تبلیغ و ارائه فرهنگ نماز، جستجو کرد.

اینکه در دوره نوجوانی و جوانی گفته شد فرد از کودکی کنده شده و پیوند با جوانی و بزرگسالی دارد و همه پذیرفته های دوران کودکی به ویژه مسائل مذهب را زیر پرسش می برد و می خواهد با توجه به شخصیت شکل پذیر و استدلال جو، نظامی از ارزش ها درباره دین، حقیقت، زیبایی و قدرت به دست آورد، به این معنی نیست که پیشینه، نادیده انگاشته شود. بلکه ماهیت تغییرات و ابعاد گوناگون آن انقلاب درونی در فرد ایجاد می کند که بازسازی و

نوسازی نظام فکری باید صورت بگیرد. در این فرایند، پیشینه شناخت ها و تربیت فرد، در مورد او برای ساخت درست این نظام تأثیر بسزایی دارد. (فنائی ۱۳۷۷)

بنابراین برای درک واقع بینانه تر از موانع گرایش دانشجویان به نماز علاوه بر توجه به پیشینه ی موقعیت های او در خانه، محیط مدرسه و اجتماع و رسانه ها، باید میزان به کارگیری عوامل مؤثر در گرایش و تقویت باورهای دینی را نیز مورد نظر قرار داد.

[صفحه ۱۵۶]

جوان و موقعیت های نامناسب خانواده

شرایط و موقعیت نامناسب خانوادگی که نقش بازدارندگی در ارتباط با ارزش های مذهبی به خصوص گرایش و پایبندی به نماز ایفا می کنند. بنا به خصوصیات هر دوره شدت تأثیرات متفاوت در پی دارند. البته طول مدت این تأثیرات ممکن است تمام دوره زندگی افراد را در بر بگیرد. به هر حال سه موقعیت و شرایط نامناسب که نوجوان و جوان را در باورمندی صحیح و داشتن نظام ارزشی و فلسفه زندگی با مشکلات و مخاطره هایی مواجه می سازند عبارتند از:

۱- رفاه زدگی و تجدد

۲- ناسازی های گفتاری و کردار بزرگسالان

۳- خود فتوایی بزرگان خانواده (ابوطالب فنائی ۱۳۷۷)

رفاه زدگی گسترده و نامحدود، برخورداری از امکانات ناساز با ارزش های اعتقادی، روشنفکرزدگی بی محتوا از شرایط و وضعیت های پیرامونی، علم زدگی موجود در محیط خانواده، به ویژه از سوی پدر و مادر، موجب القای کنش های انفعالی یا ناساز در اندیشه، روحیه و تصمیم جوان می شود. مهمتر آنکه اگر پدر و مادر در برابر فریضه نماز، بی تفاوتی یا سوگیری داشته باشند.

نمودههایی دیگر از موانع گرایش به نماز

پژوهش های انجام شده در راستای علل و موانع گرایش به نماز حاکی از آن است که در بعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بازدارنده هایی وجود دارد؛ از جمله فراوانی رفتارها و حرکات زنده غیراسلامی در جامعه، تضاد گفتاری

و کرداری برخی از مسئولین با وجود تظاهر به نمازخوانی، پیدا شدن فاصله بین جوانان و نماز در اثر معاشرت با دوستان ناباب و بی تفاوتی والدین، در هم شدن تهاجم فرهنگی با رشد نیافتگی فرهنگ نماز، کم بها دادن به افکار و اعتقادات جوان، تبلیغات کم جامعه نسبت به نماز، عدم استفاده صحیح از ویدئو، مسائل اقتصادی از جمله تورم و بیکاری و درآمد کم خانواده و گرایش آنها به تفکر در مادیات برای رفع نیازهای جوانان خود.[۱].

مسأله بیکاری و نیز به تأخیر افتادن ازدواج، زمینه ساز گرایش جوانان به جاذبه های کاذب خواهد بود و این جریان ایستادگی و رویارویی او را در برابر دین تقویت خواهد کرد. مسائل یاد شده و نیز بد معرفی کردن دین و دستورهای آن باعث می شود تا جوان، دین را در نقطه مقابل خواسته ها و

[صفحه ۱۵۷]

دلبستگی های خود بشناسد و این جاست که حالت رویگردانی از این فریضه انسان ساز در او فراهم می گردد. مکان و فضای نماز و مساجد اگر جذابیت نداشته باشند، باعث رویگردانی از نماز می شوند. یکی از عوامل مهم بازدارندگی و عدم گرایش جوانان به نماز موضوع معرفت نسبت به نماز است؛ عدم شناخت درست مبتنی بر عقل و شرع پیرامون اهمیت نماز و فواید دنیوی و اخروی این فریضه الهی، انگیزه مناسبی ایجاد نمی کند و در نتیجه رویگردانی از نماز تقویت می گردد. نداشتن برداشت درست و واضح از ابعاد نماز که از مصداق های معرفت به نماز است، شوق وصل به نماز را از بین می برد.

[۱] نماز و نوسازی معنوی- (مجموعه سخنرانی های اجلاس نماز)- صفحه ۲۰۷.

جمع بندی و نتیجه گیری

موانع و عوامل بازدارندگی از نماز در جوانان از مقوله های مهم است که شناخت و تجزیه و تحلیل آن در برنامه ریزی ها و فرآیند تربیت دینی کمک مؤثر می نماید. واکاوی در بیانات صاحب نظران و نیز پژوهش های انجام شده پیرامون علل و عوامل مؤثر در گرایش جوانان به نماز، نشان می دهد که اگر موضوع عوامل عدم گرایش و پابندی جوانان، به خصوص دانشجویان را به صورت واقع بینانه تر درک کنیم، باید با دید سیستمی به بررسی آن پرداخته شود. بخش مهمی از عوامل و موانع گرایش جوانان به نماز، به کیفیت پیشینه تربیتی و به خصوص در بعد تربیت دینی مربوط می شود.

ارتباط جریان زندگی با هم و نیز مهم و شاخص بودن برخی از دوره های زندگی مثل نوجوانی و جوانی و باز اهمیت داشتن دوره کودکی از لحاظ زیرساخت تربیتی از یک طرف و میزان و کیفیت ایفای نقش عوامل خانواده، آموزشگاه و اجتماع از طرف دیگر، باعث شده تا در تحلیل چرایی بی نمازی در عده زیادی از جوانان، صاحب نظران وضعیت شکل گیری باورمندی جوانان را در گذشته و کارکرد نهاد خانواده و مدرسه و اجتماع را در دو سطح و مقطع مورد بررسی قرار دهند.

۱- دوره های مربوط به سنین ۱۸ سال

۲- سنین ۱۹ سال به بعد که آموزش ها در سطح عالی شروع می شود.

تحلیل عوامل خانوادگی نشان می دهد کارکرد تربیتی خانواده به دلیل تحولات گوناگون مناسب نیست، بنابراین در دوره کودکی، زیرساخت تربیت دینی که مبتنی بر پرورش احساس مذهبی می باشد، آن طور که بایسته است تبلور ندارد. موقعیت های نامناسب محیط آموزشی در دوره نوجوانی

[صفحه ۱۵۸]

که مرحله شاخص و مهم و تأثیرگذار در کیفیت شخصیت فرد در دوره های بعدی است، در مرحله اول نقش بازدارندگی خود را از طریق عدم ایجاد باورمندی شناخت مدارانه به خصوص در مسأله خدانشناسی و معاد بر جای می گذارد. نبود وحدت رویه عوامل درون مدرسه ای در تربیت و تضادهای رفتاری و گفتاری به ناموفقیت ها و ناکارآمدی آموزه های دینی منجر می گردد.

در مرحله بعد کم توجهی به عدم بکارگیری عوامل جذبی به تقویت تأثیرگذاری عوامل منفی کمک می کند. تقسیم بندی جوانان از حیث باورمندی به معتقدان، متزلزلان و اعتقادگريزان در واقع نشان از همین واقعیت است. وقتی فرد با پیشینه تربیتی نامناسب به مرحله ای از زندگی (دوره جوانی) می رسد که بحران های مختلف او را احاطه کرده است و از طرف دیگر رفاه زدگی و تجددگرایی غیرمعتولانه و علم زدگی و روشنفکری منفی فضای فرهنگی نامطلوبی را برای جوان ترسیم می کند، او که در حال بازسازی نظام ارزشی خود است، در گزینش بنیان های فکری صحیح دچار لغزش می شود و سرانجام حالت رویگردانی از فرائض مهم دین مثل نماز در او نمود رفتاری پیدا می کند. نبود معرفت عمیق در اندوخته های دانشجویان در خصوص رمز و رازها و فلسفه و آثار نماز، لذا یذ دنیوی را

بیش از حد در نظر آنان جلوه داده و چون بر اثر نبود بینش قوی، نماز را متناقض با خواسته های خود می داند آن وقت حالت عدم گرایش به نماز در او شدت بیشتری می گیرد.

شیوه های ناکارآمد در تبلیغ و ارائه فرهنگ نماز، از جمله خشک اندیشی ناآگاهانه و توجیه کننده هدف به ویژه در مورد نماز، باز پس زدن احساس و خواست جوان، نادیده گرفتن راه کارها و رهنمودهای تعیین شده، جایگزین کردن خواست و سلیقه های شخصی به جای آنها و سخت گیری های بی مورد، نمونه هایی از شیوه های نادرست در ارائه فرهنگ دین می باشد.

پیشنهادهای

۱- برای ایجاد زمینه گرایش جوانان به نماز، ضرورت دارد، که همواره علاوه بر شناسایی عوامل جاذب و تأثیرگذار مثبت، باید عوامل منفی و بازدارنده نیز به خوبی مورد شناسایی قرار گیرند.

۲- تقویت و کاربرد عوامل جذبی:

۱ / ۲: تربیت همه جانبه شخصیت نوجوانان و جوانان.

۲ / ۲: همسانی و یکسانی گفتار و کردار به ویژه در مورد پدر و مادر و مربی، بطوری که جوان با تعارض

[صفحه ۱۵۹]

و ناسازی رفتار و گفتار آنان روبرو نشود.

۳ / ۲: راه اندازی گام به گام به جای واردسازی ناگهانی و اجباری از راه ارائه شناخت تدریجی به نوجوان و جوان و ارائه رفتار و کردار همگن با راهکارهای پیشنهادی.

۴ / ۲: آسان گیری بایسته فریضه، بر مبنای اصول، مکتب و قرآن کریم و خودداری از سختگیری و تحمیل ویژگی های جانبی فریضه در مراحل آغازین پذیرش جوان.

۳- در کنار کاربرد و تقویت عوامل جذبی، کاهش عوامل دفعی.

۱ / ۳: کنترل عوامل فشار بر جسم و ذهن و اندیشه و روان جوان، خواه فشار محیط خانواده یا اجتماعی و آموزشی به گونه ای که نوع شیوه و پشتیبانی کاهش فشار را احساس کند.

۲ / ۳: نبود شیوه مناسب راهبردی و هدایت شده در محیط های آموزشی در مورد آموزش های دینی درست و متناسب با جوان.

۳ / ۳: به اجبار با نماز روبرو کردن و تحکم آمیز دعوت کردن جوان به نماز.

۴ / ۳: برخوردهای خشن و گاه قهرآمیز والدین و دستورهای تحکمی او که ناشی از ناآگاهی یا خشک اندیشی است.

۵ / ۳: نبود جاذبه در مکان ها و فضاهای نماز.

۴- نگاه مسئولانه و آگاهانه مبتنی بر دید سیستمی در افراد تقویت شود و همگان بر این اندیشه باشند که جزیی از یک سیستم بزرگ هستند و عدم ایفای نقش صحیح آنها باعث ناکارآمدی فعالیت های دیگران خواهد شد.

۵- آشنا کردن معلمان و مدیران و سایر دست اندرکاران تعلیم و تربیت با یافته ها و نتایج تحقیقات و مطالعات مربوط به حوزه دین و به خصوص نماز و پی گیری و تأکید بر کاربرد آنها در ارتباط با تربیت دینی دانش آموزان.

۶- توجه دادن خانواده ها به آسیب های ناشی از تحولات و دگرگونی در کارکردهای نهاد خانواده و تأثیرات مخرب آن بر آینده فرزندان.

۷- طرح مباحث دین و زندگی در نشریات و رسانه ها، به خصوص صدا و سیما که در آن با شیوه های علمی و متکی بر مسائل و نیازهای روزنه فقط از طریق روحانیت بلکه از طریق اساتید در رشته های مختلف صورت بگیرد.

۸- رسیدگی به مسائل و مشکلات آموزشی و تربیتی و نظام تعلیم و تربیت عمومی و تلاش برای

[صفحه ۱۶۰]

بکارگیری روش های نو و جذاب که مبتنی بر اندیشه مداری و ایجاد شناخت عمیق باشد و پرورش احساس مذهبی و درونی شدن ارزش ها را در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی تسهیل نماید.

۹- حل معضلات اجتماعی که تأثیر منفی در کیفیت شخصیت جوانان دارد، بخصوص مسأله بیکاری و ازدواج.

۱۰- تقویت معرفت و شناخت جوانان و دانشجویان نسبت به عبادت و نماز و انس با خداوند.

با امید به اینکه خداوند ما را از اقامه کنندگان نماز قرار دهد.

[صفحه ۱۶۱]

بررسی و تحلیل جایگاه نماز در میان دانشگاهیان

جناب آقای علی خشنود مقدم

کارشناس الهیات

جناب آقای محمدتقی جعفری

کارشناس ریاضی

[صفحه ۱۶۳]

ضرورت و اهمیت تحقیق

مقاله حاضر بر اساس پژوهشی تحت عنوان «بررسی و تحلیل جایگاه نماز در میان دانشگاهیان» بعمل آمده است. اهداف کلی تحقیق در جهت تقویت فرهنگ نماز و حفظ جوانان از تهاجم فرهنگی غرب و پر کردن بخشی از خلاء مطالعاتی در موضوع مورد بررسی و ارائه یافته های جدید، بررسی جایگاه نماز در میان دانشگاهیان و تعیین راهبردهای مناسب جهت توسعه و گسترش فرهنگ نماز است.

توجه خاص مقام معظم رهبری به توسعه طرح اقامه نماز در دانشگاه ها در میان دانشجویان و تأکیدی که معظم له در این زمینه فرموده اند (به عنوان یکی از شایسته ترین و ضروری ترین کارهایی که باید در نظام جمهوری اسلامی صورت بگیرد)، بر پا داشتن این فریضه ی الهی است که نخستین ثمره و نشانه حکومت صالحان است.

استقبال دانشجویان از پژوهش حاضر، نشان دهنده ی توجه و اهتمام این قشر به فریضه نماز است. طرح هایی تحقیقاتی و پژوهشی با موضوع نماز در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی بندرت به اجرا گذاشته شده است و اگر هم در محدوده مراکزی به این مهم توجه شده است، از پشتوانه علمی و آماری قابل توجهی برخوردار نبوده است.

[صفحه ۱۶۴]

برای بررسی و تحلیل جایگاه نماز در میان دانشگاهیان و ارائه راهکارهای علمی برای گسترش فرهنگ نماز انجام تحقیقات میدانی در سطح دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی و فرهنگی ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

اهداف تحقیق

- ۱- دستیابی به میزان توجه و گرایش دانشجویان به اصل نماز.
- ۲- دستیابی به میزان توجه و پایبندی دانشجویان در انجام فریضه نماز.
- ۳- دستیابی به عوامل تأثیرگذار در گرایش دانشجویان به نماز.
- ۴- دستیابی به متغیرهایی در نظام آموزشی دانشگاه و عوامل درونی دانشگاه که در تشویق یا بازدارندگی دانشجویان نسبت به انجام فریضه نماز می تواند مؤثر باشند.

روش پژوهش

روش پژوهش میدانی و از طریق روش نمونه گیری تصادفی انجام می گیرد. جامعه آماری از دانشجویان دختر و پسر در مقطع کارشناسی دانشگاه تربیت معلم حصارک بودند که به عنوان آزمودنی های پژوهشی انتخاب شدند و به پرسشنامه هایی که به ایشان ارائه گردید، جواب دادند.

شیوه ی تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون های فراوانی، درصد استفاده شده و برای هر سؤال پژوهشی جدول فراوانی و درصد فراوانی تنظیم شده است که به شرح زیر می باشد:

۱- آیا نماز می خوانید؟

گزینه --- فراوانی --- درصد فراوانی

الف --- ۱۵۵ --- ۷۷ / ۵

ب --- ۱۵ --- ۷ / ۵

ج --- ۳۰ --- ۱۵

[صفحه ۱۶۵]

۲- انگیزه شما از خواندن نماز چیست؟

گزینه --- فراوانی --- درصد فراوانی

الف --- ۵۵ --- ۵ / ۲۷

ب --- ۹۷ --- ۵ / ۴۸

ج --- ۲۴ --- ۱۲

د --- ۲۴ --- ۱۲

۳- آیا به خواندن نماز اول وقت پایبند هستید؟

گزینه --- فراوانی --- درصد فراوانی

الف --- ۵۸ --- ۲۹

ب --- ۴۰ --- ۲۰

ج --- ۹۸ --- ۴۹

۴- چند درصد از نمازهای صبح شما قضا می شود؟

گزینه --- فراوانی --- درصد فراوانی

الف --- ۲۷ --- ۵ / ۱۳

ب --- ۴۸ --- ۲۴

ج --- ۲۶ --- ۱۳

د --- ۶۰ --- ۳۰

ه --- ۳۹ --- ۵ / ۱۹

[صفحه ۱۶۶]

۵- آیا در نماز جماعت شرکت می کنید؟

گزینه --- فراوانی --- درصد فراوانی

الف --- ۳۶ --- ۱۸

ب --- ۶۵ --- ۵ / ۳۲

ج --- ۹۵ --- ۵ / ۴۷

۶- علت عدم شرکت دانشجویان در نماز جماعت چیست؟

گزینه --- فراوانی --- درصد فراوانی

الف --- ۵۷ --- ۲۸ / ۵

ب --- ۱۹ --- ۹ / ۵

ج --- ۳۵ --- ۱۷ / ۵

د --- ۸۵ --- ۴۲ / ۵

۷- تا چه اندازه با احکام نماز آشنا هستید؟

گزینه --- فراوانی --- درصد فراوانی

الف --- ۴۱ --- ۲۰ / ۵

ب --- ۲۳ --- ۱۱ / ۵

ج --- ۱۳۴ --- ۶۷

[صفحه ۱۶۷]

۸- آیا تبلیغات در بروشورها و مقاله ها راجع به نماز در دانشگاه تأثیری در اهمیت دادن شما به این فرضیه مهم داشته است؟

گزینه --- فراوانی --- درصد فراوانی

الف --- ۵۱ --- ۲۵ / ۵

ب --- ۱۸ --- ۹

ج --- ۷۱ --- ۳۵ / ۵

د --- ۵۸ --- ۲۹

یافته های پژوهش

با توجه به نتایج حاصله، در مجموع نگرش دانشجویان به «اصل نماز» مثبت و بیش از حد متوسط است. اما مهمترین عوامل مؤثر در عدم گرایش بعضی از دانشجویان به نماز به ترتیب عبارتند از:

نداشتن انگیزه قوی برای خواندن نماز. عادت نداشتن به نماز از دوران نوجوانی. ندانستن فلسفه نماز. ترجیح دادن تفریح و ورزش و برنامه های تلویزیونی (به علت جاذبه بیشتر). حل نشدن بعضی از مسأله های اعتقادی مانند توحید، معاد و... رفتار نامعقول بعضی از گروه ها و تشکل ها. تضاد فرهنگی موجود در دانشگاه با توجه به غیر بومی بودن دانشجویان. عدم برنامه ریزی صحیح در ارتباط با نماز. ناآشنایی به نیازهای خود. اوضاع سیاسی کشور. اوضاع مدیریتی دانشگاه. عدم مقبولیت امام جماعت در بین دانشجویان.

دیدگاه های دانشجویان در مورد نحوه برگزاری نماز در دانشگاه

- ۱- دعوت از شخصیت های مذهبی - علمی و رفع اشکالات دینی دانشجویان.
- ۲- برگزاری مراسم هایی که در آن دانشجویان نیز بطور مستقیم یا غیرمستقیم فعال باشند.
- ۳- نماز در خوابگاه ها بیشتر مورد استقبال قرار می گیرد.
- ۴- برپایی مسابقه بعد از نماز و اهداء جوایز به برندگان سؤالاتی از احکام نماز، روزه و غیره، تا هم دانشجویان با جواب ها آشنا شوند و هم تشویقی برای سایر دانشجویان باشد. دعوت از مداحان معروف که بعد از نماز مداحی کنند، دادن برگه هایی به دانشجویان که حاوی سخنانی از ائمه در مورد نماز

[صفحه ۱۶۸]

باشد، هفته ای یک بار نماز جماعت (یا چند روز در هفته) در سالن خوابگاه ها برگزار گردد در این صورت دانشجویان تمایل بیشتری برای شرکت در نماز جماعت خواهند داشت.

- ۵- چون اطاعت خدا و شکر و سجده کردن در برابر او در ذات و روح هر انسانی نهفته است اگر افرادی را می بینیم که این خصلت از آنها دور شده است باید با آگاه کردن و آشنایی روحیه ی ایشان به اصل و فطرت خویش، آنان را به سوی این امر سوق دهیم و این کار هم باید از سوی دین شناسان واقعی صورت گیرد.

۶- طولانی نکردن نماز

- ۷- امکانات را در اختیار افراد خاصی قرار ندهند تا موجب جدایی آنان با سایرین نگردد.

۸- به نظر من با دلیل و منطق، بچه ها را به سوی نماز فرا بخوانند نه اینکه یک تقلید باشد چنانکه خداوند در قرآن می فرماید که پذیرفتن دین من از طریق تقلید نباشد. کلا اسلام و فرایض دینی و امامان را با دلایل روشن به

دانشجویان بشناسانند نه بر اساس یک سری داستان ها که گاهی دروغین و پر از اغراق است. چیزی که با دلیل عقلی فهمانده شود ثبات بهتری دارد تا تقلید.

۹- انسان که از لحاظ جسمی و جنسی ارضاء نشود آیا با زور می توان نماز را به او القا کرد، لذا باید ابتدا نیازهای اولیه او برآورده شود تا فرد با فراغ بال و به دور از هر گونه دغدغه خاطر به نیایش بپردازد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: نزدیک است که فقر به کفر تبدیل شود. چرا به دنبال عوامل فرهنگی و اجتماعی خارج از دانشگاه و در سطح کلی اجتماع نمی روید ریشه ها و علل اصلی را جستجو نمی کنید آیا فقط مسائل به دانشگاه منحصر می شود.

۱۰- چشمه باید خودش جوشش داشته باشد و این امر باید از کودکی و در خانواده ها و ثانیاً در دوران تحصیلات قبل از دانشگاه برای فرد جا بیفتد و در دانشگاه خیلی کم می توان از طریق اقدامات سازمان یافته، موفق شد، دوستان فرد در گرایشات مذهبی هر فرد نقش بسیار مهمی دارند.

۱۱- ما در درجه اول باید علت عدم استقبال جوانان در نماز جماعت را جستجو کنیم و بفهمیم چرا در مساجد و مصلاها افراد مسن و افراد خاص بسر می برند و زیاد از جوانان خبری نیست؛ در نتیجه باید به میان جوانان رفت و انگیزه آنان را از نرفتن به این مکان مقدس جستجو کرد.

۱۲- بهتر است نمازهای جماعت و سایر فعالیت هایی که در مسجد صورت می گیرد، به دور از

[صفحه ۱۶۹]

جبهه گیری های سیاسی باشد. البته این بدین معنا نیست که این مسائل مطرح نشود؛ بلکه بهتر است بیطرف به این مسائل نگریسته شود.

۱۳- باید دانشجویان را با مزایای نماز جماعت آشنا کرد و همچنین در سخنرانی ها نباید حرف های تکراری زده شود و حرف هایی زده شود که به درد افراد بخورد.

۱۴- به طور کلی نماز جماعت باشکوه برگزار شود و بهتر است که صدای اذان را حداقل در محوطه دانشگاه پخش کنند زیرا به انسان آرامش روحی خاصی می دهد و باعث جذب بیشتر دانشجویان به مسجد و نماز جماعت می شود.

۱۵- بر پا کردن نماز جماعت در فضای باز، و به همراه اساتید و کارکنان بلندپایه دانشگاه.

۱۶- برگزاری سمینارهای متعدد مذهبی و سیاسی در داخل مساجد با حضور شخصیت های برجسته کشوری و لشکری که در اثنای آن به اهمیت نماز و اجرای آن تأکید شود.

۱۷- محیط مسجد را برای اظهارنظر و عقاید دانشجویان باز کنند و دانشجویان بتوانند بدون رعب و وحشت آزادانه نظرات خود را بیان کنند.

۱۸- سخنرانی ها و مطالبی که در فواصل نماز بیان می شود سعی شود تا آنجا که مقدور است فقط صرف مباحث مذهبی نگردد. راجع به مسائل دیگر که بیشتر مورد علاقه جوانان است چون (سیاست، مسائل اجتماعی و...) صحبت شود.

۱۹- از مسجد استفاده جناحی نشود، سخنرانی ها بعد از اقامه نماز باشد تا کسانی که وقت کمتری دارند بتوانند مسجد را ترک کنند. به هیچ عنوان در وقت نماز کلاسی تشکیل نشود، اذان و قرآن از بلندگوهای مسجد پخش شود، در کلاس های معارف (گروه معارف)، بیشتر در مورد نماز و اهمیت آن و عواقب آن در دنیا و آخرت صحبت شود.

۲۰- سخنرانی مکرر در مورد اهمیت این فریضه مهم همچنین، برگزاری نمایشگاه هایی در زمینه ی کتاب هایی که مربوط به نماز است، مفید می باشد.

۲۱- به نظر من تبلیغات اساسی و جدی خیلی می تواند مؤثر باشد و اصولا باید روی اعتقادات افراد کار شود.

۲۲- به نظر من انسان وقتی خود به این فریضه اهمیت دهد و به پاداش اخروی و سعادت ابدی آن

[صفحه ۱۷۰]

فکر کند می فهمد که هیچ نیازی به تشویق یا هر اقدام دیگر نیست. برای برانگیختن او برای برپایی نماز ممکن است گاهی این موارد مؤثر باشد.

۲۳- دانشجویانی را که در نماز جماعت شرکت می کنند تشویق کنند با بردن به اردوی اماکن مقدس و اینکه در فواصل نماز روحانیون از مشکلات دانشجویان و چگونگی بر طرف کردن آن صحبت کنند. البته با تمام این کارها باز شرکت در نماز جماعت بستگی به عقیده ی خود دانشجویان دارد و بعضی ها از اول در این مراسم باشکوه شرکت می کنند اما بعضی دیگر امکان دارد اصلا در نماز جماعت شرکت نکنند و هیچ اهمیتی برای آن قائل نشوند و بعد از نماز جماعت مسابقه حفظ و قرائت قرآن را برپا دارند تا کسانی که به این موضوع علاقه دارند نیز شرکت کنند و همچنین آموزش روخوانی و قرائت قرآن و نماز را در مسجد انجام دهند.

۲۴- هر کسی باید خودش فضیلت نماز را درک کند وگرنه تبلیغات زیاد اثری در این مورد ندارد.

۲۵- برپایی مجالس جشن تولد ائمه در مساجد و گفتن اذان در هر سه وعده ی نماز.

۲۶- استفاده از اشخاص روحانی که دارای جاذبه و کشش می باشند و با سخنان خود دانشجویان را به انجام فرائض دینی تشویق می کنند. کوتاهتر کردن و پرمحتوا کردن سخنرانی های مذهبی، تبلیغات مستمر از طرف نهادهای مسؤول.

۲۷- اگر هر روز مسؤول برگزاری نماز جماعت را به یک رشته و به ورودی های یک سال اختصاص دهند دانشجویان تمایل بیشتری برای شرکت در نماز جماعت پیدا می کنند.

۲۸- در مورد فردی که می تواند امام جماعت باشد (پیر و جوان فرقی ندارد) اصل این است که آن فضای معنوی را در جوانان بارور و زنده کند، جوانان مؤمن را باور داشته باشند، واقع گرا، منطقی، مؤمن، فرد با معلومات و باسواد جوان پسند باشد و بالفور تحت تأثیر جریان ها و سخن چینی های دوست و دشمن قرار نگیرد؛ بلکه با آگاهی و درایت مسأله را حل و تدبیر کند و از مسائل سیاسی زمان خود اطلاع داشته باشد.

در پایان از همه دانشجویان و اساتید و عزیزانی که دست یاری به ما دادند تا این کار فرهنگی با موضوع نماز به نتیجه برسد کمال تشکر و امتنان را داریم.

والسلام

نقش و کارکردهای نماز در جنبش های اصلاح اجتماعی

جناب آقای اکبر دویی

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

[صفحه ۱۷۳]

مقدمه

نظام جمهوری اسلامی بر پایه های اسلام بنا شده است و گرچه بطور مطلوب شئون آن اسلامی نیست ولی در جهت پیاده نمودن اسلام به طور کامل و زمینه سازی بروز جامعه مطلوب اسلامی همواره در حرکت است. یکی از آفات بزرگی که نظام جمهوری اسلامی را تهدید می کند درجا زدن و روزمرگی است که فساد می آورد لذا حرکت اصلاحی رو به جلو لازمه این نظام است.

امروز که نوای دلنشین اصلاحات جای جای کشور را عطرآگین نموده است لازم است که این حرکت را بطور اصولی و بر اساس موازین اسلامی (که روح فرهنگ ماست) دنبال نمائیم که خدای ناکرده شیرینی آن به تلخی مبدل نشود. در این مسیر لازم است تا طی بازشناسی نظام تئوریک مورد نظر در اصلاحات از منظر اسلام، نظام عملیاتی متناسب با آن را نیز طراحی نموده و در مجموع راهبرد اصطلاحات را در مسیر اهداف انقلاب اسلامی با سرعت بیشتری پیش ببریم. البته در این راه باید موانع حرکت اصلاحی و همچنین آفات آن را نیز شناخت؛ لذا در این مقاله بر آنیم تا ابتدا یک بازشناسی کلی در باب اصلاحات در نظام توحیدی اسلام داشته باشیم به تبع آن مهم ترین آسیب آن را نیز مدنظر قرار دهیم که همانا خطر التقاط و دستاویز قرار دادن اصلاحات توسط مدعیان دروغین

[صفحه ۱۷۴]

آن است؛ توضیح اینکه اگر در گذشته خطر التقاط و امتزاج کمونیست با اسلام بود، اکنون خطر جدی که جامعه اسلامی ما را تهدید می کند خطر التقاط با مبانی لیبرالیستی غرب است که نمودهایی از آن هم در این مقاله اشاره شده است.

در بخش دوم مقاله، که قسمت اعظم آن را نیز تشکیل می دهد به نقش عبودیت و مظهر کامل آن یعنی نماز در حرکت اصلاحی اسلامی اشاره شده، مروری گذرا بر افکار امام راحل (ره)، شهید مطهری، مقام معظم رهبری و شهید بهشتی در ۲ بخش کارکردهای نظری و عملی نماز در راهبرد اصلاحی توجه شده است و در انتها نیز به دو نکته ضروری اشاره شده است اول اینکه: کدام نماز آثار اصلاحی مذکور را داراست و دومین نکته، پاسخ به شبهه ای است در این باب که منافقین نیز نماز می گذارند ولی چرا افسادگرند. به امیدی قبولی این اثر ناچیز در پیشگاه الهی.

[صفحه ۱۷۵]

بسم الله الرحمن الرحيم

«...الم یؤخذ علیهم میثاق الكتاب ان لا یقولوا علی الله الا الحق و درسوا ما فیه و الدار الاخره خیر للذین یتقون افلا تعقلون و الذین یمسکون بالكتاب و اقاموا الصلوة انا لا نضیع اجر المصلحین.» [۸].

[۸] اعراف / ۱۶۹ و ۱۷۰.

کلیاتی در مبانی اصلاحات

معنای عام واژه «اصلاح اجتماعی» و نقش و اهمیت جهت گیری آگاهانه در حرکت

اصلاحی

به طور کلی اصلاح، یک تغییر و حرکت است، حرکتی رو به تکامل؛ اصلاحات، حرکتی است تدریجی از بستر وضع موجود در جهت وضعیت مطلوب و جهت گیری هر حرکت اصلاحی بستگی به مکتبی دارد که متکفل ترسیم وضعیت مطلوب یک جامعه است.

بنابراین تعریف خاص اصلاحات به خصوص جهت گیری اصلاحات بر اساس مکاتب فکری- اجتماعی مختلف، متفاوت است. به طوری که گاه ممکن است اصلاح در یک مکتب، افساد باشد در مکتب دیگر و این در صورتی است که جهت گیری آن دو مکتب با هم متناقض باشد.

پس عاقلانه نیست که برای رسیدن به اهداف یک مکتب (دچار التقاط شده) از برنامه اصلاحی مکتبی دیگر استفاده نمود و چه زیباست این تعبیر امام معصوم که:

«العامل بلا بصيرة كالسائر في غير الطريق لا يزيده سرعة السير الابداء.»
بنابراین روایت، کسی که بدون بصیرت و آگاهی لازم (شناخت جهت گیری صحیح) قصد حرکت اصلاحی داشته باشد، هر چه حرکتش سریع تر می شود، از اهدافش دورتر می افتد.
و چه زیباتر است افشای چهره نفاق مدعیان اصلاح در قرآن که می فرماید:
«و اذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون.» [۱].
پس حرکت اصلاحی، حرکتی است آگاهانه و تکاملی از بستر وضع موجود در جهت مطلوب.

[صفحه ۱۷۶]

[۱] بقره / ۱۱ و ۱۲.

ارکان راهبرد «اصلاح اجتماعی» مطلوب

هر راهبرد اصلاحی برای توفیق خود به دو عامل نیازمند است:
الف) به لحاظ نظری باید مبنای تئوریک قوی داشته باشد که اولاً در کلیات از ناحیه عقل و منطق قابل اثبات باشد، ثانیاً در جزئیات توانایی توجیه و کنترل مراحل مختلف حرکت را دارا باشد.
ب) به لحاظ عملی باید در درون خود قوای محرکه لازم برای حرکت دادن اجتماع از وضع موجود تا سرمنزل مقصود را پیش بینی کرده باشد.
بنابراین حرکت اصلاحی باید مبتنی بر مکتبی باشد که این دو عامل (نظری و عملی) را به بهترین وجه تأمین نماید.

راهبرد توحیدی اسلام؛ متکامل ترین راهبرد «اصلاح اجتماعی»

از آنجایی که زیربنای یک مکتب، جهان بینی آن است، شهید مطهری ابتدا معیارهای خوبی یک جهان بینی را چنین بیان می کند: «قابل اثبات و استدلال بودن، معنا دادن به زندگی (پرهیز از پوچ گرایی)، آرمان ساز و شوق انگیز و آرزو خیر بودن، دارای قدرت تقدس بخشیدن به هدف های انسانی و اجتماعی (ضمانت اجرایی)، تعهدآور و مسئولیت ساز بودن.» [۱].

سپس بر آن مبنا، جهان بینی توحیدی اسلام را چنین توصیف می نماید:
«جهان بینی توحیدی، تمامی خصلت های یک جهان بینی خوب را داراست.» [۲].

و «جهان بینی اسلامی، جهان بینی توحیدی است. توحید در اسلام به خالص ترین شکل و پاک ترین طرز بیان شده است... از نظر جهان بینی توحیدی اسلامی، جهان یک آفریده است و با عنایت و مشیت الهی نگهداری می شود... اراده و مشیت الهی به صورت «سنت» یعنی به صورت قانون و اصل کلی، در جهان جریان دارد. سنت های الهی تغییر نمی کند و آنچه تغییر می کند بر اساس سنت های الهی است. خوبی و بدی دنیا برای انسان بستگی دارد به نوع رفتار انسان در جهان و طرز برخورد و عمل او. نیکی و بدی کارها، گذشته از آنکه در جهان دیگر به صورت پاداش یا کیفر به انسان باز می گردد، در همین جهان نیز خالی از عکس العمل نیست. تدریج و تکامل، قانون الهی و سنت الهی

[صفحه ۱۷۷]

است. جهان گاهواره تکامل انسان است.» [۳].

پس بنابر جهان بینی توحیدی اسلام، انسان باید در مسیر سنن الهی به اصلاح و تکامل خویش در ابعاد فردی و اجتماعی اهتمام ورزد.

[۱] مجموعه آثار - جلد ۲ - صفحه ۸۲ (با تلخیص).

[۲] همان - صفحه ۸۳ و ۸۴.

[۳] همان - صفحه ۸۵.

جهان بینی ماتریالیستی و نظام اجتماعی لیبرالیسم زیربنای «اصلاح اجتماعی» در غرب

در مقابل جهان بینی توحیدی اسلام که شهید مطهری از آن به عنوان نظریه رئالیستی [۱] تعبیر می کند، دو نظریه عمده دیگر وجود دارد که یکی ماتریالیستی و دیگری ایده آلیستی است [۲] که در این بین جهان بینی مبتنی بر ماتریالیسم حرف اول را در جهان غرب می زند.

جهان بینی ماتریالیسم مبتنی بر اصالت ماده و شناخت حسی جهان است که شاخه های مختلف آن عبارتند از: انسان شناسی اومانیستی، جامعه شناسی مبتنی بر لیبرالیسم (اصالت آزادی فرد) و سکولاریسم (جدایی دین از امور دنیوی، و فردی و درونی کردن دین) و سیاست مبتنی بر دموکراسی و اقتصاد کاپیتالیسم (سرمایه داری) و... گرایش غرب به ماتریالیسم در نظر شهید مطهری ناشی از عوامل مختلفی است از قبیل:

نارسایی مفاهیم دینی کلیسا، خشونت های کلیسا، نارسایی مفاهیم فلسفی غرب (به خصوص در فلسفه هگل)،

نارسایی مفاهیم اجتماعی و سیاسی، اظهار نظرهای غیر تخصصی، محیط اخلاقی و اجتماعی، نامساعد و... [۳]

[۱] همان - صفحه ۱۱۰.

[۲] همان - صفحه ۱۰۷ تا ۱۱۷.

[۳] علل گرایش به مادیگری - فهرست (با تلخیص).

اختلاف نظام اجتماعی در اسلام و لیبرالیسم

الف) اختلاف تئوریک:

صرف نظر از تشریح عوامل گرایش به مادیگری در غرب باید اجمالا در نظر داشت:

به اعتراف متفکرین غربی جهان بینی ماتریالیستی و سامان لیبرالیسم مخالف فطرت انسانی - الهی (و در نتیجه

مخالف جهان بینی توحیدی) است. و اگر فطرت را رویکردی حق گرایانه (حنیف) به

[صفحه ۱۷۸]

دین بدانیم (که می دانیم)، آن بینش، مخالف این دین توحیدی است. لذا در تعابیر متفکرین غربی نوعی سعی در گریز از فطرت بلکه نفی و طرد آن را مشاهده می کنیم.

به راستی چرا متفکرینی لیبرال چون آیزایا برلین، اولیور وندل هولمز، فردریش ا.هایک و... معتقدند حق گرایی

فطری به عنوان «خصیصه ی انسان های وحشی و غیرمتمدن» [۱]، «نیاز متافیزیکی درمان ناپذیر و ریشه دار» [۲]،

«حسادتی آرمانی شده» [۳] «ویران کننده آرمان های بنیادین آزادی و ارزش فرد» [۴] و «تهی کننده زندگی از

معنا» [۵] است و در نهایت بینش فطری «در برخورد با تحولات انسانی غیرقابل پیش بینی یا پیش بینی نشده،

دچار قید و بند می شود.» [۶].

اینها همه خبر از تنافی فطرت انسانی و جهان بینی توحیدی اسلام با نظام لیبرالیستی می دهد. نکته جالب اینکه نفی

و طرد فطرت انسانی بعضا با این اعتراف متفکرین غربی همراه بوده که:

«وحدت گرایی و ایمان به معیارهای واحد، همیشه منبع مهم رضایت فکری و عاطفی بوده است.» [۷] و «نظریه

یگانگی فطرت انسانی از قبول عام برخوردار است.» [۸] و...

و شاید بروز کامل تنافی مبانی تئوریک نظام فطری و توحیدی با نظام شرک آمیز لیبرالیسم را در این فراز بتوان یافت: «این فرض که همه ارزش ها را می توان با معیاری واحد اندازه گیری کرد و طی یک بازبینی، برترین آنها را مشخص ساخت با این اعتقاد و معرفت ما که می گوئیم انسان ها فاعلانی آزادند منافات دارد.» [۹].

این بیان، نشان دهنده آن است که علل گرایش به ماتریالیسم و لیبرالیسم در غرب بیشتر جنبه روانی - اجتماعی داشته تا حرکتی مستدل و منطقی، و پشتوانه اصلی آن، سلب سنت بوده نه اثبات خود.

[صفحه ۱۷۹]

به علاوه اینکه سیستم های غالب فلسفی در غرب و به تبع نظامات تئوریک سیاسی - اجتماعی آن سامان بر اساس قالب های پیش ساخته و تقسیمات انتزاعی، قبایی از پیش دوخته برای نظامات دیگر در نظر گرفته، به داوری درباره آنها می پردازند و طبیعی است که نظام فکری - اجتماعی اسلام را هم بدین گونه نظر کرده، نسبت بدان داوری نمایند. شهید مطهری در این باب چنین بیان می کند:

«فلسفه مادی واقعا فلسفه نیست و هر فردی که عمیقا فلسفه الهی را درک کند و بفهمد، تمام تفکرات و اندیشه های مادی را نقش بر آب می بیند... فلسفه ی مادی فلسفه ی کسی است که فلسفه نمی داند.» [۱۰].

ایشان در ادامه با بیان اختلاف فلسفه الهی و مادی در نحوه طرح مطالب خود، راز و رمز تقسیم بندی و طرح مطالب را به شیوه ای خاص در فلسفه مادی چنین بیان می کند:

«... راز و رمز این گونه طرح کردن ها از طرف مادیین بر من روشن شد. آن راز چه بود؟ یک چیز، یک چیز بسیار ساده؛ ضعف منطق مادیین و ترس آنها از مواجهه با مسائل در چهره اصلی. مادیین کاملا احساس کرده اند که اگر مسائل را به صورت اصلی و صحیح مطرح کنند، کلاهشان سخت پس معرکه است؛ ناچار کانال های انحرافی ایجاد می کنند و مغالطه به کار می برند.» [۱۱].

و چه زیبا قرآن کریم رویگردانی از فطرت الهی - انسانی و دین حقیقی فطری را توصیف کرده است که: «من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا کل حزب بما لدیهم فرحون» [۱۲].

یعنی با از دست دادن معیار واحد فطری، چیزی جز تكثر نفسانی باقی نمی ماند. «فماذا بعد الحق الا الضلال» [۱۳].

به عبارت دیگر، جنبش اصلاحی غرب پس از رنسانس در بعد اجتماعی خود بیشتر ماهیتی پوپولیستی داشته است؛ پرپولیسم اصطلاحی است که لیبرال های غربی به صورت برچسب به هر که مخالف پلورالیسم (مبنای تفکر و عمل

در جوامع مادی گرا) است، می زنند ولی جنبش های اجتماعی لیبرالیستی و جنبش های سیاسی دموکراتیک در بستر پوپولیسم توان رشد دارند، همان گونه که نظام های فاشیستی و بناپارتیستی و...

[صفحه ۱۸۰]

توضیح اینکه: پوپولیسم در فرهنگ سیاسی غرب به معنای بستری اجتماعی است که منشأ پیدایش نظام های سلطه گری چون نازیسم و بناپارتیسم و غیره می باشد؛ زمانی که در کشوری به دلایل مختلف از جمله فقر، جنگ و... عقلانیت مردم کاسته شده و به احساسات روی آورند، افرادی فرصت طلب از این زمینه مساعد سوء استفاده نموده و با طرح مباحث بی اساس و احساسی مثل تبعیض نژادی به قدرت می رسند، این بستر و زمینه اجتماعی را پوپولیسم گویند.

حال با توجه به اینکه رنسانس محصول خشونت کلیسا و نارسایی مفاهیم دینی، فلسفی و اجتماعی - سیاسی غرب می باشد، بستر مناسب برای رشد جنبش های اجتماعی پس از رنسانس جز نفی کلیسا و مفاهیم دینی نیست و به جای بنا نهادن بنیانی منطقی و صحیح، فلسفه مادی را که شهید مطهری آن را «فلسفه نمی داند» [۱۴] بنیان نهادند؛ آن هم «با روش سراسر تبلیغی» [۱۵] به تعبیر این متفکر شهید.

در صفحات بعد پیرامون یکی از نتایج اقامه نماز که «یگانگی فطری جامعه انسانی در مسیر تعالی الهی» است و تفاوت آن با پوپولیسم مطالبی را عنوان می کنیم.

(ب) اختلاف در نظام های عملیاتی (سیستم هدایت اجتماعی):

یک حرکت اصلاحی موفق علاوه بر استحکام تئوریک باید به لحاظ عملی و اجرایی، توانایی و استعداد ایجاد حرکت لازم و مداوم برای رسیدن به مطلوب را در خود ذخیره داشته باشد تا با استفاده از فرصت ها ظرفیت های بالقوه را به فعلیت رساند. توانایی ها و استعداد های نهفته در مکتبی که زیربنای حرکت اصلاحی می باشد، در چارچوب نظام های عملیاتی تعریف می شود و نظام های عملیاتی متکفل برنامه ریزی جهت هدایت اجتماعی در راستای مبنای تئوریک می باشند.

در جهان بینی توحیدی اسلام که مبنای تئوریک آن بر اصل فطرت توحید استوار است، باید نظام هدایت اجتماعی آن نیز وحدت گرا، عام و شامل، مساوات طلب و عادلانه و بر محور شایسته سالاری در نظام پاداش و جزا باشد و

نهادهای حرکت دهنده اصلاحات نیز باید عمومی باشند و این برخلاف نظام های لیبرالیستی غربی است که بر اساس مبنای تئوریک خود (اصالت تکثیر و نسبیت در

[صفحه ۱۸۱]

اعتقادات عمومی [۱۶]، در عمل نیز نظام هدایت اجتماعی ای را ترسیم می کنند که بتواند آزادی فردی و تکثر را در ابعاد و شؤون مختلف جامعه نهادینه سازد و با اصل قرار دادن اختلاف افراد، برابری و مساوات را به حداقل برساند [۱۷] و عدم امکان شایسته سالاری را در نظام پاداش و جزا اذعان نماید [۱۸] و تا حد امکان تمرکززدایی از قدرت سیاسی نماید [۱۹] و عدالت توزیعی [۲۰] و هماهنگی کامل انسان ها با هم [۲۱] را عملی ندانسته و اصل را بر رقابت دائم اقتصادی - سیاسی قرار دهد و...

شهید مطهری سعادت فرد و جامعه را رسیدن به یگانگی در پرتو حق پرستی می داند و تشتت و سرگرانی و بی جهتی را آفات فردی و اجتماعی ای می داند که در پرتو تکثر ناشی از نظام شرک به وجود آمده است. ایشان در این مورد چنین می نویسد: «توحید عملی - اعم از توحید عملی فردی و توحید عملی اجتماعی - عبارت است از یگانه شدن فرد در جهت یگانه پرستی خدا و نفی هرگونه پرستش قبلی از قبیل: هواپرستی، پول پرستی، جاه پرستی و غیره، و یگانه شدن جامعه در جهت یگانه پرستی حق از طریق نفی طاغوت ها و تبعیض ها و بی عدالتی ها. فرد و جامعه تا به یگانگی نرسد به سعادت نایل نمی گردد و جز در پرتو حق پرستی به یگانگی نمی رسد.» [۲۲].

در مقابل، جهان بینی مادی گرای غربی با پیش فرض قرار دادن آزادی مطلق برای فرد است که تمام نظامات اجتماعی - سیاسی خود را تعریف می نماید و تنها محدوده ی آزادی را قراردادهایی اجتماعی می داند که بر مبنای آن آزادی یک فرد، به آزادی های دیگر صدمه نرساند. و البته سوء استفاده از دین مسیحیت هم برای توجیه قدرت و سلطه انسان ها بر یکدیگر بهانه ای شده تا هرگونه تفکر حق محور در غرب طرد شود. شهید مطهری یکی از علل گرایش به مادیگری را در غرب سوء استفاده حکومت های استبدادی از مسأله خدا در توجیه قدرت و استبداد خود و محدود کردن آزادی مردم می داند. [۲۳].

[صفحه ۱۸۲]

به هر حال با اصل قرار گرفتن آزادی فردی انسان و اصالت تفاوت شخصیت افراد در بستر فرهنگ غرب، اندیشه پلورالیسم اجتماعی در تمام شئون جامعه سرایت یافته و جوامع غربی را دچار محذوراتی اساسی از این بابت نموده است.

البته تحلیل کامل دو نظام اجتماعی اسلام و لیبرالیسم و تبیین اختلافات این دو نظام فکری در ابعاد معرفت شناختی، هستی شناختی، انسان شناختی و جامعه شناختی و شئون اخلاقی، حقوقی و سیاسی و اقتصادی مجال وسیع تر و اطلاعات عمیق تری می طلبد.

بنابراین بر پایه مطالب پیش گفته به این نتیجه می رسیم که هر گونه حرکت اصلاحی در جامعه اسلامی ایران باید به لحاظ تئوریک و نظام عملیاتی منطبق با فرهنگ اسلامی حاکم بر کشور باشد. در بخش بعد به بررسی مهمترین آسیب تهدیدکننده ی حرکت های اصلاحی می پردازیم.

[۱] لیبرالیسم و منتقدان آن- صفحه ۵۵.

[۲] همان.

[۳] همان- صفحه ۱۳۳.

[۴] به نقل از لیبرالیسم و منتقدان آن- صفحه ۱۳۵ (Williams, Unequal and Free, P. ۱۵۲).

[۵] همان.

[۶] همان- صفحه ۵۳- مقاله دو «مفهوم آزادی»- آیزایا برلین.

[۷] همان.

[۸] همان- صفحه ۱۳۵- مقاله «برابری، ارزش، شایستگی» فریدریش، ا.هایک.

[۹] همان- صفحه ۵۳- مقاله «دو مفهوم آزادی»- آیزایا برلین.

[۱۰] علل گرایش به مادپرستی- صفحه ۱۱.

[۱۱] همان- صفحه ۱۳.

[۱۲] روم / ۳۲.

[۱۳] یونس / ۳۲.

[۱۴] علل گرایش به مادپرستی- صفحه ۱۳.

[۱۵] همان- صفحه ۱۴.

[۱۶] لیبرالیسم و منتقدان آن- مقاله «دو مفهوم آزادی» صفحه ۵۳ تا ۵۵ و مقاله برابری...» صفحه ۱۳۵.

[۱۷] همان- مقاله «برابری...» صفحه ۱۳۳ تا ۱۳۶.

[۱۸] همان- صفحه ۱۵۰ تا ۱۵۵.

[۱۹] برگزیدگان و جامعه- صفحه ۱۳۷.

[۲۰] لیبرالیسم و منتقدان آن- مقاله «برابری...» صفحه ۱۵۵ و ۱۵۶.

[۲۱] همان - مقاله «دو مفهوم آزادی» - صفحه ۵۴.

[۲۲] مجموعه آثار - جلد ۲ - صفحه ۱۱۶ و ۱۱۷.

[۲۳] علل گرایش به مادیگری - صفحه ۱۵۸ و ۱۵۹.

التقاط؛ خطرناک ترین آسیب مربوط به جنبش های اصلاح اجتماعی

آفاتی که می تواند جنبش های اصلاحی را تهدید نماید در سه ناحیه تئوریک، عملی و نظارتی رخ می نماید که به طور اجمال آسیب های تئوریک می تواند شامل عدم توان نظری (نقص تئوریک)، التقاط و تحجر و ضعف برنامه ریزی (بی توجهی به بستر وضع موجود، عدم تشخیص صحیح اهداف، اولویت بندی غیر صحیح و...) باشد. آسیب هایی که جنبش های اجتماعی در میدان عمل با آن مواجهند مواردی است از قبیل: منافات عملکرد با نظریه اصلاحی، عدم توانایی جنبش در ایجاد تحرک اجتماعی، ایجاد موانع یا نبود مقتضیات در حرکت اصلاحی، تدرروی ها، کندروی ها، جهش نامعقول یا انجام مراحل زائد در برنامه ی اصلاحی و... آسیب های مربوط به بعد نظارتی در ابعاد نظری و عملی می تواند از قبیل: نداشتن معیار کنترل مراحل حرکت اصلاحی، عدم حساسیت مردم نسبت به انحراف حرکت و... باشد.

آسیب های فوق الذکر هر کدام می تواند چالشی جدی را فراروی حرکت اصلاحی قرار دهد ولی خطر هیچ کدام به اندازه خطر التقاط نیست. مادی گری خواه در چهره لیبرالیسم یا مارکسیسم، و مکاتب الحادی دیگر تا زمانی که به صورت یک اندیشه مطرحند نه تنها خطری برای بینش اسلامی ندارند بلکه طرح روشن و شفاف آنها در حوزه تخصصی و به صورت مستدل، حقانیت مکتب اسلام را نمایان تر می سازد ولی اشکال زمانی پیش می آید که به اسم اسلام، تفکر مادی را ترویج کنند و تفکر

[صفحه ۱۸۳]

الحادی را در پوسته ای از اسلام عرضه کنند؛ مشابه کاری که گروه های مارکسیستی و ملی گرا بر سر فرهنگ اسلامی در این کشور آوردند که البته تلاش ها و روشنگری های حضرت امام (ره)، شهید مطهری، شهید بهشتی، مقام معظم رهبری و دیگران در آن زمان حيله ی این دسیسه بازان را افشا نمود. شهید مطهری در قسمتی از مقدمه مهم کتاب علل گرایش به مادیگری می نویسد:

«اندیشه های مادی در جهان اسلام و در فرهنگ و تمدن اسلامی سابقه طولانی دارد... با آنکه اندیشه های مادی همواره در محافل علمی و غیرعلمی مطرح بود، این اندیشه ها طرفدارانی از اندیشمندان واقعی به دست نیاورد... کاملاً مشهود است که ماتریالیست های ایران در برابر الهیون پاسخی ندارند و جز تکرار همان سخنان همیشگی کاری از آنها ساخته نیست. آنان ترجیح می دهند که خود را درگیر این مسائل نکنند و همان روش «سراسر تبلیغی» را که با آن آشنا هستیم ادامه دهند.» [۱] .

ایشان پس از بیان این مطالب به دو مصداق «روش سراسر تبلیغی» ماتریالیست های بی منطق اشاره می کند. یکی به تحریف شخصیت هایی چون حافظ و حلاج و تحلیل مادی از ایشان و دیگری تحریف و تفسیر به رأی قرآن که همان حرکت التقاطی است. ایشان می نویسد:

«... اصل این طرح و نیرنگ چیز تازه ای نیست؛ طرحی است که کارل مارکس برای ریشه کن کردن دین از اذهان توده های معتقد در صد سال پیش داده است. طرح مارکس این است که برای مبارزه با مذهب در میان توده معتقد باید از خود مذهب علیه مذهب استفاده کرد؛ به این صورت که مفاهیم مذهبی از محتوای معنوی و اصلی خود تخلیه و از محتوای مادی پر شود تا توده، مذهب را به صورت مکتبی مادی دریابند. پس از این مرحله، دور افکندن پوسته ظاهری آسان است... مطالعه نوشته های به اصطلاح تفسیری که در یکی دو سال اخیر منتشر شده و می شود، تردیدی باقی نمی گذارد که توطئه عظیمی در کار است در اینکه چنین توطئه ای از طرف ضد مذهبی ها برای کوبیدن مذهب در کار است من تردید ندارم...» [۲] .

[صفحه ۱۸۴]

آری، این هشدار شهید مطهری نسبت به خطر التقاط را باید جدی گرفت، با آنکه تفسیرهای مارکسیستی از اسلام در مواجهه با روشنگری های متفکرین با شکست مواجه گردید؛ ولی تنها این خط انحراف، انقلاب اسلامی ما را بلکه اسلام را تهدید نمی کرد و تفسیرهای لیبرالیستی از قرآن کریم هم در آن سال ها رواج یافته بود. حضرت امام (ره) در ۳۰ / ۱۱ / ۶۶ در نامه ای به وزیر کشور وقت نسبت به خطر نهضت آزادی هشدار می دهد که:

«نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارد؛ و ضرر آنها به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی مورد

در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویل های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است بشوند، از ضرر گروه های دیگر، حتی منافقین، این فرزندان عزیز مهندس بازرگان، بیشتر و بالاتر است.» [۳].

و امروز ما با موجی عظیم مواجهیم که به لحاظ تاریخی متصل به همان جریان می باشد ولی بسیار حساب شده تر و عمیق تر در پی نفوذ به مبانی فکری - اعتقادی جامعه اسلامی ما (با افراد ظاهرالصلاح و سخنان به ظاهر اسلامی) هستند و قصد دارند در پوشش اسلامی مبانی فکری - اجتماعی ماتریالیسم و لیبرالیسم (به خصوص شاخه سیاسی آن یعنی دموکراسی) را به اسم اسلام القاء کنند؛ با الفاظی چون پلورالیسم (تکثرگرایی)، دموکراسی، احزاب چپ و راست، سنتی و مدرن، پوپولیسم، محافظه کاری، رادیکال و...

برای این کار از شگردهای مختلف استفاده می نمایند تا ضمن فرار از منطق و استدلال در مواجهه با اصول گرایان به «شیوه سراسر تبلیغی» و با استفاده از قالب های تنگ تقسیم بندی های غربی، مخالفان خود را در هر بعدی، با انگیزه خارج کنند؛ ولی خطرناک تر از همه حرکتی است که بنیان این

[صفحه ۱۸۵]

توطئه را تاکنون سامان داده؛ و آن تئوریزه کردن تفسیر به رأی با عنوان قبض و بسط تئوریک شریعت است (که نتیجه اش خالی کردن دین از هر گونه محتوای قبلی و ضرورت تفسیر قرآن بر مبنای پیش فرض های ذهنی است). و دنباله این حرکت نیز پلورالیسم دینی معرفتی و فرهنگی و اعتقادی می باشد (با این لازمه که هیچ دین یا فرهنگ یا معرفتی نمی تواند حق محض باشد) و این تفکر در عمل به پلورالیسم اجتماعی و شاخه های سیاسی، اقتصادی و... آن می انجامد.

صرف نظر از تعارض های درونی این تئوری، قدر متیقن این است که محتوای این کلمات، پرده از تفکرات التقاطی «انحراف فکری به سمت لیبرالیسم» توسط قائل آن برمی دارد و تأمل زیادی برای این پرده برداری لازم نیست؛ چرا که این تئوری پرداز در پیامی به کنگره مرحوم شریعتی پرده از انحراف فکری خود برمی دارد که:

«آنان که گمان می کردند با گرفتن فرمان ماشین حکومت و اجرای احکام فقهی، می توانند گره از کار فرو بسته این قوم بگشایند، امروز باید دریافته باشند که این رؤیایی بی تعبیر است. ما تا فقر تئوریک خود را درمان نکنیم، به گشودن هیچ گرهی توفیق نخواهیم یافت، با تئوری های سیاسی و اخلاقی و فقهی کهن، به جنگ دشواری های نوین نمی توان رفت.» [۴].

ایشان ضمن ابراز ناکارآمدی معارف دینی کهن، درمان فقر تئوریک کشور را در قالب تحلیل شخصیت مرحوم شریعتی چنین بیان می کند: «وی که از پنجره مفاهیم مدرن به درون مایه سنت دینی می نگریست، می کوشید تا با تصفیه و استخراج و پالایش پیرامون اندیشه های کهن، قرائتی نوین و امروزی از آنها عرضه کند و برای عملی و نظری جامعه دینی خود برونشویی نشان دهد.» [۵].

در کنگره مرحوم شریعتی که با پیام این شخص افتتاح گردید، یکی از روحانیان نمایان نیز همین مطالب را در شاخه فلسفه سیاسی لیبرالیسم (دموکراسی) چنین اظهار می دارد: «تفکر دینی برای بقا و دوام، نیازمند بازسازی است.» [۶] و «منظور از مردم سالاری دینی، (منظور) دینی است که با مردم سالاری سر آشتی دارد و سازگار است.» [۷].

[صفحه ۱۸۶]

دقت کنید «دینی که با مردم سالاری سر آشتی دارد»، با مردم سالاری که با دین سر آشتی داشته باشد متفاوت است با عبارت اول همان پالایش دین با مبانی غربی است.

حقیقت آن است که عده ای با سوء استفاده از فضای سیاسی کشور و تمایل مردم به اصلاحات در درون کشور، با این چنین القائاتی قصد انحراف این حرکت را دارند و می کوشند که در پوشش اصلاحات و با سوء استفاده از دین و اعتقادات مردم افکار منحرف را در پوشش اسلامی عرضه کنند. لذا به لحاظ انحراف در جهت گیری اصلاحات به سوی اندیشه های لیبرالیستی، هم مبنای تئوریک ایشان و هم نظام عملیاتی که بیشتر در بعد سیاسی بر مبنای پلورالیسم سیاسی و با بهانه گریز از پوپولیسم بنا کرده اند، دچار خدشه جدی می شود، هر چند مدعی اصلاح طلبی باشند که قرآن می فرماید:

«و اذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا انما نحن مصلحون. ألا انهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون.» [۸].

به لحاظ اهمیت این بحث، با گلچینی از کلام شهید مطهری در باب آفات نهضت که ما را با آسیب شناسی نهضت های اصلاحی و شناخت مدعیان اصلاحات بیشتر آشنا می کند، این بخش را به پایان می بریم.

۱- «نفوذ اندیشه های بیگانه... اندیشه های بیگانه از دو طریق نفوذ می کنند یکی از طریق دشمنان؛ هنگامی که یک نهضت اجتماعی اوج می گیرد و جاذبه پیدا می کند و مکتب های دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد...» [۹] دیگر از طریق دوستان و پیروان... (که) به علت ناآشنایی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه های بیگانه می گردند و آگاهانه یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می دهند و عرضه می نمایند...» [۱۰] امروز که نهضت

اسلامی ایران اوج گرفته و مکتب ها و «ایسم ها» را تحت الشعاع قرار داده است، هر دو جریان را مشاهده می کنیم... من به عنوان یک فرد مسئول به مسئولیت الهی به رهبران عظیم الشان نهضت اسلامی که برای همه شان احترام فراوان

[صفحه ۱۸۷]

قائلم هشدار می دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می کنم که نفوذ و نشر اندیشه های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارک اسلامی اعم از آنکه از روی سوء نیت و یا عدم سوء نیت صورت گیرد، خطری است که کبان اسلام را تهدید می کند.

۲- تجددگرایی افراطی پرهیز از افراط و تفریط و گرایش به اعتدال در هر کاری خالی از دشواری نیست... برخی آنچنان «عوام زده» هستند که تنها معیارشان سلیقه ی عوام است و عوام هم گذشته گرا بوده، به حال و آینده کاری ندارند، برخی دیگر که به مسائل روز توجه دارند و درباره آینده می اندیشند، متأسفانه سخاوتمندانه از اسلام مایه می گذارند، سلیقه ی روز را معیار قرار می دهند و به نام «اجتهاد آزاد» به جای آنکه اسلام را معیار حق و باطل زمان قرار دهند، سلیقه و روح حاکم بر زمان را معیار اسلام قرار می دهند... به هر حال تجددگرایی افراطی - که هم در شیعه وجود داشته و دارد و هم در سنی - و در حقیقت عبارت است از آراستن به آنچه از اسلام نیست، و پیراستن آن از آنچه از اسلام هست، بمنظور رنگ زمان زدن و باب طبع زمان کردن، آفت بزرگی برای نهضت است و وظیفه رهبری نهضت است که جلو آن را بگیرد.

۳- ناتمام گذاشتن [نهضت در مرحله ی نفی]

۴- رخنه فرصت طلبان... می گویند: «انقلاب فرزند خور است» گویی خاصیت انقلاب این است که همین که به نتیجه رسید فرزندان خود را یک یک نابود سازد. ولی انقلاب فرزند خور نیست. غفلت از نفوذ و رخنه فرصت طلبان است که فاجعه به بار می آورد... نهضت را اصلاح طلب آغاز می کند نه فرصت طلب و همچنین آن را اصلاح طلب مؤمن به اهداف نهضت می تواند برساند فرصت طلب که در پی منافع خویش است.

۵- ابهام در طرح های آینده

۶- ششمین آفتی که یک نهضت خدایی را تهدید می کند از نوع معنی است: از نوع تغییر جهت دادن اندیشه ها است، از نوع انحراف یافتن مسیر نیت ها است. نهضت خدایی باید برای خدا آغاز شود و برای خدا ادامه یابد و هیچ خاطره و اندیشه غیر خدایی در آن راه نیابد تا عنایت و نصرت الهی شاملش گردد.» [۱۱].

[صفحه ۱۸۸]

[۱] علل گرایش به مادیگری- صفحه ۱۳ و ۱۴.

[۲] همان- شهید مطهری به واسطه نوشتن این مقاله و افشای چهره نفاق به شهادت رسیدند. (پاورقی).

[۳] صحیفه امام- جلد ۲۰- صفحه ۴۸۱- به نقل از آسیب شناسی انقلاب اسلامی از نگاه امام (ره)- صفحه ۱۰۶.

[۴] روزنامه توسعه، ۲۹ خرداد ۸۰، صفحه یک.

[۵] همان.

[۶] همان.

[۷] همان.

[۸] بقره / ۱۱ و ۱۲.

[۹] از قرائن کلام شهید مطهری پیداست که مصداق بارز گروه اول در آن زمان، نئومارکسیست های اسلامی اند. (نویسنده).

[۱۰] از قرائن کلام شهید مطهری پیداست که مصداق بارز گروه دوم، گروهک نهضت به اصطلاح آزادی است که در رأس ایشان مهندس بازرگان

چنین تفکراتی داشت و قبلاً هم کلامی از امام راحل در این مورد نقل کردیم. (نویسنده).

[۱۱] نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر- صفحه ۸۹ تا ۱۰۳.

اقامه نماز و جایگاه و کارکردهای اصلاحی آن در جامعه اسلامی

ملاک های ارزیابی جنبش اصلاحی در اسلام

«الذین یمسکون بالكتاب و اقاموا الصلوة انا لانضیع اجر المصلحین.» [۱].

با توجه به تعریف جنبش اصلاحی (حرکت از بستر وضع موجود در جهت اهداف مطلوب با برنامه ریزی صحیح)، ضرورت جهت گیری صحیح با شناخت اهداف متعالی اسلام مورد تأکید قرار گرفت. پس از آن دو رکن اصلی جنبش اصلاحی یعنی مبنای تئوریک قوی و نظام عملیاتی کارآمد تشریح گردید. سپس با نگاهی به دو مکتب اسلام و لیبرالیسم، تفاوت این دو مکتب بلکه تعارض آن دو به لحاظ تئوریک و نظام عملیاتی نمایان شد. به دنبال آن خطر تفکری التقاطی را یادآور شدیم که امروز به اسم اصلاحات اجتماعی، سعی در القاء اندیشه های لیبرالیستی و

دموکراتیک غرب، تحت عنوان قرائتی نوین از دین دارد. در اینجا روند منطقی بحث به این نقطه می انجامد که اگر ما اصلاحات دینی داریم و از سوی دیگر مدعیان دروغین اصلاحات (به طور جاهلانه یا مغرضانه) برای قلب مفاهیم دینی دست به کارند، چگونه می توان اصلاح حقیقی را از افساد مدعیان اصلاح تشخیص داد؟

قرآن کریم در آیه ۱۷۰ سوره مبارکه اعراف چنین می فرماید (نقل به مضمون) که:

کسانی که تمسک به قرآن و اقامه نماز را سرلوحه برنامه اصلاحی خود می نمایند، خداوند اجر ایشان را ضایع نمی گرداند. پس معیار حرکت اصلاحی اولاً، انطباق حرکت با مبانی و محکمت قرآنی است. ثانیاً، روند و نتایج حرکت هم در راستای علم شدن عمود خیمه دین و احیای هر چه بیشتر لوازم اقامه نماز به مثابه ارتباط عملی با خداوند است.

توضیح اینکه: چنین بیان شد که حرکت اصلاحی نیازمند دو رکن است: اول، مبنای تئوریک قوی. دوم، نظام عملیاتی کارآمد؛ که این هر دو می بایست در مکتبی فکری- اجتماعی به بهترین وجه تبیین شده باشند. مکتب توحیدی اسلام نیز که توحید، محور اساسی آن است؛ شامل توحید نظری به مثابه همان نظام تئوریک و توحید عملی به عنوان نظام عملیاتی منسجم و کارآمد می باشد.

شهید مطهری در همین رابطه می نویسد:

«در اسلام دو توحید وجود دارد: نظری و عملی. توحید نظری مربوط به عالم شناخت و اندیشه

[صفحه ۱۸۹]

است. یعنی خدا را به یگانگی شناختن؛ و توحید عملی یعنی خود را در عمل یگانه و یک جهت و در جهت ذات یگانه ساختن؛ به عبارت دیگر توحید نظری یعنی شناخت یگانه بودن خدا، و توحید عملی یعنی یگانه شدن انسان» [۲].

«توحید نظری بینش کمال است و توحید عملی جنبش در جهت رسیدن به کمال. توحید نظری پی بردن به یگانگی خداست و توحید عملی یگانه شدن انسان است... توحید به اصطلاح نظری علاوه بر اینکه پایه و زیربنای توحید عملی است، خود بذاته کمال نفسانی است، بلکه بالاترین کمال نفسانی است؛ انسان را به حقیقت به سوی خدا بالا می برد و به او کمال می بخشد. «الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه» [۳] انسانیت انسان در گرو شناخته خداوند است.» [۴] توحید نظری به بحث در یگانگی خدا از نظر ذات، صفات و افعال الهی می پردازد که منبع اصلی

آن محکومات قرآنی است و تنها راه وصول به این توحید (مبنای تئوریک حرکت اصلاحی) تمسک خالصانه به حبل متین محکومات قرآنی است؛ به عکس نظام های غربی که مبنای آن شرک بوده و منجر به «تفرق و تشتت شخصیت انسان و سرگردانی او و بی جهتی او» [۵] می گردد و به طور خلاصه اگر کسی با نظر فطرت حق بین خود رو به سوی دین و مکتب توحیدی اسلامی ننماید، به ناچار مجبور است تن به نظام متکثر شرک دهد و این تکثرگرایی در معرفت (پلورالیسم معرفتی) که از لوازم اعراض از توحید فطری است، جز گمراهی و تباهی چیزی برای فرد و جامعه به ارمغان نمی آورد که:

«فذلکم الله ربکم الحق فماذا بعد الحق الا الضلال» [۶] .

و این حکم نه تنها شامل کافران و مشرکان ظاهری است، بلکه کسانی را که مدعی ایمان به مکتب توحیدی اسلام هستند ولی در عمل مبلغ افکار شرک آمیز با مبنای پلورالیستی می باشند، نیز شامل می شود؛ کسانی که با افکار منظم تار عنکبوتی خود مذبذبین و متزلزلین در ایمان را به «زخرف القول» [۷] خود می فریبند و در عین حال مدعی اصلاح گری و روشنگری اسلامی و ارائه قرائتی نوین و مدرن از اسلام هستند.

[صفحه ۱۹۰]

[۱] اعراف / ۱۷۰.

[۲] طهارت روح - صفحه ۳۴۲.

[۳] فاطر / ۱۰.

[۴] مجموعه آثار - جلد ۲ صفحه ۱۰۴ و ۱۰۵.

[۵] مجموعه آثار - جلد ۲ - صفحه ۱۱۷.

[۶] یونس / ۳۲.

[۷] انعام / ۱۱۲.

توحید عبادی و جایگاه آن در حرکت های اصلاحی جامعه اسلامی

«توحید عملی یا توحید در عبادت یعنی یگانه پرستی؛ به عبارت دیگر در جهت پرستش حق، یگانه شدن... عبادت از نظر اسلام، مراتب و درجات دارد. روشن ترین مراتب عبادت، انجام مراسم تقدیس و تنزیه است که اگر برای غیر خدا واقع شود، مستلزم خروج کلی از جرگه اهل توحید و از حوزه ی اسلام است؛ ولی از نظر اسلام، پرستش منحصر به این مرتبه نیست؛ هر نوع جهت اتخاذ کردن، ایده آل گرفتن و قبله معنوی قرار دادن، پرستش است...

بنابراین توحید عملی یا توحید در عبادت یعنی خدا را مطاع و قبله روح و جهت حرکت و ایده آل قرار دادن و طرد هر مطاع و جهت و قبله و ایده آل دیگر؛ یعنی برای خدا خم شدن و راست شدن، برای خدا قیام کردن، برای خدا خدمت کردن، برای خدا زیستن، برای خدا مردن، آن چنان که حضرت ابراهیم (علیه السلام) گفت:

«وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا و ما انا من المشرکین. ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک و بذلک امرت و انا اول المسلمین.» [۱] این توحید ابراهیمی، توحید عملی اوست. کلمه طیبیه «لا اله الا الله»، بیش از هر چیزی ناظر بر توحید عملی است. یعنی جز خدا شایسته پرستش نیست.» [۲].

خیال باطل است کسی گمان کند که چون خود را از پرستش خداوند رها کرد، به آزادی بی قید و بند آن گونه که مکتب لیبرالیسم آن را ترویج می کند، دست خواهد یافت؛ از قید پرستش عزت آفرین خداوند، رها شدن همان و به ذلت پرستش اربابان متفرق و هواهای نفسانی و پرستش هر آنچه غیر خداست دچار شدن، همان.

«... هر نوع جهت اتخاذ کردن، ایده آل گرفتن و قبله معنوی قرار دادن، پرستش است. آن کسی که هواهای نفسانی خود را جهت حرکت و ایده آل و قبله معنوی خود قرار بدهد، آنها را پرستش کرده است: «افرایت من اتخذ الهه هواه» [۳].

آن کسی که امر و فرمان شخص دیگر را که خدا به اطاعت او فرمان نداده، اطاعت کند و در برابر آن تسلیم محض باشد، او را عبادت کرده است:

[صفحه ۱۹۱]

«اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون الله» [۴]. «و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله» [۵] [۶].

«مسأله به یگانگی رسیدن واقعیت وجودی انسان در یک نظام روانی و در یک جهت انسانی و تکاملی و همچنین رسیدن جامعه انسان به یگانگی و یکپارچگی در یک نظام اجتماعی هماهنگ تکاملی.» [۷] بر مبنای نظام توحیدی اسلام، کجا و «مسأله تجزیه شخصیت فردی انسان به قطب های مختلف و قطعه قطعه شدن واقعیت وجودی او به بخش های ناهماهنگ و تجزیه جامعه انسان به «من» ها و به گروه ها و طبقات متضاد و متناقض و ناهماهنگ» [۸] بر اساس نظام های شرک آمیز، کجا. حقیقت آن است که فطرت پاک انسان ها می تواند میان وحدت گرایی و کثرت گرایی به خوبی داوری کند؛ لذاست که قرآن، این دو مسأله را به شکل پرسش از وجدان عمومی انسان ها مطرح نموده است که:

«الرباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار.» [۹].

به اعتراف یکی از متفکران لیبرال به نام «فردریش. ا. هایک» دقت کنید:

«نظریه یگانگی فطرت انسانی که از قبول عام برخوردار است و در ظاهر با دموکراسی موافقت دارد، به وقت خود می تواند آرمان های بنیادین آزادی و ارزش فرد را از اساس ویران کند و زندگی را بی معنی و تهی سازد.» [۱۰].

جای تعجب است، با اینکه متفکرین مادی گرای غرب هنوز استدلال محکم و اثباتی برای مبانی لیبرالیستی و پلورالیستی نظام های اجتماعی خود به دست نداده اند و غالباً بنای معرفتی خود را بر نفی و نقد آراء مخالف، آن هم در چارچوب پیش فرض های ذهنی خود بنا کرده اند، عده ای متفکرنا که مدعی اصلاح فکری و اجتماعی در جمهوری اسلامی هستند، با مبنا قرار دادن نظریات ایشان معتقدند که باید «از پنجره مفاهیم مدرن به درون مایه سنت دینی» [۱۱] نگریست و باید کوشید «تا با

[صفحه ۱۹۲]

تصفیه و استخراج و پالایش اندیشه های کهن، قرائتی نوین و امروزی از آنها عرضه» [۱۲] کرد.

در جواب این یاوه گویی ها که حکایت از پذیرش ولایت نظام استکباری غرب دارد؛ این کلام نورانی قرآن برای ایشان بس که:

«يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا اليهود و النصارى اولياء، بعضهم اولياء بعض و من يتولهم منهم فانه منهم ان الله لا يهدي القوم الظالمين.» [۱۳].

بنابراین آیه می توان گفت: کسانی که ولایت فکری نظام استکباری غرب را بپذیرند، در زمره ایشانند، هر چند چهره ی حقیقی خود را با نقاب نفاق بر عموم پوشانده باشند.

[۱] انعام / ۱۶۲ و ۱۶۳.

[۲] مجموعه آثار- جلد ۲ صفحه ۱۰۵ و ۱۰۶.

[۳] فرقان / ۴۳.

[۴] توبه / ۳۱.

[۵] آل عمران / ۶۴.

[۶] مجموعه آثار- جلد ۲- صفحه ۱۰۵.

[۷] همان- صفحه ۱۰۶.

[۸] همان.

[۹] یوسف / ۳۹.

[۱۰] به نقل از لیبرالیسم و منتقدان آن - صفحه ۱۳۵ (P, Unequal and Free, Williams). (۱۵۲).

[۱۱] روزنامه توسعه (۲۹ / ۳ / ۸۰) صفحه ۱.

[۱۲] همان / ص ۱.

[۱۳] مائده / ۵۱.

نقش و جایگاه اقامه نماز در اصلاح جامعه اسلامی

تا این قسمت مقاله، کلیاتی در باب نظام عملیاتی جنبش اصلاحی در مکتب اسلام و لیبرالیسم عنوان شد ولی مشخصا باید پرسید که نقش اصلاحی نماز چیست و چگونه می تواند معیار حرکت اصلاحی صحیح در بعد عملی باشد؟ در پاسخ می گوئیم:

الف) نماز، ستون و پایه دین در جامعه اسلامی است که تمام اعمال دیگر به واسطه آن اعتبار یافته و به تبع آن قبول می شود. اقامه نماز به عنوان اصلی ترین مظهر و خالص ترین نمود ارتباط بنده با پروردگار، ملاک و معیار دیگر اعمال می شود. نماز، عصاره عبادت است؛ عبادتی که روح تمام اعمال انسان مسلمان می باشد و میزان خلوص اعمال انسان، به میزان خلوص نماز او بستگی دارد. انسان، روزی پنج مرتبه روی به درگاه خداوند می آورد و این ارتباط را تقویت می کند و با تقویت این ارتباط، روابط اجتماعی خود را نیز تنظیم می کند.

ب) مسأله «ایتاء زکات» که مصداق اعلاى آن، زکات مالی است و به طور عام تر، روابط سالم اقتصادی در جامعه اسلامی است. در اصل، «ایتاء زکات»، برقراری هر گونه روابط اجتماعی سالم (بین افراد جامعه اسلامی) را شامل می شود. ایتاء زکات، همواره با اقامه نماز، همراه بوده است که حاوی این پیام می باشد:

روابط سالم اجتماعی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... منوط است به رابطه صحیح افراد جامعه با خداوند؛ یعنی تمام روابط انسانی، زمانی در صحت و سلامت است که انسان ها

[صفحه ۱۹۳]

بتوانند با هماهنگی یکدیگر، یگانه شوند و به سوی خدا (خدایی که از اویند)، در سیری صعودی باز گردند. این است حقیقت نظام توحید عملی؛ «ایاک نعبد».

پس هر گونه اصلاحی در ربط با جامعه، باید با محوریت اقامه نماز (به مثابه ایجاد ارتباط عملی با خداوند) معنا پیدا کند پس «اقامه نماز، نخستین ثمره و نشانه حکومت صالحان است.» [۱] البته «اقامه نماز، فقط این نیست که صالحان، خود نماز بگذارند، این چیزی نیست که بر تشکیل حکومت الهی متوقف باشد بلکه باید این ستون دین در جامعه به پا داشته شود...» [۲].

چه زیبا امیر بیان در سفارش به استانداران خود می نویسد:

«و اعلم ان کل شیء من عملک تبع لصلوتک.» [۳].

و چه زیبا هم او و هم فرزند برومندش در عرصه عمل و در میانه میدان کارزار این شعار محوری را جامعه عمل می پوشانند و چه زیبا سلف صالح ایشان، حضرت امام (ره)، نماز را در محور برنامه های فردی و حکومتی خود قرار می دهد؛ برای مثال: در روز فرار شاه در نوفل لوشاتو در مقابل ۱۵۰ دوربین به هنگام اذان، سخنان بسیار حساس خود را قطع نموده و به رغم اصرار اطرافیان، به اقامه نماز می پردازد.

[۱] پیام معنویت - پیام اول - صفحه ۷.

[۲] همان.

[۳] نهج البلاغه مرحوم دشتی - صفحه ۱۵۳ - نامه ۲۷ - فراز ۱۵.

کارکردهای اصلاحی نماز

کارکردهای اصلی از منظر امام و شهید مطهری: وحدت بخشی دورنی و بیرونی

- جلوگیری از تشتت و تفرقه در روان انسان و ایجاد و بقای وحدت در قوای درونی انسان، در مسیر توحید عملی که به تعبیر شهید مطهری «به یگانگی رسیدن واقعیت وجودی انسان در یک نظام روانی و در یک جهت انسان و تکاملی» [۱] می باشد.

- جلوگیری از تشتت و تفرقه در جامعه انسانی و ایجاد و بقای وحدت در جامعه توحیدی که به تعبیر شهید مطهری «رسیدن جامعه انسانی به یگانگی و یکپارچگی در یک نظام اجتماعی

[صفحه ۱۹۴]

همانگ متکامل» [۲] می باشد.

پس جامعه توحیدی وحدت محور بوده، با جامعه ی تکثرگرای غرب اختلافی بنیادین دارد. در نتیجه وحدت گرایی اجتماعی که از عوامل بقای جامعه توحیدی و معیار اصلاح اجتماعی در جمهوری اسلامی است، می تواند ما را در بازشناسی اصلاحات حقیقی از افساد مدعیان اصلاح، یاری کند.[۳]

حضرت امام (ره)، محور اصلی وصیت نامه خود را چنین می نگارد:

«بی تردید رمز بقاء انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسل های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن، انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد» است.

آری، وحدت اجتماعی مورد نظر امام (ره) که موجب پیروزی و بقای نظام اسلامی گردید، مبتنی بر انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی بود؛ یعنی وحدتی آگاهانه نه صرفاً احساسی، حال آنکه تقویت احزاب به شکل غربی و پلورالیستی شکننده این وحدت است. (همان گونه که چنین وحدتی براندازنده ی پلورالیسم و تفرقه و تشتت است.) این هر دو با هم متعارضند و کسانی که با افتخار، خود را

[صفحه ۱۹۵]

مروج پلورالیسم می نامند و با صراحت بیان می کنند که باید اختلاف ها را اصل قرار داد، دانسته یا نادانسته به فکر براندازی ارکان بقای این نظام توحیدی هستند. اساساً نظام عملی هدایت اجتماعی امام (ره)، توحیدی بود و در مقابل نظام هدایت حزبی قرار داشت. لذا به نحو اجمال ابتدا به نقد نظام هدایت حزبی از منظر امام (ره) می پردازیم، سپس به نماز و مسجد به مثابه عامل تقویت نظام هدایت اجتماعی امام (ره) اشاره می کنیم.

حضرت امام (ره)، منشأ پیدایش احزاب در کشورهای اسلامی را توطئه ای حساب شده توسط قدرت های وقت می دانست که وحدت امت اسلام را نشانه رفته است.

«چون خارجی ها می خواستند از اختلاف ملت ها، از اختلاف توده های مردم استفاده کنند، یکی از راه هایی که موجب این می شود که اختلاف پیدا شود و مردم با هم در یک مسائلی مجتمع نشوند، قضیه احزاب بوده است.»[۴]

حضرت امام (ره) به قدری نسبت به تفرقه و تشتت حاصل از تشکیل احزاب، در آستانه انقلاب، نگران بودند که پس از سه ماه نصحیت، بالاخره در ۳ / ۱۰ / ۵۷ لب به شکایت گشودند و چنین گفتند:

«من در این سه ماهه که بودم نتوانستم که این معنا را از بین ببرم و مأیوس شدم از شماها. شما می دانید چه ضرری دارید به اسلام می زنید! چه ضرری دارید به کشور خودتان می زنید! و چه خدمتی دارید به امریکا و شوروی و انگلستان می کنید!... چرا در یک نهضت اسلامی این قدر هوای نفس دارید!... همیشه سفارش کردیم به اینکه وحدت کلمه داشته باشید تا بتوانید یک کاری کنید. اگر هر کدام یک جناح خاصی باشد... این اول استفاده اش مال جانب است، آنها الان که دیدند یک وحدتی در ایران پیدا شده است و رو به وحدت دارد می رود... افتادند توی کار برای اینکه جناح ها را از هم جدا کنند.» [۵].

البته سیره امام (ره) در طول حیات حکومتی شان نشان از آزادی در ارائه سلايق سياسی داشت ولی مشروط به داشتن وحدت در اصول نظام و اسلام، حفظ وحدت جامعه و دخالت ندادن هوای نفس و رقابت های مخرب در امور سياسی، و در یک کلام تکثر سلايق در پرتو وحدت در اصول برای

[صفحه ۱۹۶]

ایشان قابل قبول بود. [۶].

حضرت امام (ره) به موازات کوشش در تخریب نهادهای وحدت شکن، سعی در ایجاد نهادهای کلان و عمومی در جهت تقویت وحدت در جامعه نمود. یکی از این نهادهای اصلی جهت ایجاد و حفظ و تحکیم وحدت، نماز و مسجد با سازوکار مورد نظر امام (ره) بود. آری اگر سلايق مختلف روزی پنج بار در جهت واحد، اصول مشترک و دشمنان مشترک و امور مهم دیگر را دوره کنند، «تهدید» تفرقه افکنی دشمنان به «فرصت» اصلاح برادران دینی و تعمیق دشمنی با مفسدان تبدیل می شود و این حداقل کارکرد سياسی - اجتماعی نماز است.

امام (ره) در مورد کارکرد سياسی - اجتماعی نماز فرمودند:

«مسجد، مرکز اجتماع سياسی است و از این، یک قدری وسعتش زیادتیر، می شود نماز جمعه. در هر هفته همه مجتمع بشوند در یک جایی،... با خطبه ها و با روشنگری ها (که باید خطیب یک آدم روشن روشنگر باشد و) و مردم را به وظایف سياسی خودشان، به وظایف اجتماعی، به وظایف فرهنگی خودشان آشنا بکند. اجتماعات در هر سال یک دفعه برای دو تا عید، دو اجتماع بزرگ و [یک دفعه هم در] یک اجتماع همگانی برای همه مسلمین، اشخاصی که می توانند به مکه بروند.» [۷].

پس عمده ترین کارکرد نماز در جنبش اصلاحی اسلام، ایجاد و تداوم نظام عملیاتی توحیدی است که با محور وحدت مؤمنین در جهت عبودیت رب العالمین، حرکت اصلاح اجتماعی را پیش می برد و لذا این وحدت بستر ضروری توحید عبادی می باشد.

در قرآن کریم نیز بر این نکته صحنه گذارده شده که بستر حرکت عبادی، امت واحده است و جهت آن ربوبیت الهی است که:

«ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون.» [۸] .

پیش شرط های عبودیت کامل، قرار گرفتن در امت واحده است و جهت گیری به سمت ربوبیت الهی، و این حرکت تا جایی پیش می رود که به کنه عبودیت که همانا ربوبیت است، برسد که:

[صفحه ۱۹۷]

«العبودية جوهره کنهها الربوبية.» [۹] .

[۱] مجموعه آثار- جلد ۲- صفحه ۱۰۶.

[۲] همان.

[۳] در اینجا لازم می بینم که باز نسبت به خطر التقاط در جنبش به ظاهر اصلاحی کشورمان هشدار دهم. جملات زیر از زبان یکی از مدعیان رهبری جنبش اصلاحات در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۰ بیان شده است:

«... در دوم خرداد به نظر من شعارها کاملاً پوپولیستی بود. توده مردم فارغ از اختلاف های داخلی شان به صحنه آمدند. سی میلیون رأی دهنده که همگی یک فکر و یک جهت نبودند. پوپولیسم، ذاتی سیاست ماست. ذاتی جامعه ی توده وار است. اگر جامعه منشعب شده باشد و نهادهای مدنی شکل گرفته باشند، از پوپولیسم فاصله می گیریم. خود خاتمی هم بر موج پوپولیسم سوار شد، مثل انقلاب اسلامی (!!!) مشکل ما این است و کماکان هم خواهد بود. باید نهادهای مدنی را تقویت کنیم تا از پوپولیسم جلوگیری شود.» (روزنامه ایران- ۹ / ۳ / ۸۰ صفحه ۵ ویژه نامه- مصاحبه با سعید. ح) مفهوم پوپولیسم در همین مقاله (ص ۱۰۶) به تفصیل بیان شده است. نظام های لیبرال، برای موجه جلوه دادن پلورالیسم (تکثرگرایی) در ابعاد معرفتی و اجتماعی، نقطه مقابل آن یعنی پوپولیسم را نفی می کنند؛ غافل از اینکه راه سومی نیز وجود دارد که اصل را بر وحدت جامعه بر اساس یگانگی ذات انسان در همگان (فطرت) قرار داده و انسان ها را دعوت به یگانگی و وحدت اجتماعی بر مبنای این توحید درونی می نماید و به این ترتیب پلورالیسم را نفی می کند، بدون آنکه دچار پوپولیسم شود. کسانی که در کشور اسلامی ما ناآگاهانه یا مغرضانه بر طبل پلورالیسم می کوبند و حرکت های مخالف آن را با انگ پوپولیسم از صحنه خارج می کنند، فهمیده یا نفهمیده موجبات تخریب جامعه وحدت محور ما را پی ریزی می کنند.

[۴] صحیفه نور- جلد ۲- صفحه ۵۷۸ تا ۵۸۲- به نقل از راه امام- کلام امام.

[۵] همان.

[۶] صحیفه نور / ج ۲۱ / پاسخ به نامه حجة الاسلام محمد علی انصاری.

[۷] صحیفه نور- جلد ۹- صفحه ۱۳۷ (۲۵ / ۶ / ۵۸) به نقل از امام در سنگر نماز- صفحه ۱۳۷.

مروری بر کارکردهای اصلاحی نماز در پیام های مقام معظم رهبری به چند اجلاس

سراسری نماز

کارکردهای اصلاحی اقامه نماز در منظر رهبر معظم انقلاب را در ۲ بخش نظری و عملی (به مقتضای بحث آغازین) بررسی می کنیم:

کارکردهای نظری

- محبوب فطری عالم وجود و نماز: در بخش اول به تفصیل ذکر شد که بستر اصلاحات اسلامی بر مبنای اعتقاد فطری به توحید است. نماز در بیان رهبر معظم انقلاب «مظهر کامل پرستش و نیایش و رازگویی و نیازجویی و عشق و ایمان به محبوب فطری عالم وجود است» [۱] به تعبیر دقیق تر نماز موجب بیداری فطری و زدودن غبار فراموشی از آن می شود، ایشان در این رابطه چنین بیان می کند که نماز در انسان «روح پرستش و خضوع در برابر حضرت باری تعالی را که محبوب حقیقی و فطری هر انسان است، زنده می کند و غبار فراموشی از این حقیقت درخشنده را که در ژرفای فطرت او نهاده شده است، می سترد» [۲].

- تحقق سنن الهی و نماز: در جهان بینی توحیدی اسلام، هر حرکتی در صورتی موفق است که هماهنگ با آفرینش و سنن الهی باشد و نماز این نقش هماهنگ کننده را دارد که رهبر اندیشمند می فرماید: «... نماز که با روح آن یعنی توجه و حضور قلب به جای آورده شود چنین نمازی، نمازگزار را با همه آفرینش، هماهنگ و همسو می سازد و راه را برای تحقق سنت های الهی در طبیعت و تاریخ باز می کند، چرا که در بینش اسلامی همه آفرینش در حال تسبیح و عبودیت حضرت حق است» [۳].

- معارف دین و نماز: حرکت های اصلاحی در سطح کلان اجتماعی نیازمند مکانیسمی هستند که دائم مورد بازنگری و توجه به اصول و کنترل مسیر توسط رهبران حرکت در درجه اول و کلیه کسانی که در اصلاحات نقش دارند بلکه کلیه افراد جامعه مورد اصلاح قرار گیرد. در اصلاحات اسلامی،

مکانیسمی که دائم اهداف و کلیات حرکت اصلاحی اسلامی را متذکر می شود؛ بلکه خلاصه معارف مکتب اسلام را پنج بار در روز مرور می کند، نماز است. ایشان نیز توجه به این خصوصیت نموده می فرماید: «کلمات و اذکار نماز، هر یک خلاصه ای است که به بخشی از معارف دین اشاره می کند و بطور مکرر و پی در پی آن را به یاد نمازگزار می آورد. نمازی که با تدبیر در معانی و بدون سهو و غفلت گزارده شود، انسان را روز به روز با معارف الهی آشناتر و دلبسته تر می سازد.» [۴].

«حقیقت آن است که نماز با... درس های معرفتی گوناگون که در الفاظ و اذکار آن نهفته... در واقع نقش کلیدی در اداره فرد و جامعه دارد» [۵].

- اهداف حرکت اصلاحی و نماز: همانگونه که در بخش نخست متذکر شدیم، مهمترین ویژگی حرکت اصلاحی جهت گیری به سمت اهداف مطلوب است. اگر اهداف حرکت اصلاحی درست شناخته نشود چه بسا حرکت اصلاحی منحرف شود یا از ابتدا در جهت صلاح و اصلاح نباشد پس باید در جستجوی مکانیسمی بود که ما را به سوی اهداف جامعه نیکبخت اسلامی که همان فلاح و سعادت جوامع انسانی است سوق دهد، پس اولا اقامه نماز به انسان هدف می بخشد:

«نماز با حضور و با توجه، نمازی که از یاد و ذکر سرشار است، نمازی که آدمی در آن با خدای خود سخن می گوید و به او دل می سپارد، نمازی که والاترین معارف اسلام را پیوسته به انسان می آموزد، چنین نمازی انسان را از پوچی و بی هدفی و ضعف می رهاند و افق زندگی را در چشمش روشن می سازد و به او همت و اراده و هدف می بخشد و دل او را از میل به کجروی و گناه و پستی نجات می دهد. از این رو است که نماز در همه حالات، حتی در میدان نبرد و در سخت ترین آزمایش های زندگی اولویت خود را از دست نمی دهد» [۶] پس اقامه نماز بخاطر رهانیدن انسان از پوچی و بی هدفی در تمام عرصه های زندگی اولویت می یابد.

ثانیا: اقامه نماز بواسطه نقش بنیانی خود در پیشبرد هدف های نظام اسلامی در صدر فهرست وظایف حاکمیت الهی قرار گرفته است. ایشان در این رابطه فرموده اند: «در میان مجموعه وظایف خطیری که با استقرار حاکمیت الهی در نقطه ای از زمین، بر دوش مؤمنان و بندگان زبده خداوند قرار

[صفحه ۱۹۹]

می گیرد، قرآن اقامه نماز را شأنی ویژه بخشیده و آن را در صدر فهرست، جای داده است:

«الذین ان مکنانهم فی الارض اقاموا الصلوۃ...» اگر برپا داشتن نماز در میان مردم، نقشی بنیانی نمی داشت و همچون پایه استواری برای پیشبرد هدف های بزرگ نظام اسلامی به شمار نمی آمد، چنین تأکید بلیغی بر اهمیت نماز نمی شد» [۷].

ایشان در پیام دیگر هدف های یک جامعه نیک بخت را چنین بیان می کند:

«تأمین عدالت اجتماعی، دستیابی به رفاه عمومی و شکوفایی مادی، پرورش استعدادها و خلاقیت ها در آحاد مردم، برخورداری از دانش و بینش و تجربه، عزت و استقلال و اقتدار ملی، گسترش اخلاق انسانی و روابط سالم میان آحاد مردم به ویژه در کارگزاران امور کشور...» [۸] این اهداف «در صورتی تأمین می شوند که تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در آحاد مردم به ویژه در کارگزاران امور کشور تأمین شود و...» [۹] لذا می توان گفت: «نظام اسلامی برترین هدفش، پرورش انسان های والا و با فضیلت است» [۱۰] و پس اصلاحات در نظام اسلامی با توجه به مطالب پیش گفته «سازندگی فرد و جامعه را از هر دو سو (یعنی هم از جسم و هم از جان، هم در عرصه های مادی و هم در ساحت معنوی) به پیش می برد و هر دو بال پرواز و تعالی آدمی را می گشاید و می آراید.» [۱۱].

اگر برترین هدفی که نظام اسلامی به سوی آن در حرکت است «پرورش انسان های والا و با فضیلت است» [۱۲] پس نماز که نقش برتر در تهذیب نفس و پرورش روانی انسان ها» [۱۳] دارد، اقامه ی آن برترین فضیلت حاکمیت صالحان است. رهبر انقلاب این نقش برتر را در سه خصوصیت عمده نماز (یعنی توانایی دوری انسان ها از فحشا و منکرات بطور طبیعی (با شکل ظاهری نماز) و زنده کردن روح پرستش فطری در انسان ها و آرام بخشی و اطمینان دهی که شرط اصلی موفقیت در همه عرصه هاست) عنوان نمودند [۱۴] و افزودند:

«اکنون هنگامی که می بینیم نماز با این ویژگی ها و کارسازی استثنایی اش، گستردگی به اندازه گستره همه جامعه اسلامی دارد (یعنی همه در هر حال و هر جا وظیفه دارند آن را به جای آورند و

[صفحه ۲۰۰]

هیچ کس، هرگز از قلمرو این فریضه الهی بیرون نیست) در می یابیم که اندازه تأثیر آن در تأمین شرایط نیکبختی یک ملت و یک جامعه، چقدر زیاد است. حقیقت آن است که هر گاه در میان مردمی، نماز با همه شرایطش رواج داشته باشد، همین یک واجب الهی آنان را تدریجا به همه نیکبختی ها می کشاند و خیمه دین را در زندگی آنان برپا می سازد.» [۱۵].

[۱] پیام معنویت / پیام ششم / ص ۴۳.

[۲] همان / پیام پنجم / ص ۳۷.

[۳] همان / پیام پنجم / ص ۳۸.

[۴] همان / پیام اول / ص ۸ و ۹.

[۵] همان / پیام هفتم / ص ۵۲.

[۶] همان / پیام اول / ص ۹ - ۱۰.

[۷] همان / پیام هفتم / ص ۵۱.

[۸] همان / پیام پنجم / ص ۳۶.

[۹] همان.

[۱۰] همان / ص ۵۹.

[۱۱] همان.

[۱۲] همان.

[۱۳] همان / پیام پنجم / ص ۳۷.

[۱۴] همان.

[۱۵] پیام معنویت / پیام پنجم / ص ۳۸.

کارکردهای نماز در عرصه عمل (نقش نماز در نظام عملیاتی اصلاح اجتماعی)

نقش اصلاحی نماز در زمینه فردی و اجتماعی به ۲ صورت بروز می کند: ۱- ایجاد مقتضای حرکت اصلاحی ۲- رفع موانع از مسیر اصلاح؛ اصلاحی که از فرد آغاز شده در سطح جامعه به کمال خود می رسد و از اصلاحات در بلاد اسلامی گرفته تا اصلاحات معنوی را شامل می شود.

- نماز و ایجاد مقتضی و رفع مانع در وصول به حیات طیبیه انسانی:

«نماز رکن اصلی دین است و باید اصلی ترین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد. حیات طیبیه انسان در سایه حاکمیت دین خدا، وقتی حاصل خواهد شد که انسان ها دل خود را با یاد خدا زنده نگه دارند و به کمک آن بتوانند با همه جاذبه های شر و فساد مبارزه کنند و همه بت ها را بشکنند و دست تطاول همه شیطان های درونی و بیرونی را از وجود خود قطع کنند، این ذکر و حضور دائمی فقط به برکت نماز حاصل می شود.» [۱].

- نماز پشتوانه مبارزه با افساد شیاطین درون و بیرون: «نماز در حقیقت، پشتوانه مستحکم و ذخیره تمام نشدنی در مبارزه ای است که آدمی با شیطان نفس خود که او را به پستی و زبونی می کشد و شیطان های قدرت که با زر و زور او را وادار به ذلت و تسلیم می کنند، همیشه و در همه حال دارد... در برابر جبهه فساد و بی عدالتی و کجروی

که امروز بشریت را تهدید می کند، از نماز و یاد خدا نیرو بگیرند. میدان مبارزه ای که امروز پیش روی ماست، ما را به تکیه گاه مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او، بیش از همیشه و بیش از همه، محتاج می سازد. و نماز، آن سرچشمه جوشانی است که این امید و اعتماد و قدرت معنوی را به ما می بخشد.» [۲] .

[صفحه ۲۰۱]

در جای دیگر نماز را بزرگترین فریضه و مؤثرترین ابزار در میدان تکاپوی فردی و در صحنه جهاد جمعی و اجتماعی، در برابر معارضان پر قدرت دنیایی دانسته، می افزایند: «از این رو باید دانست که پایمردی در همه گونه رویارویی، وابسته به آن است که دل ها و اراده ها از صفا و توکل و اعتماد به نفس و امید به فرجام لبریز باشد و نماز سرچشمه جوشانی است که این همه و بسی فیوضات دیگر را بر دل و جان نمازگزار سرازیر می کند و از او انسانی روشن ضمیر و ثابت قدم و بی دغدغه و امیدوار می سازد» [۳] در جای دیگر: نماز انسان هایی را تربیت می کند که «توانایی برداشتن بارهای سنگین را دارا باشند و در برابر موانع گوناگون و بویژه امواج فساد و تباهی یارای ایستادگی داشته باشند» [۴] پس با توجه به این کارکرد می توان گفت خصوصیتی که اقامه نماز با شرایط آن (توجه و ذکر و حضور دائمی) در نمازگزاران ایجاد می کند (از قبیل ذکر خدا، امید، اعتماد به او، قدرت معنوی، صفا، اعتماد به نفس، امید به فرجام، روشن ضمیری، ثبات قدم، بی دغدگی و توانایی تحمل بارهای سنگین و ایستادگی در برابر امواج فساد) آنها را برای مبارزه با فساد درونی و افسارگران بیرونی مهیا کرده و زمینه سازی اصلاح ایشان می گردد (اعم از اصلاح فرد یا جامعه).

- نماز شرط رهسپاری به سوی کامیابی و توفیق در اصلاحات اجتماعی:

«شک نباید کرد که این راهی است به سوی کامیابی و توفیق در همه مهام شخصی و اجتماعی، راهی است به سوی سعادت و فلاح... «قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلوتهم خاشعون...» [۵] چه افراد و جماعاتی که با شناختن قدر و جایگاه ذکر و خشوع و انابه - که نماز مظهر کامل آن است و همراه کردن کار و ابتکار دنیایی با آن، به قله های تعالی و کمال رسیدند، و چه بی خبران و کوتاه نظرانی که با غفلت از این راز بزرگ هستی خود را از سعادت کامل محروم ساختند... انسان هایی که تلاش و مجاهدت در عرصه زندگی بشری را با یاد خدا و انس با او و عشق به او همراه می سازند، خوشبختی در معنای حقیقی آن را در می یابند و آن را برای جسم و جان خود فراهم می کنند» [۶]

- اصلاحات و همت، اراده، هدف و نماز

هر فکر اصلاحی بدون پشتوانه های انسانی دارای همت و اراده، و بدون توجیه نسبت به هدف و

[صفحه ۲۰۲]

ایجاد انگیزه، نمی تواند به جنبش و حرکت اصلاحی تبدیل شود. نقش نماز در ایجاد این ویژگی های انسانی در بیان رهبر معظم انقلاب به این ترتیب است که: «نماز با حضور و با توجه، نمازی که از یاد و ذکر سرشار است، نمازی که... چنین نمازی انسان را از پوچی و بی هدفی و ضعف می رها کند و وفق زندگی را در چشمش روشن می سازد و به او همت و اراده و هدف می بخشد و دل او را از میل به کجروی و گناه و پستی نجات می دهد. از این روست که نماز در همه حالات، حتی میدان نبرد و در سخت ترین آزمایش های زندگی اولویت خود را از دست نمی دهد. انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه های خطر محتاج تر» [۷].

- شأن خیرالعملی نماز در مقایسه با سایر اعمال اصلاحی:

حرکت های اصلاحی به واسطه اهدافی که دنبال می کنند، نیاز به بریدن از وضع موجود برای وصول بدان اهداف دارند. این اهداف هر چه بلندتر باشد، دل کردن از امور موجود و فدا کردن برخی امکانات و راحتی ها را می طلبد و در مجموع حرکت های اصلاحی نیازمند مایه های لازم ایثار و گذشت از یک سو و توکل و تعبد از دیگر سویند تا بتوانند مسیر پرخطر «گذار از وضع موجود به مطلوب» را طی نمایند از وسیله های ایصال به اهداف اصلاحی در نظام اسلامی می توان به جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و زکات اشاره نمود که مقام معظم رهبری شأن خیرالعملی نماز را در ربط با این سه واجب چنین توضیح می دهند: «در میان مجموعه وظایف خطیری که با استقرار حاکمیت الهی در نقطه ای از زمین بر دوش مؤمنان و بندگان زبده خداوند قرار می گیرد، قرآن اقامه نماز را شأنی ویژه بخشیده و آن را در صدر فهرست جای داده است» [۸] ایشان در ادامه ضمن اشاره به نقش بنیانی اقامه نماز در پیشبرد هدف های بزرگ اسلامی و نقش کلیدی آن در اداره فرد و جامعه و بی نظیر بودن سفارش به آن، دلیل این همه را چنین عنوان می کنند: «این بخاطر نقش استثنایی نماز در تنظیم انگیزه های روانی فرد و تأمین فضای مساعد برای تحمل بارهای سنگین وظیفه، در جامعه است. با توجه به همه این جهات بحق باید نماز را برترین اعمال دانست و صلاهی «حی علی خیر العمل» را در بانگ نماز، سخنی حکمت آمیز به حساب آورد.

نماز مایه های لازم ایثار و گذشت و توکل و تعهد را که پشتوانه حتمی واجبات پرخطر و دشوار

همچون جهاد و نهی از منکر و زکات است در روح آدمی پدید می آورد و او را شجاعانه بدان میدان ها گسیل می دارد.» [۹] ایشان در نهایت بنحو کلی می فرمایند: «بمثابه پشتوانه روحی و معنوی همه مجاهدت ها و ایثارها و خطرپذیری ها بر اهمیت آن افزوده می شود» [۱۰] و صد البته حرکت های اصلاحی که درجه خطرپذیری و در نتیجه نیاز به مجاهدت و ایثار در آنها بالاست در صدر اعمال دیگر نیازمند پشتوانه روحی و معنوی نماز می باشند.

[۱] همان / پیام اول / ص ۸.

[۲] همان / پیام اول / ص ۸ و ۹.

[۳] پیام معنویت / پیام سوم / ص ۲۰.

[۴] همان / پیام پنجم / ص ۳۶.

[۵] مؤمنون / ۱ و ۲.

[۶] همان / پیام ششم / ص ۴۴ و ۴۵.

[۷] پیام معنویت / پیام اول / ص ۹ - ۱۰.

[۸] همان / پیام هفتم / ص ۵۱.

[۹] پیام معنویت / پیام هفتم / ص ۵۲.

[۱۰] پیام معنویت / پیام هفتم / ص ۵۳.

مروری بر کارکردهای اصلاحی نماز در آثار شهید بهشتی

کارکردهای نظری

- زنده ماندن روح کمال و فضیلت و یکتاپرستی با نماز:

«... اسلام نیز می گوید، نماز سرود توحید است؛ سرود کمال و فضیلت است و مسلمان در هر روز باید در چند نوبت آن را بخواند تا روح یکتاپرستی و کمال و فضیلت در او زنده بماند. این معنی نماز است.» [۱].

- نماز؛ تمرین و تلقین معارف اسلام بطور مستمر:

از مهمترین اموری که در طول حرکت اصلاحی باید از نظر دور نداشت، مرور همیشگی و مستمر و در عین حال قابل فهم مبانی اصلاحات در نزد رهبران و مردم می باشد. نماز در اسلام چنین کارکردی دارد. شهید بهشتی در این خصوص می گوید: «... نمازگزار وقتی که اینها را می گوید مفاهیم و تعالیم عالی اسلام را به خود تلقین می کند» [۲]. ایشان در جای دیگر ضمن نقل روایتی تاریخی، برخورد پیامبر با خواسته های قبیله «بنی ثقیف» در رابطه با نماز را چنین می نویسد: نمایندگان قبیله ی بنی ثقیف «ضمن مذاکره خود به پیغمبر پیشنهاد کردند که بنی ثقیف مسلمان شوند ولی از خواندن نماز معاف باشند. پیغمبر (ص) ضمن پاسخ فرمود «... و اما الصلوة؛ لاخیر فی دین لاصلوة معه» [۳]. اما نماز؛ مسلمان شدنی که با نماز همراه نباشد، ارزشی ندارد.» [۴] و به تعبیر دیگر «اسلامی که با تمرین روزانه آن، یعنی نماز، همراه نباشد خیر و برکت و اثری ندارد» [۵].

[صفحه ۲۰۴]

- شروع هر حرکت و کاری با نام خدا

هر حرکت اصلاحی نیاز به نمادها و شعارهایی دارد که خلاصه آن حرکت را در موجزترین عبارات بیان کند. اسلام در حد اعجاز تمام پیام های خود را در کلماتی با نهایت ایجاز بیان نموده است و از آن قبیل نام خداست که در اول هر حرکت اصلاحی برای ابتر نماندن آن حرکت باید آن را به این نام پیوند داد. شهید بهشتی در این باره می نویسد: «مسلمان هر کار و هر سخن را فقط به نام خدا شروع می کند و در جامعه مسلمان هر چیزی تنها «به نام خدا» افتتاح می شود.» [۶] و «تنها خداست که می شود به نام او کاری را شروع کرد.» [۷].

- پیام های اصلاحی تغییر قبله (جهت گیری صحیح در حرکت های اصلاحی)

شهید بهشتی ۲ مقاله در کتاب سرود یکتاپرستی را به تغییر قبله اختصاص داده اند که در آن بحث مبسوطی در این زمینه انجام داده اند. به لحاظ گستردگی بحث ایشان (که حدود ۵۰ صفحه را شامل می شود) خلاصه ای از مطالب مربوط به این مقاله ارائه می گردد:

مسلمانان در شبانه روز حداقل پنج بار تمرین عملی در قرار گرفتن به سوی جهت واحد (قبله) دارند. یکی از جالب ترین و از سویی سؤال برانگیزترین مسائل صدر اسلام، مسأله تغییر قبله بود. آیات ۱۴۲ تا ۱۵۲ سوره بقره، درباره ی جریان تغییر قبله و مطالب پیرامون آن است. جهت گیری مکانی پیامبر در مکه نمی توانست رو به کعبه که بتخانه بین المللی مشرکین بود، باشد بدلیل اینکه اولاً اسلام نوپا بود، ثانیاً جهت گیری مکانی، حاکی از جهت گیری فکری نیز می باشد، لذا پیامبر، جهت خود را به سمت مرکز ادیان توحیدی (مسجد الاقصی) گرداند (البته به امر الهی) تا جهت گیری مکانی مخالف با مشرکین، نشان از اعتقادات مخالف با نظام شرک نیز باشد. از سوی دیگر در مدینه، زمانی که پیامبر از پایگاه مشرکین (مکه) دور شد، اهل کتاب، پیامبر را از خود دانسته و برای او هیچ حرف تازه ای قائل نبودند. تغییر جهت از بیت المقدس (خانه ادیان توحیدی) به سوی مکه (قبله موحدین و بنای توحیدی ابراهیمی) از یک سو استقلال نهضت اسلامی را نمایان ساخت و از دیگر سو در عمل مخالفت با ادیان تحریف شده مسیحیت و یهودیت را به نمایش گذارد. پس برخی اهداف تغییر قبله شامل این موارد بود:

[صفحه ۲۰۵]

۱- کعبه و بیت المقدس، معبود نیستند بلکه هر دو سنگ نشانی هستند تا ره گم نشود. لذا اولین دلیل تغییر قبله چنین ذکر شده: «قل لله المشرق و المغرب» [۸].

۲- تغییر قبله از بیت المقدس به سمت کعبه به خاطر رفع مانعی بود که پیامبر و یاران را از قرار گرفتن در سمت کعبه در مکه باز می داشت، همچنین اعلام استقلال نهضت اسلام از یهودیت و مسیحیت تحریف شده بود و این استقلال زمینه ای برای ایجاد جامعه نمونه اسلامی بود که آیه بعد ناظر به این مطلب است: «و کذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهيدا» [۹].

لذاست که باید در تمام حرکات اصلاحی، مرزها را با دشمنان مشخص نمود (مرزهای خودی و غیرخودی) و نهضت های اسلامی باید از هر جریان شرقی و غربی و منحرفی در جهان، مستقل باشند تا ثمر داده و الگو شوند.

۳- تغییر قبله برای شناسایی مؤمنین از سست ایمانان و منافقین بود چرا که حرکت های اصلاحی عظیمی مثل صدر اسلام نیاز به افراد زبده و امتحان شده و غیر متزلزل و در یک کلام مؤمن واقعی دارد. لذا خداوند ایشان را در همان ابتدا با این حرکت امتحان کرد تا سفیهان و منافقان و سست ایمانان، تصفیه شده یا به خود آیند یا حساب خود را از مؤمنین واقعی جدا کنند. پس قبله ای که به اعتبار جعل خداوند تقدس می یابد، با تغییر جعل هم تغییر می یابد و پیام آن برای حرکت های اصلاحی این است که باید محکومات را از متشابهات باز شناخت، باید مردم را با محکومات حرکت های اصلاحی آشنا کرد تا در صورت تغییرات تاکتیکی در حرکت، کسانی متزلزل نشوند و پیام دیگر تغییر قبله این است که گاه رهبر جامعه ی اسلامی، برخی تغییرات تاکتیکی را در حرکت اصلاحی باید اعمال نماید تا افراد مغرض و نادان شناسایی شده و برخورد اصلاحی یا طردی مناسب با ایشان صورت گیرد.

مطالب زیادی در این بحث گنجانیده شده که مجال بازگویی آنها نیست ولی مشتاقان را به کتاب شهید بهشتی تحت عنوان سرود یکتاپرستی ارجاع می دهم (که این بحث نیز فشرده و گزینشی از بحث آن شهید می باشد).

[صفحه ۲۰۶]

[۱] سرود یکتاپرستی / ص ۲۸.

[۲] همان / ص ۲۵.

[۳] سیره ابن هشام ج ۴ / ص ۱۸۵ / به نقل از سرود یکتاپرستی / ص ۱۲۰.

[۴] سرود یکتاپرستی / ص ۱۲۹.

[۵] همان / ص ۳۰.

[۶] همان / ص ۱۱۴.

[۷] همان / ص ۲۲.

[۸] بقره / ۲۴۲.

[۹] بقره / ۲۴۳.

کارکردهای عملی

- نماز و عوامل تقویت وحدت اسلامی (زبان نماز- نماز جماعت و جمعه و عیدین- تلقین دوستی و پیوند با بندگان صالح خدا):

الف) زبان نماز: شهید بهشتی در جواب این سؤال که «آیا با توجه به خواسته های اسلام، نماز به زبان عربی خوانده بشود، بهتر است یا اینکه آزاد باشیم و به زبان غیرعربی بخوانیم؟» [۱] چنین استدلال نمودند که: «با توجه به اهمیتی که وحدت امت اسلامی و جامعه اسلامی در تعالیم اسلام دارد، باید کوشش شود عواملی برای تقویت پیوند میان مسلمان ها و کمک به وحدت اسلامی در قسمت های مختلف تعالیم اسلام پیش بینی شود؛ یکی از این عوامل یک رنگ بودن و یک جور بودن در برخی از عبادات از جمله نماز است... همچنین است اذان نماز. اساس اذان اعلام این است که وقت نماز رسیده و نماز برگزار می شود؛ لذا اگر قرار باشد اذان به زبان غیرعربی خوانده شود، [ناآشنای به آن زبان]... نخواهد دانست که آیا این اذان است یا آواز. در حالی که الان همین آشنایی لفظی به اذان و نماز سبب می شود که هر مسلمانی به هر یک از بلاد اسلامی برود بتواند در مساجد شرکت بکند و نماز بخواند. این اذان برای او مفهومی را دارد که در کشور خود دارد... وقتی یک مسلمان در مسأله نماز که یکی از شعائر بزرگ اسلام است و نقش مهمی از نظر اسلامی دارد و به عنوان پایه بزرگ اسلام و مسلمانی شناخته شده، احساس کرد که همه جای سرزمین اسلام برای او وطن است، به تقویت وحدت اسلامی و حفظ یکپارچگی مسلمانان کمک فراوانی می کند» [۲] «علاوه بر این، مسأله ی نماز جماعت و نماز جمعه است... همچنین ما مراسم بزرگ حج را داریم... آنجا نماز به چه زبانی باید خوانده شود... اگر این هماهنگی و یک رنگی [در شیوه نماز] نباشد، اصلاً منظور از انجام آن مراسم بزرگ نماز جماعت [در حج] که به عنوان یکی از نشانه های یکپارچگی امت اسلام است تأمین نمی شود» [۳].

ب) نماز جماعت و جمعه و عیدین: در قسمت پیش، با اشاره به نقش زبان واحد در وحدت و جماعت مسلمین بخصوص در جماعت بین المللی حج، شهید بهشتی در جای دیگر با اشاره به

[صفحه ۲۰۷]

کارکرد والای نماز چنین می نویسد: «نماز جماعت، نماز جمعه و نماز عید، از یک طرف در نمازگزاران اثر عمیق معنوی دارد و به رشد معنوی آن کمک می کند و از طرف دیگر بر همبستگی و یکپارچگی مسلمانان می افزاید» [۴] البته باید به این نکته توجه داشت که «نماز جمعه و نماز عید، هم عبادت دسته جمعی است و هم نموداری از همبستگی سیاسی و اجتماعی اسلامی. به همین جهت تشکیل و اداره آنها در درجه اول از کارهای حکومت اسلامی است» [۵].

آری یکپارچگی امت اسلام بستر مناسبی است که باید رهبر اسلامی از آن در مسیر اصلاحات اسلامی نهایت استفاده را ببرد.

ج) تلقین دوستی و پیوند با بندگان صالح خدا: شهید بهشتی در توضیح فرازهای نماز، در قسمتی چنین بیان می دارد که «السلام علينا و علی عبادالله الصالحین؛ سلام بر ما و بر همه بندگان نیکوکار خدا. مسلمان در هر نمازی پیوند دوستی با همه بندگان نیکوکار خدا را به خود تلقین می کند» [۶] ایشان در جایی دیگر در مورد کارکرد فرازهای آخر نماز می نویسد: «آنان بر پیغمبر، پیشوای بزرگ اسلام، بر دودمان پاک او و بر بندگان نیکوکار خدا سلام می گویند و درود می فرستند و اعلام می دارند که مسلمان در هر نقطه دنیا که باشد عضوی از امت اسلام [است] و با همه مسلمانان و بندگان نیکوکار خدا همبستگی دارد. این همبستگی آنقدر ریشه دار و گسترده است که هر مسلمان، حتی در موقعی که تنها به نماز ایستاده، خود را در جمع مسلمانان دیگر می یابد؛ گویی همه آنها همیشه با هم اند. بدین جهت در پایان نماز به همه آنها سلام می دهد؛ آن هم به صورت خطاب» [۷].

– نماز و کارکردهای احساس شخصیت و عزت نفس در اصلاحات

حرکت های اصلاحی برای شروع خود به دلیل نوری و تازگی علاوه بر همت و اراده، شجاعت و جرأت اقدام نیز لازم دارد؛ چه برای برنامه ریزان، چه تمام مردمی که در معرض اصلاحات ممکن است با برخی دشواری ها روبرو شوند. نماز از منظر شهید بهشتی احساس شخصیت و عزت نفس و اتکا به نفس و توکل به خدا را در انسان تقویت می کند و می دانیم کسی که با عزت نفس و کرامت نفس به امور نگرست، اصلاحات مبنایی را به راحتی های زودگذر همراه با ذلت ترجیح می دهد؛ شهید بهشتی در

[صفحه ۲۰۸]

فرازی چنین بیان می دارد که «لب مطلب این است که نماز، سرود یکتاپرستی، کمال و فضیلت و سرود حفظ شخصیت انسان مسلمان است» [۸] ایشان در تفسیر آیه «ایاک نستعین» می گوید: «مسلمان چشم طمع به هیچ کس ندارد، و گر نه استعانتی شرک آمیز خواسته است. با دیگران یا به صورت کار و فعالیت روبرو می شود، یا به صورت معامله، توافق و قرارداد؛ اما کمک آقا منشانه از اشخاص داشتن، نوعی پستی است که به روح بلند مسلمانان نشاید» [۹] «به عکس با اتکای به خدا و نیروهای خداداد و با استفاده از نیروی کار و ابتکار خود به تأمین شرافتمندانه نیازمندی های زندگی و خواسته و آرزوهای خویش می پردازد» [۱۰] ایشان در رابطه با رکوع و سجود

و سیر آن دو می نویسد: «نمازگزار با این جمله که در رکوع نماز می گوید، بار دیگر شعار توحید و یکتاپرستی را تکرار می کند و می گوید: بار الها! تنها عظمتی که مرا در برابر خود به خم شدن و رکوع وا می دارد، تویی... در برابر همه قدرت های طبیعی و انسانی سر راست می گیرم و هرگز اجازه نمی دهم قامت راستی که به من داده ای و فکر و اراده آزادی که به من ارزانی داشته ای در برابر این قدرت ها خم شود... در حالت سجود که نمودار کاملتری از خضوع و خشوع و فروتنی است، بار دیگر آهنگ توحید و یکتاپرستی را در گوش جان زمزمه می کند و می گوید:... من که یک مسلمانم، تنها در برابر خدا، خدایی که برتر از همه است، به خاک می افتم و هرگز در برابر هیچ کس و هیچ چیز جز او به خاک نخواهم افتاد.» [۱۱] .

– نماز و کارکرد آن در نفی فساد و فحشا (رفع مانع از حرکت های اصلاحی):

قرآن یک علت و فلسفه اقامه نماز را دور نمودن انسان از مفاسد، آلودگی ها، فحشا و منکرات می داند و می فرماید: «واقم الصلوة؛ ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر» [۱۲] این کارکرد نماز را شهید بهشتی (ره) در اجزاء گوناگون نماز بررسی نموده است که شامل موارد ذیل می باشد:

الف) نماز (بطور کلی): «سرگرمی به کار و تلاش روزانه در راه زندگی، برای بشر امری طبیعی و ضروری است... ولی در عین حال او را چنان در خود و آرزوهایش فرو می برد که گاه... از خود و شخصیت واقعی و انسانی خود، بیگانه اش می سازد و جسم و جاننش را آلوده می سازد... آلودگی به

[صفحه ۲۰۹]

هوس های تحریک شده و لجام گسیخته، خودخواهی ها و چشم و هم چشمی های برانگیخته، غرور ناشی از شکست و ناکامی، و به دنبال آن حسد و کینه و انتقام و صدها آلودگی دیگر. این آلودگی ها روح را تیره می کند و ما را از راه راست زندگی، راه پاکی و فضیلت و تقوا منحرف می کند و به راه فساد می کشاند؛ از یاد خدا غافل و به دام شیطان و وسوسه های شیطانی می افکند. بنابراین باید... دل و جان خود را هم شستشو دهیم و پاکیزه کنیم؛ خود را به خدا، سرچشمه پاکی و کمال نزدیک کنیم؛ لحظاتی را به یاد او، به نیایش او و راز و نیاز با او بگذرانیم و روح آلوده را در چشمه صاف و زلال الهی شستشو دهیم؛ این است نمازی که مسلمان روزی چند بار می خواند» [۱۳]

در جای دیگر چنین بیان می دارد که «روح لطیف آدمی به مراتب از جسم او برای آلوده شدن حساس تر و آماده تر است و بدلیل خاصیت قبول انفعالش، ضمانت بیشتری می خواهد تا در برابر فساد محیط مصون بماند. اسلام ضامنی

بهتر از پنج نوبت توجه عمیق به خدا، پیدا نکرده است» [۱۴] شهید بهشتی درباره مکانیسم نماز در پیشگیری از فساد می گوید: «چرا خداوند به پیغمبر (ص) می گوید [اقم الصلوة] نماز را در میان مسلمانان ترویج کن؛ [ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر] چون نماز از عوامل پیشگیری از فساد است؛ چون [مکانیسم آن، این است که] نماز روح ایمان را تقویت می کند و ایمان هر قدر تقویت شود، فساد کم می شود» [۱۵].

ب) محراب: «هر جا به نماز بایستید همان جا محراب است. به جنگ شیطان و هوا و هوس رفتن [معنای واقعی محراب] است. محراب جایگاه مبارزه با خودپرستی و خودخواهی است» [۱۶].

ج) وقت نماز: «آدمیزاد به حکم آفرینش خاصی که دارد سخت در معرض غفلت از خدا، راه خدا، پاکی و فضیلت است. باید دائماً یک نظم معنوی مراقب او باشد تا از راه خدا و فضیلت و پاکی منحرف نشود... پنج نوبت روح و جان خود را شستشو داده تا دائماً پاکیزه باشی [یمحو الله به الخطایا]» [۱۷].

د) وضو: ایشان در مورد اثر پاک سازی وضو عنوان می دارد که «انسان در این حال یک قدم به سمت پاکیزه شدن روح نیز برمی دارد» [۱۸].

[صفحه ۲۱۰]

ه) تکبیره الاحرام: از آفات و خطرات حرکت های اصلاحی لغزش و انحراف از میانه راه است؛ گاه با اینکه تفکر اصلاحی صحیح است ولی مصلحین از مسیر ترسیم شده می لغزند. شهید بهشتی این مطلب را چنین بیان می کند: «باور کنید آدمی در زندگی غالباً در اثر مرعوب شدن یا مجذوب شدن دچار لغزش می شود. آنها که می لغزند، یا مرعوبند یا مجذوب... آدمی که خود را نبازد، به این زودی ها دچار لغزش نمی شود. این یک نکته عالی اسلامی است؛ مسلمان حق ندارد در برابر هیچ چیز خود را ببازد؛ بنابراین من مسلمانم و نماز را شروع می کنم: «الله اکبر»؛ یعنی من نه مرعوب چیزی هستم و نه مجذوب چیزی. خدا از همه چیز بزرگ تر است.» [۱۹].

و) حمد: از آفات و خطرات اصلاحی دیگر نفوذ افراد دورو و متملق و چاپلوس است که مجال نقد حرکت اصلاحی را از رهبران آن می گیرد. شهید بهشتی در این باب نیز به این نکته ظریف در رابطه با کارکرد نماز اشاره دارد (ذیل تفسیر «الحمد لله رب العالمین») «تملق و چاپلوسی از عوامل فساد دو جانبه است. هم برای شخص متملق فساد روحی و پستی و دنائت می آورد، هم آن کسی را که دیگران تملق او را می گویند گمراه می کند... مسلمان از هیچ کس ستایشگری نمی کند؛ گر چه قدردانی می کند» [۲۰].

مداحی و ستایشگری یک آفت بزرگ اخلاقی و همچنین یک آفت بزرگ اجتماعی است. مداحی و چاپلوسی از یک طرف شخصیت خود را می کشد و خود را به دست خود پست و زبون می کند و از طرف دیگر با مداحی و چاپلوسی، شخصیت های دروغین اجتماعی می سازد؛ دیگر نه خودشان به فکر آن می افتند که نواقص واقعی خود را بشناسند و نه به کسی این اجازه و فرصت را می دهند که از آنها انتقاد کنند... اسلام با اعلام مکرر «ستایش مخصوص خداست» می خواهد... راه انتقاد منطقی و بی غرض از هر کس در هر مقام به روی همه باز باشد» [۲۱].

[۱] سرود یکتاپرستی / ص ۷۸.

[۲] همان / ص ۷۹-۷۸.

[۳] همان / ص ۸۰-۷۹.

[۴] سرود یکتاپرستی / ص ۱۳۳.

[۵] همان / ص ۱۳۳.

[۶] همان / ص ۲۸.

[۷] همان / ص ۱۲۳ و ۱۲۲.

[۸] همان / ۲۸.

[۹] همان / ۲۴.

[۱۰] همان / ۱۱۶.

[۱۱] همان / ۹-۱۱۸.

[۱۲] عنکبوت / ۴۵.

[۱۳] سرود یکتاپرستی / ص ۶-۱۰۵.

[۱۴] همان / ص ۸-۱۷.

[۱۵] همان / ص ۲۸.

[۱۶] همان / ص ۲۰.

[۱۷] همان / ص ۷-۱۶.

[۱۸] همان / ص ۱۹.

[۱۹] همان / ۲۲-۲۰.

[۲۰] همان / ۲۳.

[۲۱] همان / ۱۱۵.

مروری بر دیگر کارکردهای اصلاحی نماز

پس از بیان کارکرد اصلی نماز در ایجاد وحدت و هماهنگی درونی و بیرونی از منظر حضرت

امام (ره) و شهید مطهری و بیان کارکردهای اجتماعی و فردی نماز در اصلاحات از منظر مقام معظم رهبری و شهید بهشتی که در دو شاخه نظری و عملی بحث شد؛ در انتها به برخی دیگر از کارکردهای اصلاحی نماز اشاره کرده، بحث را خاتمه می دهیم.

- شناسایی بستر وضع موجود:

نماز به رهبران جنبش های اصلاحی می آموزد که در هر حرکتی باید وضعیت رهروان را سنجید و حرکات اصلاحی را با توانایی آن تنظیم نمود. تعدیل کندروی و تندروی ها در حرکت های اصلاحی عامل مهمی در استمرار آن حرکت هاست. مسأله رعایت اضعف مأمومین و یا روایاتی که دال بر رعایت حال دیگران در چگونگی انجام مراسم نماز است، بر این مسأله صحه می گذارد. برای نمونه روزی پیامبر در میانه نماز، نماز خود را سرعت داده و با شتاب آن را به پایان رسانده، از مسجد خارج شدند. شخصی از پیامبر علت این کار را پرسید. پیامبر (ص) در جواب فرمود: مگر صدای ناله کودکی را که بیتیابی می کرد، نشنیدید؟

- مکانیسم آسیب شناسی و آفت شناسی (دشمن شناسی) در نظام تئوریک

نظام تئوریک نیازمند نظارت مستمر، و جلوگیری از ایستایی (تجبر)، انحراف از مسیر یا رخنه تئوریک (التقاط) می باشد. از لوازم اساسی این بخش بحث آسیب شناسی تئوریک و دشمنان فکری حرکت اصلاحی است که اساسی ترین آن، خطر التقاط بود که بیان شد.

نماز از مقدمات گرفته تا متن آن، در جای جای خود سعی در روشنگری در این مورد را دارد؛ برای مثال:

- بحث جهت شناسی (قبله) و بحث تغییر قبله که بیان شد، معطوف به این مورد نیز می باشد (که توضیح لازم داده شد).

- بحث تمیز راه مستقیم از انحرافات حاصله از تلاش مغضوبین و ضالین که در سوره حمد آمده است و هر مسلمان، روزی ده بار در نماز خود این راه را از آن بیراهه ها باز می شناسد و این خود یاور مصلحین حقیقی در پیشبرد اهداف اجتماعی اسلام می باشد.

- ترسیم نظام اجتماعی مطلوب و یادآوری مستمر آن در نماز:

ما روزانه حداقل ده بار از خداوند طلب هدایت به راه مستقیم می کنیم؛ از خداوند می خواهیم که

ما را در حرکت در طریق مستقیم به سمت جامعه مطلوب الهی، ثابت قدم بدارد؛ قرآن نیز در ادامه این مطلب، تبیین و تلقین به نفس می‌کنیم که:

«اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین.» [۱].

صراط منعمین در آیه دیگر (به بیان امام معصوم) چنین معرفی شده است:

«و لهدیناهم صراطا مستقیما، و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا.» [۲].

در همین جا، جا دارد که باز به خطر التقاط و تفسیر به رأی و انحراف از صراط مستقیم اصلاح اسلامی به سمت پلورالیسم غربی، هشدار دهیم. شخصی که مروج اصلی پلورالیسم (تکثرگرایی) غربی در ایران است، به جای استفاده از منابع غربی و بحثی منصفانه با دین مداران و حکمای اسلامی، دست به عوام فریبی و مغالطه زده، در کتاب صراط‌های مستقیم، راه‌های خداوند را متکثر دانسته است و به گونه‌ای شنیع، دست به تحریف قرآن و تفسیر به رأی زده که در جای خود، جواب حکمای اسلامی را نیز دریافت کرده ولی به قول شهید مطهری، اینان که با «روش سراسر تبلیغی» دست به این اعمال می‌زنند، از منطق صحیحی برخوردار نیستند و ما تنها به ذکر این مطلب اکتفا می‌کنیم که اسلام، تکثر را در درون وحدت و سبیل مختلف را در طول صراط مستقیم، به رسمیت می‌شناسد، لذا در جاهایی که تعبیر از سبیل نموده، اگر معنای مثبت (در طول صراط مستقیم، مورد نظر باشد)، آن را تأیید کرده است مثل این آیه که می‌فرماید: «الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا و ان الله لمع المحسنین.» [۳].

و یا همان آیه قبلی (نساء ۶۸-۶۹) که ذکر شد، در درون صراط مستقیم، منعمین را به چهار دسته تقسیم نموده است ولی انحراف آنجاست که سبیل متفرق را اصل قرار داده و بر مبنای آن، صراط مستقیم را تفسیر کنیم و قرآن کریم، سبیل را در عرض صراط مستقیم، به شدت، نهی نموده می‌فرماید: «و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم

وصیکم به لعلکم تتقون» [۴].

- عبودیت هماهنگ جمعی، لازمه حرکت اصلاحی در بعد نظام عملیاتی

در باب وحدت و نظام توحید عملی اسلام از زبان شهید مطهری به تفصیل سخن رفت ولی نکاتی چند لازم به ذکر است:

۱- عبودیت، در قالب جمعی ثمربخش است و این مطلب را آیه «ایاک نعبد» که در نماز بارها می خوانیم، به ما می آموزد.

شهید مطهری در این باره می نویسد: «نکته جالبی در اینجا که مرحله توحید عملی است و مرحله شدن انسان است، وجود دارد [و آن] این است که در کلمه نعبد، ضمیر جمع آورده شده... [یعنی] همان طور که انسان در پرتو شناخت خدا و توجه به او ساخته می شود نه منفصل و جدا از قافله اهل توحید، انسان موجودی است فکری؛ الهی؛ عملی؛ اجتماعی... انسان اندیشنده خداشناس اهل عمل ولی بریده از جامعه توحیدی نیز انسان ناقص است پس در حقیقت معنی «ایاک نعبد» این است: خدایا ما مردم جامعه توحیدی در حرکتی هماهنگ؛ همه با هم به سوی تو و گوش به فرمان تو روانیم.» [۵].

در این مورد بحث مفصل تری در مقاله دیگر ذکر شده که علاقمندان را به آن ارجاع می دهیم. [۶].

۲- در عبودیت، علاوه بر نیاز به حرکت جمعی (که ذکر شد)، نیاز به رهبری حرکت نیز می باشد که این رهبری حرکت، یا خود تجسمی از صراط مستقیم است (امام معصوم) یا پیرو صدیق او (در زمان غیبت به صورت نیابت عام یا خاص). روایاتی که در تفسیر صراط مستقیم وارد شده است، شاهد بر این مدعاست:

قال رسول الله (ص): «الصرط المستقیم، صراط الانبیاء و هم الذین انعم الله علیهم.» [۷].

قال الصادق (ع): «الطریق و معرفة الامام.» و عنه: «و الله نحن الصراط المستقیم.» [۸].

قال الصادق (ع): صراط مستقیم، علی (ع) است.» [۹].

[صفحه ۲۱۴]

همچنین در مورد آیه «صرط الذین انعمت علیهم» که این نعمت، معنت ولایت است که تمام کننده نعم دیگر می باشد. تفصیل این مطلب را نیز در مقاله سابق الذکر پی بگیرید. [۱۰].

ولی به طور خلاصه می توان گفت: «ولی خدا با قدم عبودیت به شکل صحیح در سایه عنایت الهی و تحت پرورش اولیای متقدم به این مقام نائل گشته، تنها اوست که می تواند در موضع خلیفه ی الهی، قافله بشری را در مسیر عبودیت به سمت اصلاح و فلاح و رستگاری بشر که همانا مقام قرب است، سوق دهد.» [۱۱] .

- نماز عامل شناخت رهبر اسلامی و همراهان جنبش اصلاحی (برادران دینی) و عناصر خودی از غیر خودی. رهبری هر جنبش، اولین ویژگی اش اقامه نماز است. همان گونه که «نماز، اولین ثمره و نشانه حکومت صالحان است.» [۱۲] .

«انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوٰۃ و یؤتون الزکوٰۃ و هم راکعون.» [۱۳] .
اصلاح بین خودی ها صورت می پذیرد و یکی از ملاک های شناخت افراد خودی (برادران دینی) از غیر خودی ها، اقامه نماز است که: «فان تابوا و اقاموا الصلوٰۃ و اتوا الزکوٰۃ فاخوانکم فی الدین» [۱۴] و «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم.» [۱۵] .

«محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعا سجدا...» [۱۶] .
(اولین نشانه تشخیص خودی ها از کفار، رکوع و سجود بسیار ذکر شده است)
- نماز عامل رفع فساد (تقابل اقامه نماز با رواج فساد و شهوات)
- اقامه نماز، زمینه عملی برچیدن فساد و فحشا در جامعه را ایجاد می کند؛ همان گونه که تمسک به کتاب خدا، ما را در شناسایی تفصیلی و جزئی فحشاء و منکرات یاری می رساند. لذا در قرآن آمده: «اتل ما اوحی الیک من الکتاب و اقم الصلوٰۃ، ان الصلوٰۃ تنهی عن الفحشاء و

[صفحه ۲۱۵]

المنکر.» [۱۷] .

- از سوی دیگر، اضاعه (ضایع نمودن) نماز، زمینه رواج شهوات و منکرات را در جامعه مهیا می کند (و این موضوع در اصلاحات پس از انقلاب های بزرگ در زمینه نسل های دوم، سوم به بعد اهمیت می یابد). لذا قرآن نسل های پس از نهضت های انبیاء را چنین توصیف می کند:

«فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوٰۃ و اتبعوا الشهوات...» [۱۸] .

[۱] حمد / ۶ و ۷.

[۲] نساء / ۶۸ و ۶۹.

[۳] عنکبوت / ۶۹.

[۴] انعام / ۱۵۳.

[۵] طهارت روح / صفحه ۳۵۳.

[۶] نماز و زندگی / جلد ۱ / صفحه ۸۸ به بعد.

[۷] همان.

[۸] همان.

[۹] همان.

[۱۰] همان.

[۱۱] همان.

[۱۲] حج / ۴۰.

[۱۳] مائده / ۵۵.

[۱۴] توبه / ۱۱.

[۱۵] حجرات / ۱۰.

[۱۶] فتح / ۲۹.

[۱۷] عنکبوت / ۴۵.

[۱۸] مریم / ۵۹.

دو تذکر ضروری

۱- باید توجه داشت که این همه خاصیت و اثر اصلاحی، برای نمازی مترتب و مترقب است که دارای روح یاد خدا و خشوع و حضور در برابر او باشد. مقام معظم رهبری در جای جای پیام های خود به این نکته عطف توجه کامل نموده اند که به علت ضیق مجال تنها به یک مورد آن اشاره می شود: «البته این نکته نیز شایان ذکر است که نماز، همین بر زبان راندن کلمات و گزاردن حرکاتی معین نیست... روح نماز، یاد خدا و خشوع و حضور در برابر اوست... نماز بی ذکر و حضور، کالبدی بی روح است که اگر چه نام نماز بر آن مجاز نیست، لیکن اثر و خاصیت نماز نیز از آن مترقب نیست. از این حقیقت، در آثار دینی با عنوان قبولی نماز سخن رفته است.» [۱].

۲- نکته دیگری که ذکر آن ضروری است، این است که برخی شبهه کرده اند که: اگر نماز این همه خاصیت و اثر (در ابعاد نظری و عملی) دارد، حتی ملاک شناخت خودی از غیرخودی (منافق و کافر) نیز هست، پس چگونه است که منافقین هم با ظاهری بسیار آراسته به نماز می ایستند و بدون هیچ اعتقادی از نماز، برای ظاهرسازی و موجه جلوه دادن خود، استفاده می کنند. در جواب باید گفت: در این که فرد منافق، ممکن است برای ظاهرسازی، نماز خوانده یا در اجتماعات و مساجد مؤمنین نیز حاضر شود، شکی نیست ولی از یک سو نماز منافق، نماز بی روح است و در نتیجه تا زمانی که نماز می گزارد و در مسجد مؤمنین است، کسالت سراسر وجود او را فراگرفته است که قرآن می فرماید «و اذا قاموا الى الصلوة قاموا كسالى» [۲] و نیز پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «المنافق فى المسجد كالطير فى القفس.»

[صفحه ۲۱۶]

البته این خصوصیت، بیشتر متوجه روح فرد منافق است و ممکن است نمود ظاهری نداشته باشد ولی از سوی دیگر شخص منافق هیچ گاه سعی در اقامه نماز که همانا برپا نمودن خیمه دین در جامعه است، ندارد و مبانی نظری او، هر چند خود را مؤمن و مصلح بنامد، با مبانی نظری ارائه شده در نماز منافات دارد (برای مثال به جای وحدت گروهی که در تمام شئون نماز جاری و ساری است، کثرت و اختلاف را اصل می داند) و همچنین مبانی مؤثر در عمل با او اقامه نماز در جامعه منافات دارد. او هیچ گاه تشویق به نماز جماعت و جمعه نمی کند و هیچ گاه در

جهت وحدت مسلمین و تبعیت از رهبری گام بر نمی دارد. پس عملکرد منافق، مخالف با اهدافی است که اقامه نماز

وظیفه تحقق آنها را دارد. [۳].

[۱] پیام معنویت - صفحه ۲۰ و ۲۱.

[۲] نساء / ۱۴۲.

[۳] موارد زیادی در متن به این مهم اشاره دارد از جمله رجوع کنید به صفحات ۱۱۹ - ۱۲۱.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید
- نهج البلاغه / مرحوم دشتی
- مصباح الشریعه (منسوب به امام صادق علیه السلام) / ترجمه عباس عزیزی
- صحیفه نور/ ج ۹ و ۲۰ و ۲۱.
- امام در سنگر نماز، ستاد اقامه ی نماز با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)
- راه امام، کلام امام (گروه های سیاسی)
- آسیب شناسی انقلاب اسلامی از نگاه امام (ره)
- مجموعه آثار (ج ۲)/ شهید مطهری
- علل گرایش به مادیگری / شهید مطهری
- طهارت روح / شهید مطهری
- پیام معنویت (مجموعه پیام های رهبر معظم انقلاب به اجلاس های سراسری نماز)
- سرود یکتاپرستی (مجموعه آثار شهید بهشتی درباره نماز)
- نماز و زندگی / ج ۱ / ستاد اقامه ی نماز
- لیبرالیسم و منتقدان آن / مایکل ساندل / دو مقاله ی زیر:
دو مفهوم آزادی / آیزایا برلین
ارزش، برابری و شایستگی / فردریش. ا. هایک.
- روزنامه توسعه (۲۹ / ۳ / ۸۰)
- روزنامه ایران (۹ / ۳ / ۸۰)

اشارتها و بشارتها

جناب آقای مرتضی دوستی ثانی

کارشناس هنر

[صفحه ۲۱۹]

مقدمه

این مقاله به دو بخش کلی تقسیم می شود: مبحث نظری، و عینیت های عملی. جستن رابطه ای بین نماز (به عنوان جانمایه ی دین) و هنر (به مثابه عصاره ی فرهنگ و اعتقادات قومی) برخلاف آنچه ابتدا دیرپاب به نظر می رسد، قابل تعریف بوده و شواهد فراوانی برای آن موجود است. البته باید گفت که هنر هیچ ملتی خالی از عناصر متعالی و مقدس نیست، اما هنر اسلامی با بخشیدن نظام خاصی از روحانیت به فرهنگ و خصلتهای هنری، تشخص منحصر به فردی در معیارهای زیبایی شناسی و فهم عرفانی و باطنی از مذهب ایجاد کرده است، که همآوردی نداشته و ندارد. همچنین بنابر گستره ی فراگیر و جهان شمول تعالیم اسلام، مبحث نظری رابطه ی بین نیایش و هستی پیرامون آدمی را می توان در علوم طبیعی نیز با شدت و تنوعی چه بسا فزونی تر و با استناداتی بیشتر از حوزه هنر پیگیری نمود؛ لکن با این وجود چه با اختیار نمودن نگرش عقلی و استدلالی - که وجه غالب در تحقیقات علوم طبیعی است - و چه با نگاه عرفانی و شهودی - که خاص هنر و علوم انسانی است، هر نوع تحقیق و دریافتی در هر یک از این حوزه ها، قابل تعمیم به حوزه های دیگر خواهد بود. از آنجا که فرهنگ عبادی اسلام دعوت کننده به تأمل و مراقبه است، هر آنچه که در متن دین وجود دارد می تواند بی واسطه به انسان مؤمن منتقل شود؛ مثلاً به اعتقاد صاحب نظران، ذوق و قریحه ی

[صفحه ۲۲۰]

هندسی که وجودش چنین قدرتمندانه در هنر اسلامی اثبات و تأیید می شود، مستقیماً از تأمل نظری که اسلام بدان عنایت دارد و انتزاعی است، حاصل شده است. در اینجا (یعنی نماز گزاردن و آداب آن) که زمینه های پیراستگی

ظاهر و وارستگی باطن، جهت گیری روشن و هدفمند، حضور توأم با خضوع و خاکساری، ذوق و اشتیاق، تعادل، الهام و جذبه و احساس وابستگی به ماوراء فراعهم و از شرایط مقبولیت عبادت است، فرد در تمرینی مداوم آیینی ی ذهن و روان خویش را که بزرگترین سرمایه ی یک هنرمند تلقی می شود، صیقل می زند و گویا وصف حال هنر شیفته و شورآفرین او چنین است:

تا سحر چشم یار چه بازی کند که باز
بنیاد بر کرشمه ی جادو نهاده ایم

بدین ترتیب در واقع فرهنگ عبادی اسلام با اعطای: شریعت شناسی، آیه شناسی، و بصیرت باطنی توأم با تخیل ماورایی به هنرمند مسلمان، او را به ذکر در درون، و دعوت نمودن دیگران به تماشای شکوه عوالم غیب و شهادت از برون وادار می سازد. از این رو پرسشی که فراروی ما قرار می گیرد این است که چرا به باور همگان، هنر بومی ما هنری رحمانی شمرده می شود؟

شاید نخست آنکه در هنر اسلامی به گونه ی یک انقلاب، رابطه زیبایی با کمال از منظر حقیقت (وجود آدمی و هستی هدفمند) و وحدانیت (به عنوان آغاز و انجام یک دایره ی رو به گسترش)، منجر به شمایل شکنی در هنرها شده است، و این ویژگی خاص را به هنرمند مسلمان می بخشد که با هر پدیده به صورت معنایی آن برخورد کند و بدینگونه تسری فرهنگ عبادت به هنرمند مسلمان و هنر اسلامی این مجموعه را برخوردار از حکمت رازآموزانه ای کرده است. برای نمونه نظام بصری هنر اسلامی (در کاشیکاری مساجد)، رمز احدیت را در رشته تصویرهای منظم محاط در دایره ارائه می کند، که بهترین تعریف از آموزه ی دینی «وحدت در کثرت و کثرت در وحدت» است.

دیگر آنکه در وجه عملی، زیبائی ایمان و القای مداوم کمال جویی آن، خاصه در نماز و نیایش و ارتباط با عالم غیب که باید جلوه گاه تمام فرهنگها باشد، با تلاش و جوشش معنوی هنرمندان، در صورت های گونه گون هنر اسلامی بدین وجه عیان می شود که همواره زمزمه ی بهشت و فرخندگی از آنها برمی خیزد.

اما این رابطه که در طول سده ها موجد فرهنگ آفرینی و صیانت از بنمایه های اعتقادی بوده

است، همچون بسیاری از حوزه های معرفت عمومی جامعه ی ما، طی دهه های اخیر و بر اثر عوامل متعدد، آسیب فراوانی را متحمل شده و از زایش و نوآوری بازمانده است. برخی از بارزترین جلوه های این عارضه را می توان در نظام آموزش عالی مشاهده کرد. به عبارتی نظام آموزشی که باید مجلای تلاقی و وحدت اندیشه و عمل باشد، به درستی نتوانسته است از ظرفیتهای موجود در حوزه ی هنر برای اصلاح فرهنگ عمومی جامعه و یا حتی ارتقاء بینش عبادی دانش آموختگان استفاده کند، و بر اثر غفلتها، گسست ظاهری و یا باطنی با مقوله ی دین که اکنون در جامعه ی هنرمندان به چشم می خورد، ناشی از این واقعیت است که یا دین در قالب های مهجور و پژمرده به رشته های دانشگاهی تزریق شده، و یا بصیرت جمال شناسی (که اول قدم آن خودشناسی و معرفت به زیبایی های فطرت خود است) از دانشجویان هنر دریغ داشته شده است؛ که این مشکل به واقع یک طنز تلخ تلقی می شود!

البته آنچه امروزه در دانشگاه ها می آموزند غالباً صورت هنر است، که به لحاظ تداخل با حوزه های معرفتی بیگانه (و عدم پالایش)، از سیرت هنر دینی فاصله زیادی دارد. از سویی با عنایت به طبع ظریف و ضمیر شفاف طیف هنرمند، توانمندی های فراوانی در این طبقه نهفته است که با فراهم کردن زمینه های لازم می توان از آنها بهره جست. بنابراین پرسشی که باید به عنوان یک نیاز در جامعه ی امروز به آن پرداخت، احیای رابطه ی دوسری بین هنرمند و فرهنگ عبادت است. از آنجا که تحقق چنین خواسته ای چندان سهل نخواهد بود، نگارنده با توجه به شناخت عینی از محیط، و یافتن برخی زمینه های بحرانی مشابه در فرهنگ ایران، به ارائه نقطه نظراتی پرداخته است، که جملگی بر محور عرفان متمرکز هستند. زیرا چنین به نظر می رسد که با توجه به مشکلات متعددی که فراروی قشر تحصیلکرده هنرجو وجود دارد، و با عنایت به حساسیت ها و ظرفیتهای خاص این طبقه، القای بصیرت دینی جز از راه فراهم نمودن بستر گسترش فرهنگ عرفانی در دانشگاه های علوم انسانی و به ویژه هنر (که از سیالیت و تغزل خاصی برخوردار است) ممکن نخواهد بود.

مصادیق نظری

این بخش اگر چه به لحاظ گستردگی دامنه ی آن، عنوان مستقلى است، اما از بخش دوم که بیشتر معطوف به راهکارهای عینی است جدا محسوب نمی شود. نگارنده نیز به اقتضای ظرفیت متن به این دیدگاه پرداخته است، و همانگونه که در مقدمه تصریح شد، این بحث دامنه دار قابل تعمیم به

کلیه حوزه های علوم تلقی می شود؛ و می توان از دریچه ی هر یک با مفهوم نیایش ارتباط برقرار کرد.

هنر و نیایش متعالی

در ابتدای گفتار این نکته را نیز باید در نظر داشته باشیم که برخلاف باور برخی، عرفان یک پدیده ی وارداتی از فرهنگهای دیگر نیست، و در طول تاریخ تمدن اسلامی گذشته از حوزه ی ادبیات، نابترین جلوه های آن، به دست هنرمندان مسلمان با تأمل در متن دین عرضه شده است. به تعبیری این خاصیت متن مقدس کلام الهی است که زایش هنری را موجب می شود. «اعجاز اسلام که همان کلام خداست، که بی واسطه در قرآن و تلاوت آن در نماز موجب می شود که فعلیت یابد و این البته موضع شمایل شکنی اسلام را به درستی روشن می کند: کلام خدا باید به شکل لفظ و بیان باقی بماند و به همین نحو- نظیر عمل خلاق پروردگار- آنی و مجرد از ماده باشد. بدین گونه قدرت تذکارش به صورت ناب محفوظ می ماند. بی آنکه معروض فرسایشی گردد که از ماده قابل لمس به طبیعت هنرهای تجسمی و به اشکال آنها که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، راه یابد. آن کلام چون در زمان تجلی یافته و نه در فضا و در مکان، از خرابی و فساد که اشیاء در فضا و مکان بر اثر تصرف زمان می پذیرند، مصون می ماند» [۱] از این رو «نکته اساسی که در هنر اسلامی باید بدان توجه کرد عبارت است از توحید اولین آثار این تلقی، تفکر تنزیهی و توجه عمیق به مراتب تجلیات است، که با کمک آن هنرمند مسلمان از کثرات می گذرد تا به وحدت نایل آید. تفکر توحیدی در معماری مساجد تجلی تام و تمام پیدا می کند. طرحهای هندسی که به نحو بارزی وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را نمایش می دهند، همراه با نقوش اسلیمی که نقش ظاهری گیاهی دارند، فاقد تعینات نازل ذی جان بوده و با رجوع به عالم توحید آدمی را به فقر ذاتی خویش آشنا می کنند» [۲].

برای فهم بهتر رابطه ها باید تعریفی هر چند اجمالی و ناقص نیز از هنرمند به عنوان عنصری که برجسته ترین ویژگی او خلاقیت است، داشته باشیم. از آنجا که هنرمند در مسیر آفرینش هنری به وفور از انتزاعات ذهنی در کنار تجربه های خود بهره می برد، اصولاً نظریه پرداز و مفهوم گرا تلقی می شود. بر این اساس او حتی به عنوان پیشاهنگ فرهنگی جامعه می تواند حساسیت ویژه ای نسبت به کلیه امور از جمله مفاهیم مذهبی ابراز دارد. با بسط این تعریف می توان چنین بیان داشت

که هنرمند به دلیل برخورداری از دو بینش توأمان، هم با امور واقعی (عالم شهادت) و هم با امور تخیلی و ماورایی (عالم غیب و ملکوت) کاملتر از دیگر اشخاص ارتباط پیدا می‌کند. نزد او «مفهوم سازی، ساختمان‌ی انتزاعی برای شناختن امری واقعی است که با گزینش همراه است. یعنی به همه‌ی وجوه واقعیت موردنظر توجه نشده و تنها به آنچه ماهیت اصلی پدیده را بیان می‌کند توجه می‌شود. مفاهیم نیز بر دو قسم اند: مفاهیم عملی مجزا که به طور تجربی و براساس مشاهدات مستقیم و با اطلاعات جمع‌آوری شده ساخته می‌شود و مفاهیم دستگاهی که از راه استدلال انتزاعی ساخته می‌شود، و گسیختگی آن از پیشداوریها بیشتر است.» [۳] بنابر آنچه گفته شد هنرمند اصولاً گزینش‌گر، خلاق و ابداع‌کننده است. او قالبها و قواعد مرسوم را می‌پذیرد، اما با بینشی شهودی آنها را آگاهانه تغییر می‌دهد، و در این مسیر غالباً از هر دو حوزه‌ی تجربه و انتزاع به خوبی بهره می‌برد. بدین ترتیب از ابتدا بدیهی است که ارتقاء بینش معنوی نزد هنرمندان می‌تواند کاملاً متفاوت و پررنگتر از دیگر طبقات اجتماعی باشد. به عنوان شاهد مثال «ذوق و قریحه‌ی هندسی که وجودش چنین قدرتمندانه در هنر اسلامی اثبات و تأیید می‌شود، مستقیماً از صورت تأمل نظری که اسلام بدان التفات دارد و انتزاعی است و نه اساطیری می‌تراود و البته در این نظام بصری رمز بهتری برای بیان غموض درونی احدیت، ابداع وجود ندارد» [۴].

بنابراین هنگامی که از هنر اسلامی سخن به میان می‌آید، هرگز به مخیله هیچ یک از مخاطبان آن خطور نمی‌کند که این هنر از شریعت شناسی، یقین، اخلاص، ذکر، آیه شناسی، شهود، سمع و بصر، و نحوه‌ی بیان و خلق خاص موجود در اثر، تهی باشد. این امر معطوف به این حقیقت است که «اسلام عبارت است از شریعت و حقیقت و طریقت و همچنین واجد علوم بسیاری با سرشت فقهی و کلامی و فلسفی و باطنی. بدون دو منبع و سرچشمه اساسی یعنی قرآن و برکت نبوی، هنر اسلامی وجود نمی‌یافت. هنر اسلامی نتیجه‌ی تجلی توحید در ساحت کثرت است. و به شیوه‌ای ناپیدا منعکس‌کننده احدیت به شمار می‌رود. و هنر اسلامی می‌تواند اساس ذکر احد قرار گیرد، از آن روست که این هنر با وجود مصنوع انسان بودن، از الهام و حکمتی فوق فردی گرفته می‌شود که به

[صفحه ۲۲۴]

حقیقت در نهایت از خدا می‌آید [۵].

در جای خود از استعداد هنری نیز می توان به عنوان تصفیه ی روح و پالایش دیدگاه شخص برای رسیدن به مراتب والای روحانی و صفات ارزشی ناب تعبیر کرد و از آنجا که هر دو طریق عبادت و هنر، راهی به سوی کمال معنوی می گشایند، در هر دو حوزه اشخاص، به خود آگاهی و معرفت نزدیک می شوند. رابطه ی وجدآمیز و رازآموزانه ی هنر و نیایش که هر دو به یک منبع واحد یعنی احدیت می رسند، بسیار تغزلی تر و در عین حال پیچیده تر از آن است که بتوان در این مختصر آن را تبیین کرد. به تعبیری حتی «اگر این قضیه ریشه گیری صحیح شود به پدیده خودآگاهی (علم حضوری) خواهیم رسید که اسرارآمیزترین پدیده ی روانی است که در آن ادراک کننده عین ادراک شونده می باشد» [۶] بنابراین بیجا نخواهد بود اگر به طور اجمال پاره ای از تشابهات این دو حوزه را برای فهم بهتر مطالب آتی در نظر آوریم. اگر به عنوان یک چهارچوب کلی، پیشاپیش در نظر داشته باشیم که هنر با زیبایی، و آرمانهای معقول با نیایش، رابطه ای لاینفک دارند، اشاره ی فهرست وار به مطالب با لحاظ گستردگی موارد، کفایت می کند.

[۱] هنر مقدس، ص ۱۴۹.

[۲] حکمت معنوی و ساخت هنر، ص ۱۹۶.

[۳] روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۱۴۴.

[۴] هنر مقدس، ص ۱۳۷.

[۵] روزنامه ی اطلاعات، ش ۲۲۲۰۵، ص ۶.

[۶] زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۱۵.

رابطه نماز و هنر با حضور (حقیقت)

«یک حقیقت، حقیقت حضوری است و حقیقت دیگر حقیقت حصولی است. در مرتبه حضور، نظر و عمل عین هم هستند؛ شاعری که شعر می گوید، در موقع گفتن شعر، نظر و عملش یکی است و بر هم تطبیق می کند؛ به عبارت دیگر قول و عمل و فکر او یکی می شود. در تفکر حصولی مرتبه ی معاش و دوراندیشی حسابگرانه مطرح است. به هر حال در هر مرتبه ای از تفکر حضوری و حصولی، وجود و حقیقت برای آدمی متجلی است و او با تفکر و پرسش از حقیقت به معرفت دست می یابد» [۱].

[۱] حکمت معنوی و ساخت هنر، ص ۸۶.

ماهیت تکرار عمل در نماز و هنر

منظور از این عبارت آن نوع حرکت دورانی است که تکرار کننده را به مراتب نوافل فرایض و مقام محمود می‌رساند. اگر بپذیریم «هنر به معنای عام و اصیل لفظ به معنای حکمت است. بدین معنی هنرمند مسلمان وقتی به کار می‌پردازد، بنا بر مراتب قرب در مرتبه قرب نوافل است و گاه از این مرتبه

[صفحه ۲۲۵]

به مرتبه قرب فرایض می‌رود. در این مقام است که از هنر به معنی خاص می‌گذرد و به مقام محمود ولایت می‌رسد. بنابراین تکرار مضامین و صورتها همان رفتن به اصل است. هنرمند در این مضامین از الگویی ازلی نه از صور محسوس بهره می‌جوید، به نحوی که گویا صور خیالی او به صور مثالی عالم ملکوت می‌پیوندند [۱].»

[۱] حکمت معنوی و ساحت هنر، صص ۱۹۶، ۲۰۱.

بصیرت در هنر و نماز

«هنر به معنای اصیل لفظ با بصیرت همراه است. و آنگاه که انسان از ابصار و چشم ظاهر به بصیرت و چشم باطن سیر کند، مظاهر این عالم به دیدار یار دیدن تعبیر می‌شود و هنرمند به مقامی می‌رسد که به معنای وجه الهی در کلمات قرآنی آمده است: «و یبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام» [۱].

هنر در این معنی ابداع وجه الهی است، و مشاهده ی دیدار و حضور و سیر و سلوک عارفانه و مسبوق به خوف اجلال الهی خواهد بود [۲].»

[۱] الرحمن، ۲۷.

[۲] حکمت، ص ۸۸.

نماز و ادب، هنر و اخلاق

«اخلاق عبارت است از شکوفایی عالیتین حقایق در درون آدمی. مبانی اصیل اخلاق بر شهود و احساس های عالی استوار است، که در موقع تعلق به نموده های زیبایی محسوس، شهود زیبایی نامیده می‌شوند [۱].» اهمیت

اخلاق برای تعالی معنوی و بالنتیجه آفرینشهای ناب هنری برای هنرمند چنان است که بی تردید می توان گفت تعریفی مثبت برای هنرمند بدون اخلاق متعالی وجود ندارد.

[۱] زیبایی و هنر در اسلام، ص ۳۵.

فراق در هنر دینی و استغاثه در نماز

«گرایش هنر دینی به رمز، سمبلها و نقوش تشبیهی به ازای معانی غیبی و جلوه ی حقایق لاهوتی است. به عبارتی هنر دینی شرح فراق و وصال آدمی نسبت به حق و حقیقت است. و در اینجا اسباب تذکر و تقرب به اصلی است که آدمی از آن دور افتاده است» [۱].

[صفحه ۲۲۶]

[۱] حکمت معنوی و ساحت هنر، صص ۱۳۹، ۱۴۰.

عدم تکرار لحظه ها

چنانکه از دیدگاه علمی و فلسفی نیز هیچ دو موجود تحقق یافته ای در جهان نمی توانند از همه ی جهات شبیه به هم باشند، اما این امکان وجود دارد که حقیقت یک فعل را دو مرتبه و یا از چند وجه مشاهده کرد. «یک تصویر هنری نمودی جامع و جامد از یک احساس معین از شخص هنرمندی است که ابعاد روانی و مغزی وی را به طور دائمی در آن ثبت کرده است. این عمل در واقع بیان آن اصل بزرگ در فلسفه است که می گوید: «لا تکرار فی التجلی». جلوه ی حقیقت تکرارپذیر نیست. که این مطلب در بیان مولوی چنین آمده است:

هیچ انگوری دگر غوره نشد

هیچ میوه پخته با کوره نشد» [۱].

[۱] زیبایی و هنر در اسلام، صص ۳۱، ۳۲.

هنر باطل، نماز باطل

تکرار

آفت بزرگ عبادت و هنر- که هر دو به نوآوری و طراوت احتیاج دارند، تکرار بدون فهم مبانی است. «برای اقامت کنندگان دائمی در منطقه زیبا و نگهبانان دائمی آثار هنری که مأموریت نگهداری آثار و تفتیش تماشاکنندگان را برعهده دارند، لذتی از تماشای مکان زیبا و یا آثار برجسته ی هنری به وجود نمی آید، مگر اینکه این اشخاص یکنواختی و محدودیت دیدگاه خود را با تفکرات و تنوعات درون ذاتی خود از بین ببرند» [۸].

[۸] زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۳۱.

ظاهرگرایی

شاید هیچ چیز زشت تر از برگزیدن چهره تصنعی و تقلیدی در هنر و البته ریا و نمایش در عبادت نباشد، که به جای برگزیدن آرمانهای واقع گرا و معقول و صمیمی و شفاف که به چهارچوب زیبایی می پیوندد، گروهی آن را ترجیح می دهند. چنانکه «توجه به صورت و حس و جمال ظاهر و خلقی و مجازی در هنرهای جدید خود مانعی برای کنده شدن از این صورت و رفتن به معنای باطن است. شاید همچنان که بت پرست تعلق به صورت بت پیدا می کند، هنرمند دوره جدید حسن و جمال حقیقی و اصیل خود و دیگر موجودات را که همه حکایت از جمال احدی دارند، فراموش می کند. هنر کفر اصرار بر همین تعلقات و تعینات و کثرات این جهانی دارد، که اگر چه همه آنها مظهر حقند، اما در

[صفحه ۲۲۷]

گمگشتگی و سرگردانی هنرمند، حجاب حق نیز هستند. [۸].

[۸] حکمت، ص ۱۷۱.

حجاب حقایق

نمی توان هر نوع عمل عبادی را مطلوب واقع دانست، گرچه صبغه ی ظاهری آن بسیار هم پررنگ باشد. بر این قیاس بسیاری از آثار تاریخ هنر را نمی توان به صرف اختیار کردن شمایل مذهبی، به طور کامل در ذیل هنر دینی

جای داد. «نمی توانیم این دو هنر را که در تاریخ اسلام و مسیحیت متحقق می شوند عین و مظهر تام و تمام حقیقتی بدانیم که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت عیسی (علیه السلام) مظهر آن بودند، اما آنچه لازم به تذکر است قرب این هنرها به حقیقت محمدی و عیسوی و از آنجا قرب به حقیقتی است که مقام ذات انسان و ظهور حق به اسماء جمالی است» [۱].

[۱] حکمت، ص ۱۷۱.

بی نظمی و عدم تقید به مبانی

امروزه در هنرهای مدرن با پدیده ای به نام بی نظمی روبرو هستیم، که اگر چه یک پدیده بهنجار در هنر تلقی نمی شود، اما جذابیت آن و به واقع احساس لذت در این رویکرد ناشی از شکستن محیط جبری و زندگی ماشینی است. یافتن مشابه این پدیده در اعمال عبادی بسیار مشکل است. (این اشاره تنها به لحاظ وجود تشابه اباحیگری در عرفان معاصر یاد می شود).

اکنون یک پرسش کلیدی مطرح است، که براساس پاسخ های آن می توان به مشابعت های این دو جریان بیشتر نزدیک شد، مبنی بر اینکه چرا هنر رحمانی جامع تمام صفات الهی تلقی شده، و در نتیجه عمل به آن عبودیت است؟ شاید یک پاسخ جامع این باشد که بگوییم «انسان اکمل مجالی حق است و حق تعالی با جمیع صور و جلوات در او تجلی می کند. به همین جهت نیز از اجزای عالم برتر است، و در حالی که فرشتگان تنها مظهر صفات جمال حقند، انسان هم مظهر صفات جمال است و هم مظهر جلال. چنان که ابن عربی در «قص آدمی» می گوید: «خطای فرشتگان و مفاخرت به هنر و کمالات خویش یعنی تسبیح و تقدیس، ناشی از آن بود که از اسراری که خداوند در وجود انسان نهاده بود، غافل ماندند؛ و به این بهانه که انسان در زمین فساد و خونریزی می کند ابتدا از قبول وی سرباز زدند، و سرانجام شیطان از سجده به خلیفه خدا ابا کرد؛ بی خبر از اینکه خونریزی و فساد نیز از مظاهر صفات جلال حق است که ایشان از آن صفات محرومند و بالنتیجه به اسماء جلال تسبیح و

[صفحه ۲۲۸]

تقدیس و تنزیه نکردند، که وقوفی نیز بر این اسماء نداشتند حال آنکه حق تعالی فرمود: «انی اعلم ما لا تعلمون» [۱] و چون هر عبادتی مسبوق به معرفت است و معرفت ایشان ناقص، حق را عبادت تامه نمی کنند [۲].»

در تعبیر دیگر می توان گفت «سه ساحت شناسایی در انسان عبارتند از: علم الیقین (آگاهی)، عین الیقین (خودآگاهی) و حق الیقین (دل آگاهی) از آنجا که کار هنرمند ابداع (پیدا آوردن) است، هنر و عرفان به معنی حکمت انسی با ساحت سوم شناسایی انسان سروکار پیدا می کند و این مرتبه ای است که ورای همه شناسایی ها، معرفت دینی در آن محقق می شود» [۳] از این دو پاسخ اهمیت اصل تفکر در هنر نیز آشکار می گردد. «بنابراین مقدمات انسان چون سایر موجودات شناسای اسمی است که مظهر آن است، تحقق این شناسایی با تفکر همراه است، و تفکر حقیقی چیزی نیست جز سیر معنوی از ظاهر به باطن و از صورت به معنی و از کثرات خلق به وحدت حق» [۴].

به عنوان یک نتیجه گیری اجمالی از این گفتار می توان گفت: با تاثیر پذیرفتن از مبانی دینی، در طریق عملی نیز هنرمند مسلمان با تمرین صبر، قناعت، احسان، ایثار، توکل، و همچنین از رهگذر رعایت کلیه شرایع دینی که به کرامت نفسانی او و جذب و دریافت یک جهان بینی کارآمد منجر می شده است، به خلق آثار ماندگار در عرصه هنرها (به ویژه در معماری که جامع صفات یاد شده است) نایل می آمدند.

به عبارتی دیگر می توان مجموعه هماهنگ و آکنده از ظرایف و عجایب هنر اسلامی را تحت عنوان نظام ایده آل عرفانی نیز تحلیل کرد. زیرا بدون برخورداری از مشرب ذوقی و منش وارستگی که ممیزه های عرفان هستند، خلق آثار ممتاز هنر اسلامی ممکن نمی باشد.

از سویی به لحاظ آنکه هنرمند این وادی، گرایشی قوی به آرمانهای معقول دارد، و حساسیت او به کیفیت موجودات و هستی پیرامون خود، از دیگر مردمان فزونتر و والاتر و پالایش یافته تر است، وی زیبایی ایمان را بهتر از دیگران می تواند درک کند.

اکنون جای پرداختن به این پرسش است که عرفان چیست؟ و به عنوان یک واسطه چه نقشی در

[صفحه ۲۲۹]

امتزاج هنر و دین ایفا می کند؟

عرفان در اصطلاح «عبارت است از معرفت قلبی که از طریق کشف و شهود، و نه بحث و استدلال حاصل می شود. و آن را علم وجدانی هم می خوانند.» [۵] «به طور کلی عرفان هم ریشه با معرفت، به معنی شناخت و بازشناسی است. نوع خاصی از شناخت که از ظواهر عبور می کند و به محتوی و دقایق مضامین وقوف می یابد. کوشش در

دستیابی مستمر به حقایق پدیده ها نیز دلیلی است که عرفان به بازشناسی تعبیر شده است. برخلاف نظریه ای که بینش عرفانی را مترادف با صوفی گری گرفته و اصولاً آن را فاقد مبانی عقلی می انگارد، اندیشه عرفانی توأمان بر سه پرتو: عقل، هوش و دل تاکید می ورزد. لذا در این گرایش طبیعت باطنی انسان از حالت ادراک محض بیرون آمده و حالت کنش و عمل ناب به خود می گیرد. و دو تجربه باطنی و بیرونی انسان به یگانگی می رسند» [۶].

از سلوک عرفانی با عنوان طریقت نیز یاد شده است، و روشنفکرانی طی سده اخیر به عمد کوشیده اند با بهره گیری از فضای سیال طریقت، جبهه ای در مقابل شریعت بگشایند. حال آنکه هر دو شیوه در واقع به منزله شاخه و شعبه دیگری از یک منبع نورانی واحد هستند. اما در رابطه با تضاد ظاهری بین شریعت و طریقت که متأسفانه تبلیغ فراوانی برای بدفهمی آن صورت گرفته است، به طور اجمال می توان گفت «از آنجا که منظر عرفانی، شریعتی و بهره را برتر نمی شمرد، تنها نهایی را منظور می دارد که همه انبیا و اوصیا در پی آن تلاش کرده اند، و حاصل این تلاشها همانا شریعت های متفاوت در این طی طریق و این صراط مستقیم بوده است. هدف اصلی انبیای توحیدی با مشرب ها و مرام ها و شریعت های متفاوت، یگانه بوده است. از اینرو یکی از ویژگی های اساسی اندیشه عرفانی بینش تأویلی آن است. اندیشه عرفانی به روش تأویلی بیش از دیگران (فلاسفه و فقها) روی آورده است. چرا که دغدغه و شاخصه اصلی این تفکر، عبور از سطح و ظاهر متون و دستیابی به عمق و باطن آنها از طریق تجربه ای باطنی است. لذا ویژگی هرمنوتیک عرفانی باعث شده است تا تکیه بر طریقت جایگزین شریعت شود؛ زیرا طریقت با سیالیت کلام همخوانی دارد، اما شریعت مآبی هیچ سیالیتی را برنمی تابد» [۷].

[صفحه ۲۳۰]

و اما در مقام پاسخ به این که آیا عرفان چگونه به امتزاج دو حوزه هنر و دین می پردازد، مجدداً باید ویژگی های خاص عرفان را در نظر داشته باشیم. «عرفان به معنای تسلیم مطلق در برابر خداوند است. لذا دنبال کردن راه عرفا، بعد جدیدی را فراروی انسان قرار می دهد که چیزی جز بعد ژرفا نیست. آنچه عرفان اسلامی را از سایر مکاتب عرفانی دیگر متمایز می سازد این ویژگی است که عرفان اسلامی برای یافتن کمال مطلوب خود در جستجوی انسانی است که برطبق کمالی که با بهشت زمینی مطابقت دارد آفریده شده است. و این واقعیت که اخلاص هدف تصوف است، به این معنی است که روح تازه وارد باید نسبتاً ناخالص باشد» [۸]. «عرفان اولین قدمی است که انسان به وسیله آن از محدودیت خودش بیرون می آید؛ یعنی از آن محدودیتی که خودخواهی ها برایش درست می کند.

زمانی که آدمی از نفس به معنای مصطلح آن در می‌گذرد، یعنی تعالی می‌یابد، راحت اختلافات را می‌تواند کنار بگذارد. چرا که تمام اختلافات محصول نفس پرستی هاست. اما با وجود حقیقت توحید این وحدت می‌تواند شکل بگیرد» [۹] بنابراین عرفان به منزله ابزاری است که اندک اندک زنگارهای وجود را می‌زداید، و استفاده از تمام ارزشها و موارد معنوی را ممکن می‌سازد.

چنین خصیصه‌ای که در عرفان موجود است برای جامعه امروز ما مفید، و حداقل نتیجه عینی آن از پی حذف خودخواهی‌ها، منزله شدن افراد و دعوت به حق خواهد بود. لذا در این زمانه بحرانی و در جهت مقابله با چالش‌های فرهنگی درونی و بیرونی نظام، رویکرد دگرباره به عرفان، گذشته از انسجام بخشی به دیدگاه‌های متشتت و تنش‌زا، به نوبه خود و به گونه‌ای بارز در حوزه‌های عملی هنر نیز تأثیرگذار خواهد بود، و می‌تواند توانی مضاعف به کالبد آن عطا نماید.

[۱] بقره، ۳۰.

[۲] حکمت معنوی و ساحت هنر، ص ۸۵.

[۳] حکمت معنوی و ساحت هنر، ص ۸۷.

[۴] حکمت معنوی و ساحت هنر، ص ۸۶.

[۵] دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۴۴۷.

[۶] عرفان و دموکراسی، صص ۴۸ و ۵۰.

[۷] عرفان و دموکراسی، صص ۷۲ و ۵۸ و ۶۲ و ۶۵.

[۸] تصوف چیست؟ صص ۱۵ و ۱۰۸ و ۶۶ و ۳۲.

[۹] روزنامه اطلاعات، ش ۲۲۲۰۳، ص ۷.

عینیت‌ها

در اینجا منظور نگارنده از طرح مسائل بعضاً آشنا، و به طور اجمال، اشاره به این مهم است که با اختیار کردن دیدی عارفانه نسبت به هستی و پیرامون خود به ویژه روح و روان و مقام انسانها، بتوانیم به ورای آموزه‌های مرسوم - چه در فقه و چه در عرفان - نگاه کنیم، و به نوعی از حکمت و آداب معنوی که در فرهنگ اجتماعی ما سابقه‌ای درخشان داشته است، رجوع نماییم. از سویی بدیهی است که منظور، دستیابی به جنبه‌های انحصاری عرفان نخواهد بود، زیرا در این مجال تنها تذکر

صلاحیتهای نهفته در هر فرد، و گشودن بابی که علیه محدودیتهای ظاهری اقدامی مثبت انجام دهد، منظور نظر است.

مشکلات دانشگاه و دانشجویان هنر

در ابتدا بدیهی است که اگر هر یک از حوزه های: نحوه دعوت به تزکیه و تقوی، فطری بودن دین، مراتب دین، اهداف دین، نیازهای ثابت و متغیر، جایگاه عقل و دل، تراحم احکام، حاکمیت روش اکراه، بعد ملکی و ملکوتی انسان، رابطه انسان با خود، رابطه او با خدا، راز آلود و حیرت افکن بودن دین و هنر منطقه فراغ، تجربه دینی، چگونگی نظام سازی، و... را موشکافی کنیم به داده های مثبتی دست خواهیم یافت، اما چنین پژوهشی در این گفتار به سامان نمی آید. بنابراین به طور مختصر معضلات موجود را باید هم در فضای آموزشی، و هم در نهاد افراد، و هم در شیوه های به کار گرفته شده به منظور ارتقای بینش معنوی جوانان جستجو کرد.

پیش از هر چیز به عنوان یک واقعیت رودررو، و لااقل از قول صاحب نظران باید بپذیریم که «به طور کلی ما از لحاظ دینی، در یک دوران بحرانی زندگی می کنیم. بسیاری از سؤالات برای عموم مردم مطرح است که در گذشته مطرح نبوده است. و شاید این همان زمانی است که در برخی از احادیث گفته شده که در آن زمان مردم برای اینکه دین خودشان را حفظ کنند، باید به کوهها پناه ببرند و از قله ای به قله ای دیگر بگریزند» [۱].

لذا در اجرای همگانی کردن مناسک دینی و در چهارچوب دستورالعمل های مرسوم، آنچه که غالباً از سوی مجریان دانشگاهی فراموش می شود، این واقعیت است که «استعداد خدایابی عبارت است از: تحول عالی روان یا روح از کثافت های خودمحوری و اختلاط با محسوسات و روابط در حال دگرگونی به دریافت عظمت های فوق محسوسات.» [۲] و آنچه که از دو سو- یعنی برنامه ریزان و مجریان امور دانشگاهی، و دانشجویان- مورد غفلت قرار می گیرد این حقیقت است که «فضای هنری مبتنی بر علمی است که ثمره استدلال و تجربه گرایی محسوب نمی شود. بلکه علم مقدسی است که تنها به وسیله وسایل فراهم شونده توسط سنت به دست آمدنی است.» [۳] به عبارتی در این فضای خاص و

بسیار عاطفی که خود به خود یک جو معنوی تلقی می شود، وظیفه همگان فراهم نمودن زمینه های ناپیدای نمود و بالندگی مفاهیم دینی است، و نه تبلیغ تند و بدون ظرافت.

بنابراین اگر یکی از ریشه های اصلی گره موجود در تعالی بخشی عبادی را روشهای ناقص به کار گرفته شده در دانشگاه بدانیم، به نظر می رسد غالب شیوه های تحمیلی ارائه شده در نظام آموزش عالی بدون در نظر گرفتن ظرایف مربوطه در هر حوزه آموزشی، و خصوصا عدم ارتباط عمیق و جذاب با روحیه و منش جوانان تنها به پوسته ظاهری مناسک دینی بسنده نموده، و از نقش پاسخگوی مذهب در برآوردن کلیه نیازهای متنوع غفلت ورزیده اند. حال آنکه «اگر انسان تنها به توانایی های خود اتکا کند، در واقع از دسترسی به قلب خود ناتوان خواهد بود. به عنوان مثال دیدن یک چشم انداز زیبا نه تنها شگفتی و لذت، بلکه در وجود انسان اشتیاق و شغف ایجاد می کند؛ و ارزش این اشتیاق از پیش آگاهی نسبت به امکانات و توانایی های عالی تر خود انسان، کمتر نیست. مادامی که بیننده نتواند با شیء یکی شود، با درجه ای از خودآگاهی که چیزی جز کسب شرایط لازم برای سلوک در طریقه ی روحانی نیست، روبروست؛ که البته معیاری برای سنجش آن وجود ندارد.» [۴].

مشکل دیگر در دانشگاه این است که طی سالهای اخیر بعد تجربی و تمرین مناسک دینی تبدیل به ایستار (عقیده) های دینی شده است. لذا گروهی از هنرمندان نه از سر تعهد قلبی و اعمال و رفتار درونی شده، بلکه براساس عرف جامعه تن به ذکر مفاهیم دینی در آثار خود می دهند. این امر علاوه بر آنکه به گونه بارزی از جهت گیری شفاف و تأثیرگذار آثار فرهنگی و هنری می کاهد، پیوستار (مجموعه به هم پیوسته از) شاخصهای مذهبی را که معرف اصالت نگرش و روش دینی هستند، تقلیل می دهد؛ و مسلما در درازمدت می تواند به صورت یک عارضه منفی پایدار درآید. یک بعد این ناهنجاری معطوف به اعمال سلیقه های یکسونگر در حوزه دین، و تحمیل برداشتهای روبنایی و سطحی از مناسک دینی است، که به طور بدیهی طبقه دانش پژوه و دانش آموخته این نحوه از تحمیل عقاید را نمی پسندند. زیرا «تقوی یک تعهد درونی است که از بینش صحیح به دست می آید، و علم اخلاق شناخت شیوه هایی است که سبب می شود که رفتار، گفتار و پندار پاک گردد.» [۵].

[صفحه ۲۳۳]

بدین ترتیب با اتخاذ شیوه های نه چندان علمی و پژوهش شده، ظاهرا کلافی سردرگم به وجود آمده است، که در آن دو طیف رغبتی به همسوگرایی نشان نمی دهند. البته در بسیاری از موارد مجریان به نحو مثبت، خواهان پیاده

شدن دستورات بدیهی دینی هستند، اما روند همکاری‌ها برخلاف خواسته آنان شکل می‌گیرد. در این وضعیت کمابیش آشنا، شاید سؤالی که به ذهن دانشجو خطور کند این باشد: آیا همچنانکه در هنر دینی که صبغه عرفانی بر آن چیرگی دارد، و همه اشیاء صاحب شعور و تسبیح گوی خداوند تلقی می‌شوند، این بینش ابتهاجی و روحیه والا بر مسئولان و آمران امور عقیدتی حاکم است، یا صرفاً به بیان دعوتی می‌پردازند که به گوش همگان آشنا و از فرط تکرار موجب دلزدگی است؟! با این حال حتی در صورت فهم مسئولان از ناکارآمد بودن روشهای منفی و حذف این شیوه‌ها، و فرض رویکرد همگانی به رعایت آداب دینی، این ظاهرگرایی نیز برای جامعه هنری کافی به نظر نمی‌رسد. زیرا گذشته از تنوع پرسشها برای جوانان و دریافت این مهم که «انسان مسیر حیات خویش را مشخص می‌سازد و طبق اراده و خواست خود راه صعود یا سقوط را انتخاب می‌کند» [۶].

ذهن پرسشگر و خلاق هنرمند به طور اعم، و هنرمند متعهد به طور اخص، همواره بر آن است تا خود در چالشهای مرسوم برای پرسش‌های اساسی و دغدغه‌آفرین متعددی نیز که پیرامون او هستند پاسخ‌هایی بیابد. حساسیت به این‌که:

- آیا هنر امروز ما هنری کاملاً قابل تأمل هست که بتوان نشانه‌های ذکر و لقاء خدا را در آن مشاهده کرد؟
 - آیا هنر معاصر هنری مقدس و یا برخوردار از نشانه‌های هنری دینی به شمار می‌رود؟
 - آیا شریعت در این هنر جایگاه ویژه خویش را پیدا کرده است؟
 - آیا هنر امروز به مانند هنر گذشتگان در تعلیم و تربیت نقشی آنگونه برعهده دارد که عبادالله پرورش دهد؟ ...
- پرسشهایی از این قبیل همواره فراروی هنرمند روشنفکر خواهد بود.
- از دل این پرسشهای مداوم منبعث از ذهن‌گزینش‌گر و خلاق هنرمند، واقعیت ناخوشایند دیگری به چشم می‌آید. یعنی در حالی که فضای زندگی امروزه ما مشحون از پیامها و بیان هنری

[صفحه ۲۳۴]

است، اما هنر مدرن که تأثیرات بی‌چون و چرایی بر تفکر عمومی و قالب‌های سنتی گذاشته است؛ نتوانسته حامل پیامهایی باشد که بتوان گذر از دنیا، و تجلی جلال خداوندی را در آن مشاهده کرد. به عبارتی «در آن هنگام که جمال والای حق (جل و علا) در یک دل تجلی نکند، نوبت به پرستش انواع بتهای زیبای محسوس که بشر با دست خود می‌سازد فرامی‌رسد و در آن جامعه که آرمانهای معقول مانند دریافت ارزش حیات و صدق و اخلاص

از صحنه ارواح انسانها رخت ببرند، آنگاه حس زیبایی اعلان در یک نقاشی با سمه ای می ریزد و می خشکد.» [V]

این عارضه در شهرهای بزرگ که مردمان گرفتار چنبره زندگی صنعتی شده اند، محسوس تر است. بدین معنی که آرمانهای والا و ذاتی آدمی به لذتهای مقطعی و ناچیز که نقش یک مسکن را ایفا می کنند، تنزل پیدا می کند. و در این حالت قاطبه مردم آمادگی آن را دارند تا از بدیهی ترین و نازل ترین درجات زیبایی، آنهم معمولا در بعد ظاهری آن محظوظ شوند. (البته این ضعف گاه به دلیل عدم استفاده از قابلیت های هنر مدرن است، که به این گفتار مربوط نمی شود.) به هر حال این عارضه نیز می تواند در ذیل همان بحران عمومی فرهنگ و هنر حساسیت هایی را برانگیزد. بنابراین در جای خود و بدون مجال موشکافی دقیق باید اذعان داشت بخشی از چالش های رفتاری در دانشگاه ها نیز به حوزه های اجتماعی پیرامونی مربوط است، و چنانچه منصفانه ضعف های موجود در دیدگاه و توان دست اندرکاران و مجریان امور را بپذیریم، اختیار کردن نظرگاهی همچون باور و بینش عرفانی که حداقل برای ارتقاء بینش معنوی آنان و کاهش تنش های موجود راهگشا باشد، مغتنم خواهد بود. در این میان برداشتهای درست، یا نادرست و افراطی نسبت به فراهم نبودن فضای نقد، یا دغدغه هایی از قبیل حفظ کرامت و حرمت نفس انسانی، بر مشکلات هنرمندان می افزاید. (یاداوریهای بعضا حاشیه ای اما مهم، برای ارجاع سخن به راهکار پیشنهادی است.)

راه حل ها کدامند؟ و وظیفه هنرمند که باید به عنوان حساس ترین پیشاهنگ فرهنگی جامعه برای این تعارضها پاسخی بیابد، چگونه قابل توجیه است؟ و چه دلایلی می توان برای گرایش به عرفان عنوان کرد؟ ابتدا به عنوان یک دلیل بسیار منطقی می توان عنوان کرد، ما همواره و در هر چالش باید این رکن

[صفحه ۲۳۵]

را در نظر داشته باشیم که اصولا انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی است، که براساس نظریه پردازی تعدادی از روشنفکران فقیه و نخبه بنیان نهاده شد، و به دلیل باز بودن فضایی که مردم به آن دعوت می شدند، پاسخ مثبت دریافت کرد. گرچه طی سالهای اخیر و به دلایل متعدد، چیرگی تعقل گرایی محض و سوددهی سیاسی بر وجه روابط درون اجتماعی ما غلبه کرده باشد. خوشبختانه اکنون پاره ای از برجسته ترین مسؤولان اجرایی امور مذهبی نیز به این دریافت پای می فشرند، و براساس حقایق موجود به این باور رسیده اند که در خلاء محسوس به تولید

اندیشه و نظریه پردازی برای مقابله با چالشهای مختلف فرهنگی نیاز داریم. از اینرو تأکید می کنند که «ما باید از تمام تجربه های گذشته و امروز برای انتقال مفاهیم فرهنگی و دینی به نسل نو استفاده کنیم.» [۸] بنابراین چنانچه محور عرفان یکی از ابزارهای مهم برای جذب جوانان و طبقه فرهیخته جامعه تلقی شود و بدانگونه که در طول تاریخ تمدن اسلامی بهره های فراوانی از آن نصیب جامعه گشته، امروزه نیز از این نحله فکری سود برده شود، راه خطایی نخواهد بود.

در عین حال شاید یادآوری مقاطعی از تاریخ که بحرانهای اجتماعی و فرهنگی مشابهی - گرچه نه به حدت و گونه گونی این عصر- وجود داشته است، دلایل این گرایش را قویتر نماید. در دوره هایی که مهاجمان به وضوح، و بیگانگان به فریب، قصد ریشه کن نمودن اعتقادات و آیین مسلمانی را داشته اند، «تجربه تاریخی نشان می دهد با به کار گرفته شدن سه بعد عرفان [یعنی: عقل، هوش و دل] مردم توانستند ضمن حفظ علایق دینی خود در برابر فشارهای سیاسی و تحریف دینی توسط بیگانگان و عوامل آنها پیروز باشند. چنانکه [مثلا در دوره سیاه مغولان و ایلخانان] عرفان، اندیشه تجربه دینی را در بین مردمان رواج داد و در برابر دگم اندیشی و ظاهرگرایی و تعبیر یکسویه از دین تحت عنوان شریعت، راهی بدیع و نشاط انگیز و پرتراوت گشود؛ زیرا ویژگی اساسی عرفان عطش جاودانه آن به حقیقت بی انتها و کمال مطلق است.» [۹].

لکن در این مقطع زمانی که مسؤولان با چالشها و بحران آفرینی های متعدد مواجه هستند، و با شرایط فرهنگی حاضر، در ابتدا این بیم وجود دارد که با اختیار کردن رسمی این گرایش،

[صفحه ۲۳۶]

سوء تعبیرهایی رایج شود، و بسیاری از افراد بدون برخورداری از فضیلت های لازم و اولیه ای که لازمه ورود به بینش و منش عرفانی است، فعل خود را منتسب به روشی نهان بینانه کنند. در این حال «بدون برخورداری بودن از فضیلتها که بخشی از صلاحیت برای ورود به حلقه عرفان است، خطر بزرگی همراه با تجربه عرفانی در کمین است.» [۱۰] بنابراین از سویی به نظر می رسد گشودن علنی این طریق نه برای مسؤولان مقدور است، و نه ظرفیت و صلاحیت اکثریت، تاب همگرایی با این شیوه را دارد. و حتی بیم آن وجود دارد که مفاهیم متعالی در جذابیت و سوسه های عمومی و فهم عامیانه از سلوک عرفانی، به نوعی دچار استحاله گردند.

اما نباید از خاطر ببریم، بلکه همواره باید به عنوان یک ارزش اساسی این نکته را در نظر داشته باشیم که مقوله عرفان بر این مهم تاکید می‌ورزد که هر شخص دارای خودآگاهی فطری است، و «از آنجا که هر شخص همواره دارای مرکز آگاهی است، می‌توان گفت که هر فرد صاحب یک قلب است. اما عرفا این اصطلاح را در معنای متعالی آن به کار می‌برند، و ریشه آن را به تعریف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از احسان (خوبی) می‌رسانند، که مستقیماً با معرفت قلبی مرتبط است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: احسان این است که شما طوری خدا را پرستید که گویی او را می‌بینید و اگر شما او را نمی‌بینید، او شما را می‌بیند. بنابراین ارزش رفتاری برای انسان مسلح به این معیار، آنگونه تبیین می‌شود که بتواند ارتعاشی را به سمت قلب ایجاد کند و راه رسیدن به آن را آسان نماید.» [۱۱] بنابراین این مسؤولان اجرایی هستند که باید به عنوان پیشگامان اندیشه دینی رنج نوآوری و ارشاد مطابق با ظرف زمانه را بر خود هموار کنند. چرا که به نظر می‌رسد این روش عاطفی و پیامبرانه، برای برانگیختن احساس مسؤولیت فردی و اجتماعی بسیار کارآمدتر از شیوه‌های به کار گرفته شده، و بعضاً پرزحمت و زحمت است.

«از آنجا که منظر عرفانی بر محتوا و معنای حقیقت تکیه می‌کند، و نه ظاهر و شکل شریعت، درک عرفانی خدا را مرکز ثقلی تعبیر می‌کند که همه پدیده‌ها و هر آنچه در زمین و آسمان است نشانه‌های او برای مسخر کردن انسان و کشف حقیقت تلقی می‌شود. در این تعبیر هدف و حقیقت غایی یا آزادی، اختیار و تشخیص انسان قابل حصول است و این تشخیص در افراد گوناگون متفاوت است.

[صفحه ۲۳۷]

پس هر کس با تعقل و تجربه باطنی خویش باید به هدایت و رستگاری برسد. به قول امام علی (علیه السلام).
به درستی که شما را نهایتی است. پس خود را به سمت نهایتان جهت دهید، و به درستی که برای شما علامت و نشانه‌ای است، پس به نشانه خودتان هدایت و رستگار شوید.» [۱۲].

[۱] روزنامه اطلاعات، ش ۲۲۲۰۳، ص ۷.

[۲] زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۱۰۹.

[۳] روزنامه اطلاعات، ش ۲۲۲۰۵، ص ۶.

[۴] تصوف چیست؟ ص ۶۹، (با اندکی تغییر).

[۵] گفتگو با آیت الله محمد هادی معرفت، روزنامه اطلاعات، ش ۲۲۲۲۴، ص ۶.

[۶] همان، ص ۶.

[۷] زیبایی و هنر در اسلام، صص ۳۳ و ۳۴.

[۸] به نقل از ریاست محترم سازمان تبلیغات اسلامی، ضمیمه روزنامه اطلاعات.

[۹] عرفان و دموکراسی، ص ۵۷.

[۱۰] تصوف چیست؟ ص ۱۰۷.

[۱۱] تصوف چیست؟ ص ۶۸.

[۱۲] عرفان و دموکراسی، صص ۷۴ و ۵۸.

نتیجه سخن

صرفنظر از وجود رابطه ای ژرف بین هنر و نیایش که محل پژوهش و بحث نظری در آن باب بسیار گسترده است، عرفان به عنوان یک واسطه و یا یک برآیند از تلاقی ایندو حوزه سر برمی آورد. اما کشف زوایای این رابطه و بهره گیری اندیشمندانه از آن به هر دلیل - از جمله دلمشغولی به کشاکشها و روشهای مرسوم در ظاهرگرایی دینی - مورد اهتمام جدی صاحب نظران و مسؤولان اجرایی قرار نگرفته است؛ حال آنکه اگر خواهان یک جهش و زایش مذهبی در دانشگاه و اجتماع باشیم، ناچار از باور و رجوع به بنمایه های بالنده و موفق حکمت دینی و فرهنگ بومی تجربه شده خواهیم بود.

از سویی چالشهای سیاسی و اجتماعی متعددی که کشور با آن روبرو خواهد بود، ایجاب می کند تا علاوه بر جدی گرفتن تولید اندیشه و نظریه پردازی، تحولی در شیوه برخورد با جوانان و توده مخاطبان فرهنگ دینی صورت پذیرد. با انجام مطالعات و پژوهشهای لازم، گرایش به سمت نگرش عرفانی که ابتدا می تواند از سوی مسؤولان به عنوان یک رسالت و نه یک تفنن مرسوم جدی انگاشته شود، چه به دلیل رسوب شریعت و تقوی در آن، و چه به لحاظ جذابیتهای ناشی از جوشش و صمیمیت نهفته در سلوک آن، در حد طبقه نخبه و فرهیخته یک راهکار و محک، و در حد دعوتی عمومی یک گرایش بومی و تجربه جذاب خواهد بود. از جانبی به نظر می رسد که به گونه ای جدی پیوندی ناگسستنی بین هنر و هنرمند متعهد با سلوک عرفانی وجود دارد، که چه در جهت ارتقای بینش معنوی این طیف و اشاعه فرهنگ عبادی مورد نظر، و چه در جهت پالایش محیط دانشگاهی و فرهنگ سازی دینی، چاره ای جز فراهم نمودن این بستر و حرکت به سمت گرایش عرفانی فراروی مسؤولان قرار نمی دهد. به خصوص که تجربه های آزموده شده در باب اشاعه فرهنگ دینی را دگر بار و از همان وجوه آزمودن خطاست.

منابع

- ۱- تصوف چیست؟؛ مارتین لینگز، ترجمه: مرضیه شنکایی و علی مهدی زاده، اول، ۱۳۷۹، مدحت.
 - ۲- حکمت معنوی و ساحت هنر (تأملاتی در زمینه سیر هنر در ادوار تاریخی)، محمد مددپور، اول، ۱۳۷۱، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
 - ۳- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، اول، ۱۳۷۷، انتشارات دوستان و ناهید.
 - ۴- روزنامه اطلاعات، انسان سرنوشتش را می نگارد (گفتگو با آیت الله محمدهادی معرفت)، ش ۲۲۲۲۴، ص ۶.
 - ۵- روزنامه اطلاعات، کندوکاوی در تصوف و تشیع، مصاحبه با دکتر نصرالله پورجوادی، ش ۲۲۲۰۳.
 - ۶- روزنامه اطلاعات، هنر و معنویت اسلامی، سید حسین نصر، ش ۲۲۲۰۵.
 - ۷- روش تحقیق در علوم اجتماعی، ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، سوم، ۱۳۷۷، توتیا.
 - ۸- زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، مرحوم علامه محمدتقی جعفری، سوم، ۱۳۶۹، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - ۹- عرفان و دموکراسی، محمدرضا درویش، اول، ۱۳۷۸، قصیده.
 - ۱۰- هنر مقدس (اصول و روشها)، تیتوس بورکهارت، ترجمه: جلال ستاری، اول، ۱۳۶۹، سروش.
- همچنین در متن مقاله، از برخی تیتراهای دو کتاب ذیل فهرستوار یاد شده است.
- انتظار بشر از دین (بررسی دیدگاه ها در دین شناسی معاصر)، عبدالله نصری، دوم، ۱۳۷۹، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- مبانی هنر موعود، احمدرضا معتمدی، اول، ۱۳۶۸، برگ.

نماز، نماد رابطه علم و دین

حجة الاسلام و المسلمین محمد سالاری

عضو هیأت علمی دانشگاه

[صفحه ۲۴۱]

مقدمه

از جمله ویژگی های دنیا جدید این است که بشر به منابع و روش های متعدد و متنوعی از معرفت دست یافته است. این ویژگی با همه جهات پسندیده ای که داراست و نمونه ای از فوایدش این است که چشم انسان را بر حقایق جدید گشوده است و دامنه اطلاعات وی را بسیار گسترش داده است، لیکن از جهاتی برای انسان مشکل آفرین نیز شده است به طوری که همین تنوع روش های جدید کسب معرفت، موجب شک و تردید و تعارض در درون وی و میان محصولات این منابع شده است.

به عبارت دیگر حقیقت این است که اگر انسان در دوران کودکی و جوانی خویش (دوران گذشته و محروم از امکانات علمی جدید) تنها از یک یا دو منبع معرفتی خاص بهره مند و سیراب می گشته و احساس غرور و شادمانی می کرده است. لیکن انسان جدید با توجه به تجربیات و تلاش های طاقت فرسا، در راه رسیدن به حقیقت و کشف جهان خارج، به منابع و ابزارها و اعمال روش های دیگر در عرصه مطالعه و تحقیق درباره انسان، جهان، طبیعت، تاریخ و جامعه دست یازیده است. این تعدد منابع و روش های تحقیق و جستجو چه بسا سبب پیدایش تعارض، تخالف و تکرر در یافته ها و نتایج مطالعات و تحقیقات وی شده و سبب پیدایش برخی تردیدها و سؤالات و سردرگمی های تازه ای برای او گردیده است.

بنابراین برای انسان امروزی یکی از مهمترین و جدی ترین دغدغه هایش این است که در مواجهه

[صفحه ۲۴۲]

با انبوه اطلاعات و یافته ها چگونه بتواند بین نتایج معتبر و مسلم ناشی از مطالعه روشمند این منابع سازگاری و هماهنگی ایجاد نماید، به طوری که تمام این اطلاعات و معلومات در یک نظام منسجم و خالی از هر گونه تناقض درونی تعبیر و تفسیر واحد و منسجمی را از همه واقعیات و تجارب بشری در اختیار ما قرار دهد.

و با این حال، تلاش برای رسیدن به وحدت در اندیشه، هنگامی صورت می پذیرد که یکی از اعتقادات غیرقابل انکار ادیان توحیدی این است که خداوند آفریدگار همه چیز است؛ زیرا او هم نگارنده کتاب تکوینی طبیعت است، هم فرستنده و تنظیم کننده کتاب تدوینی وحی و هم پدیدآورنده قوه درونی عقل. بنابراین عقل، وحی و طبیعت همه مخلوق او هستند و خداوند به میزانی که در کتاب تشریع متجلی شده است، به همان میزان در کتاب تکوین جلوه کرده است و چون سرچشمه های معرفت، همه از یک مبدأ حکیم ناشی می شوند، پس نمی توانند با یکدیگر متعارض باشند.

اعتقاد پیشین به عصمت و قداست کتاب وحی، اتقان صنع خداوند در طبیعت و حکمت و علم مطلق و خطاناپذیری نگارنده این دو کتاب (خداوند)، ما را بر آن داشته تا درصدد دستیابی به یک تحلیل واحد و منسجم از علم، عقل و دین برآمده و آنها را به گونه ای بکار بریم تا با منبع دیگر در تعارض نیافتند و در صورت وقوع تعارض، آن را ظاهری (و غیر واقعی) به شمار آورده که از خطای در فهم درست و روشمند یکی از منابع، که همان خالق هستی می باشد حاصل می گردد که نمود این ارتباط در «نماز» متجلی شده است.

بنابراین نماز می تواند نمادی برای حل تعارض های علم و دین باشد و به جای اینکه دین در مقابل علم قرار گیرد آن دو را همسو نماید و بین آنها وحدت ایجاد کند.

دیدگاه های اصلی درباره علم و دین

هرگاه بخواهیم دیدگاه ها را پیرامون موضوع علم و دین بررسی نماییم اولین سؤالی که در ذهن ما نقش می بندد این است که به طور کلی بین علم و دین چه رابطه ای وجود دارد و چگونه می توان بین این دو مقوله با یکدیگر ارتباط برقرار کرد، آنچه می توان در پاسخ به این سؤال بیان کرد این است که برای رابطه بین علم و دین چهار صورت امکان دارد.

اول اینکه علم و دین هیچ نسبتی (نه به صورت توازی و نه به صورت تعارض) با یکدیگر نداشته باشند.

دوم اینکه علم و دین به طور کامل یکدیگر را تأیید نمایند.

سوم اینکه علم و دین کاملاً یکدیگر را تکذیب کنند.

چهارم اینکه بعضی موارد یکدیگر را تأیید کنند و بعضی موارد هم معارض یکدیگر باشند.

در صورت های اول تا سوم هیچگونه تعارض قابل حلی را نمی توان فرض کرد. اما در صورت چهارم، آیا می توان

برای حل مشکل تعارض بین علم و دین راه یا راه هایی را نشان داد؟ این راه ها کدامند؟

در ذیل به چهار احتمال اشاره می کنیم که البته به طور منطقی از سوی متفکران مطرح شده است. [۸].

۱- می توان دین را یک حقیقت عالی و برتر قلمداد کرد؛ در این صورت در هر حوزه ای تا احتمال تعارض دین و علم داده شود دین را بر علم رجحان می دهیم.

۲- می توان علم را تنها راه مطمئن به سوی حقیقت و سعادت شمرد و هر جا که دین با علم تعارض داشت، علم را ملاک قرار داد و دین را طرد نمود.

۳- می توان علم و دین را دو مقوله کاملاً متمایز دانست و با تفکیک قلمروهای علم و دین از یکدیگر، زمینه هرگونه تعارض بین آن دو را از بین برد.

۴- می توان این دو مقوله را دو موضوع سازگار دانست که در نهایت به یک حقیقت می رسند به طوری که آن دو مکمل یکدیگر باشند. (متفکرین مسلمان به لحاظ تئوریک بیشتر از این موضوع دفاع می کنند).

[۸] مقاله ی علم و دین در «دین و چشم اندازهای نوین».

دیدگاه علم و دین درباره طبیعت

در اندیشه دینی، عالم هستی و طبیعت به عنوان کتابی سرشار از اسرار الهی معرفی گردیده است که به خواست و اراده مؤلفی قادر، عالم و حکیم تألیف و تنظیم شده است. این کتاب دارای ویژگی های خاص خود می باشد که از آن جمله می توان از قانونمندی، هدفداری، هدایت، زیبایی، هماهنگی،

[صفحه ۲۴۴]

انسجام و محاسبه پذیری نام برد.

البته باید توجه داشت که در اندیشه دینی، عالم طبیعت، تنها یک مرتبه از سلسله مراتب وجود است که سیر سالک از آن آغاز می شود ولی به آن پایان نمی یابد. [۱].

در قرآن کریم متجاوز از ۷۵۰ آیه وجود دارد که در آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم به بررسی پدیده های طبیعی و اهمیت مطالعه عمیق آنها و آیت بودن آنها بر علم، قدرت و حکمت الهی تأکید شده است. از دیدگاه قرآن، طبیعت منبع سرشار و زاینده ای برای مطالعه، شناخت و بررسی بوده و انسان متفکر باید هر چه بهتر و بیشتر بدان نگرسته و جمال دلربای الهی را در این آینه صاف و بی غبار مشاهده کند. قرآن به هنگام بیان ظرافت ها و لطافت ها و قوانین پیچیده طبیعی حاکم بر پدیده های هستی، همواره بر این نکته تأکید می نماید که تمام این زیبایی ها ناشی از علم و قدرت و وجود خالق حکیم، علیم و قدیر است و در واقع طبیعت شناسی قرآن جهت دار بوده و صرفاً برای آموزش خشک و بی روح قوانین حاکم بر باد، باران، کوه ها و دریاها و دیگر موارد بیان نشده است. اصرار قرآن بر این است که طبیعت شناسی باید صبغه و روح آیت شناسی به خود گرفته و به منزله تصویری در آینه باشد که ما را به صاحب تصویر هدایت کند. [۲].

[۱] «مبادی ما بعد الطبیعی علوم نوین» ص ۳۰.

[۲] «نظر متفکران مسلمان درباره ی طبیعت» صص ۱۲ و ۱۳.

تفاوت های زبان علم و وحی در طبیعت شناسی

۱- هدف اصلی قرآن و حتی سایر کتب آسمانی از بیان بعضی حقایق علمی و قوانین حاکم بر طبیعت، صرف اطلاع رسانی نسبت به این امور نیست، بلکه تأکید هر چه بیشتر بر آیت بودن آنهاست و دلالت نظم، پیچیدگی و هدفداری آنها بر علم، قدرت و جمال حضرت حق می باشد. در حقیقت قرآن، بیان حقایق علمی و تاریخی را در خدمت این هدف اصلی قرار داده است و به همین جهت است که نحوه بیان قرآن به صورت فرمول های خشک و بی روح علمی نیست، بلکه همواره این طبیعت شناسی در خدمت هدایت انسان به سوی خدا قرار گرفته و انسان را به آن سوی مرزهای ماده رهنمون گردیده است.

۲- زبان دین و کتاب آسمانی درباره این پدیده ها، توصیفی و اخباری محض نیست، بلکه توصیفی - تحریکی می باشد، چرا که هم عقل ما را قانع می کند و هم دل ما را می شوراند. در حالی که زبان کتب

علمی، توصیفی محض است و از هرگونه تبیین و تحلیل نهایی ساختار عالم، خالی می باشد و مشتمل بر تحریک و انگیزش نیست. [۱].

۳- قرآن و دیگر کتب آسمانی برای بیان موارد طبیعی به صورت گزینشی عمل کرده است. بطوری که از بین تمام مجموعه های نامتناهی عالم هستی و نظم ها و زیبایی ها طبیعی و قوانین حاکم بر آن، فقط به بیان بعضی از جلوه های هنرنمایی و تجلی علم و قدرت الهی که از دیگر موارد ملموس تر و قابل فهم تر است، اقدام نموده اند. بنابراین نتیجه این گزینش هم در راستای غرض هدایت انسان به سوی خداست؛ مثلاً در مورد تاریخ پیامبران که موضوعات تاریخی و طبیعی است بر خلاف کتب کلاسیک تاریخی که تمام حوادث زندگی شخصیت ها را مورد نظر قرار می دهند از ابتدای ولادت تا هنگام مرگ، قرآن تنها به بعضی از فرازهای زندگی پیامبران یا اولیای الهی می پردازد تا ضمن بیان تاریخ، نتیجه ی هدایتی نیز داشته باشد، (نه اینکه صرفاً تاریخی باشد).

۴- پیامبران همواره با زبان مردم سخن گفته اند و مطالب مورد نظر خویش را به زبان قومشان بیان کرده اند؛ همانطوری که قرآن نیز به صراحت به این نکته اشاره نموده است: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم...» «و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومشان نفرستادیم تا [حقایق را] برای آنها بیان کند.» [۲] اما زبان علمی دارای اصلاحات فنی و پیچیدگی های خاص خود است که آن را منحصر به قشر خاصی کرده که می توانند این اصطلاحات غامض علمی را بفهمند؛ بنابراین استفاده از آن همگانی نیست بلکه مخصوص به همان گروه است.

[۱] علوم طبیعت در قرآن.

[۲] ابراهیم / ۳.

دیدگاه های قرآن و سایر متون دینی درباره مطالعه طبیعت

الف - توصیه قرآن به مطالعه عالمانه و عمیق شگفتی های طبیعت در موارد متعدد.

«... سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق...» [۱].

«... و فی الارض آیات للموقنین و فی انفسکم، افلا تبصرون» [۲].

«... ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار و الفلک الی تجری فی

[صفحه ۲۴۶]

البحر بما ینفع الناس... لایات لقوم یعقلون» [۳].

«... افلم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بنيناها و زينناها و مالها من خروج و الارض مددناها و القينا فيها رواسي و انبتنا فيها من كل زوج بهيج، تبصرة و ذكرى لكل عبد منيب» [۴] .

ب- از دیدگاه قرآن، طبیعت صنع خداوند حکیم است و به همین جهت است که دارای اتقان و استحکام و نظم می باشد.

«و ترى الجبال تحسبها جامدة و هي تمر مر السحاب، صنع الله الذي اتقن كل شي، انه خبير بما تفعلون» [۵] .
در این آیه شریفه خداوند، اتقان و استحکام در ساختار هر چیزی را به خبير بودن فاعل آنها تعلیل کرده است.
ج- بر اساس دیدگاه قرآنی در جهانی که مخلوق خداست، تفاوت، تبعیض، نقص، بی نظمی و سرگرمی راه ندارد.
«الله الذي خلق سبع سماوات طباقا، ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور ثم ارجع البصر كرتين، ينقلب اليك البصر خاسئا و هو حسير» [۶] .

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه، مقصود از نبودن تفاوت در نظام خلقت را، اتصال تدبیر و ارتباط و هماهنگی بعضی از اشیا با بعضی دیگر، در جهت برآوردن غایات و منافع می داند که از بوجود آوردن آنها منظور بوده است. [۷]

به عبارت دیگر تمام اجرای عالم طبیعت و هستی دست به دست هم داده اند تا زمینه را برای استکمال انسان و سایر موجودات زنده فراهم نمایند.

د- در دیدگاه قرآن، هر چیزی بر اساس اندازه گیری و محاسبه دقیق آفریده شده است.
«... و خلق كل شي فقدره تقديرا» [۸] .

[صفحه ۲۴۷]

«... و كل شيء عنده بمقدار» [۹] .
«... و ان من شيء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم» [۱۰] .
در عالم مسیحیت و در قرون وسطی نیز «پژوهش پذیری جهان» به معنای کمی دقیقش، با شهرت و محبوبیت یافتن یک آیه از کتاب حکمت سلیمان تأیید شد و پشتوانه نیرومندی یافت. آن آیه است:
«آفریدگار هر چیزی را به مقدار و تعداد و وزن سامان داده است.»

مطابق نظر: ا. ر. کوریتوس که از صاحب نظران برجسته ادبیات قرون وسطی است، آن آیه از متواترات و مکررترین عبارت های منقول از کتاب مقدس در قرون وسطی بوده است. [۱۱].

بنابراین از مجموع این گروه از آیات قرآن کریم به این نتیجه می رسیم که:

- ۱- مطالعه جهت دار طبیعی و انسان امری مطلوب است و از دیدگاه دینی- نیز قابل قبول است.
 - ۲- قرآن بشر را قادر به تحصیل شناخت طبیعت می داند و قائل است که انسان می تواند بدان دسترسی پیدا کند.
 - ۳- نتایج این مطالعات جهت دار طبیعی نیز ارزشمند است و قرآن با دید مثبتی بدان می نگرد.
- اما با سیر در دیدگاه های علمی جدید درباره طبیعت به این نتیجه می رسیم که:

- ۱- طبیعت منبعی اساسی برای کسب معرفت است.
- ۲- علم بر منظم بودن و قانونمندی طبیعت تأکید فراوان دارد.
- ۳- علم، بشر را بر کشف و شناخت قوانین طبیعت، قادر و توانا می شمرد.

[۱] فصلت / ۵۳.

[۲] الذاریات / ۲۱ و ۲۲.

[۳] بقره / ۱۶۴.

[۴] ق / ۶-۸.

[۵] نمل / ۸۸.

[۶] ملک / ۳-۴.

[۷] ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۷، صص ۱۹۶ و ۱۹۷.

[۸] فرقان / ۲.

[۹] رعد / ۸.

[۱۰] حجر / ۲۱.

[۱۱] ر. ک، علم و دین، صص ۴۵-۴۸.

سوابق و ریشه های پیدایش تعارض علم و دین

به طور کلی وقتی سخن از موضوع علم و دین به میان می آید، این سؤال ذهن جستجوگر انسان را به خود مشغول می کند که آیا علم و فرآورده های آن، دین و باورهای دینی را تأیید می کند یا با آن تعارض دارد؟ بر فرض تعارض، آیا این تعارض موقت و قابل حل است یا عمیق و بنیادی و غیرقابل حل می باشد؟ در صورت اول راه های حل آن چیست؟

برای پاسخ به این سؤال باید سابقه مقابله یا تعارض این دو موضوع را بررسی کرد، تا به پاسخی قطعی رسید. تفکر تعارض بین علم و دین در غرب به علل و عوامل مختلفی بستگی دارد که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می شود:

- الف- نارسایی مفاهیم دینی کلیسا (خصوصاً در مفهوم خدا).
- ب- محتویات خرافی و ضد علمی کتب مقدس تحریف شده.
- ج- برخورد نادرست و از سر تعصب اربابان کلیسا با دانشمندان و نظریات علمی آنها (به عنوان مثال برخورد با گالیله).

د- برداشت ماتریالیستی از علم جدید.

ه- نص گرایی افراطی اربابان کلیسا.

با دقت در عوامل فوق و تحلیل آن به این مهم خواهیم رسید که چرا در عالم مسیحیت اندیشه تعارض علم و دین مقبولیت یافته است و در جهان اسلام هیچ گاه چنین توهمی بوجود نیامده و همیشه دانشمندان علوم تجربی با دانشمندان دینی در کمال دوستی و صمیمیت در کنار یکدیگر و با آرامش به گفتگو پرداخته اند و در هیچ قسمتی از تاریخ تمدن بزرگ اسلامی، علم و دین با یکدیگر به مبارزه برخاسته اند و علاوه بر آن همیشه یار و مددکار همدیگر هم بوده اند.

نمونه هایی از تعارض علم و دین در جوامع غیر اسلامی

۱- تعارض علم و دین در کیهان شناسی

در تصویر قرون وسطایی جهان که آمیزه ای از کیهان شناسی ارسطویی و الهیات مسیحی بود، زمین مرکز ثابت عالم بود و همه افلاک و سیارات بر گرد آن می چرخیدند. کائنات و کرات چون بی فساد انگاشته می شدند، سزوارشان بود که فقط از کاملترین شکل ها و مسیرها که دایره است، پیروی کنند. زمین مرکز ثابت عالم بود و انسان خلیفه خدا در روی زمین که مقام و موقعیت او چنین با هم هماهنگ شده بود. این تصور قرون وسطایی جهان بود که عالم جدید با آن به معارضه و چالش برخاست. در اخترشناسی جدید، زمین، فلک مرکزی ثابت شمرده نمی شد، بلکه سیاره ای سرگردان در دل آسمان بود. در این نظام جدید، خورشید مرکز منظومه شناسی بود نه زمین، و کشف اقمار

مشتری هم ثابت کرد که زمین مرکز همه حرکات نیست. (گاليله در سال ۱۶۱۰ م) با استفاده از تلسکوپ جدید، کوه های ماه را مشاهده کرد و به وضوح نشان داد که یک ماه یک شیء طبیعی نامنتظم است، نه یک فلک آسمانی کامل. [۸].

با توجه به این نظام جدید کیهان شناسی که مؤید به شواهد تجربی بود و از سادگی بیشتر نیز برخوردار بود، علاوه بر کیهان شناسی ارسطویی (هیأت بطلمیوسی) پاره ای از ظواهر و نصوص کتاب مقدس که تا آن روز بر این اساس تفسیر می شد، زیر سؤال رفت و موقعیت انسان به مخاطره افتاد و اعتبار و منزلت وی در معرض شکی جدی قرار گرفت و از همه مهمتر اینکه بعضی از ظواهر کتاب مقدس که نظریه زمین مرکزی را معرفی می کرد، با تردید جدی مواجه شد.

۲- تعارض علم و دین در فیزیک جدید

پس از کشف قوانین نیوتن و دسترسی بشر به فیزیک مکانیک و در ادامه آن موفقیت روزافزون و معجزه آسای این فیزیک جدید در تبیین و تفسیر دقیق و ساده تری از پدیده های تجربی و اعطای قدرت کنترل و تصرف بیشتر به بشر، برخی گمان نمودند این قوانین قابلیت دارد تا بر تمام اجزای عالم از کوچکترین ذره تا دورترین و بزرگترین سیارات، اطلاق گردد؛ و جهان را مانند یک ماشین بزرگی فرض کردند که جز تبعیت از قوانین ثابت قطعی از چیز دیگری پیروی نمی کند. در این طرز تفکر، جهان به منزله ساعتی بزرگ و پیچیده شمرده می شد که سازنده آن، در زمان خاصی بدان پرداخته و به قول پاسکال: «با استارتی آن را به حرکت در آورده است.»

این ساعت بعداً به طور خودکار و بر اساس قوانین مکانیک به کار خودش، ادامه می دهد، مگر اینکه اختلال یا رخنه ای در کار او پیش آید که در این هنگام ساعت ساز بزرگ «لاهوته» با دخالت های به موقع خودش این رخنه ها را پوشانده تا ساعت جهان دوباره به کار خود ادامه دهد. [۲].

تعارضی که در اینجا وجود داشت این بود که خدای فیزیک مکانیک یا «ساعت ساز بزرگ لاهوته» پس از آفریدن این ساعت بزرگ، کاری نداشت و فقط در موارد خاصی که قوانین علمی از تفسیر نقطه کوری عاجز بود، کار رخنه پوشی را بر عهده داشت و با هر پیشرفت علمی و بسته شدن هر رخنه ای، یک قدم عقب نشینی می کرد؛ در حالی که خدای کتاب مقدس، پدر انسانواری بود که لحظه به لحظه

در کار خلق مدام، هدایت، رزق دهی و تدبیر فعالانه و مستقیم نظام آفرینش بود. علاوه بر موارد یاد شده، در زمینه های دیگری مانند زیست شناسی جدید، زمین شناسی جدید و دیگر موارد علوم که تعدادشان هم بسیار است نیز تعارض بین داده های علم جدید و ظواهر کتاب مقدس پدید آمده است. [۳].

مجموعه علل و عواملی که ذکر شد در موضوعات مختلف در مغرب زمین و در دنیای مسیحیت دست به دست هم داد تا بحث تعارض علم و دین جدی گرفته شود و عده ای در این جهت سیر کنند که اساسا دین و اندیشه های دینی و محتوای کتاب مقدس و شریعت را، دشمن علم بدانند و در طول تاریخ، آن را مانع تکامل و پیشرفت در علوم قلمداد کنند؛ لیکن خوشبختانه در جهان اسلام به دلیل محتوای بلند و عقلانی و علمی قرآن کریم و تأکید زاید الوصف آن بر مطالعه ی طبیعت و ارج نهادن به نتایج این مطالعات از یک سو و توجه دانشمندان مسلمان به محدودیت ها و کاستی های روش علوم تجربی از سوی دیگر؛ و مهم تر از همه پیشتاز بودن علمای دین در عرصه علوم تجربی مانند دانشمندانی چون: «ابن سینا، خوارزمی، ابن هیثم و...» هیچ گاه درگیری و نزاع خاصی میان اصحاب علم و ارباب دین به وجود نیامده و هیچ دانشمندی به خاطر بیان نظریات عملی اش مورد محاکمه و تعقیب و آزار و شکنجه قرار نگرفته است و در هیچ نقطه ای از تمدن با شکوه اسلامی در دوران شکوفایی علوم تجربی (در قرون چهارم و پنجم) چنین حوادث نگران کننده ای رخ نداده است.

[۱] همان، ص ۱۲۰.

[۲] همان، ص ۲۱.

[۳] جزوه ی علم و دین، صص ۴۰ و ۴۱.

راه حل های رفع تعارض بین علم و دین و دیدگاه اسلام درباره آن

فرضیه انگاشتن نظریات علمی معارض

این راه حل که برای رفع تعارض بسیار سودمند است. در پاره ای از نظریات و آرای تفسیری علامه طباطبایی (ره) می توان یافت. مرحوم علامه طباطبایی (ره) در پاره ای از آرای تفسیری خویش سعی نموده است تا از طریق «فرضیه شمردن پاره ای از نظریات علمی» مشکل تعارض را حل نماید. وی در تفسیر آیه نخستین سوره نساء که

در باب خلقت انسان از نفس واحد است، می گوید: «معنای ظاهر قریب به نص آیه این است که آدمیان موجود، همه از نسل آدم و همسر اویند و موجود دیگری در تولید آدمیان سهم نبوده است.» آنگاه فرضیه قائلان به تکامل انواع را نقل می کند و

[صفحه ۲۵۱]

می افزاید که «این فرضیه را برای توجیه خواص و آثار انواع جانوران فرض کرده اند، نه تطور ذات آنها و دلیلی بر نفی تئوری رقیب آن ندارند و در هیچ تجربه ای فی المثل، فردی از میمون را ندیده اند که بدل به انسان شود؛ بلکه همه تجارب بر خواص و لوازم جانوران جاری شده است و به همین سبب آن فرضیه، کارش فقط توجیه مسایل خاص است و دلیل قاطعی هم بر آن اقامه نشده است و لذا قول قرآن کریم که آدمی را نوعی مستقل از بقیه جانداران، می داند، با هیچ سخن علمی معارض و منافی نیست.» [۱] .

[۱] تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۳۴.

ابزارانگاری در علم

مطابق تلقی ابزارانگارانه، تئوری های علمی، افسانه های مفیدی هستند که به هیچ وجه نمی توان گفت مطابق با واقع بوده و مثل آن یا مشابه آن می باشند. آنچه که در مورد این تئوری ها مهم است، مطابقت و صدق آنها نیست، بلکه مفید بودن و کارآیی آنها است. در صورتی که ما نظریات علمی را افسانه و ابزار مفید به حساب آوریم، تعارضی بین این تئوری ها و متون دینی اتفاق نخواهد افتاد چرا که متون دینی، لسان حکایت از واقع دارند و تئوری های علمی صرفا ابزارهای مفیدی برای پیش بینی و تفسیر و محاسبه پدیده های حسی و حرکات می باشند. [۱] .

[۱] «علم چیست، فلسفه چیست» مقاله فیزیک و متافیزیک نوشته پردوئم.

تفکیک بین مسلمات و فرضیات (تفصیل در قضایای علمی)

برای نمونه از این تفصیل بین مسلمات علم و غیر مسلمات، به تفسیر المیزان مراجعه می کنیم و تفسیر آیات پنجم تا دهم سوره صافات را در ذیل می آوریم؛ این آیات داستان رانده شدن شیطان به وسیله شهاب های آسمانی را مطرح کرده است که علامه طباطبایی (ره) تحت عنوان «معنای شهاب» آن را چنین طرح نموده است: «مفسرین برای اینکه مسأله «استراق سمع» شیطان ها در آسمان ها را تصویر کنند و نیز تصویر کنند که چگونه در این هنگام به سوی

شیطان ها با شهاب ها تیراندازی می شود، بر اساس ظواهر آیات و روایات، توجیهاتی ذکر کرده اند که همه بر این اساس استوار است که آسمان عبارتست از افلاکی که محیط بر زمین هستند و جماعت هایی از ملائکه در آن منزل دارند و آن افلاک در و دیواری دارند که هیچ چیز نمی تواند وارد آن شود و... در آسمان اول جماعتی از فرشتگان هستند

[صفحه ۲۵۲]

که شهاب ها را به دست گرفته و در کمین شیطان ها نشسته اند که هر وقت نزدیک بیایند تا اخبار غیبی آسمان را استراق سمع کنند، با آن شهاب ها به سوی آنها تیراندازی کنند و دورشان سازند و این معانی همه از ظاهر آیات و اخبار ابتدا به ذهن می رسد.

لیکن امروز بطلان این حرف ها به خوبی روشن شده و عیان گشته و در نتیجه بطلان همه آن وجوهی که در تفسیر «شهاب» ذکر کرده اند که وجوه بسیار زیادی هم هستند و در تفاسیر مفصل و طولانی از قبیل: تفسیر کبیر فخر رازی و روح المعانی آلوسی و غیر آن دو نقل شده، باطل شده است.

ناگزیر باید توجیه دیگری کرد که مخالف با علوم امروزی و مشاهداتی که بشر از وضع آسمان ها دارد، نبوده باشد و آن توجیه احتمالا این است که: این بیاناتی که در کلام خدای تعالی دیده می شود از باب مثال هایی است که به منظور تصویر حقایق خارج از حس زده شده تا آنچه که خارج از حس است به صورت محسوسات در افهام بگنجد، همچنان که خود خدای تعالی در کلام مجیدش فرموده: «و تلک الامثال نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون» و اینگونه مثل ها در کلام خدای تعالی بسیار است، از قبیل عرش، کرسی، لوح، کتاب و...

بنابراین اساس، مراد از آسمانی که ملائکه در آن منزل دارند، عالمی ملکوتی خواهد بود که افقی عالی تر از افق عالم ملک و محسوس دارد، همان طور که آسمان محسوس ما، با اجرامی که در آن هست، عالی تر و بلندتر از زمین ماست و مراد از نزدیک شدن شیطان به آسمان و استراق سمع و به دنبالش هدف شهاب ها قرار گرفتن، این است که شیطان ها می خواهند به عالم فرشتگان نزدیک شوند و از اسرار خلقت و حوادث آینده سر در آورند و ملائکه هم ایشان را با نوری از ملکوت که شیطان ها تاب تحمل آن را ندارند، دور می سازند و یا مراد این است که شیطان ها خود را به حق نزدیک می کنند تا آن را با تلبیس ها و نیرنگ های خود بصورت باطل جلوه دهند و یا

باطل را با تلبیس و نیرنگ به صورت حق در آورند و ملائکه رشته های آن ها را پنبه می کنند و حق صریح را هویدا می سازند...» [۸] .

اینکه در تفسیر آیات مذکور، علامه طباطبایی دست از معنای ابتدایی و ظاهری برداشته و زبان آن را تمثیلی شمرده اند که ناظر به بیان حقایق دیگری است و اینکه ایشان شهاب را مانند سایر مفسرین تحلیل ننموده و به معنای نوری ملکوتی قرار گرفته است و اینکه آسمان در این آیات را آسمان

[صفحه ۲۵۳]

محسوس نگرفته، بلکه آسمانی ملکوتی و در افقی بالاتر و عالی تر از عالم ملک و محسوس قرار داده است، به خاطر این است که ایشان بین مسلمات و فرضیات تفکیک قائل شده است و نخواستند بین نظریات علمی و آرای قرآنی تعارضی ایجاد گردد و در حقیقت، به نوعی، آیات قرآن را تأویل کرده است.

[۸] همان مأخذ، شماره ۱۲.

تفکیک قلمروها

یکی از شرایط ضروری و لازم برای وجود هرگونه تعارض بین علم و دین، این است که علم و دین حداقل در پاره ای از مواضع قلمرو مشترک داشته و به موضوعات و مسائل یکسانی بپردازند؛ در این صورت دو احتمال پدید می آید:

الف- ظاهر یا نص متون دینی یا یکی از مسلمات مربوط به اعتقادات دینی به وسیله داده های علوم تجربی تأیید شود.

ب- ظاهر یا نص متون دینی و یا یکی از مسلمات مربوط به اعتقادات دینی از سوی داده های علوم تجربی انکار یا تضعیف شود.

در فرض اول برای متدینان نه تنها هیچ مشکلی ایجاد نمی شود، بلکه سبب خوشحالی و مسرت آنها نیز می گردد و زمینه قبول بهتر و راحت تر باورهای دینی را فراهم می آورد. ولی اگر کسی از برکات علوم بشری، در تأیید دین کمک گرفته، باید درگیری ها و تعارض ها را نیز در نظر داشته باشد و آنها را هم جدی شمرده و درصدد توجیه معقول و منطقی برای حل مشکل تعارض برآید.

از جمله کسانی که سعی کرده اند با تفکیک کامل قلمرو علم و دین سازش میان این دو ایجاد کنند، ایمانوئل کانت، فیلسوف آلمانی است. اما دیدگاه کانت با همه راهگشایی که دارد دارای اشکالاتی نیز هست، و اشکال اصلی این دیدگاه این است که برای فرار از مشکل، تنها یک جنبه از دین را برجسته نموده است و سایر ابعاد و گستره های مختلف دین را در زمینه انسان شناسی، جهان شناسی، حقوق و... نادیده گرفته است؛ زیرا کانت دین را تأویل به اخلاق کرده است و این دیدگاه در مورد همه ادیان صدق نمی کند.[۱].

بنابراین فرق بین رشته های الهیات و علم، ناشی از تفاوت بین موضوع معرفت آنهاست؛ زیرا

[صفحه ۲۵۴]

الهیات با خداوند متعال سر و کار دارد و علم با طبیعت و جهان مادی و این دو موضوع به میزانی با هم تباین و تفاوت دارد که به هیچ وجه روش های یکسانی را در هر دو حوزه نمی توان به کار برد.[۲] پس ناچاریم قلمروهای بین علم و دین را از یکدیگر تفکیک نماییم.

[۱] ر.ک، chapteri, sience of age an in relihion ,barbor .Lang. صص ۱۶-۱۰.

[۲] ر.ک، به همان مأخذ شماره ی ۱۶ صص ۹۱-۹۶ و «نقد تفکر فلسفی غرب» بخش اصالت فیزیک.

تفکیک زبان های علم و دین

اگر علوم تجربی درباره موضوع خاصی مطلبی بیان کند و متون دینی هم درباره همان موضوع و از همان جهت خاص و با همان زبان خاص، مطلب معارض دیگری بیان کند، به طوری که نتوان به حسب ظاهر بین این دو جمع نمود، آنگاه است که تعارض میان علم و دین نسبت به آن موضوع خاص محقق شده است، بنابراین برای تحقق تعارض، علاوه بر وحدت قلمرو، وحدت زبان نیز ضروری می باشد، حال آنکه زبان علم و زبان دین با یکدیگر تفاوت هایی دارند زیرا:

الف- دین و متون دینی به اموری می پردازند که به رستگاری و سعادت ابدی انسان مربوط می باشد ولی علم به اموری می پردازد که خوشبختی دنیا بیشتر در آن سهم دارد.

ب- دین از طریق ابزارهای عادی کسب مادی قابل تحصیل نیست، ولی علم تجربی سعی می کند تا به تفسیر پدیده های تجربی، پیش بینی حوادث تجربی و کمک به تصرف هر چه بیشتر بشر در طبیعت، از طریق ساختن ابزارها و تکنولوژی نایل آید.

بنابراین دانشمندان علوم تجربی با متکلمان و دانشمندان دینی هیچ رقابت و تنازعی ندارند؛ زیرا در اکثر موارد حوزه دخالت دین و علم جدا و مستقل می باشد و فقط در موارد اندکی و با طور (تبعی) کتب آسمانی به مطالب علمی پرداخته اند و در این مورد هم هدف بیان اتکای مطلق انسان به قدرت و علم خدا و جلوه نمایی او از اوصاف الهی و جنبه هدایتی انسان و در پاره ای موارد هم زبان سمبلیک و استعاری و کنایه ای است که خداوند بر سبیل مجاز سخن گفته است که اگر ما آن را بر معنای حقیقی و ظاهری حمل کنیم، موجب تعارض بین علم و دین خواهد شد. ولی اگر برای هر یک از علم و دین حوزه زبانی جدایی را در نظر بگیریم، این مشکل پیش نخواهد آمد.

نقش نماز به عنوان نماد رابطه علم و دین

خداشناسی و پرستش در نهاد تمام انسان ها به صورت فطری وجود دارد، به عبارت دیگر می توان

[صفحه ۲۵۵]

گفت خداشناسی نیاز طبیعی برای انسان است و برای این ادعا دلایلی نیز وجود دارد:

۱- سراسر تاریخ پر است از اینکه اقوام و ملل مختلف که در گذشته زندگی می کرده اند همیشه به مفهوم مقدس و بزرگی اعتقاد داشته اند که حقیقتی در ورای تجربه بوده است. آنها آن معبودها را پرستش می کردند و در مقابل آنها به خاک می افتاده اند.

۲- وحدت گرایی در تمام علوم، دلیل دیگری است بر اینکه خداشناسی نیاز طبیعی انسان است. با اندکی دقت در آرا و نظریات دانشمندان به این نتیجه می رسیم که همه دانشمندان مدعی هستند که تمام اصول علمی باید به طرف وحدت سوق داده شوند و از اکثریت اجتناب شود. مثلاً در توجیه و تبیین مواد مختلف عالم، سعی می شود که ماده اولیه جهان را به یک عنصر تبدیل کنند و حتی اصرار دارند بگویند: ماده اولیه جهان ئیدروژن است، زیرا ئیدروژن یک الکترون دارد و به وحدت نزدیک تر است و در بین عناصر، نمونه کاملتری برای وحدت می باشد. درباره منظومه شمسی هم دانشمندان سعی می کنند تا همه را در وحدت حل کنند و مدعی هستند که تمام کهکشان ها و اجرام سماوی به یک توده متحدالشکل منتهی می شوند. توجه به این مسایل به وضوح اعلام می دارد که یکتانگری لازمه اندیشه هر اندیشمندی است.

۳- نیاز به آرامش، نیاز به طمأنینه و آرامش در درون همه انسان ها هست. زندگی روزانه با اشتغالات و مسایل بی شمارش جلوی بیداری و توجه به این نیاز را سد می کند و شخص را به خواب ناخودآگاه فرو می برد. وقتی با زندگی محاصره می شویم؛ یعنی خوراک، پوشاک، کار، قرار ملاقات، عیادت، استقبال و مشایعات، تعیین وقت، قول دادن، عروسی، تشییع جنازه و هزاران کار کوچک و بزرگ دیگر که آن چنان به دست و پای ما می پیچند که حتی ما خودمان را هم فراموش می کنیم و می دانیم که چه هستیم و که هستیم؟ چگونه می توان از این گرفتاری و شلوغی موضوعات فرار کرد و آرامش یافت. این نیاز به آرامش چیزی جز نیاز به خداشناسی نیست و به غیر خدا فراهم نمی شود، زیرا خود در کتاب آسمانی اش فرموده است:

«الا بذكر الله تطمئن القلوب» [۸]؛ تنها با یاد خدا دل ها آرامش می یابد.

بنابراین پرستش ذاتی هر انسان است و بهترین نوع پرستش و عبادت نماز است و نماز علم اسلام

[صفحه ۲۵۶]

است که دارای آثار فراوانی بر فرد و جامعه می باشد.

با توجه به بحث علم و دین مناسب است به آن آثاری از نماز اشاره گردد که تأثیر مستقیم بر علم و پرچمداران علم، یعنی علما و دانشمندان دارد:

[۸] رعد / ۲۸.

نماز مظهر خوف و خشیت الهی

خداوند تبارک و تعالی در قرآن فرموده است: «و از انسان ها و جنبندها و چهارپایان انواعی با رنگ های مختلف آفرید همین گونه (بندگان هم مختلفند) و از (میان) اصناف بندگان تنها دانشمندان مطیع و خداترسند.» [۹].

آری خداوند از میان تمام بندگان تنها دانشمندان را برگزیده است و می فرماید: «انما یخشی الله من عباده العلماء» زیرا دانشمندان تنها کسانی هستند که به مقام عالی خشیت یعنی «ترس از مسؤولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار» نائل می گردند. این حالت «خشیت» مولود سیر در آیات آفاتی و انفسی و آگاهی از علم و قدرت پروردگار و هدف آفرینش است.

«راغب اصفهانی» در مفردات می نویسد: «خشیت به معنی ترسی است آمیخته با تعظیم و غالباً در مواردی به کار می رود که از علم و آگاهی به چیزی سرچشمه می گیرد و لذا در قرآن مجید، این مقام مخصوص عالمان شمرده شده است.»

از این آیه این نتیجه به خوبی گرفته می شود که: عالمان واقعی آنها هستند که در برابر وظایف خود احساس مسئولیت شدید دارند و به تعبیر دیگر اهل علمند نه سخن، چرا که علم بی عمل دلیل بر عدم خشیت است و صاحبان آن در آیه مذکور در زمره علما محسوب نیستند. این حقیقت در حدیثی از امام زین العابدین (علیه السلام) آمده است که فرموده اند: [۲] «علم و عمل دو دوست صمیمی اند، کسی که خدا را بشناسد، از او می ترسد و همین ترس او را وادار به عمل و اطاعت از فرمان خدا می کند، صاحبان علم و پیروان آنها کسانی هستند که خدا را به خوبی شناخته اند و برای او عمل می کنند و به او عشق می ورزند، چنانکه خداوند فرموده: «انما یخشی الله من عباده العلماء».

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر همین آیه نقل شده است که

[صفحه ۲۵۷]

فرموده اند: [۳].

«منظور از علما کسانی هستند که اعمال آنها هماهنگ با سخنان آنها باشد. کسی که گفتار و کردارش هماهنگ نباشد، عالم نیست».

با توجه به آیه قرآنی و روایات نتیجه می گیریم که دانشمند واقعی کسی است که دارای مقام خشیت الهی باشد و این خشیت الهی به تمام معنا در نماز متجلی است. چرا که یک دانشمند با تمام عظمت و طمطراقی که دارد به محض شنیدن صدای مؤذن و بانگ «الله اکبر» همه مشاغل درسی و علمی خویش را رها می کند و پس از طهارت و وضو در مقابل عظمت معبود به نماز می ایستد و آنچنان بندگی می کند که گویی عبدی است که در مقابل مولایش به خاک افتاده و از نافرمانی و قهر و غضب او ترسان است و بر رجاء او امیدوار.

[۱] فاطر / ۲۸.

[۲] روضه کافی، نقل از تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۵۹.

[۳] تفسیر مجمع البیان، طیل آیه ی مورد بحث، نقل از تفسیر نمونه ج ۱۸ / ص ۲۴۸.

نماز مظهر انسان شناسی علمی، فلسفی، عرفانی و دینی

علاوه بر وجوه عام اهمیت شناخت انسان، انسان شناسی - در دیدگاه دینی - از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شناختن آدمی و راز و رمز وجود او، دریچه های نوینی از خداشناسی را فراروی ما می گشاید. البته نباید از یاد برد که شناخت جامع انسان، بدون عطف توجه به دستاوردهای همه شاخه های انسان شناسی اعم از انسان شناسی علمی - تجربی، فلسفی، عرفانی و دینی ممکن نیست؛ زیرا اگر چه این شاخه های انسان شناسی در پاره ای مبانی و اصول و نیز از جهت روش های تحقیق با یکدیگر متفاوت اند؛ لیکن انسان یگانه مخلوقی است که می تواند مظهر و آینه تمام نمای حق باشد و از این رو، درون آدمی نیز همانند عالم برون، کانون آیات الهی است: «سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» [۱] خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد. به زودی نشانه های خود را در افق های گوناگون و در دل هایشان به آنها خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است.

همچنین آنقدر شناخت وجودی انسان مهم است که خداوند غفلت از خویشتن خویش را برای انسان، ملازم با فراموش کردن خدا می داند و می فرماید: «نسوا الله فانسیهم انفسهم» [۲].

[صفحه ۲۵۸]

علاوه بر این، انسان شناسی، با دیگر آموزه های اعتقادی (نبوت و معاد) اخلاقی و حقوقی اسلام رابطه ای نزدیکی دارد، به گونه ای که فهم درست این تعالیم، بدون شناخت انسان میسر نمی گردد و نمازی که همراه با این شناخت از وجود طبیعی و معنوی انسان همراه باشد، قطعاً دارای مراتب عالی معنوی و قرب الهی الله خواهد بود.

همان نمازی که اولیای خاص خدا، پیامبران، ائمه معصومین (علیهم السلام) برپا می داشتند و آنقدر به اوج می رسیدند که اگر در نماز تیر از پایشان می کشیدند حاضر نبودند یک لحظه از عمق توجه خالصانه به سطح آیند و حتی توجه مختصری به آلام ظاهری داشته باشند.

بنابراین بدست آوردن چنین حالاتی میسر نمی شود جز با پیوند علم و دین که با این دو بال می توان در اوج معنویات به پرواز در آمد و این پر و بال پرواز، در نماز به اوج خویش می رسند.

[۱] فصلت / ۵۳.

[۲] حشر / ۱۹.

نماز؛ حلقه اتصال طبیعت به معنویت و دین

از دیدگاه دین، انسان موجودی کاملاً مادی و طبیعی نیست، بلکه وجود از دو ساحت (جسمانی یعنی بدن و غیر جسمانی یعنی روح یا نفس) سامان می یابد. خداوند در مقام بیان نحوه خلقت آدمیان اعلام می دارد که پس از تکمیل مراحل از آفرینش (ساحت طبیعی جنینی) مرحله نوینی آغاز می شود که با ساحت غیر جسمانی او در ارتباط است: «آنگاه نطفه را به صورت علقه در آوردیم، پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان هایی ساختیم، بعد استخوان ها را با گوشتی پوشانیدیم، آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم.» [۱].

در پاره ای از آیات نیز، از مرحله آفرینش ساحت روحانی و غیر مادی آدمی به دمیدن روح تعبیر شده است. «ثم سواه و نفخ فيه من روحه» [۲]؛ آنگاه او را درست اندام کرد و از روح خویش در او دمید. بر اساس این آیه زمانی که خداوند آفرینش اندام های جنین را به سامان رساند و بدن او را موزون و متعادل گرداند، روح را در کالبد او می دمد. بر پایه همین تأثیر متقابل است که آموزه های دینی، انسان را موظف می دارد تا حرمت هر دو ساحت را پاس دارد و با مراقبت کامل از بدن خویش، آن را به نیکوترین شیوه برای نیل به سعادت و

[صفحه ۲۵۹]

رستگاری خویش به خدمت گیرد و امتیازات وجود انسان، به ویژه آن گروه امتیازاتی که از بعد روحانی آدمی سرچشمه می گیرد، موقعیت ممتازی را برای او در پهنه هستی به ارمغان آورده است. انسان در جوهره ذات خویش، نه تنها از حیوانات که از تمام مخلوقات خداوند برتر است و خداوند امتیازات خاص فراوانی به او بخشیده است که در اینجا به چند مورد اشاره می شود:

- انسان خلیفه ی خدا در زمین است: «و اذا قال ربك للملائكة جاعل فی الارض خلیفة» [۳].
- انسان دارای برترین ظرفیت علمی، حتی بالاتر از ملائکه: «و خدا همه معانی نام ها را به آدم آموخت؛ سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: اگر راست می گوئید، از اسامی این ها به من خبر دهید. گفتند: منزهی تو! ما را

جز آنچه خود به ما آموخته ای، هیچ دانشی نیست؛ تویی دانای حکیم. فرمود: ای آدم! ایشان را از اسامی آنان خبر ده» [۴].

– انسان امانتدار الهی است: «ما امانت الهی و بار تکلیف را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم. پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند ولی انسان آن را برداشت...» [۵].

– جهان در خدمت انسان قرار داده شده است و مسخر اوست: «آیا نمی دانید که خدا آنچه را که در آسمان ها و زمین است، مسخر شما ساخته و نعمت های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟» [۶].

– بخشیدن کرامت ذاتی به انسان: «و لقد کرّمنا بنی آدم» [۷] به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.

– انسان مسجود فرشتگان است. خداوند پس از آفریدن آدم، فرشتگان را فرمان می دهد که در پیشگاه او سجده آورند: «و اذا قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا...» [۸] و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید، به سجده درافتادند...؛ چرا که آدم تجلی تمام قابلیت ها و استعداد های وجودی انسان است و سجود فرشتگان در واقع، جلوه ای از این حقیقت است که انسان به لحاظ ظرفیت بی کرانش، حتی بر فرشتگان نیز برتری دارد.

[صفحه ۲۶۰]

[۱] مؤمنون / ۱۴.

[۲] سجده / ۹.

[۳] بقره / ۳۰.

[۴] بقره / ۳۳ – ۳۱.

[۵] احزاب / ۷۲.

[۶] لقمان / ۲۰.

[۷] اسراء / ۷۰.

[۸] بقره / ۳۴.

اما...

خداوند با همه امتیازاتی که برای انسان ذکر نموده است، آیاتی نیز در نکوهش آدمی و بیان کاستی ها و ناراستی های او دارد: در پاره ای از آیات قرآن، انسان موجودی بسیار ستمگر و نادان، [۱] بسیار ناسپاس، [۲] سرکش و

طغیانگر[۳] ، تنگ چشم[۴] و حریص[۵] ، عجول و شتابگر[۶] و مجادله گرترین آفریدگان الهی،[۷] معرفی شده است.

لیکن حقیقت آن است که میان ستایش ها و نکوهش های قرآن برای انسان، تعارضی نیست؛ چرا که هر کدام به بعدی از وجود او نظر دارد. اما این جامعیت که از سرشت و ذات انسان بر می خیزد، او را بر صدر کائنات می نشاند و این امکان برای او فراهم است که با فعلیت بخشیدن به بعد ملکوتی و علوی خود و در اختیار گرفتن بعد حیوانی و سفلی اش، به بالاترین مراحل کمال دست یابد. اما اگر تنها به بعد حیوانی خویش نظر کند و حلقه ای نتواند بعد مادی و طبیعی او را به بعد معنوی و الهی وی متصل کند، چنین انسانی، گاه در مسیر حیوانیت چنان پیشرفت می کند که به گفته قرآن از چهارپایان نیز فرومایه تر است «اولئک کالانعام، بل هم اضل».[۸]

و جالب است که اگر چنین انسانی دارای علم و دانش هم باشد و از علوم و فنون دینی و غیر دینی جدید یا قدیم هم برخوردار باشد ولی ارتباط وی با مرکز الهی و روحانی یعنی پروردگار قطع باشد، (در آیه ای دیگر) خداوند او را به الاغی تشبیه نموده است که بار کتاب ها بر پشت کشد و هیچ از حقیقت آنها نفهمد: «مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا...».[۹]

بنابراین تمام آن شایستگی ها برای انسان وقتی محقق می شود که در عبادت پروردگار، خالصانه بکوشد و آنچه از عبادات در طول شبانه روز بر او محیط است و او را در پنج وقت به مرکز وحی متصل می گرداند تا روح تشنه اش را از چشمه اصلی سیراب نماید، نماز است و تمام اعمال خیر دیگری را هم که انجام می دهد آنگاه ارزش دارد که نماز وی به طور صحیح اقامه گردد و پذیرفته شود. چرا که اگر

[صفحه ۲۶۱]

نماز وی رد شود دیگر اعمال او هم پذیرفته نخواهد شد و این سخن کلام گهربار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

[۱] احزاب / ۷۲.

[۲] حج / ۶۶.

[۳] علق / ۶.

[۴] اسراء / ۱۰۰.

[۵] معارج / ۱۹.

[۶] اسراء / ۱۱.

[۷] كهف / ۵۴.

[۸] اعراف / ۱۷۹.

[۹] جمعه / ۵.

نماز زیباترین جلوه نیایش و پرستش آگاهانه با پروردگار و مالک هستی

دین اسلام علاوه بر اینکه مردم را فراخوانی می کند به عبادت خدای یکتا، الگوهای خاصی را برای نیایش ارایه می دهد. در کنار شماری از آیات قرآنی که خود آنها نیایش هستند، دعاها و ارزشمندی از پیشوایان دین هم به ما رسیده است که آنها هم جلوه های راز و نیاز و اخلاص، عشق و سوز را به نمایش می گذارند. با این حال گزاف نیست، اگر ادعا کنیم که مهم ترین و عالی ترین نیایش اسلامی در هنگام نماز روی می دهد؛ اگر چه ظاهر نماز چیزی بیش از مجموعه حرکات و عبارات خاص نیست، لیکن حقیقت نماز بس عمیق تر است؛ به عبارت دیگر نماز نیز هم چون انسان، حقیقتی ذو مراتب دارد و در اینجا نیز می توان از کمال نماز و نماز کامل سخن گفت؛ صورت ظاهری نماز از اعمال و اوراد ویژه ای سامان می یابد که مسبوق به مقدمات و مشروط به شرایط خاصی است. رعایت احکام فقهی نماز اولین شرط بهره مندی از آثار معنوی و برکات روحانی آن است. اما در ورای این ظواهر، حقایق و اسراری نهفته است و همین اسرار باطنی است که نماز را در زمره ارکان آیین اسلام درآورده است و آن را معراج مؤمنان ساخته است. آدمی هر اندازه در درک اسرار نماز کامیاب تر و در راهیابی به ژرفای آن موفق تر باشد، نمازش کاملتر خواهد بود، و کمال نماز، خود آیتی بر کمال انسان، بلکه تبلور عینی آن است. انسان کامل در نماز از هر چه رنگ و بوی خودپرستی و نفسانیت دارد و می رهد و یکسره مجذوب جمال معبود می گردد. چنین انسانی اگر از دانش و اطلاعات علمی روز نیز بهره مند باشد، یکسره در خدمت خلق خدا و در سایه الطاف الهی خواهد بود و وجودش در زمین نافع خواهد بود به طوری که خلیفه خدا در زمین خواهد شد؛ نتیجه اینکه نماز مظهر رابطه ی علم و دین است.

پیشنهادهای لازم جهت گسترش فرهنگ نماز در مجامع علمی

۱- گنجاندن تبیین اهداف نماز و اسرار آن و حتی آموزش عملی در کلاس، در دو واحد درسی به عنوان دروس اصلی در تمام رشته های دانشگاهی، از سوی مجامع علمی.

۲- در برنامه ریزی کلاس های درسی از سوی دانشگاه، در اوقات نماز هیچ کلاسی حتی جبرانی و

کمکی و... واقع نشود.

۳- حضور استادان و پرسنل اجرایی دانشگاه در نماز موجب تشویق دانشجویان به نماز است.

۴- وجود نمازخانه یا مسجدی در شأن مراکز علمی، با امکانات فصلی، در تمام مراکز علمی در اولویت قرار گیرد.

۵- محل هایی مخصوص وضو گرفتن در کنار نمازخانه ها وجود داشته باشد تا آمادگی برای نماز با مشکل مواجه نشود.

۶- در هر ترم از سوی دانشگاه یا استادان، در هر کلاس دانشجویی به عنوان دانشجوی نمازگزار انتخاب گردد و تشویق شود.

۷- برگزاری نمایشگاه های نقاشی، قصه، خاطره و یا نمایش فیلم های سینمایی در موضوع نماز و مسابقات نماز برای دانشجویان، استادان و پرسنل دانشگاه.

۸- حضور امام جماعت دائمی در نمازخانه های دانشگاه (نه به صورت موقت و یا استفاده از بعضی کارکنان یا دانشجویان برای امامت جماعت).

۹- نصب تابلوهای مفیدی در موضوع نماز، در محل های پرتردد دانشگاهی به صورت نوشته یا تصویری.

۱۰- از طرف معاونت امور اساتید معارف یا نهاد رهبری، استادان کوشا در امر نماز، در حضور نمازگزاران و دانشجویان تشویق شوند.

۱۱- هر کدام از رؤسای دانشگاه بیشتر در این امر تلاش کند از سوی ستاد اقامه نماز به عنوان دانشگاه برتر در رابطه با اهتمام نسبت به نماز، معرفی شود و در سطح وزارتخانه این تشویق همگانی شود.

۱۲- با صدای اذان تمام افراد در هر دانشگاه به سوی مسجد یا نمازخانه هدایت شوند و از عوامل بازدارنده مثل حضور در سالن غذاخوری، توزیع غذا، فروش کتاب یا کار اداری خودداری شود.

«و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته»

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- تفسیر المیزان، ترجمه ی تفسیر المیزان / محمد باقر موسوی همدانی
- ۳- تفسیر نمونه
- ۴- تفسیر نورالتقلین
- ۵- دین و چشم اندازهای نوین غلامحسین توکلی / دفتر انتشارات اسلامی قم
- ۶- علم و دین، ایان باربود
- ۷- (جزوه ی) علم و دین، عبدالکریم سروش
- ۸- علم چیست، فلسفه چیست؟
- ۹- علوم طبیعت در قرآن، مهدی گلشنی، انتشارات امیرکبیر
- ۱۰- مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین، ادوین آرنور برث، ترجمه عبدالکریم سروش، انتشارات علمی فرهنگی
- ۱۱- نظر متفکران مسلمان درباره طبیعت، سید حسین نصر، انتشارات خوارزمی
- ۱۲- نقد تفکر فلسفی غرب، اتین ژیلسون، ترجمه دکتر احمدی

تحلیلی بر روش های احیاء فرهنگ نمازخوانی

حجة الاسلام و المسلمین مجتبی سپاهی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

[صفحه ۲۶۷]

مقدمه

رفتار آدمیان در همه زمینه ها تابلویی از افکار و روحيات و همه ی حالات درونی آنهاست. اصولاً هیچ انسانی رفتاری را از خود ظاهر نمی کند مگر اینکه در ساحت دیگری از وجود خود به سودمند بودن آن رسیده باشد. آنچه محرک رفتار آدمی است منافع است که انسان در راه رسیدن به آن است. منافع آدمی می تواند مادی و یا معنوی یا هر دو باشد.

قرآن کریم کسانی را که به جای پرستش خداوند بزرگ، به بت پرستی و دگرپرستی روی می آورند، مذمت کرده و در استدلال به آنها می گوید: «بت ها هیچ گونه نفع و ضرری ندارند» [۱]

انسانها به طور طبیعی و فطری به چیزی که هیچ گونه تأثیری در زندگی نداشته باشد، بی تفاوت هستند و باید این واقعیت را پذیرفت که گرایش آدمیان در زندگی بر خود دوستی و خود خواستن است.

انسان در ابتدا همه چیز را حتی خدا را، فرزندان و نزدیکان و خانه و ثروت را برای «خود» می خواهد و به تعبیر منابع دینی انسان ها در تداوم حیات و کامیابی از لذت حیات حاضرند معشوق واقعی خود را از دست بدهند، جبلت این سویی آدمیان گواه روشنی است بر اینکه همه ی آدمیان تابع معشوق خود هستند و تغییر آنها در گرو تغییر و جابجایی معشوق آنهاست. و چه زیبا مولوی این

[صفحه ۲۶۸]

حقیقت بزرگ را در یک بیت شعر بیان فرموده است.

جمله معشوق است و عاشق پرده ای
زنده معشوق است و عاشق مرده ای

«مولوی»

با توجه به مطالب گفته شده اگر بگوئیم بشریت تا زمانی که در عالم دنیاست به دنبال رسیدن به منافع مادی و معنوی است و بیشتر آدمیان به دین و پیامبری روی می آورند که شریعت و قوانین ارائه شده به نحوی از انحاء بتواند مشکلات آنها که به طور محسوس با آن مواجه هستند حل کنند. بنابراین اگر پیامبری که برای هدایت بشر از جانب خداوند فرستاده شده است، آموزه های دینی خود را به صورت کاربردی القاء نکند و آنها را هم سو با نیازهای ملموس ارائه ندهد، آدمیان به طرف چنین دینی گرایش پیدا نخواهند کرد که تاریخ پیامبری گویای این مطلب است. بدین معنی که فرهنگ القاء شده از طرف انبیاء به علت نوگرایی، هماهنگی با نیازهای مردم، نجات مردم از تنگناهای زندگی در همه عرصه ها، در همیشه تاریخ، یک فرهنگ پیشرو و مطلوب بوده و با اقبال مردم زمانه روبرو شده است. زیرا مردم دنبال فرهنگی هستند که بتواند آنها را به منافع مادی و معنوی برساند و موجب رسیدن به حیات واقعی و انسانی را برای آنها فراهم کند، و به رفع نیازهای اساسی آنها کمک کند. که این نیازهای اساسی انسان که همه آدمیان در رفع آنها تلاش می کنند به چند دسته تقسیم می شود:

دسته اول: نیازهای جسمی «Needs Physiological»

دسته دوم: نیاز به ایمنی «امنیت» «Safety Security»

دسته سوم: نیاز به روابط اجتماعی و محبت «Love, Affiliation»

دسته چهارم: نیاز به تأیید و احترام «Esteem, Recognition»

دسته پنجم: نیاز به خویشتن یابی «Actualization Self» [۲].

دستیابی به نیازهای بالا موجب ارضاء انسان و رسیدن به تعادل او خواهد شد. و اگر انسان نتواند به نیازهای خود جواب منطقی بدهد دچار آسیب های فکری و روحی و روانی و نیز اجتماعی خواهد شد. دست یابی به نیازها نیازمند بستری است که انسان بتواند همراه آن به شکوفایی همه جانبه

دست پیدا کند. چنین فردی دچار ناهنجاری نخواهد شد و ناهنجاری افراد دیگر نیز کمتر او را دچار تزلزل خواهند نمود. حال اگر اکثریت افراد یک جامعه بتوانند به نیازهای خود برسند، آن جامعه از سلامت نسبی برخوردار خواهد بود. و هر چه دستیابی افراد به رفع نیازمندی های خود، بهتر و بیشتر و همه جانبه باشد، میزان ناهنجاری و نابسامانی رفتاری کمتر خواهد بود. در چنین حالتی آرامش حاکم بر جامعه در رفتارهای معقول، خود را نشان خواهد داد.

حال اگر ما بپذیریم که گستره ی رفتارهای صادر شده از انسان به گستره ی نیازمندی های او بستگی تام و تمام دارد، می توانیم این مکانیسم را در رفتارهای دینی جاری و ساری بدانیم، یعنی هنگامی رفتارهای دینی در یک جامعه به فراوانی مطلوب می رسد که افراد آن جامعه با نشان دادن رفتار دینی نیازی از نیازهای خود را رفع کنند، اما اگر انگیزه های رفتار دینی از بین رفت انتظار رفتار دینی نیز بی مورد خواهد بود. زیرا نوع مردم خواهان دنیا و دینی هستند که کاربردی باشد و اگر در همه بخش ها نیست، لااقل در بخشی از زندگی چنین باشد.

در جوامعی که نوعی «تغییر» و «سیال بودن» بر آن حاکم باشد و نیازمند واکنشی در برابر «تازگی هاست» بیشتر شاهد افول انگیزه ها و یا نمود تعارض ها هستیم. زیرا در این جوامع مردم به دلیل عدم توانایی انطباق سریع با «تغییر» در سطوح مختلف زندگی، دچار نوعی سردرگمی شده و به دنبال رها شدن از آن هستند. آهنگ رفتاری بسیاری از مردم هماهنگ با آهنگ رفتاری بسیاری دیگر از مردم نیست. اگر اکثریت مردم در جامعه سمت و سوی تلاش خود را در رفع نیازمندی های دنیایی خود قرار دهند و در جامعه نمود رفتاری پیدا کند و این آهنگ تبدیل به فرهنگ غالب گردد، در این صورت افراد خود را هنگامی در آن جامعه همراه می بینند که با تغییر در هنجارهای جامعه در رفتارهای خود نمود تغییر رفتاری داشته باشند و این مطلب به طور طبیعی از ناهنجار بودن در زمانی تبدیل به هنجار در زمانی دیگر می شود. البته این سخن نسبت به فرهنگ حق نیز مصداق دارد، زیرا ممکن است فرهنگ غالب فرهنگ حق باشد.

به تعبیر دیگر هنجارهای حاکم بر جوامع تابع حافظه ی شخصیتی و رفتاری جوامع است. بنظر می رسد دو کار در امحاء ناهنجاری بسیار ضروری است.

الف: شناخت حافظه ی شخصیتی و رفتاری جامعه، یعنی خواسته ها و نیازهای افراد همراه با

تغییرات حاصل شده در محیط و اطراف خود تغییر می کند و افراد به دلیل ناهمگونی در فرهنگ ها، استعدادها، توانایی ها، افق شخصیتی، محیط خانواده و تحصیل، تغییر خواست های خود را آن طور که گزینه خود دوستی به آنها لقاء می کند ظاهر می کنند. در کنار این نوعی احساس نیاز، از جامعه و افراد ناخودآگاه به یکدیگر لقاء می شود که در دورانی، احساس نیاز به مطالبی می کنند در حالی که آن نیاز واقعی نیست بلکه صرفاً یک نوع احساس همگانی است. شناخت این نوع احساس نیز بسیار مهم است. به نظر می رسد جامعه ایرانی با توجه به نوعی مقایسه در مظاهر مادیت و پیشرفت ظاهری با دنیای مدرن به همراه نگاهی دقیق به استعدادهای فراوان انسانی و طبیعی، دچار احساس شکست شده است. رفتاری نفع طلب به دنبال جبران کمبود شخصیت در برابر شخصیت جهانی بر رفتار و حافظه شخصیتی حاکم شده است، از طرفی عواطف دینی خود را اشباع شده دیده و در کنار آن به خواسته های عقل حسابگر خود می اندیشد. این تفکر بر همه رفتارهای افراد تأثیر گذاشته و در بسیاری، جایگاه رفتار دینی گم شده است.

ب: ارائه مکانیسم کارآمد در جهت کنترل و جهت دادن به تغییرات حاصل شده در حافظه رفتاری و شخصیتی جامعه با نوعی تلفیق و گزینش فرهنگ خودی با دنیای جدید.

بی شک نمی توان آهنگ تغییر را نادیده گرفت، اما می توان به سمت و سو دادن آن اندیشید. اندیشیدن مؤثر تنها در قالب سیستم هماهنگ می تواند به ثمر برسد.

راقم این سطور با توجه به گفته های بالا به این نتیجه رسیده ام که امروزه تبلیغ دین و توصیه به اجرای احکام خداوند و از جمله مهمترین آنها نماز تنها در صورتی جواب خواهد داد که دین به عنوان یک کل ابلاغ و به آن عمل شود. اما اگر معتقد باشیم که می توان تنها برای بخشی از دین اهمیت خاص قائل بود، بنظر می رسد نتیجه ای نخواهد داشت. در هر حال راهکارهای اشاعه فرهنگ نماز به شرح زیر بیان می گردد (آن هم تنها در حد ارائه یک طرح):

[۱] آیات ۱۰۶ سوره یونس، ۶۶ انبیاء، ۷۱ انعام، ۱۲ حج، ۱۸ یونس، ۵۵ فرقان، به این مطالب اشاره دارد.

[۲] آناتومی جامعه ص ۶۹-۴۱.

تبیین علمی نیازمندی انسان به نماز

عصر اطلاعات، عصر رشد انسان است. انسان این حق را به خود می دهد که از اسرار موجودات پرسش کند. دوران تعبد و تسلیم در برابر تئوری های ذهنی و فلسفی و ارسطویی در مورد عالم سپری شده و بشر امروزی از تقلید و قبول بدون دلیل مطالبی ابا دارد. او به دنبال کشف اسرار است. حق خود

را دانستن می داند. از این رو می خواهد بداند که:

- چرا انسان به دین نیازمند است؟
- چرا انسان دین دار باید نماز بخواند؟
- چرا نماز فرم خاص دارد؟
- هدف از نماز چیست؟
- آیا هدف از نماز با نوعی رفتار و اذکار خاصی برآورده می شود؟
- آیا نمی توان به هدف نماز با رفتار دیگری دست یافت؟
- آیا این شکل نماز بهترین شکل آن است؟ چرا؟
- آیا اگر کسی شکل نماز را بجای نیاورد امکان رستگاری ندارد؟
- آیا می توان نماز خواند و رفتارهای دیگری نیز از خود بروز داد؟
- اصولا نماز چه فایده دنیایی دارد؟
- نماز کدام نیاز از نیازهای اساسی را رفع می کند؟

ارائه فلسفه نیاز به دین و فلسفه ضرورت بروز رفتار دینی در محیط زندگی از نکات مهمی است که در جامعه کنونی به آن توجه نمی شود. حافظه جامعه کنونی و بخصوص نسل جوان به دنبال تحلیل رفتار خود می باشد. عدم توانایی متولیان دینی ممکن است به دلیل عدم شناخت حافظه جامعه باشد. متأسفانه مشاهده می شود عده ای با حافظه سنتی خود توانایی پاسخگویی به سؤال های امروزی را ندارند.

علت دیگر عدم توانایی این است که ذهن تحلیل گر وقتی به دین نگاه می کند آن را به صورت فرهنگ جامع و فراگیر می طلبد که تمام عناصر آن در عرصه های گوناگون، هماهنگ و هم سو با هم باشند. ماهیت دین در نگاه تحلیلی، تجزی پذیر نیست؛ همانطور که ماهیت دینداری نمی تواند تجزی پذیر باشد. توصیه کسانی به نماز می تواند مؤثر باشد که به همه دین توصیه و عمل کنند و گر نه صرف توصیه به بخشی و غفلت از بخش دیگر، حکایتگر نوعی دو آلیستی شخصیتی است.

بنابراین جامعه ما نیازمند این است که در:

- ساختارهای پیدا و پنهان روش های ارائه و القاء دین و معنویت تجدید نظر شود.

[صفحه ۲۷۲]

- مبلغان عملی دین که حکومت اسلامی و حاکمان در رأس آن قرار دارند، به جای تقلید و تعبد به تحلیل و تنزیه و ترکیب بیاندهند و به جای تجزی و غفلت به جامعیت و انسجام فکر کنند. توصیه به نماز آگاه تأثیر دارد که حاکمان و حکومت به حقوق اساسی و نیازهای بنیادی آنها در عرصه های فردی و اجتماعی بها داده و عطر عدالت اجتماعی در همه جا پراکنده شده باشد. در غیر این صورت عده زیادی از مردم ناخودآگاه نسبت به اظهار رفتار دینی سست شده و یا تحت تأثیر تبلیغات عده ای سودجو و جاهل قرار می گیرند.

- میزان اصرار و توصیه بر شریعت، هماهنگ با میزان اصرار و توصیه بر حقیقت باشد و توصیه کنندگان هماهنگی شریعت و حقیقت را نشان دهند.

با این فضا سازی سالم است که می توان همه شخصیت آدمیان را با همه حقیقت در همه سطوح خود درگیر کرد.

در اینجا مناسب است آماری را ذکر کنم که در آن این نکته تأیید و بیان شده که:

«دانشجویان گفته اند: به این نتیجه نرسیده ایم که نماز بخوانیم» یعنی ریشه اصلی نخواندن نماز، عدم احساس نیاز و آگاه نبودن به آن بوده است.

جدول (۱) درصد علل ذکر شده توسط دانشجویان در مورد نماز نخواندن

علت، --- درصد در پژوهش سال ۱۳۷۹، --- درصد در پژوهش سال ۱۳۷۵

چون به این نتیجه نرسیده ام که نماز بخوانم، --- ۷۵، --- ۶۸

اعتقاد ندارم، --- ۱۷، --- ۱۶

حوصله ندارم (سایر علل)، --- ۱۷، --- ۰

درس دارم، --- ۸، --- ۳

[صفحه ۲۷۳]

جدول (۲) درصد علل ذکر شده توسط دانشجویان در مورد نماز نخواندن

علت --- درصد در پژوهش سال ۱۳۷۹ --- درصد در پژوهش سال ۱۳۷۵

به شکرانه نعمات پروردگار --- ۵۴ --- ۶۲

به دین و اصول و فروع آن اعتقاد دارم --- ۴۶ --- ۶۴

برای ادای تکلیف --- ۳۶ --- ۵۰

چون به این نتیجه رسیده ام --- ۲۹ --- ۳۶

به دلیل ترس از عذاب قیامت --- ۲۵ --- ۲۷

تأکید والدین --- ۱۸ --- ۹

چون پدر و مادرم نماز می خوانند --- ۴ --- ۹

(۳) جدول های بالا از کتاب «چکیده مقالات اولین همایش بین المللی دین و روان فروردین ۱۳۸۰» ص ۱۶ و ۱۷ نقل شده است.

آمار ارائه شده در همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان در جهت تأییدی بر تحلیل ارائه شده بود که آمارها هم نشان می دهد که عمده نابسامانی در عدم هم سویی با ذهن و حافظه تحلیلی افراد جامعه است که هنوز مبلغان و متولیان و حاکمان به آن نرسیده اند.

سطح بندی دینداری

به دلیل عدم مدیریت هماهنگ در ارائه آموزه های دینی، نوعی تضاد و حتی تعارض در ذهنیت جامعه وجود دارد که گاهی نوعی ابهام و سردرگمی و حتی تردید و شک را القاء می کند. بنظر می رسد با توجه به روش ائمه هدی (علیهم السلام) در ارائه آموزه های دینی باید با افراد و مخاطبین را، همچنین روش ها و آموزه ها را درجه بندی کرد؛ مثلاً اگر ابلاغ کننده ای دو سخن از متون دینی را ارائه دهد که مخاطب نتواند بین آنها سازگاری ایجاد کند، ناخواسته به تضاد درونی دچار خواهد شد. در خصوص نماز از این نوع آموزه ها فراوان دیده می شود. در روایاتی نماز به عنوان محور و ستون دین معرفی می شود [۱] و در روایات دیگر گفته می شود

[صفحه ۲۷۴]

اگر کسی اندک توجه و حضور قلب نداشته باشد، نمازش مورد قبول خداوند قرار نمی گیرد. [۲].

به عبارت دیگر از یک طرف توصیه به نماز و بجا آوردن آن در آیات و روایات به گونه ای طرح شده است که در هیچ حالت و شرایطی ترک آن جایز نیست؛ لذا شخص دیندار در هر حالت و در هر جا و با هر نوع تشویش خاطر و پراکندگی روح باید آن را اظهار و اقامه کند. و حتی در روایاتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای مردی که هم نماز می خواند و هم دچار نوعی لغزش می باشد، توصیه بجای آوردن نماز می کند و می فرماید: بالاخره نماز تأثیر خود را می گذارد. [۳] این از یک طرف، اما در طرف مقابل نسبت به نمازگزاری که در نماز باریش خود بازی کند، حساسیت نشان داده و آن را تقبیح کرده اند. [۴].

سؤال: آیا طرح آموزه های دینی در هر جا و نسبت به هر کس رواست؟

- آیا نباید نوعی سطح بندی در ارائه آنها وجود داشته باشد تا افراد شنونده دچار نوعی عدم هماهنگی نگردند؟
بنظر می رسد راه حل، سطح بندی آموزه ها و مخاطبین می باشد. مخصوصاً نسل جوان که با ذهن تحلیلگر خود به دنبال رسیدن به جایگاه حقیقی خود در دنیا و به دنبال دست یابی به دین جامع نگر و واقعی هستند.
به دلیل پرهیز از طولانی شدن کلام با توجه به خود آموزه های دینی این سطوح را ذکر می کنم.
سطح اول: آموزه هایی که اصل نماز را به عنوان یک نیاز مطرح می کند. اصل توجه به خدا، احساس نیاز به خدا، اصل محبت خدا نسبت به بندگان، اصل حرکت ماورایی انسان در فضای بیکران معنویت. در این سطح هیچ خصوصیتی ذکر نشده است. نماز نوعی غذای معنوی است که انرژی زاست، تأثیرگذار است. گر چه ممکن است انرژی حاصل از آن با رفتارهای دیگر خنثی گردد، اما در این سطح آموزه های دینی، رفتار چندگانه از انسان را روا می داند. می توان تصور کرد فردی نماز بخواند اما گناه هم بکند. بیان توبه و اصل بازگشت گویای اینگونه رفتارهاست. می توان تصور کرد فردی نماز بخواند اما لذت از نماز نبرد، همیشه در نماز حضور قلب نداشته باشد. نماز او همراه با بسیاری از رفتارهای مخالف باشد اما با این همه نباید در این سطح مردم را به گونه ای غیر مستقیم با بیان سطوح دیگر از توجه به خداوند بزرگ دور کرد. در این سطح اگر کسی نماز می خواند اما دروغ

[صفحه ۲۷۵]

می گوید، باید ریشه دروغ را در او خشکاند اما جایز نیست از نماز مایه گذاشت و او را بخاطر چنین نمازی سرزنش کرد. در این سطح نباید کسی را که نماز می خواند، در جایگاه کسی قرار داد که هیچگونه خطایی از او نباید سر بزند. در اینجا به ذکر دو روایت در این مورد اکتفا می کنم:

روایت اول: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره مردی که با آن حضرت نماز می خواند و در عین حال مرتکب کارهای زشت می شد، فرمود: نمازش، روزی او را از زشتکاری باز خواهد داشت. [۵].

روایت دوم: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره مردی که روز نماز می خواند و شب دزدی می کرد فرمود: نمازش او را از این کار باز خواهد داشت. [۶].

سطح دوم

بسیاری از آموزه های دینی مربوط به سطح دوم است؛ یعنی بیان آنها در سطح اول باعث نوعی دلسردی و ناامیدی خواهد شد. مثلاً اگر به جوان و نوجوانی که نماز می خواند و ممکن است به اقتضای سن خود دچار نوعی آشفتگی ذهنی باشد یا اینکه دچار بعضی از خطاها می شود، گفته شود این نمازی که می خوانی به درد نمی خورد، به طور قطع نوعی عدم کامیابی و ناکامی در روحیه او ایجاد خواهد شد و احساس خواهد کرد که نماز و دین چقدر سخت می باشد. زیرا او آشفتگی ذهنی خود را نمی تواند به تمرکز تبدیل کند و از طرفی دوست دارد او را با همه شخصیت او پذیرش کند؛ با شنیدن این مطالب دچار نوعی ابهام خواهد شد. البته این بدان معنی نیست که مطالب سطح دوم بیان نشود، بلکه منظور آن است که بیان مطالب سطح دوم باید نسبت به افرادی باشد که خود درگیر و طالب صعود و عروج به باطن و درجات بالا هستند یا اینکه بیان آن با زمینه چینی خاص باید صورت پذیرد. در این خصوص نیز به چند روایت اشاره می شود:

روایت اول: امام صادق (علیه السلام) فرمود:... نماز چهار هزار حد و شرط دارد که تو بر آنها مؤاخذه نمی شوی. [۷].

روایت دوم: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: دو مرد از امت من به نماز می ایستند و رکوع و سجود هر دو نفرشان یکی است، اما فاصله نماز آنها با یکدیگر از زمین تا آسمان است. [۸].

روایت سوم: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر گاه بنده به نماز بایستد و فکر و دلش متوجه خدای تعالی باشد، چون نماز را تمام کند همچون روزی باشد که از مادر متولد شده است.

اینجانب در برخورد با بسیاری از دانشجویان به این مسأله برخورد کرده ام که یکی از علل گریز از نماز این بوده و هست که بجا آوردن نماز مقبول و کامل از توان آنها خارج است؛ زیرا شنیده اند که نمازی مورد قبول خداوند است که انسان با حضور قلب تمام در آن باشد و اگر حضور قلب نداشته باشد، نمازشان قبول نمی شود.

بیان آموزه های دینی بدون توجه به سطوح دینداری، چهره دین را آرمانی، ایده آل و در عین حال سخت جلوه می دهد که تنها عده ای می توانند با سختی های زیاد و انزوای از زندگی دنیایی به آن دست یابند. اگر کسی بخواهد در زندگی روزمره به دنبال آن باشد، نه تنها امکان عقلی ندارد بلکه امکان ذاتی نیز نخواهد داشت.

[۱] رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «باید بیشترین هم تو نماز باشد، زیرا نماز بعد از پذیرفتن دین، در رأس اسلام است» (میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۰۹۳ و ۳۰۹۴).

[۲] رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند نماز بنده ای را که دلش با بدنش حضور ندارد، نمی پذیرد. (میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۱۱۷).

[۳] میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۰۹۶ / ح ۱۰۵۵۴.

[۴] میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۱۱۲.

[۵] میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۰۹۷ / ح ۱۰۵۵۴.

[۶] میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۰۹۷ / ح ۱۰۵۵۵.

[۷] میزان الحکمه ص ۳۱۰۵ / ح ۱۰۵۸۸.

[۸] میزان الحکمه ص ۳۱۰۵ / ح ۱۰۵۹۰.

عدم برخورد گزینشی با دین و آموزه های دینی

اگر در جامعه از طرف مبلغان و حاکمان بر بجای آوردن نماز اصرار شود اما بر حفظ آبروی مردم، بر حفظ بیت المال، بر احترام و نگهداری حرمت انسانی، بر همدردی با مظلومان، و... توجه نشود و یا اینکه در دین تأکید بر حقوق الهی شود اما به حقوق مردم که مورد توصیه دین است، توجه نشود، خواه ناخواه برخورد مردم نیز غیرمعقول خواهد بود. برخورد گزینشی با دین همیشه باعث رنجش خاطر انسان ها بوده است؛ روی این اساس توجه به همه جنبه های دین و همه نیازهای انسان و ایجاد هماهنگی بین آنها بهترین و مؤثرترین راه عملی ساختن احکام دینی است.

توصیه و راه سوم را به همین اختصار بسنده می کنم.

در پایان این مقاله را در چند نکته تلخیص می کنم.

۱- تبیین علمی نیازمندی انسان به دین و احکام عملی آن، با توجه به ذهن و حافظه تحلیلگر جامعه؛ همانگونه که از سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) نیز این مطلب بر می آید که در برابر اذهان تحلیلگر به بیان ریشه ها می پرداختند.

۲- ارائه احکام الهی با توجه به سطح بندی دینداران؛ که بنظر من مطلب بسیار مهمی است و ریشه دلزدگی بسیاری از احکام، عدم توجه به سطح بندی دینداران است. (در غیر اینصورت به نظر می رسد ما درصدد هستیم همه افراد مثل بزرگان زندگی کنند).

۳- عدم برخورد گزینشی با دین و نیازهای انسان؛ این مطلب در دوره حاکمیت دینی بسیار حائز اهمیت است. حکومت دینی، حاکمیت دین است، دین در همه عرصه ها. در صورت غفلت از اصل دین و نیاز به آن زیر سؤال خواهد رفت.

نقش نماز در بازسازی معنوی دانشجویان

سرکار خانم ایران سلیمانی

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

[صفحه ۲۷۹]

مقدمه

به نام خداوندی که اولین معلم هستی است و به نام پیامبران که معلمین مبعوث شده، از طرف خداوند برای هدایت بشر و رهایی او از جهل و ظلمت آمدند و به نام معلمین که پیام آوران آگاهی و سواد و وارثان راه انبیاء الهی هستند که اولین کلمه، نام مبارک و هستی بخش «الله» را به ما آموختند و خود چراغ هدایت بر بشر شدند:

در دل خلوت شب وه چه دل آراست نماز

به دل خون شده آن چه تسلاست نماز

روح بشکفته نیازی به طبیبان نبرد

که شفا بخش ترین نسخه دل هاست نماز

این تحقیق درصدد بررسی نقش نماز در بازسازی معنوی هر انسان علی الخصوص قشر تحصیل کرده و دانشجویان است که با توجه به عظمت معنا و علو محتوای نماز سعی شده است که ابتدا نیروی ایمان و وجدان هر شخص را سنجیده، سپس به ابعاد متعدد نماز از جمله عبادت که نیاز روحی بشر است و بهترین عبادت ها و برکات آن و دیدگاه عقل و وجدان از نماز و انس فطری انسان با پرستش و... مورد بررسی قرار گیرد و بعد در فصل دوم، نقش نماز در معنویات انسان چه تأثیری می تواند داشته باشد، چرا که سازندگی درونی انسان و اصلاح و تهذیب نفس او

در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی او نقش به سزایی دارد به طوری که اگر انسان تمام علوم را تحصیل کند و

[صفحه ۲۸۰]

کلیه نیروها را به تسخیر خویش درآورد، اما از تسخیر درون و تسلط به نفس خود ناتوان باشد، از رسیدن به سعادت و نیل به کمال باز خواهد ماند. پیشرفت های علمی و صنعتی در صورتی که با اصلاح درون انسان همراه نباشد. کاخ های سر به فلک کشیده ای را می مانند که بر فراز قله آتشفشان بنا شده باشند از این رو تربیت روحی و اخلاقی انسان و در یک کلام «برنامه انسان سازی» برای هر جامعه ای، امری به غایت جدی و حیاتی است، با وجود این نگاهی به اوضاع جوامع بشری نشان می دهد آنچه قبل از همه به دست فراموشی سپرده شده، تربیت اخلاقی و معنوی انسان است و همین عامل مؤثری است در بی رغبت نمودن جوانان نسبت به نماز!!

برای نمونه اشخاصی که از نماز خواندن خودشان سوء استفاده می کنند و آن را حربه و وسیله ای برای رسیدن به آمال و مقاصد شخصی خود قرار می دهند، اینگونه اذهان مردم را سرقت می کنند که اگر می خواهند یک کلمه حرف بزنند دو کلمه از آیات قرآنی استفاده می کنند؟! اگر می خواهند مثالی بزنند از نماز خودشان می زنند?!!

اگر می خواهند موضوعی را مطرح و تعریف نمایند از افراد خانواده خود که چطور نماز می خوانند، تعریف می کنند؟! اگر می خواهند در وقت اداره به کارهای شخصی خود پردازند منتظر اذان هستند که از اداره بزنند (سوء استفاده از وقت نماز)!؟ اگر می خواهند در میان قشری محبوبیت داشته باشند در پیش روی [۸] همه به نماز می پردازند تا همه ایشان را مؤمن بیندارند؟! ولی غافل از اینکه تمامی نابسامانی های موجود در سطح جهان و انواع گرفتاری هایی که امروز بشریت با آن دست به گریبان است، همه ناشی از غفلت انسان از امر «تربیت» و سازندگی روحی و اخلاقی افراد که ریشه عبادت از جمله عمل به واجبات شرعی (مانند نماز) است، می باشد.

پس باید توجه داشته باشیم که در نماز حکمتی نهفته است که آنچنان آرامش و تسهیلاتی در دل های مضطرب و خسته و به ستوده آمده برقرار می کند و اخلاص در نماز، بلندترین قله ایمان است، چنانکه هر کس چهل روز برای خدا خالص شود فارغ التحصیل مکتب خودسازی است و نماز برای نمازگزار وسیله دوستی فرشتگان و هدایت و ایمان و نور معرفت و برکت در روزی و آسایش تن و

ناخشنودی شیطان، و همچون سلامی در برابر کافران و موجب اجابت دعا و پذیرش سایر اعمال است، نماز برای مؤمن توشه ای برای آخرت و شفیع هنگام مرگ و همدمی در قبر، بستری برای تن او و پاسخی در برابر فرشتگان سؤال و جواب در قبر است.

نماز بنده ی خدا در قیامت نجات دهنده بر سر او، نوری بر صورت او و لباسی بر امام او، حائلی میان او و دوزخ، حجتی بین او و پروردگار عزوجل و موجب نجات تن است از آتش، و جواز عبور بر صراط و کلید بهشت و کابین حوریان و بهای بهشت جاوید است، با نماز، بنده به درجات عالی می رسد، چرا که نماز تسبیح و تهلیل و تمجید و تقدیس و ذکر و دعاست.

در این تحقیق به این نتیجه رسیدم که اگر عوامل زیر را ترمیم و تأمین کنیم، روز به روز بر تعداد نمازگزاران واقعی و مخلص افزوده خواهد شد.

تقویت ایمانی دانشجویان

آگاهی دادن (لازم و کافی) دانشجویان نسبت به فلسفه ی نماز

استقرار یک آمر در محیط دانشگاهی و چندین الگو از اساتید مجرب و معتمد و مناسب در محیط تحصیل
شناسایی افرادی که از نماز سوء استفاده می کنند [۲] تا به هدف های شخصی خود برسند و جایگزین نمودن افراد مخلص

ایجاد تسهیلات ویژه خواهران و برادران اعم از محل نماز و محل وضو و...
تنظیم ساعات کلاس درسی، طوری که حداقل نیم ساعت موقع اذان ظهر اختصاصا با پخش اذان به امر نماز توجه شود.

ابلاغ به مسئولین ذیربط دانشگاه که استفاده از نمازخانه به عنوان استراحتگاه دانشجویان غیربومی و سالن غذاخوری و اتاق خواب دانشجویان ممنوع شود.

قدردانی از دانشجویان مخلص نمازخوان

و عوامل دیگر... مخصوصا شناسایی افراد مغرض!؟

بنابراین به نظر می رسد ستاد محترم اقامه نماز که واقعا بسیار زحمت کشیده و چندمین

اجلاس خود را پشت سر گذاشته و مقاله هایی به چاپ رسانده اکنون به این مرحله رسیده که باید وارد میدان عمل شود و عملاً نکات فوق را که جدی به نظر می رسد، رعایت فرماید.

من بر خود وظیفه دانستم و با اشتیاق و روحیه فراوان حدود ۵۰ روز به صورت شبانه روزی به این تحقیق پردازم تا شاید وظیفه ای که شرعا و عرفا و قانونا بر ذمه دارم، ادا کرده باشم. ان شاء الله مورد قبول واقع شود، چرا که خیلی مشتاقم در ارائه مقاله شواهد عینی را که سراغ دارم به وضوح بیان کنم.

خوانندگان محترم این مقاله حتما:

در وجدان و فطرت خویش توجه خواهند کرد

به ابعاد مختلف نماز خواهند پرداخت.

به جایگاه نماز در اسلام و جامعه دقت خواهند نمود.

به اثرهای فردی و اجتماعی نماز خواهند رسید.

ان شاء الله تعالی...

و این است ایصال به مطلوب؟

«به امید روزی که همه مردم آگاهی یابند که واقعا نماز پاک کننده ی دل است و باید دل را با یاد و نام خدا آباد نمود.»

[۱] عبادت مخفیانه چون در آن ریا وجود ندارد، پاداش بیشتری دارد، چون عجب و غرور باعث راه یافتن شیطان به عبادت ما می شود.

[۲] مثلا نمازی که در منزلشان به مدت ۱۰ دقیقه ادا می کنند در محیط کار ۱۰۰ دقیقه طول می دهند.

جایگاه و ابعاد و محتوای معنوی نماز

عبادت نیاز روحی بشر

عبادت و عبودیت جایگاه رفیعی در زندگی انسان و تعالی وی ایفا می کند، کارهایی که ما انجام می دهیم اگر برای رضای خدا باشد عبادت است گر چه برای رفع نیازهای خود و جامعه باشد، مانند کسب و کار، تحصیل علم، ازدواج، خدمت به مردم و... و آنچه یک امر را عبادت می کند آن است که به انگیزه ای مقدس انجام شود که به تعبیر قرآن رنگ خدایی (صبغه ی الهی) داشته باشد.[۱].

اما نماز در واقع مسیری است که انسان از خلق به سوی خالق سیر می کند، این امر اساساً قطع نظر از هر فایده و اثری که داشته باشد خودش یکی از نیازهای روحی بشر است، انجام ندادن آن، در روح بشر ایجاد عدم تعادل می کند، در دل انسان جای خیلی از چیزها هست، هر احتیاجی که برآورده نشود، روح انسان را مضطرب و نامتعادل می کند.

استاد مطهری می فرماید: عشق دو نوع است؛ عشق های جسمانی که مبدأ جسمانی دارد و عشق های روحانی که ابتدای روحانی دارد، مسأله عشق خصوصاً وقتی با پریش و نماز توأم می شود به مرحله پرستش می رسد.[۲]. نماز قطع نظر از هر چیزی، طبیب سرخانه است؛ یعنی اگر ورزش برای سلامتی مفید است، اگر آب تصفیه شده برای هر خانه ای لازم است، اگر هوای پاک برای هر کس لازم است، نماز هم برای سلامتی روح انسان لازم است. ما می دانیم که اگر انسان در شبانه روز ساعتی از وقت خودش را به راز و نیاز با پروردگار اختصاص دهد، چقدر روحش پاک می شود و عنصرهای روحی مودی به وسیله یک نماز از روح انسان بیرون می رود.[۳].

[۱] ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (شیخ صدوق- ابن بابویه) ترجمه علی اکبر غفاری- ص ۴۴.

[۲] فطرت (استاد مرتضی مطهری) ص ۵۸.

[۳] اسلام و مقتضیات زمان / ص ۲۹۲.

ریشه های عبادت

آنچه انسان را به پرستش و بندگی و عبودیت خدا وادار می کند عبارتند از:
۱- عظمت خدا ۲- احساس فقر و وابستگی ۳- توجه به نعمت ها ۴- فطرت

از موارد فوق الذکر فطری بودن عبادت اهم مطالب را به خود اختصاص داده است بدین صورت که: «عبادت فطری است» در توضیح می توان گفت: بعضی از کارهای ما بر اساس عادت است و برخی بر پایه فطرت، آنچه عادت است می تواند با ارزش باشد یا بی ارزش، مانند کشیدن سیگار و حسادت و... و اما امتیاز فطرت بر عادت آن است که زمان و مکان و جنس و نژاد و سن و سال در آن تأثیری ندارد. [۱].

بنابراین عبادت و پرستش یکی از امور فطری است که در نهاد آدمی قرار داده شده و به همین دلیل است که قدیمی ترین و زیباترین آثار کهن مربوط به ابنیه ها و معابد و بتکده ها است که مورد پرستش قرار می گرفتند. [۱] نماز / محمدعلی خواجه پیری / ص ۲.

بهترین عبادت ها

نماز رابطه انسان با خداست و مایه صفای روح و پاکی دل و موجب پیدایش روح تقوی و تربیت انسان و پرهیز از گناهان است [۱] «نماز مهمترین عبادات است که طبق روایات اگر قبول درگاه خدا شود عبادات دیگر نیز قبول خواهد شد.» اهمیت نماز به حدی است که امام جعفر صادق (علیه السلام) آن را رکن و اساس دین نامیده است «الصلوة علی عمود الدین».

ضمناً شناخت معبود و آفریدگار، محبت او را در دل ایجاد می کند و این محبت، انسان را به پرستش و عبادت و اظهار کوچکی و تواضع در برابر عظمت او و اوست دارد. نماز جلوه ای از بندگی انسان در پیشگاه خدا و مظهر عبودیت و عبادت است. در قرآن کریم به صراحت بیان شده است. «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» [۲].

و آنچه که ریشه و سبب عبودیت و بندگی انسان است عبارت است از: عظمت خدا و برخورد با یک شخصیت عظیم، انسان را به تواضع و اوست دارد و شناخت خداوند عظیم، انسان ناتوان و حقیر را به کرنش و اوست دارد و انسان برخوردار از عجز و نیاز و ناتوانی، خود را برابر خداوند بی نیاز و مطلق می بیند و احساس بندگی می کند و نیز توجه انسان به نعمت های بی شمار الهی ریشه اصلی عبادت و پرستش است که در قرآن به این نکته مهم اشاره شده است که: «باید خدای کعبه را عبادت کنند

خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد و سیر کرد و از ترس ایمن ساخت. [۳].

پس بهترین عبادت ها، عبادتی است که آگاهانه باشد چنان که آمده است: دو رکعت نماز انسان آگاه و دانا از هفتاد رکعت نماز شخص نادان برتر است. [۴] و امام صادق (علیه السلام) در این رابطه فرموده است: کسی که دو رکعت نماز بخواند و بداند با که سخن می گوید گناهانش بخشیده می شود. [۵].

عاشقانه و خالصانه باشد، چون تا عبادت خالص نباشد در درگاه الهی پذیرفته نیست تعبیر قرآن چنین است: هیچ دستوری عبادی برای مردم نیامده، مگر آنکه امر به اخلاص در آن شده است. [۶].

خاشعانه باشد، چنان که در سوره مؤمنون آیه ۲ آمده است: «الذین هم فی صلواتهم خاشعون؛ در نمازشان خاشعند» و نیز مخفیانه باشد پس از ارکان و شرایط بالا می فهمیم که هر نمازی، نماز مطلوب نیست، بلکه نماز باید شرایط صحت عبادات و قبولی و کمال عبادات را توأم باشد که از جمله شرایط قبولی عبادات می توان موارد زیر را نام برد.

۱- بعد اعتقادی (ایمان): چنانکه در قرآن آمده است، اعمال شایسته و صالحات از کسی که مؤمن باشد موجب حیات طیبه می شود. در آیه دیگر چنین آمده است که کسی که کفر ورزد و ایمان را نپذیرد، اعمالش تباه می شود. [۷].

۲- بعد سیاسی: چنانکه در حدیثی از امام محمد باقر (علیه السلام) آمده است: کسی که ایمان به خدا دارد و عبادت های جانفرسا هم انجام می دهد ولی امام شایسته ای از طرف خداوند ندارد تلاشش بی فایده و نپذیرفته است و نیز در حدیث دیگر آمده است. هر که ولایت ما را نداشته باشد و به رهبری ما گردن نهد، خداوند عملی را از او بالا نمی برد و نمی پذیرد. [۸].

۳- بعد اخلاقی «تقوی»

۴- بعد اقتصادی «رسیدگی به محرومین»: چنانکه موضوع نماز و زکات در قرآن و روایات کنار هم آمده است.

۵- بعد اجتماعی «خوش رفتاری»: احادیث فراوانی در خصوص حسن خلق و مودت با مردم ...

آمده است از جمله در حدیثی آمده است: هر کس زن و مرد مسلمانی را غیبت کند تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی شود، مگر اینکه رفیقش او را ببخشد. [۹].

امام صادق (علیه السلام) نشانه ی آن را که آیا خداوند اطاعت ما را پذیرفته است یا نه؟ چنین می فرماید؟ هر که می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، ببیند آیا نمازش او را از گناه و زشتی بازداشته است؟ به هر مقدار که نماز او مانع از گناه و منکر شده، نمازش قبول شده است. [۱۰].

[۱] رساله آیت الله مکارم شیرازی ص ۱۳۷.

[۲] ذاریات / آیه ۵۶.

[۳] سوره قریش / آیه ۳-۵.

[۴] سفینه البحار / ج ۲.

[۵] وافى / ج ۲ / ص ۱۰.

[۶] بینه / آیه ۵ «و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين».

[۷] مائده / آیه ۵.

[۸] کافی / ج اول / ص ۴۰۳.

[۹] جامع السعادات / ج ۲ / ص ۲۳۴.

[۱۰] بحارالانوار / ج ۸۲ / ص ۱۹۸.

برکات عبادت

انسان در جهات مختلف موجودی محدود است، یعنی توان و علم و قدرت و حال او محدود است ولی حوادث غیرقابل پیش بینی نامحدودند، تنها چیزی که این انسان محدود را در مقابل هزاران حادثه بیمه می کند توکل و استمداد از خداست و نماز ریسمان محکم خدا برای تحقق این استعداد و استعانت است «و استعینوا بالصبر و الصلوة». و در حدیث می خوانیم: هر گاه برای رسول خدا (ص) و حضرت علی (ع) انواع فشارها و ناملایمات پیش می آمد به نماز پناه می بردند. در زندگی بوعلی سینا هم می خوانیم هر گاه برای حل یک مسأله دشوار خود را در بن بست می دید، دو رکعت نماز می خواند. هر یک از امامان ما نماز مخصوصی داشته اند و حتی سلمان و جعفر طیار نیز نماز مخصوص داشته اند.

همان گونه که کودک هر گاه دست خود را در دست قوی پدرش بگذارد احساس قدرت می کند، مؤمنان همین که از طریق نماز روح خود را به معراج می فرستند و با خدا و نام او پیوند پیدا می کنند، احساس عزت و قدرت می کنند.

وجدان بیدار برای پذیرش ایمان

در تاریکی شب های ظلمانی، آنجا که همه دادگران و داد پروران و دادرسان به خواب عمیق فرو رفته اند. تو ای بیدار در بستر کاخ های مجلل که انسان نیرومندی سر به بالش پر نیایش نهاده و به دریای خویشتن خم شده است و یا در بیغوله ای از کوخهای محقر که انسان ضعیفی جسد آزرده ی خود را به روی آن فرش نموده و به ناله های حزین خویشتن گوش فرا می دهد، در هر دو صحنه بساط محاکمه را می گسترانی و شرافت توأم با خرسندی یا رذالت توأم با ندامت در چهره درونی هر دو

[صفحه ۲۸۷]

انسان را بر آن دو نمودار می نمایی.

در آن هنگام که می خواهیم از قضاوت عادلانه ناپذیر تو روگردان شویم و ترا نادیده انگاریم به هر حال هر طرف را می نگریم مانند نورافکنی دوار با ما می گردی و نور خود را بر قافیه تاریک و در هم پیچیده به ما می افکنی مگر راه فراری از خویشتن را سراغ دارید؟

راستی آدمی کدامین روی خود را نشان می دهد آن موقع که می خواهد از خویشتن طفره بزند؟ این کبوتر ضعیف و این همای سعادت در مبارزه با کرکس تمایلات تا زنده است بیدار و کوشش می کند و دمی از مقاومت نمی ایستد تا آنگاه که بال و پر او شکسته شود و موجودیت خود را از دست بدهد.

فیلسوفان پاکدل که شب ها و روزها در ژرفای اقیانوس انسانی فرو می رفتند و تلاش های خستگی ناپذیری را در راه شناخت شخصیت عالیه انسانی تحمل می کردند به دنبال وجدان می جستند، اما جلال و عظمت وجدان آنها را چنان خیره نمود که می خواستند کشتیان کشتی مرموز انسانی را،...

وجدان در علوم انسانی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و دانشمندان و علمای بزرگ به تحقیق و بررسی در این مورد پرداخته و تعریف های متعددی ارائه داده اند از جمله؛ «وجدان آگاهی انسان نسبت به خودآگاهی نسبت به شخصیت خود و در فلسفه علم النفس و علم حضوری و خودآگاهی نیز می گویند.

آری وجدان تنها محکمه ای است که نیاز به قاضی ندارد، احساس درونی است که هر کس را برای داوری درباره ارزش کارهای خود رهبری می کند، و داوری است منزله از خطا و اشتباه. [۱].

پس با تعریف وجدان به یک نکته کاملاً اساسی می‌رسیم، وقتی که در ادارات و مدارس و دانشگاه‌ها وقت نماز می‌رسد، آیا واقعاً تمام کارمندان به قصد نماز محل کار خود را ترک می‌کنند؟ آیا واقعاً مدت زمانی که در منزلشان برای ادای نماز صرف می‌کنند، در اداره هم به همان وقت اکتفا می‌کنند؟ آیا نماز می‌تواند حربه‌ای برای فرار از مسؤولیت‌های محول شده گردد؟ آیا واقعاً نماز می‌تواند حربه‌ای برای پرداختن به کارهای شخصی در وقت اداری باشد؟ و...

[صفحه ۲۸۸]

بارها دیده شده (اگر دقت شود موارد فراوان است)، کارمند یک ساعت قبل از اذان و یک ساعت بعد از اذان در محل کار خود تشریف ندارد، عجیب است دو ساعت برای چند رکعت نماز؟ آیا این از وجدان است که ارباب رجوع با صرف هزینه‌های مادی و معنوی مدت‌ها پشت در اتاق کارمند به انتظار بایستند تا آن‌شاء الله از نماز بیاید و چه بسیار مواردی که چندین بار بر می‌گردند، ولی به کارشان رسیدگی نمی‌شود؟

بله در سمینارهای نماز و اجلاس نماز باید به این موانع پرداخت، چرا که باعث تضعیف نیروی ایمان در افراد (خدای نکرده) باعث می‌شود چهره نماز، این عبادت بزرگ کم‌رنگتر جلوه کند؟ پس رکن اول آنکه باید برای بیداری اذهان به تعریف وجدان و جایگاه آن پردازیم و بعد به تأثیرات معنوی آن در روند روزمرگی زندگی، تا باعث تشویق و ترغیب ملت شریف گردد.

[۱] وجدان، تألیف استاد محمدتقی جعفری، ص ۲۰-۳۸.

نماز از دیدگاه عقل و وجدان

غیر از «حق اسلامی» که دو مسلمان به خاطر اسلام بر گردن یکدیگر دارند، نوع دیگر حق، «حق انسانی» است که به خاطر انسانیت انسان است. یکی از این حقوق انسانی، سپاس از محبت و نیکی دیگران است، حتی اگر مسلمان نباشیم، احسان و نیکی دیگران به عهده ما مسؤولیت تشکر را می‌گذارد، این حق، نسبت به هر زبان و نژاد و ملیت و کشور، یکسان است.

هر چه لطف و نیکی بیشتر و نیکی کننده بزرگتر باشد. تشکر هم باید بیشتر و بهتر انجام گیرد، خداوند ما را آفرید و هر چه نیاز حیات ما بود؛ از قبیل نور، حرارت، مکان، هوا، آب، اعضا، غرائز، قوا، طبیعت گسترده، گیاهان، حیوانات، هوش و عقل و عاطفه... برای ما فراهم کرد و برای تربیت معنوی ما، رسولان خویش را فرستاد و احکام سعادت بخش مقرر کرد و حلال و حرام وضع نمود و «حیات مادی» و «حیات روحی» ما را از هر جهت، برخوردار از ابزار و وسایل کمال ساخت و همه شرایط رشد و بهروزی و سعادت دنیوی و اخروی ما را فراهم نمود، چه کسی بیش از خداوند به ما نیکی کرده که بیش از او شایسته ادای حق باشد؟

به قول سعدی «هر نفسی که فرو می رود، ممد حیات است و چون بر می آید، مفرح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی، شکری واجب.

[صفحه ۲۸۹]

«از دست و زبان که برآید
کز عهده شکرش به درآید» [۱].

بنابراین عقل هوشیار و وجدان بیدار مطلع است که نماز که وسیله قرب و نزدیکی به خداست و راز و نیاز انسان با خدا و عمل نمودن به واجب شرعی و اطاعت از فرامین الهی، بالاتر از همه سپاس و شکرگزاری است از این همه نعمت های ارزنده الهی تا شاید قطره ای سپاس از دریای بیکران نعمت های الهی باشد به امید اینکه قبول افتد.

[۱] گلستان سعدی، دیباچه.

برگزیده ای از سخنان بزرگان

امام علی (علیه السلام) فرمود: خدایا عبادت من نه از روی طمع به بهشت یا ترس از دوزخ است، بلکه تو را شایسته عبادت یافته و می پرستم.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: نماز اولین سؤال در قیامت است.

امام رضا (ع) فرمود: وضو، یک ادب در برابر خداست تا بنده، هنگام نماز وقتی در برابر خدا می ایستد، پاک باشد.

از دست و زبان که برآید
کز عهده شکرش به درآید

حضرت ابراهیم (ع) فرمود: «ربنا انی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیموا الصلوۃ» [۱]
یعنی؛ «پروردگارا! من زن و فرزند خود را در بیابانی خشک و سوزان در کنار خانه تو قرار دادم، پروردگارا برای
اینکه نماز به پای دارند.

حضرت عیسی لحظاتی چند پس از ولادت فرمود: «قال انی عبدالله اتانی الکتاب و جعلنی مبارکا اینما کنت و
اوصانی بالصلوۃ» همانا من بنده خدایم، به من کتاب آسمانی عنایت شده و به شرف نبوت آراسته ام و هر کجا باشم
برای جهانیان مایه برکت و رحمت، من تا زنده ام دستور دارم نماز را به پای دارم...
رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: یاد کننده خداوند در میان غافلان، همچون زنده ای در میان
مردگان است و همانند درختی سبز در میان گیاهان خشک، و نیز به سان جنگجویی است که در بین فراریان به
جنگ ایستد.

[صفحه ۲۹۰]

قال علی (علیه السلام): «اقام الصلوۃ فانها المله» یعنی به پای داشتن نماز علامت دین است. [۲].
و قال علی (علیه السلام): «ما اهمنی ذنب امهلت بعده حتی اصلی رکعتین و أسأل الله العافیۃ». [۳].
یعنی به کاری که فرصت دارم پس از آن دو رکعت نماز بخوانم و از خدا درخواست عافیت کنم اهمیت نمی دهم.

[۱] سوره ی ابراهیم آیه ی ۳۷.

[۲] نهج البلاغه / خطبه ۱۰۹.

[۳] نهج البلاغه / ترجمه فیض الاسلام / سخن ۳۰۵ / ص ۹۷۴.

نماز در نهج البلاغه

نهج البلاغه / ترجمه مصطفی زمانی - مؤسسه انتشارات نبوی.

خطبه ۷۹ صفحات ۱۴۰ - ۱۳۹ «نماز در ایام ماهانه زنان واجب نیست.»

خطبه ۱۰۹ صفحات ۲۵۳-۲۵۲ «نماز علامت دین است.»

خطبه ۱۹۰ صفحات ۴۸۸-۴۸۷ «به نماز توجه داشته باشید و در راه آن صبر کنید.»

خطبه ۲۳۶ صفحات ۶۱۱-۶۱۰ «نماز از سقوط در دامن ابلیس حفظ می کند». نامه ۲۸ صفحه ۶۸۰ سطر ۱۰ و

صفحه ۶۸۴ سطر ۵ «رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در نماز به حمزه هفتاد مرتبه تکبیر گفت.»

نامه ۴۷ به امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)، صفحه ۷۵۰ سطر ۱۲ و صفحه ۷۵۲ سطر ۵ «نماز

ستون دین است» و نامه ۵۳ به مالک اشتر صفحات ۷۹۰-۷۸۹ «وظیفه پیش نماز در نماز عمومی»، سخن ۱۳۲

صفحه ۹۰۵، «نماز وسیله تقرب پرهیزکاران است.»

سخن ۲۴۹ صفحه ۹۴۸ «نماز برای جدا شدن از خودخواهی واجب شده است.»

سخن ۳۰۵ صفحه ۹۷۴ «دو رکعت نماز و درخواست عافیت» و نامه ۲۷ به محمد بن ابی بکر صفحات ۶۷۶، ۶۷۹

«و... تمام کارهایت باید تابع نماز باشد». نامه ۵۲ به مسئولین شهرستان ها «وقت فضیلت نمازهای پنجگانه»، نامه

۶۹ به حارث همدانی صفحه ۸۲۹ و ۸۳۱ «روز جمعه قبل از انجام نماز جمعه حرکت مکن.»

خطبه ۸۲ صفحات ۱۵۲-۱۵۱ «شب زنده دار، لذت خواب را رها کرده.» خطبه ۹۶ صفحات ۲۱۲ و ۲۱۱

«اصحاب محمد (ص) شب را با سجده و نماز به پایان می بردند...» خطبه ۱۱۳ صفحات ۲۹۷-۲۶۴ «پرهیزکاران

شب خواب راحت نمی روند». خطبه ۱۲۰ صفحات ۲۸۲-۲۸۰... «آنان که از

[صفحه ۲۹۱]

شب زنده داری رنگ هایشان زرد بود کجا رفتند؟»

خطبه ۱۸۲ صفحات ۴۵۹-۴۵۸ شب ها بیدار بمانید. خطبه ۱۸۴ صفحه ۴۶۳ و ۴۶۵ «شب ایستاده نماز می

خوانند.»

خطبه ۲۱۵ صفحه ۵۳۷ و ۵۳۹ «وضع صاحبان مقام محمود.» خطبه ۲۳۴ صفحه ۵۸۶ سطر ۱۱ صفحه ۵۸۸ سطر

۱۸ «پرهیزکاران شب ها از ترس عذاب خدا بیدارند.» (منظور پرداختن به نماز شب).

خطبه ۲۳۶ صفحات ۶۲۵-۶۲۴ «شب زنده دار و روز نورافشان.»

نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف انصاری صفحات ۷۴۸-۷۴۷ (حزب الهی شب خواب نمی رود...)»

سخن ۷۵ صفحات ۸۷۴-۸۷۳ وضع نماز شب امام علی (علیه السلام).

سخن ۹۳ صفحه ۸۸۳ «نماز شب با عقیده کامل.»

سخن ۱۰۱ صفحه ۸۸۷ «نماز شب داود و اجابت دعا.»

سخن ۱۴۱ صفحه ۹۰۷ «شب زنده داری که ثواب ندارد.»

نگاهی به جایگاه نماز در جامعه ما

موضوع این است که نماز در جامعه اسلامی ما علی الخصوص در مراکز علمی جایگاه واقعی خودش را ندارد و این یک فاجعه ای است برای ما و نظام و جهان اسلام ما از جمله مشکلاتی که سبب شده است به این حالت درآییم، یکی ضعف ایمانی است. ما می گوئیم مسلمانیم، ادعای ایمان و اسلام می کنیم اما اسلام و ایمانمان ضعیف است و دیگری بی اطلاعی از موقعیت نماز است و سومین عامل که در جامعه ملموس است این است که متأسفانه افرادی از نماز خواندن خودشان که وظیفه و تکلیف شرعی است سوء استفاده می کنند و از این طریق باعث جلب اعتماد مردم می شوند و تا فلانی در این شخص دیده می شود همه و همه یک صدا می گویند آهان این هم نمازگزار ما؟؟! در صورتی که ما نباید این فرد با مشخصه همراه با اعمال کذایی اش را الگو قرار دهیم. او نیز مثل سایر افراد جامعه است و انتظار معصوم بودنش را نباید داشت و به نظر می رسد که در جامعه ما هیچ کس از نماز اطلاع چندانی ندارد. چرا که نماز خواندن نمی تواند عاملی برای سرپوش گذاشتن به دغل کاری ها شود و چنانکه بعد از تحقیق فهمیدیم انسان با انجام اعمال خلاف، نمازش قبول نشده و به خودش عودت

[صفحه ۲۹۲]

داده می شود.

این حدیث معروف از رسول خدا (ص) که فرمودند: «مثل الصلوة، مثل عمود الفسطة اذا ثبت العمود نفعت الاطناب و الآوتا و الغشاء و اذا انكسر العمود لم ينفع طنب و لاوتد و لاغشاء» پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: نماز به منزله ی ستون دین است چادری که زیرش یک ستونی بگذارند یا یک ساختمان معظمی که ستونی داشته باشد در صورتی که ستون باشد سقف و سایر لوازم مؤثر و مفید هستند اما اگر ستون چادر نباشد در واقع سایر چیزها هم بی اثر هستند.

پیغمبر (ص) فرمودند: نماز به این منزله است؛ یعنی اگر نماز باشد سایر عبادات هم مفیدند، اگر نماز نباشد سایر عبادات هم فایده ندارد. یعنی روزه شما، صدقه شما، زیارت شما، عزاداری شما و... همه این مراسم دینی در صورتی مفید است که این عمود دین یعنی «صلوة» بر جا باشد.

چرا در جامعه ما نماز را فقط به تعداد محدودی از افراد نسبت می دهند و فقط از آنها انتظار دارند؟ خیلی جالب است که در یک دانشگاه اسلامی که رشته های متعدد در مقاطع مختلف تحصیلی، دانشجویانی مشغول به تحصیل هستند که باید همه دانشجویان که زیر پرچم اسلامی هستند خود را مقید به اصول و فروع الدین بدانند و ملزم به رعایت کلیه شئون اسلامی و عمل به واجبات شرعی باشند در صورتی که تحقیقاتی که راقم این سطور در این خصوص داشته نشان داده که یک دانشجوی پزشکی کمتر مؤاخذه می شود تا دانشجوی الهیات این اشتباه محض است چون سازندگی درون انسان و اصلاح و تهذیب نفس او در سعادت فردی و اجتماعی و... نقش به سزایی دارد به طوری که اگر انسان تمامی علوم را تحصیل کند و کلیه نیروهای طبیعت را به تسخیر خویش درآورد اما از تسخیر درون و تسلط بر نفس خود ناتوان باشد حال این شخص دانشجوی هر رشته ای باشد فرق نخواهد کرد. مهم آن است که از رسیدن به سعادت و نیل به کمال باز خواهد ماند.

بنابراین به وضوح می بینیم که در قرآن آمده است: «انما المؤمنون اخوة» همه مؤمنان با هم برابر و برادرند و این برابری و برادری در تمام مراحل و اقشار و... مطرح است پس برای ما نباید فرقی داشته باشد که این دانشجو چون رشته پزشکی است با او نرم رفتار کنیم و این دانشجو چون رشته الهیات است بر سرش بکوبیم؟؟ و به طریق اولی نباید فرقی بین کارمندان، حتی اساتید گذاشته شود که مثلاً چون کسی استاد رشته شیمی است از انجام واجبات شرعی معاف است اما این استاد الهیات

[صفحه ۲۹۳]

باید در عمل به واجبات شرعی خود راه افراط را پیش گیرد. به امید روزی که این معضلات حل شود تا این مشکلات فرهنگی از جامعه ما رخت بربندد.

انس فطری انسان با پرستش

انسان از آغاز پیدایش موجودات و اشیاء گوناگون را مورد بررسی قرار داده است اشیایی چون چوب، سنگ و آتش و... به عنوان معبود و سجود ملت های مختلف بوده است اینها از وجود یک نیاز به پرستشگری در انسان خبر می دهد که عدم تأمین آن روح، با خلا مواجه می سازد.

استاد مطهری در این باره می فرماید: یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود انسان ها حس نیایش و پرستش است. مطالعه و بررسی آثار زندگی بشر نشان می دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته نیایش و پرستش هم وجود داشته است ولی شکل کار و شخص معبود متفاوت بوده است و نیز اضافه می کنند که: از نظر برخی از دانشمندان مانند ماکس مولر بشر ابتدا موحد و یگانه پرست بوده است و خدای واقعی خویش را می پرستیده است و پرستش های غیر خدا از نوع انحراف هایی است که بعدا رخ داده است، عمق و اصالت این گرایش را می توان از عظمت بناهایی که در طول تاریخ برای پرستش گری ساخته شده دریافت. یا آنجا که بشر اگر خود در خانه گلی زندگی می کرده، کلیساها و مساجد را به بهترین وجهی آباد می داشته است و سخت ترین جنگل ها را در حمایت از معبود خود تحمل می نموده است.

اکنون انسان از خود می پرسد چه چیز را و چگونه پرستش کند؟ قرآن با یک معادله عقلانی به پرستش همه اشیای بی اراده و ناتوان خط بطلان کشیده می فرماید: «و مالی لا اعبدوا الذی فطرنی و الیه ترجعون». یعنی چرا که آن کس را که آغازم از او و انجامم به سوی اوست پرستش نکنم؟!

حضرت علی (علیه السلام) در مورد بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «فبعث الله محمداً بالحق لیخرج عباده من عبادة الاوثان الی عبادة...» خداوند حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را برانگیخت تا بندگان را از بت پرستی به «خداپرستی» دعوت کند، روح عبادت در فطرت انسان نهفته است و اگر خوب رهبری نشود به عبادت بت و طاغوت می گراید؛ مثل میل به غذا که در هر کودکی هست (فطری است). ولی اگر راهنمایی نشود، کودک خاک می خورد و لذت هم می برد. بدون هدایت صحیح این

[صفحه ۲۹۴]

گرایش فطری انسان، به عشقی زودگذر پوچ یا پرستش بی محتوای انحرافی دچار می شود.

پرستش، جوششی است از اعماق و ذات عالم که عطر جان بخشش همه جا گسترده و پرتو انوارش هستی را روشن ساخته است و پرستش ندای فطرت انسان، راز آفرینش و اصلی ترین نیاز بشر است و عبادت سرلوحه تعالیم انبیاء و نشانه ایمان است و عبودیت حتی عالیتترین رتبه ای است که آدمی می توان به آن نایل گردد.

شرایط قبولی نماز

برای اینکه نماز بنده ای قبول درگاه الهی واقع شود شرایطی وجود دارد که هرگز بدون آنها نمازش پذیرفته نمی شود که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- ولایت: از آنجا که ولایت اولیای خدا روح نماز، و نماز تجسم عینی ولایت است هرگز نماز بنده ای بدون ولایت مولای متقیان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پذیرفته نمی شود. در این رابطه روایات بسیاری از معصومین (علیهم السلام) وارد شده که به یکی از آنها اشاره می کنیم؛ امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب خود به نام «مسیر» فرمود: ای مسیر کدامین نقطه روی زمین از همه نقاط شریف تر است؟ عرضه داشت: خدا و رسول و فرزند رسول داناتر است. فرمودند: بین رکن و مقام (مسجدالحرام) روضه ای از روضه های بهشتی است و میان قبر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و منبر آن حضرت (مسجد النبی) روضه ای از روضه های بهشتی است. اگر خداوند به کسی عمر دراز عطا فرماید و او هزار سال در میان رکن و مقام و در میان قبر و منبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، خدا را پرستش کند و آن گاه که در بسترش مظلومانه کشته شود ولی خدا را بدون ولایت ملاقات کند، بر خداوند شایسته است که او را به روی دماغش در آتش بیفکند.»

۲- خضوع و خشوع: قرآن کریم شرط رهایی و رستگاری مؤمنان را خشوع و خضوع در نماز معرفی کرده و می فرماید: «قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلاتهم خاشعون» براستی مؤمنان رستگار شدند، آنان که در نمازهایشان خشوع کنندگانند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این رابطه می فرماید: که نماز بر چهار پایه استوار است، یک پایه آن وضوی کامل است و یک پایه اش رکوع و یک پایه اش سجود و یک پایه اش تواضع در نماز است و آن به این

است که انسان با تمام دل [۱] متوجه خدای متعال باشد اگر رکوع و سجودش را کامل کند و همه این ارکان را به جای آورد چنین نمازی با نوری درخشان به سوی آسمان بالا می رود، درهای آسمان برای آن گشوده می شود و می گوید مرا محافظت کردی خداوند ترا محفوظ بدارد و فرشتگان می گویند: خداوند بر صاحب این نماز رحمت کند ولی اگر این جهات را رعایت نکند به صورت تیره و تاریک بالا می رود و درهای آسمان بسته می شود و می گوید، مرا ضایع کردی، خدا ترا ضایع کند، چنین نمازی به صورت نمازگزار زده می شود.

۳- رعایت آداب و ارکان: امام صادق (علیه السلام) می فرماید: نماز چهار هزار حد دارد که برخی از آنها واجب و برخی دیگر مستحب است. جای تردید نیست که برای قبول شدن نماز حداقل باید آداب و ارکان واجب آن رعایت شود و گرنه پذیرفته نخواهد شد، روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نمازگزاری را مشاهده کردند که رکوع و سجود نماز را به طور کامل انجام نمی داد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به این اصحاب خود فرمودند: [۲] این مرد همانند کلاغ بر زمین نوک می زند، اگر با این نماز بمیرد بیرون از آیین من مرده است.

۴- تعقل و تفکر: شخص نمازگزار باید موقعیت خود را دقیقاً بشناسد و بداند که در کجا ایستاده، چه می کند، با کی سخن می گوید و... رسول گرامی اسلام می فرمایند: «از نماز یک بنده فقط به مقداری که می فهمد چه می کند، در نامه اعمالش نوشته می شود» از اینجاست که پیشوایان معصوم وقتی به نماز می ایستادند رنگ مبارکشان دگرگون می شد و رنگ چهره شان به زردی می گرایید و چون از علت آن می پرسیدند، می فرمودند: می خواهیم در برابر پروردگار جهانیان بایستیم، بنابراین اگر کسی ارکان و آداب نماز را رعایت نکند و به خصوص شرایط اصلی آن را رعایت نکند هرگز نمازش پذیرفته نمی شود و خدایی ناکرده مشمول این حدیث می شود که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «۶۰ یا ۷۰ سال بر انسان می گذرد و خداوند حتی یک نماز او را قبول نمی کند!!».

و نیز برای اینکه عبادتی برتر و کاملتر باشد باید مشکل تر، [۳] مهمتر، [۴] دارای نظم، برکت،

[صفحه ۲۹۶]

سبقت، بصیرت و یقین باشد.

[۱] امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگام نماز از دنیا و آنچه در آن است مأیوس شو. تمام هدف و توجهت به خدا باشد و یاد روزی باش که در برابر دادگاه عدل الهی قرار می گیری.

[۲] نقر کنقر الغراب لئن ما شاهدنا و هكذا صلوته لیموتن علی غیر دینی.

[۳] رجوع شود به نماز در اسارت، ص ۲۷.

[۴] الهم فالاهم.

[۱] امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگام نماز از دنیا و آنچه در آن است مأیوس شو. تمام هدف و توجهت به خدا باشد و یاد روزی باش که در برابر دادگاه عدل الهی قرار می گیری.

[۲] نقر کنقر الغراب لئن ما شاهدا و هکذا صلوته لیموتن علی غیر دینی.

[۳] رجوع شود به نماز در اسارت، ص ۲۷.

[۴] الهم فالاهم.

چرا نماز بخوانیم؟

گر چه نماز در منظر بسیاری از عاملین و ناظرین، تصویری بجز یک عمل تبعیدی و مورد هدف زهاد و رهبان ها ندارد که صرفاً برای نمایش خضوع و کرنش در ارتباط با خالق ایفای نقش می کند اما بررسی آداب، شرایط و مضامین و هویت این عبادت بزرگ، ضمن تأیید آن به عنوان یک امر تبعیدی، آن را عاملی مهم برای اصلاح نفس انسان ها و کنترل نظامات عمومی جامعه معرفی می کند.

اصولاً هر عبادتی و اطاعتی که انسان ها بر حسب تکلیف به جا می آورند، با نظر به استغنا ذات اقدس باری تعالی نمی تواند کمترین سود و خیری را متوجه ذات ربوبیت گرداند یا متضمن فخر مباهات یا ارضاء خواسته ای در مبدأ لایزال باشد همانگونه که:

گر جمله کائنات کافر گرداند

بر دامن کبریا پیش نشیند گرد!

پس او که بهره ای نمی برد، او که نیازی ندارد، او که عظمت مطلق است و همه عالم در برابر او تکویناً سر تعظیم دارند، چرا گونه هایی از خضوع و کرنش را به عنوان واجب بر انسان، تشریع نموده است؟! او که می تواند از منبع خزائن بی پایان و کاستی ناپذیر خود همه را روزی دهد و انعام مضاعف بخشد، چرا انسان علاقمند به دنیا و وابسته را مأمور به واگذاری بخشی از مال محدود خود می کند او از این الزامات چه هدفی را دنبال می کند؟!

شکر منعم و اطاعت از ولی نعمت، امری اخلاقی، عاطفی و انسانی هست، بلکه حیوانات نیز درخور شعور و استعداد خود از انجام این واجب فروگذار نمی کنند. اما آیا این شکر و سپاس در ارتباط با منعمی همچون خداوند رب العالمین به همان صفتی است که در مورد انسان نیازمند و محتاج از حیث روانی و عادی است؟ انسانی که همواره با چشم امید عطا می کند یا لااقل سپاس در روح و اثر تشویقی یا ارضائی دارد؟

نماز دشوار هست مگر برای کسانی که درک صحیح از مقام ربوبی نداشته باشند و بزرگی و بی نیازی خالق را باور کنند و بدانند که «صبر» و «صلاة» یک نیروی کمکی برای پیشبرد امور و نیل به مقاصد و تعالی خود آنهاست نه آنکه کمکی به ربوبیت رب!

تأمین نیاز درونی و روانی انسان از آثار و اسرار نماز می باشد. بدون شک انسان برای گریز از

[صفحه ۲۹۷]

توحش و راهیابی به زندگی انسانی و حیات طیبه و تخلق به اخلاق کریمه و رهایی از یأس و افسردگی به یک عامل مهارکننده نیازمند است که روح او را در کنترل و تسخیر خود قرار دهد و پرهیز از انحراف و جنایت را بر او الزام و روح تعاون و نوع دوستی و عاطفه و محبت را بر وی الهام نماید و به هنگامی که پژمرده و افسرده می گردد او را طراوت بخشد. بنابراین آنچه دنیای برخوردار از تکنیک و صنعت را رنج می دهد و خلأ روانی و عدم برخورداری از اطمینان روحی است.

استاد شهید مطهری (ره) می فرماید: «نهر» مردی است که در سنین جوانی لامذهب شده است. در اواخر عمر یک تغییر حالی در او پیدا شده بود، خودش می گوید: من هم در روح خودم و هم در جان خودم، یک خلایی را، یک جای خالی را احساس می کنم که هیچ چیز نمی تواند آن را پر کند مگر یک معنویت و این اضطرابی که در جهان پیدا شده است. علتش این است که نیروهای معنوی جهان تضعیف شده است این بی تعادلی در جهان از همین است می گوید الان در کشور شوروی این ناراحتی به سختی وجود دارد تا وقتی که این مردم گرسنه بودند و گرسنگی به ایشان اجازه نمی داد که درباره چه چیزی دیگر فکر کنند و یکسره در فکر تحصیل معاش و در فکر مبارزه بودند بعد که یک زندگی عادی پیدا کردن یک ناراحتی روحی در میان آنها پیدا شده است در وقتی که از کار بیکار می شدند تازه اول مصیبت آنهاست که این ساعات فراغت و بیکاری را با چه چیز پر کنند؟ بعد می گوید من گمان نمی کنم اینها بتوانند آن ساعات را جز با یک امور معنوی با چیز دیگر پر کنند؟ بعد می گوید من گمان نمی کنم این همان خلایی است که من دارم.

پس معلوم می شود که واقعا انسان یک احتیاجی به عبادت و پرستش دارد امروز که در دنیا بیماری روانی زیاد شده است، در اثر این است که مردم از عبادت و پرستش رو برگردانده اند.

تحلیل نیاز انسان به نماز

انسان در عالم هستی و عالم طبیعت کوچک است اما با بقیه اشیاء فرق دارد و آن این است که این حقارت و کوچکی خود را درک می کند و خود را با عالم اندازه گیری می کند این آگاهی کلید حرکت انسان است و در این آگاهی است که او می فهمد به چیز دیگری احتیاج دارد، در این آگاهی است که او غربت خود را در این جهان احساس می کند و احساس می کند که این آب و خاک و طبیعت و در و دیوار و زیور او را ارضاء نمی کند و احساس می کند که غریب است و زبان او را این سنگ و چوب و در و دیوار

[صفحه ۲۹۸]

نمی فهمد یک حالت غم، یک غم همیشگی، یک احساس غربت جاودانه، یک اضطراب همیشه با اوست. احساس می کند که او چیزی می خواهد که در این جهان پیدا نمی شود او نیاز نامتناهی دارد. هیچ چیز او را سیر نمی کند انسان خود جهانی محدود است. اما این محدود کوچک، این موجود نیاز نامتناهی دارد. این احساس را باید در خود شناسیم و به جوان ها کمک کنیم تا در خودشان بشناسند و باید به آنها بگوییم که نماز دستی است که از جانب انسان به سوی آنکه متناسب با انسان است دراز می شود، این طبیعت در خور انسان نیست. انسان آنگونه که مولانا و اقبال و همه عارفان اشارت دارند در این تیره خاکدان غریب افتاده است.

طفیل هستی عشقند آدمی و پری

ارادتی بنما تا سعادت بیبری

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

این احساس در انسان وجود دارد انسان می بیند که این عالم فانی است و او جویای ابدیت و نیز می بیند که این عالم متغیر است اما او خواهان ثبات و زیبایی ابدی و نامتناهی است. اگر در جویبار و انوار خورشید و هر چه و هر

که زیبایی می بینیم. همه اینها سرچشمه ای دارند در نماز، سرچشمه ای را ستایش می کنیم که ظرف وجود انسان بزرگتر از آن است که با این پیمانه های کوچک پر شود. انسان از آن عالم آمده و فقط آن عالم می تواند پاسخگوی نیازهای انسان باشد. [۸].

همچنین خداوند بزرگ به مقتضای ربوبیت خود، برای تربیت بشر و رساندن او به کمال شایسته خویش یک سلسله عبادات و نماز و وظایف اخلاقی معین فرموده است تا آدمی در سایه عمل به آن عبادات و بکار بستن وظایف اخلاقی به کمالی که برای آن آفریده شده است برسد و بهره خود را از لذایذ روحی و معنوی در عالم دنیا و جهان آخرت بدست بیاورد و از طرف دیگر آفرینش بی هدف نیست و هرگز نمی توان گفت که جهان خروشان هستی و کاخ با عظمت وجود بی هدف است [۲] از آنجا که خداوند می فرماید: «ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لاعین، ما خلقناهما الا بالحق و لکن اکثرهم لا یعلمون» [۳]؛ ما آسمان ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست به بازیچه نیافریدیم بلکه آفرینش آنها به حق و راستی است ولی بیشتر مردم از آن غافلند.

[صفحه ۲۹۹]

از طرفی هم، برای رسیدن به تکامل، مکتب ها و روش هایی از طرف افراد که مدعی تربیت بشر بودند - انبیاء الهی و دیگران - مطرح شده است. آنچه از بررسی دقیق و همه جانبه در روش های ارائه شده از طرف غیر انبیاء می توان در یک جمله خلاصه کرد آن است که هیچ کدام از آنها خالی از افراط و تفریط نبوده و نتوانسته است غریزه حب کمال را در نهاد بشر اشباع کند در این میان پیامبران و سفیران الهی راه تکامل را تنها در عبودیت و بندگی تعیین کرده اند تا آنجا که از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده اند: بنده در نتیجه شدت قرب به خدا تا آنجا رسد که حق تعالی سمع و بصر و لسان او شود. همچنین در میان عبادات نماز یکی از بزرگترین فرائض اسلامی و عالی ترین کلاس مکتب تربیتی اسلام است. تشریع این عبادت بزرگ برای برقراری بنده با خدای جهان و استحکام مبانی بندگی است. نماز برای نمازگزار نیرویی می بخشد که همچون سدی محکم در برابر گناه و پیشامدهای ناگوار مقاومت می کند؛ هدف از عبادت تربیت و پرورش روح و جان ماست؛ غرض پدید آوردن قدرت های روحی است که سرچشمه آنها عبودیت و بندگی است؛ مقصود رفع تیرگی های درونی از صفحه اول و نورانی شدن آن به انوار ملکوت و آمادگی جان انسان برای پذیرش تجلیات حق و تابش نور عشق الهی است [۴] که:

گر نور عشق حق به دل و جانت افتد
بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی

[۱] نماز بهشت خلوت انس / ص ۴۵.

[۲] پرواز در ملکوت / ص ۵.

[۳] سوره دخان / آیه ۳۸.

[۴] پرواز در ملکوت / ص ۶.

عمق و عظمت نماز

ما هر چه درباره ی نماز بیشتر مطالعه می کنیم بیشتر به عظمت نماز و عقب ماندگی خودمان پی می بریم. وقتی انسان وارد مسئله نماز می شود و آیات و آثار نماز را می بیند ملاحظه می کند که نماز سکوی پرش یک مسلمان به جانب خداست و سکوی آغاز حرکت دینی و اسلامی و الهی است و هر کمالی بخواهد نصیب انسان بشود، حتما و بدون تردید باید از نماز شروع بشود. نمازی که معراج مؤمن تعبیر شده است. «لم تقولون ما لا تفعلون» این نماز یک حرکتی است که می خواهد همه حرکت ها را تنظیم بکند، می خواهد وسیله ای بشود که تمام کارها به نتیجه برسد. «اذا قبلت قبل ما سویها و اذا ردت رد ما سویها» یعنی محور همه

[صفحه ۳۰۰]

کارها نماز است اگر این به ثمر رسید و به نتیجه رسید همه ی کارها به نتیجه می رسد، اگر این به نتیجه نرسید هیچ کاری به نتیجه نمی رسد و اما از بس در مرحله ی ابتدایی قضیه مانده ایم، اصلا به قدم دوم و سوم نرسیده ایم همیشه باید حرف بزنیم که باید نماز خواند و یا روی آداب ظاهری نماز، تکیه می کنیم باید به جماعت خواند باید اول وقت خواند باید در مسجد خواند این چیزهای خیلی ابتدایی کار نماز است در صورتی که نماز مسئله ای است که بشر را به خدا می رساند. معراج مؤمن است. نماز عاملی است که می خواهد انسان را به هدف خلقت خودش برساند. خلقت را معنی دار کند این موجود انسانی الهی را به ثمر برساند برای این هدف این مقدار کافی نیست، یعنی نماز اول وقت بخوان جماعت بخوان در مسجد بخوان آداب ظاهریش را رعایت کن. همه این کارها را هم که انجام دهی، تا قدم دوم و سوم را بر نداری آن نتیجه را نمی گیری. [۱].

قرآن با صراحت می فرماید: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر»، جلوی فحشاء و منکر را می گیرد یعنی نمی شود یک کسی هم نماز بخواند هم یک منکری به جا بیاورد خوب وقتی آدم ببیند که کسانی نمازی به جا می آورند و باز هم منکراتی دارند حتما باید گفت که این نماز نیست ولو مسقط تکلیفی باشد در حدی که کسی را در صف تارکین نماز نبرند این هست اما چیزی که خدا خواسته و چیزی که می خواهد موتور محرک دین و احکام باشد این نیست.

آری ترک نماز، شهوت و لذت نیست، بلکه استخفاف و بی اعتنائی به فرمان خداست و این علت و سبب کفر اوست و به همین مطلب در روایات و وسائل الشیعه و ابواب رحمت تصریح شده است. [۲].

[۱] صلوٰۃ الخاشعین / آیت الله شهید دستغیب / ص ۱۲۱.

[۲] ارکان دین / حاج شیخ علی نمازی شاهرودی / ص ۵۳.

فضیلت و شرافت نماز

ذات مقدس پروردگار می فرماید: «واقم الصلوة طرفی النهار و زلفا من اللیل ان الحسنات یذهبن السیئات» [۱] یعنی اقامه کن نماز را دو طرف روز و شب، به درستی که حسنات، گناهان را از بین می برند. در تفسیر برهان ذیل این آیه ی شریفه، روایاتی از کافی و غیر آن کرده، که مفاد آنها این است که

[صفحه ۳۰۱]

نمازهای پنجگانه ی یومیه حسناتی می باشند که گناهان مابین نمازها را از بین می برند و پاک می کنند یعنی نماز ظهر کفاره ی گناهان از صبح تا ظهر، و نماز عصر کفاره ی گناهان مابین ظهر و عصر و نماز مغرب کفاره ی گناهان ما بین عصر و مغرب است. و این نمازها به منزله ی نهر جاری بر در خانه ی شخص است، پس همانطوری که شخص در شبانه روز اگر پنج مرتبه با آب، بدن خود را بشوید کثافتی بر او باقی نخواهد ماند؛ بدین منوال نماز پلیدی های گناه را محو می نماید. در روایتی امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: هنگامی که بنده ی مؤمن مشغول نماز شود، خداوند به او نظر لطف فرماید تا آنکه تمام کند و رحمت، او را از بالای سرش تا افق آسمان فراگیرد و نیز ملائکه تا افق آسمان اطراف او را بگیرند و خدا ملکی به او موکل گرداند که به او بگوید: «نماز خواننده آگاه باش! اگر بدانی چه کسی به تو نظر دارد و با که راز و نیاز می کنی، متوجه غیر نخواهی شد و از جای خود دور نگردی.»

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر که خداوند از او یک نماز قبول کند او را عذاب نفرماید و هر کس از او یک حسنه قبول فرماید عذابش نکند.»

و نیز آن حضرت می فرماید: «کسی که دو رکعت نماز بخواند و بداند آنچه را که در نماز می گوید نماز را تمام کند، و حال آنکه بین او و خدا گناهی باقی نباشد.» [۲]

ارزش حیاتی و اثرات معنوی نماز به حدی است که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «الصلوة عمود الدین»؛ نماز ستون دین است. اگر کسی عمدا نماز را ترک کند دین خود را خراب کرده است.

و نیز رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «الا ان الصلوة مآدیه الله فی الارض قد هناها لاهل رحمته فی کل یوم خمس مراته» نماز سفره گسترده خدای متعال در روی زمین است که آن را روزی پنج بار برای اهل رحمتش گوارا قرار داده است.

اهمیت و فضیلت نماز به حدی است که وقتی مردم طائف، ضمن شرایط خود برای پذیرش اسلام از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خواستند آنان را از نماز معاف دارد، فرمودند: «اما الصلوة فانه لاخیر فی دین لاصلوة فیه» یعنی، اما نماز همانا در دینی که نماز نداشته باشد خیری نیست.

در روایتی آمده است «اگر نمازگزار بداند تا چه حد جلال خداوند او را فرا می گیرد، مایل نخواهد بود که سر از سجده بردارد». و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ کسی که درباره ی نماز پرسیده بود

[صفحه ۳۰۲]

فرمودند: «نماز از راه های دین و راه پیامبران و موجب خشنودی و رضای پروردگار است، نماز برای نمازگزار وسیله ی دوستی فرشتگان و هدایت و ایمان و نور معرفت و برکت در روزی و آسایش تن و ناخشنودی شیطان، و همچون سلامی در برابر کافران و موجب اجابت دعا و پذیرش سایر اعمال است نماز برای مؤمن توشه ای برای آخرت و شفیع هنگام مرگ و همدمی در قبر، بستری برای تن او و پاسخی در برابر فرشتگان سؤال و جواب در قبر است.

نماز بنده ی خدا در قیامت، نجات دهنده است بر سر او، نوری بر صورت او و لباسی بر امام او و حائلی است میان او و دوزخ و حاجتی است بین او و پروردگار (عزوجل) و موجب نجات تن است از آتش و جواز عبور بر صراط و

کلید بهشت و کابین حوریان و بهای بهشت جاوید است، با نماز، بنده به درجات عالی می رسد چرا که نماز تسبیح و تهلیل و تمجید و تقدیس و ذکر و دعاست. [۳].

اصولا نماز شکر و سپاس به پیشگاه خدای بزرگ است [۴] خدایی که همه ی پدیده ها از او و هستی همه ی آفریدگان به هستی اوست، نعمت هایی که به ما ارزانی داشته در شمار نمی آیند و نماز سپاس ناچیزی است بر نعمت های خداوند و ما نباید ناسپاس باشیم. خداوند بزرگ شایسته ستایش و بندگی می باشد چنانکه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در دعای خویش می فرماید که «خدایا ترا از بیم دوزخ و به شوق بهشت عبادت نمی کنم، ترا شایسته ستایش و سزاوار پرستش می دانم و عبادت می کنم»

در کتاب آسمانی قرآن، کمتر عبادتی مانند نماز مورد اهمیت قرار گرفته است تا آنجا که تقریبا در ۱۰۴ مورد کلمه «صلوة» با مشتقاتش آورده شده و در ۱۵ مورد امر به آن شده است. [۵] و اگر به واژه ی دیگری غیر از «صلوة» که بیان گر معنای نماز است توجه کنیم معلوم خواهد شد که نماز چقدر بار معنوی دارد. در آیه ۱۴۳ سوره بقره می خوانیم: «و ما کان الله لیضیع ایمانکم» اگر قبله شما از بیت المقدس به جانب کعبه تغییر یافت، گمان نکنید نمازهای قبلی شما از اعتبار افتاده است می بینم که در این آیه از نماز به ایمان تعبیر شده است و در سوره هود آیه ۱۱۵- ۱۱۴ و سوره حجر آیه ۹۹- ۹۸- ۹۷ و سوره طه آیه ۱۳۰ و سوره ق آیه ۴۰- ۳۹ و سوره ی طور آیه ۴۹ و ۴۸ و سوره ی تنزیل آیه

[صفحه ۳۰۳]

۱۰- ۹- ۸ و سوره انسان آیه ۲۵- ۲۴ تمام راجع به «صبر» و «صلوة» است. [۶].

خداوند در قرآن سوره فاطر آیه ۱۵ می فرماید:

«یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید» ای مردم شما همه به خدا فقیر و محتاجید و تنها خداست که بی نیاز و غنی با لذات و ستوده صفاتست» نماز یعنی این قطره کوچک خرد بی مقدار وجود خویش را به دریای لطف او متصل می کند از فقر خویش بگذریم و به غنای او ارتباط پیدا کنیم.

در اهمیت نماز همین بس که علی (علیه السلام) در میان نبرد صفین و امام حسین (علیه السلام) در ظهر عاشورا دست از جنگ کشیدند و به عشق الهی به نماز ایستادند و کسی به حضرت علی (علیه السلام) ایراد گرفت، وی فرمود: ما برای همین می جنگیم تا مردم اهل نماز باشند و به سیدالشهداء در زیارتنامه اش خطاب می کنیم که:

گواهی می‌دهم که تو نماز را برپا داشتی «اشهد انک قد اقامت الصلاة» و از اهمیت آن کلام قرآن است که می‌فرماید «الا بذكر الله تطمئن القلوب» یعنی آگاه باشید که حضور و یاد خدا در «نماز» موجب اطمینان و آرامش دل و اقرار قلب انسان است و انسان نمازگزار را از ارتکاب جرائم و معاصی باز می‌دارد.

از شرف و مزیت نماز بر سایر عبادت‌ها همین بس که خداوند در دو جای قرآن ذکر کرده و قرآن را سیزده نام نهاده: صلوٰء- قنوت- تسبیح- ذکر- کتاب- رکوع- سجود- حمد- استغفار- تکبیر- حسنات- قرآن- باقیات. و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: نماز معراج مؤمن است و علماء گفته‌اند: نماز را هفت کرامت است: هدایت، کفایت، کفارت، رحمت، قربت، درجت، مغفرت.

[۱] هود / ۱۱۴.

[۲] ارکان دین / حاج شیخ علی نمازی شاهرودی / ص ۵۶.

[۳] اسرار نماز / شهید ثانی / ترجمه علی اکبر مهدی پور.

[۴] راز نماز برای جوانان / محسن قرائتی / ص ۴۱.

[۵] پرواز در ملکوت / امام خمینی (ره) / ج اول / ص ۹.

[۶] نماز بهشت خلوت انس / از مقالات اجلاس نماز / ص ۳ و ۵.

سیمای نماز در آئینه ی وحی

در میان اعمال عبادی نماز برجستگی و درخشندگی خاصی دارد و جلوه ی روشن تر عبادت و پرستش خدا به حساب می‌آید اوصاف نماز، فلسفه و حکمتش، فایده و آثارش، شرایط و آدابش، مکان و زمانش در آیات و روایات بسیاری آمده که پرداختن به آنها بسی طولانی خواهد شد به همین قدر اکتفا می‌کنم که بگویم نماز بزرگترین عبادت و مهمترین سفارش انبیاء و پیمان خدا با مردم و

[صفحه ۳۰۴]

وسیله شکر و سپاس از نعمت های الهی، ستون دین، کلید بهشت، وسیله سنجش مردم و از بین برنده گناهان و پاک کننده دل و جان انسان، اولین سؤال در قیامت، زنده نگه داشتن آیین توحیدی حضرت ابراهیم (علیه السلام) و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، کوبنده شیطان و مأیوس کننده اوست.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است، همین که انسان در نماز به غیر خدا توجه می‌کند خداوند به او خطاب می‌کند: به چه کسی توجه داری؟ آیا پروردگاری جز من سراغ داری؟ آیا جز من، مراقب و ناظری در

کار است؟ آیا به بخشنده ای جز من دل بسته ای؟... اگر توجه به من داشته باشی من و فرشتگانم به تو توجه داریم. حضرت عیسی در گهواره می گوید: خدایم مرا به نماز و زکات توصیه کرده است. آری حضور شاکرانه و عابدانه در برابر پروردگار دل پاکی می خواهد و نیتی خالص! حضرت موسی کلیم الله برای اولین بار طنین دلربای صدای معشوق را بدین گونه شنید: «یا موسی... اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم لصلوة لذكری» ای موسی! منم خدای یکتا، خدایی جز من نیست، پس مرا اطاعت کن و در مسیر عبادت من قرار گیر و نماز را به خاطر یاد من به پای دار.

نقش نماز در بازسازی معنوی انسان علی الخصوص دانشجویان

نماز و آثار آن

«رب اجعلنی مقيم الصلوة و من ذریتی» [۱].

«فاذا قضیت الصلوة فاذکروا الله قیاما و قعودا و علی جنوبکم، فاذا اطمأننتم فأقیموا الصلوة ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا» [۲].

«اتل ما اوحی الیک من الکتاب و اقم الصلوة، ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر، و لذكر الله اکبر، و الله یعلم ما تصنعون» [۳].

«فی جنات یتساءلون عن المجرمین ما سلكکم فی سقر قالوا لم نک من المصلین» [۴].

«حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی و قوموا لله قانتین» [۵].

[صفحه ۳۰۵]

«یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون» [۶].

عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): «جعل الله جل ثناؤه قرءة عینی فی الصلوة و حبب الی الصلوة کما حبب الی الجائع الطعام، و الی الظمآن الماء، و ان الجائع اذا اکل شبع و ان الظمآن اذا شرب روی و أنا لا أشبع من الصلوة» [۷].

عنه (صلى الله عليه وآله وسلم): «لا يزال الشيطان هائبا لابن آدم ذعرا منه ما صلى الصلوات الخمس لوقتهم، فاذا ضيعهن اجترا عليه فادخله في العظام» [٨].

عنه (صلى الله عليه وآله وسلم): «من صلى الخمس، كفر الله عنه من الذنوب ما بين كل صلاتين، و كان كمن على بابه نهر جار يغتسل فيه خمس مرات لا تبقى عليه من الذنوب شيئا الا الموبقات التي هي جحد النبوة او الامامه او ظلم اخوانه المؤمنين...» [٩].

عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): «ان الله يستحيى من عبده اذا صلى في جماعة ثم ساله حاجة ان ينصرف حتى يقضيها» [١٠].

عن الباقر (عليه السلام): «اعلم ان اول الوقت ايدا افضل، فعجل بالخير ما استطعت، واحب الاعمال الى الله عزوجل ما داوم العبد عليه و ان قل» [١١].

عن الرضا (عليه السلام): «الصلوات المفروضات في اول وقتها اذا اقيم حدودها، اطيب ريحا من قضيب الآس حين يؤخذ من شجره في طيبه و ريحه و طراوته، فعليكم بالوقت الاول» [١٢].

عنه (عليه السلام): في خطاب لقزاز: «و لا تؤخرن الصلوة عن اول وقتها الى آخر وقتها من غير علة، عليك ايدا باول الوقت.» [١٣].

عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): «ان العبد اذا تخلى بسيده في جوف الليل المظلم و ناجاه اثبت الله النور في قلبه» [١٤].

[صفحة ٣٠٦]

[١] سورة ابراهيم (١٤) / آيه ٤٠.

[٢] سورة نساء (٤) / آيه ١٠٣.

[٣] سورة عنكبوت (٢٩) / آيه ٤٥.

[٤] سورة مدثر (٧٤) / آيه ٤٣ - ٤٠.

[٥] سورة بقره (٢) / آيه ٢٣٨.

[٦] سورة جمعه (٦٣) / آيه ٩.

[٧] مكارم الاخلاق / ج ٢ / ص ٣٦٦.

[٨] وسائل الشيعة / ج ٤ / ص ١١١ / ح ٤٦٤٦.

[٩] مستدرک الوسائل / ج ٣ / ص ١٦ / ح ٢٩٠١.

[۱۰] همان / ج ۵ / ص ۲۲۷ / ح ۳۴.

[۱۱] الکافی / ج ۳ / ص ۲۷۴ / ح ۸.

[۱۲] ثواب الاعمال / ج ۱ / ص ۵۸ / ح ۱.

[۱۳] بحارالانوار / ج ۸۳ / ص ۲۱ / ح ۸۳.

[۱۴] امالی الصدوق / ص ۲۳۰ / ح ۹.

نماز و اثرات فردی و اجتماعی آن

با اینکه به عقیده بعضی ها جز یک عمل تعبدی و هدف زاهدان و راهبان نیست، اما بررسی آداب [۸]، شرایط و مضامین این عبادت بزرگ نشان می دهد که آن غیر از یک امر تعبدی عاملی مهم برای اصلاح نفس فردی و کنترل نظامات اجتماعی است. آثار و اسرار نماز در کلیه مراحل زندگی فردی می تواند مشهود باشد که اینک به بررسی پاره ای از آنها می پردازیم.

[۱] از جمله نکاتی که در نماز باید رعایت شود و جزء نکات مهم محسوب می شود: ۱- حضور قلب ۲- تعظیم ۳- هیبت و خوف ۴- امید ۵- حیا و... می باشد.

تأمین نیاز درونی و روانی انسان

انسان برای راهیابی به زندگی انسان از یأس و افسردگی به یک عامل مهارکننده نیازمند است که روح او را در کنترل قرار دهد و از انحراف بر حذر دارد و به تعاون و نوع دوستی و عاطفه و محبت سوق دهد. بسیاری از روان شناسان و کارشناسان تربیتی معتقدند که این نیرو از منبع اعتقاد دینی نشأت می گیرد.

هنری لنک بعد از مطالعه بر روی بیش از ده هزار انسان افسرده مجرم و تبهکار می گوید: اینک بخوبی اهمیت اعتقاد دینی را در زندگی انسان درک می کنم و از میان تمامی آزمایشات این نتیجه مهم را یافته ام که «هر کس به دین و اعتقاد دینی گردن نهد یا با عبادت کده ای در ارتباط باشد از شخصیت والاتری برخوردار است و در مقایسه با آن کس که ایمانی ندارد و با عبادتی در تماس نیست، کرامت خاصی دارد.

یک مرکز بهداشتی روانی در دانشگاه سنت لوئی آمریکا در کتابی تحت عنوان «عوامل فراموش شده در بهداشت روانی» می نویسد: کسانی که هفته ای یک روز به کلیسا می روند از مشکلات روانی کمتری برخوردارند. کندی می گوید: آمریکا آینده دردناکی پیدا خواهد کرد چرا که جوانان غرق شهوتند و دیگر حاضر نیستند وظایفی را که به آنان محول می گردد بخوبی انجام دهند.

استاد مطهری نیز در موارد متعدد این نیاز درونی و روانی را متذکر شده اند.

نماز شرط قبولی اعمال

بدان که نماز شرط قبولی اعمال است؛ اگر قبول شد تمام اعمال انسان قبول می شود و اگر خدایی ناکرده رد شد، هیچ عملی حتی اگر جهاد و مبارزه سخت در راه خدا باشد، قبول درگاه حضرت ابدیت نمی شود. پس باید دید در انجام این فریضه که انجام آن شرط مسلمانی و ترک آن به منزله کفر به خداست چگونه عمل می کنید و چقدر در انجام آن با حضور قلب کامل و خاطر آسوده کوشا هستید و به چه میزان ذهن را از مسائل گوناگون در نماز دور می کنید و متوجه نیایش با خداوند می شوید؟ و سپس سعی کنید در هنگام خواندن نماز طوری عمل نکنید که نماز شما به خودتان برگردانده شود و نماز در پیشگاه خداوند از شما شکایت کند و آن کسانی که نه تنها نماز نمی خوانند بلکه در نمازشان سستی و بی مبادلاتی به خرج داده اند وعده ی خداوند عزیز و بزرگوار برای آنها «ویل الجهنم» است. و وعده ی خداوند حق و حتم است.

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) «ركعتان مقصدتان فى تفكر خير من قيام ليلة و القلب ماه» دو رکعت نماز متوسط حال که با فکر و اندیشه انجام گیرد بهتر است از یک شب به عبادت ایستادن در حالتی که قلب از اندیشه عبادت غافل باشد.

قال الصادق (عليه السلام): «لاتنال شفاعتنا من استخف بصلوته»

نماز وسیله کمال انسان

نماز عشق بازی با خدا و انس با اوست که سرچشمه همه کمالات است.

امکان ندارد انسانی انسان کامل [۱] بشود بدون عبادت و پرستش. در نظام های ارزش های اسلامی - ارزش ارزش ها «عبادت» است اما عبادت اسلامی و عبادت با شرایط.

قرآن به ما گفته است که نماز آن وقت نماز است که اثرش هویدا باشد، اثر خود را نشان دهد، خصلت نماز درست این است که انسان را از کارهای زشت باز می دارد اگر دیدی نماز می خوانی و در عین حال معصیت می کنی بدان که نمازت نماز نیست پس نمازت را اصلاح کن.

[۱] توضیح مستدل رجوع شود به سیری در نهج البلاغه / ۲۳۹.

آثار اجتماعی نماز

دوستی و پیوند دوستانه مردم با یکدیگر: گر چه بهتر است انسان غیر خدا را در ذهن نداشته باشد

[صفحه ۳۰۸]

اما اسلام به منظور تقویت روحیه اجتماعی بودن مسلمانان همگامی و همدلی را در قالب عبادت به آنان یاد داده است برای مثال در نماز از خدا می خواهیم همه ما را به راه راست هدایت کند.

۲) وحدت و همبستگی: خداوند به منظور وحدت مسلمانان به آنان دستور داده است که رو به قبله نماز بخوانند تا بدانند که همه باید در یک جهت و رو به یک قبله باشند. شرکت در مراسم مذهبی و نماز جماعت و نماز جمعه سبب وحدت می شود.

۳) حل مشکلات و کمک به نیازمندان: مسلمانان با شرکت در نماز جماعت و در مسجد با یکدیگر، ارتباط برقرار می کنند و با مشکلات یکدیگر باخبر می شوند و همفکری و همکاری در حل مشکلات دارند.

۴) عبادت: ضامن اجرای قوانین اجتماعی است، با اعتقاد به خدا، احکام و دستورات او در زمینه اخلاق دیگر قوانین رعایت می شود.

۵) برقراری عدالت اجتماعی

۶) دفع بلا: امام صادق (علیه السلام) می فرماید: خداوند بوسیله شیعیان نمازگزار بلا را از شیعیان بی نماز دور می کند. اما اگر همه نماز را ترک می کردند همه هلاک می شدند.

۷) اصلاح امور: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: نماز ستون دین است، اگر نماز را به درستی بخوانید همه چیز اصلاح می شود. [۱].

۸) دستیابی به وقار اخلاقی و شخصیتی: نمازگزار با توجه به مفاهیم والا و بلندی که همواره به خود الهام و تلقین می نماید و طمأنینه و آرامشی که در پرتو ذکر خدا کسب می کند، به وقار و شخصیتی دست می یابد که می تواند در پستی و بلندی های زندگی نوسانات روحی خود را مهار نماید. در خطبه شیوای حضرت زهرا (علیها السلام) به بررسی فلسفه اعمال عبادی پرداخته و در جمع زنان مدینه چنین می فرماید: «نماز را واجب گردانید تا انسان ها را بوسیله آن از تکبر منزّه فرماید».

علت تأثیر نماز در شخصیت انسان این است که نمازگزاران قلبی مطمئن دارند، اطمینانی به بزرگتر بودن خداوند از همه تعلقات و جاذبه ها، از همه افراد و شخصیت ها، از همه قدرت ها و امکانات نمازگزاران خود را وابسته به چنین منبع قدرتی می داند که جهانیان در قبضه قدرت اویند و پرورش

[صفحه ۳۰۹]

یافته او که در عین قدرت، رحمان و رحیم است و حکومتش به چند روزه دنیا محدود نمی گردد بلکه مالک روز قیامت نیز می باشد این طمأنینه قلبی که در قالب اذکار نماز از نماز مصلی برمی خیزد و وقار شخصیتی و آرامش روانی او را تضمین می نماید.

۹) استواری ایمان و استقامت: هر سپاه و سازمانی برای الهام استقامت و ثبات، سرودی را به سربازان و پیروان خود می آموزد که هر صبحگاه و شامگاه این سرود، پایداری و مقاومت را در جان های آنان به هیجان آورد و عزم و اراده آنان را آهنین سازد. سپاه هستی و ذراتی که به ظاهر خاموش و بی صدا می نماید سرود پایداری در اطاعات از آفریننده را به هر صبح و شام می سرایند. انسان ها نیز به عنوان محور نظام خلقت، همنوایی با سایر ذرات وجود، صبح و شام خود را با سرودن سروش ستایش و سپاس و اعلام وفاداری در اطاعت از خالق هستی آفرین طی می کنند.

۱۰) زنگ رهایی از خود مشغولی و هشدار گذشت عمر: فرو رفتن در دنیا و گرفتاری های زندگی، حساب شب و روز و چگونگی گذشت عمر را از خاطر انسان می برد و در این میان انسان، نیازمند به مذكر است که گذشت ساعات و تقاطع عمر و شبانه روز را به او یادآور می شود.

۱۱) احساس قدرت و عزت: نماز با آنکه احساس تواضع و فروتنی را در انسان بر می انگیزد و به هیچ وجه به نمازگزار اجازه نمی دهد در خود احساس ذلت و فرومایگی داشته باشد. نماز انسان را به قدرت لایزال الهی متصل می گرداند و از این جهت در انسان احساس قدرت و عزت را بر می انگیزد.

[۱] روزنامه اطلاعات / ص ۸ / مورخه ۲۷ / ۲ / ۸۰.

نماز و جبران گناه

خداوند متعال با بیانی سراسر مهر در قرآن کریم می فرماید:

«دو طرف روز خود را با نماز تزئین نما و شبانگاه نیز به اقامه آن برخیز چرا که [این] کار نیکو، گناهان را از بین می برد.»

و نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این خصوص می فرماید:

«آنگاه که نماز را اقامه کردی و توجه خدای متعال یافتی و سوره ی حمد یا سوره دیگری از سوره های قرآن را قرائت نمودی سپس به رکوع رفتی و رکوع و سجود را کامل بر جای آوردی و تشهد و سلام را انجام دادی، خداوند متعال همه گناهانی را که بین نماز قبلی و این نماز انجام داده ای می بخشد.»

«روح انسان بوسیله نماز از ناپاکی گناه روزانه پنج نوبت شستشو داده می شود و می فرماید قسم

[صفحه ۳۱۰]

به آن کس که مرا به پیامبری برگزیده است. از وقتی که انسان وضو گرفتن را آغاز می نماید گناهان او فرو می ریزد و آنگاه که به نماز می ایستد و با توجه، با خدای خود سخن می گوید همانند روزی که از مادر متولد گردیده است از گناهان بیرون می آید.»

نماز معجونی است که اگر آدمی نسبتش را با خدا یاد کند آن نجاست های کبری که برایش پیدا می شود خواهی کبر در آنها پیدا نمی شود خلاصه کبر منشأش غفلت از شئون الهی و مأموران غیبی است و علاجش نیز توجه به عظمت حق و مقهوریت خود است نماز باعث می شود که آدمی از مرض کبر پاک گردد و در وادی عبودیت افتد و کبرپایی، کثافتی است که شیطان را رانده این درگاه کرد در آدمی هم وجود دارد و چاره ای نیست جز اینکه پاک گردد و تنها عامل مطهرش نماز است و جبران این عامل که مؤثر در ارتکاب گناه است را به عهده داد.

جاذبه های گوناگون و نفس انسانی موجب بروز اشتباهات و گناهان پیاپی می گردد این طغیان و سرکشی اگر بدون تدارک و انعطاف ادامه یابد هر گونه امیدی را نسبت به آینده منتفی می نماید و فاصله را لحظه به لحظه با خدا بیشتر می کند و انسان را مستحق عقاب و غضب می گرداند.

اگر چه انسان جاهلانه و بی اعتنا، دوری از دریای رحمت حق را انتخاب می کند اما هرگز خداوند به چنین جدایی قهرآمیزی رضایت نمی دهد و او را بر سر سفره آشتی فرا می خواند و در قالب نماز به گفتگوی محبت آمیز با خود دعوت می کند.

نماز و تحرک

اسلام از مردم تحرک و هیجان معنوی می خواهد شعار «عجلوا بالصلوة» و «فاسعوا الی ذکر الله» یعنی باید به هنگام نماز با صدای مقدس اذان در جامعه مسلمین، تحرک و تصمیم خاصی را بوجود آورد. باید کارها تعطیل، تفرق ها به وحدت تبدیل و غفلت به ذکر و یاد خدا تبدیل شود.

پرورش و تمرکز ذهن

می دانیم اضطرابات فکری و تنش های روانی از بیماری های مهلکی است که بشریت امروز را تهدید می کند روانکاوان و دانشمندان می کوشند تا راه های کاهش این اضطراب را پیش بینی کنند و می گویند: مکان هایی برای مطالعه و تحقیق باید در نظر گرفته شوند که از آرام ترین و مطبوع ترین و دل انگیزترین مکان ها باشد تا امکان تمرکز ذهن و رفع نگرانی را فراهم سازد. یکی از روان شناسان

[صفحه ۳۱۱]

می گوید: «فرق نوابغ و افراد عادی در امکان تمرکز ذهن و قوای عقلانی است نه در توانمندی و سایر صفات فکری.»

نماز یومیه، پنج نوبت فکر را در مدار تمرکز قرار می دهد و پرورش تمرکز ذهن را آسان می کند. برای این منظور دستور داده شده است که در نماز از هر کاری که موجب پراکندگی ذهن و عدم تمرکز می شود پرهیز شود. حال اگر با قوت و تسلط، ذهن خود را در مسیر معنویت قرار دهیم تمامی نقش و آثار تمرکز ذهن در یافته های معنوی و رشد روحی ما ظاهر می گردد و در خارج از نماز ذهن ما انضباط قرار گرفتن در مدار مشخص را ملکه می کند و آرامش و قرار خاصی می یابد.

نماز، چاره ی بیماری غفلت

نماز از مهمترین سفارش های انبیاء است که حضرت لقمان در اهمیت آن به فرزندش می گوید: «نماز داروی نسیان وسیله ذکر خداست و ترک کردن آن یعنی قطع کردن رابطه با آفریدگار که عواقب تلخی دارد» [۸].

هر ساعت از روز و شب که بر انسان می‌گذرد، معمولاً میل به دنیا در او بیشتر و غفلتش از آخرت زیادتر می‌گردد و در نتیجه زنگار قلبش سخت‌تر می‌شود. لذا خدای مهربان توسط پیغمبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) خود معجونی قرار داد که به واسطه عمل کردن به آن آئینه دل صیقلی شود و از معرفت و ایمان در آن بتابد و از بیماری‌های قلبی که عمده آنها غفلت است شفا یابد و آن معجون نماز است که مرکب از افعال و اقوال و شروط ظاهری و باطنی است و بدیهی است نتیجه مهم از نماز بدون حضور قلب حاصل نخواهد شد.

«و انها لتحت الذنوب حت الورق» [۲] یعنی نماز گناهان را مانند ریزش برگ درختان می‌ریزد.

چنان که برگ ریزد از درختان
نماز آن گونه می‌ریزد گناهان

«و تطلقها اطلاق الربق» یعنی همانند باز شدن گره‌ها گناهان را می‌شکافد. [۳].

[صفحه ۳۱۲]

[۱] اسرار نماز / شهید ثانی.

[۲] نهج البلاغه / فیض الاسلام / خطبه ۱۹۰.

[۳] همان.

اخلاص و راه رسیدن به آن توسط نماز

کمیاب‌ترین گوهرها اخلاص است یعنی کاری را فقط و فقط برای خدا خالص ساختن و جز او را شریک وی نساختن در عبادت و نماز باید قصد قربت کرد. حتی اگر گوشه‌ای از آن برای غیر خدا باشد عمل باطل است و نزد خداوند غیر مقبول است. اخلاص، بلندترین قله ایمان است و عمل بدون آن دارای آفت است و نابود شدنی، نیت استوار و خالص باعث می‌شود انسان هرگز سست و خسته نشود و به عجز و بن بست نرسد.

در خصوص راه رسیدن به اخلاص می‌توان گفت خداوند ولی نعمت ماست و یاد کردن از نعمت‌های پروردگار خلوص می‌آورد. راه دیگر اخلاص یا بی‌توجه به کوچکی و بی‌ارزش و گذرا بودن دنیا و جلوه‌های مادی آن است.

طبق آیات قرآنی دنیا سرمایه ای است اندک، شکوفه ای است ناگشوده، کالایی است غرورآور و وسیله سرگرمی و غفلت است. دل را باید خانه عشق به بزرگترین محبوب و با ارزش ترین هستی ساخت.

ترس از رسوایی های ریاکاری، عامل دیگری در جهت کسب اخلاص است، آنکه چهل روز برای خدا خالص شود، فارغ التحصیل مکتب خودسازی است و به تعبیر روایات: آنکه چهل روز خالصانه عمل کند چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می شود. [۱].

اخلاص، ثمره ی یقین است، اگر کسی ایمانی از روی یقین به خدا و قیامت و بهشت و جهنم و حساب و کتاب داشته باشد جز برای رضای حق تعالی عبادت و عمر نمی کند.

و از نشانه های اخلاص می توان عدم توقع از دیگران و توجه به تکلیف نه عنوان و عدم تأثیر استقبال یا بی اعتنایی و یگانگی ظاهر و باطن را نام برد. [۲].

[۱] جامع السعادات / ج ۳ / ص ۴۰۴.

[۲] نهج البلاغه / نامه ۲۶ «حضرت علی (علیه السلام) یگانگی ظاهر و باطن و نهان و آشکار را امانت الهی و عبادت خالص یاد کرده است».

اسرار و حکمت های نماز

۱) یاد خدا: «اقم الصلوة لذكری» نماز را برای یاد من بپا دار.

[صفحه ۳۱۳]

۲) مصونیت از گناه: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» [۱] به راستی که نماز از فحشاء و منکر باز می دارد.

۳) استقامت در برابر شدائد: «و استعینوا بالصبر و الصلوة» و از صبر و نماز استمداد بجوئید.

۴) رمز وحدت: «و اركعوا مع الراکعين» که به بعد اجتماعی نماز و نقش شگرف آن اشاره شده است.

۵) ایجاد تعلم: دقت عجیب و شگفت انگیزی که در مورد اوقات نماز در آیین مقدس اسلام به کار رفته، هر انسان صاحب رشدی را به اهمیت تعلم در زندگی متوجه می کند و انسان را متعلم بار می آورد به رعایت تعلم در تمام شئون زندگی و می دارد.

۶) ایجاد بهداشت و سلامت انسان [۲]: گر چه پاکی و طهارت در نماز بیشتر ناظر بر بعد روحی و معنوی انسان است چنانچه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند «اگر در خانه یکی از شما نهی باشد و هر روز پنج بار خود را در آن بشوئید آیا از آلودگی چیزی در بدن شما باقی می ماند؟ گفتند: نه! فرمود: نماز مثل همان نهر

جاری است «هر گاه شخص نماز می گزارد از گناه پاک می شود» ولی با توجه به آداب مقدماتی نماز مانند وضو و غسل و لزوم طهارت بدن و لباس در نماز، نمازگزار ناگزیر از نظافت و پاکیزگی ظاهر نیز برخوردار می شود که در سلامت و بهداشت او تأثیر بسیار دارد.

۷) درمان اخلاقی: چون بشر در معرض آفات اخلاقی و بیماری های روانی است خداوند بوسیله نماز و زکات ها و روزه ها، بندگان مؤمن خود را از این آفات حراست و نگهداری می کند و نماز دست ها و پاها را از گناه باز می دارد و چشم ها را از خیرگی بازداشته و به آنها خشوع می بخشد، نفوس را آرام می گرداند، دلها را متواضع می نمایند و باد دماغ را زایل می سازد. [۳].

[۱] سوره ۲۹ / آیه ۴۰.

[۲] یکی از اساتید دانشگاه پزشکی دانشگاه اسکندریه رساله پایان نامه دکترای خود را به بررسی تأثیر شگفت انگیز نماز در صیانت از بیماری های عضلانی از جمله بیماری فراخی پا، اختصاص داده و کتابی در این ارتباط تدوین نموده است که در آن بطور مبسوط آثار طبی نماز بر عضلات پا مورد بررسی قرار گرفته است.

[۳] سیری در نهج البلاغه / ص ۹۷.

تقوای قلب مطلوبست، نه صورت

مهم تقوای قلب شماسست و تقرب بوسیله اخلاص که داعی شماسست بر تعظیم امر خدا، یعنی آنچه

[صفحه ۳۱۴]

شما را و او می دارد که دستور خداوند را بزرگ بشمارید و به اطاعتش به سوی او تقرب جوئید همان تقوای دل هایتان است که به برکت آن هر کار خیر مورد قبول واقع می شود، از جمله خیرات بلکه عمده آن نماز است که اگر با تقوای قلب همراه نباشد، نتیجه ای مهم بر آن مترتب نیست.

بنابراین مهم در نماز، توجه قلبی است نه مجرد افعال و اقوال. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که می فرمایند: خداوند به دل های شما می نگرد نه به صورت هایتان، با مراجعه به اخبار وارده [۱] در اهمیت حضور قلب در نماز، موجب اطمینان می شود که این مطالب مسلم بوده و هیچگونه شکی در آن نیست.

از حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که «عبادت کن خدای تعالی را چنانچه گویا او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند» [۲]، از این حدیث شریف استفاده «حضور قلب در نماز در دو مرتبه

می شود: یکی آنکه سالک مشاهد جمال جمیل و مستغرق تجلیات حضرت محبوب باشد بطوری که جمیع مسامع قلب از دیگر موجودات بسته شده و چشم بصیرت به جمال پاک سازی ذی الجلال گشوده گردید و جز او چیزی مشاهده نکند، بالجمله، مشغول حاضر باشد و از حضور و محضر نیز غافل باشد.

دیگر آنکه نازل تر از این مقام است، آن است که خود را حاضر محضر ببیند و ادب حضور و محضر را ملحوظ دارد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: اگر می توانی از اهل مقام اول باشی عبادت خدا را آن طور بجا آور، و الا از این معنا غافل مباش که تو در محضر ربوبیتی.

و البته محضر حق را ادبی است که غفلت از آن از مقام عبودیت دور است. و اشاره به این فرموده است در حدیثی که ابوحمزه ثمالی (رض) نقل می کند: می گوید: دیدم حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) را که نماز می خواند. عباى آن حضرت از دوشش افتاد. آن را راست و تسویه فرمود تا آن که از نماز فارغ شد، سؤال کردم از سببش، فرمود: «وای بر تو، آیا می دانی در خدمت کی بودم» [۳] ؟

و نیز از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) منقول است که «دو نفر از امت من به نماز می ایستند در صورتی

[صفحه ۳۱۵]

که رکوع و سجودشان یکی است و حال آنکه میان نماز آنها مثل مابین زمین و آسمان است [۴] ». و فرمودند: آیا نمی ترسد کسی که صورت خود را در نماز بر می گرداند صورت او چون روی حمار شود [۵] و نیز فرمودند: «کسی که دو رکعت نماز بجا آورد و در آن به چیزی از دنیا متوجه نشود، خدای تعالی گناهان او را می آمرزد [۶] ».

از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که «جمع نمی شود اشتیاق و خوف در دلی مگر آن که بهشت بر او واجب شود. پس وقتی نماز می خوانی، اقبال کن به قلب خود به خدای (عزوجل)، زیرا که نیست مؤمنی که اقبال کند به قلبش به خدای تعالی در نماز و دعا مگر آن که قلوب مؤمنین را خدای تعالی به او اقبال دهد و با دوستی آنها او را تأیید کند او را به بهشت برد [۷] ».

و نیز کلید همه ی اعمال و باب الابواب همه ی سعادت حضور قلب است پس هنگام نماز ما باید به قلب خود بفهمانیم که عالم محضر مقدس حق است و حق تعالی حاضر در جمیع امکنه و احیاز است؛ و خصوصاً نماز که اذن

خاص حضور است و میعاد مخصوص ملاقات و مراوده با حضرت احدیت است پس چون قلب را مستشعر به عظمت و حضور کردیم ولو اینکه در اول امر با تکلف باشد، ولی کم کم قلب انس می گیرد و این مجاز، حقیقت پیدا می کند. پس چون به آداب صوریه معامله با مالک الملوک و سلطان السلاطین قیام نمودیم و ادب های حضوری ظاهری را بجا آوردیم در دل نیز تأثیر حاصل می شود و قلب استشعار عظمت نماید و کم کم به نتایج مطلوب انسان برسد و همینطور راجع به اشاره ی حب و عشق که آن نیز با تحصیل و ریاضت حاصل می شود.

بنابراین، در اول امر رحمت های صوریه و الطاف حسیه حق تعالی را به قلب وانمود باید کرد و مقام رحمانیت و رحمت و منعیت را به قلب رساند تا کم کم قلب انس گیرد و از ظاهر و باطن اثر حاصل آید و مملکت باطن از آثار جمال نورانی گردد و نتایج مطلوب حاصل شود و انسان اگر قیام به امر کند و جهاد در راه خدا نماید، حق تعالی از او دستگیری فرماید و او را از ظلمات عالم طبیعت به ید غیبی نجات دهد، و ارض مظلومه قلب او را به نور جمال خود روشن فرماید و او را مبدل به سموات روحیه

[صفحه ۳۱۶]

فرماید: «و من یقترب حسنه نزدله فیها حسنا ان الله غفور شکور» خلاصه اینکه نماز که می خوانیم اگر با خلوص نیت و تقوای قلبی همراه نباشد علاوه بر اینکه نمازمان مورد قبول خداوند نیست هیچ آثاری روحی مثبتی هم برای ما ندارد و ما دچار عذاب وجدان خواهیم شد. «و الذین يؤمنون بالآخرة يؤمنون به و هم علی صلاتهم یحافظون» یعنی آنها که به آخرت ایمان دارند به آن ایمان می آورند و بر نمازهای خویش، مراقبت می کنند [۸].

[۱] رجوع به بحث «الصلوة و آثارها» در همین مقاله شود.

[۲] بحارالانوار / ج ۷۴ / ص ۷۴-الروضه / باب ۴ / حدیث ۳ - مکارم الاخلاق / ص ۴۵۹.

[۳] وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۸۸- کتاب الصلوة / باب ۳ / حدیث ۶.

[۴] بحارالانوار / ج ۸۱ / ص ۲۴۹- کتاب الصلوة / باب ۱۶ / حدیث ۴۱.

[۵] مستدرک الوسائل / باب ۲ / حدیث ۲۰.

[۶] منبع پیشین / حدیث ۱۳.

[۷] وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۸۷- کتاب الصلوة / باب ۳ / حدیث ۳.

[۸] سوره ی انعام / آیه ۹۲.

قبول نظم و انضباط در سایه نماز

فرد در هر یک از فعالیت های زندگی در صورتی در خور تحسین تلقی می شود که رفتارش حساب شده و دارای نظم و ترتیب باشد این امتیاز بوسیله تمرین و دقت نصیب انسان می گردد. انسان در برخی موارد باید خود را به رعایت نظم در برنامه ها اجبار نماید و الزاماتی را در برنامه به خود تحویل کند تا به مرور زمان این خصوصیت بصورت ملکه در سایر بخش های زندگی او جریان یابد.

استاد مطهری در این مورد می فرماید: عبادت که می خواهی بکنی یک وقت مشخص و معینی دارد و دقیقه اش هم حساب می شود مثلاً اگر عمداً نماز صبح را یک دقیقه قبل یا بعد از طلوع آفتاب شروع کنی نمازت باطل است این وقت ها باید کاملاً رعایت شوند، آیا از نظر خداوند فرق می کند که این وقت باشد یا آن وقت؟ نه از نظر تو فرق می کند. تو باید با این نماز تربیت شوی اگر شب یا نیمه شب هم بیدار بودی، بین الطلوعین بیدار شوی و نمازت را بخوانی و نماز ظهر و عصر هم همین طور، بدین ترتیب نمازهای یومیه روح نظم و انضباط را در انسان احیاء می کند.

نماز در روایات

در فروع دین پس از مسئله ولایت، مهمترین عبادات، نماز است چنانچه در کتاب شریف کافی است که معاویه بن وهب می گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم از برترین چیزی که بندگان بوسیله آن به پیشگاه پروردگارشان نزدیک می شوند و از محبوبترین کار در نزد خدا چیست؟ حضرت فرمودند: پس از شناسایی خدا چیزی را برتر از همین نماز سراغ ندارم و آن آخرین وصیت پیامبران است [۱].

در روایات صحیح از امام محمدباقر (علیه السلام) آمده است: که اسلام بر پنج پایه بنا نهاده شده است.

[صفحه ۳۱۷]

نماز و زکات، حج، روزه و ولایت. زرارۀ بن اعین از شاگردان برجسته امام محمدباقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) که راوی حدیث است سؤال می کند از این پنج مورد کدامیک مهمتر است و امام می فرماید: ولایت مقدم است. اگر والی و حکومت اسلامی داشتید همه چیز دارید. زرارۀ بن اعین مجدداً می پرسد: ولایت چیست؟ فرمودند: «الصلوة».

در خطبه ی ۱۰۸ نهج البلاغه آمده است: بهترین چیزی که مردم با آن به توسط به خدا راه جسته اند و راه یافته اند، ایمان به خدا و رسول است که پایه اعتقادی است و جهاد در راه خدا که جهاد قله دین است. قله والایی و برتری اسلام است.

نماز «فانها الملة» نماز شریعت است، نماز دین است، پس در تعبیر خدا، ایمان و در تعبیر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عمود و در تعبیر امام علی (علیه السلام) ملت است در نتیجه نماز، ایمان و شریعت و عمود دین است. مروری در زندگی انبیاء نشان می دهد که در نظر آنها نماز مقدم بر همه چیز است، در سوره ابراهیم آیه ۴۰ و ۳۷ می خوانیم: زن و فرزندم را در کنار کعبه رها کردم در آن مکان که چیزی نبود. من یک زن و یک فرزند کم سن و سال و کوچک را کنار کعبه رها کردم برای اینکه اقامه نماز کنند.

و نیز آمده است [۲]: پروردگارا مرا «خلیل خودت» و نسل مرا نمازگزار قرار ده و در مورد حضرت موسی (علیه السلام) هم در قرآن ذکر شده: موسی (علیه السلام) نماز را به پای دار به یاد من، و در مورد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: که ایستادن ایشان در نماز تا آنجا بود که پایش ورم می کرد، هر گاه رسول خدا دچار سختی می شدند به نماز می پرداخت و به آن پناه می برد [۳].

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد نماز روایات فراوانی را بیان فرموده اند: بین مسلمان و بین کافر جز ترک نماز یا سستی در نماز چیزی نیست.

پیوسته شیطان فراری از مؤمن است، یعنی مادامی که مؤمن مراقب نمازهایش باشد شیطان از او فرار می کند نمازتان را ضایع نکنید و خراب نکنید به این صورت که قرائتش و وقتش درست نباشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قسم می خورد می فرماید: مسلمانی که نمازش را کوچک بشمرد والله بر حوض کوثر بر من وارد نمی شود.

[صفحه ۳۱۸]

در کتاب مکارم الاخلاق و وسائل الشیعه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کودک که سه ساله شد او را یاد بدهید که هفت بار بگوید «لا اله الا الله»، سه سال و هفت ماه و بیست روزش که شد هفت بار بگوید «محمدا رسول الله»، در چهار سالگی که کامل شد هفت بار «صلی الله محمدا و آل محمد»، وقتی در پنج سالگی دست چپ و راستش را شناخت رو به قبله اش کنید و سجده یادش دهید، در شش سالگی رکوع و

سجود را بیاموزد، در هفت سالگی دست و صورت شستن و وضو را یادش بدهید، در نه سالگی وضو را باید کاملاً بلد باشد و این مراحل اگر طی شد و بلد نبود توبیخش کنید و در ده سالگی نماز بخواند و اگر نخواند باز توبیخش کنید، اگر اینطور شد ان شاء الله خدا پدر و مادرش را می آمرزد [۴].

و نیز می فرماید: شفاعت من در قیامت شامل حال کسی نمی شود که نماز واجبش را تأخیر بیندارد [۵].

گویم ز امام صادق (علیه السلام) این طرفه حدیث

تا شیعه او به لوح دل بنگارد

فرمود: که بر شفاعت ما نرسد

آن کس که نماز را سبک شمارد

از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد کسی که نماز را سبک بشمارد بیان شده است که: سبک شمارنده نماز را ۱۵ بلا شامل می شود؛ ۶ بلا در دنیا - ۳ بلا در موقع جان دادن - ۳ بلا در عالم قبر و ۳ بلا در قیامت و روز محشر - اما ۶ بلای دنیا: ۱- رفع برکت از عمر ۲- رفع رزق و روزی ۳- سیمای صالحان از او دور یا گرفته می شود ۴- اعمال دیگر او مورد قبول واقع نمی شود ۵- در دعای صالحان شریک نشده و شامل او نمی شود ۶- دعایش مستجاب نمی شود.

۳ بلا در عالم قبر: مبتلای ۱- ضیق قبر ۲- تاریکی قبر ۳- عذاب قبر می شود و ۳ بلا در آخرت: ۱- فرشته او را به صورت به زمین می کشد ۲- حسابش دقیق انجام می شود ۳- در زمره لطف الهی و آفرین رحمت الهی هم قرار نمی گیرد [۶].

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ای حماد! می توانی نماز خوبی بخوانی» عرض کرد: آری، من کتاب حریر را که در نماز نوشته حفظ دارم. فرمود: «برخیز نماز بخوان»، سپس نمازی خواندم. امام (علیه السلام) فرمود:

«چقدر زشت است شخصی شصت یا هفتاد سال بر او بگذرد و یک نماز تمام کامل نخوانده باشد!» حماد گوید: من در خودم خواری یافتن عرض کردم، شما نماز را به من بیاموزید. آنگاه امام صادق (علیه السلام) روی به قبله با قداست ایستاد و... و با کیفیت وجوب نمازش را با تشهد و سلام به اتمام رساند و فرمود: «ای حماد! اینگونه نماز بخوان»

این روایت را شیخ طوسی در کتاب شریف تهذیب و شیخ صدوق در کتاب شریف من لایحضره الفقیه به اسانید، از حماد و در کتاب وسائل و غیره این روایت را از اینان و دیگران نقل فرموده اند [۷].

[۱] درس هایی از استاد حائری شیرازی / ص ۱۴.

[۲] سوره طه / آیه ۱۴.

[۳] نماز بهشت خلوت انس / ص ۳ و ۴ و ۵.

[۴] نماز نشانه حکومت صالحان / ص ۸۶.

[۵] نماز پیوند خلق و خالق / ص ۷۶، ۷۷.

[۶] فاطمة الزهرا (علیها السلام) تألیف آقای رحمانی.

[۷] ارکان دین / شیخ علی نمازی شاهرودی / ص ۶۰.

انسان بی نماز، تشنه ای است که سیراب نمی شود

هر خواسته ای که در درون انسان است در بیرون وجود انسان بر آن خواسته پاسخی است. مثلاً انسان از درون احساس تشنگی می کند در بیرون آب وجود دارد مثلاً انسان از درون احساس گرسنگی می کند در بیرون غذا وجود دارد. مثلاً انسان از درون احساس نیاز به هوا دارد در بیرون اکسیژن و هوا وجود دارد.

اکنون ببینیم آیا در انسان میل به بی نهایت قرار داده نشده است؟ چرا در انسان فطرت بی نهایت طلبی وجود دارد که اگر همه هستی را هم به او بدهید باز تمایل به بیشتر دارد و لذا می گوییم این احساس به بی نهایت را جز با رابطه با خدای بی نهایت نمی توان اشباع کرد؟! و نماز انس و گفتگو با آن قدرت بی نهایت الهی است که اگر انجام گرفت. انسان را آرام می کند و گر نه آن تمایل بی نهایت طلبی همچنان در انسان وجود خواهد داشت مثل تشنه ای که هر چه بیشتر آب شور بنوشد بیشتر تشنه خواهد شد و تا آب پاک ننوشد عطش او را خواهد آزد بنابراین نماز و بندگی خدا تأمین فطرت بی نهایت طلبی انسان است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس از روی عمد و با توجه نماز را رها کند از اسلام خارج شده و کافر است «من ترک الصلوة متعمدا فقد کفر» [۸].

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «ان اسرق الناس من سرق صلاته» یعنی سارق ترین و دزدترین افراد کسانی هستند که از نمازشان بکاهند و بدزدند [۲].

[صفحه ۳۲۰]

و نیز فرمود: کسانی که نماز را سبک می شمردند مانند زنانی هستند که سقط جنین می کنند نه می توان آنها را حامله نامید و نه می توان به آنان بچه دار گفت [۳].

بنابراین می بینیم که نماز پیوند انسان با مکتب و سیراب شدن از چشمه پاکی و معنویت است، همچنان که درختان بدون آب می خشکند، یا در آتش می سوزند، انسان های بی نماز هم آسیب پذیرند. کسی که خدا را فراموش کند در حقیقت مسؤولیت و هدف و راه، بلکه خودش را فراموش کرده و انسان تارک یا ترک کننده نماز در آخرت هم گرفتار عذاب الهی می شود.

امام خمینی «قدس سره» روز فرار شاه در فرانسه بود. در برابر دوربین خبرنگاران که بسیاری از سخنان او در دنیا مستقیماً پخش می کردند قرار داشت، وسط سخن، همین که متوجه وقت نماز شد، کلام خود را قطع کرده رو به آستان خدا کرد و به نماز پرداخت. آری این حرکت امام راحل به ما می فهماند که نماز گنجینه ای از معنویات و کرامات است و انسان هایی که از این ذخیره معنوی برخوردارند کامیاب و سعادتمندند.

و بطور خلاصه پیامدهای استخفاف و بی توجهی به نماز را چنین می توان نوشت: (۱) قهر با پیامبر و قطع با عترت (۲) غضب خداوند (۳) عدم اجابت دعا و محرومیت از دعای صالحان (۴) مضیقه و نارسایی دنیوی (۵) سختی احوال قبر و قیامت (۶) نفرین و نماز (۷) عدم قبولی نماز

در روز قیامت اهل بهشت از دوزخیان می پرسند [۴]: چه چیزی شما را روانه جهنم کرد؟ یکی از جواب های آنان این است که ما پایبند به نماز نبودیم. «لم نک من المصلین» [۵].

و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آنکه نماز خود را تباه سازد، در قیامت در کنار قارون و هامان خواهد بود. وای بر کسی که از نماز خود مواظبت نکند و نیز: کسی که نماز را سبک شمارد خداوند برکت و بهره و خیر را از عمر و مال او برمی دارد، پاداش کارهای او از بین می رود دعاهایش مستجاب نمی شود با احساس گرسنگی و تشنگی و ذلت مخصوصی از دنیا می رود.

علمای اهل سنت اعتقاد دارند که اگر کسی حتی یک نماز واجب را عمدًا ترک کند به عنوان منکر ضروری دین و خارج از اسلام باید کشته شود و خونس را هدر می‌دانند. گرچه برای برخی گفته‌اند

[صفحه ۳۲۱]

تحقق حکم قتل، ترک مکرر «صلاة» از روی عمد لازم است یکی از متفکران دانشمندان معاصر اهل سنت [۶] در کتب فقهی خود که در اکثر دانشگاه‌های عربی به عنوان متن درسی انتخاب شده است می‌گوید: مسلمان‌ها بر این مطلب اتفاق نظر دارند که نماز بر هر فرد مسلمان که بالغ و عاقل باشد واجب است و نیز تمامی مسلمانان بر این باورند که هر کس نماز را منکر شود کافر است و آن کس که نماز را از روی سستی و استخفاف به آن ترک کند گناهکار است مگر آنکه تازه مسلمان شده باشد و آنقدر با مسلمانی همزیستی نداشته باشد که فرهنگ‌های نماز آنها را فرا گیرد.

ابوحنیفه می‌گوید: «تارک نماز از روی سستی فاسق است و باید زندانی و تنبیه شود بطوری که خون از بدن او جاری شود تا آنکه نماز بخواند و توبه کند یا در زندان بمیرد.

ضمناً بی‌اعتنایی به نماز که عامل سستی در انجام آن می‌شود باید بررسی شود که چه مقدمات و مصادیق باعث بی‌اعتنایی می‌شود که از آن جمله موارد ذیل است.

(۱) تأخیر نماز (۲) عدم رعایت آداب آن خلوت؛ که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: آن کس که در مقابل مردم با دقت نماز می‌خواند و در خلوت بدون دقت به نماز بی‌اعتنایی کرده است. (۳) فراهم نکردن مقدمات نماز قبل از اذان (۴) عدم یادگیری معانی (۵) عجله و شتاب نماز؛ سریع خواندن نماز و تبدیل این عبادت به عادت که همچون عمل ماشین نویسی بدون توجه به معانی و بدون رعایت خشوع قرار گیرد از نشانه‌های دیگر بی‌توجهی است. [۷].

[۱] محجة البیضاء / ج ۱ / ص ۳۰۱.

[۲] بحارالانوار / ج ۸۴ / ص ۲۴۲.

[۳] بحارالانوار / ج ۸۴ / ص ۲۸۴.

[۴] ما سلککم فی سقر؟.

[۵] سوره مدثر / آیه ۴۳.

[۶] این فتوا به سفیان ثوری مالک و احمد بن حنبل نسبت داده شده است.

مواع نماز

۱- شراب: امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس یک جرعه شراب بنوشد، خداوند و ملائکه و انبیاء و مؤمنان او را لعنت می کنند، مستی شراب روح ایمان را از کالبد می برد و به جایش روح پست و کثیف و لعنت شده قرار می دهد.

۲- قمار: قرآن مجید قمار را از گناهان کبیره می داند، قمار عملی است که برای برنده و بازنده تولید دشمنی می کند. قمارباز اگر بیازد به خاطر از دست دادن مالی که به زحمت فراهم کرده دشمنی برنده را به دل می گیرد و اگر ببرد، بازنده مقابلش دشمنش می شود.

[صفحه ۳۲۲]

۳- بت پرستی: بت پرستی یعنی رو گرداندن از تمام فضایل و آلوده شدن به تمام رذایل، این قلب و روح است که اگر تزکیه شود با تعالیم آسمانی زنده گردد و آدمی را از اسارت بت های درون و بیرون نجات می دهد و او را به اوج کمال می رساند ولی با غفلت زدگی دل و افسردگی جان، آدمی را در تنگناهای پرستش های غلط قرار خواهد گرفت.

۴- ریا: ریا زاویه ای از شرک و نفاق است، در حقیقت شعبه ای از شرک و بت پرستی است. خداوند بزرگ در سوره ماعون به نمازخوانان ریاکار حمله کرده و نماز آنان را به هیچ انگاشته است.

کسانی که نماز آنان قبول نیست

شیخ صدوق و غیره از امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده فرمود: هشت طایفه نماز آنان قبول نیست: بنده، که فرار کرده تا آنکه به نزد آقا خود برگردد. زن ناشزه (آن زنی که در تحت فرمان شوهر نیست) که شوهر بر او غضبناک باشد، کسی که زکات مال را نمی دهد و ترک کننده وضو و دختری که به حد بلوغ رسید و بدون خماز (خماز مقتعه زن است که به آن سر خود را می پوشاند) نماز بخواند، امام جماعتی که مردم به او کرامت دارند و کسران و زنین [۸] و در روایات مختلف چنین آمده است که افراد زیر نمازشان مردود شمرده می شود:

۱- نماز حرام خواران: کسانی که رزق و روزی آنان از محل نامشروع تأمین می شود و اقدام به حرام خواری می نمایند نماز آنان مورد قبول درگاه الهی واقع نمی شود و بحساب نمی آید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: نماز حرام خواران مثل بنای ساختمان است بر روی ریگ «الصلوة مع اكل الحرام كالبناء على الرمل» [۲].

۲- نماز بی تفاوت ها

۳- نماز زنان بی تعهد در خانه

۴- نماز افراد لا ابالی

۵- به پاداش نماز پشت پیش نماز غیر محبوب

۶- نماز کسانی که طهارت و پاکی را رعایت نکنند.

در خصوص پیش نماز غیر محبوب توضیح چندی لازم است که گاهی در مسجدی، ممکن است مردم به پیش نمازی علاقه نداشته باشند و او را قبول نکنند ولی بخاطر حفظ خود، حاضر نباشند

[صفحه ۳۲۳]

مسجد یا پایگاه خود را رها کند طبیعی است که چنین موردی موجب بروز برخورد و خلوت شدن نماز جماعت می شود در روایات نماز جماعت چنین کسانی مردود شده است.

صدای اذان برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چنان جاذبه داشت و نشاط می آورد که هنگام اذان به بلال می فرمود: ای بلال ما را از غم و اندوه و تلخی ها رهایی بخش و آن حضرت می فرمود: کسی که صدای اذان را بشنود و بی تفاوت بماند جفا کرده است [۳].

[۱] زنین آن کسی است که بول و غایط او را گرفته و مدافعه آنها می کند و بدان حافن و حاقب نیز گفته اند.

[۲] بحارالانوار / ج ۸۴ / ۲۵۸.

[۳] نهج البلاغه / خطبه ۱۳۲.

نتیجه گیری

خداوندا، قدم سیر ما از وصول به بارگاه قدس تو کوتاه است و دست طلب ما از دامن انس تو قاصر، حجاب های شهوت و غفلت بصیرت ما را از جمال جمیل تو محجوب کرده و پرده های غلیظ حب دنیا و شیطننت قلوب ما را از توجه به عزجلال تو مهجور نموده، راه آخرت باریک و طریق انسانیت حدید و ما بی چاره ها چون عنکبوتان در

فکر قدید، متحیرانی هستیم که چون کرم ابریشم از سلسله های شهوات و آمال بر خود تنیده و یکسره از عالم غیب و محفل انس چشم بریده، جزء آن که از بارقه الهیه چشم دل ما را روشنی بخشی و از جذوه ی غیبیه ما را از خود بی خود فرمایی. [۸].

ما انسان ها و مخصوصا مسلمانان باید بدانیم که برای نماز غیر از این صورت، معنایی است و غیر از ظاهر، باطنی هم هست و برای آداب نماز دستورالعمل هایی است که اگر آنها را رعایت نکنیم موجب باطل شدن نماز می گردد و چنانچه با مراعات آنها نماز دارای روح ملکوتی می شود و ما باید بدانیم اکتفا کردن به صورت نماز و قشر آن و محروم ماندن از برکات و کمالات باطنیه آن، که موجب سعادت ابدیه بلکه باعث جوار رب العزه و رقاء عروج به مقام وصول به وصال محبوب مطلق که غایب آمال اولیاء و منتهای آرزوی اصحاب معرفت و ارباب قلوب بلکه قره العین سید رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) است. و به این نتیجه رسیدیم که: آری!

هر گیاهی که از زمین می روید
وحده لا شریک له گوید

نماز انس ما با پروردگارمان است آن را سست نگیریم، نماز سخن گفتن بنده با خالق است آن را دوست بداریم، نماز غذای روح است فراموش نکنیم، نماز بازدارنده فحشا و منکر است بیشتر از آن بهره بجوئیم، نماز برترین عبادت و مهمترین فریضه و عاشق ترین نیایش و پرستش یک انسان با

[صفحه ۳۲۴]

معبود خویش است. آن را یکی از اساسی ترین کارهای خود بداریم چرا که عبادت روح نماز است و بدون آن خسته می شود، امیدها یأس می گردد و دل و جان انسان بی نشاط و فرسوده می شود. نماز اهرم استعانت در غم ها و مشکلات و داوری تکبر است، وسیله تشکر از خداوند بر نعمت های اوست نماز سیمای مکتب و موجب نزول رحمت است، نماز اولین سؤال در قیامت است آری:

روز محشر که جان گداز بود

اولین پرسش از نماز بود

نماز برترین فریاد آزادگی انسان از سلطه قدرتمندان و زنده نگهداشتن سنت ابراهیم (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و حسین (علیه السلام) و مهدی (عج) است. نماز سبب آمرزش گناهان و زدودن آثار لغزش هاست، پرواز روح است و بس، نماز یعنی ایمان و ترک نماز یعنی ترک ایمان، نتیجه اینکه زنده شدن نماز همان زنده شدن قرآن است. هم در اولین سوره ای که نازل شد نماز است و هم در آخرین سوره ی قرآن نماز مطرح است. آری نماز رازی است میان خدا و بنده که در این راز هم نیاز است و هم ناز، امروز نیاز است فردا ناز، امروز رنج است فردا گنج، امروز باری گران، فردا روح و ریحان، امروز رکوع و سجود، فردا وجود و شهود.

نماز طیب زندگی، معجون اخلاق و باران زندگی و داروخانه شبانه روزی انسان است که انسان ها را از گناهان پاک می کند پس اگر تاکنون نسبت به نماز کوتاهی و سستی کرده ایم، راه کمال و توبه باز است تصمیم بگیریم به معنای دقیق کلمه امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، شیعه علی (علیه السلام) و پیرو امام حسین (علیه السلام) و منتظر امام زمان (عج) باشیم و این است مسلمانی و تسلیم شدن در برابر دستور خدا و تکلیف الهی جدی بگیریم.

ان شاء الله

آری:

چرا شکفته نباشم چو غنچه وقت سحر

که از خزانه ی غیبی، خدا سبب ساز است

[صفحه ۳۲۵]

[۱] امام خمینی (ره).

فهرست منابع و مآخذ

- (۱) القرآن کریم ترجمه الهی قمشه ای
- (۲) اصول کافی، یعقوب کلینی، با ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامیة، قم، ج ۳.
- (۳) اسرار نماز شهید ثانی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، اسرار الصلاة، تألیف: میرزا جواد ملکی تبریزی
- (۴) آداب نماز، تألیف: امام خمینی (ره)، چاپ پنجم، تیراژ ۵۰۰ جلد
- (۵) اسرار نماز یا معراج السالکین و صلوة الخاشعین، تألیف: حضرت امام خمینی (ره)
- (۶) اثبات وجود خدا، مترجمان احمد آرام، سید مهدی امین، علی اکبر مجتهدی
- (۷) اهمیت نماز «سیره عملی و گفتاری امام رضا (۷) تألیف غلامرضا اکبری
- (۸) بحارالانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ج ۷۴ و ۸۳.
- (۹) بینش اسلامی (۲)، مقطع دبیرستان، تألیف: محمد مسعود ابوطالبی، محمد علی سادات
- (۱۰) بندگی راز آفرینش، تألیف: شهید سید عبدالحسین دستغیب
- (۱۱) پرواز در ملکوت، تألیف: سید احمد فهری، ج ۲، پرواز در ملکوت، تألیف امام راحل (ره) ج ۱
- (۱۲) پرستش آگاهانه، تألیف دکتر محمدرضا رضوان طلب، ناشر: ستاد اقامه نماز چاپ دوم
- (۱۳) پرتوی از اسرار نماز، تألیف محسن قرائتی (تدوین جواد محدثی) ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۶۹.
- (۱۴) توضیح المسائل، آیت الله مکارم شیرازی، ۱۳۷۴
- (۱۵) تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۲۹، ۱۳۷۲.
- (۱۶) تفسیر سوره حمد از حضرت امام خمینی (ره)
- (۱۷) ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ابن بابویه، ترجمه علی اکبر غفاری
- (۱۸) خلوتی با خویش، تألیف غلامعلی رجایی، چاپ اول تا سوم
- (۱۹) راز نماز در نهج البلاغه، تألیف علی دوانی، راز نماز، تألیف محسن قرائتی
- (۲۰) روزنامه اطلاعات، مورخه ۲۷ / ۲ / ۸۰، ص ۸
- (۲۱) سیمای نماز، تألیف حسین انصاریان، چاپ دوم
- (۲۲) السنن النبوی، تألیف: علامه طباطبایی.

- (۲۳) طهارت روح، تألیف استاد شهید مطهری (ره)
- (۲۴) عمق و عظمت نماز، تألیف آیت الله جنتی و دکتر علی قائمی
- (۲۵) نماز بهشت خلوت انس، نویسندگان: دومین مجموعه مقالات اجلاس نماز
- (۲۶) نماز درس هایی از استاد حائری از انتشارات دانشجویان مسلمان پیرو خط امام
- (۲۷) نماز و نشانه حکومت صالحان، مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار نماز، ۱۳۷۰ مشهد
- (۲۸) نماز در اسارت، خاطرات آزادگان درباره نماز در اردوگاه های عراقی، تألیف: اکرم ارجع، فریده هادیان
- (۲۹) نماز جمعه میعادگاه مؤمنان، نویسنده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، چاپ اول
- (۳۰) نماز، تألیف: محمدعلی خواجه پیری، ۱۳۷۷، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
- (۳۱) نماز نردبان عروج از مرکز تحقیقات اسلامی
- (۳۲) نماز در آیین قرآن، تألیف: عباس عزیزی

[صفحه ۳۲۶]

- (۳۳) معارف اسلامی (۲ و ۱) جمعی از نویسندگان، ناشر: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها
- (۳۴) معارفی از قرآن، تألیف: استاد سید عبدالحسین دستغیب
- (۳۵) من لایحضره الفقیه، تألیف شیخ صدوق ابن بابویه ابی جعفر محمد بن علی بن حسین قمی، ج دوم و اول
- (۳۶) الفقه علی المذاهب الخمسه، تألیف: محمدجواد مغنیه، چاپ هفتم
- (۳۷) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه از علامه شیخ حر عاملی، چاپ هشتم
- (۳۸) منتهی الارب، تألیف: عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پور
- (۳۹) نهج البلاغه ترجمه: سید علی نقی فیض الاسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- (۴۰) ارکان دین، تألیف علامه حاج شیخ علی نمازی شاهرودی
- (۴۱) احیای فکر دینی، تألیف استاد شهید مطهری
- (۴۲) احکام نماز، تألیف محمد وحیدی
- (۴۳) اخلاق و عرفان در وضو و نماز، تألیف: محمدعلی گرامی
- (۴۴) چهارصد سخن پیرامون نماز، تألیف: سید جواد بهشتی

(۴۵) اهمیت نماز و جایگاه نماز، تألیف حجت الاسلام نورمفیدی

(۴۶) فطرت، تألیف: استاد مرتضی مطهری (ره)

(۴۷) نماز آرام بخش قلب و روح، تألیف مهدی مشایخی، چاپ سوم

(۴۸) از ژرفای نماز، تألیف: مقام معظم رهبری

(۴۹) آشنایی با قرآن، تألیف: استاد شهید مرتضی مطهری

(۵۰) وجدان، تألیف: محمدتقی جعفری

(۵۱) امالی الصدوق ج ۹

تجلی نماز در انقلاب کبیر عاشورا

جناب آقای کاظم کامران شرفشاهی

کارشناس ارتباطات

[صفحه ۳۲۹]

مقدمه

در این مقاله با استناد و استشهاد به معتبرترین کتب و منابع شیعه و اهل سنت، نماز ظهر عاشورای حضرت سیدالشهدا امام حسین (علیه السلام) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و ضمن نقل جنبه های گوناگون حرکت الهی حضرت اباعبدالله (علیه السلام) به مسائلی چون دلبستگی فراوان آن حضرت به نماز در جریان وقوع حادثه جانگداز عاشورا (شب تاسوعا و هنگام آخرین وداع) و همچنین قبل از این رویداد سخن گفته شده است.

نماز خوف، تاریخچه و تأکید رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) بر اقامه فریضه نماز در میدان جهاد که بر اساس آیه ۱۰۲ سوره مبارکه نساء استوار است و نماز ظهر عاشورا در واقع امتداد و استمرار آن است از دیگر مباحثی است که بدان پرداخته شده است.

همچنین رویکرد ادبا و سخنوران نسبت به بیان واقعه نماز ظهر عاشورا را در قالب سحرانگیز هنر و ارائه ابیاتی از اشعار شاعران معاصر در این باره، با توجه به آنکه هر رویدادی قابلیت آن را ندارد که وارد قلمرو ادبیات شود و یا اینکه برخی از رویدادها مدت کوتاهی توجه شاعران و ادبا را جلب کرده، سپس کمرنگ شده و به فراموشی سپرده می شوند اما نهضت خونین کربلا و نماز ظهر عاشورا همواره در رأس توجه و ارادت شاعران و هنروران قرار داشته است.

[صفحه ۳۳۰]

پیشگویی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، امام علی (علیه السلام) و حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) نسبت به وقوع حادثه کربلا با هدف احیاء دین و عجین شدن نام مبارک امام حسین (علیه السلام) با نماز چنان که در زیارتنامه آن حضرت آمده است از دیگر بخش های این مقاله است.

تجلی نماز در انقلاب کبیر عاشورا

نازم به قیام و قامت والایت

هنگامه عشق، چشم چون دریایت

خاموش در آن میانه غوغا کردی

نازم به نماز ظهر عاشورایت

حماسه بزرگ عاشورا که در روز دهم محرم سال شصت و یکم هجری به وقوع پیوست از جهات متعددی برخوردار است که هر یک از جهات بیانگر یک یا چند پیام بزرگ است.

آنچه در طی قیام عظیم و تکان دهنده عاشورا رخ داد به نحو بسیار اعجاب انگیز و تأمل برانگیزی هدفمند و حساب شده است. به این اعتبار و با در نظر گرفتن تمامی شرایط و ملاحظات آن روزگار، لحظه لحظه قیام سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را از هنگام خارج شدن آن حضرت در موسم حج از مکه و حرکت به سمت کوفه تا توقف کاروان در کربلا و...، اگر از زاویه تحقیق بنگریم و در هر گام و سخن حضرتش تعمق افزونتری داشته باشیم، آنگاه جوانب عظیم این نهضت بر ما آشکار خواهد شد و چه بسا آگاهی یافتن از جوانب دیگری که تاکنون از چشم تیزبین پژوهشگران این رویداد بی بدیل پنهان مانده باشد.

در خصوص رویداد سترگی چون نهضت عاشورا تاکنون سخن بسیار گفته شده است. از هنگام وقوع این حادثه جانگداز چه بسیار محققان، تاریخ نویسان و سخنورانی که هر یک به سهم خود کوشیده اند تا جلوه ای از این حماسه بی مانند را به سهم خود به تصویر کشند، و بدین ترتیب ادای دین و اظهار ارادتی به پیشگاه مقدس حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) داشته باشند؛ اما با وجود این در هر عصر و زمانه ای، باز هم آثار دیگری که روایتگر نگاه تازه ای است، به رشته تحریر درآمده است، کثرت این آثار گواه آن است که با مرور زمان نه تنها این انقلاب عظیم به فراموشی سپرده نمی شود بلکه با رقه های هستی بخش نوینی از آن چشم جهانیان را روشن می کند. همچنین

تغییر نگرش ها و برحسب دگرگونی و نیاز زمان «پر رنگتر شدن» یکی از جلوه های بی شمار نهضت عاشورا، از دیگر نکاتی

[صفحه ۳۳۱]

است که هیچ گاه نباید از خاطر دور داشت؛ زیرا این امر به منزله پاسخگویی به حوائج آن دوران است. واقعه عاشورا و درک آن بستگی فراوانی دارد به شناخت افزونتر تمامی عناصری که پدیدآورنده ی این رویداد شگفت است؛ به عبارت دیگر، هر اندازه مطالعه و ژرف اندیشی در این قلمرو بیشتر باشد، معرفت درک زوایای گسترده آن میسرتر و در نهایت زیبایی ها و عظمت های بی کران این رخداد ملموس تر خواهد شد و آنگاه است که سالک این راه درخواهد یافت که در همه منازل این مسیر چه ارتباط سنجیده و هوشمندانه خارق العاده ای نهفته است که سرتاسر، عشق و شور و درد و پیام است؛ پیامی به همه عصرها و همه نسل ها و امام به عنوان انسان کامل، و اسوه و الگوی الهی، در این نهضت انسان ساز به طور عملی طریق نجات و رستگاری را رهنمون می شود تا گمگشتگان اعصار با اقتدای به او به سر منزل مقصود راه یابند.

اگر بگوییم عاشورا زیباترین و با مفهوم ترین تابلوی هستی است، سخنی به گزاف نگفته ایم؛ زیرا در هیچ تابلویی و در هیچ یک از دوران ها این همه مفاهیم، به طور فشرده و کامل و زیبا در کنار هم و در یکجا گرد نیامده است. اما باز هم به جرأت می توان گفت که در طول تاریخ هیچ تصویری زیباتر از نماز ظهر عاشورا وجود ندارد. نماز ظهر عاشورا، نیایش سرخی است سرشار از رمز و راز، و کهکشانی است از زیبایی و معنا.

نماز ظهر عاشورایی روایتی است از جنس آسمان که هر صاحبدلی را متحیر می کند و به تحقیق، در مقام عمل بالاترین تأکید و سفارش بر اهمیت جایگاه فریضه مقدس نماز است.

زیبایی و صلابت نماز شکوهمند ظهر عاشورا آنچنان است که تمامی راویان، تاریخ نویسان و ادبا در آثار خویش از آن با عظمت بی نظیری یاد کرده اند و مقام الهی و پایمردی ملکوتی آن حضرت را در بر پا داشتن این فریضه مقدس در میدان جهاد و در هنگامه خطر و مصیبت، ستوده اند.

تجلی نماز در نهضت عاشورا تنها به نماز ظهر عاشورا ختم نمی شود. «تاسوعا» و «عاشورا» که برگرفته از اعداد ۹ و ۱۰ عرب است، تنها به روزهای نهم و دهم ماه محرم اطلاق می شود و این واژه که دربرگیرنده مفاهیم فراوانی

است هرگز به روزهای نهم و دهم دیگر ماه های قمری اطلاق نشده است. لذا بدون تردید این امر حکایت از ویژگی های منحصر به فرد این دو روز شگفتی آفرین دارد که سراسر رمز و راز و نماد و پیام است.

[صفحه ۳۳۲]

«ابن اعثم کوفی» در کتاب «الفتوح» پیرامون نیایش حضرت امام حسین (علیه السلام) و خانواده و یارانش در تاسوعا می نویسد: «امیرالمؤمنین حسین (علیه السلام) آن شب را در طاعت و عبادت زنده داشت. گاه در رکوع و گاه در سجود می گریست و تضرع می کرد و از خدای تعالی آمرزش و عفو می خواست. برادران، اصحاب، اهل بیت و شیعه او همچنین آن شب را در طاعت و عبادت بودند. از ایشان آن شب هیچ کس نخفت. همه در نماز بودند و از خدای تعالی آمرزش می طلبیدند.» [۱].

در کتب دیگر مقتل نویسان ضمن شرح یورش سپاه ابن سعد به خیمه های امام حسین (علیه السلام) و بستن آب به روی آن حضرت و محاصره آن جناب آمده است که حضرت امام حسین (علیه السلام) برادر ارجمندش حضرت ابوالفضل العباس (ع) را به عنوان سفیر نزد عمر بن سعد فرستاده، فرمودند: «... اگر می توانی تا فردا از ایشان مهلت بگیر و امشب را از ما بازگردان. شاید ما امشب برای پروردگار خود نماز خوانده، دعا کنیم و از او آمرزش بخواهیم زیرا خدا خود می داند که من نماز و تلاوت کتابش قرآن و دعای بسیار و استغفار را دوست می دارم.»

در بحارالانوار پیرامون حال و هوای امام حسین (علیه السلام) و یارانش در شب تاسوعا آمده است: «و بات الحسین و اصحابه تلك الليلة و لهم دوى كدوى النحل ما بين راع و ساجد و قائم و قاعد.»

یعنی: امام حسین (علیه السلام) و یارانش آن شب را در حالی به پایان رساندند که میان خیمه ها به دعا و نماز و تلاوت قرآن و رکوع و سجده، ایستاده و نشسته، مشغول بودند و زمزمه داشتند؛ همانند لانه زنبور. [۲].

با این اوصاف در می یابیم که فقط نماز عاشورا در هنگامه خطر و مصیبت اقامه نشده است؛ بلکه نمازهای شب تاسوعا نیز در هنگامه خوف یورش سپاهیان عمر بن سعد اقامه شده و به رغم مصائب و مشکلاتی که برای امام، خانواده و یارانش به وجود آورده بودند، هیچگونه تزلزلی در عزم و ایمان راسخ آن پیشوای راستین پدید نیامده بود تا بدانجا که عاشقانه از نماز و دعا و تلاوت قرآن سخن می گوید. نکته مهمی که در این شب نهفته است اینکه امام با این حال که از طریق الهام و خواب از جانب جد بزرگوارش حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از

سرنوشت خویش آگاه شده است و به لحاظ عقلی

نیز یقین دارد که دشمنان دست از او بر نمی دارند به دلیل عشق به نماز و عبادت به درگاه پروردگار، شبی را مهلت می خواهد و چنانکه در تمامی کتب تاریخ ثبت و ضبط شده است، انگیزه اصلی او از این درخواست تنها فرصتی برای نیایش و راز و نیاز با معبود بی همتاست. جاودانگی تاسوعا در این نیایش خالصانه و آسمانی نهفته است. تاسوعا شب عاشقانه ترین نمازهاست و پیام تاسوعا آن است که تنها مردان و زنانی می توانند عاشورا را بیافرینند که در این شب تا صبح به نماز و ستایش خالق یکتا برخاسته باشند. مردان و زنانی که از جنس آسمان که شوق پرستش و انوار تابناک نماز و مناجات، ظلمت شب را از دیدگان پرفروغشان زدوده است و در نظرگاه آنان شیرینی عبادت بر شیرینی خواب تفوق و برتری دارد.

سخن از عاشورا، سخن از عالیترین و ناب ترین جلوه های ارزش های الهی و انسانی است. عاشورا نقطه اوج و قله رفیع تابناک ترین آموزه ها و مفاهیم والا است. عاشورا تحقق آرمان ها و تبلور صداقت اسلام است. پس نماز ظهر عاشورا، نماینده عیار ارزش و اعتباری است که نیایش در این مکتب آسمانی دارد و از این منظر نماز ظهر عاشورا نه فقط در اسلام بلکه در هیچ یک از ادیان الهی در شکوه و صلابت همانندی ندارد. از همین رو نماز ظهر عاشورا را می توان معیار مرتبه نماز در نزد پروردگار یکتا به شمار آورد؛ مرتبه ای ژرف و تفکر برانگیز.

ابن اثیر و دیگر مقتل نگاران در باب نماز ظهر عاشورا نوشته اند: «ابو ثمامه صیداوی، که نامش عمرو بن عمرو، و از شمار یاران حضرت امام حسین (علیه السلام) بود نگاهی به آسمان افکند و متوجه شد که زوال ظهر و وقت نماز فرا رسیده است؛ از این رو پیش امام (علیه السلام) آمد و عرض کرد: «نفسی لک الفداء انی اری هؤلاء قد اقتربوا منک، لا والله لا تقتل حتی تقتل دونک و احب ان ألقى الله و قد صلیت هذه الصلوة التي دنا وقتها.»

یعنی: «جانم به فدایت. می بینم که این مردمان به تو نزدیک گشته اند و سوگند به خدا که تو کشته نخواهی شد قبل از اینکه من در پیش روی شما کشته شوم، اما دوست دارم در حالی خداوند را دیدار کنم که این نمازی را که وقت آن نزدیک شده است، خوانده باشم.»

امام حسین (علیه السلام) سر به سوی آسمان بلند کرده و فرمود: «ذکرت الصلاة جعلک الله من المصلین الذاکرین، نعم هذا اول وقتها.»

یعنی: یاد نماز افتادی. خداوند تو را از نمازگزاران ذاکر قرار دهد، آری این آغاز وقت نماز است.» سپس فرمود: «از اینها بخواهید دست از جنگ بردارند تا ما نماز بخوانیم!»

در این هنگام حصین بن تمیم فریاد زد که «نماز شما قبول نیست.»

و حبیب بن مظاهر به او پاسخ داد: «زعمت انها لاتقبل من آل الرسول و تقبل منك یا حمار!»

یعنی: «تو گمان کرده ای که نماز خاندان پیامبر خدا پذیرفته نیست؛ اما نماز تو مقبول است، ای الاغ؟!»

بنا به گفته «ابن شهر آشوب» پس از این سخن، کارزار سختی بین حبیب بن مظاهر اسدی و حصین بن تمیم درگرفت و حبیب بن مظاهر چنان ضربه ای بر اسب حصین بن تمیم زد که اسب همراه با وی بر زمین سقوط کرد. در این فاصله حبیب بن مظاهر و حر بن یزید ریاحی پس از نبردی دلاورانه به شهادت رسیدند و به دیدار معبود شتافتند. امام گرچه به واسطه ی غم از دست دادن دو یار وفادار خویش، آن هم با آن وضع فجیع اندوهناک بود، اما با بقیه یاران خود به نماز ایستاد و به صورت نماز خوف این فریضه الهی را در حالی اقامه کردند که: زهیر بن قین و سعید بن عبدالله حنفی پیش روی آن حضرت و یارانش به دفاع ایستاده بودند تا آسیبی به ایشان نرسد.

برخی دیگر از مورخان همچون «ابن نما» در «مثیر الاحزان» گفته اند که «حضرت امام حسین (علیه السلام) نماز ظهر عاشورا را به صورت فرادی و اشاره خوانده اند.» [۳].

لیکن آنچه اکثریت تاریخ نگاران و مؤلفان مقاتل در خصوص آن متفق القولند آنکه سعید بن عبدالله حنفی سینه و سر و صورت خویش را سپر تیرهای زهرآگین دشمنان قرار داد که امام و یارانش نماز را به جای آورند.

و چون زخم ها بر بدن او فراوان شد و نتوانست دیگر روی پای خود بایستد بر زمین افتاد، در حالی که این جملات را بر زبان می آورد: «اللهم العنهم لعن عاد و ثمود و ابلغ نبیک منی السلام، و ابلغه ما لقییت من ألم الجراح، فانی اردت بذلک ثوابک فی نصره ذریه نبیک علیه السلام»

یعنی: خدایا ایشان را همانند قوم عاد و ثمود از رحمت خود دور گردان و پیامبرت را از طرف من درود فرست و این درد و زخمی را که به من رسیده است به او ابلاغ فرما که هدف من در این کار یاری

فرزند رسول تو بود.»

سپس سعید بن عبدالله حنفی روی خود را به سوی امام کرده و عرض کرد: «او فیت یا بن رسول الله؟»

یعنی: «آیا به پیمان خود عمل کردم، ای فرزند پیامبر خدا؟»

و امام (علیه السلام) پاسخ فرمودند: «نعم، انت امامی فی الجنة»

یعنی: «آری. تو در بهشت پیش روی من هستی!»

و به دنبال این سخن روح از پیکر مجروح او به آسمان ها پرواز کرد، در حالی که در بدنش سیزده تیر خودنمایی می کرد و این تعداد تیر به غیر از زخم ها و ضربه های دیگری بود که بر پیکر او وارد شده بود. در این هنگام عمر بن سعد که از دیدن این منظره بی طاقت شده بود به عمرو بن حجاج دستور داد تا تیراندازان امام (علیه السلام) و یارانش را تیرباران کنند. خصوصا آنان از این فرصت سوء استفاده کرده، اسبان یاران حضرت را از پای در آوردند، چنانکه گفته اند تنها اسب ضحاک بن عبدالله مشرقی، جان سالم از این مهلکه به در برد. و نماز ظهر عاشورا اینگونه در هجوم مصائب اقامه می گردید.

گرمای شدید هوا، تشنگی فراوان، بی شرمی دشمنان، خطر تیرها و یورش های بی امان، اندوه شهادت یاران و بسیاری از علل و عوامل دیگر، هیچ کدام در آن روز تاریخی نتوانست کوچکترین خللی در برپایی این فریضه مقدس ایجاد نماید. و امام (علیه السلام) اینگونه راه را بر هر بهانه و مستمسکی برای ترک نماز بست و اهمیت و عظمت آن را یادآور شد.

حضرت امام حسین (علیه السلام) انگیزه بزرگ خود را در انقلاب کبیر عاشورا، امر به معروف و نهی از منکر و احیای دین جد گرامی خویش معرفی می کند و مگر نه اینکه ستون دین جد عظیم الشان او نماز است؟ پس نماز را همانگونه که جدش سفارش فرموده نباید سبک شمرد و نماز را می بایست «اول وقت» بجای آورد. و این حقیقت بزرگ در عاشورا به صورت واقعی عینی به ظهور درآمد.

از دیگر سو امام حسین (علیه السلام) با نماز ظهر عاشورا به تمام وجدان های بیدار ثابت کرد که هدف او از برپایی نهضت عاشورا «دین خواهی» و عمل به تکلیف بوده است و نه خواست های دنیوی و «خواهای نفسانی».

امام (علیه السلام) با نماز ظهر عاشورا صداقت، خلوص، ایمان و اصالت خود را به عنوان رهبری الهی به

اثبات رساند.

نماز ظهر عاشورا تفاوت بزرگ نهضت عاشورا به عنوان یک نهضت الهی با سایر نهضت هاست. در کربلا جنگ با معنویت و ارشاد بیگانه نیست. امام (علیه السلام) در پی خونریزی نیست و با نماز خود و خطبه های آسمانیش دمی از دعوت به خیر و نیکی باز نمی ایستد؛ حتی در ارجوزه ها (رجزخوانی ها) هم این حقیقت بزرگ کاملاً نمایان است. و بر پایه و اصول همین معنویت آسمانی است که در روز عاشورا شماری از لشکریان سپاه دشمن به خود آمده و با ابراز ندامت و پشیمانی به جرگه یاران حضرت امام حسین (علیه السلام) پیوستند؛ آن هم پیوستنی با علم و شهادت در راه حضرت. تأثیر شگرف نماز ظهر عاشورا را در همین گلچینی آن نیز می توان به نظاره نشست و اندیشید که در این نماز چه عاملی وجود داشت که قرار از کف عده ای ربود و آنان را از صف دشمنان امام (علیه السلام) به صف دوستداران او کشاند؟ چه جاذبه ای در این نماز موجب شد تا گروهی به جانبازی برخیزند و فرزند و عیال و خانمان و حال و آینده خود را در راه خدا به فراموشی بسپارند و مهیای سخت ترین مصائب شوند؟ و نکته دیگری که در این باب شایان ذکر است آنکه سپاهیان یزید (که خود را خلیفه مسلمین معرفی می کرد) با حمله به امام (علیه السلام) و عدم رعایت حرمت نماز ماهیت پلید و ضد دینی خود را برملا کردند و خود موجبات رسوایی خود را فراهم آوردند.

نماز ظهر عاشورا نماد پاکي ابرمردی است که زندگی را عقیده و جهاد می دانست و سرانجام مرگ شرافتمندانه در راه خدا را بر ذلت و ننگ زندگی با ستمکاران برگزید.

[۱] الفتوح / ص ۹۰۱.

[۲] بحارالانوار / ج ۴۴ / ص ۳۹۴.

[۳] منیرالاحزان / ص ۴۴.

نماز از نگاه امام حسین

در کتاب های بسیاری آمده است: روزی از حضرت زین العابدین امام علی بن حسین (علیه السلام) پرسیدند که چرا فرزندان پدرت اندک هستند؟ امام (علیه السلام) پاسخ فرمود: «به دلیل آنکه پدرم (امام حسین (علیه السلام)) در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند، پس دیگر وقتی برای سرگرمی و فراغت با زنان نداشت.» [۱].

از عبدالله بن زبیر نقل شده است که چون خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) را شنید، بی اختیار این

سخن بر زبانش جاری شد: «اما و الله لقد قتلوه، طويلا بالليل قيامه، كثيرا في النهار صومه» [۲].

یعنی: «به خدا سوگند مردی را کشتند که قیامش در شب طولانی و روزه اش در روز بسیار بود.»

ابن صباغ مالکی روایت کرده است که هر گاه حضرت امام حسین (علیه السلام) برای نماز می ایستاد، رنگش به زردی می گرایید و چون علت امر را از ایشان جویا می شدند، می فرمود: «ما تدرون بین یدی من اريد ان اقوم.» [۳].

یعنی: «هیچ می دانید در پیش روی چه کسی می خواهم بایستم!»

در ربیع الابرار زمخشری نقل شده است که آن حضرت در موسم حج، پس از طواف، نزد مقام ابراهیم نماز به جای می آورد و پس از نماز گونه های مبارکش را بر مقام نهاده، می گریست و با خشوع و خضوع بی مانندی به مناجات و راز و نیاز با پروردگار مشغول می شد.

در بیش از پانزده روایت و کتاب از اهل سنت به سندهای مختلف آمده است که آن حضرت (علیه السلام) ۲۵ بار پیاده به زیارت حج مشرف شدند و هر بار مرکب های حضرت از پشت سر ایشان می رفته اند.

در «عیون المجالس» روایت شده است که انس بن مالک چون با آن حضرت به مکه می رسید، حضرت از او می خواست که هنگامی که به مزار حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) همسر گرامی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند او را تنها بگذارد... انس می گوید من به گوشه ای رفته، پنهان شدم و دیدم امام (علیه السلام) نماز بسیار خواند و شنیدم که با خدا چنین می گوید:

«یا رب، یا رب انت مولاه

فارحم عبیدا الیک ملجاء

طوبی لمن کان خادما ارقا

یشکو الی ذی الجلال بلواه

و ما به علة و لاسقم

اکثر من حبه لمولاه

إذا اشتكى بته و غصته

اجابه الله ثم لباه

إذا ابتلى بالظلام مبتهلا

اكرمه الله ثم ادناه»

یعنی: «پروردگارا، پروردگارا تویی مولای من، رحم کن بنده ی کوچکی را که پناهگاهش تویی خوشا به حال کسی که خدمتگزار و بیدار باشد و به خدای ذوالجلال شکوه ی گرفتاری خود کند بی آنکه درد و رنجی داشته باشد جز محبت بسیاری که نسبت به مولای خود دارد.

[صفحه ۳۳۸]

هر گاه شکوه ی راز و اندوه را به نزد او برد خدایش پاسخ دهد و درخواستش را لبیک گوید.
هر گاه به تاریکی دچار گشته و روی تضرع به درگاهش برد، خداوند مورد اکرامش قرار داده و به خود نزدیکش کند.»

انس بن مالک می گوید در این هنگام ندایی شنیدم که در پاسخ امام (علیه السلام) می گفت:

«لبیک عبدی و انت فی کنفی

و كلما قلت قد علمناه

صوتک تشتاقه ملائکتی

فحسبک الصوت قد سمعناه

دعاک عندی یجول فی حجب

فحسبك السترقد سفرناه

لو هبت الريح من جوانبه

خر صريعا لما تغشاه

سلنى بلا رغبة و لا رهب

و لا حساب انى انا الله»

یعنی: «بله بنده من! که تو در کنف حمایت من هستی و هر آنچه را گفתי همه را دانسته ایم فرشتگان من مشتاق آوای تو هستند و آوایت کافی است که آن را شنیده ایم.

دعای تو تا رسیدن به نزد من از پرده ها می گذرد و اینک پرده ها را دریدیم و دیگر حجابی برای تو نیست.

اگر باد از اطرافش بوزد سبب می شود تا او بر زمین افتد به خاطر آنکه از خود بی خود گشته است.

بدون هیچ ترس و واهمه ای و حسابی هر چه می خواهی بخواه که من همان خدای تو هستم.»

در کتاب «مقتل الحسین اخطب خوارزم» نیز در مراسیل روایت شده است که شریح گوید چون به مسجد رسول خدا

(صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه وارد شدم. در آنجا حسین بن علی (علیه السلام) را دیدم که به سجده رفته و

گونه بر خاک نهاده و با خضوع و خشوع به راز و نیاز با پروردگار بی همتا مشغول است و...

در خصوص نماز از نگاه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) سخن بسیار است. آن حضرت غالب اوقات مبارک

خویش را به نماز و مناجات می گذراند که گزیده ای از نیایش های معروف ایشان توسط گروهی از دانشمندان

گردآوری و به صورت کتابی با نام «صحیفه حسینی» چاپ و منتشر شده است. به علاوه از آن حضرت نیایش

معروفی با عنوان «دعای عرفه» به یادگار مانده است که دارای معارف و حقایق پرازشی است و شیعیان غالبا در

هنگام توقف در صحرای عرفات به خواندن این دعا می پردازند و از معارف بیکران آن بهره مند می شوند.

نماز و عبادت در نگاه امام حسین (علیه السلام) آنچنان که «علی بن شعبه» در کتاب «تحف العقول» از آن حضرت روایت کرده است نه چون سوداگران به قصد درخواست و طلب و نه چون بردگان از روی ترس است، بلکه برترین شکل عبادت، نیایش آزادمردان است که خداوند را از روی سپاسگزاری عبادت می کنند.

علاقه حضرت امام حسین (علیه السلام) به نماز آنقدر عظیم است که در روز عاشورا هنگام آخرین وداع با اهل بیت مکرم خود، خطاب به خواهرش زینب کبری (علیها السلام) می فرماید: «خواهرم مرا در نماز نافله شب فراموش مکن...» [۴].

[۱] از جمله رجوع شود به تاریخ یعقوبی/ ج ۳/ ص ۲۱۹، عقد الفرید، ابن عبدربه اندلسی/ ج ۲/ ص ۲۲۰ و احقاق الحق/ ج ۱۱/ ص ۴۱۸ و...

[۲] تاریخ طبری (جلد ۶- ص ۲۷۳).

[۳] فصول المهمة/ ص ۱۸۳.

[۴] (زینب الامام امیرالمؤمنین (۷) - ص ۱۷).

تجلی نماز ظهر عاشورا در ادبیات فارسی

در طول تاریخ حیات بشری چه بسیار وقایع بزرگی پدید آمده که به رغم تمامی بزرگی و عظمتشان، هرگز مورد اعتنا و توجه ادبا و سخنوران قرار نگرفته و یا ورود این وقایع به قلمرو هنر و ادبیات بسیار کوتاه و کمرنگ بوده است. اما نهضت بزرگ عاشورا واقعه ای است که قرن ها و قرن ها چون نگینی درخشان بر تارک ادبیات درخشیده است و چه بسیار شاعران نکته سنجی که به سبب ارادت به پیشگاه مقدس حضرت امام حسین (علیه السلام) اشعار فراوانی در مدح و منقبت آن حضرت سروده اند و بر این شور آسمانی هیچ نقطه پایانی وجود نداشته است. به تحقیق می توان ادعا نمود که تاکنون در خصوص هیچ واقعه ای همانند قیام کربلا تا این اندازه اثر هنری خلق نشده است و در این میان نماز ظهر عاشورا نیز همواره به عنوان موضوعی شگفت و خارق العاده مورد تحسین و تمجید سخن سرایان چیره دست قرار گرفته است و شاعران در توصیف مقام ارجمند و خلوص صادقانه آن حضرت در روز عاشورا به ترسیم نماز ظهر عاشورا پرداخته اند.

نماز ظهر عاشورا دارای مضامین بدیع و والایی است. مضامین متعددی که هر یک دنیایی است از زیباترین جلوه های آسمانی. این نماز آمیزه ای است از حماسه، دین خواهی، مظلومیت، شرف، آرمانگرایی، حقانیت، اصالت، تعهد و...

از آنجا که بیان تمامی این آثار در این مجال نمی گنجد، لذا در این فرصت به ارائه گلچین ابیاتی

از گلزار ادبیات پارسی بسنده می کنیم؛ با این توضیح که آنچه در پی می آید تنها معدودی از اشعار شاعران معاصر را در بر گرفته است:

حبیب الله خباز:

چون در نبرد کربلا عرصه گشت تنگ
با تیغ و تیز و سنگ گرفتی ادامه جنگ

از خون و زمین ماریه گردید لاله رنگ
ز آیینہ ی نماز چو باید زدود زنگ

گفتا یک از رجال که وقت نماز شد
باید از این فریضه کنون سرفراز شد

کریمی مراغه ای:

نازم به عاشقی که در عشق باز کرد
در خاک و خون تبیدن او کشف راز کرد

تا هر بشر بداند اهمیت نماز
با خون وضو گرفت و شروع نماز کرد

غلامرضا سازگار (میثم):

نالہ و فریاد و سوز و شور و درد اہل رازم
من نمازم، من نماز من نمازم، من نمازم

با صلوٰۃ و با قیام و با قعود و با قنوت
تا قیامت ہر چہ دارم باز مدیون حسینم

کاظم جیرودی:

حسین (علیہ السلام) از خون پاکش تا وضو کرد
وصال روی جانان آرزو کرد

نماز از حرمت خون شہیدان
خدا داند کہ کسب آبرو کرد

جعفر رسول زادہ (آشفته)

تیرہا بر تنم فرود آیی
تا امام نماز بگزارد

استاد محمود شاہرخی (جذبہ):

کردند جان نثار چو عقد نماز بست
ز آزادگان عشق دو تن پیش روی او...

یاور همدانی

نیایش را که با صوت جلی خواند

صفای سینه صافی دلی خواند

چه شوری ظهر عاشورا به پا کرد

نمازی که حسین بن علی (علیه السلام) خواند

عباس براتی پور:

ای شده کشته در راه احیاء دین

سر فراز نی و تن به روی زمین

[صفحه ۳۴۱]

این ندا می رود تا به عرش علا

اشهد انک، قد اقامت الصلاة

حبیب الله چایچیان (حسان):

ولی والاترین معراج عشقم

نماز ظهر عاشورای من بود

رضا خیری (شکیب):

سرو آزاد تویی، لاله و شمشاد تویی

تا ابد در افق عاطفه فریاد تویی

چون به احیای نماز است قیام تو حسین (علیه السلام)

من فدای عطش سرخ کلام تو حسین (علیه السلام)

زهره صفایی:

ترک سجاده و نماز نکرد

گر چه از جان بریده بود حسین (علیه السلام)

صالح محمدی امین:

از کربلای مقدس می آید آوای مردی

آوای نورانی او «انی احب الصلوۃ» است

مجمود تاری (یاسر)

در هر نفسش سوز و گداز است حسین (علیه السلام)

سر چشمه هر راز و نیاز است حسین (علیه السلام)

می خواند نماز آخرین را در خون

یعنی که فدایی نماز است حسین (علیه السلام)

علی غفرالهی (ماهر اصفهانی)

یک جهان عشق و فداکاری و مهر و عاطفت
جلوه گر شد در نماز ظهر عاشورای تو

سیف الله خادمی (خادم):

آن تابش بی غروب در پهنه ی دشت
از معرکه ی کربلا بازنگشت

بگذشت ز هر چه داشت حتی سر و جان
اما ز نماز خویش هرگز نگذشت

سید حجت الله آزاده:

جهد کن بر نماز اول وقت
این پیام شهید عاشوراست

محمود عندلیب:

دانی پیام شاه جگر تشنگان چه بود؟
در تنگنای حادثه ی کربلا، نماز

نیلوفر صفایی:

در سایه قنوت تو راه نجات ماست
از آخرین نماز تو، دین خدا به پاست

[صفحه ۳۴۲]

حسین یعقوبی:

نینوا را نوای دیگر داد
شعر پرشور عاشقی سر داد

دکتر حسین رزمجو:

نماز ظهر عاشورای آن پاک
که بر شد از زمین تا اوج افلاک

محمد ابوالقاسم جندقیان (شفیق):

خاک دشت کربلا را مهر هر سجاده کرد
پاسدار خون پاکان جهان باشد نماز

علی وحید دستگردی (برزگر):

اگر از کربلا یاد آری ای دوست

نمازت را سبک نشماری ای دوست

سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر):

در زمین کربلا در روز عاشورا حسین (علیه السلام)

زیر تیغ و تیر دشمن خواند بی پروا نماز

کامران شرفشاهی:

قامت به نماز ظهر عاشورا بست

آموخت به ما نماز را اول وقت

اسماعیل رفاهی:

سرور و سالار دشت کربلا

با نمازی کار صد اعجاز کرد

علی نجات سیاوشی:

قامت سبز حضورش در نماز

سرخ گون هنگامه ای را کرده ساز

و...

هر یک از اشعاری که درباره نماز ظهر عاشورا سروده شده است گواه دیگری بر عمق زیبایی و معنای آسمانی این نماز شکوهمند است؛ نمازی که تا کنون ابیات بی شماری درباره آن سروده شده و باز هم سروده خواهد شد.

نماز خوف

آنچه احساس می شود باید ذکر شود، تاریخچه ای از نماز خوف است که نماز ظهر عاشورا امتداد و نقطه اوج آن است.

خواندن نماز در بحبوحه ی جنگ بی تردید امری شگفت و بسیار قابل توجه است. اما این نکته که

[صفحه ۳۴۳]

نخستین بار این امر از کجا و چگونه آغاز شده است، همچنین شرح استمرار آن بسیار ضروری است. زیرا نکات تازه ای را بر ما آشکار می سازد که مهمترین نکته آن، یافتن ریشه ها و شناخت زمینه هایی است که نماز ظهر عاشورا نسبت به آن دارای ارتباطی مستقیم و معنی دار است.

در تفسیر نمونه آمده است: «هنگامی که پیامبر (علیه السلام) با عده ای از مسلمانان به عزم مکه وارد سرزمین حدیبیه شدند و این خبر به گوش قریش رسید، خالد بن ولید به سرپرستی یک گروه دویست نفری برای جلوگیری از پیشروی مسلمانان به سوی مکه، در کوه های نزدیک مکه مستقر شد، هنگام ظهر بلال حبشی اذان گفت و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز ظهر را به جماعت برگزار کردند.

خالد بن ولید از مشاهده این صحنه در فکر فرو رفت و به افراد خود گفت: موقع نماز عصر که در نظر آنها بسیار پرارزش و حتی از نور چشمان خود، آن را گرمی تر می دارند، باید از فرصت استفاده کرد و با یک حمله برق آسا، کار مسلمانان را در حال نماز یکسره کرد.

در این هنگام آیه ۱۰۲ سوره مبارکه نساء نازل شد و دستور نماز خوف را که از هر حمله ی غافلگیرانه ای جلوگیری می کند به مسلمانان داد و این خود یکی از اعجاز قرآن کریم است که قبل از اقدام دشمن، نقشه های آنها را نقش بر آب می کرد. گفته می شود خالد بن ولید با مشاهده ی این صحنه ایمان آورد و مسلمان شد. [۸].

در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه نساء آمده است: «و اذا كنت فيهم فأقمت لهم الصلوة طائفة منهم معك وليأخذوا أسلحتهم...»

یعنی: «و هنگامی که در میان آنها باشی و (در میدان جنگ) برای آنها نماز را برپا کنی، باید دسته ای از آنها با تو (به نماز) برخیزند و سلاح هایشان را با خود بگیرند؛ و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رساندند)، باید

به پشت سر شما (به میدان نبرد) بروند و آن دسته دیگر که نماز نخوانده اند (و مشغول پیکار بوده اند) بیایند و با تو نماز بخوانند؛ آنها باید وسایل دفاعی و سلاح هایشان را (در حال نماز) با خود حمل کنند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاح ها و متاع های خود غافل شوید و یکباره بر شما هجوم آورند. و اگر از باران ناراحتید و یا بیمار (و مجروح) هستید، مانعی ندارد که سلاح های خود را بر زمین بگذارید؛ اما وسایل دفاعی را با خود بردارید.

[صفحه ۳۴۴]

خداوند عذاب خوارکننده ای برای کافران فراهم ساخته است.»

گفتنی است که در شأن نزول این آیه غالب مفسران اتفاق نظر دارند. لذا مبنای نماز خوف را می توان از این تاریخ به شمار آورد. و اما دستور خواندن نماز خوف به این شرح است که نمازهای چهار رکعتی به دو رکعت تبدیل می شوند، نمازگزاران در میدان نبرد به دو گروه تقسیم می شوند. گروه اول یک رکعت را با امام می خوانند و امام پس از اتمام یک رکعت اول، توقف می کند تا آن گروه، رکعت دوم را به تنهایی بخوانند و به جبهه جنگ بازگردند. سپس گروه دوم جای آنها را می گیرند و یک رکعت از نماز خود را با امام و رکعت دوم را فردی می خوانند. [۲].

حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) نیز نسبت به نماز بسیار علاقه و تأکید داشتند و در هنگامه نبرد نیز نماز را از یاد نمی بردند. در این باره آمده است که در بحبوحه جنگ صفین، آنگاه که ابن عباس متوجه شد که امام علی (علیه السلام) مراقب و منتظر وقت نماز است، سؤال نمود که ای امیرالمؤمنین (علیه السلام) مثل اینکه نگران مطلبی هستید؟ حضرت پاسخ داد: «آری مراقب زوال شمس و داخل شدن وقت نماز ظهر می باشم.» ابن عباس گفت: «ما در این موقع حساس نمی توانیم دست از جنگ برداریم و مشغول نماز شویم» امیرمؤمنان (علیه السلام) پاسخ فرمود: «انما قاتلنا هم علی الصلوة»

یعنی: «ما برای نماز با آنان می جنگیم.» [۳].

امام حسین (علیه السلام) پرورش یافته دامن چنین پدری است که حتی در «ليلة الهرير» آنجا که توطئه ها و دسیسه ها او را از هر طرف در میان گرفته است، از نماز به عنوان هدف عالی خود یاد می کند.

حسین بن علی (علیه السلام) سبط رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) خداست که حتی در کوران مبارزه با مشرکان و کافران ملعون قریش، دست از نماز نمی شوید.

درسی که امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به همه پیکارگران راه حق می دهد؛ در واقع ادامه همان درسی است که جد او و پدرش نسبت به آن اهتمام ورزیده اند.

این درس بزرگ، درسی است که ریشه در قرآن کریم دارد (که از جانب خدا نازل شده است)

[صفحه ۳۴۵]

[۱] تفسیر نمونه / ج ۴ / ص ۹۹ و ۱۰۰.

[۲] تفسیر نمونه جلد ۴ - ص ۱۰۳.

[۳] وسائل الشیعه / ج ۱ / باب ۴۱ از ابواب مواقیت الصلوٰه.

نماز ظهر عاشورا، پیش گویی ها و زیارتنامه امام

در تفسیر نمونه نقل شده است: هنگامی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آیه ۵۹ سوره مبارکه مریم را تلاوت می فرمودند: «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوٰه...»

یعنی: «پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند...»

حضرت می فرمودند: «پس از ۶۰ سال افرادی روی کار خواهند آمد که نماز را ضایع می کنند و در شهوات غوطه ور می شوند و به زودی نتیجه گمراهی خود را خواهند دید.»

این پیشگویی اعجاب انگیز رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حکایت از آن دارد که اگر مبدأ سخن ایشان را هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در نظر بگیریم، آنگاه زمان جلوس یزید بر اریکه قدرت کاملاً منطبق با فرمایش حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

پیشنماز شدن افراد فاسدی مانند معاویه و یزید و هم دستی و هم داستانی افراد کوتاه اندیشی که گر چه تارک الصلوٰه نبودند اما از روح تعالیم عالیه اسلام بویی نبرده بودند، مصداق کامل پیشگویی الهی رسول عالیقدر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است. و اگر امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا سخن از احیای دین جد بزرگوارش می گوید و در همه حال به تکریم نماز می پردازد، به لحاظ شرایط اسف انگیز آن دوران و انحراف عظیمی است که تنها امام حسین (علیه السلام) می تواند در مقابل آن بایستد و چنان که در احادیث و روایات فراوانی که از شیعه و اهل سنت نقل شده است، شهادت امام حسین (علیه السلام) در این راه امری قطعی و غیرقابل اجتناب است و امام (علیه السلام) خود به خوبی از این سرانجام آگاه بود.

سرانجامی که خود سرآغاز بود؛ سرآغازی بی سرانجام.

نماز ظهر عاشورا دعوتی بود فراتر از زمان و مکان و راز بزرگ دیگر نماز ظهر عاشورا تکیه بر این نکته عظیم است که روح مقاومت و پایداری، و انگیزه سلحشوری و جانبازی در جهاد بدون ارتباط با خالق یکتا پدید نخواهد آمد و این باور ژرف امام (علیه السلام) بود که: «واستعينوا بالصبر و الصلوة.»

در مورد دلبستگی حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به نماز و اهمیتی که آن حضرت برای نماز و نمازگزاران قایل بوده اند احادیث و روایات متعددی نقل شده است. در برخی از این احادیث نیز حضرت خود راوی حدیثی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یا پدر گرامی خود حضرت مولی الموحدين امام علی (علیه السلام) بوده اند، که مطالعه و بررسی مجموعه این احادیث و روایات بیانگر شأن و جایگاه این فریضه الهی از منظر آن حضرت است؛ به گونه ای که گویی نماز با نام آن حضرت عجین است و با

[صفحه ۳۴۶]

زندگانی ایشان پیوندی عمیق و ناگسستنی دارد.

شاید به همین لحاظ است که در زیارتنامه ی آن حضرت نیز نماز از جایگاهی بس شایسته و والا برخوردار است. چنانکه در زیارتنامه آن حضرت آمده است: «و اشهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و اطعت الله و رسوله حتی اتیک الیقین.»

[صفحه ۳۴۷]

مهمترین منابع

- ۱- الفتوح، اثر: ابن اعثم کوفی، ترجمه: محمد بن احمد مستوفی هروی (قرن ۶ هـ) تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد- تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی- چاپ اول ۱۳۷۲.
- ۲- بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی.
- ۳- معراج مؤمن، شورای شعر ستاد اقامه نماز استان تهران- چاپ اول ۱۳۷۵.

۴- زندگانی امام حسین (علیه السلام) - سید هاشم رسولی محلاتی - تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی - چاپ دوم ۱۳۷۴.

۵- سیره معصومان (ترجمه فی رحاب أئمة اهل البيت) - سید محسن امین - ترجمه: حسین وجدانی - جلد ۵ تهران: انتشارات سروش - چاپ دوم ۱۳۷۳.

۶- نیایش سرخ، شورای شعر و ادب ستاد اقامه نماز - چاپ اول ۱۳۷۸.

۷- زینب بنت الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام) - علی محمد علی دخیل - مؤسسه اهل البيت - بیروت ۱۳۹۹هـ.

۸- در کربلا چه گذشت (ترجمه نفس المهموم) - حاج شیخ عباس قمی - ترجمه: آیت الله محمدباقر کمره ای قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران - چاپ دوم ۱۳۷۱.

۹- حسین بن علی (علیه السلام) از مدینه تا کربلا - محمدصادق نجمی، قم: دفتر انتشارات اسلامی - چاپ سوم ۱۳۶۲.

۱۰- سلام بر حسین (علیه السلام) - مؤلف: محمود منشی - تهران: مؤسسه انتشارات نوین، چاپ ششم ۱۳۵۷.

۱۱- حسین کیست؟ فضل الله کمپانی، تهران: نشر فروغی - چاپ اول.

۱۲- یاران امام حسین (علیه السلام) - مؤلف: علی محمد علی دخیل - ترجمه: عدنان طهماسبی - تهران: کانون فرهنگ و هنر اسلامی - چاپ اول.

۱۳- معصوم پنجم - مؤلف: جواد فاضل، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.

۱۴- سیره عملی اهل بیت (امام حسین (علیه السلام)) - سید کاظم ارفع، تهران، مؤسسه فیض کاشانی، چاپ دوم ۱۳۷۰.

[صفحه ۳۴۸]

۱۵- نور مؤمن - شورای شعر و ادب ستاد اقامه نماز - چاپ اول ۱۳۷۷.

۱۶- تاریخ طبری - محمد بن جریر طبری - ترجمه: ابوالقاسم پاینده - تهران: انتشارات فرهنگ ایران - چاپ اول ۱۳۵۴.

[صفحه ۳۴۹]

امام خمینی مردی با نماز تمام

جناب آقای حمید گل مرادزاده

کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی

[صفحه ۳۵۱]

مقدمه

قال علی (علیه السلام):

«الله الله فی الصلوٰۃ فانها عمود دینکم.»

سخن گفتن درباره ی نماز که دریچه ی عروج به عالم قدس و معنویت است در توان هر کسی نیست. شایسته تر آن است که بیان حقیقت این نشانه ی بزرگ الهی و ستون دین مبین اسلام را به زبان و بیان و اعلان این طریق، واگذاریم.

در این نوشتار برآنیم که دیدگاه و روش حضرت امام خمینی (ره)، این نمازگزار حقیقی را درباره ی نماز از گفتار و کردار او بیان کنیم. با نگاهی به آثار مکتوب حضرت امام (ره) و مشاهده ی عینی شاهدان احوال ایشان، می توان گفت که در دیدگاه ایشان، نماز در میان عبادات به مثابه «اسم اعظم و بلکه خود اسم اعظم است» [۱] در میان دیگر اسماء الهی.

افزون بر آن، دیدگاه حضرت امام (ره) نسبت به نماز در حقیقت، حکایت مسافر و طریق سفر است. در این میان، مهمترین مسأله، بیان نماز و تفسیر آن بر اساس سفر معراج پیامبر اسلام (تطبیق دادن جریان سفر نماز با سفر معراج) است. بنابراین، دیدگاه امام (ره) به نماز، دیدگاهی عرفانی است؛ به گونه ای که مراحل اسفار اربعه ی عرفانی و احوال سالک و مسافر طریق وصل حق را در طول حیات و سلوک وی در یک رکعت نماز واقعی بیان می کند. خلاصه آن که نماز مؤمن، خود، معراج و سفری واقعی است که حالت ها و مراتب و مقامات خاص خود را دارد. سالکان این طریق نیز به تناسب

[صفحه ۳۵۲]

حال و مقام خویش، از حقیقت این سفر آگاه می شوند. از نظر امام (ره) توحید به معنای واقعی آن - که مقصد اصلی دعوت پیامبران است - در نماز محقق می شود.

در این گفتار، دیدگاه امام خمینی (ره) در چند عنوان آمده است.

[۸] آداب الصلوة، امام خمینی، ص ۹.

توصیف و تعریف نماز از دیدگاه امام خمینی

ابتدا برای آگاهی از دیدگاه امام خمینی (ره) نمونه هایی از توصیف های آن نمازگزار حقیقی را درباره ی نماز بیان می کنیم. شاید بتوان گفت کامل ترین سخن ایشان درباره ی نماز این جمله است که می فرمایند:

سرمایه ی سعادت عالم آخرت و وسیله ی زندگانی روزگارهای غیرمتناهی نماز است. [۹].

تعبیر دیگر ایشان، عبارت «نسخه ی جامعه» است، نسخه ای که پروردگار برای رهایی جان قدسی انسان از قفس طبیعت، تجویز کرده است، ایشان می فرمایند:

معلوم شود که حقیقت این عبادت الهی و نسخه ی جامعه که برای خلاصی این طایرهای قدسی از قفس تنگنای طبیعت به کشف تام محمدی ترتیب داده شده و به قلب مقدسش نازل گردیده... [۱۰].

در سخنی دیگر بیان می کنند که این نسخه ی کامل «ترکیب قدسی» الهی است و همانند دیگر افعال و احکام الهی بر پایه ی حکمت و قوانین حضرت حق بنا شده است. ایشان می فرمایند:

نماز که یکی از ترکیبات قدسیه است که بیدی الجلال و الجمال فراهم آمده است و تسویه شده است... [۱۱].

پس از آن که حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) از جوار پروردگار به عالم خاک هبوط کردند، یزدان مهربان دریچه ی ذکر خویش را به روی آدم و حوا گشود و مرکبی فراهم کرد تا آنان این فاصله را با مراتب و منازلش از مبدأ طبیعت تا مقصد قرب الهی بپیمایند.

خداوند همان گونه که پیامبر خود را به معراج قربش برد و حقایق ملک و ملکوت را به او شناساند، حضرت آدم (علیه السلام) و همه ی فرزندان او را که دورافتادگان از عالم قدس اند به واسطه ی نماز به محضر انس خویش بار داد. امام (ره) در این باره می فرمایند:

نماز، مرکب سلوک و براق سیر الی الله است. [۴].

و نیز می افزایند:

براق سیر و رفرع عروج اهل معرفت، نماز است. [۵].

حضرت امام (ره) تعبیر براق (اسبی است که پیامبر را به معراج رساند) و رفرع را درباره ی نماز بسیار به کار برده اند. نکته ی مهم آن است که قدرت و توان این مرکب و میزان بهره مندی از آن، به ظرفیت و توان معنوی سالک و راکب آن بستگی دارد. حضرت امام (ره) در ادامه می فرمایند:

و هر کس از اهل سیر و سلوک الی الله را نمازی مختص به خود او و حظ و نصیبی است از آن، حسب مقام خود... [۶].

هنگامی که دریافتیم نماز «نسخه ی جامعه ی» الهی برای انسان است، جایگاه نماز در بین عبادت های دیگر آشکار می شود. آیات و اخبار، مشهورترین مرتبه نماز را «عمودیت» آن برمی شمارند.

حدیث امام علی (علیه السلام) در ابتدای مقاله، گویای این مرتبه و لوازم ویژه است. امام خمینی (ره) با اشاره به این نکته می فرمایند:

... نماز که در بین عبادات و مناسک الهیه، سمت جامعیت و عمودیت دارد... [۷].

یا این که:

و در جمع عبادات، خصوصا نماز که سمت جامعیت دارد و منزله ی آن در عبادات، منزله ی انسان کامل است و منزله ی اسم اعظم، بلکه خود اسم اعظم است... [۸].

راز این جامعیت، همان است که در حدیث پیامبر بیان شده است:

«لأن الصلاة تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر و تمجید و تقدیس و قول و دعوة» [۹].

زیرا نماز هم تسبیح است و هم تهلیل و هم ستایش و هم تکبیر و هم تقدیس و هم گفتار است و هم خواستن.

یکی دیگر از تعبیر امام (ره) درباره ی نماز، «معجون الهی» و «حبل متین» است. ایشان می فرمایند:

اگر روزگار به عارفی ربانی مهلت دهد، می تواند تمام منازل سائرین و معارج عارفین را از منزلگاه یقظه تا اقصای منزل توحید از این معجون الهی و حبل متین بین خلق و خالق خارج کند. [۱۰].

[۱] آداب الصلوة، ص ۴۵.

[۲] اسرار نماز یا معراج السالکین و صلوة العارفین، امام خمینی، ص ۱۰.

[۳] اسرار نماز، ص ۱۷.

[۴] همان، ص ۷.

[۵] همان، ص ۶.

[۶] اسرار نماز، ص ۶.

[۷] آداب الصلوة، ص ۹.

[۸] آداب الصلوة، ص ۹.

[۹] بحارالانوار، ج ۸۲، روایت ۵۶، باب ۱، ص ۲۳۱.

[۱۰] اسرار نماز، ص ۵۷.

حقیقت و واقعیت نماز از دیدگاه امام خمینی

مطلب اساسی در شناخت هر پدیده ای، شناخت حقیقت آن است. درباره ی نماز نیز شناخت حقیقت آن از اساسی ترین اموری است که هر مسلمان باید بدان آگاه باشد. امام خمینی (ره) حقیقت نماز را «سفر»ی می داند که مبدأ آن را بیت نفس و الی الله و فی الله و من الله است:

از آن چه مذکور شد از سر صلوة که حقیقت آن عبارت از سفر الی الله و فی الله و من الله است... [۱].

هم چنین ایشان در این باره می فرمایند:

... و آن عبارت است از حصول معراج حقیقی و قرب معنوی و وصول به مقام فنای ذاتی که در اوضاع به سجده ی

ثانیه که فنای از فنا است و در اذکار به «ایاک نعبد» که مخاطبه ی حضوری است، حاصل می شود. [۲].

نکته ی دیگر درباره ی حقیقت نماز، این است که نماز را غیر از این ظاهر «باطنی» است؛ یعنی حقیقت نماز، همان باطن آن است:

نماز بلکه جمیع عبادات را غیر از این صورت و قشر و مجاز، باطن و لب و حقیقتی است و این از طریق عقل معلوم است و از طریق نقل شواهد کثیره دارد. [۳].

در حدیثی آمده است که فردی شقی به نام «رزام مولی خالد بن عبدالله» درباره ی حدود نماز از امام صادق (علیه السلام) پرسش می کند. ایشان در پاسخ می فرمایند: «نماز چهار هزار حد دارد که تو نمی توانی حتی یکی از آنها را ادا کنی».

حضرت امام (ره) با بیان این حدیث، آن را دلیلی بر وجود باطن و حدود باطنی نماز می داند. و استنباط می کند که: اگر این چهار هزار حد که جناب صادق (علیه السلام) فرمودند از حدود ظاهریه و آداب صوریه بود، نمی فرمودند: تو یکی از آن ها را [هم] ادا نمی کنی و وفا نمی نمایی؛ زیرا که معلوم است که همه کس می تواند به آداب صوریه ی نماز قیام کند. [۴].

[صفحه ۳۵۵]

ایشان، تغییر حالت ائمه (علیهم السلام) را در نماز بر اثر خوف و خشیت خداوندی، دلیلی بر اثبات بعد باطنی نماز می دانند. باطن نماز نیز همانند ظاهر آن، آداب و شرایطی دارد که اقامه ی آن ها حقیقت نماز را محقق می کند. حضرت امام (ره) می فرمایند:

از برای نماز غیر این صورت، حقیقتی است و غیر از این ظاهر، باطنی است و همان طور که صورت آن را آداب و شرایط صوریه ای است، باطن آن را نیز آداب و شرایطی است که شخص سالک، باید آن ها را مراعات کند. [۵].

مسأله ی دیگر درباره ی حقیقت نماز این است که «اصل نماز، یک رکعت است» و این سفر معنوی در طی این رکعت محقق می گردد. امام (ره) می فرمایند:

باید دانست که اصل صلوٰه، یک رکعت است و بقیه ی رکعات از فرایض و نوافل برای اتمام همان یک رکعت است. [۶].

سپس به بیان حدیثی از امام رضا (علیه السلام) در این باره می پردازند.

واپسین نکته درباره ی حقیقت نماز، این است که بر اساس نظر امام (ره)، نماز، اقامه ی توحیدهای های سه گانه (توحید ذات، افعال و صفات) است. ایشان می فرمایند:

بدان که اهل معرفت، قیام را اشاره به توحید افعال دانند، چنان چه رکوع را به توحید صفات و سجود را به توحید ذات اشاره دانند. [۷].

از این بیان، می توان نتیجه گرفت که اقامه ی نماز واقعی، اقامه ی توحید واقعی است و اقامه ی توحید مستلزم نفی هر چه غیر اوست، حتی خواسته های نفسانی.

از این رو، حضرت امام (ره) پس از این که مهم ترین احوال نماز را در قیام و رکوع و سجود می بینند و آن ها را مقوم اقامه ی توحید می شمارند، در ادامه می فرمایند:

پس گوئیم که چون صلوۀ معراج کمال مؤمن و مقرب اهل تقوی است، متقوم به دو امر است که یکی، مقدمه ی دیگری است. اول، ترک خودبینی و خودخواهی که آن حقیقت و باطن تقوی است. و دوم، خودخواهی و حق طلبی که آن، حقیقت معراج و قرب است.[۸] .

[صفحه ۳۵۶]

[۱] اسرار نماز، ص ۱۱۸.

[۲] همان، ص ۱۵.

[۳] همان، ص ۹.

[۴] اسرار نماز، ص ۱۱.

[۵] آداب الصلوۀ، صص ۵۵-۵۶.

[۶] اسرار نماز، ص ۱۶.

[۷] آداب الصلوۀ، ص ۱۴۶.

[۸] همان، ص ۳۵۰.

نماز حقیقی، معراج واقعی است

از نکات دیگر که در بیان و فهم دیدگاه امام خمینی (ره) درباره ی نماز اهمیت دارد این است که حضرت امام (ره) نماز را عین معراج واقعی می دانند که دارای حالت ها و مراحل گوناگونی است که برای افراد مختلف به تناسب درجه ی ایمان نمازگزار و حضور قلبی وی در نماز، تفاوت دارد. امام خمینی (ره) به دلیل مسأله ی معراج واقعی بودن نماز، در تفسیر نماز به تطبیق دادن آن با حدیث معراج پیامبر پرداخته اند؛ زیرا بنابر دستور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) اذکار آن سفر هم در نماز از جمله در رکوع و سجود گنجانیده شده است (همان گونه که در حدیث معراج آمده است).

نماز و سفرهای چهارگانه عرفانی (اسفار اربعه در نماز)

گفته شد که حضرت امام (ره) نماز را سفر الی الله و فی الله و من الله می دانند، سفر مؤمن و سالک به سوی خدا، چهار مرحله دارد که در اصطلاح «اسفار اربعه» خوانده می شود. سالک در این سفرها، مراتبی خاص را می پیماید و به دگرگونی های روحی خاصی دست می یابد که شرح مفصل آن در کتب عرفانی آمده است. امام خمینی (ره) در کتاب اسرار الصلوة به طور بسیار اجمالی این اسفار را در نماز بیان می کنند. ایشان در کتاب اسرار نماز (معراج السالکین و صلوة العارفین) درباره ی نماز و طی منازل سلوک از طریق آن چنین می فرمایند:

اگر روزگار به عارفی ربانی مهلت دهد، می تواند تمام منازل سائرین و معارج عارفین را از منزلگاه یقظه تا اقصا منزل توحید از این معجون الهی و حبل متین بین خلق و خالق خارج کند. [۱].

طی کردن این سفر دارای دو رکن است: اول، رسیدن به مقام طهارت، دوم، رسیدن به مقام فنا در نماز. شرط اساسی آغاز این سفر نیز دور شدن از نجاست های ظاهری و باطنی و به ویژه رذایل باطنی است. ایشان در تعریف باطن نجاست - که دوری از آن لازمه ی سفر است - می فرمایند:

نجاست، دوری از محضر انس و مهجوری از مقام قدس است و منافی با نماز است که معراج وصول مؤمنین و مقرب ارواح متقین است. [۲].

بنابراین، انسان برای این که سفر معنوی را آغاز کند، باید به «مقام طهارت باطن» برسد. حضرت امام (ره) در ادامه می فرمایند:

[صفحه ۳۵۷]

... و چون بدین مقام رسیدی، از تصرف شیطان خبیث مخبث خارج شدی و از رجز و رجس هجرت کردی و لایق حضور درگاه جلیل و مخلص شدن به خلعت خلیل گردی و مسافرت الی الله و معراج وصول حاصل شده که آن خروج از منزلگاه و بیت نفس است و باقی می ماند رکن دوم که در اصل نماز حاصل می شود و آن حرکت الی الله و وصول به باب الله است و فنای به فناء الله. [۳].

پس معلوم شد که این سفر معنوی و معراج قرب حقیقی را دو رکن است، که یک رکن آن در باب طهارات حاصل شود که سر آن، تخلیه و سر سر آن تجرید و سر مستسر آن تنزیه و سر مقنع بسر آن، تنزیه و تقیید است و رکن اعظم آن در باب صلوٰه حاصل شود که سر آن، تنزیه از توحید و تقیید است. [۴].

عبارت های یاد شده که در بردارنده ی اصطلاحات خاص عرفانی است، به تناسب افراد نمازگزار از عوام الناس گرفته تا اهل معرفت و اخلاص، به مراتب این ارکان اشاره دارد.

پیش تر آوردیم که حضرت امام (ره) بر پایه ی حدیثی از ائمه (علیهم السلام) اصل نماز را «یک رکعت» می دانند. از این رو، سفرهای چهارگانه را آغاز تا پایان، به طور خلاصه در حد همان یک رکعت شرح داده اند: ایشان در سر اجمالی نماز و اجمال سفرها می نویسند:

آن عبارت است از حصول معراج حقیقی و قرب معنوی و وصول به مقام فنای ذاتی است که در اوضاع به سجده ی ثانیه که فنای از فناست و در اذکار به «ایاک نعبد» که مخاطبه ی حضوری است حاصل شود، چنان چه برداشتن سر از سجده تا سلام که علامت ملاقات و مراجعت از سفر است، رجوع به کثرت است، ولی با سلامت از حجت کثرات و بقای به حق، و در اذکار «اهدنا الصراط المستقیم» رجوع به خود و حصول صحو بعد المحو است و با اتمام رکعت که حقیقت صلوٰه است، سفر تمام می شود و باید دانست که اصل صلوٰه یک رکعت است. [۵].

در این باره باید گفت پس از فراهم آوردن مقدمات سفر که همان مقدمات و مقارنات نماز است، سفر با نیت و گفتن تکبیر افتتاحیه در ابتدای نماز، آغاز می شود.

حضرت امام (ره) در دستور این کار را چنین بیان فرموده اند:

[صفحه ۳۵۸]

پس تو ای سالک الی الله و مجاهد فی سبیل الله! چون اقامه ی صلب در محضر قرب نمودی و تخلیص نیت در پیشگاه عزت، و قلب خود را صفا دادی و در زمره ی اهل وفا داخل شدی، خود را مهبیای دخول در باب کن و اجازه ی فتح ابواب طلب، و از منزل طبیعت حرکت کن و حجاب غلیظ آن را با تمسک به مقام کبریایی رفع کن و به پشت افکن و تکبیرگویان وارد حجاب دیگر شو و آن را رفع کن و به پشت سر افکن و تکبیر بگو و حجاب سوم را نیز مرتفع کن که به منزل باب القلب رسیدی؛ پس توقف کن و دعای مأثور بخوان: «اللهم انت الملك الحق المبين الخ.» [۶].

با ذکر جمله ای از آن حضرت که ارکان مهم نماز و رکعت اصلی آن را سه چیز دانسته اند، اسرار سفرهای عرفانی در نماز را با بیان اسرار آنها، ادامه می دهیم:

بدان که عمده ی احوال صلوٰه سه حال است که سایر اعمال و افعال مقدمات و مهیئات آنها است: اول، قیام و دوم رکوع و سوم، سجود. [۷].

در سر رکوع فرموده اند: حقیقت رکوع، تمام نمودن قوس عبودیت و افنای آن در نور عظمت ربوبیت است. [۸].
و در سر سجود فرموده اند:

بالجمله، سجده نزد اهل معرفت و اصحاب قلوب، چشم فرو بستن از غیر و رخت بر بستن از جمیع کثرات حتی کثرات اسماء و صفات و فنای در حضرت ذات است و در این مقام، نه از سمات عبودیت خبری است و نه از سلطان ربوبیت در قلوب اولیاء، اثری و حق تعالی خود در وجود عبد، قائم بامر است. [۹].

ایشان پس از ذکر عبارتی از یک حدیث درباره ی تشهد می فرمایند:

اما اشاره به سر تشهد به طوری که ذکر نمودیم، آن جا که فرماید و «تعلم ان النواصی الخلق بیده الخ» و این اشاره لطیفه است به مقام تحقق به صحو بعد المحو که کثرات حجاب جمال محبوب نباشند و قدرت و مشیت حق را نافذ و ظاهر در مرئی خلقیه ببند. [۱۰].

امام (ره) در واپسین مرحله می فرمایند:

از آن چه مذکور شد از سر صلوٰه که حقیقت آن، عبارت از سفر الی الله و فی الله و من الله است، در

[صفحه ۳۵۹]

سر سلام، مطلبی دیگر معلوم شود و آن، آن است که چون سالک در حال سجده، غیبت مطلقه از همه ی موجودات برای او دست داد و از همه ی موجودات غایب شد و در آخر سجده، حالت صحوی برای او رخ داد و در تشهد نیز حالت قوت گرفت، ناگاه از حال غیبت از خلق، به حضور منتقل شد و ادب حضور را به جای آورد و در آخر تشهد توجه به مقام نبوت پیدا کرد و در محضر ولایت آن سرور، ادب حضور را که سلام شفاهی است، به جا آورد و پس از آن به تعینات نور ولایت که قوای ظاهره و باطنه ی خود عبادالله الصالحین است، توجه نموده، ادب حضور را ملحوظ داشته و پس از آن به مطلق کثرات غیبت و شهادت توجه پیدا نموده، ادب حضور را ملحوظ داشته، شفاها

سلام تقدیم داشت و سفر رابع من الحق الی الخلق تمام شد و این اجمال را تفصیل بیش از این است که من عاجزم از گفتن و خلق از شنیدنش. [۱۱].

در پایان این گفتار یادآور می شویم که حالاتی که امام (ره) در هر یک از اجزای نماز برای نمازگزار ذکر کرده اند، بیانگر حالات وارد بر نمازگزار در سفر خاصی است که به شماره ی سفر و آغاز و انجام آن، اشاره ی دقیق نداشته اند. همین امر، بیان اسفار را اجمالی تر کرده است.

[۱] اسرار نماز، ص ۵۷.

[۲] همان، ص ۵۶.

[۳] اسرار نماز، ص ۵۷.

[۴] همان، ص ۵۵.

[۵] اسرار نماز، ص ۱۵-۱۶.

[۶] اسرار نماز، ص ۷۹.

[۷] آداب الصلوة، ص ۳۵۰.

[۸] اسرار نماز، ص ۹۹.

[۹] اسرار نماز، ص ۱۰۶.

[۱۰] همان، ص ۱۱۶.

[۱۱] اسرار نماز، ص ۱۱۸-۱۱۹.

ارتباط نماز با انسانیت از دیدگاه امام خمینی

یکی دیگر از نکات مهم در دیدگاه امام خمینی (ره) درباره ی نماز، ارتباط انسانیت با نماز واقعی است، به گونه ای که با توجه به آن، مسأله ی میزان بودن نماز در رد یا قبولی دیگر اعمال به سادگی حل می شود. حضرت امام (ره) معتقدند که نماز با انسانیت، رابطه ای متقابل دارد. ایشان می فرمایند:

مادامی که انسان، صورت انسان و انسان صوری است، نماز او نیز نماز صوری و صورت نماز است و فایده ی آن نماز، فقط صحت اجزای صوری فقهی است، در صورتی که قیام به جمیع اجزا و شرایط صحت آن کند، ولی مقبول درگاه و پسند خواطر نیست و اگر از مرتبه ی ظاهر به باطن و صورت به معنی پی برد، تا هر مرتبه ای که متحقق شود، نماز او حقیقت پیدا می کند... پس مادامی که نماز انسان، صورت نماز است و به مرتبه ی باطن و سر آن نرسیده، انسان متحقق نشده، انسان نیز صورت انسان است و حقیقت آن، متحقق نگردیده، پس میزان در کمال انسانیت و حقیقت آن، عروج به معراج حقیقت و صعود به اوج کمال و وصول به باب الله با مرقاء نماز است. [۱].

نماز؛ ضرورت همیشگی

یکی از ادعاهایی که در بین صوفیان و عارف نمایان وجود داشته است، این است که هر گاه فرد نمازگزار یا عارفی به وصال حق رسید، به عبادت و نماز نیازی ندارد، بنابراین، می توان عبادت و نماز را ترک کند. حضرت امام خمینی (ره) با تحلیل واقعی نماز، نظریه ی یاد شده را رد می کنند. و با تبیین نماز در دو سطح سالک و واصل، نماز این دو را متمایز می دانند، ایشان، نماز هر دسته را دارای ویژگی خاص خود دانسته و درباره ی نماز واصل، به ارائه ی دلیل فلسفی پرداخته اند و آن را از دیدگاه اهل عرفان، تفسیر کرده اند. ایشان می فرمایند:

سالک مادامی که در سلوک و سیر الی الله است، نمازش، براق عروج و رفرف وصول است و پس از وصول نمازش نقشه ی تجلیات و صورت مشاهدات جمال محبوب است. [۸].

امام (ره) در رد نظریه ی یاد شده می فرمایند:

از بیانات سابقه معلوم شد که آن چه پیش اهل تصوف معروف است که نماز وسیله ی معراج وصول سالک است و پس از وصول، سالک مستغنی از رسوم گردد، امر باطل بی اصل و خیال خام بی مغزی است که با مسلک اهل الله و اصحاب قلوب مخالف و از جهت به مقامات اهل معرفت و کمالات اولیاء صادر شده نعوذ بالله منه... [۲].

به بیانی دیگر، حضرت امام (ره) معتقدند که تا وقتی فرد در حال سیر و سلوک الی الله و انجام عبودیت و بندگی است، خود او انجام دهنده ی اعمال خود است، ولی وقتی به وصال معبود رسید و فانی در او شد، دیگر حق به جای وی، عبادت و افعال او را انجام می دهد. ایشان می فرمایند:

و نیز مادامی که عبد در کسوت عبودیت است، نماز و جمیع اعمال آن از عبد است و چون فانی در حق شد، جمیع اعمال او از حق است و خود را تصرفی در آنها نیست و چون بصحو بعدالمحو و بقاء بعد الفناء نایل شد، عبادت از حق است در مرآة عبد. [۳].

چون ممکن است کسی گمان برد در این صورت، عبادت مشترک بین حق و بنده می شود.

امام (ره) در ادامه می فرمایند:

و این اشتراک نیست، بلکه امر بین الامرین است و نیز تا سالک است، عبادت از عبد است و چون واصل شد، عبادت از حق است و این است معنی انقطاع عبادت پس از وصول [۴].

ایشان در این میان به اقامه ی دلیل فلسفی می پردازند و درباره ی نماز واصل به حق که فرمودند: «نمازش نقشه ی تجلیات و صورت مشاهدات جمال محبوب است»، می فرمایند: که نحوه ی اداره ی نماز و انجام حرکات و افعال آن در نماز فرد واصل به حق، همانند نحوه ی اداره ی مراتب پایین وجود توسط مراتب عالی آن است: ... بلکه از قبیل مراتب حکم غیب به شهادت و ظهور آثار باطن به ظاهر است چنان چه محققین از فلاسفه در خصوص تدبیر عالم عقلی نسبت به عالم ملک با آن که عالی را توجه به سافل نیست، فرمودند تدبیرات آن ها از این عالم، تدبیر تبعی استجرائی است.

ایشان در ادامه، بر اساس نظر اهل معرفت و عرفان، به توجیه و تفسیر مطلب می پردازند و می فرمایند: بلکه نزد اصحاب قلوب و ارباب معرفت، این تدبیرات نسک الهیه تابعه ی تجلیات اسمائیه و صفاتی و ذاتیه است بالجمله مستغرقان در مشاهده ی جمال جمیل را تجلیات عینیه حاصل شود که حرکات شوقیه در سر قلب آن ها حاصل آید که از آن اهتزازات سریه ی قلبیه، آثاری در ملک آن ها حاصل شود که آن آثار به مناسبت کیفیت تجلیات مطابق با یکی از مناسک و عبادات است و با آن که توجه استقلالیه به کیفیت هیچ یک از آن ها ندارند، هیچ جزیی یا شرطی از آداب صوریه ی آن تغییر نکند و کم و زیاد نگردد و بر خلاف مقررات شرعیه نگردد [۵].

خلاصه، نظر اهل معرفت آن است که بر این غرق شدگان در جمال محبوب تجلی هایی غیبی وارد می شود. که باعث پدید آمدن حرکات شوقی در عمق جان آنان می شود. بدن آنان نیز از آن حرکت های شوقی، تأثیر می پذیرد و در آن، آثاری پدید می آید که اعمال و اجزاء و شروط عبادات بدون توجه فرد فانی در حق و غرق شده در جمال او، به درستی انجام می گیرد.

امام خمینی (ره) در مطلب دیگری، احوال و افعال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که سر سلسله ی واصلان و مجذوبان حق تعالی است، معیار صحت حالی و ظاهری نماز می دانند. ایشان هر گونه نماز غیر از نماز

مورد نظر اسلام و پیامبر و هر گونه حال و حالتی غیر از حالات او را رد می کنند و می فرمایند:

اگر غیر از این اوضاع و احوال که برای حضرت مجذوب حقیقی و واصل واقعی، جناب رسول ختمی (صلی الله علیه و آله و سلم) در این مکاشفه ی روحانیه و معاشقه ی حبیبانه دست داد، حال دیگری دست دهد یا وضع دیگر حاصل آید، از تصرفات شیطان است و سالک را در سلوک، انانیت و خودی و خودیت بقایایی مانده و باید به علاج خود کوشد و طریق ضلالت را رها کند، پس آن نمازی که بعضی به عرفا نسبت دهند که نماز سکوتش گویند... بر فرض صحت نسبت، از جهل آن کسی است که این معجون بی معنی را درست کرده، بالجمله کشفی اتم از کشف نبی ختمی صلی الله علیه و آله و سلم و سلوکی أصح و أصوب از آن نخواهد بود، پس ترکیبات بی حاصل دیگر را که از مغزهای بی خرد مدعیان ارشاد و عرفان است، باید رها کرد [۶].

[۱] اسرار نماز، ص ۱۲.

[۲] اسرار نماز، ص ۱۴.

[۳] همان، ص ۸۵.

[۴] همان، ص ۸۰.

[۵] اسرار نماز صص ۱۲-۱۳.

[۶] اسرار نماز، صص ۱۳-۱۴.

امام خمینی و عمل به نماز

پیش از آغاز این گفتار باید در پیشگاه آن حقیقت ناشناخته ی دنیای اسلام و عرفان، اعتراف کنیم که آن چه می گوئیم و می نویسیم و حتی آن چه از آن انسان کامل و نمازگزار واصل با چشم خویش دیده ایم، جز صورتی از حقیقتی عظیم نیست؛ زیرا ما توانایی درک او و عبادت و نمازش را نداریم. بسیار شایسته است که از زبان آن انسان کامل به خود بگوئیم:

هر کسی از ظن خود شد یار من

وز درون من نجست اسرار من

و ما به او بگوئیم:

ما را کجا به کوی تو ممکن شود وصول

کآنجا خیال را نبود قدرت نزول

آن چه تاکنون آوردیم، بیان نظر امام خمینی (ره) درباره ی نماز بود، اما در بیان عمل ایشان، باید در زندگانی و جلوه های بندگی اش دقت کنیم؛ زیرا در فرهنگ عارفان است که «آن را که خبر شد، خبرش باز نیامد». بنابراین، دست یابی به ژرفنای روح آن بزرگ مرد عارف بسیار دشوار است.

بهتر آن است که برای شناخت نماز ایشان، از حدیث از حضرت علی (علیه السلام) کمک بگیریم که معیار خوبی برای شناخت نماز هر فرد از طریق عمل اوست که فرموده اند:

«و اعلم ان کل شیء من عملک تبع لصلوتک» [۱].

بدان که هر عملی از تو، ناشی از نماز تو و پیرو آن است.

[صفحه ۳۶۳]

با دقت در کرار آن مرد عمل، جز حقیقت و خلوص و یکپارچگی در مسیر حیات، چیز دیگری نمی یابیم. از همین حال او به نمازش پی می بریم؛ زیرا بر اساس حدیث یاد شده، کردار هر کسی، نشانه ی واقعیت نماز اوست. هر چه کردار او صالح و بادوام باشد، نشان از نماز واقعی او دارد.

امام خمینی (ره) کسی است که اهل علم و عرفان، به عظمتش معترفند؛ چنان که مرجع بزرگ شیعه، مرحوم آیت الله العظمی اراکی (ره) در وصف او فرموده اند:

مردی به فداکاری و تقوای او هرگز ندیدم؛ تقوا و فداکاری به تمام معنی [۲].

اگر در سخنان آن رادمرد الهی دقت کنیم، در می یابیم که نماز او محل الهام های غیبی بوده است. آن گاه که به بیان اسرار نماز سالکان و نمازگزاران می پردازد، گاهی به صراحت اعتراف می کند که این مطلب از الطاف حق یا همان الهام های غیبی پروردگار بوده که به او عطا کرده است؛ برای مثال، در جایی می فرمایند:

و ما در رساله ی سر الصلوة، اسرار روحیه ی این تکبیرات و رفع ید را به طور لطیفی که مذکور در آن رساله است، ذکر نموده ایم و آن از الطاف حق تعالی است به این مسکین و له الشکر و الحمد [۳].

به یقین، فیض لطف حق به این گونه ی ویژه، شامل هر کس نخواهد بود، مگر خاصان و مقربان درگاه او و اهل نماز واقعی.

راه دیگر برای شناخت میزان پای بندی او به نماز، خاطرات شاهدان و نزدیکان آن مرد الهی است، که چند نمونه را به عنوان نشانی از حقیقت نماز و نماز حقیقی اش بیان می کنیم:

- حضرت امام (ره) در وصف حال نمازگزاران مستغرق در جمال محبوب به این نکته اشاره می کنند که آنان هنگام نماز، از خود و نماز و عبودیت خویش هم غافل می شوند. اما از حال خود او بشنویم:

نوه ی امام (عاطفه اشراقی) تعریف کرده اند:

یادم است که در اوایل جنگ بود که ناگهان صدای ضد هوایی به گوش ما رسید و ما چون به صدای ضد هوایی آشنایی نداشتیم، احساس کردیم که هر صدا به منزله ی انفجار یک بمب است و سراسیمه به اتاق امام رفتیم، ولی امام در ایوان اتاق مشغول نماز خواندن و عبادت کردن بودند و گویی اصلا

[صفحه ۳۶۴]

صدایی نشنیده و اصلا متوجه ورود ما به اتاق نشده اند[۴].

و باز می گویند:

روز اولی که شاه رفت - امام در نوفل لوشاتو فرانسه بودند و نزدیک به سیصد تا چهارصد خبرنگار اطراف منزل امام جمع شده بودند - دو سه سؤال از امام شد که صدای اذان ظهر شنیده شد. بلافاصله امام محل را ترک کردند و فرمودند: وقت فضیلت نماز ظهر می گذرد.[۵].

این خاطره، انسان را به یاد توجه به نماز امام عارفان علی علیه السلام در جنگ و نماز عاشورای امام حسین علیه السلام در آن میدان نابرابر می اندازد، آری، همین دو خاطره شاید گویای یک دنیا حقیقت و اخلاص است؛ او که در نمازش خم ابروی یار می بیند، هیچ گاه حاضر نیست که یار بر در باشد و او بر در غیر بایستند؛ خود ایشان در این باب توصیه فرموده اند:

سالک الی الله و مجاهد طریق معرفت در هیچ حالی از احوال و طوری از اطوار از وظیفه ی عبودیت و حفظ محضر ربوبیت جلت عظمت غفلت نکند، حتی در امور عادی...[۶].

از زبان نزدیکانش نقل شده است که ایشان هیچ گاه نماز شب خود را ترک نکرد، حتی در هواپیما. حضرت امام (ره) هنگامی که بر روی تخت بیمارستان بود، به یکی از یاران خود سفارش می کند که هنگام نماز و اذان، او را بیدار کند. هنگامی که از خواب بر می خیزد و می بیند که او را بیدار نکرده اند، با ناراحتی می فرمایند: «من هیچ گاه نماز خود را به تأخیر نیانداخته ام، حال که پایم لب گور است، چرا این کار را بکنم». به هر حال او به عمل معتقد بود و حتی فرموده اند:

جميع علوم عملی است حتی علم التوحید را نیز اعمالی است قلبیه و قالیه [۷].

نگاه او به جهان غیر از نگاه ماست. ایشان فرموده اند:

«عالم، مسجد ربوبیت است. باید مراقبه کنند که با طهارت و صفای ظاهر و باطن در آن قدم نهند؛ که بساط حق را

غیر مطهرین نتوانند پای نهاد و بار مجالست با او را جز به صدیقین مخلصین ندهند [۸].

از این رو، تنها اوست که در اوج یقین فرمود با «دلی آرام و قلبی مطمئن» از میان شما می روم؛ زیرا جز او را، جرأت این ادعا نیست. روحش شاد باد.

[صفحه ۳۶۵]

[۱] نهج البلاغه - نامه ی ۲۷.

[۲] ویژه نامه ی روزنامه رسالت، (بهاریه ی بهمن)، ۱۴ / ۱۱ / ۷۲.

[۳] آداب الصلوة، ص ۳۷۷.

[۴] مجله ی زن امروز، شماره ۱۲۶۷، خرداد ۶۹.

[۵] حبیب و محبوب، مؤسسه ی قدر ولایت، ص ۴۸.

[۶] اسرار نماز، ص ۶۰.

[۷] آداب الصلوة، ص ۱۷۱.

[۸] اسرار نماز، ص ۶۰.

بررسی چگونگی انجام فریضه نماز در بیماران بستری در بیمارستان های شهر اصفهان

جناب آقای محمد حسن محمدی

کارشناس ارشد آموزش پرستاری

جناب آقای علیرضا ایرج پور

کارشناس ارشد آموزش پرستاری

(اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان)

[صفحه ۳۶۷]

مقدمه

«اقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» [۱] نماز بگزار که نماز (انسان را) از زشتی ها و تباهی ها باز می دارد. بر اساس نص صریح قرآن کریم و روایات متعدد، نماز از جمله واجب ترین عبادات محسوب می گردد. وجود بیش از یکصد آیه درباره نماز، شرایط و احکام و تأثیر آن بیانگر اهمیت آن است. در توصیف این فریضه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را معراج مؤمن و در جای دیگر به نور مؤمن تعبیر نموده اند [۲] [۳] امام علی (علیه السلام) نیز درباره نماز چنین می فرمایند: هر چیز دارای سیمایی است و سیمای دین شما، نماز است. [۴].

اهمیت این عبادت تا جایی است که گفته شده چنانچه مورد قبول درگاه خداوند متعال قرار گیرد، سایر عبادات نیز قبول خواهد شد [۵] همچنین آخرین وصیت حضرت علی (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) در لحظه ارتحال، تأکید بر نماز و اهمیت آن بوده است. [۶].

نماز یک ارتباط روحی و معنوی است و هدف آن، یاد خداوند است. اما اسلام خواسته است که این ارتباط در قالب یک سلسله برنامه های تربیتی اجرا شود تا انسان به اهداف عالیه خلقت نایل [۷] و در عین حال از مزایای روحی روانی آن بهره مند شود. امروزه بسیاری از روان شناسان و پزشکان دریافته اند که انجام فرایض دینی مانند نماز، دعا و تقید دینی در رفع نگرانی، تشویش، یأس و ترس مؤثر است. همچنین ضرورت توجه به عبادات و خشوع در نماز به تمرکز حواس و حضور ذهن در امور

جاری زندگی و همچنین به موفقیت بیشتر فردی می انجامد. [۸].

این عبادت تحت هیچ شرایطی ولو در شرایط جنگ، در حال غرق شدن، با لباس و بدن نجس و... نایستی ترک شود. بنابراین شایسته است، فرد مسلمان به این مهم توجه کافی کند [۹] چنانچه آیه ۱۰۱ سوره نساء به ساقط نشدن فریضه نماز به هنگام جنگ تأکید می نماید [۱۰]. بنابراین بر هر مسلمان واجب است در هنگام بیماری یا بستری شدن ضمن کسب آگاهی از دستورات مراجع تقلید، به نحو صحیح به وظیفه شرعی خود عمل نماید.

از سوی دیگر، فلسفه بوجود آمدن بیمارستان، کمک به کاهش آلام، حفظ و ارتقاء سطح سلامتی و رفع مشکلات جسمی و روانی بیمار بستری است. بدیهی است که شرایط مناسب روحی و روانی در روند بهبود مشکلات جسمی تأثیر فراوان دارد تا جایی که بسیاری از مشکلات جسمی تحت تأثیر مسائل عاطفی، روانی و اعتقادی قابل تسکین و تخفیف است.

با توجه به اینکه سخت ترین عارضه در بیماری ها، درد است، نتایج تحقیقات متعدد حاکی از آنست که نقش اعتقادات فردی در تحمل درد بسیار مؤثر است و محققین آن را به عنوان قدرتمندترین عنصر تأثیرگذار بر تحمل درد، معرفی کرده اند [۱۱].

در تأثیر شفابخشی نماز، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: برخیز و نماز به جا آور، پس همانا در نماز شب شفاست [۱۲].

پس می توان گفت نماز علاوه بر اینکه یک فریضه واجب است، می تواند به عنوان بخشی از روش های درمانی نیز مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که بیمار به هنگام بستری شدن به دلیل محدودیت هایی که برخی متوجه خود او و برخی دیگر بدلیل محیط و درمان وی می باشد، در انجام این فریضه دچار مشکل می شود؛ پژوهشگران درصدد «بررسی چگونگی انجام فریضه نماز در بیماران بستری در بیمارستان های شهر اصفهان در سال ۱۳۷۵» برآمدند. هدف پژوهش آن بود که ضمن شناسایی وضعیت موجود به مسئولین مراکز پزشکی در جهت رفع موانع اجرای فریضه نماز و ارتقاء فرهنگ اقامه نماز در آن مراکز پیشنهادهایی مبنی بر یافته ها ارائه نمایند. همچنین کادر پرستاری نیز با اطلاع از یافته های پژوهشی و پیشنهادهای ارائه شده، زمینه انجام فریضه نماز در بیماران بستری را هر چه بهتر و بیشتر فراهم نمایند. بدین منظور به تعیین فراوانی انجام فریضه نماز

قبل و به هنگام بستری شدن و تعیین علل عدم انجام فریضه نماز از دیدگاه واحدهای مورد پژوهش و تعیین مشخصات فردی آنان پرداخته شد تا به سؤالات پژوهش به شرح ذیل پاسخ داده شود.

– میزان فراوانی انجام فریضه نماز قبل از بستری شدن بیماران در بیمارستان های شهر اصفهان چقدر است؟

– میزان فراوانی انجام فریضه نماز به هنگام بستری بودن بیماران در بیمارستان های اصفهان چقدر است؟

[۱] قرآن کریم، سوره عنکبوت آیه ۴۵.

[۲] امام خمینی، روح الله، سر الصلوة، ص ۷.

[۳] پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۳۹۶.

[۴] علامه مجلسی، بحارالانوار، جلد ۸۲ ص ۲۲۷.

[۵] امام خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل، ص ۸۲.

[۶] واعظی نژاد، حسین، طهارت روح، ص ۲۲۱.

[۷] قرائتی، محسن، تفسیر نماز، ص ۱۰.

[۸] امام خمینی، روح الله، رساله نوین، جلد ۱، ص ۶۹.

[۹] قرائتی، محسن، پرتوی از نماز، ص ۸۱.

[۱۰] قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۰۱.

[۱۱] نیکبخت، علیرضا، بررسی میزان تأثیر قرآن کریم بر کاهش درد بیماران بعد از اعمال جراحی شکم. پایان نامه کارشناسی ارشد تهران: دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۷۳.

[۱۲] نرم افزار تبیان، جامع احادیث الشیعه، ج ۴ ص ۲۸.

مواد و روش ها

این مطالعه از نوع توصیفی و مقطعی است که به توصیف ادای فریضه نماز در بیماران واجد شرایط بستری در بیمارستان های شهر اصفهان می پردازد. بدین ترتیب کلیه بیماران بستری در بیمارستان های خصوصی و دولتی که در محدوده شهر اصفهان واقع شده است، مورد بررسی قرار گرفت (تعداد ۲۰ بیمارستان). در این مراکز کلیه بخش هایی که در آن بیمار بستری بود مورد توجه واقع شد و تمامی بیماران واجد شرایط (۵۳۳ نفر) آن جامعه پژوهش را تشکیل دادند. بیماران بخش های اورژانس، اتاق عمل، ریکاوری، CCU، ICU، همودیالیز، مامایی، زایشگاه، اطفال و نوزادان بواسطه نداشتن شرایط جسمی، روانی، سنی یا جنسی که تکلیف شرعی نداشتند و نیز بیمارانی که جمع

آوری اطلاعات از آنان مقدور نبود، از جامعه پژوهش حذف شدند. علاوه بر این بیماران و همراهانی که پس از شرح هدف مطالعه، تمایل به شرکت در پژوهش نداشتند و نیز بیماران اقلیت های مذهبی از مطالعه حذف شدند. نمونه گیری به روش سرشماری و مبتنی بر هدف صورت گرفت. شرایط ورود واحدهای پژوهش در مطالعه عبارتند از: ۱- وضعیت جسمی روانی فرد امکان مصاحبه و پاسخ به سؤالات را بدهد ۲- بیمار مسلمان باشد ۳- به سن بلوغ شرعی رسیده باشد (در افراد مذکر پانزده سال قمری تمام و در افراد مؤنث نه سال قمری تمام) ۴- مایل به همکاری باشد.

برای جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه ای در دو بخش تهیه شد که بخش اول شامل اطلاعات فردی در ۹ مورد و بخش دوم سؤالات اختصاصی در ۷ مورد بود که پس از انجام مطالعه راهنما روی ۶۰ نفر از بیماران، اصلاحات پرسشنامه ای انجام شد. ضمناً روایی محتوا و پایایی پرسشنامه تعیین و

[صفحه ۳۷۰]

نهایتاً مورد تأیید قرار گرفت. اطلاعات مندرج در پرسشنامه از طریق مصاحبه با بیماران و برخی با استفاده از پرونده واحدهای مورد پژوهش جمع آوری شد. اطلاعات، کدگذاری و با آزمون های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار تجزیه و تحلیل انجام شد.

نتایج

یافته های حاصل از این پژوهش نشان داد که ۵۵ درصد واحدهای مورد پژوهش مذکر بودند و میانگین سنی آنها ۲ / ۴۷ سال بود (حداقل ۱۱ و حداکثر ۹۰ سال). از نظر دفعات بستری شدن در بیمارستان ۴۰ درصد برای اولین بار، ۲۰ درصد برای دومین، ۱۵ درصد برای سومین و ۲۵ درصد بیشتر از سه بار سابقه بستری داشتند. از نظر نوع مذهب ۶ / ۹۸ درصد آنها شیعه و از نظر سطح سواد، تنها ۵۸ درصد از واحدها با سواد بودند. از نظر شغلی ۴۰ درصد خانه دار، ۲۴ درصد شغل آزاد ۵ / ۸ درصد بازنشسته و بیکار، ۵ / ۴ درصد دانش آموز و ۲۳ درصد کارمند و کارگر بودند. از نظر نوع بیماری، ۳۱ درصد بیماری های قلبی و ریوی، ۲۳ درصد گوارشی، ۲۱ درصد ارتوپدی، ۱۱ درصد ادراری تناسلی و ۱۴ درصد مابقی به سایر بیماری ها مبتلا بودند. از نظر محل سکونت ۶۷ درصد شهری و ۳۳ درصد روستایی بودند. در ارتباط با چگونگی ادای فریضه نماز قبل از بستری شدن ۹۲ درصد واحدها مرتب

و ۵ / ۵ درصد نامرتب نماز می خوانده اند و ۵ / ۲ درصد تارک نماز بوده اند. ولی در پاسخ به چگونگی وضعیت انجام فریضه نماز در هنگام بستری بودن تنها ۵ / ۳۸ درصد واحدهای پژوهش مرتب نماز می خواندند، ۱۴ درصد نامرتب و ۵ / ۴۷ درصد ترک نماز را گزارش نمودند. از لحاظ علت ترک نماز از نظر بیماران، بیشترین عامل به ترتیب ۶۱ درصد عدم توانایی جسمی ناشی از بیماری، ۱۹ درصد پاک نبودن لباس و بدن، ۱۲ درصد وسایل درمانی و اتصالات به خود مثل سرم، پانسمان، درن و... و ۹ درصد سایر علل ذکر شده است.

از نظر علت نامرتب خواندن، ۵ / ۷۲ درصد بیماری و وجود اتصالات و ۵ / ۲۷ درصد پاک نبودن لباس و بدن را به عنوان دلایل نامرتب نماز خواندن گزارش کردند. از نظر میزان آگاهی واحدهای مورد پژوهش از وظیفه شرعی در ادای نماز ۴۴ درصد اظهار داشتند که بایستی به هنگام بستری بودن نماز بخوانیم، ۴۹ درصد عنوان داشتند نمازها را بعدا قضا می کنیم و ۷ درصد وظیفه خود را نمی دانستند.

[صفحه ۳۷۱]

نتیجه بحث

با توجه به اطلاعات به دست آمده می توان پی برد که خوشبختانه بیماران شکایت چندانی از مکان و وسایل نماز خواندن نداشتند که این می تواند حاکی از مؤثر بودن تمهیدات به عمل آمده در جهت اجرای فرایض مذهبی در محیط بیمارستان نظیر نمازخانه، جهت قبله، سنگ تیمم، مهر و... باشد.

بیشترین فراوانی در دفعات بستری شدن (۴۰ درصد) مربوط به بیمارانی است که برای اولین بار در بیمارستان بستری شده اند. این وضعیت، ضرورت تأکید بر راهنمایی و آموزش پیرامون چگونگی انجام فریضه نماز به هنگام بستری بودن را می افزاید، چرا که گذر از شرایط جدید در هر زمینه ای مستلزم مساعدت سایرین است و قطعاً ارتقاء آگاهی بیماران بویژه از سوی پرستاران می تواند به کاهش تعداد بیمارانی که نماز نمی خوانند، مؤثر باشد.

وجود تقید قابل توجه در ادای فریضه نماز قبل از بستری شدن (۹۲ درصد موارد) و کاهش قابل ملاحظه این میزان به ۵ / ۳۸ درصد موارد حاکی از تأثیر بسزای بیماری و محیط در عدم اجرای فریضه نماز است که بر اساس اظهار بیماران، علت اصلی عدم انجام فریضه نماز، ناتوانی جسمی عنوان شده است (۶۱ درصد) در صورتی که بر طبق نظر فقها مندرج در رساله های عملیه، بیمار تحت هر شرایطی می تواند با تغییر در روش ادای نماز آن را اقامه نماید و

توانایی فرد به هر میزان که کاسته شده باشد، باعث سلب وظیفه نمی شود. فقط شکل ظاهری عبادت تغییر می کند مثلاً نشسته، خوابیده و... [۱].

یافته ی قابل تعمق دیگر، میزان آگاهی از وظیفه شرعی در قبال انجام نماز است؛ بطوری که یا به ندانستن وظیفه اذعان داشتند (۷ درصد) و یا اطلاعات نادرست داشتند (۴۶ درصد تصمیم داشتند نمازشان را پس از ترخیص قضا نمایند). حتی از بین افرادی که وظیفه خود را می دانستند (۴۴ درصد) تنها ۵ / ۳۸ درصد بطور مرتب نماز می خواندند که البته ممکن است محدودیت های دیگری باعث نامرتب خواندن یا نخواندن نماز شود.

بر اساس نتایج به دست آمده به مدیران خدمات پرستاری و سرپرستاری بخش های مراکز پزشکی لزوم توجه و دقت بیشتر در راهنمایی بیماران تأکید می گردد و همچنین رؤسا و مدیران بیمارستان ها می توانند بر اساس نتایج مطالعه ی حاضر تدابیر لازم را در این خصوص بیندیشند.

[صفحه ۳۷۲]

آموزش به پرستاران در جهت به حداقل رساندن محدودیت های جسمانی ناشی از روش های مراقبتی درمانی و همچنین تکثیر جزوات راهنما برای بیماران به منظور اطلاع رسانی در خصوص چگونگی انجام فریضه نماز در شرایط مختلف بیماری، پیشنهادات اصلی پژوهشگران را شامل می شود.

[صفحه ۳۷۳]

[۱] ر.ک. منبع شماره ۵، ص ۸۳.

بررسی عوامل و موانع گرایش دانشجویان به نماز

سرکار خانم صدیقه مردانی

کارشناس ارشد علوم تربیتی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

جناب آقای مجتبی مصطفایی

کارشناس دفتر مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

[صفحه ۳۷۵]

مقدمه

خستگی مفروطی سراپای وجودمان را فراگرفته، بی قراری و اضطراب مبهمی رنجمان می دهد قلب هایمان آزرده و درونمان ناآرام است.

آیا راهی هست که پریشانی روحمان به آن طریق زدوده شود و قلبهای بی قرارمان آرام گیرد؟
کدامین طریق می تواند زنجیرهای اسارت را از درونمان بگسلد و ما را همانند نسیم کوهساران سبکبال، شورانگیز و باطراوت سازد؟ کدامین راه می تواند درون متلاطم ما را به آرامشی مطلوب مبدل سازد؟
یقیناً ارتباط با خداوند و اتکال به این منبع لایزال هستی آرامشی مطبوع و مستمر را به ما هدیه می کند چنان که در قرآن کریم آمده است «لَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸) و همچنین رستگاری و موفقیت را برای ما رقم می زند چنانکه در سوره ی اعلی، آیات ۱۴ و ۱۵ آمده است «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»:
«مسلمان رستگار می شود کسی که خود را تزکیه کند و نام پروردگارش را به یاد آورد و نماز بخواند»
زیباترین شکل این ارتباط که موجب پیوند روحانی میان خداوند و انسان می گردد نماز است نماز درهای رحمت الهی را بروی انسان می گشاید و وسیله ی نزدیکی مؤمن را به خداوند فراهم می سازد.

[صفحه ۳۷۶]

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:

«ان الصلوة قربان المؤمن»؛ یعنی نماز وسیله نزدیکی مؤمن به خداوند است. [۱].

و همچنین امام علی علیه السلام می فرمایند:

«تعاهدوا امر الصلوة و حافظوا علیها، و اسکتروا منه، و تقرّبوا بها فانها کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا» [۲]

امر نماز را مراعات کنید و آن را محافظت نمائید و بسیار به جا آورید و با آن به خدا تقرب جوئید، زیرا نماز «بر مؤمنین فریضه ای است، نوشته شده و وقت آن تعیین گردیده است»

انسان فطرتی الهی دارد. او متمایل به خداوند و در سیر الی الله است. تنها موجودی است که به وجود خویش آگاهی داشته و می تواند به مفهوم «خود» پی ببرد. عوامل متعددی می تواند بر فطرت انسان تأثیر کرده و او را بسوی کمال رهنمون گردد، از جمله ی این عوامل نیایش با خداوند و در اوج آن نماز است. راه موفقیت هر ملت از این طریق گشوده می گردد؛ چرا که نقطه ی اتکال خویش را در ذات احدیت می یابد. الکسیس کارل می گوید: «نیایش عمیق ترین آثار را بر روح و فطرت انسان نیایشگر می گذارد و او را آن چنان رشد می دهد که جامه ی محیط و وراثت بر او تنگی می کند».

و نیز می گوید: «هیچ ملتی در تاریخ به سقوط و زوال قطعی نیفتاده است مگر آنکه از پیش با ترک نیایش، خود را برای مرگ آماده کرده است». [۳].

امروزه عوامل مختلفی باعث شده که انسان خود را گم کند و از واقعیت خویش غافل گردد اریک فروم در این مورد می گوید: «اموری چون شهوت و قدرت و مقام انسان را بنده ی خود می سازد و او را مسخ می کند» [۴] این انسان مسخ شده آرام آرام از فطرت خویش دور شده و موارد دیگری را جایگزین می نماید. به راستی چه مسایلی باعث می شود که فرد مسلمان در مقابل خالق خویش تسلیم نگردد و از فضای ملکوتی و آرامش بخش ارتباط با یکتا آفریدگار هستی، خود را محروم سازد؟

چرا گروهی از افراد از مسیر خویش منحرف شده و از فطرت الهی خود فاصله می گیرند؟

دانشجویان زبده ترین گروههای سنی هر جامعه هستند، لازمه زبده‌گی و فرهیختگی آن است که فرد بتواند در جهت ابعاد شخصیت واقعی خویش حرکت کرده و در این مسیر به خلاقیت و تکامل برسد و یکی از این ابعاد حرکت انسان، در جهت فطرت الهی خود می باشد.

حال این سؤال مطرح است که چرا دانشجویان که نخبگان و جوانان فرهیخته جامعه هستند در این زمینه آسیب پذیری بیشتری دارند؟

دلایلی که در این گروه سنی باعث کمرنگی گرایش به انجام وظایف دینی و به ویژه نماز می شود چیست؟ وظیفه‌ی سیستمهای تعلیم و تربیت و به خصوص دانشگاه در ریشه یابی و بررسی این مشکل حیاتی کدام است؟ در این مقاله سعی بر این است که این عوامل بررسی و علاوه بر آن رابطه‌ی تعاملی این عوامل با رشد اجتماعی، عزت نفس و اضطراب مورد بحث و تحلیل قرار گیرد.

برای بررسی این عوامل و موانع، پرسشنامه‌ای تنظیم و در خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد توزیع و نتیجه آن، ارزیابی گردید. در این مقاله به آن نتیجه پرداخته ایم.

[۱] کنز العمال، حدیث ۱۸۹۰۷ به نقل از عباس عزیزی، جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، ۱۳۷۵ ص ۳۶.

[۲] محمد دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹، ص ۴۱۸.

[۳] علی شریعتی، نیایش، تهران ۱۳۵۲ ص ۵۳.

[۴] اریک فروم، ترجمه اکبر تبریزی، جامعه سالم، تهران، ص ۱۳۴.

روش کار

این پژوهش پیمایشی «survey» در سال ۱۳۸۰ انجام گرفته، جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان خوابگاههای دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد به گنجایش حدود ۱۳۰۰ نفر می باشد.

دلیل انتخاب دانشجویان خوابگاهی این بود که این گروه به حالت نسبتاً مستقل و به دور از امر و نهی و الزامات مستقیم خانواده زندگی می کنند، بنابراین رفتاری که از آنها سر می زند کمتر تحت اجبار و الزام قرار دارد و تمایل خودشان بیشتر در عملکردشان مؤثر است.

بر اساس فرمول پیش، برآورد حجم نمونه معادل ۶۵ نفر محاسبه گردید که برای جلوگیری از کاهش حجم نمونه تعداد ۷۰ پرسشنامه توزیع و پس از اجرا در نهایت ۶۸ پرسشنامه مبنای بررسی قرار گرفت و نمونه گیری به صورت تصادفی انجام پذیرفت.

واحد تحلیل این پژوهش فرد، از گروه های تحصیلی تاریخ، برق، فقه و حقوق، ادبیات، فلسفه، ریاضی، جغرافیا، پرستاری، کامپیوتر، آموزش ابتدایی، زبان، حقوق، متالوژی، عمران، پزشکی، مکانیک، صنایع و دامنه سنی بین ۲۱ تا ۲۷ سال و معدل این افراد نیز بین ۱۱ تا ۷۹/۱۷ در نوسان بوده است.

اهداف پژوهش

اهداف پیگیری شده در این پژوهش عبارتند از:

- ۱- یافتن عوامل و موانع تأثیرگذار در عدم گرایش دانشجویان به نماز
- ۲- بررسی دوره های سنی و تحصیلی که دانشجوی در آن دوره اهمیت بیشتری برای نماز قائل بوده
- ۳- بررسی اعتقادات خانواده در رابطه با گرایش دانشجوی به فرائض مذهبی
- ۴- یافتن عواملی که می تواند در گرایش دانشجوی به نماز مؤثر باشد
- ۵- بررسی تأثیرپذیری از جمع در رابطه با عدم گرایش دانشجوی به نماز

شیوه اجرا

پرسشنامه ای که در اختیار گروه نمونه قرار گرفت دارای ۱۹ سؤال بود، ۷ سؤال در رابطه با نماز و فرائض دینی، ۵ سؤال در رابطه با اضطراب و ۴ سؤال در رابطه با خود پنداره و ۳ سؤال در رابطه با رشد اجتماعی که نمونه آن ضمیمه می باشد.

[صفحه ۳۷۹]

یافته های تحقیق

تحلیل داده ها

جدول شماره ۱

سؤال ۱: در کدامیک از دوره ها به نماز بیشتر اهمیت می داده اید؟

مقوله ها --- فراوانی --- درصد --- درصد تجمعی

دبستان --- ۲ --- ۲ / ۹ --- ۲ / ۹

راهنمایی --- ۱۰ --- ۱۴ / ۷ --- ۱۷ / ۶

دبیرستان --- ۳۲ --- ۴۷ / ۱ --- ۶۴ / ۷

دانشگاه --- ۲۲ --- ۳۲ / ۴ --- ۹۷ / ۱

سایر موارد --- ۲ / ۹۲ --- ۱۰۰

با توجه به جدول فوق چنین استنباط می شود که اوج اهمیت دادن به نماز در دوره ی دبیرستان با فراوانی ۱ / ۴۷ درصد بوده که در دوره ی دانشگاه با افت ۷ / ۱۴ درصد به ۴ / ۳۲ درصد رسیده و از اهمیت آن کاسته شده و این امری است که باید مورد توجه قرار گرفته و علت یابی شود.

[صفحه ۳۸۰]

جدول ۲

سؤال ۲: در کدام یک از دوره ها از نماز خواندن خود بیشتر لذت می برده اید؟

مقوله ها --- فراوانی --- درصد --- درصد تجمعی

دبستان --- ۵ --- ۷ / ۴ --- ۷ / ۴

راهنمایی --- ۱۰ --- ۱۴ / ۷ --- ۲۲ / ۱

دبیرستان --- ۲۲ --- ۳۲ / ۴ --- ۵۴ / ۵

دانشگاه --- ۲۹ --- ۴۲ / ۶ --- ۹۷ / ۱

هیچکدام --- ۲ --- ۲ / ۹ --- ۱۰۰

با توجه به جدول فوق مشاهده می شود که هر چه فکر فرد انتزاعی تر و اندیشه اش بارورتر و متبلورتر گردیده، لذتش از خواندن نماز افزون تر شده است، لذا این مورد در دانشگاه در مقایسه با دوره های دیگر با ۶ / ۴۲ درصد به بالاترین حد خود رسیده است.

جدول ۳

سؤال ۳: وظایف دینی خود را انجام می دهید؟

مقوله ها فراوانی درصد درصد تجمعی

بندرت --- ۱۴ --- ۲۰ / ۶ --- ۲۰ / ۶

گاهی --- ۲۵ --- ۳۶ / ۸ --- ۵۷ / ۴

همیشه --- ۲۹ --- ۴۲ / ۶ --- ۱۰۰

با بررسی جدول فوق ملاحظه می گردد که ۶ / ۲۰ درصد از دانشجویان به ندرت وظایف دینی خود را انجام می دهند و ۸ / ۳۶ درصد از آنها گاهی به تکالیف دینی خود می پردازند و ۶ / ۴۲ درصد از آنها همیشه وظایف دینی خود را اجرا می کنند. اگر گروه اول و دوم را مجموعاً در نظر بگیریم، با درصدی معادل ۴ / ۵۷

[صفحه ۳۸۱]

مواجه می شویم که نشان دهنده این واقعیت است که بیش از نصف دانشجویان گروه نمونه به انجام فرائض دینی خود پای بند نیستند و این امری قابل تأسف می باشد. لذا می طلبد که بررسیهای اساسی در این مورد بعمل آید.

[صفحه ۳۸۲]

جدول ۴

سؤال ۴: والدین شما نظرشان در مورد فرائض دینی به خصوص نماز چیست.

مقوله ها --- فراوانی --- درصد --- درصد تجمعی

اعتقاد چندانی ندارند --- ۲ --- ۲ / ۹ --- ۲ / ۹

تا حدی اعتقاد دارند --- ۱۷ --- ۲۵ --- ۲۷ / ۹

بسیار معتقدند --- ۴۹ --- ۷۲ / ۱ --- ۱۰۰

با توجه به داده های جدول فوق مشاهده می گردد که ۱ / ۷۲ درصد از خانواده های دانشجویان نسبت به فرائض دینی و به ویژه نماز بسیار معتقدند و این نکته با در نظر گرفتن اینکه خانواده ها الگویی مناسب جهت فرزندان می باشند امری مطلوب و مایه امیدواری است.

جدول ۵

سؤال ۵: آیا نماز خود را می خوانید؟

مقوله ها --- فراوانی --- درصد --- درصد تجمعی

بندرت --- ۷ --- ۱۰ / ۳ --- ۱۰ / ۳

گاهی --- ۲۸ --- ۴۱ / ۲ --- ۵۱ / ۵

همیشه --- ۳۳ --- ۴۸ / ۵ --- ۱۰۰

با مشاهده داده های جدول ملاحظه می شود که ۴۸ / ۵ درصد دانشجویان نماز خود را همیشه می خوانند ولی ۵ / ۵۱ درصد بقیه گرایش به کاهل نمازی و ترک نماز دارند که این مورد قابل تأمل و بررسی است.

[صفحه ۳۸۴]

جدول ۶

سؤال ۶: علل کاهل نمازی بعضی دانشجویان را در چه می دانید؟

مقوله ها --- فراوانی --- درصد --- درصد تجمعی

مسایل مربوط به جامعه --- ۸ --- ۱۱ / ۸ --- ۱۱ / ۸

مسایل مربوط به خانواده --- ۱۷ --- ۲۵ --- ۳۶ / ۸

سستی اعتقادات --- ۲۰ --- ۲۹ / ۴ --- ۶۶ / ۲

تأثیرپذیری از جمع --- ۲۲ --- ۳۲ / ۴ --- ۹۸ / ۶

سایر موارد --- ۱ --- ۱ / ۴ --- ۱۰۰

با بررسی ارقام جدول فوق ملاحظه می گردد که تأثیرپذیری از گروه با ۳۲ / ۴ درصد بالاترین عامل عدم گرایش به نماز را در دانشجویان نشان می دهد، اگر درصد عامل مسایل مربوط به جامعه نیز به آن افزوده گردد معادل ۲ / ۴۴ درصد می شود که بیانگر تأثیر غیرقابل انکار مشکلات جامعه به صورت عام و جو اجتماعی دانشجویان به صورت خاص در موضع گیری دانشجویان به نماز می تواند باشد.

جدول ۷

سؤال ۷: چه کسی بیشترین تأثیر را بر شما در گرایش به نماز داشته است؟

مقوله ها --- فراوانی --- درصد --- درصد تجمعی

معلمین --- ۶ --- ۸ / ۸ --- ۸ / ۸

خانواده --- ۳۹ --- ۵۷ / ۴ --- ۶۶ / ۲

دوستان --- ۱۸ --- ۲۶ / ۵ --- ۹۲ / ۷

اساتید دانشگاه --- ۲ --- ۲ / ۹ --- ۹۵ / ۶

سایر موارد --- ۲ --- ۲۹ --- ۹۸ / ۵

پاسخ نداده --- ۱ --- ۱ / ۵ --- ۱۰۰

[صفحه ۳۸۶]

در جدول شماره ۷ چنانچه مشاهده می گردد دانشجویان بیشترین تأثیرپذیری را در گرایش به نماز از خانواده با درصد ۴/۵۷ ذکر کرده اند و پس از آن گروه دوستان با ۵/۲۶ درصد و در مرحله ی سوم معلمین و اساتید مجموعاً با ۷/۱۱ درصد قرار گرفته اند.

یافته های استنباطی جانبی پژوهش

علاوه بر نتایجی که از طریق آمار توصیفی به دست آمده و در صفحات قبل بدان پرداخته شد یافته هایی نیز از طریق اجرای آزمون همبستگی پیرسون به دست آمد که به شرح زیر ارائه می گردد.

۱- بین اضطراب و گرایش به نماز با ۹۵ درصد اطمینان رابطه ی معنادار مشاهده گردید؛ به عبارت دیگر هر چه گرایش افراد به انجام فریضه ی نماز بیشتر بود، اضطراب کمتری داشتند.

۲- بین نظریه والدین در مورد فرائض دینی و گرایش فرزندان به نماز با ۹۵ درصد اطمینان آماری رابطه ی معنادار مشاهده گردید.

۳- بین اضطراب و عزت نفس، و اضطراب و رشد اجتماعی نیز رابطه ی معنادار با ۹۵ درصد اطمینان مشاهده گردید. از این موارد چنین استنباط می شود که بین رشد اجتماعی و نماز و همچنین خودباوری و نماز رابطه ای وجود دارد.

برای اهمیت و تأیید موضوع در این زمینه می توان به نظریه ی پژوهشگران و محققین خارجی اشاره نمود. گریفیث [۱] و همکارانش در دو پژوهش گسترده دستاوردهای درمان جویی مذهبی را در کسانی که مدتها از رفتارهای پر خاشگرانه، اضطراب، افسردگی و دردهای مزمن جسمانی شکایت داشته اند، بسیار چشمگیر گزارش کرده اند، در پی گیریهای بعدی، درمانجویان احساس بهبودی خلق، آرامش، کاهش اضطراب، افزایش عزت نفس،

افزایش قدرت تصمیم گیری و از میان رفتن دردهای مزمن بدنی را از جمله دستاوردهای درمان دانسته اند.[۲]

نهایتاً می توان تأثیر ایمان، اعتقاد مذهبی و نزدیکی با خدا را بر تعدیل رفتار و بیماریها مشاهده نمود و به این نتیجه رسید که ایمان مذهبی در ارتباط مستقیم با بهداشت روانی قرار داشته، مکانیسمهای سازگاری را افزایش

[صفحه ۳۸۷]

داده بهبودی ناشی از رویدادهای ضربه ای را تسریع می نماید (لارسن[۳] و شریل [۴]۱۹۹۲).

[۸] Griffith.

[۲] احمدی ابهری، سید علی، نشریه اندیشه و رفتار، سال دوم شماره ۴ بهار ۱۳۷۵.

[۳] Larson.

[۴] Sherril.

نتیجه گیری

نماز، عظمت روح و نیاز واقعی انسان است. توفیقی است از سوی معبود برای هر فرد که در همه شرایط اعم از آسایش و رفاه، و سختی و گرفتاری بدان پرداخته و در هیچ زمان و مکانی از این برترین عبادت غافل نگردد. برای ذکر اهمیت نماز همین نکته کافی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «بین العبد و بین الکفر ترک الصلوة» فاصله کفر و بندگی ترک نماز است [۱].

و همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمودند «ان تارک الصلوة کافر»؛ همانا ترک کننده نماز واجب، کافر است. [۲].

با توجه به اهمیت نماز و نقش آن در انسان سازی وظیفه ی مؤسسات تربیتی است که دلایل عدم گرایش به نماز را مورد بررسی قرار داده و در کاهش و زدودن آن از صحنه اجتماع کوشا باشند.

سعی این پژوهش نیز در همین زمینه بوده است. از این رو با بررسی و تحلیل یافته های این تحقیق بر مبنای آن چه گذشت می توان دو بعد زیر را مطرح نمود.

الف: عوامل تأثیرگذار به صورت منفی در انجام فرائض دینی و بویژه نماز: تأثیرپذیری از گروه، سستی عقاید، خانواده، جامعه

[صفحه ۳۸۸]

ب: عوامل تأثیرگذار به صورت مثبت: خانواده، دوستان، معلمین و اساتید

الف: عوامل تأثیرگذار بر عدم گرایش دانشجویان به نماز برحسب اولویت عبارتست از:

۱- تأثیرپذیری از گروه با ۴/۳۲ درصد

۲- سستی اعتقادات با ۴/۲۹ درصد

۳- مسایل مربوط به خانواده با ۲۵ درصد، شامل تأثیرات منفی خانواده های مشکل دار آشفته و از هم گسسته می شود که با ایجاد گرایش منفی در همه زمینه ها و به ویژه مسایل اخلاقی و دینی وضعیت روانی فرزندان خود را متزلزل می کنند.

۴- مسایل مربوط به جامعه با ۸/۱۱ درصد که بیشتر به دلیل تعارض ساختی و عدم هماهنگی سیستمهای تربیتی با همدیگر ایجاد مشکل می کند.

ب: عواملی که بیشترین تأثیر را در زمینه گرایش و ایجاد انگیزه در دانشجویان داشته است:

۱- خانواده؛ شامل خانواده های آزاداندیش و پویا بوده که با ایجاد گرایش مثبت، زمینه را برای ارتباط و همدلی بیشتر با فرزندان فراهم می سازند و الگوهای مناسبی را ارائه می دهند. لازم به ذکر است که برای تکمیل پژوهش در این مورد مشاوره های موردی را مکمل قرار داده، به نمونه ای اشاره می شود.

در مشاوره موردی با دانشجویانی برخورد شده که در خانواده های معتقد و کاملاً مذهبی بوده اند ولی چون والدین رعایت آزاداندیشی و اجرای صحیح روابط اجتماعی را از دید اسلام نداشته و فرزندان در نظر و عمل آنها دوگانگی، مشاهده کرده اند، از این رو نسبت به آنها متنفر شده، سپس مسأله را در مورد ایده و عقاید آنها نیز تعمیم داده اند و بدین وسیله حالت گریز و فرار نسبت به عقاید خانواده پیدا کرده اند. با توجه به این نکته مشاهده می گردد که نقش والدین با در نظر گرفتن عملکرد و رفتارشان در گرایش مثبت یا منفی در زمینه ی مسایل مذهبی تا چه اندازه می تواند مهم تلقی شود.

[صفحه ۳۸۹]

۲- دوستان: گروهی که در دوره ی دبیرستان و به ویژه دانشگاه نقش الگویی کامل را برای جوان عهده دار هستند. باید زمینه را به منظور انتخاب مطلوب آنها فراهم ساخت.

۳- مریبان و استادان که رفتار و عملکردشان همیشه برای متعلمین و دانشجویان نقش الگویی داشته و خواهد داشت.

[۱] بحارالانوار ج ۸۲، ص ۲۰۲.

[۲] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸.

نکته های قابل تعمق بیشتر در پژوهش

۱- این مورد که ۴/۵۷ درصد از دانشجویان در مورد انجام وظایف دینی خود کاهل بوده یا اصولاً آن را ترک می کنند امری هشداردهنده است و می طلبد که مسئولین تعلیم و تربیت در همه ی بخشهای جامعه و بویژه در دانشگاهها با برنامه ریزیهای مطلوب فرهنگی در رفع این مشکل کوشا باشند.

۲- نزدیک به ۲/۴۴ درصد مسایل مربوط به جامعه و تأثیرپذیری از گروه را به عنوان کاهل نمازی خود ذکر کرده اند. توجه به این مسأله گسترش کارهای دینی، فرهنگی را در قالب گروههای دانشجویی به منظور تعدیل و هماهنگی سیستمهای تربیتی متنوع و خرده فرهنگهای مختلف در سطح دانشگاهها و خوابگاههای دانشجویی ایجاب می کند.

۳- در حالیکه ۱/۴۷ درصد بیشترین اهمیت را در دوره ی دبیرستان برای نماز قائل شده اند ولی وقتی به سطح دانشگاه می رسند این رقم به ۴/۳۲ درصد کاهش می یابد که افتی معادل ۷/۱۴ درصد داشته است شاید بخشی از این افت مربوط به موقعیتهای نامطلوب تربیتی است که در مسیر جوان در یک فرصت نسبتاً کوتاه از دبیرستان تا دانشگاه بوجود می آید و او را به سوی از خود بیگانگی سوق می دهد و بخشی دیگر را نیز می توان به دلیل تأثیرپذیری از گروه با فرهنگهای متفاوت و جامعه پذیر شدن ناهمگون در خوابگاهها جستجو کرد که در این مورد نیز شایسته است ضمن گسترش برنامه های فرهنگی مناسب توجه بیشتری به چگونگی گذراندن اوقات فراغت و بیکاری جوانان دانشجو نمود و شرایط مناسبی جهت گذران مطلوب این اوقات برای آنان فراهم ساخت.

پیشنهاد و ارائه شیوه های راهبردی و اجرایی

جهت تعدیل زمینه ی مطلوب و ایجاد گرایش به نماز در دانشجویان، پیشنهادهای زیر ارائه

می گردد:

۱- تشکل های دانشجویی در زمینه ی نماز و معارف اسلامی گسترده تر شده و از کارشناسان و اساتید علاقمند و مورد پذیرش دانشجویان کمک گرفته شود.

۲- جلسات پرسش و پاسخ در زمینه ی مسائل اعتقادی و بنیادی به ویژه نماز در کلیه دانشکده ها و خوابگاهها، حداقل در دو نوبت، در طول هر ترم برگزار و در صورت امکان در مورد نماز، جشنواره ها و همایشهای سالانه برگزار گردد.

۳- به منظور آگاهی خانواده ها در زمینه ی تربیت اسلامی و ارتباط صحیح با فرزندان دوره های کوتاه مدت تکمیلی در چهارچوب ۴ یا ۶ واحد درسی در دانشگاهها تشکیل گردد و در این خصوص گواهی نامه ای نیز بر مبنای گذراندن دوره به منظور ترغیب و تشویق داده شود.

۴- در خوابگاههای دانشجویی شرایط برگزاری نماز جماعت همراه با تدوین مسابقات فراهم شده از همه گروههای دانشجویی به منظور فعالیت فرهنگی در این خصوص دعوت و فعالترین گروهها مورد تشویق قرار گیرد. یکی از راههای مؤثر تشویق در این مورد می تواند دعوت از دانشجو به منظور کار دانشجویی باشد.

۵- مراسم برگزاری نماز جماعت در دانشگاهها با تنظیم وقت گروههای مختلف آموزشی به منظور عدم تداخل برنامه های درسی با وقت نماز همراه با شیوه های ارشادی- هدایتی برای دانشجویان باشد.

۶- شرایطی فراهم گردد که عزیزان جوان و بویژه دانشجویان به راحتی بتوانند مشکلات مذهبی خود را با کارشناسان متعهد و دلسوز در میان گذاشته، در این زمینه ارشاد شوند و دانشجو به راحتی بتواند با این کارشناسان تماس حاصل کند.

۷- اختصاص یک برنامه ی حداقل ۳۰ دقیقه ای، هفته ای یک روز از طریق رسانه های گروهی (رادیو و تلویزیون) به مسئولیت اجرایی گروههای دانشجویی پیرامون مسایل دینی به خصوص نماز و دانشگاه با نظارت کارشناسان متعهد و مسؤول، مؤثر است.

در پایان مقاله را با فرازی شیوا از کتاب پرواز در ملکوت حضرت امام خمینی (قدس سره) به پایان می برم باشد که خداوند ما را از ظلمات جهل به نور و روشنی هدایت فرماید که خود فرموده است:

«الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور»

«خداوندا قدم سیر ما از وصول به بارگاه قدس تو کوتاه است و دست طلب ما از دامن انس تو قاصر، حجاب های شهوت و غفلت، بصیرت ما را از جمال جمیل تو محجوب کرده و پرده های غلیظ حب دنیا و شیطننت، قلوب ما را از توجه به عز جلال تو مهجور نموده، راه آخرت باریک و طریق انسانیت حدید، و ما بیچارگان چون عنکبوتان در فکر قدید، متحیرانی هستیم که چون کرم ابریشم از سلسله های شهوات و آمال بر خود تنیده و یک سره از عالم غیب و محفل انس چشم بریده جز آنکه از بارقه ی الهیه چشم دل ما را روشنی بخشی و از جذوه ی غیبیه ما را از خود بیخود فرمایی.» [۱]

و من الله التوفیق

[صفحه ۳۹۲]

[۱] امام خمینی، پرواز در ملکوت، سید احمد قهری، ۱۳۵۷، ص ۷.

منابع

- ۱- الهی قمشه ای، مهدی، قرآن مجید
- ۲- احمدی ابهری، سید علی، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال ۲ شماره ۴، بهار ۱۳۷۵
- ۳- خمینی (ره) (امام)، روح الله، پرواز در ملکوت، سید احمد قهری، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹
- ۴- دشتی، محمد، نهج البلاغه، مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۹
- ۵- شریعتی، علی، نیایش، تهران، ۱۳۵۲
- ۶- عزیزی، عباس، جامع آیات و احادیث، قم، ۱۳۷۵
- ۷- فروم، اریک، جامعه سالم، مترجم اکبر تبریزی، تهران، ۱۳۶۹
- ۸- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار

[صفحه ۳۹۳]

بررسی عوامل و موانع گرایش جوانان (دانشجویان) به نماز

سرکار خانم الهام نورین

دانشجوی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی

[صفحه ۳۹۵]

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

«السلام عليك حين تصلی و تقنت، السلام عليك حين تركع و تسجد، السلام

عليك حين تهلل و تكبر

... سلام بر تو آنگاه که به نماز ایستاده، قنوت می خوانی، سلام بر تو آنگاه که به رکوع و سجود می روی، سلام بر تو آنگاه که تهلیل «لا اله الا الله» و تکبیر «الله اکبر» می گویی.

هیچ وسیله ای مستحکم تر و دائمی تر از نماز، برای ارتباط میان انسان و خدا نیست. مبتدی ترین انسان ها، رابطه ی خود را به وسیله ی نماز آغاز می کنند. برجسته ترین اولیای خدا نیز بهشت خلوت انس خود را با محبوب در نماز می جویند. (مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای)

مقدمه:

از لحظه ای که تصمیم به نگارش این مقاله گرفتم سؤالی که همواره ذهن مرا به خود مشغول ساخته بود، این بود که به راستی چه عواملی باعث شده است که اعتقادات مردم این قدر سست گردد، و دین و دین پروری در حضور قشر خاصی از مردم به نوعی ضد ارزش تبدیل شود؟ آیا با بالا رفتن سطح علمی فرد دیگر نیازی به دین و مذهب نیست؟ پیدا کردن پاسخ این سؤالات در ذهنم هر لحظه محور فکری مرا تغییر می داد، احساس می کنم

[صفحه ۳۹۶]

واقعیت این موضوع یک پاسخ خیلی ساده باشد و آن هم این که مردم ما به مذهب به عنوان یک سمبل غم و اندوه می نگرند و مفسران و مبلغان ما خیلی کم سعی کرده اند این ذهنیت افراد را از بین ببرند، استفاده از روش پند و نصیحت پدران در زمان ما دیگر پاسخگوی سؤالات جوان و نوجوان ایرانی که در عصر بمباران اطلاعات زندگی می کند و بیگانگان سعی دارند هویتش را از او بگیرند، پاسخگو نخواهد بود؛ پس باید در جستجوی راهی بهتر بود. من در این مقاله سعی کرده ام ابتدا تحلیل مختصری در مورد ذکر، بهترین نوع ذکر (نماز)، سپس به عوامل و موانع موجود در مقابل جوان امروز که او را از گرایش به دین و نماز باز می دارد پردازم.

عوامل و موانع گرایش دانشجویان به نماز، عنوان کامل مقاله می باشد، بدین منظور قشر دانشجو را در نظر گرفته ام، که کشور ما کشوری جوان می باشد و به علت نوع آموزش موجود در کشور دیدگاه و نظریات دانشجویان با قشرهای دیگر جامعه فرق دارد و دیگر اینکه این گروه به عنوان گروه متخصص در آینده مشغول به کار می شوند و آیا این خصوصیات گریز از دین برای فرهنگ، اقتصاد، سیاست جامعه مخرب نمی باشد؟ با این دیدگاه حساسیت بر روی آراء این قشر بیشتر خواهد شد.

[صفحه ۳۹۷]

سرآغاز

سؤالی که امروزه اذهان بسیاری از مردم رابه خود مشغول ساخته است و بحث های بسیاری را به خود اختصاص داده است این است که: آیا انسان معاصر در آستانه ورود به هزاره ی سوم میلادی، نیازی به دین ورزی و دین پژوهی ندارد؟ آیا با صعود انسان به قله های بلند دانش تجربی دیگر عصر ایمان دینی سپری شده است؟ آیا افق بی منتهای پژوهش تجربی مجالی برای پرداختن به دین باقی نمی گذارد؟ و آیا در دنیای مدرن؛ دین ورزی کاری خرافی و دین پژوهی فعالیتی منسوخ و بیهوده است؟ آیا انسان با پیشرفت هایی که داشته است توانسته است در سایه این پیشرفت های شگفت علمی و بهره گیری از عقل و خرد خود بهشت موعود را در زمین بر پا سازد، و دیگر به تلاش برای دریافت جواز ورود به بهشت آسمانی نیازی ندارد؟

اینها و صدها سؤال دیگر ذهن جوان امروز را به خود مشغول ساخته است، به ویژه متدینانی که دین را در حیات خود نقش آفرین می یابند، به شدت محتاج آن هستند که موضع خود را در قبال این پرسش ها پیدا کنند. جای هیچ

گونه انکاری نیست که عصر مدرن با تمام ظواهر رنگارنگ و فریبنده خود، انسان دیندار را به چالش می خواند و بسیاری از آنان که به سحر مظاهر مادی مدنیت نوین مفتون گشته اند، دیانت را جریانی رو به افول می دانند و مشتاقانه در انتظار رؤیت غروب خورشید دین نشسته اند.

هر چه هست از قامت ناساز کج اندام ماست
ور نه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

متأسفانه، در جوامع مسلمان کم نیستند افرادی که زندگی در غرب را به عنوان مطلوب ترین نوع زندگی بشری که بدون دغدغه های مذهبی به سیر تکامل و پیشرفت خود ادامه می دهند معرفی می کنند، بر اثر همین سوء تعبیرها است که مبلغان غربی به طور همگانی و وسیع بر علیه دین و مذهب پرداخته اند، آیا واقعا مقایسه بین اسلام و مسیحیت کاری درست و شایسته است، به نظر من همین قیاس ها است که نقش اسلام را در ذهن جوان امروز که در دانشگاه با پیشرفت های غرب بیشتر درگیر است، کم رنگ ساخته است.

[صفحه ۳۹۸]

انسان و حیوان

آدمی در ساحت جسمانی خویش، شباهت های فراوانی با حیوان دارد، اما ساحت روحانی او تفاوت های عمیقی را در حوزه بینش ها و نگرش ها دامن می زند. انسان، چه از جهت گستره شناخت و چه از حیث ابزار و منابع آن در موقعیتی بالاتر از حیوان قرار دارد و دستگاه ادراکی او، به لحاظ مجموعه ویژگی ها و کارکردهایش، بسیار کامل تر از تجهیزات دستگاه شناختی حیوانات است. شناخت حیوان در مجموعه ای از داده های حسی خلاصه می شود که انسان نیز با او شریک است، اما افزون بر حس به ابزار عقل نیز مجهز است که حیوانات از آن بی بهره اند. (این حرف و سخن ها تنها در باب مشاهده بوده است، زیرا انسان هیچ اطلاع مستقیمی از حوزه ادراکات حیوانات ندارد، ولی جای تردیدی نیست که حیوانات از نعمت عقل و شعور محرومند.) آدمیان از رهگذر تعقل به درک قوانین و

مفاهیم کلی نایل می شوند، از سوی دیگر، مجموعه ای از گرایش های معنوی در انسان وجود دارد که حیوانات از آن بی نصیب اند، که آنها عبارتند از:

گرایش به دانایی: انسان، برحسب سرشت خود، موجودی دانش جو و کاوشگر است و میل به دانستن در عمق وجود او نهفته است. شگفت آنکه حس کنجکاوی بشر به دانش هایی که تأثیر مستقیم در زندگانی روزمره ی او دارد، محدود نمی شود، بلکه کشف یک حقیقت تازه همواره برای او جاذبه دارد و نقش دانایی و آگاهی برای او مطلوب و لذت بخش است. کوتاه سخن آنکه آدمی به دعوت درون خود از جهل و نادانی گریزان و به علم و دانایی متمایل است.

گرایش به زیبایی: از دیگر گرایش های معنوی انسان، علاقه به جمال و زیبایی است. هر انسان زیبایی را بر زشتی، ترجیح می دهد و زیبایی محیطی که در آن زندگی می کند و افراد و اشیایی که با آنها ارتباط دارد، برای او اهمیت دارد. در مقابل، حیوان تنها در جهت رفع نیازهای غریزی خود تلاش می کند و گویا چهره ی زیبا، منظره ی زیبا و... برای او معنایی ندارد. حس زیبایی جویی و جمال طلبی در طول تاریخ منشأ پدید آمدن آثار هنری جاودان و رشته های معنوی گوناگون گردیده است.

گرایش به اخلاق: یکی از والاترین ابعاد معنوی انسان بعد اخلاقی او است. آدمی بسیاری از اعمال خویش را در چهارچوب اصول و موازین اخلاقی سامان می دهد و اخلاق، هم در انگیزه ها و هم در

[صفحه ۳۹۹]

چند و چون رفتارهای او نقشی تعیین کننده دارد. برای حیوان خوب و بد و باید و نباید معنایی ندارد و حال آنکه خوب ها و بد ها و باید ها و نبایدهای اخلاقی، یکی از معیارهای ارزیابی و ارزش گذاری در افعال انسان است. «و نفس و ما سواها فآلهمها فجورها و تقواها. سوگند به نفس و آن کسی که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری را به آن الهام کرد- سوره ی ص آیه ی ۷ و ۸»

حس تقدیس و پرستش: گرایش به پرستش موجودی متعالی و نیایش با او بعد دیگری از ابعاد معنوی آدمی را نمایان می سازد. پژوهش های تاریخی نشان می دهد، بشر از دیرباز با نیایش و پرستش مأنوس بوده است. احساس غریب این گرایش تا آن جا قوی و گسترده است که حتی منکرانی که لاف بی دینی می زنند، در عمق وجود خویش از نوعی حس تقدیس و پرستش خالی نیستند. از این رو، پیامبران مبتکر پرستش و نیایش نبوده اند

بلکه وظیفه ی آنان این بود. که راه صحیح پرستش را به بشر بنمایانند و حس دین داری او را سمت و سویی شایسته بخشند. ما از این حس در انسان استفاده نموده و به بیان لذت ها و جذابیت های این حس در انسان می پردازیم، به امید اینکه طعم آن را همه بچشند.

انسان کامل و نیایش

یکی از جلوه های لطیف و ارزشمند روح انسانی، نیایش به درگاه موجودی متعالی و راز و نیاز با معبودی مقدس است. گرایش به نیایش و نیاز به پرستش، یکی از ویژگی هایی است که آدمی را بر حیوانات برتری می بخشد. یکی از دستاوردهای ادیان الهی آن است که این نیاز اساسی را به نیکوترین وجه پاسخ می گویند و با دعوت مردم به پرستش معبود حقیقی، موجود شایسته ی عبادت را به آنان نشان می دهند و آنان را از پرستش معبودهای دروغین باز می دارند.

راز خود گفتن و نیاز خویش برملا ساختن از زیباترین جلوه های پرستش است، زیرا در این حال آدمی معبود خویش را نزدیکتر از هر کس دیگر می یابد و او را سزاوار رازگویی می بیند و با ایمان به قدرت و رحمت و خیرخواهی او، نیاز خویش را به او عرضه می دارد.

با این احوال اگر ادعا کنیم که مهم ترین نیایش اسلامی در هنگام نماز روی می نماید، گزاف نگفته ایم. هر چند ظاهر نماز چیزی بیش از مجموعه ای حرکات و عبارات خاص نیست، حقیقت نماز

[صفحه ۴۰۰]

بس عمیق تر است؛ به دیگر سخن، نماز نیز، هم چون انسان، حقیقتی ذومراتب دارد، صورت ظاهری نماز از اعمال و اوارد ویژه ای سامان می یابد که مسبوق به مقدمات و مشروط به شرایط خاصی است. در علم فقه، به تفصیل، از مقدمات، شروط، ارکان و اجزای نماز سخن بسیار گفته شده است. رعایت احکام فقهی نماز، اولین شرط بهره مندی از آثار معنوی و برکات روحی آن است؛ اما در ورای این ظواهر، حقایق و اسراری نهفته است و همین اسرار باطنی است که نماز را در زمره ی ارکان آیین اسلام در آورده است، و آن را «الصلاة معراج المؤمن» ساخته است.

آدمی هر اندازه در درک اسرار نماز کامیاب تر و در راهیابی به ژرفای آن موفق تر باشد، نمازش کامل تر خواهد بود و کمال نماز خود آیتی بر کمال انسان است. انسان کامل، در نماز، از هر چه که رنگ و بوی نفسانیت دارد، وا

می رهد و یکسره مجذوب جمال معبود می گردد. نماز، خلاصه ی اصول مکتب اسلام و روشنگر راه مسلمانی است، بشر راهی دراز و دشوار در پیش دارد، راهی که او را به رستگاری و سعادت واقعی می رساند و پیمودن و رسیدن به آن هدف پدید آمدن و بودن اوست.

ذکر خدا

ذکر را می توان نقطه ی شروع حرکت باطنی و سیر و سلوک به سوی قرب پروردگار جهان دانست. انسان سالک به وسیله ی ذکر به تدریج از افق ماده بالاتر می رود و به عالم صفا و نورانیت قدم می گذارد و کامل و کامل تر می شود تا به مقام قرب حق تعالی نائل گردد. یاد خدا به منزله ی روح عبادت ها و بزرگترین هدف تشریع آنها می باشد؛ زیرا ارزش هر عبادت به مقدار توجه بنده است. در آیات و احادیث درباره ی ذکر خدا سفارش های فراوانی شده است. از باب نمونه در قرآن می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید ذکر خدای را بسیار بگویید.» و می فرماید: «(خردمندان) کسانی هستند که در حال قیام و قعود و به هنگام خفتن خدای را یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند (و می گویند) پروردگارا! این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده ای. تو پاک و منزّه هستی، پس ما را از عذاب دوزخ نگهدار.» و می فرماید: «کسی که نفسش را تزکیه نمود و پروردگارش را یاد کرد و نماز خواند، رستگار شد.»

مقصود از ذکر

ذکر خدا، عبادتی بزرگ و یکی از بهترین طرق خودسازی و تکمیل نفس و صعود الی الله

[صفحه ۴۰۱]

می باشد. ذکر در لغت هم به معنای اذکار لفظی آمده است، هم به معنای توجه قلبی و حضور باطنی. و در احادیث هم هر دو معنا استعمال شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «سه چیز است که فوق طاقت این امت است»
اول- مساوات و برابری با برادر مؤمن در مال.
دوم- انصاف دادن مردم از نفس.

سوم- ذکر خدا در تمام احوال؛ منظور از ذکر «سبحان الله»، «الحمد لله» و «لا اله الا الله» و «الله اکبر» نیست؛ بلکه ذکر عبارت است از اینکه (چنان به یاد خدا باشد که) وقتی کاری حرام پیش آمد از خدا بترسد و آن را ترک کند. در این احادیث، توجه قلبی و حضور باطنی به عنوان مصداق معرفی شده، آن هم نه خطور قلبی و تصور ذهنی بی اثر، بلکه حضور باطنی مؤثر که اطاعت از اوامر و نواهی خدا از علائم آن شناخته شده است. کسی که این اذکار «الله اکبر» و «الحمد لله» و... را بر زبان جاری می سازد، قلباً هم توجهی ولو اندک به خدا داشته که این الفاظ را می گوید. از نظر اسلام خود خواندن این کلمات و اذکار، مطلوب است و ثواب دارد. به شرط اینکه بقصد قربت باشد. چنانچه نماز ظاهری نیز همین الفاظ و حرکات می باشد که مأموریم عین آنها را انجام دهیم. گر چه حضور قلب و توجه باطن، روح نماز است.

«ذکر» مقامی بسیار وسیع و دارای مراتب و درجاتی است که اولین و پایین ترین مرتبه اش از ذکر زبانی و لفظی شروع می شود و تا مرتبه ی انقطاع کامل و شهود و فناء ادامه می یابد.

در مرتبه ی اول، ذاکر چون قلباً به خدا توجه می کند به قصد قربت اذکار مخصوص را بر زبان جاری می سازد، بدون اینکه به معانی آنها توجهی داشته باشد.

در مرتبه ی دوم، به قصد قربت اذکار را می گوید و در همان حال معانی آنها را بر ذهن خطور می دهد.

در مرتبه ی سوم، زبان از قلب پیروی می کند و ذکر می گوید. بدین صورت که چون قلب به خدا توجه می کند و در باطن ذات به معانی و مفاهیم اذکار ایمان دارد، به زبان فرمان ذکر می دهد.

در مرتبه ی چهارم، سالک نسبت به پروردگار جهان حضور باطنی و توجه کامل قلبی دارد و او را حاضر و ناظر و خودش را در محضر او مشاهده می کند. سالکین در این مقام نسبت به طریان این

[صفحه ۴۰۲]

احوال متفاوت هستند (و کامل و کامل تر دارند). به هر مقدار که از غیر خدا قطع علاقه کنند به همان نسبت با خدا مأنوس و به او علاقه مند می شوند، تا به حد انقطاع کامل و لقاء و فناء برسد. سالک در این مقام که عالی ترین مقامات است، حجاب های دنیوی را پاره کرده و علاقه های مجازی و غیرحقیقی را بریده و به منبع خیرات و کمالات پیوسته است. این بندگان خاص الهی به معدن عظمت و جلال و کمال و خیر و نور راه یافته اند و با چشم باطن انوار جمال الهی را مشاهده می کنند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مناجات نامه ی شعبانیه می فرماید: «خدایا انقطاع کامل بسوی خودت را به من عطا کن، و دیده های دل ما را به نور مشاهده ی جمال خودت روشن ساز تا اینکه دیده های بصیرت قلوب، حجاب های نور را بشکافند و به معدن عظمت واصل گردند و ارواح ما به مقام مقدس تو پیوندند.»

راه به دست آوردن محبت خدا و تقویت آن برای تهیه ی استعداد رؤیت و لقاء خدا، تحصیل معرفت و تقویت آن می باشد و طریق تحصیل آن تطهیر قلب است از شواغل و علایق دنیا و انقطاع کامل به خدا به وسیله ی ذکر و فکر و اخراج حب غیر خدا از قلب. زیرا قلب به منزله ی ظرف است، اگر پر از آب باشد گنجایش سرکه را ندارد، باید آب هایش را خالی کنی تا سرکه را بپذیرد. خداوند برای هیچ کس دو قلب نیافریده است. کمال محبت این است که با تمام قلب خدای را دوست بدارد، و مادام که به غیر خدا توجه داشته باشد گوشه ای از قلب مشغول به غیر از خدا خواهد بود. مگر اینکه توجهش به غیر خدا از این جهت باشد که فعل خدا و آفریده ی او و یکی از مظاهر اسماء و صفات الهی باشد.

نماز برترین ذکر

در بیان عظمت و اهمیت «نماز» چه بیانی رساتر و چه تعبیری گویاتر از این که بگوییم نماز، ستون و پایه و اساس همه ی ادیان الهی و مذاهب آسمانی است. نماز جزء لاینفک و اصل محوری در تمامی ادیان محسوب می گردد و در همه ی آن ها دارای برجسته ترین و اصلی ترین جایگاه می باشد. خداوند دربارہ ی انبیا و پیامبران گذشته در قرآن می فرماید: «وَحِينَا إِلَيْهِمْ فِعْلُ الْخَيْرَاتِ وَأَقَامُ الصَّلَاةَ» و نیز بارها به ارتباط یکایک انبیا با نماز می پردازد، ابراهیم و نماز (ابراهیم / ۳۷ و ۴۰) و اسماعیل و نماز (مریم / ۵۴ و ۵۵) اسحاق و یعقوب و نماز (انبیاء / ۷۱ و ۷۳) شعیب و نماز (هود / ۸۴ و ۸۷) موسی و نماز (طه / ۱۱ و ۱۴) و... که همه و همه اشاراتی به نقش نماز در برنامه ی تبلیغ پیامبران و میزان

[صفحه ۴۰۳]

اهمیت برجسته ی آن در تمامی ادیان دارد. منظور از نماز، انعکاس نیازهای آدمی و ارتباط روح و جان انسان با سرچشمه ی اصلی و معنوی آن است که می تواند قالب های مختلف و اشکال گوناگونی به خود بگیرد برای نمونه نماز در دین اسلام، شکل نمادین متعارف امروزی را به صورت قالبی ویژه مشخص به خود اختصاص داده است.

در اسلام، نماز پس از اصول دین مهم ترین واجبات و اولین رکن از ارکان پنج گانه ی شریعت محسوب می گردد، که اصل آن در ابتدای بعثت، در مکه بر پیامبر نازل شد و کیفیت و چگونگی آن، چنان که معهود و متعارف است در شب معراج، نازل گردیده است. آیه ی ۷۸ سوره ی اسراء وجوب نمازهای پنج گانه و وقت آنها را بیان می نماید. قرآن کریم، نماز را پس از ایمان به خدا مطرح می نماید تا اهمیت موضوع را به وضوح آشکار نماید، «الذین یؤتون بالغیب و یقیمون الصلوة» و همچنین خداوند بارها به وصف نماز می پردازد و آن را به زیبایی می ستاید و آن را رمز رستگاری انسان می شمارد.

اما در احادیث و روایات و نظریات و گفته های پیامبر اسلام و ائمه ی اطهار نیز نماز جایگاهی برجسته و نقشی ارزنده دارد که نشان از موقعیت بسیار مهم و حیاتی آن در ارتباط با دین و ایمان دارد تا جایی که پیامبر آن را مرز بین مسلمانی و کفر می شمارد، «فاصله ی میان اسلام و کفر جز این نیست که شخصی نماز را عمدا ترک کند و یا از روی سستی آن را به جا نیاورد.» و نور چشم خود می نامد و کسی را که نماز سبک بشمارد از امت خویش نمی داند و در زیباترین و رساترین تعبیر نماز را ستون دین می نامد.

در ارشاد القلوب آمده است: «در یکی از روزهای جنگ صفین که جنگ و کشتار به اوج خود رسیده بود ابن عباس دید که علی (علیه السلام) بین دو لشکر ایستاده، به آسمان نگاه می کند... گفت: این چه وقت نماز است که جنگ در اوج شدت است؟! فرمود: مگر ما برای چه هدفی با این ها می جنگیم؟ ما به حساب نماز و برقرار ماندن نماز مشغول جنگ هستیم.»

نگاهی به گذشته و مروری در تاریخ اسلام جایگاه متین و نقش ارزنده ی نماز را در زندگی مسلمانان آشکار می نماید: «نماز، کشش روح است به سوی کانون معنوی جهان و معبود و معشوق خود و به گفته ی ویکتور هوگو: «قرار گرفتن یک بی نهایت کوچک در برابر یک بی نهایت بزرگ.» نماز

[صفحه ۴۰۴]

در اسلام و به ویژه در آغاز نهضت، هر چند ساعت یک بار در شبانه روز فرد را از منجلاب زندگی فردی و اقتصادی که همه ی تلاش ها برای تأمین نیازهای فردی است، بیرون می کشید و در برابر خدا نگاه می داشت و در حالتی سرشار از احساس و جذبه ی وجودی یا در خلوتی پر از خلوص و یا در جمعیتی پر از هیجان و وحدت، جهت وجودی آدمی را در مسیر کلی، تجدید و تصحیح می کرد.»

به راستی چرا نماز به رغم این همه وصف‌ها تأثیری در زندگانی بسیاری از نمازگزاران نمی‌گذارد؟ حقیقت آن است که نماز مراتب و مراحل مختلفی دارد که هر یک مشخصات مخصوص به خود را داراست. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره‌ی تفاوت نمازها می‌فرماید: «دو مرد از یک امت به نماز می‌ایستند که رکوع و سجود و ذکرشان یکی است و حال آنکه میان نماز این تا نماز آن تفاوت از زمین تا آسمان است.» هر کس می‌خواهد بداند که نمازش پذیرفته شده است یا خیر، باید بنگرد، اگر نماز او را از زشتی‌ها باز داشت، پس بداند که به میزان بازدارندگی (او از گناه) نمازش پذیرفته شده است. از دیگر عواملی که مانع از تأثیر نماز می‌گردد، عدم باور و اعتقاد راسخ به راه و نیز عدم اعتماد و ایمان به «دلیل ره» می‌باشد که ریشه در توهم و تقلید و عادت دارد و برای رسیدن به ایمان خالص و راستین باید از آنها گذر کرد.

گفت پیغمبر، رکوع است و سجود

بر در حق کوفتن، حلقه‌ی وجود

حلقه‌ی آن در، هر آن کو می‌زند

بهر او دولت، سری بیرون کند

(مولوی)

نماز، تسلا بخش و آرامشگر دل‌های مضطرب و خسته است. پیمان و انگیزه‌ی تحرک و بسیج و آمادگی است در حالتی صمیمانه و دور از نیرنگ و فریب؛ برای نفی هر بدی و زشتی و تدارک هر نیکوی و زیبایی. در واقع نماز یکی از عمل‌هایی است که سرشار از انگیزه‌ی یاد خداست و می‌تواند انسان را یکسره به کمال برساند، و غرق در یاد خدا کند. انسان از لابلای مشغولیت‌های فکری که او را احاطه کرده است و هدف زندگی و گذشت لحظات و ساعات و روزها بیندیشد، نماز یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه روز است. به انسان برنامه می‌دهد و از گذشت لحظات حساب می‌کشد.

در این مقاله ما سعی نداریم به مزیت‌های نماز و آثار روحی، روانی و مادی آن بپردازیم، بلکه

هدفی که ما دنبال می کنیم و در واقع قصد داریم به آن پردازیم این است که چرا نوجوانان هنگامی که به سن بلوغ می رسند و از لحاظ درجات علمی ارتقاء پیدا می کنند و از لحاظ دینی سست می شوند، و می خواهند این افکار خود را با نخواندن نماز و اجرا نکردن اصول دینی به همگان نشان دهند، در حقیقت علت اصلی این دین گریزی جوانان چیست؟

در قسمت های قبل سعی در این شد که بگوییم گمان نکنید که ذکر و نماز مختص به دین اسلام و پیغمبر اسلام محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است، بلکه در تمام ادیان وجود دارد و هر کدام به نوعی با خداوند خود نیایش می کنند، در واقع این یک نیاز درونی است. گفته اند که نماز در هر آیینی، خلاصه آن آیین است. نماز اسلام نیز کاملاً چنین است. جمع کردن میان روح و جسم، ماده و معنا، دنیا و آخرت، در لفظ و در محتوا و در حرکات. در بسیاری از آیات اقامه نماز نشانه دینداری بیان گردیده است، و تکیه ی خاصی بر آن شده است. در این قسمت سعی داریم به بیان دلایل عدم گرایش نوجوانان و جوانان (دانشگاهیان) به نماز پردازیم.

زمینه ی مسائل تربیتی نسل جوان

مسائل تربیتی نسل جوان از جمله مواردی است که در تمام جوامع بشری، ذهن اندیشمندان و صاحب نظران را به خود معطوف داشته است. اهمیت این موضوع آن گاه بیشتر ملموس خواهد بود که به تربیت صحیح نسل جوان، به عنوان سرمایه گذاری مطمئنی که جامعه در راستای تعالی خود و آینده ی نزدیک به آن مبادرت می ورزد، بنگریم. در جامعه ی اسلامی ما که ضرورتاً توجه به تعلیم و تربیت اسلامی، یک اصل خدشه ناپذیر است، لازم است که همواره الگوهای صحیح تربیت اسلامی در راستای یک ساختار علمی، کاربردی به جامعه ی اسلامی عرضه شود تا علاوه بر داشتن یک پشتوانه ی علمی، ضمانت اجرایی نیز داشته باشد. والدین به عنوان اولین و اساسی ترین کانون تربیت، مهمترین نقش را در تربیت روحی فرزندان بر عهده دارند. اگر تربیت در دامن خانواده نتواند خلاهای عاطفی، اخلاقی و تربیتی فرزند را پر کند، بدون شک تلاش دیگر ارگان ها در این زمینه نمی تواند کارساز باشد. «اگر از دامن مادر این تربیت خوب

شروع شود؛ مادر بچه را خوب تربیت و به دبستان تحویل آنجا هم همین طور تا دانشگاه یا مدارس علمی دیگر، آنها هم خوب تربیت کردند، یک وقت در یک برهه از زمان می بینید که جوان ها همه خوب از کار در آمده اند و یک مملکت را به خوبی می کشانند.» [۱] .

امروزه در دنیای غرب، مسأله ی جوان به عنوان بزرگترین مشکل و بحران مطرح است، لذا سعی می کنند با انواع و اقسام مفاسد و انحرافات اخلاقی آن استعداد های پاک و مقدسی که در ذهنشان است، به مسیرهای انحرافی و فساد و ابتذال بکشانند، چون نگران انفجار این خواسته ها و تمنیات هستند که می بینند دیگر بعد از آن نه از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاک نشان، این نخستین پایه ی آن است.

یکی از دانشمندان تعبیر زیبا و ارزشمندی دارد، می گوید شما یک جاده ی اتوبانی عریض را در نظر بگیرید و یک خودرویی که با سرعت ۱۲۰ کیلومتر دارد در این جاده حرکت می کند. یک مرتبه، به طور ناگهانی می رسد به یک جاده ی خاکی، پر سنگلاخ، پر فراز و نشیب، این راننده ای که پشت ماشین نشسته چه باید بکند، این راننده در صورتی می تواند خود و ماشین را سالم و سلامت به سر منزل مقصود برساند که سه حرکت را انجام دهد، در نخستین حرکت، سرعتش را بکاهد و آن را تنظیم کند، در دومین مرحله، این فرد آن فراز و نشیب ها و آن علایم را بشناسد و در سومین مرحله، در همه ی حالات با صبر و خویشتنداری این مسیر را طی کند. به واقع تعبیر خیلی زیبایی است از دوران نوجوانی، یا به تعبیر دیگر نوجوان همچون سیل خروشان و کف آلودی است که وقتی آزاد گذاشته شود، جز ویرانی و نابودی هیچ چیز برای ما به ارمغان نمی آورد؛ اما اگر در جلوی سد بسپاریم، روشنایی می دهد، نور می دهد، میلیون ها هکتار زمین را سیراب و سرسبز نگه می دارد؛ اشتغال ایجاد می کند، به جامعه امید می دهد.

از نظر اجتماعی روشن است که سرمایه های واقعی هر جامعه ای همین نیروهای نوجوان و جوانی هستند که آینده ی جامعه را می سازند و مشی آینده ی جامعه را ترسیم می کنند، در واقع آینده ی جامعه را باید در سیمای نوجوانان و جوانان آن جستجو کرد، به خصوص در کشور ما که درصد بالایی از جمعیت کشور، در سنین جوانی و نوجوانی قرار دارند. این سرمایه از ارزش و اعتبار

بیشتری در تصمیم گیری ها برخوردار می شود. از نظر فردی هم به هر حال مرحله بسیار مهمی از رشد و تکامل انسان و شخصیت او در دوره ی نوجوانی و جوانی خواهد بود. این دوره از با ارزشترین و پرنرژی ترین دوران حیات انسانی و تحولات کیفی و کمی فراوانی چه از نظر جسمی و چه از نظر روانی در این دوره به وقوع می پیوندد که شخصیت انسان و آینده ی حیات او را تحت تأثیر قرار می دهد. تلاش برای کسب هویت که تحولات مهم عاطفی و انسانی است و شخصیت او را شکل می دهد، در واقع از این دوره عمدتاً شروع می شود. و باید در همین دوره انسان با تلاش خود به نتیجه ی نهایی و به موفقیت برسد و هویت واقعی خود را در ابعاد مختلف پیدا کند.

به هر حال این دوره، دوره ای است که هم برای تکامل انسان، یعنی تکامل معنوی و روحی و عرفانی انسان می تواند سرنوشت ساز باشد و هم از جهاتی، چنانچه به آن توجه نشود (خدای نکرده) ممکن است منشأ بروز انحرافات و لجام گسیختگی در زندگی انسان باشد.

هنگامی که به مسأله ی دین و مذهب پرداخته می شود در واقع از زمانی شروع می شود که فرد به آن مرحله از تفکر انتزاعی رسیده باشد، اولین دوران زندگی انسان همراه با تفکر عینی است، یعنی هر چیزی را که به کودک بخواهیم آموزش دهیم آن را به صورت تجربی باید ببیند تا وجود آن را درک کند. هنگامی که یک اسباب بازی را به کودکی می دهیم تا لحظه ای که آن در دست دارد متوجه ی حضور آن است، ولی اگر لحظه ای از آن غافل شد آن را برداریم دیگر وجود آن را حس نخواهد کرد و شاید به دنبال آن نگردد، این کودک هر چه بزرگتر می شود، بر قدرت تفکرش افزوده می گردد و درک می کند که اگر جسمی در کنار او نبود دلیل بر نیستی و عدم آن نیست، بلکه وجود دارد یا در جایی دیگر است. در این دوران است که اگر اسباب بازی او را از چشمانش پنهان کنیم، سراغ آن را از ما می گیرد، با این حال تا چیزی را نبیند و آن را لمس نکند، وجود آن را درک نمی کند، در این دوران اگر کودک در خانواده ای از لحاظ مذهبی معتقد باشد و در هر صبحگاه، ظهرگاه و شامگاه ببیند که پدر و مادرش و یا اطرافیانش در محلی خاص می ایستند و با خود آرام زمزمه می کنند، در مراحل نخست سعی در این دارد که رفتار آنها را تقلید کند و در سنی بالاتر علت آن را جويا می شود، ولی چون از قدرت درک کافی برخوردار نیست از درک آن عاجز است. اینها را بیان کردیم که به این نتیجه برسیم که کودک در دوران تفکر عینی قادر به درک دین و مذهب نمی باشد.

در دوران نوجوانی است که فرد دارای تفکر انتزاعی می شود، و آن آداب و اصول را درک می کند و دیگر احتیاجی نیست که برای او خداوند را بیاوریم تا او را بپرستد، در این دوران دیگر آن میل درونی او در احتیاج داشتن به یک نیروی مافوق نیروی بشری زنده می شود، و خود را در این دنیا قطره ای کوچک می شمارد، این نوجوان در حالی به این ایده ها می رسد که در خانواده ای متدین بزرگ شده باشد.

در حقیقت شخصیت او با این خصوصیات شکل گرفته است و در دوران نوجوانی فقط احتیاج به یک مشاور خوب احساس می شود که به سؤالات اعتقادی او از قبیل، از کجا آمده ایم؟ برای چه زندگی می کنیم؟ چرا از دنیا می رویم؟ و هزاران چرای دیگر او پاسخ دهد.

جوانی مناسب ترین زمان برای خودسازی و کسب فضایل اخلاقی است، و یکی از وظایف اساسی نظام تربیتی را پرورش افراد سالم به ویژه جوانان معتقد و مؤمن می دانند. جوانی به دلیل روح پاک و روان سالمی که دارد به سادگی می تواند با تهذیب نفس پردازد و خود را به ارزش های الهی نزدیکتر سازد. هنوز رذایل اخلاقی و ریشه های صفات زشت در اعماق روح جوان تحکم نیافته و اگر خطایی از او سر بزند، یک خطای سست پایه است و نه یک گناه قوی بنیان.

از طرفی هنوز گناهان در وجود او ریشه ندوانیده است و از طرف دیگر خطاها و لغزش های وجود او با ویژگی های جدیدالعهد بودن و داشتن گرایشات عالی انسانی داشتن نیز تهدید می شوند. بنابراین لغزش های سنین نوجوانی و جوانی مانند گیاهی است که تازه کاشته شود و با کمترین نسیمی تکان می خورد و مانند درخت تنومندی نیست که با جان زمین پیوند خورده، قابل کندن نباشد.

[۱] سخنرانی امام خمینی (ره) در جمع اعضای انجمن اسلامی وزارت بهداشتی، ۲۶ تیرماه ۱۳۵۸.

عوامل تربیت

عوامل مختلفی در سازندگی روحی و روانی انسان تأثیر گذارند. در نظر ساده اندیشان وجود پدر و مادر خوب و یا یک معلم شایسته، شرط کافی تربیت انسان های شایسته است. در صحبت های روزمره زیاد می شنوید که من تعجب می کنم فلان کودک، پدر و مادر شایسته ای دارد، ولی خودش از صفات نیک برخوردار نیست یا گاهی اظهار می شود که یک معلم خوب کافی است که دانش آموزان، خوب پرورش یابند، همه این عوامل تأثیر بسیار زیادی

دارند و اما برای تربیت دینی کافی نیستند. آنها که به کار تربیت به طور عمیق می نگرند، عوامل عدیده ای در رشد یا انحطاط اخلاقی انسان ها

[صفحه ۴۰۹]

می بینند.

یکی از مهمترین عوامل تربیتی خود فرد است، در حقیقت شخصیت اوست. شخصیت هر کس در طول مدت زندگی رنگ می پذیرد و در این رنگ پذیری و تشکل، عوامل متعددی که دخیلند عبارتند از: ساختمان بدنی، ویژگی های روانی، اخلاقی، رفتاری، نوع فرهنگ، عوامل غذایی، زیستی، محیط زندگی و... مداخله دارند. «کولی» می گوید «خود» هر کس بازتابی از رفتار اطرافیان است و تصویری است که از خارج در آینه می افتد. «واتسن» معتقد است که می توان کودک و نوجوان سالم را بدون در نظر گرفتن استعدادها، تمایلات قریحه و اجداد، تحت تأثیر محیط به صورت هر متخصصی که بخواهیم مانند پزشک، قانون دان، و... در آوریم. «دورکیم» معتقد است که با آموزش های تربیتی هر کیفیتی را در انسان بوجود آوریم و شخصیت او را شکل دهیم.

یکی از مراحل تکوین شخصیت جوان و نوجوان، خارج از خانه و در محیط آموزشی صورت می گیرد. فرد قسمت عمده ی وقت خود (یعنی حدود ۱۲ هزار ساعت) را در نهادهای آموزشی صرف می کند و اکثر وقایعی که اتفاق می افتد در آنجا می آموزد. چگونه با دیگران ارتباط برقرار کند، چگونه کردارهای خود را بر اساس نرم اجتماعی تنظیم کند، حد و مرز خود را مشخص کند و... در حقیقت می توان این طور نتیجه گرفت که بعد از خانواده مهمترین عامل تربیتی نوجوانان محیط آموزشی است و مربیان به عنوان اعضای اصلی هدایت و تنظیم و جهت دهی به فعالیت های آموزشی و تربیتی می باشند. «اریکسون» معتقد است که اگر هویت شخصی نوجوان در طی زمان و بر اساس تجربیات حاصل از برخورد صحیح اجتماعی ایجاد شود و نوجوان بتواند خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی وی تضمین می شود، ولی اگر سرخوردگی و عدم اعتماد جایگزین اعتماد شود به جای تماس با افراد به گوشه گیری و انزوا می رود و به جای تحرک، رکود می کند. هماهنگی و تعادل روانی او به هم می خورد و دچار بحران هویت می شود. مسأله ای که می خواهیم به آن بپردازیم در حقیقت همین بحران هویت است که جوانان و نوجوانان ما به آن دچار شده اند. از راهکارهایی که می توان این بحران را حل نمود بالا بردن ارزش های فرهنگی حاکم بر جامعه است.

با توجه به اینکه بحران های بلوغ، هویت، ارزش ها و مناسبات، نقش عمده ای در مشکلات بعدی رفتار نوجوانان دارند، لازم است ابتدا نسبت به پیدایش و امکان بروز این بحران ها توجه داشت و برای

[صفحه ۴۱۰]

برخوردار با آنها راهکارهای مناسبی را جستجو کرد؛ مثل بالا بردن سطح فرهنگ جامعه؛ فرهنگ غنی که ما داریم می تواند از این مشکلات جلوگیری کند. پس می توان نتیجه گرفت که خانواده و یا محیط آموزشی به تنهایی در تربیت فرد اثر ندارد، کودک مدت ۷ سال از عمر خود را در محیطی تحت تأثیر رفتارهای والدین بوده است و شخصیت فردی او شکل گرفته است، اکنون وارد محیط آموزشی می شود، اکنون نقش محیط آموزشی مطرح می شود. باید از این مرحله به بعد، آموزش مدرسه را با خانواده همسو کنیم که کودک دچار دوگانگی رفتار نشود و این از طریق رابطه ی تنگاتنگی بین مربیان و والدین باید برقرار شود، شاید والدین علاقه ای به برقراری رابطه نداشته باشند، این وظیفه ی مربیان آموزشی است که با گذاشتن قوانین و راهبردهای گوناگون، والدین را به مدرسه بیاورند و آنها را در جریان مراحل تربیت فرزندان خود قرار بدهند.

از دیگر راهبردها بالا بردن سطح فرهنگ عمومی جامعه است، که در تربیت فرد خیلی تأثیر دارد. فرهنگ، مجموعه ای از ارزش ها، هنجارها، عقاید و آدابی است که رفتارها و عملکردهای افراد جامعه را جهت می دهد. سلامت و بیماری اخلاقی و اجتماعی افراد جامعه به سلامت و بیماری فرهنگ بستگی دارد. فرهنگ نسبت به جامعه مانند روح به بدن است. اگر هویت فرهنگی را از ملتی بگیرند مانند این است که از یک موجود روح او را گرفته اند و جایگاه فرهنگ آن لحظه روشن می گردد که می بینیم، دشمن درصدد تسخیر آن است و تلاش می کند با استعمار فرهنگی راه سلطه گری و رسیدن به مطامع اقتصادی خود هموار سازد.

خداوند در سوره ی ممتحنه آیه ی ۲ توجه به حيله گيری های دشمن را به مؤمنان یادآوری می فرماید: «ان یتقفوکم یکونوا لکم اعداء و یبسطوا الیکم ایدیهم و الستهم بالسوء و دوا لو تکفرون» هر گاه آنها (دشمنان) بر شما تسلط یابند باز همان دشمن دیرینند (اینک هم) هر چه بتوانند به دست و زبان بر عداوت شما می کوشند و چقدر دوست می دارند که شما باز کافر شوید.» عده ای از اهل لغت معتقدند که در آیه ی شریفه، غلبه فرهنگی مورد نظر است نه غلبه نظامی. چون «یتقفوکم» از واژه ی «ثقافه» است به معنی غالب شدن فرهنگی؛ یعنی اگر دشمن از نظر

فرهنگی بر شما غلبه یابد باز دشمن شماست و شاید دلیل آن هم در خود آیه باشد که منظور غلبه ی فرهنگی است به این معنی که اگر غلبه ای نظامی بود همه می فهمیدند که این دشمن است، ولی در غلبه ی

[صفحه ۴۱۱]

فرهنگی تیرهایی که می زند و مشکلاتی که ایجاد می کند نامرئی است. پیام این آیه این است که اگر دشمن به روی شما خندید باز هم دشمن است، اگر با زبان چرب و نرم به سراغ شما آمد باز دشمن شماست. این خاصیت دشمن است که نخست حرکت فرهنگی می کند و به تدریج قلب ها و فکرها را تسخیر می کنند و سپس به مقاصد شوم خود می رسد.

بنابراین دشمنان انقلاب اسلامی برای محو فرهنگ اسلامی ما برنامه ریزی می کنند و به تعبیر حکیمانه ی مقام معظم رهبری دشمن، دست به شبیخون فرهنگی زده است. در این شبیخون اگر بیدار باشیم پیروزیم و اگر خواب بر ما مسلط شود، شکست خورده ایم. اگر از درون زمینه ی مساعدی برای سلطه ی فرهنگی دشمن فراهم نکنیم، تهاجم فرهنگی بی اثر خواهد بود، ولی اگر از درون بالندگی و مولد بودن فرهنگ خود را از دست بدهیم نیازی به هجوم دشمن نیست، دشمن دعوت می شود، فرهنگ دشمن می آید. هنگامی که می بینیم به تعداد جوانان غیر معنوی اضافه می گردد و به رفتارهای نامطلوب جامعه ی اسلامی افزوده می شود و روح پاکی و قداست در آن ضعیف می شود، باید در موقعیت های خود تردید کنیم. می توان گفت فرهنگ و تجلیات فرهنگی برای بررسی جهت گیری جامعه یک شاخص بسیار مطمئن است.

همراهی رشد علمی و تهذیب نفس

رشد همه جانبه و ضرورت پاکی نفس با تقویت تفکر علمی از اصول اساسی تعلیم و تربیت اسلامی است. فردی که مشغول فعالیت های علمی است و قوانین حاکم بر طبیعت را کشف می کند اگر به تقوا و خداترسی خود نیفزاید، به موجود قدرتمند عصیانگری تبدیل می شود که با ابزار علم قادر است ضربه های مهلکی بر پیکر بشریت وارد کند. تأمل در امور کلی عالم و عملکرد عالمان ضد خدا حتی بی تفاوت به امور معنوی، این نکته را اثبات می کند. ضربات و صدماتی که بشریت از علمای غیر مهذب دیده است از جاهلان ناآگاه ندیده است. اگر در قرآن سوره ی

«شمس» ۱۱ قسم یاد می کند سپس ندای «قد افلح من زکیها» سر می دهد و با «قد خاب من دسیها» انذار می نماید حاکی از همین نکته است.

در این باب فرمایش های امام خمینی (ره) آن قدر تکان دهنده است که با ملاحظه و تأمل در آنها، این ذهنیت قوی در فرد به وجود می آید که حساسیت و بقای همه چیز منوط به تکیه داشتن بر

[صفحه ۴۱۲]

تهذیب نفس است. در میدان های سیاست، اقتصاد، فرهنگ و نظامی گری، عامل پیروزی، مبارزه با نفس است و در همین میدان ها آنچه که قبل از دشمن انسان را به هلاکت می رساند پیروی از هوای نفس است. تأمل در آیه ی «قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها» گویای این نکته است. در کتاب لغت، کلمه ی «دس» را این طور معرفی می کند و «دس الشی» یعنی چیزی را در میان چیزهای دیگر مخفی کرد. بنابراین، فطرت و سرشت انسان وقتی به وسیله ی هواها و نفس پرستی ها پنهان و مخفی گردد دیگر صدای فطرت به گوش آدمی نمی رسد و هواها و نفس پرستی ها انسان را بیچاره می کند.

حضرت امام (ره) هر جا که پرورش علمی جوانان را توصیه می کنند بلافاصله ترکیه ی نفس را یادآور می شوند. «علم تنها فایده ندارد، مضر است. گاهی این باران که رحمت الهی است وقتی که به گل ها می خورد، بوی عطر بلند می شود، وقتی که به جاهای کثیف می خورد بوی کثافت بلند می شود. علم هم همین طور است، اگر در یک قلب تربیت شده علم وارد بشود، عطرش عالم را می گیرد و اگر در یک قلب تربیت نشده یا فاسد، این علم وارد بشود، این فاسد می کند عالم را...» [۸].

در جای دیگر می فرماید:

«اگر شما جوان ها به دنبال تحصیل می روید، دنبال این معنا باشید که یک تصدیقی بگیرید، یک دیپلمی بگیرید و بروید آن را آلت قرار دهید برای استفاده ی مادی خودتان، این همان انحرافی است که آنها می خواهند و اگر شما در مراکز ی که هستید یک ایده ی صحیح داشته باشید و یک غایت صحیح داشته باشید که برای رسیدن به آن غایت مشغول تحصیل باشید و برای رسیدن به آن امری که خدای تبارک و تعالی می خواهد و آن تهذیب نفس و پرستیدن الله و دور کردن همه ی شرک ها و همه ی انحراف ها و همه ی الحادها از خودتان و از مراکزتان، اگر این طور باشد شما پیروز می شوید.» [۲].

در حقیقت انسان برای رشد و کمال به دو بال نیاز دارد. یک بال علم است که کشف قانونمندی های عالم طبیعت و پیروزی بر طبیعت مصداقی از آن است، دیگری ایمان و تهذیب نفس است که همین پیروزی بر «خود» است. اگر انسان نتواند بر خود پیروز شود، پیروزی او در عرصه ی طبیعت زیان بار و

[صفحه ۴۱۳]

فساد آور است.

هر گاه می خواهند که خود را از مسائل دینی راحت کنند مسأله پیشرفت غرب را بیان می کنند، و هنگامی که سخن از غرب و دنیای غرب و ارتباط آن با مذهب می شود، در ذهن پاره ای از مردم این مسأله خطور می کند که غرب دنیایی لامذهب و شاید ضد مذهب است. مذهب ستیزی که در ذهن ما جا افتاده، ریشه ها و ابعاد گوناگونی دارد؛ ولی عمدتاً بعد از تسلط کلیسا بر مردم و حکومت ها و ستیز روشنفکران با کلیسا، مقابله ی مردم و احزاب با کلیسا پیش آمد و این کلیشه جا افتاده که آنچه در غرب می گذرد، «مبارزه با مذهب» یا مذهب ستیزی است. اما فعالیت های مبارزه با مذهب در غرب امروزه مثل گذشته نیست. شدت و قدرت گذشته را ندارد و اگر ما بر مذهب ستیزی غرب امروز هم تأکید داریم، حاصل همان نرسیدن خبرهای تازه و تفسیر اخبار به نفع خویش است. کما اینکه در کشورهای سوسیالیستی و کمونیستی که نیز هفتاد سال با آن مبارزه شد (مبارزه با مذهب به صورت جدی و ریشه دار و عمیق در آنها صورت گرفته است، اکنون مذهب به کلی از میان نرفته است و باورها و اعتقادات مذهبی به صورت خواندن نمازهای پشت صحنه و مخفیانه و نام گذاری ها و مراسم مذهبی پنهانی و بدون اجازه حکومت ادامه پیدا کرده است و حتی این کار در زیر شلاق و شکنجه هم ترک نشده است.

در غرب هم لااقل به دلیل این که فشار حکومت ها و روشنفکران به شدت کشوری کمونیستی نبوده است، خواه ناخواه عده ای بوده اند که تن به حرکت همه گیر مذهب ستیزی نداده اند و حتی تلاش کرده اند که نسل بعد از خود را مذهبی بار بیاورند و این در حالی است که جوانان ما در مهد تمدن و کشوری که از لحاظ اعتقادی و مذهبی بسیار ریشه دار است خود را بی دین جلوه می دهند و از این کار خود بسیار خشنود هستند و احساس می کند که این کار آنها نشان از با فرهنگ بودن آنها است، اگر کسی مطابق اصول رفتاری آنها کاری را انجام نداد، او را از جمع خود طرد می کنند. شاید این عکس العمل ها در غرب مسأله ای نباشد، ولی در ایران ما امری بسیار ناپسند است، زیرا خون شهیدان بسیاری فدای دفاع از مذهب شده است، ما چطور می توانیم آن را نادیده بگیریم، جوانان بسیاری

از دانشگاه ها برای دفاع از ارزش های دینی به جبهه رفتند و جان خود را فدای اعتقادات خود کردند، حالا چطور شده است که اگر کسی وارد دانشگاه می شود سریع علم بی دینی را برمی دارد، و از

[صفحه ۴۱۴]

این کار خود بسیار خشنود می شود. و اگر کسی اعتقادات مذهبی داشت، حریم خود را مشخص کرد باید بی فرهنگ نامیده شود. اینها همگی ناشی از نداشتن یک هویت سالم است. جوانان و نوجوانان ما دچار یک بی هویتی بزرگ شده اند، و آن بی هویتی دینی است.

[۱] صحیفه ی نور، جلد ۱۴، ص ۳.

[۲] صحیفه ی نور، جلد ۱۴، ص ۱۲.

عوامل عدم گرایش جوانان به دین و آداب دینی

در آخر سعی داریم به این نکته پردازیم که چرا دین در میان جوانان ما کم رنگ شده است؟ چرا جوانان از اینکه در صف های نماز جماعت بایستند، احساس شرمندگی می کنند؟ ...

از عوامل مهم تربیتی دینی نسل جوان می توان نقش روحانیون را در جامعه بیان نمود، علت این که روحانیون را مطرح می کنم این است که روحانیون معظم نظریه پردازان جامعه ی ما هستند و بیش از بقیه از آنها انتظار می رود که در توسعه ی تفکر اسلامی بکوشند؛ لذا چند نکته در این باره ذکر می گردد:

- جوانان بیش از هر قشر دیگری مراقب وضع زندگی روحانیت محترم هستند. بزرگسالان بنا به طبع و سنشان، حساسیتی به این که روحانی چگونه زندگی می کند ندارند، لکن جوانان به اقتضای طبعشان آرمانگرا و عدالت خواه هستند، لذا از روحانیت جز تجلی ارزش های والای انقلاب اسلامی انتظار دیگری ندارند. اگر یک روحانی چه در نقش امام جماعت مسجد و چه در نقش یک مسئول مملکتی و چه در نقش های دیگر به اظهارات خود در مورد تقوی و عدالت و انصاف و... عامل نباشد، مطمئنا پیوندی بین او و جوانان برقرار نخواهد شد. می توان گفت درس اخلاق، اصول عقاید و دیگر درس هایی که یک روحانی محترم ارائه می کند، به یک مقدمه نیاز دارد، آن هم «عمل» است، عمل خود او، تا جوان این مقدمه را نخواند و نفهمد وارد متن اصلی نمی شود.

- روحانیت معظم برای جذب و جلب جوانان و هم نوایی با ایشان به شناخت ویژگی ها و روحیات و نیازهای نوجوانان و جوانان نیاز دارند. اگر کار اصلی روحانی در ارتباط با جوان تربیت و رشد دادن است جوان نیز روحیه

ی مرموز و پرمسأله ای دارد، ضروری است درباره ی روانشناسی نوجوان و جوان و تعلیم و تربیت اسلامی نیز اطلاعاتی داشته باشد؛ زیرا بدون آگاهی از علایق و نیازهای نوجوان و جوان نمی توان با آنها هم دل و همه صحبت شد.

- در ارتباط با جوان از سخت گیری در عبادت باید پرهیز کرد، باید با سهولت و آسان گیری در

[صفحه ۴۱۵]

مسائل اخلاقی و عبادی با جوان برخورد نمود، حضرت امام (ره) در کتاب آداب الصلوة اشاره به این دارند که سالک راه خدا باید مانند طیب حاذقی باشد، نبض خود را در ایام سلوک بگیرد و مطابق با وضع حال خود عبادت نماید. در ایام جوانی که ایام اشتغال به شهوات جوانی است، نباید نیازهای طبیعی خود را نادیده بگیرد و در سیر و سلوک افراط کند، بلکه باید به طور مشروع شهوات جوانی را فرو نشاند که این خود به سیر و سلوک او کمک می کند. بنابراین هر قدر روحانیت در رفتار عملی خود، آگاهی از نیازهای جوان و اعتدال در تربیت دینی موفق تر باشد، در هدایت جوان و همدلی با او موفق تر است.

در حقیقت نداشتن یک تربیت دینی صحیح و در عین حال نداشتن یک الگوی درست باعث بروز این رفتارها از سوی جوانان شده است. هنگامی که مسؤولین تربیتی ما سعی نمی کنند که یک الگوی مناسب با روحیات نوجوان به او بدهند، به نظر شما نوجوانان و جوانان ما به چه کاری روی می آورند؟ عوامل عدم اعتقاد مذهبی در جوانان را به دو گروه می توان تقسیم نمود:

۱- عوامل درونی

الف- نیازهای نوجوانان و جوانان

ب- عقاید و باورهای نوجوانان و جوانان

۲- عوامل بیرونی

الف- تقابل تمدن های اسلامی و غربی

ب- بی هویتی فرهنگی

ج- وجود انحرافات اخلاقی در میان جوانان

د- وضع موجود آموزش دینی در مراکز آموزش عالی

عوامل درونی

نیازهای نوجوانان و جوانان

روانشناسان نیازهای انسان را به دو دسته ی نیازهای زیستی و نیازهای روان شناختی تقسیم کرده اند؛ و نیازهای زیستی مانند رفع گرسنگی، تشنگی و نیازهای روانی شناختی مانند نیاز به

[صفحه ۴۱۶]

محبت، نیاز به تعلق خاطر، نیاز به موفقیت، نیاز به آزادی از گناه و ترس، نیاز به شناخته شدن و پذیرفتگی و نیاز به احترام.

هیجان ها و گرایش های متضاد نیز در انسان مانند افسردگی های بی دلیل در لحظه های شادی و غرور در عین خود کم بینی، خودخواهی در عین نوع دوستی، کنجکاوی در عین بی اعتنائی می باشد.

نوجوان به دلیل پایگاه مبهمی که از لحاظ روانی دارد، خود را اغلب با کودکان و اعضای خانواده و افراد جامعه در تعارض عاطفی می بیند، حساسیت نوجوان به مسائل شخصی و جسمی و مانند اینها شدت پیدا می کند. در این دوران فرد به ارزش های جامعه از دیدگاهی جدی تر و نیز انتقادی می نگرد و آنها را تا حد افراط می پذیرد و یا به نحوی شدید نفی می کند. در حقیقت این بی علاقگی به دین از همین دیدهای انتقادی و نکته بینانه است، در حقیقت او فکر می کند که دین پاسخگوی نیازهای او نمی باشد و باید به دنبال راه دیگری باشد که امیال او را پاسخ بدهد، گفتیم که نیازهای جنسی در این دوران بسیار قوی می شود و با توجه با مشکلات موجود در جامعه پاسخ شرعی به این نیازها مشکل می باشد، پس او دین را سدی در مقابل ارضای این نیاز خود می داند و برای اینکه مخالفت خود را بیان کند سعی می کند از اصول دین پیروی نکند، که بهترین راه که همه آن را ب فهمند (و مخالفت او را نشان می دهد) نخواندن نماز است. هنگامی که او یک هویت درست و سالم نداشته باشد این افکار در ذهن او قوت پیدا می کند و در هنگامی که سن او بالاتر می رود بیشتر برای او مورد تأیید قرار می گیرد و هنگامی که از لحاظ علمی بالا می رود و وارد دانشگاه می شود احساس می کند یکی از امیال درونی خود که میل به پیشرفت بوده است پاسخ داده شده است، پس واقعا دیگر نیازی به دین و نماز ندارد. عدم پاسخگویی صحیح به نیازهای نوجوان از سوی خانواده و اجتماع از بروز این اعتقادات می کاهد.

عقاید و باورهای نوجوانان و جوانان

دوران نوجوانی و جوانی آسیب پذیرترین دوره ی زندگی است، که در اکثر کشورهای جهان بیشترین آمار مربوط به تخلفات و انحرافات را به خود اختصاص می دهد. عدم تعادل رشد عقل و احساس در این زمان و نیز تضادهای موجود در موقعیت های تربیتی خانه و مدرسه، با آنچه را که از جامعه دریافت می دارد، برخی اضطراب ها و تنش ها در وجودش می پروراند که تنها کاربرد

[صفحه ۴۱۷]

شیوه های صحیح تربیتی منطبق با نیازهای درونی و روانی خاص این دوران می تواند سبب پیشگیری و دوری از این نابهنجاری ها شود:

- شناخت قوا و استعدادهای خویش و تقویت خودباوری
 - شناخت نیازها و تمایلات واقعی
 - شناخت راه های تقویت اراده و کنترل تمایلات
 - شناخت شیوه های بر طرف ساختن نیازهای درونی
 - آشنایی با واقعیت زندگی
 - آشنایی با هنجارها و نابهنجاری های جامعه و راه های دوری از نابهنجاری ها
 - آشنایی با الگوها و قهرمانان واقعی و انتخاب بهترین الگوها
- با آموزش موارد بالا به نوجوان به او اعتماد به نفس داده می شود، و می فهمد که برای پاسخگویی و شناخت این قوا نیاز به یک پشتیبان قوی دارد، و این پشتیبان چیزی جز دین، و یاد خداوند نمی باشد، با داشتن پایه ی اعتقادی محکم می توان در مقابل تمام تمایلات مقابله کرد و هرگز نماز را مانعی در رسیدن به اهداف علمی و اجتماعی خود نمی داند. و لیکن آموزش این شناخت ها در بین خانواده های ما خیلی کم مورد توجه قرار می گیرد، این فرد با این دیدگاه های درهم وارد اجتماع می شود، آیا فکر می کنید ارگان ها به تنهایی می توانند او را هدایت کنند؟

عوامل بیرونی

اکنون به عوامل بیرونی عدم گرایش نسبت به اعتقادات مذهبی در بین قشر جوان و دانشجوی می پردازیم که می توان مهمترین عامل را همین عوامل بیرونی دانست و از ابتدا هدف این مقاله بوده است.

تقابل تمدن های اسلامی و غربی

عداوت و کینه دیرینه ی رقیبان اسلام، دست اندرکار انزوای اسلام و انحطاط تمدن اسلامی و عقب ماندگی جوامع مسلمان گردید. اولین برخورد دو دین مسیحیت و اسلام از تولد تمدن اسلامی، مصادف با سده های ۷ تا ۹ میلادی بود که منجر به پیروزی تمدن نوپای اسلامی و بسط و گسترش اسلام تا عمق اروپا گردید.

[صفحه ۴۱۸]

سپس به دوران رنسانس در غرب می آییم. در همین دوران، غرب با آغاز رنسانس و کنار زدن قید و بندهای قرون وسطایی و دست برداشتن از دین تحریف شده ای که جز ظلمت و پریشانی، برای غرب تدارک ندیده بود، بنای تمدن غیر دینی را نهاده و انقلاب صنعتی، تحولی بزرگ را بنیاد نهاد. مسلمانان، اسلام را کنار گذاشتند و به فلاکت، گرفتار آمدند و غریبان، دین خود را رها کردند و به توسعه دست یافتند.

به هر حال به دنبال این تغییر و تحولات در هر دو تمدن که یکی منجر به ضعف تمدن اسلامی و دیگری باعث قوت تمدن غربی گردیده بود، حملات وسیعی از طرف غرب، علیه جهان اسلام که اکنون خلع سلاح شده بود، آغاز گردید. این تبلیغات ادامه پیدا کرد تا زمان ما، ولی اسلام پاسخ ندای وحی به فطرت کاوشگر آدمی بود و منطبق با خواسته های ذاتی بشر است در نتیجه، فرهنگ غرب به رغم موضع تهاجمی خویش در قبال تمدن اسلامی، در برابر اسلام، مجبور شد حالتی تدافعی بگیرد تا مانع نفوذ آن در بطن تمدن غیر دینی خود گردد.

اما بعد از رنسانس و در عصر حاضر نیز این تبلیغات منفی با پیشرفت تکنولوژی شکل های پیچیده تری به خود گرفته و با گسترده شدن موج اسلام در جوامع غربی بسیار شدیدتر و وسیع تر گردیده است. به عنوان نمونه ی عینی از فعالیت های اسلام ستیزانه ی غرب، مخدوش جلوه دادن چهره ی آن با انتشار وسیع کتاب «آیات شیطانی» بود. با تمام این تبلیغات اکنون طیف وسیعی از مردم جهان بنا به احتیاج و نیازی که از فطرت آنها نشأت گرفته است؛ به اسلام روی می آورند و موج اسلام خواهی غرب را فرا گرفته است. در حالی که غرب سعی دارد با تهاجم بر افکار

جوانان و نوجوانان ما آنها را از پی بردن به هویت محکم و قوی خود غافل کند، به همین دلیل سعی در شستشوی ذهنی جوانان در دانشگاه ها دارند، با رواج این ذهنیت که دین با مسائل علمی در تضاد است و در حقیقت مانعی در مقابل پیشرفت های علمی می باشد، و اگر پیشرفت دنیای غرب را می بینید به دلیل مقابله ی با دین است. ولی باید دانست که دین اسلام همچون ادیان دیگر نمی باشد، اسلام به تمام نیازهای فرد پاسخ می دهد از سیاست تا نجوم و طب و... پس چگونه است که با داشتن چنین مذهبی نمی توان پیشرفت نمود.

هنگامی که جوانان ما یک هویت شکل گرفته نداشته باشند، مانند بیدی هستند که به هر بادی

[صفحه ۴۱۹]

می لرزند و به هر طرف که استعمارگران بخواهند کشیده می شوند. به بهانه ی پیشرفت علمی و... برای این که بتوانیم جوانانمان را در مقابل این تهاجم ایمنی کنیم باید به آنها یک هویت سالم تزریق کنیم.

نویسنده ی مشهور اروپایی «ولتر» درباره ی دین اسلام در مقایسه با مسیحیت می گوید: «دینی که محمد آورد بی شک از مسیحیت برتر بود. در آیین او هرگز یک مرد یهودی را به خدایی نگرفتند، و یک زن یهودی را مادر خدا نپنداشتند، و یهودیان دیگر را مورد نفرت و کینه ی خویش قرار ندادند. هرگز پیروان آیین او به کفر جنون آمیز مسیحیان دچار نگشتند، و یک خدا را به سه خدا و سه خدا را، یک خدا ندانستند. در آیین او هرگز خدای خود را در زیر دندان ها نجویدند و پروردگار خود را به... نفرستادند. ایمان به خدای یکتا تنها اصل بزرگ آیین محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود.» [۸].

[۸] اسلام از نظر ولتر ص ۹۹.

بی هویتی فرهنگی

در بحث فرهنگ در این مورد بحث کردیم، هنگامی که جوان ما از همان دوران ورود به نوجوانی دچار گم گشتگی هویتی می گردد و کسی نیست که او را هدایت و راهنمایی کند، به هر چیزی چنگال می زند تا هویت خود را پیدا کند، و از این عامل مهاجمان فرهنگی استفاده کرده و هویت او را تسخیر می کنند. به طور مثال، درباره ی بهره گیری از روح، تربیت روح، جداسازی روح از جسم و... کتاب های زیادی هست و طرفداران و پیروان زیادی هم دارند.

«مدی تیشن» MEDITATION که امروزه از غرب به شرق و حتی به ایران هم راه یافته است، نمونه ای از این تهاجم فرهنگی می باشد. یک باره نوعی از عرفان بسیار دست و پا شکسته ای که به گرد عرفان مولوی و حافظ و سهروردی هم نمی رسد، رخ می نماید و مرید و پیروان بسیاری پیدا می کند زیرا که خارق العاده است و غیر علمی و تا حدی مشاهده نشدنی و به نوعی مرتبط با دنیای متافیزیک. اگر ما بیابیم و تبلیغات وسیعی در مورد عرفان حافظ و سهروردی بکنیم مطمئناً جوانان ما به طرف آن بیشتر جلب می شوند. در حقیقت ما کنار نشسته ایم و کاسه ی «چه کنم» به دست گرفته ایم، بی تردید باید با تهاجم فرهنگی غرب مبارزه کرد، باید به پایه ی اعتقادی جوانانمان را محکم کنیم، و فقط از راه تبلیغ مناسب در مورد دین، آثار دین، آثار نماز می شود به نتیجه رسید. در حقیقت از همان وسیله ای که غرب استفاده کرده باید پاسخ او را بدهیم.

[صفحه ۴۲۰]

وجود انحرافات اخلاقی میان جوانان

انحرافات اجتماعی به رفتاری اطلاق می شود که با موازین مورد قبول یک جامعه یا یک گروه ناسازگار است یا به بیان دیگر دارای کارکرد نامناسب و در جهت نقص قواعد یا موازین اجتماعی است. «کوهن» جامعه شناس آلمانی معتقد است که «رفتار انحرافی، رفتاری است که از انتظارات نهادی شده و انتظارات مشترکی که در درون یک نظام اجتماعی مشروع تشخیص داده می شود تخطی کند.»

«فروید» معتقد است علت انحرافات رفتار ناشی از وجود یا تضاد سیاسی بین تمایلات و انگیزه های فردی و تحمیل هایی می باشد که عضویت در یک گروه اجتماعی به همراه دارد.

به طور کلی عوامل اجتماعی گرایش به انحرافات را می توان بدین شرح نام برد.

۱- عوامل زمینه ساز: مانند وجود هر گونه نارسایی یا نابسامانی در ساخت خانواده که اساسی ترین عامل شکل گیری شخصیت انسان است. معمولاً بروز انحرافات و اختلالات رفتاری در نوجوان و جوان نشانگر این مسأله است که تربیت اولیه ی آنها فاقد اصول اخلاقی و منطقی بوده است.

۲- عوامل محرک: این عوامل فرد را در شرایط مساعد برای انحراف قرار می دهند. عوامل محرک کم و بیش در زندگی همه ی نوجوانان و جوانان قرار می گیرد. البته به دام افتادن در آنها و یا گریختن از آنها بستگی به وجود و

یا عدم شرایط مساعدکننده دارد؛ مانند شکست و ناکامی پی در پی و تحقیر در مدرسه و...، با ایجاد عوامل انحرافی بسیار در جامعه امید به اینکه جوانان متدین و پاکی داشته باشیم کار بسیار مشکلی است.

انحرافات اخلاقی در میان قشر جوان به خصوص دانشگاهی بسیار مشاهده می گردد، علت این انحرافات را می توان مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی جامعه دانست، هنگامی که جوان نمی تواند مطابق میل و خواسته ی خود زندگی کند و مجبور به تحمل سختی های فراوان است، هنگامی که مشاهده می کند در آن سوی دنیا برای علم او ارزش قائل هستند و نیازهای مادی او را برطرف می کنند، فکر می کند این مشکل از دین و مذهب اوست، فکر می کند اگر دین نداشت وضعیت اجتماع او این گونه نبود؛ در نتیجه از این که نماز می خواند و یک مسلمان است احساس خستگی می کند، و مدینه ی فاضله ی خود را در جایی غیر از مکان اصلی آن جستجو می کند.

[صفحه ۴۲۱]

وضع موجود آموزش دینی در مراکز آموزش عالی

وضع موجود آموزش دینی در مراکز آموزش عالی، از جهات مختلف و به علل گوناگونی از جمله برنامه، نیروی انسانی، امکانات و عنایات لازم، به هیچ وجه رضایت بخش نیست و اهداف متعالی رشد بعد معنوی دانش آموزان را در حد مطلوب محقق نمی سازد. بدیهی است که اقدامات خاص در دانشگاه های ویژه نیز از شمول کافی برخوردار نیست و نمی تواند مبنای کار و قضاوت عمومی و اصولی قرار گیرد.

اکنون به جز استثنای یاد شده و نیز تربیت یافتگان دامن مادران مؤمنه و پدران آگاه و دلسوز نمی توان مدعی بود که عده ی زیادی از خیل کثیر نوجوانان و جوانان ما از رهگذر دروس دینی و معارف دانشگاهی تربیت می شوند و رشد اخلاقی و اجتماعی می یابند. یکی از علما و اندیشمندان می گوید: «در دین، چیزی هست که باید آموخت

چیزی هست که باید احساس کرد

چیزی هست که باید انتخاب کرد

چیزی هست که باید به جا آورد

چیزی هست که باید به آن تعلق گرفت.»

همان طور که در کلام معصوم (علیه السلام) مندرج در اصول کافی آمده است، دین دارای ابعادی است که در سه محور اساسی اعتقادات، اخلاق و احکام خلاصه می شود و در مطلع این بحث نیز به این نکته توجه کردیم که باید تغییر و اصلاح رفتار دینی جوانان و به تبع بینش قوی و عمل صحیح اخلاقی و اجتماعی جوانان در سه حوزه ی شناخت، «عاطفی و عمل و عادت و به تعبیری ملکه شدن در حوزه ی سوم»، آغاز کرد و انتظار داشت. در حوزه ی عاطفی، از جمله اموری که احساس دانشجویان را بر می انگیزد و شوق ایشان را به جریان می اندازد، مراسم گوناگون توأم با شادی و دعا و نیایش و همچنین دیدار با الگوهای ارزنده و برجسته در حوزه ی عمل و عادت، شرکت در عبادات جمعی، همچون نماز جماعت، عیادت از بیماران و... می باشد. برای وصول به اهداف تربیت دینی نوجوانان و جوانان در صورت اجرای صحیح آن می توان از

[صفحه ۴۲۲]

تمام ارگان ها و نهادهای اطلاع رسانی عمومی استفاده نمود، و البته نباید منتظر پاسخ سریع آن باشیم، تا ما بتوانیم جوانان خود را از این مسیر نادرست که مهاجمان، ایشان را در آن قرار داده اند به مسیر درست هدایت کنیم و این کار زمان بسیاری خواهد برد، تا ان شاء الله بتوانیم شاهد رشد و توسعه ی اخلاقی و اجتماعی در ایشان باشیم.

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی

همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی.

«و من الله التوفیق»